

# نویسند

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱ - دی ماه ۱۳۵۴

## طبقه کارگر ایران پیامی خیزد

و اثری گیرد. و هنوز هم سر و  
نشسته ه امواج بعد و فراموشی  
اشبارم بوط به اصحابات و لغو اید  
کارگری به مطبوعات فراموشی و روانی  
تصویرین های د پلانی که چسز  
بفرد صفحه ۲

آهنگ مبارزات و اصحابات  
کارگری را ایران این روزها از نویسی  
می گیرد. امواج اصحاب طری و ضم  
محیطی و غشطان میگی پس از  
دیگری کارگاه ها و کارخانجات

سر مقاله

## یک ضرورت

مدرسه و رانی زندگی می کنیم کشفه  
عطفی در تمامی تاریخ انسان است و  
باکد او از سر مایه در روی سوسیالیسم  
از جوامع طبقاتی به جامعه بدون  
طبقه و طرخ از بهره کشی و ستم  
مشخص می شود. این دوران که از  
انقلاب کبیر سوسیالیستی انگیز  
آغاز شده دوران پیداری خلق ملی  
فروریختن نظام ستمگراستی  
امپریالیسم و تحولات و انقلابات  
اجتماعی است.

امروزه ما شاهد رشد فزاینده  
سوسیالیسم در تمامی جهان هستیم  
که هم اکنون یک سوم بشریت را از  
اسارت و بردگی اجتماعی و اقتصادی  
آزاد کرده و ناقص حرکت امپریالیسم  
لوتجیح راه صد ادرا آورد می رود  
تا برجم داد گستر خود را در سراسر  
جهان به اهتزاز در آورد. در  
چنین دورانی است که رژیم های  
پوسیده و ارتجاعی یکی پس از دیگری  
ساقط می شوند و خلق های باکی پس  
از دیگری سر نوشت خود را به  
دست می گیرند. و بی نام و لایوس  
کامیج همیشه مهرتغال و . . . .  
نمونه های از این روند به دست  
داد مانده. اما هنوز رژیم های  
فاشیست و خونریزی نظیر رژیم های  
فرانکود و اسپانیا به پینوشه در شیلی  
نصری در سودان و شاه در ایران  
وجود دارند و نرننگه بازمانده ماضی  
نیستند. آن هابه گذشته  
تعلق دارند و ناگزیر عرشان تا  
همین امروز و فردا است.

بفرد صفحه ۲

## سیاست خارجی رژیم ملی شاه

در این روزها در ارتباط با طلبا گسترش  
جنگ کثیف واحد های ایرانی در ظاهر  
و جنالی که رژیم برای بد ارتکب کرده  
این جنگ و امتداد و امتنان به جنبه  
دیوکرانیک خلقی بهن بهرامند افته  
سیاست خارجی کشور ما امکاناتی که  
برای پیش گرفتن و دنبال کردن سیاست  
خارجی سالپسازند موجود است در  
مرکز توجه وسیع ترین ساحل سیاسی  
کشور مخصوصا در ارتش و افسران  
فرار دارد.

ما در این مقاله نظر خود را بر این  
را در باره سیاست خارجی سالم و  
طبی مطرح می کنیم و در این متن به  
نظریات و به اصطلاح تئوری های  
سیاست خارجی رژیم نگاه می  
می اندازیم.

نخستین مطلبی که در باره  
سیاست خارجی کشور می توان گفت  
این است که ما چنان امکاناتی برای  
تعقیب سیاست خارجی سالپساز  
صاحبجوانه و در نتیجه برای نامیرین  
بهترین شرایط و تکامل نموده  
جانبه در اختیار داریم که نظیر  
آنرا کمتر می توان یافت. کشور ما  
در حال حاضر با هیچ یک از  
صاحبان گوش  
بفرد صفحه ۲

## در این شماره

- ۱- طبقه کارگر ایران بهما می خیزد
- ۲- سیاست خارجی ایران به ما چه میدهد
- ۳- نظری به فرمان شاه و لایحه دولتی به اصطلاح گسترش مالکیت واحد های تولیدی
- ۴- پیام پانزدهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بهزند انبیا سیاسی
- ۵- پیام پانزدهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به اصحاب و سازمان های های دیوکرانیک جهان در دفاع از زند انبیا سیاسی
- ۶- ضرورت تشدید مبارزه علیه امپریالیسم
- ۷- موقعیت آمیزش و پرورش برای ایران و راه تکامل آن
- ۸- نامه تنیته کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ورتنام
- ۹- سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دیوکرانیک ورتنام
- ۱۰- استاد پریمه شیلی
- ۱۱- نجوم و تخریب خانه های مردم توسط جمال رژیم شاه
- ۱۲- رویدادها





صنایع ساده و آبیعی. صنایع باخون و باروت در می آید. با این برخورد های اجتناب ناپذیر زحمتکش درمی یابند که برای تغییر اساسی شرایط کار و به وجود آوردن شرایط یک زندگی انسانی برای خود منه فقط با کارفرما، بلکه مهم تر از آن با جمعی رژیم رویرو هستند. این روندی است آگاهی بخش که مبارزات صنفی را به سوی مبارزات سیاسی سوق می دهد و پسرولتاریا را به درک این حقیقت ابدی و قانونمند سوق می دهد که جز با تشکیل درحزب خویش و آمیختن مبارزات صنفی با مبارزات سیاسی مرامی در پیش پای او باز نیست. یا باید برده باشد، یا برای پاره کردن زنجیرهای بردگی، در برابر سازمان وسیع و پهن استعمار و ماشین پرده رتلتی آن، از حمایت و نیروی پیش برنده سازمان سیاسی خود برخوردار باشد. تحقق حزب طراز نهم طبقه کارگر، چیزی که باید این طبقه را برای در هم شکستن نظام استعمار و برقراری جهانی عادل و بی کینه و جنک توانا سازد، با درک این واقعیت آغاز می شود. از این رو است که هر اعتصاب کارگری صرف نظر از دستاورد های صنفی خویش و شکست ها و پیروزی های مرحله ای آن، از دیدگاه انقلاب یک پیروزی است. در هر اعتصاب یک شکل و وحدت است و در هر وحدت علی یک بازیابی و کشف دوباره خود. در چنین متنی است که باید به بررسی و ارزیابی اعتصابات روز افزون کارگری ایران بپردازیم و از آن بسامونیم و به آن بسامونیم. و این آموزش های تجربی و علی را در جریان فعالیت های سیاسی و انقلابی به کار گیریم. نخستین و بدیهی ترین درسی که اعتصابات زحمتکش ایران و به خصوص پرولتاریا - در روند اوج گیر و فزاینده خود - در پیش روی ما می نهد، خط بطلانی است بر تئوری های خود ساخته و غیر علمی که به سبب دیدگاه تنگ نظرانه خرده بورژوازی و ایمان آن، رسالت تاریخی طبقه کارگر را با الفاظ توخالی، اما به ظاهر خوش آب و رنگ انقلابی، مورد توهین قرار می دهد. راست های چپ نامیستی مائوئیست ها که بی تابی و جوشش و تحرک درونی و تضادات پرولتاریای ایران را نمی بینند و یا نمی خوانند بینند، هنوز با این دعوی کهنه به میدان می آیند که صدای انقلاب را باید از روستاها شنید. آن ها در تقلید کورکورانه از این تئوری خشک و پیش ساخته، تا آنجا پیش رفته اند که این اصل اساسی مارکسیستی - لنینیستی را زیر پا می گذارند که برای تعیین مسیر حرکت هر جنبش انقلابی و تشخیص

نیروهای اصلی و ذخیره آن، باید دید نیز تحول در کدام نقطه جامعه میزند، یا تند تری زند، بر شهر یا روستا؟ تکامل اجتماعی جامعه به کدام مرحله رسیده و طبقات اصلی اجتماع با چه کیفیت و در کجا مستقر هستند؟ انقلابی ترین یعنی رشد یابنده ترین طبقه ای که موم ترین خواست های سیاسی و اقتصادی را مطرح می کند کدام است؟ اگر این راست های چپ ناما، صحیحیت انقلابی و چشم باز و بی غرض برای دیدن و فهمیدن داشته ها و گز کارگران انقلابی ایران را که متحرک و انقلابی بودن خود را هر روز با وضوح و قطعیت بیشتری نشان می دهند و به خدمت فراوان خویش را برای پیشبرد تحول جامعه به اثبات رسانند، نادیده نمی انگاشتنند و با توجه به پروسه رشد این طبقه، آن را تحتالشعاع خرده بورژوازی روستا قرار نمی دهند. تعداد کارگران ایران در شهر و ده اینک از مرز ۳ میلیون گذشته. آمار کارگران صنعتی مستقر در واحدهای بزرگ کار و یا به عبارت دیگر پرولتاریای صنعتی مدتی است که از مرز ۳۰۰ هزار فراتر رفته است. این رشد همچنان ادامه دارد و جهت حرکت جامعه ما را می نمایاند و نقش قاطع کارگران را در عرصه های اجتماعی و سیاسی تاکید می کند. اما چپ های دیگری هم هستند که از بس چپ می روند، تنها با چشم چپ به دنیا می نگرند و همه چیز را به اصطلاح چپ اندر قیچی می بینند. گروهی که اتفاقاً حسن نیت بیشتری دارند و عناصر فداکار، وطن خواه و پر شور در میان آن ها فراوان است، از منطبق افراطی دیگری پیروی می کنند که در نهایت به همان منطبق گروه اول می رسد. این تاهدی اند که در شرایط مهیب ترین حکومت شکنجه و ترور و تعقیب و جنبش های خود به خود طبقه کارگر نمی تواند به وجود بیاورد و اگر احیاناً چنین جنبش هایی در عرصه ای محدود و متزلزل پدید آید، جز این که طعمه ای برای دندان های درنده ساواک باشد، سرنوشت دیگری ندارد. اما پاسخ دندان شکن این خیالبافی ها و زنی گری ها حرکت پهلوانی و مداوم طبقه کارگر ایران است که چون غولی شکست ناپذیر برخاسته و پایه زمین می کوبد و از هم اکنون در نمای بی تردید تیردهای - پیروزمند آینده خود را تصویر می کند.

چپ رومبا با برداشت های غیر مارکسیستی، یا درست تر بگوئیم ضد مارکسیستی خود جهت گیری مسیر نیروی حرکت روشنفکر انقلابی را به بیراه - می کنند و به جای این که او را به سوی پرولتاریا این نیرومند ترین اراده انقلابی، سوق دهند و درست

او تفنگ می‌گذارند و از پروتاریا و دیگر توده‌های  
 زحمتکش جدا این می‌سازند. اینان با این پندار که  
 نه در انطباق فعالیت‌های خود با شرایط طبیعی جامعه  
 بلکه با جاذبه قهرمانی‌ها و فدائگاری‌های سروری  
 پروتاریا را برای رزم‌های اساسی و نهایی به‌درد  
 آماده‌کنند و پیشانی‌نگ را در شرایط نامعنا و در  
 نبرد ناپایدار به درگیری وارد دارند و قربانسی  
 می‌کنند، درحالی که به این توجیه آزمون شده لنینی  
 عطا می‌نمایند که وظیفه روشنفکر انقلابی برودن  
 تئوری انقلابی به میان طبقه کارگر و آشنا کردن این  
 طبقه با جهان بینی تئوریک طبقاتی خودش و آگاهی  
 به رسالت تاریخی گرانمایه‌ای است که این جهان بینی  
 راهگشای آن است. روشنفکر انقلابی مادام که  
 پروتاریا از صورت طبقه‌ای درخورد به صورت طبقه‌ای  
 برای خود در نیامده و با تشکل در حزب سیاسی  
 خودش به خود به مثابه یک طبقه با نقش اجتماعی  
 و سیاسی فعال و تعیین‌کننده تکیه کرده است -  
 وظیفه مند است به فضا و محیط پرولتری نفوذ کند و  
 این طبقه را یاری دهد تا از دوره فعالیت‌های  
 محدود و کم اثر صنفی فراتر رود و پا به میدان  
 مبارزات سیاسی بگذارد. تاهی نقش‌خلاقه و سازنده  
 روشنفکر انقلابی در پر شرف‌ترین شکل خود کله به  
 تعلیق چنین روندی است. اما آن‌ها که از ناآگاهی و  
 عجز خود در یافتن راه‌نمود در میان کارگران و -  
 شیوه‌های صلبی نزدیک به این طبقه و قانون و تئوری  
 ساختمانده جز این که با این قانون بی‌پشتوانه و  
 این تئوری‌های ذهنی و فاهد اصالت مدرسیسر  
 انقلاب سنگ بیندازند یا حداقل نیروهای ارزنده  
 انقلابی را به هیز بکشند و نه ناپودی بسپارند خدمت  
 دیگری انجام نمی‌دهند. این رهنمود پراچ لنینس  
 بزرگ را از یاد نبریم که:

گمیل پیشاننگ تنها به نبرد عظیم و مادام‌که  
 تمام طبقه و توده‌های وسیع مومخ پستیانی مستقیم از  
 پیشاننگ یا لااقل مومخ بیطرفی خیر اندیشانه‌ای را  
 نسبت به‌ی در پیش‌نگرفته و ناتوانی کامل خود را در -  
 پستیانی از دشمن وی نشان نداده‌اند نه تنها  
 صفات بلکه جنایت خواهد بود. و اما برای این که  
 واقعا تمام طبقه و توده‌های وسیع زحمتکش تحت‌ستم  
 سرمایه‌چنین مومخی را در پیش‌گیرند ترویج و تبلیغ  
 تنها کافی نیست. برای این کار تجربه سیاسی خود  
 این توده‌ها لازم است. چنین است قانون اساسی  
 گلبه انقلاب‌های کبیر..."

اما پاسخ آن دوستان و مبارزانی که جنبش‌های  
 خود به خود طبقه کارگر و ارتقای آن را به سطح

سیاسی و در شرایط موجود ایران نامکن می‌دانند  
 رشد روز افزون حرکت‌های اعتراضی و احتصاب  
 و تظاهرات کارگری به اشکال متنوع آن است که تقابل  
 از محدودی و حمایت دیگر توده‌های زحمتکش برقرار  
 است:

اگر قرار بود هر نیزه و اختیای در تحولات جا  
 نقش اساسی و تعیین‌کننده را بازی کند، اینسک  
 محیط کارگری ایران باید تنها گویان ساکن و سروری  
 می‌بود که در پهنای آن نه صدای به‌گوش می‌رسید  
 و نه حرکتی مشهود بود. اما واقعیت خلاف این  
 تصور را نشان می‌دهد. هرچه مقدار سوزیزه‌ها بیشتر  
 شده‌اند هر فشارها افزوده شده، زندان‌های تازه  
 پا گردیده، جلادان و دوشیمان بیشتری به کار گرفته  
 شده‌اند همچنین‌های حق‌طلبانه کارگری ایران گسترش  
 زبات‌تری یافته و حقوق و فزای فزین تری گرفته است.  
 این پدیده نبود بخش را در روند خودش به‌بینم  
 و ایمان به‌ایم که طبقه کارگر ایران علی‌رغم  
 تبلیغات و جار و جنجال‌های فریبنده و توخالی و  
 کوس و کرنای کرکننده مداحان و مطولیان بی‌شوم‌روم،  
 به عنوان طبقه‌ای که روز به روز بیشتر به رسالت تاریخی  
 خود واقف می‌شود، فعالانه گام در عرصه سیاسی و  
 اجتماعی می‌نهد و برگرد حزب توده ایران به مثابه  
 ستاد و سنکر اصلی و تنها حزب از آب و آتش گذشته  
 خود حلقه می‌زند. احمای وسیع سازمان‌های حزب -  
 توده که به معنای شروع مرحله‌کلی نوبی در حیات  
 سیاسی و اجتماعی ماست، بدینسان آغاز شده است.

تم آغشته به خون،  
 خون از این سینه بران شده دیگرگون  
 کوله بار پریشانت، چوب پرچم در دست  
 با همه خستگی و خونریزی،  
 با همه درد که می‌پیچد از آن برخوش،  
 با همه پاس که صحراست به آن آلوده،  
 پیش می‌آیم می‌آیم پیش.

## راد یو پیگ ایران

ارگان حزب توده، حزب طبقه کارگر ایران است.  
 یک ایران را گوش کنید و شنیدن آن را به دوستان  
 و آشنایان خود توصیه نمائید.  
 یک ایران همه روزه در و نوبت به زبان فارسی برناه  
 بخش میکند: نوبت اول از ساعت ۷ و نوبت دوم از  
 ساعت ۸/۵۰ بعد از ظهر و هر روز احوال ۲۷۲۵  
 و ۳۱ متر

سیاست خارجی... حقیقه از صفحه ۱

صنعت مورد تلافی و کسب نمی دارد و همه مرزهای ما در قرار دادهای دو جانبه و بین المللی تعیین و تثبیت شده و هیچ کس نسبت به ایران ادعای لطمه ندارد. مصابه شرقی ما افغانستان هرگز برای ما دشواری ایجاد نکرده، پاکستان با ایران روابط - دوستانه ای دارد، همچنین مناسبات ترکیه و ایران نیز دوستانه است و این دو کشور اخیر که عضو ستیز هستند اگر به فرض حال از جانب محافل امپریالیستی هم تحریک شوند در حال حاضر قادر به ایجاد - دشواری خاصی نیستند و کشور ما با ایجاد مناسبات سالمی می تواند به دوستی آنان و بالا ایل به بی مورد ماندن آنان مطمئن شود. مناسبات ما با عراق که چندین سال از آن کوهی از دشواری ها ساخته بودند آسان تر از آنچه که گمان می رفت رهبر شده و از آن جا که عراق علاقه به رشد اقتصادی طی خودش و درگیر با دشواری های تحمل رشد است و بالاتر از آن به دلیل این که جمهوری عراقی سیاست خارجی ضد امپریالیستی را دنبال می کند ما می توانیم روابط خود را با عراق بر مبنای سالم و دراز مدتی استوار کنیم.

طولانی ترین مرز ما، مرز شمالی با اتحاد شوروی است که به معنای واقعی کلمه مرز صلح و دوستی است، نه تنها مرز صلح و دوستی است، بلکه وجود آن مناسب ترین شرایط را به وجود می آورد که کشور ما از ماجراها به دور بماند و بتواند همه انرژی و نیروی خود را صرف رشد و سازندگی می ریزی بنیادهای سالم و مستحکم در سیر تکامل کند. کشور شوروی سال ها است سیاست صلح و همزیستی صلح آمیز را اعلام و اجرا کرده و مرزهای ایران بارها از جانب امپریالیست ها برای تحریک و تجاوز علیه شوروی به کار گرفته شده، اما اتحاد شوروی سیاست همزیستی و صلح آمیز را از دست نداده و برای گسترش مناسبات صلح آمیز با کشور ما از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. سیاست صلح و همزیستی سلامت آمیز که اتحاد شوروی در مقیاس جهانی تعقیب می کند در زمان ما پس از فراز و نشیب های فراوان و از طریق مهار کردن متجاوزترین محافل امپریالیستی موفقیت های چشمگیری به دست آورده و سیاست تشنج زدایی در مقیاس جهانی دارد جای افتد. کشورهای اروپایی بنا به پیشنهاد اتحاد شوروی و با کوشش مداوم و پیگیر این دولت چندین پیش در هلستینکی به دور میزی - نشستند و قرار داد امنیت جمعی اروپا را امضا کردند، مرز های موجود را به رسمیت شناختند و راه را برای

گسترش با زحم بیشتر مناسبات صلح آمیز گشودند. همین است که سیاست صلح و دوستی که اتحاد شوروی تعقیب می کند بر خصایگان این کشور نیز تأثیر می گذارد و در مصابه شمالی شوروی در اروپا، فنلاند و سوئد، از زمره معدود کشورهای جهانند که در واقع دشواری سیاست خارجی ندارند. کشور دیگری دو غرب اتحاد شوروی و هم مرز کشورهای سوسیالیستی اروپا یعنی - المجرش از این واقعه است که فاضل در دهه نیا می باشد و سوسیالیسم قرار گرفته استوار کرده و سیاست خارجی بی طرفی را پذیرفته و عملاً از ایجاد کشمکش و تشنج خارج شده است و حتی آلمان غربی که در سال های پس از جنگ جهانی دوم مدت ها اسیر توهمات و نفرت های تلافی جویانه بود و به طوطه اوم در تشنج به سر می برد اینک به دست سیاستمداران داخلی واقعهت جهان را پذیرفته و زندگی صلح آمیز در کنار کشورهای سوسیالیستی را در محیط جنگ سرد به نفع خود نیافته و موفق شده است محیط بالنبه سالمی بر اطراف خودش به وجود آورد و روابط خود را با همسایگان گسترش دهد. نه تنها آلمان بلختری بلکه همسایگان در کنفرانس امنیت هلستینکی به صورت استقرار مناسبات سالم و صلح جویانه و به امکان گسترش روابط بین کشورهای وابسته به نظام های مختلف احترام کردند و بر آن صحنه گذاشتند.

آیا هم این واقعهت ها نشانهای آغاز پایان عصر جنگ سرد و دوران تازه ای از مناسبات جهانی و همکاری بین کشورهای نیست؟ آیا هم ایرانی می تواند از نظارتی که دارد و صرف نظر از این که نظام سوسیالیستی شوروی را تا چه حدی می پذیرد و یا نمی پذیرد نباید به این واقعهت بیندیشد؟ ما در واقع بر سر دروازه بهشت و جهنم قرار داریم. اگر از این سیاست افسار گسیخته و تحریک کننده نظافتگری دست بکشیم و ثروت های ملی را به جای ریختن در جیب امپریالیست های فارتسگر و توطئه گر در جهت پیشبرد منافع خود ما به کار ببریم و سیاستی منطبق با مصالح عالی ملی خویش در پیش بگیریم، راه زندگی صلح آمیز و امنیت تضمین شده را به روی خود می گشاییم. و اگر به روش ناممقول و ضد ملی کنونی و نوکری امپریالیسم ادامه دهیم، در معرض این خطر واقعی قرار خواهیم داشت که ماجراجوترین محافل امپریالیستی منافع ملی ما را وجه انحصار هدف های خویش قرار دهند و به طور دائم محیط سیاسی تشنج و جنگ سرد را در کشور ما بگسترانند که حداقل زبان آن مانند تکامل و به کسی بالاتر جنگ و ویرانی است. اتحاد شوروی پیشنهاد می کند که در آسیا نیز نظام امنیت جمعی به وجود آید یعنی این اصل اساسی



مورد پذیرش واقعی دولت ما قرار گیرد که تعاضل -  
 ارضی همه کشورها مستقیم است ، هر کشور حاکم بر  
 سرزشت و تعیین کننده امور داخلی خویش است ،  
 مسائل سیاسی باید از طریق سیاسی و نه از راهزور  
 حل شود و مناسبات صلح آمیز اقتصادی ، بازرگانی  
 و فرهنگی گسترش یابد و تقاضای متقابل ، صورت  
 وظیفهای برای دولت صادر آید .

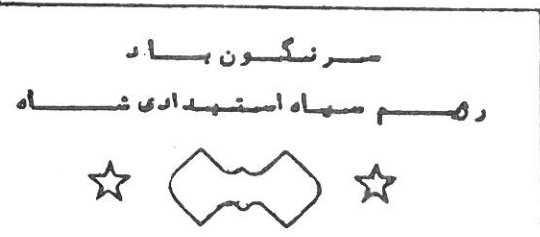
حزب توده ایران معتقد است که تهران می تواند  
 به یک معنا ، مسینگ آسینا شود . کشور ایران برای  
 داشتن امنیت تضمین شده به جای این که سیاست  
 خارجی ماجراجویانه ای را دنبال کند ، و به صورت  
 وابسته منطقه و زائده نظامی و اقتصادی و سیاسی  
 امپریالیسم ظاهر شود ، باید به پیروی از یک منشی  
 امنیتی و تقاضای بپردازد . اما چنین سیاستی به  
 مذاق شاه سازگار نیست .

برخلاف ادعای شاه جهان ما نه به سوی بی  
 اعتباری قراردادها بلکه به سوی استحکام قراردادها  
 و توافق نامی می رود که در جهت صلح و امنیت طول  
 باشد . دوران جنف سرد صبری شده و دولت های  
 جهان پیش از پیش متوجه می شوند که از راه جمع آوری  
 نمی توان به امنیت دست یافت . توافق بر سر امنیت  
 جمعی در اروپا نمونه روشنی است . وقتی از شاه  
 می پرسند که اگر قراردادها مستبر نیست ، آیا واقعا  
 تنها و به ابتکار نیروی صلح خویش سیاست ماجراجویا  
 خود را دنبال می کند ، پاسخ می دهد که نه اسلحه  
 برای ما در حکم قتل پشت دراست . این قتل بر  
 مواقع خیار به ما امکان می دهد آن قدر قارم کنیم  
 تا دوستان امریکایی مان به ککمان بشتانند .

ولی عجیب آن که شاه درست برعکس ادعای خود  
 عمل می کند و فکری کند گویا مرکز ثقل جهان است و بدین  
 کمترین احساس مسئولیت دست خود را در هرگونه  
 شرارتی باز می گذارد و گمان می کند که از هر مجازات  
 مصون می ماند . در این جهان چشم چنانیت بار شاه که  
 حاضر است جهان را به آتش بکشد و هم تزلزل اراده  
 او آنکاراست . برخلاف تصور شاه حتی مرتجع ترین  
 محافظ امریکایی هم می دانند که رژیم او آینده ای  
 ندارد و برای شاه در عرصه شانج سیاست جهانی  
 نقشی بین از پیاده قائل نیستند ، پیاده های که شماره  
 آماده اند در لحظه مناسب و به خاطر منافع شخصی  
 خویش آن را قربانی کنند . برخی از روزنامه نگاران  
 خارجی توید خود را از سرانجام نزدیک و بی دورنما  
 سیاست کور شاه پنهان نمی کنند و این عنصر بی  
 مسئولیت را برای حقا منافع دراز مدت خود خطرناک  
 می دانند .

شاهی گوید که من نمی دانم چه هستم . و با این  
 کلام تپی نغز شاهانه به خود حق می دهد که علیه  
 خلق ظفار و به خواست امپریالیسم انگلیس و امریکاه  
 جوانان ایران را در ظفار قربانی کند ، در بحرین دست  
 به تحریک بزند ، به امریکا در ایران پایگاه های نظامی  
 بدهد ، ثروت های ملی را به زیر پای امپریالیسم  
 بریزد و منطقه را الحظه ای از توطئه و دسیسه چینی  
 آسوده نگذارد . در حال حاضر پنجاه کاخ نیا ایران  
 مستقیما به امریکا باز می شود . شاه و آنچه ما و امریکایی  
 های او ایران را به پایگاه تجاویز امپریالیسم  
 تبدیل می کنند . شاه تهدید می کند که اگر من دست  
 بزنید جنگ سوم اتورا آغاز می کنم و تمام کشور را به  
 آتشی کشانم و یک ایرانی را زنده نخواهم گذاشت !  
 چنانچه می بینید کشور ما به منافی واقعی  
 گفته بر سر دوراهی بهشت و جهنم قرار گرفته است  
 ما امکان داریم که از امنیت کامل و تضمین شده ای -  
 برخوردار باشیم و منافع خود را در سرتاسر سرزمین  
 خویش حفظ کنیم و با خیال راحت راه رشد و تکامل  
 سریع را پیمائیم . اما حکومت استبدادی شاه ما را به  
 سوی جهنم سوق می دهد . این حکومت و حکومت  
 ایرانی نیست ، در بیان امریکا در ایران است و کلید در  
 اندام امریکا امپریالیستی نفت است . این حکومت به  
 جای منافع ملی و صالح عالیه مردم ایران دواخواه  
 بقای امپریالیسم است و کینه های طبقاتی بیگانگان  
 را که اسیر توهمات خویشند پایه سیاست خارجی  
 قرار داده است . این سیاست هم اکنون به بهای جان  
 صدها سرباز و افسر ایرانی در عمان و به بهای اتلاف  
 مقادیر عظیم درآمد ملی در نظامیگری و گسترش نفوذ و  
 حضور نظامی امریکا در ایران تمام شده و پایان آن  
 اگر گفته خود شاه را باور کنیم فاجعه است .

آیا فاجعه را نمی خواهیم یا امنیت ملی تضمین  
 شده را ؟ این است پرسش بزرگی که در برابر ایرانیان  
 قرار دارد . حزب توده ایران هوادار امنیت ملی تضمین  
 شده است . ما پیشنهاد می کنیم که حکومت جنایتکار  
 شاه را که در بیان امپریالیسم است براندازیم و سیاست  
 واقعاتی و صلح جویانه ای پیشه کنیم . این راه به روی  
 کشور ما باز است . این فرصت را نباید از دست داد .



## فرمان شاه و گسترش مالکیت واحدهای تولیدی

لايه گند و بی سرمتای که به نام لایحه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تدوین شده بود از مصوب دولت گذشت و بعد دولت از تیار اندک موافق نیازمندیها خوش و تناسب قوای درین جهت حاکمه تصمیماتی درباره شرکت های سهامی موسسات تولیدی اتخاذ کند. هدفی تمرکز مالکیت سرمایه در دست افراد - محدودتر و باز کردن راه دخالت مردم بیشتر در برابر این موسسات است که زیر نام در زمین گسترش مالکیت انجام می گیرد. در این بحث هدف ها و نتایج اجتماعی و اقتصادی اجرای این لایحه را بررسی می کنیم.

اولین شرکت سهامی قریب چهارصد سال پیش پدید آمد و از گسترش سریع شرکت های سهامی در اروپا و آمریکا پیش از صد سال می گذرد. نکاتی که به طور گفک و ناروشن در فرمان شاه و لایحه قانونی دولت گنجانده شده اینک در ما سال است که در کشورهای سرمایه داری به مثابه یک امر عادی اقتصادی سرمایه داری ملاحظه می شود و لذا به در - فرمان شاه و نه در لایحه دولت نکته تازه ای جز تکرار اقدامات سرمایه داران سایر کشورها موجود نیست. با این حال در تصمیم شاه یک نکته به اصطلاح ایرانی وجود دارد و آن این که شاه می خواهد امرهای تاسیس و گسترش شرکت های سهامی و خرید و فروش سهام آن علما نیز بجهت امر غیرعادی و متکی به زور و قدری بدل کند. کلید درک ماهیت تصمیم شاه را نیز باید در همین جست .

باید دید چرا شرکت های سهامی در کشور ما به طور عادی گسترش نمی یابد که شاه می خواهد آن را بازو تحمیل کند و اگر به فرض بتوان این امر اقتصادی را به زور پیشبرد نتیجه آن چه خواهد بود. تاسیس شرکت های سهامی و خرید و فروش سهام آن در کشورها با چندین دشواری روبرو بود. مهم ترین دشواری اقتصادی کمی سرمایه - پس انداز در دست قشرهای وسیع مردم است. و مهم ترین دشواری سیاسی و قضایی نبودن امنیت هم برای خریداران سهام و هم برای صاحبان اصلی شرکت ها بود.

در کشورها چنان که می دانیم توده وسیع مردم بسیار فقیرند و اگر احمیانا قشر کوچکی از مردم متوسط الحال پس اندازی داشته باشند در فکر خریدن خانه ای مسکونی و راهی از اجاره اند است. پول قابل ملاحظه ای در دست مردم نیست تا سرمایه داران بزرگ به قصد جمع آوری آن در اندیشه ایجاد شرکت های

سهامی بایند. اما شرکت های سهامی تنی در فنی ترین کشورهای سرمایه داری نظیر ایالات متحده آمریکا نیز توده مردم را در نمی گیرد و تمام تبلیغاتی که پیرامین " سرمایه داری خلقی " و غیره می شود بی پایه است. در آن کشورها نیز کار اصلی شرکت های سهامی عام عبارتست از جمع آوری سرمایه های کوچک تر در تحت سرمایه داران بزرگ. در ایران امروز برای ایجاد این نوع شرکت های سهامی شاید زمینه کوچک اقتصادی موجود باشد اما زمینه سیاسی و قضایی موجود نیست. زیرا سرمایه دار بزرگ و نه سرمایه دار کوچک از بلائی که ممکن است بر سرمایه داران به ویژه از شاه و خانواده سلطنتی و مقامات صاحب نفوذ پلیس و ارتش می ترسند و از ترس آن ها شرکت سهامی عام تشکیل نمی دهند، چرا که در چنین صورتی شاه و سایر مقامات صاحب نفوذ می توانند با خریدن چندین سهم از یک شرکت خود را در همه امور آن دخیل سازند و دشواری های زندگی به وجود آورند. از این جا است که سرمایه داران - ایرانی و حتی بزرگترین آن ها معمولاً ترجیح می دهند که شرکت های سهامی بسته و یا به اصطلاح خاص تشکیل دهند و سهام خود را بفروشند. این سرمایه داران اگر مطمئن می بودند که سهام شرکت آن ها را سرمایه داران کوچک و افراد متوسط الحال خواهند خریدند یا لایح اگر اطمینان داشتند که در کشور قانونی و حساب و کتابی در کار است البته بدون این که لازم باشد کسی به آن ها زور بگوید و قانون و فرمان به نا نشان بنویسد خود با کمال میل سهم منتشر می کردند و پول های آزاد را در دست خود جمع می کردند. اما آنان اطمینانی به قانون ندارند و می دانند که در دست مردم پول زیادی موجود نیست و اگر سهام را عرضه کنند فلان دلال عمایونی و بافلان - قدرالدیوان سازمان اضتی ده سهم از هزار سهم را می خرد و از فردا خود را همه کاره شرکت می داند. لذا آنان شرکت خاص می سازند تا سدی در مقابل این گونه دخالت ها بسازند. اولین و مهم ترین هدف شاه از صدور فرمان و تنظیم لایحه به اصطلاح گسترش مالکیت نیز شکستن این سد است. شرکت های سهامی تولیدی طبق قانون موظف به فروش بخشی از سهام خویش اند تا دست دلال های شامشهرام باز باشد. از این حیث روشن شاه شهادت فراوانی به روز پدرش دارد، با این تفاوت که وی نفوذ دلال ها



و همگان را مجبور به فروش املاکشان می کرد و یعنی آن  
 ما را به زهر فصب می نمود و هم در شاه کمال خیرا  
 از فوایدال بودن تهیه کرده همه سوی " تمدن بزرگ "  
 می رود. البت سهام شرکت های سرمایه داری است  
 الزام به فروش سهام شرکت ها تنها دست -  
 شاه را در دخالت در امر آن ها بازمی کند بلکه -  
 برای سایر سرمایه داران بزرگ و از جمله سرمایه داران  
 خارجی و به ویژه بانک های مصلحت فرمستی به  
 وجود می آورد که به شرکت های کوچک تر چنگ بیندازند.  
 در کشورهای بزرگ سرمایه داری که شرکت های سهامی  
 شکل اصلی سازمانی و حقوقی موسسات اقتصادی  
 آن ها است و ثابت شده است که سرمایه دار بزرگ  
 با در دست داشتن ده تا پانزده درصد از سهام  
 یک شرکت کوچک می تواند اختیار آن راه دست  
 گیرد. مثلا راکنظرها پیش از سیصد شرکت سهامی  
 را تحت کنترل مطلق خود دارند در حالی که در این  
 شرکت ها معمولا بیش از ده تا بیست درصد -  
 سرمایه ندارند. قدرت راکنظرها و سایر سرمایه داران  
 بزرگ نیز در همین جا است. آنان معمولا اختیار  
 سرمایه های را که ده برابر سرمایه خود آن ها است به  
 دست دارند. برای به دست گرفتن اختیار شرکت ها  
 با خرید ده تا پانزده درصد سهام آن ها امر صعب  
 اقتصادی وجود دارد. اما اگر در کشوری علاوه بر  
 انجمن های اقتصادی و انجمن های سیاسی نیز  
 موجود باشد چه بسا بتوان اختیار شرکتی را با خریدن  
 کمتر از پنج درصد سهام آن به دست آورد. مثلا  
 در ایران کافی است که شاه یا اقرب کتواز پنج درصد  
 سهام شرکتی را داشته باشند تا تمام شرکت و مال خود  
 بدانند. فرمان شاه و لایحه های که بر مبنای آن تدوین  
 شده ظاهرا لایحه گرفتن مالکیت موسسات تولیدی  
 نامیده می شود طی در واقع همین لایحه به قصد تمرکز  
 مالکیت این موسسات در دست بزرگترین سرمایه داران  
 و مأموران دربار تنظیم شده.  
 اصولا شرکت سهامی برای تمرکز سرمایه به  
 وجود می آید. سرمایه های کوچک جمع می شوند تا سرمایه  
 بزرگی به وجود آورند. و از آن جا که اختیار  
 شرکت در دست بزرگترین سهام داران است در عمل  
 این سرمایه بزرگ در دست چند تن محدود متمرکز  
 می شود. هدف از تدوین این لایحه نیز عبارت از کمک  
 به تمرکز هرچه بیشتر مالکیت سرمایه وسیع هرچه -  
 سریع تر به سوی انحصار است. در این امر چندین  
 بابت بزرگ مبتدیان. قهقند تا نقش اساسی ایفا خواهند  
 کرد. درباره کارگران که گفته می شود با اجرای قانون

صاحب سهام خواهند شد، باید بگوئیم که هم اکنون  
 سرمایه داران بزرگ سهام چندین موسسه را وارد  
 بورس کرده اند اگر کارگری پول داشته باشد خرید  
 سهام داشته باشد می تواند آن را بخرد. اما  
 اکنون چنین کسی پیدا نشده است. کارگران  
 که غذای آن ها تثبیت می کولا است و آن هم گران  
 تمام می شود و نمی توانند سهم بخرند. در قانون  
 آمده است که دولت با ایجاد یک سازمان ملی که  
 مبالغ عظیمی از بودجه دولت را در اختیار خواهد  
 گرفت به کارگران وام خواهد داد تا سهام خریداری  
 کنند. اگر چنین کاری به الزام ملی شود تنها نتیجه  
 وارد کردن کارگران برای مدتی نامعلوم و وابسته  
 ساختن به موسساتی است که به آن به همکاری محدود  
 ایجاد نمی کارگروا بسته و جلوگیری از سیلان  
 نیروی کار و جلوگیری از کارگرانی است که هر بار  
 صدایشان در آمد صدها و اشان به گردش بیافتد.  
 در آئین نامه های که دولت تدوین کرده امکان انتشار  
 سهام انجمنی پیش بینی شده است و در نتیجه  
 سرمایه داران صاحب شرکت امکان یافتند که مالکیت  
 موجود خود را بیش از بهای اصلی آن تسهیم کرده و  
 به جای سهم ده که کفزد بفرشند و اختلاف محاسبه  
 راه جیب مبارک بپزند. تجربه سایر کشورهای  
 سرمایه داری و که شاه فتولات آن را به عنوان  
 راه حل خالص ایرانی تجویز می کند و نشان می دهد  
 که طبقه کارگر قادر نیست سهام دار سرمایه دار  
 شود و اگر تصادفا کارگری منشی می خورد فرد مجبور  
 به فروشی آن است. این تجربه در کشور ما تلخی  
 بیشتری تکرار خواهد شد، چرا که در کشور ما اصولا  
 قانون و حساب و کتابی در کار نیست. به گفته  
 رسمی انصاری وزیر اقتصاد، از پنجاه هزار شرکت  
 سهامی فقط پنج هزار شرکت مالیات می دهند و  
 چهار و پنج هزار شرکت مدعی آنند که زیان داده اند.  
 در چنین کشوری تکلیف کارگر روشن است. و اگر بپرض  
 دولت به نام او سهمی بخرد و به زور پول آن را  
 از گشیش بیرون بکشد و در اولین فرصت آقای  
 سرمایه دار اعزام می کند که شرکت خیر کرده و این  
 وسیله ای است برای بالا کشیدن سهم کارگر. به  
 علاوه در حالت عادی یعنی بدون حقه بازی نیز  
 همواره احتمال نوسان بهای فروش وجود دارد. در  
 کشوری که استخوانبندی اقتصادی آن محکم نیست،  
 به سادگی ممکن است بهای سهامی این آید و  
 سهام داران کوچک مجبور شوند سهم خود را به بهای  
 نازکی به بزرگترین بفرشند. در این صورت تمرکز

سرنگونی رژیم سلطنت، استقرار جمهوری دموکراتیک و ملی در کشور ما، به عنوان تحول بنیادی در جامعه ایران و سمت گیری تکامل سوسیالیستی آنرا پیش بینی می کند.

ما در این پنجم همچنین اوضاع جهان و ایران در لحظه حاضر و سرنگونی رژیم استبدادی صدرزما شاهی را به عنوان نخستین گام در راه انجام حرکتی تحولی مترقی بررسی نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که سرنگونی این رژیم جابر نیروی است که پانزدهم ستم و بنیادی تناسب نیروها در صحنه جهانی به سود صلح و سوسیالیسم، و پاکسازی مردمپنشن مبارزات مردم ایران به امکان واقعی بدل می شود. امری که با خود شما آسیر نشده است، سنگر نبرد با فراسیدن مداوم نیروهای تازه نفس پرمیوش سازمان های انقلابی رشد می کنند، گروههای مبارزکی پس از دیگری پدید می آیند. شیوه های درست نبرد نبرد انقلابی رشد می کنند، گروه های مبارزکی پس از دیگری پدید می آیند. شیوه های درست و پرتسر نبرد انقلابی پیش از پیش جای افتد. جنبش انقلابی ایران دوران فریاد را پشت سر می گذارد تابه سوی انقلابی نوینی پیش رود.

اگر اتحاد عمل نیروهای ضد رژیم، و قتل از همه اتحاد عمل نیروهای انقلابی ایران تا این شود، جنبش انقلابی با سرعت بیشتری رشد خواهد کرد و شتراسیط سیاسی فراهم خواهد شد تا انقلاب ایران پس از سرنگونی رژیم در نیمه راه نماند، و با کمک های مطمئن تری به سوی پیشرفت های هرچه قاطع تر پیش رود.

پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب بود ما ایران وظیفه را در برابر همه ارگان های مسئول حزب و همه اعضاء حزب قرار داد که با تمام قواي خویش برای تامین چنین اتحاد عملی بکوشند و متعصب با شرایط و امکانات واقعی، و با توجه به ماهیت ابقاتی حرکت از نیروهای سازمان های گوناگون انقلابی این اتحاد را به درجات گوناگونی از وحدت و یگانگی ارتقا دهند.

ماي خواهیم سازمان های حزب بود ما ایران گسترش باید و تحکیم شود، همه مارکسیست لنینیست های اصل رواقعی به تفاهم متقابل و یگانگی سازمانی دست یابند، همه نیروهای مترقی جامعه ایران در زیر پرچم مشترکی متحد شوند و همه نیروهایی که برای برداشتن حتی يك گام مثبت آمادگی دارند برای سرنگونی رژیم بسیج گردند.

رفتی عزیز، دوستان مبارز (ما) می دانیم که شما در پشت دیوارهای زندان بیروت اتحاد و عمل نیروهای مترقی - ضد رژیم را با پوست و گوشت خود

مالکیت سرمایه که بعد از احلی فرمان شاه است به اور کامل تری اجرا خواهد شد. ماهی های بزرگ ماهی های کوچک را خواهند بلعید.

در لایحه دولت واگذاری بخشی از بودجه دولت و فروش نود و نه درصد سهام کلر خانجانات دولتی به سرمایه داران در نظر گرفته شده است. ظاهراً صحبت از فروش آن ها به کنزگران است اما همه می دانند که آن دسته از کارخانه های دولتی که واقعا سود آورند و به این اژنی پول نقدی که دولت از بودجه خود به این بکار اختصاص می دهد و آینده نزدیکی به گا و صندوق شاه، درباریان و سایر گردن کلفت های نظام شاهنشاهی ولرد خواهد شد.

این ها درست همان جنبه های به اصطلاح ایرانی است که شاه به روش مائو هادی سرمایه داران بزرگ جهان افزوده است. در پایان بحث باید نکته را یاد آوری کنیم و آن این که همه آن چه که گفتم مربوط به زمانی است که فرمان شاه ب لایحه دولت اجرا شود. ولی تجربه نشان می دهد که فرمان های کتبی شاه معمولاً غیر قابل اجراست، مگر فرمان های شکنجه و اعدام که گمانیم منظمی برای آن ها فراهم است.

### پیام به زندانیان سیاسی

رفقای عزیز، دوستان مبارز! پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران از صمیم قلب به شما درود می فرستد. اسارت شما فرزندان راستین خلق در زندان های شاه تجسم اراده مردم آزاده ایران است که نمی خواهند در اسارت بمانند. بانف رسای شما مدت ها است که دیوارهای زندان ما را شکافته، از مرزهای ایران گذشته و در سراسر جهان طنین افکن شده است. رفیق که دوستانه جان و شکنجه کرده ما، هزار زندانی سیاسی ترقی خواه است حق حیات ندارد.

رفقای عزیز، دوستان مبارز! پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران که با سکوت به شما شهیدان و همزمان از دست رفته، و یاد رود به زندانیان سیاسی کلر خود را آغاز کرد برای بررسی و اتخاذ تصمیم پیرامون يك رشته از مهم ترین مسائل انقلاب ایران گرد آمد. ما در این پنجم طرح برنامه حزب توده ایران را تصویب کردیم. این برنامه پس از تحلیل عمیق و علمی جامعه ایران، بیروت -

به همکاران‌های مسئول حزبی ما بصورت داد تاپک بار دیگر همه امکانات را بررسی کنند و کارزار دفاع از زندانیان سیاسی را با زحم بیشتر گسترش دهند.

رفقای عزیزه! دوستان مبارز! ما اطمینان داریم که جوانی شجاع در پشت دیوارهای زندان نخواهد پیسید و برخلاف میل رژیم فتنه پرور ایران که دشمن فضیلت‌های انسانی است، اندیشه خلاق، انسروی جوشان و عزت‌ساز شما برای خدمت به خلق ناآباد محبوس نخواهد ماند. شما عزیزان خلق‌های ایرانید، خانواده‌های زجر دیده و چشم به راه شما زیر سایه محبت و حمایت همه خلقی‌اند. مردی که امروز قلب و احساس انسانی خود را به پای شما ریخته‌اند، فردا درهای زندان‌ها را خواهند گشود و شما را در آغوش خویش خواهند فشرد. شما جای شایسته خود را در ساختمان ایرانی آزاد و آباد بگیرید.

درد آتشین به زندانیان سیاسی ایران  
برقرار باد اتحاد پیکارجوی همه نیروهای انقلابی ایران  
سرتنگین باد رژیم سياه استبدادی شاه

همام به احزاب و سازمانهای دموکراتیک جهان در

## دفاع از زندانیان سیاسی

رژیم استبدادی ایران که سال‌هاست بر مردم کشور ما تحمیل شده، و با ایجاد محیط ترور و اختناق هرگونه آزادی را از مردم ایران سلب و حقوق انسانی آن‌ها را پامال کرده، اخیراً در سرکوب‌نیروهای مخالف و ایراد فشارها و وحشیانه به زندانیان سیاسی وارد مرحله نهایی شده است. به جرات می‌توان گفت که شیوه‌های اساسی رژیم دیکتاتوری ایران برای سرکوب و خفه کردن هرگونه صدای اعتراض علیه بیدادگری‌های آن همانند پست‌ترین شیوه‌های فاشیستی رژیم هیتلر در آلمان و وان تیر در وقتام جنوبی و پینوشه بر شیلی بوده است.

بودن و سر به نیست کردن انسان‌ها، محکوم کردن بی‌گناهان در محاکم در بسته نظامی، بدون مراعات کمترین اصول قضایی، اعدام و زندانی کردن، شکنجه دادن و تنگ احترام خانواده‌های زندانیان در مقابل چشم آن‌ها، شکنجه فرزندان در حضور پدران و مادران نمونه‌هایی از این گونه شیوه‌های فاشیستی است که رژیم ایران بدست‌سازمان چنان پیکار بی‌نام‌سوار علیه همه کسانی که به این بی‌عدالتی‌ها به نحو سازماندهی اعتراض کنند به کار می‌برد. هم اکنون ده‌ها هزار نفر

احساس می‌کنند که چنین اتحادی را در صفوف خویش در داخل زندان به وجود می‌آورند و برای گسترش آن در خارج زندان نیز می‌کوشند. شهدای قهرمانی نظیر حکمت جو، گسرخ، دانشیان، تیزابی، گروه جزئی - سرمدی و بده‌ها نفر دیگر از زندانیان شهید که با استواری انقلابی و پاک‌ی بلورین خویش حماسه آفریننده در راه اتحاد نیروهای انقلابی به قصد سرنگون کردن رژیم و ابراه هرچه قاطع‌تر انقلاب ایران می‌ریخته‌اند، و هم اکنون نیز آگاه‌ترین روشن-بین ترین زندانیان سیاسی در همین راه می‌ریزند.

حزب توده ایران تا آن جا که در نیروی او است برای تامین تفاهم متقابل میان نیروهای انقلابی و برای از میان برداشتن موانعی که در سر راه اتحاد عمل این نیروها وجود دارد کوشیده و خواهد کوشید.

رفقای عزیز، خواهران و برادران زندانی مردم سیاه حاکم پر کشور ما تعداد زندانیان سیاسی را منتشر نمی‌سازد. زندانیان سیاسی و حتی زندانی‌های سیاسی را از چشم مردمان پنهان می‌دارد. می‌کوشد تا رابطه زندان را با جهان خارج قطع کند و دست خود را در انجام هر جنبیتی علیه زندانیان سیاسی با بگذارد. اما پیوند شما با مردم ایران و با همه مردم آزاده جهان ناگسستی است. نغمه‌های زندان‌ها گاه به بهای جان‌های مبارزین به خارج از زندان می‌رسد و با کلف همه عناصر متوقی در سرتاسر جهان انتشار می‌یابد. اینک افکار عمومی مردم متوقی جهان از وضع زندان‌های سیاسی ایران و از فشارهای تحمیل‌شده بر آن‌ها که به شما وارد می‌شود باخبر است. بسیاری از مردم جهان می‌دانند که در زندان‌ها عا ایران زنان باردار در کنار دوشیزگان نوس و پیران در کنار جوانان و روشنگران در صف کارگران به طرز حیوانی و وحشیانه شکنجه می‌شوند و زجر می‌بینند و طی رژیم همه این زجرها قهرمانانه می‌ریزند.

باید ارنی شما خواهران و برادران پیکارجوی همام بخش همه مبارزین ایران به است سر بلند می‌خلق‌های ما است. نفرت همه انسان‌های شریف جهان متوجه این رژیم و محبت بی پایان آنان منوجه شما است. کارزار جهانی برای دفاع از شما، برای قطع هرگونه شکنجه و تامین رفتار قانونی و انسانی با شما و برای آزادی همه زندانیان سیاسی ایران گسترش می‌یابد. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و پیش‌گسوت شهیدان و زجر دیده‌ان زندان‌های شاه، همواره در این کارزار جهانی فعالانه شرکت داشته‌ برای سازمان دادن هرچه وسیع‌تر آن‌ها تمام توان کوشید ما است. پانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران



از قدرهای گوناگون اجتماعی، از زن و مرد و باطنی و  
تکرهای مذلت به اتهام عدالت خواهی و دفاع از  
حقیق انسانی و تدنی شود در پیشوایان زندان  
ما نیز شکجه ما هرمان انگیز و ولنگ با خطر  
مرک و نابودی روبرو هستند.

تنها مخالفان سیاسی رژیم آماج خون ریزیها  
و وحشیگری های او نیستند بلکه همه کسانی که  
به دفاع از منافع منطقی و اقتصادی خود برخیزند  
نیز بی رحمانه سرکوب می شوند. در سال های اخیر  
شاید اقدامات بدمشانه رژیم علیه کارگران و زندانیان  
هستیم که به علت گرانی روزافزون زندگی و پائین  
بودن سطح دستمزد ۱۸ درصد اجرای قانون های دولتی  
کار و بیمه های اجتماعی، ممالک محاقه خود را طرد  
کرده و ناچار به اعتصاب شده اند. در تمام این موارد  
ماهوران ساواک می مانند لرم و پلیس اعتصاب کنندگان  
را به خاک و خون کشیده، همه زبانی از کارگران و  
فعالین آن ها را دستگیر و زندانی و صدای آن ها را  
در گلو خفه کردند.

پس از نود درصد از زندانیان سیاسی با هیچ گونه  
حکومت دادگانی ندارند و با اگر هم حکومت استبدادی  
درمان آن پادشاه یافته و طی به دستور مستقیم شاه  
دیکتاتور فاشیست ایران، همچنان زندانی اند. به  
فرمان شاه پادشاه برخلاف وجدانی و عرفان خود آن  
چه را که ساواک به آن ها بگفته می کند در برابر و  
تلفظین و صلح جویی که تشکیل می دهند بازگو کنند و  
این که در زندان ها می مانند تا مرگ از شکجه و عذاب  
جنازه آن ها را از این سیاست جال عالی آزاد سازد. در این  
بارد کهن ترین دلیل اظهارات محمد شاه در صلحیه  
هایش با مشهوران جزایه خارجی و در سخنرانی های  
رادیویی او برای مردم ایران است.

اوه تصمیم خصومت را به نابود کردن همه اعتراض  
کنندگان به رژیم به روشنی بیان کرده است و بر اساس  
چنین تصمیمی است که دادستان گل ارتش ایران می پورده  
دیروز هزاران هزار زندانی اعلام نموده که آن دسته  
از زندانیانی که جوان هستند و قدرتی دارند باید آن قدر  
در زندان می مانند تا پیر و طبل و فرسوده شوند و  
سپس از زندان آزاد گردند و دسته دیگری که نسبتاً  
سالخورده هستند آن قدر می مانند تا جنازه آنان از  
زندان خارج شود.

بسیارند میهن پرستان که در حال است در  
زندان تا گرفتار عذاب و شکنجه هستند. و همان طور  
که دادستان ارتش می گوید از لحاظ جسمی پیر و طبل  
شده اند. برای نمونه اساسی رفقای چون علی خاوری و  
غیر کمیته مرکزی حزب توده ایران و صفر قهرمانی و

همان خبری به تلی کی منس و محمد علی موسوی و درینما  
شلتکی را ذکر می کنیم. سالیان دراز است که این  
مردان با ایمان گرفتار انواع آزارها هستند و از زندانی  
به زندان دیگر برده می شوند و دیگر جوانی و تند رستی  
خود را از دست داده اند. درونر دیگر از اعضای حزب  
توده ایران و رفقا صابر محمد زاده و عادل و محمد  
به ترحیب و تاسه حال از پادشاه محکومیت شان می گوید  
و هنوز آزاد نشده اند. این پیدا کردی با تمهائست  
به اعضای حزب توده ایران نیست بلکه سرپاره همه  
زندانیان سیاسی ایران اصل می شود. نمونه آن  
رفقای جعفری و گوهری، شرفی و فریدون پانزاد  
و مرتضای فر هستند که در این محکومیت شان در  
است شهری شده و باز هم چون دیگران زندانی اند.  
لکن دیگر رژیم ایران به این اندازه ازشکجه  
گری هم هستند نکرده و از این سزایم فراتر رفته  
است. به دستور شاه و بر پایه اندرز گلشناسان  
آرگن امریکایی و بیتام جنسی که در ساواک به خدمت  
شاه گمرستاند و جنایتکاری با به اوج خود رسانده و  
به نابودی گروهی زندانیان سیاسی آغاز کرده اند.  
جریان از این قرار است که طبق نظر شاه این زندانیان  
را به گروه های بخش کردند و بر حسب درجه اهمیت از  
نظر رژیم با وسایل گوناگون و به عنوان ساختگی  
در خانه در جاهای دوری که آرگن اختصاصی  
داشته و یکی پس از دیگری نابودی کنند و حتی جنازه  
آنان را به خانواده های که از بام ناشام جلو برد.  
زندان ها در انتظار گرفتن خبری از بستگان زندانی  
خود هستند نمی دهند. مادر این جا نام یک گروه سه  
نفری از این زندانیان را که در اسفند ماه اخیر مارس  
(۲۵) زیر عنوان مسخره قصد فرارها گوله انبای در آرزوی  
ذکر می کنیم:

بهین جزئی و شمعوف گل نشوی، عباس سوکسی و  
حسن ظریفی و عزیز سوری، صطفی جوان خوشدل و  
احمد جلیل افشار، محمد طویان زاده و کاظم  
ذوالانوار.

هدف این توطئه جدید از یک سو نابود کردن  
مخالفان رژیم و واژسوی دیگر کم کردن شمار زندانیان  
سیاسی و باز کردن جا برای نمایان تازه ای است  
که از سازمان شاه از دانشگاه ها از مراکز مذهبی و  
از کوه ها و خیابان ها مانند سیل به این زندان  
ها و زخمی و نیمه جان روانه می شوند. فقط در یک  
ماه ونیم اخیر دانشگاه های ایران و مدارس و بنی  
شهرت می قم و چند شهر دیگر شاهد صحنه های  
خونینی از این گونه جنایتکاری ها بوده اند. در حوادثی  
که در این شهرها رخ داده و ده ها نفر کشته شده

ضرورت نشده است

### مبارزه علیه امپریالیسم

مبارزه ضد امپریالیسم و کوشش برای محدود کردن نفوذ امپریالیسم و استعمار نو در ایران یکی از عناصر اصلی مبارزه برای ساقط کردن رژیم ضد خلقی و ضد ملی کنونی است و چرا که بی تردید نقطه نظام دیکتاتوری سلطنتی در ایران افزار اجرای سیاست نواستعماری امپریالیسم در چین ماست و بلکه در همین حال - امپریالیسم و ارتجاع بین المللی تکیه گاه های اصلی رژیم ضد ملی و ضد خلقی کنونی را تشکیل می دهند. بنابراین مبارزه برای سرنگون کردن رژیم استبداد سلطنتی در ایران با مبارزه ضد امپریالیسم و ضد استعماری پیوندی ناگسستنی دارد. از یک طرف امپریالیسم با استفاده از سیاست خائنانانه رژیم تمام مواضع حساس نظامی سیاسی و اقتصادی را در کشور ما اشغال می کنند و ثروت های ملی را مارتارت می نمایند و از طرف دیگر خود شاه برای این که با اصطلاح - دوستان را در حفظ تاج و تختش زینفع کند و روز به روز امکانات بیشتری برای توسعه نفوذ و سیادت امپریالیسم در تمام شئون کشور فراهم می کند. اینک نه تنها ضایع نفتی میهن ما که مهم ترین سرچشمه عایدات کشور است علاوه بر دست انحصارات فارتگر خارجی است و بلکه سرمایه های امپریالیستی بسیاری از رشته های حیات اقتصادی میهن ما را در تمام زمینه های صنعتی، معدنی، بانکی کشاورزی و غیره کنترل می کنند.

و اما آنچه که حزب توده ایران در لحظه کنونی روی آن تکیه می کند آنست که از نظر بین المللی شرایط مساعدی برای گسترش مبارزه ضد امپریالیسم و قطع نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در میهن ما وجود دارد. تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی به سود نیروهای صلح و سوسیالیسم و به زیان - امپریالیسم و استعمار نو به مقدار زیادی امکانات این جهانخواران را برای ابراد فشار خلقی و دخالت آشکار در امور داخلی دیگر کشورها محدود کرده است. بنابراین همکاری در مقیاس جهانی برای مبارزه در عرصه های مختلف امپریالیستی در جریان است که تاکنون موفقیت های بزرگی کسب کرده. فارتگری امپریالیست ها روز به روز بیشتر افشاء می شود و این اندیشه درست مارکسیستی - لنینیستی که ملل جهان باید از حقوق برابر برخوردار باشند به طور روز افزونی در مناسبات جهانی رسوخ می کند.

موفقیت های کشورهای نفت خیز در مبارزه علیه

فترت زحمی و سپس زندانی شده اند. این ها نمونه هایی است از افعال رژیم ترور و اختلاس در ایران. تاکنون چندین بار نمایندگان از طرف سازمان های بین المللی مانند حقوق انان و موکرات سازمان بین المللی حقوق کیسینوف بشری و شخصیت های برجسته قضایی برای دیدن اوضاع از نزدیک به ایران آمده اند که با وجود انواع مشکلاتی که حکومت ایران برای یونانیدن واقعت در جلوی آن ها فراهم آورده در گزارش های وجود ترور و اختناق و شکنجه و بی عدالتی ها را تأیید و گزارش های خود را در نشریات معتبر جهان انتشار داده اند.

پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران با افشاء این همه جنایات و فجایع طول انگیز و فلام خطر مرگ برای هزاران نفر از فرزندان میهن ما که گاهی جز حلقه به آزادی و عدالت و استقلال ملی ندارند از تمام نیروها و مترقی جهان از سازمان های دموکراتیک بین المللی و از کمیته احزاب مترقی و از سازمان بین المللی حقوق و وابسته به سازمان ملل متحد و آرکسیس و حقوق بشر وابسته به همین سازمان و از آقای والد هام و دیگر سازمان ملل متحد و از شخصیت های علمی و ادبی و فرهنگی جهان و از همه می طلبد که به یاری زندانیان سیاسی ایران برخیزند و برای نجات جان آن ها از تراکمی که سعی توانند خود را در نوزند و به مردم ایران در دفاع از حقوق انسانی خود یاری رسانند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از میهن پرستان کشور رنجکش خودمان و از کمیته نیروهای متحدین و دیکتاتوری و قطع نظر از اختلاف نظرهای سیاسی آن ها خواستار است که در صف وحدی طیف این همصورتان یاری و برای نجات جان خواهران و برادران هم میهن خود و از هر گروه و دسته ای که هستند مبارزه کنند.

### واد یوپیک ایران

ارگان مرکزی حزب توده ایران و وجدان بیدار گنیه نیروهای است که در راه آزادی و استقلال رفاه و پیشرفت کشور ما علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند.

دوستان و همکاران را گوش کنید و شنیدن را به همه دوستان و آشنایان خود توصیه نمائید و کاری کنید که همه کس این مطلب را بداند که بیک ایران همه روزه در دونیت از ساعت ۷ و از ساعت ۸ / ۵۰ بعد از ظهر بروی امواج ۲۵ و ۲۶ و ۳۱ متر به زبان فارسی برنامه پخش میکند.



موضوعیت

# آموزش و پرورش در ایران

## وراه تکامل آن

چنانچه از آموزش و پرورش در ایران چنان تاریخ و حزن انگیز است که هر ایرانی همین پرستی را متاثر می کند. بااستناد به آمارهای دولتی ما هم اکنون در برابر این واقعیت قرار گرفته ایم که از بیش از هشت میلیون کودک ایرانی که در سن تحصیلی ۶ تا ۱۱ سال قرار دارند تنها نیمی از آن ها به مدرسه می روند. از این عدد تنها بین ۴۰ تا ۴ درصد دوره کوتاه پنج ساله ابتدایی را پایان می دهند، فقط ۱۷ تا ۲۰ درصد دوره های بعد از دبیرستان را می بینند و کمتر از ۲ درصد کل دانش آموزان دبیرستان ها امکان می یابند بای به دانشگاه و مدارس عالی بپردازند.

نا برابری، تبعیض و بی عدالتی آشکار در بهره گیری از آموزش در همه مراحل آن، شکل طبقاتی آموزش، - مدعا و موانع بی شماری که در راه دسترسی به آموزش و به ویژه ادامه آن در برابر فرزندان خانواده های محنت کش و کم درآمد کشور ایجاد شده است، موانع و موانع مکرر و مکرر در آموزش و پرورش، همگانی شدن و امکان کردن آن را بدان معنای دسترسی به آموزش از آغاز تا پایان بهره روی یکسان از آن برای همه کودکان و جوانان در شهرها و روستاها مکن کرده، به طور جدی مطرح می سازد.

نظام آموزشی حاکم نه تنها عقب مانده، ارتجاعی و برده پرور است، این آموزش نه تنها پاسخگوی نیاز های حال و آینده کشور نیست، بلکه امکان دسترسی به آن و حرکت بر نودمان لغزنده آن، جز برای - مدعیان معدود، برای اکثریت کودکان و جوانان همین مادشوار است. باید به اندازه کافی پیل داشته توانا بود، تا از صفت خوان آموزش عبور کرد. در این نوبت آفرین بیستم، در این هنگام که انقلاب وسیع علمی و فنی با سرعت و بی توقفی در همه زمینه های زندگی کشور می یابد، الگوهای نیست تغییر می کند و مفهوم خواست ها در گون می شود، این واقعیت که ما هم اکنون با سپاهی بی شمار از مردمی سوا با آموزش ناچاری، ارتجاعی و طبقاتی، از آغاز تا پایان به روبرو هستیم چون انگیز است کاروان آموزشی ما کند و بی هدفی حرکت می کند، فاصله ما از دانش معاصر، از دستاوردهای علم و فن روز به روز زیادتر می شود. آراه تاریخ در انتظار رسیدن ما نایستاده است. فاصله ما با جهان مرفهی و پیشرفته هر روز بیشتر می شود. در کشور ما شکل آموزش، هدف آن، اگر مدعی برای آن قائل شویم، با واقعیت زمان، با

کاربل بین الطلی نفت و دولت های امپریالیستی مدافع آن یکی از بهترین نمونه ها است. دولت های عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت از نظر سیاسی واجتماعی همگن نیستند. عدای از آن ها را تصد های ارتباطی و وابستگی محکمی به امپریالیست ها می بندد با این حال اولی ریز به ریز پیش می رود. امپریالیست ها گاه صلا و رسا کشورهای نفت خیز را به دخالت نظامی و اشغال میدان های نفتی تهدید می کنند اما نتیجه ای نمی گیرند چرا که روان این تهدیدها گذشته و محیط جدیدی در مناسبات بین الطلی پدید آمده است که شاخص اصلی آن تقوی نیروهای متحد امپریالیست و صلحجو است.

قدرت ریز افزاین اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و سیاست صلحجویانه بیکر آن ها را گسترش بهار از منطقه کارگرو طبل اسیر عامل اصلی بیدایش این محیط جدید است به محیطی که به سوی تخفیف تشنج می رود و علی رغم نوسان هایی که در امر سیاست طبیعی است، هرگز پیوستگی نهی بی زاری مبارزین ضد امپریالیست به همراهی آورد.

بدین جهت شرایط بسیار مساعدی برای جلب مردم به پیکار طبقه سیادت اقتصادی و نظامی سیاسی امپریالیست ها در مین ما، و به ویژه تسلط آن ها بر منابع نفتی و دیگر مواد خام، صنایع، معادن و کشاورزی، و همچنین تبدیل ارتش به زاهد ارتش های استعماری وجود دارد.

لزم مبارزه برای حفظ استقلال و خاکبیت ملی برای قشرهای وسیعی از املی قابل درک است. از سوی دیگر شرایط مساعد بین الطلی هم اجاز می دهد که برای قطع سیاست نو استعماری امپریالیسم در مین خود مبارزه کنیم. به خصوص دست فارتگر آن ها را از منابع نفتی خود کوتاه کنیم.

مبارزه برای خروج ایران از پیمان استعماری سنتو، از پیمان دو بیانه با آمریکا و قبل از همه مبارزه برای خروج سربازان ایرانی از عمان که در کنار نیروهای انگلیسی و امریکایی به خاطر منافع امپریالیسم گشته می شوند، دست کشیدن از نژادگیری و اتذاد سیاست دوستی و حسن همجواری با صایگان می توانست اکثریت نزدیک به اطلاق مردم مین ما را به خود جلب کند.

### سرنگونی رژیم استبدادی

خدمت ملی و خد خلق شاه  
شرط مهم هرگونه پیشرفت جامعه ما

ارزش های ملی، با امکانات و نیازهای امروز و فردای جامعه ما انطباق ندارد. سرمایه گذاری در آموزش ناچیز است و کمیت و کیفیت نازل آن نه تنها مشکلات و ناراحتی های روانی و اجتماعی شدیدی را سبب شده است بلکه رشد هماهنگ و سالم کشور را ناممکن ساخته است.

کشور ما به یک نظام آموزشی نوین دموکراتیک و نوین های عمیق و مترقی نیازمند است. استقرار نظام نوین آموزشی در کشور اگر این نظام شکل و محتوی ملی و دموکراتیک داشته باشد می تواند نیروی آفریننده مردم را به حرکت درآورد می تواند افراد مستقل و آگاه و آزاد برای امروز و فردای کشور پرورش دهد.

مشخصات چنین آموزشی کدام است و چگونه می توان شالوده آن را ریخت؟

۱- هدف غایی آموزش و پرورش ساختن انسان های کامل است. هدف، انسان و خوشبختی او است. آموزش خاتم ارتجاعی و بنده پرور است. این آموزش بر پایه نابرابری، پذیرش تسلیم و نالغسی و اطاعت کورکورانه بنا شده است. این آموزش قرن وسط است و باید دگرگون شود.

۲- فضای آموزشی ایران محدود و عقب مانده انحصاری و طبقاتی است. اکثریت فرزندان زحمتکش صیبه ما هنوز دسترسی به آموزش ندارند. صحبت این نیست که همه می خواهند به دانشگاه بروند و صحبت این است که همه می خواهند بخوانند و باید بخوانند. این نخستین نیاز آموزشی جامعه ما است. در کشور باید آن چنان شرایطی ایجاد شود که همه کودکان و جوانان امکان یابند به مدرسه بروند. آموزش از آساز تا پایان باید همگانی و رایگان باشد. در نخستین گام باید همه امکانات مادی و معنوی را به یکباره واقعی و نه تبلیغاتی، هابی سوادی تجهیز کرد. این یکبار باید یک کار اقتصادی مبارزه با تنگدستی و فقر باشد. باید بتواند.

۳- در یکبارهای سوادی باید از زبان مادری کسک گرفته. رژیم شاه دشمن خلق های ایران است. رژیم شاه اجازه نمی دهد خلق های ایران به زبان مادری خود بنویسند و بخوانند. مانا کید می کنیم که بدون به کار گیری زبان مادری در آموزش و پرورش کودکان و جوانان چرخ مبارزه با بی سوادی نرواند چرخید. در ایران خلق های گوناگون زندگی می کنند. آموزش باید به زبان مادری صورت گیرد.

۴- در بازار آشفته آموزشی ایران انحصارهای آموزشی با برخورداری از حمایت دولت به غارت مردم پرداخته اند. آنرا نازلترین آموزش را به گرانترین قیمت می فروشند. آموزش دولتی باید جانشین آموزش

بی بند و بار خصوصی شود. نظام آموزشی ایران باید یکسان گردد. شهریه های تحصیلی در همه مراحل آموزش باید لغو شود.

۵- کتاب های درسی ایران انباشته از اندیشه های ارتجاعی و قرون وسطایی است. این کتابها که گیش زشت بندگی و شاه پرستی را تبلیغ می کنند باید دور ریخته شود. به دانش آموزان و دانشجویان باید امکان داد فکر خود را بی مراس چون بطرگی به پرواز درآورد. باید به آنها امکان داد شخصیت خویش را در خور زندگی امروز بسازند. جوان ایرانی باید آنچنان پرورش داد که بتواند پادشاهی در برابر گش های متضاد جهان امروز مقاومت کند.

این هاست مهم ترین نیازهای آموزشی جامعه امروز ما.

حزب یوده ایران خواهان نظام آموزشی مترقی است. حزب ما مردم ایران را برای ایجاد چنین نظام مترقی آموزشی فرامی خواند.

نامه تهنیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به

## حزب زحمتگستان ویتنام

رفقای عزیزه به نام همه اعضای حزب توده ایران و همه مردم زحمتگستان ایران، سی امین سالگرد استقلال و تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را از صمیم قلب به شما تبریک می گوئیم.

سی سال پیش خلق ویتنام در نبرد طولانی علیه امپریالیسم و ارتجاع به پیروزی بزرگی نائل آمد و زیر رهبری حزب زحمتگستان ویتنام و پیشوای محبوب آن، هوشی مین، انقلاب ملی و دموکراتیک را در بخش جمهوری دموکراتیک ویتنام به سر رسانید. سی سالگی که از این پیروزی می گذرد سی سال نبرد قهرمانانه و فداکارانه، سی سال کار سازنده و خلاق در زیر آتش دشمن بود. در این سی سال جمهوری دموکراتیک ویتنام، علی رغم دشمنی امپریالیسم، استقلال خود را تحکیم کرد، انقلاب را به مراحل عالی تری ارتقا داد و در کار ساختن سوسیالیسم به موفقیت های بزرگی نائل آمد. و اینک بهت نهایت خوشوقتی است که سی امین سال تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام بر سر لوطی برگزار می شود که خلق ویتنام در سرتاسر آن کشور، هم در شمال و هم در جنوب به پیروزی تاریخی دست یافته و ارتش تجاویز کار بزرگترین، قدرتمند امپریالیستی معاصر، امپریالیسم آمریکا و عمال آن را درهم شکستند. هم آزادی را در سرتاسر ویتنام برافراشته است. این

پیروزی بزرگ حاصل رهبری خردمندانه حزب زحمتکشان ویتنام، تبهرومانی خلق ویتنام و کک بی شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و حمایت نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیستی جهان از امر حق مردم ویتنام است.

هموشی سین و رهبر محبوب خلق ویتنام هوادار آتشین انترناسیونالیسم پرولتری و هوادار تحکیم وحدت اردوگاه سوسیالیستی و وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان بود. وارث حزب زحمتکشان ویتنام و لادار به حمایت هموشی سین در راه حفظ این وحدت و تحکیم پیوندهای خویش با همه جنبش کمونیستی و انقلابی جهان می کوشد.

حزب توده ایران در تمام این سی سال که از تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام می گذرد همواره در کنار خلق ویتنام بوده، و آنچه در قوه داشته در راه تحکیم همبستگی ضد امپریالیستی خلق های ایران و ویتنام کوشیده است.

ما از مصمم قلب برای مردم ویتنام و حزب برادر زحمتکشان ویتنام و جمهوری دموکراتیک ویتنام پیروزی های بازم بیشتری را در آینده زشته های زندگی آرزو می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
د بهارل - ایرج اسکندری

پیروزی بزرگ حاصل رهبری خردمندانه حزب زحمتکشان ویتنام، تبهرومانی خلق ویتنام و کک بی شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و حمایت نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیستی جهان از امر حق مردم ویتنام است.

هموشی سین و رهبر محبوب خلق ویتنام هوادار آتشین انترناسیونالیسم پرولتری و هوادار تحکیم وحدت اردوگاه سوسیالیستی و وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان بود. وارث حزب زحمتکشان ویتنام و لادار به حمایت هموشی سین در راه حفظ این وحدت و تحکیم پیوندهای خویش با همه جنبش کمونیستی و انقلابی جهان می کوشد. حزب توده ایران در تمام این سی سال که از تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام می گذرد همواره در کنار خلق ویتنام بوده، و آنچه در قوه داشته در راه تحکیم همبستگی ضد امپریالیستی خلق های ایران و ویتنام کوشیده است.

ما از مصمم قلب برای مردم ویتنام و حزب برادر زحمتکشان ویتنام و جمهوری دموکراتیک ویتنام پیروزی های بازم بیشتری را در آینده زشته های زندگی آرزو می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
د بهارل - ایرج اسکندری

### سی سال از آن هنگام که هموشی سین در - جمهوری دموکراتیک ویتنام

سی سال از آن هنگام که هموشی سین در -  
میتینگ بزرگ شهر هانوی اعلام کرد "از امروز در تاریخ ویتنام صفحه تازه ای گشوده می شود" می گذرد. در این روز جمهوری دموکراتیک ویتنام متولد شد و نخستین دولت ملی همه خلق در آن تشکیل شد.

تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام یکی از نتایج مستقیم پیروزی بر فاشیسم بود. در ارزیابی خود از انقلاب ملی و دموکراتیک نوزدهم اوت ۱۹۴۵ که به اسارت زمین خلق ویتنام پایان داد، هموشی سین تأکید می کند " پیروزی درخشان ارتش قهرمان شوروی بر فاشیسم، زب دنبال آن غریبه هلاکت باری که بر امپریالیسم ژاپن وارد آمد، راه پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک نوزدهم اوت ۱۹۴۵ و ویتنام را هموار کرد".

همچنین برای یابمان کردن این پیروزی امپریالیسم جهانی دوباره یک بار به دست ارتش استعماری فرانسه و بار دیگر به سرکردگی بیش از نیم میلیون سرباز امریکایی که نیویورک خود را به کارانداخت، ولی خلق ویتنام

حزب زحمتکشان ویتنام، تبهرومانی خلق ویتنام و کک بی شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و حمایت نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیستی جهان از امر حق مردم ویتنام است.

هموشی سین و رهبر محبوب خلق ویتنام هوادار آتشین انترناسیونالیسم پرولتری و هوادار تحکیم وحدت اردوگاه سوسیالیستی و وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان بود. وارث حزب زحمتکشان ویتنام و لادار به حمایت هموشی سین در راه حفظ این وحدت و تحکیم پیوندهای خویش با همه جنبش کمونیستی و انقلابی جهان می کوشد.

حزب توده ایران در تمام این سی سال که از تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام می گذرد همواره در کنار خلق ویتنام بوده، و آنچه در قوه داشته در راه تحکیم همبستگی ضد امپریالیستی خلق های ایران و ویتنام کوشیده است.

ما از مصمم قلب برای مردم ویتنام و حزب برادر زحمتکشان ویتنام و جمهوری دموکراتیک ویتنام پیروزی های بازم بیشتری را در آینده زشته های زندگی آرزو می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
د بهارل - ایرج اسکندری

سی سال بعد از تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام، اساس برای نخستین بار همه خلق ویتنام هم در شمال



و هم در جنوب کشور بدون حضور بیگانگان بر سرزمین خود سالگرد آزادی خویش را جشن می گیرند .  
مردم ایران که همواره طی روم حکومت فاشیستی محمد رضا شاه ، در این سی سال از بیکارهای بیگانه و تحسین آمیز خلق قهرمان ویتنام بی رحمانی حمایت کرده اند و از بهرزی های فراوان آن ، هم در جبهه های جنگ و هم در همه عرصه های زندگی ، در ساختن سوسیالیسم به وجد آمده اند ، می آیند سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را از صمیم قلب به مسردم ویتنام ، به دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام ، به دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی ، حزب زحمتکش ویتنام و جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی شادباش می گویند . بگذار همان طور که ونی مین می خواست ، همان طور که او آرزو می کرد گل همنای سرخ زندگی سرزند و شاداب در سرزمین متحد ویتنام بشکند ، بگذار سوسیالیسم در پهنه این سرزمین بیکار و قهرمانی بهرگز شود .

وند بوغ بودگی و در چنگال شکنجه روانی .  
شش تن از ما به فضای پاک ستارگان عروج کردند یکی را گشتند مدیگری راه کردند ،  
آن گونه که هیچگاه نمی توانستن پنداشت که می شود موجودی انسانی را له کرد .  
چهارتن خواستند خود را برهاند از همه حواس ها و دلپیره ها برخی جبهه زد در خلا ،  
و دیگران سرهای خویش به دیوارها کوفتند ، اما همگی بانگهای خیره شده در سیاهای مرگ .  
چه دشتتک است چهره فاشیست .  
دقت آنان در تبهکاری رمز نمی شناسد و بر لبام گسیختگی شان مہاری نیست .  
خون برایشان نشان لیاقت و گردن زدن قهرمانی است .  
خداها ، همین است آن جهان انسانی که آفریده ای !  
هرای همین بود آن هفت روزی که خلق کردی و سپس آسود شد در میان این چهار دیوار  
تنها نگران آنم که مرگ برای آدمیان بهشتی کا کشد و با واپسک بانگ زنده اوجدان  
همراه صدای دردست چرخ کامیون ها  
خبرم می دهد از جزویدی بی انتها .  
نظامیان چهره خود می آریند  
گویی که می خوانند ،  
به سیاهای مادری مهربان در آیند .  
اما کزیک و کوبا و دنیا فریاد می کشند :  
ننگ بر این ننگ سیاه .  
ماور این جا ده هزار دستیم  
دستان رنج  
در سراسر مہین برانگند ما بم .  
خونی که نثار کرد بدین دت  
رفیق ما

## استاد یوم ، شیلی

ویکتورخارا توانه برار خواننده بزرگ انقلابی شیلی واپسین ترانه خود را پیش از مرگ در زندان برای دوستان همزنجیرش خوانده و آنان سخنان او را روی کف آبرده اند . خود او بر اثر له شدن انگشتانش زهر شکنجه ، قادر به نوشتن نبوده است . از ورزشگاه ناسیونال در سانتیاگو ، تنها سه نسخه از این ترانه بهرون آورده شده است . ویکتورخارا یکی از بزرگترین طنزگویانست های شیلی بود . او مولف ترانه های بسیاری است که خود آن هارا در برابر مردم اجرا می کرد و در مسر تئاتر نیز بود . آثار او در شیلی و دیگر کشورهای امریکای لاتین شهرتی به سزا دارد . ویکتورخارا باسفاکی بی نظیر به دست ژنرال های خائن شیلی شهید شد . عنوان شعر او " استاد یوم ، شیلی " است . منظور شعر آن است که امروز تمام شیلی حالت استاد یوم ناسیونال را دارد که در آن جلادان فاشیست به شکنجه و تیرباران فرزندانش شایسته خلق سرگرفتند .

ما پنج هزار تن ایم  
در این تکه کوچک شهر ما  
چند تن خواهیم شد اگر  
بر شمارم شهر هارا در سراسر مہین  
فادر این جا ده هزار دستیم ،  
دستهایی که دشت هارا می کارند و کارخانه هارا می چرخانند  
چه پر شمارند مردمانی که به کام گرسنگی و سرما  
به کام اندوه و نگرانی افکنده شده اند

آنچه را که پیشتر مرکز ندیده اند .  
مرگی را که در این کشور از سرگذر انده ام  
و باز بر من خوانند گذشت  
شاید درست در همین لحظه روی در آمد .

## تخریب خانه های مردم

نوسط محمد رحمانی

روه های صلح هر روز یکی از محلات فقیر نشین داخلها خارج از شهر را مورد حمله قرار می دهند زنان و کودکان را بیرون می کنند عیناً تا آنجا را با تراکتور بولدوز می کوبند و کسانی را که مقاومت می کنند با چوب و چماق به قتل می رسانند و آنهایی را که به اجتناب بر می خیزند به ساواک می سپارند جنایتکار شاه تحویل می دهند .

در حدود تهران و اطراف آن بنا بر آمارهای دولتی پیش از ۳۰۰ هزار نفر در زلزله کشته شدند و بیست و دو خانگی که با جلیبی تا آن پاره و تخته پاره ساخته شده است زندگی می کنند . اینها را ندگان شهرها و روستاهای کشورند شهرها و روستاهایی که در دوران پنجاه سالگی دو دمان پهلوی به کانون های فقر و ویرانی تبدیل شده اند . فقط در جنوب تهران بنا به نوشته روزنامه اطلاعات که روز سوم آبان ۱۳۳۳ ضحیه خود را به تجلیل و قیامته از خاندان پهلوی و سرکرده آن محمدرضا شاه اختصاص داده بود ، پیش از ۱۵۰ هزار نفر در بیخوله ها و دخمه های زندگی می کنند که حتی ساکنان هم قادر به زندگی در آن جا نیست . در شمال تهران در جنوب شرقی و غربی این شهر محله های با چوب و تخته و پاره های جلیبی ساخته شده است که مناظر هولناک فقر را در کشورهای استعمارزده به یاد انسان می آورد . روزنامه آیندگان یکی دیگر از بلندگو های دربار پهلوی خود در این زمینه می نویسد در گرد های اطراف تهران : گود عرب ها ، گود نکی ، گود انوری ، گود حاج ماشاله ، گود توتنجی ، گود خزایی ، گود صالحی ، گود معصومی ، گود حسن نوری ، گود خالو قنبر ، گود نجفی و گود آوری پیش از ۲۰۰۰ واحد مسکونی وجود دارد که در هر یک از آن ها فقر به معنای واقعی این کلمه حکومت می کند . این مناظر را در راه کرج ، در تپه ماهورهای لشکرک ، در جنوب شرقی و غربی پایتخت ، در هر چند کیلومتر دور از جاده اتوبوس رو یا نزدیک به آن می توان دید .

رئیس محمدرضا شاه در ۳۵ سال حکومت سیاه خود بر این کشور بارها برای زدودن این لکه های نفس که بر دامن او نشسته است ، به لشکرکشی های متعدد علیه ساکنان فقیر و بی دفاع این دخمه ها و بیخوله ها

## هوس های شاهانه

انقلاب آری ، این معلوم نیست چیست انقلاب بلوا نه ، عطی شده و کارها به سرعت فیضه می یابند . و در انقلاب مدت سریع ترین تصمیمات برای حل پیچیده ترین مشکلات مملکتی افتاد می نمود . اگر باور ندارید به این نمونه توبه کنید :

شاهنشاه انقلابی هوس فرمودند که در جزیره کیش ، استراحتگاه تابستانی و تفریحگاه آنجنانسی خودشان ، دو فرزند کشتی تفریحی کوهک از نوع "ریوا بویت" داشته باشند . هوسشان بود و خرید هوسهای حلال . اما شاهنشاه وقت نداشتند که منتظر بمانند تا کشتی از اروپا را در بر بزنند ، از مدیترانه بگذرند و به جزیره کیش برسند ، احمقانه کشتی ها را فرود می آورند . پیدا کردن راه حل برای ایشان مشکل نبود . فوراً یک واحدی باریبری بزرگ را اجاره فرمودند تا کشتی های تفریحی در آن ها نگه داشته شود و مستقیماً به جزیره کیش ارسال کردند . کردند و شد . اما وقتی طایف های بزرگ مدرن که با پرداخت پول هفتت خرید شده بود و ترفیحات تجلی فراوان داشت به جزیره کیش رسید ، معلوم شد که در جزیره وسائل را امنی مانگر اندازی ، هدایت و پهلوی گیری این کشتی ها وجود ندارد . اما مگر این هم مسئله ای نیست ؟

انقلاب رستاخیزی همه مسائل را به سرعت و به قوت حل می کند . هواپیمای دیگری به سرعت بری اجاره شد تا دستگاه های لازم را که آن ها هم به سرعت برق خریداری شده بودند ، مستقیماً به کیش حمل کند . به برکت انقلاب آری و سرعت همه ویژه تمام دستگاه های اجرایی بین هوس اولیه شاهانه و به کار افتادن کشتی های تفریحی چند روزی همش فاصله نیفتاد .

از رشوه گیری و پوز بلند کردن عا در این جریان که همه به حساب زانده کشور بود ، اطلاع شخصی نداریم ولی تصدیق کنید که از کلفد بازی و سر دواندن مراجعین ، به ویژه از بوروکرات بازی هایی که رستاخیز آن را را محکوم کرده اید ، خبری نبوده است !



دو محل چادر زده و در این سرمای زمستان به زمر آن پناه برده اند. پس از آن این حادثه در انتهای قارک و در حوالی میدان شهید نیز تکرار شده و ما خانواده فقیر و زحمتکش را بی خانمان کرد.

هدف حملات ویرانگر لشکریان رژیم تنها کلبه‌ها و کپر‌ها نیست. خانه‌هایی نیز که به اصطلاح در خارج از محدوده شهر ساخته شده نیز از این تهاجمات و ویرانگری‌ها در لمان نیستند. نمونه اخیر آن هجوم تعداد کثیری از مأموران شهرداری در محبت گارد های مسلح شهرستانی و همراه با افراد وابسته ارمنی به محله شهرستان در منطقه نارک است. این محله چند هزار نفر جمعیت دارد. اهالی پس از سال‌ها زحمت و باهزار مشقت و بلاک قرض و فروختن دار و ندار خود تکه زمینی در این محله خریده و خانه‌های ساخته بودند که بزحمتی از آن‌ها ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان برای صاحبش تمام شده بود. اما مأموران رژیم به پنهان این که این محل خارج از محدوده است دست به تخریب خانه‌ها زدند. در حالی که بیشتر این خانه‌ها با اجازه قبلی شهرداری

پس از تعیین محدوده ساخته شده بود. اهالی برای جلوگیری از تخریب خانه‌ها پیش از آن در خانه‌های خود می‌مانند ولی مأموران با پولد ویز و زنجیر خانه‌ها را روی سر ساکنان آن‌ها خراب می‌کنند و عدای زیر آوار می‌مانند. اهالی از این رفتار ضد انسانی و وحشیانه به خشم آمده و برای جلوگیری از ایمن اقدامات به مأموران حمله می‌کنند. در جریان رو و خورده‌های شته و زخمی می‌شوند و از جمله جوانی به نام علی اصغر میرزایی به ضرب گلوله سرخنگ پار صارتیس کلانتری نارک به سختی مجروح شده و در راه بیمارستان جان می‌سپارد. مأموران عده زیادی از اهالی را نیز دستگیر می‌کنند. ع خانه را ویران می‌نمایند. اما اهالی تسلیم نشده و برای تنظیم عریزه ای تهیه کرده به طرف کاخ نیاوران می‌روند، غافل از این که در این جریان دست دربار سفاک در کار است که می‌خواهد در این محل شهرکی برای خود بنا کند. مأموران همه را در اطراف کاخ نیاوران دستگیر کرده به کلانتری می‌برند و تا آخر شب تکه می‌دارند. بعد از آن همه را جمعیت ساراگ داده و بقیه را آزاد می‌کنند. این ماجرا در شهر تهران انعکاس وسیعی پیدا می‌کند و به جن جنم و نفرت عمیق مردم را علیه این رژیم وحشی و ضد مردمی موجب می‌شود، خشم و نفرتی که به زودی به مشت کوبنده و ویرانگری بدل خواهد شد و رژیم سیاه محمدرضا شاهی را خورده خواهد کرد.

اقدام ورزیده است.

حملات اخیر مأموران مسلح دولت و جانی داران شهرداری به کلبه نشینان ترک آباد و بیخوله نشینان اطراف اتوبان داریوش ادامه آن است. در هفته‌های اخیر روزنامه های دولت شاهنشاهی ایران برای نخستین بار فاش کردند که در جریان یکی از این حملات وحشیانه مأموران دولت یک جوان ۲۲ ساله به نام صفر علی لکخارا که به دفاع از کلبه محقر خود پرداخته به قتل رسیده است. شهرداری تهران برای پامال کردن خون این جوان فقیر با پرداخت مبلغی پول از کیسه مردم - خانواده صفر علی را مجبور کرده است رضایت دهند. صفر علی در ترک آباد به قتل رسیده است و بیخوله او توسط مأموران مسلح شاه با خاک یکسان گردیده است. با حمله ساکنین غارها و بیخوله‌ها به باغراب کردن سرپناه‌های بی‌ریشه و فقیرانه آن‌ها، با ضرب و جرح زحمتکش ساکن این دخمه‌ها با کشتن رانند و تمهید کردن آن‌ها، رژیم محمدرضا شاه می‌خواهد در آستانه جشن های کذایی پنجاهمین سال سلطنت ننکین و پر ابر و دودمان پهنوی آنار این تنگ را از دامن خود پاک کند. اما ساکنان این دخمه‌ها و بیخوله‌ها باید به کجا پناه ببرند. مگر این‌ها ساکنین این سرزمین نیستند؟ مگر از برکت دست آن‌ها واز خاک کوبه‌ها سکونت آن‌ها نیست که این قصرها و کاخ‌ها در شمال شهر چون قلعه در کنار هم رفته‌اند است.

آمارهای دولتی حاکی است که ما هم اکنون دو میلیون واحد مسکونی کم داریم. روزنامه آیندگان در یکی از شماره‌های اخیر خوب نوشته است بر اثر عدم توجه دولت به امر خانه سازی میزان خانه از ۱۳۴ واحد مسکونی برای هر هزار نفر در سال ۲۳۴۵ به ۲۲۷ واحد مسکونی در سال ۱۳۵۱ کاهش یافته است.

می‌پرسم مسئول بی خانمانی مردم چیست؟ طبیعی است هموطنان زحمتکش ما از کسانی که برای خراب کردن و آتش زدن کلبه های تنگ روستائیان ظفار و لشکرکشی عظیم پرداخته اند جز این که برای خراب کردن دخمه‌ها و بیخوله‌های آن‌ها نیز لشکر بکشند انتظاری - ندارند. ولی آیا محمدرضا شاه و دارو دسته او در واقع فکر می‌کنند با این لشکرکشی‌ها می‌توانند خنجره زشت خود و رژیم ضد ملی حاکم را پنهان دارند؟ تاریخ چنین واقعه‌ای را به یاد ندارد.

به نحو حال حمله به ترک آباد تنها یک نمونه است. چندی پیش مأموران دستگیر شهرداری به محله ای - پائین تو از مهر آباد جنوبی حمله کردند و ده‌ها خانه را ویران نمودند و ساکنین این خانه‌ها را محقر اکنون

## رویدادها

### اعتصاب های کارگری

۱- در کارخانه جنرال موتورز (تهران) مردانم در نتیجهی اثر ماندن گفتگوهای چند ماهه نمایندگان کارگران با کارفرمایان به خاطر افزایش دستمزدهای کارگران به تدارک اعتصاب پرداختند که متأسفانه به واسطه وجود برخی عناصر پلیس در صفوف کارگران، پلیس شاه قبل از انجام اعتصاب به کارخانه یورش برد و چند تن از کارگران فعال را به شکجه گاه فرستاد. و نیز عده ای از کارگران اخراج شدند.

۲- در کارخانه ایران ناسیونال (اواخر مردادماه):

در این کارخانه بیش از هزار نفر کارگر در دست و در قسمت های مختلف به کار مشغولند اما تنها ۱۰۸ نفر از آن ها که در قسمت کلاز موتور انومبیل در شیفت روزانه به کار مشغول بودند دست به اعتصاب زدند. درخواست آن ها ۴۰ درصد اضافه دستمزد بود. آن ها از آیین به کارخانه امتناع کردند. اعتصاب بعد از یک هفته طول کشید و سرانجام با اخراج غیر قانونی ۶۰ نفر از کارگران پایان یافت.

۳- در کارخانه مکت سازی مارلی تکر (تهران):

اوائل شهریورماه: در این اعتصاب کلیه کارگران کارخانه شرکت داشتند. آن ها در حالی که در کارخانه حضور یافته بودند باز کار کردن امتناع می کردند. ۴۰ درصد اضافه دستمزد، تصحیح لیست بیمه و توجیه میزان واتی دستمزد آن ها در آن و نیز اتمام سلختان نیمه تمام سلف سرویس کارگران خواست های آن ها را تشکیل می داد. اعتصاب سه روز طول کشید و با موفقیت پایان یافت و کارگران به ۲۰ درصد اضافه دستمزد و دیگر خواست های خود رسیدند.

۴- در کارخانه توانیز (تهران شهریورماه):

کارگران به خاطر افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند و از صبح در محل سلف سرویس اجتماع نمودند. فشار مأموران کارخانه و عده و هیئتهای توهانی و تکراری در عزم کارگران خللی وارد نکرد و گفتند که تا آن گاهی که به خواست هایشان رسیدگی نشود پراکنده نخواهند شد و کارگر جوانی به روی صندلی رفته و از وضع ناپسند کارگران و خواست های آنان سخن گفت. در حوالی ظهر مأموران ساواک به سلف سرویس هجوم بردند و تهدید و زور کارگران را بیرون کردند و آن کارگر جوان را

دستگیر نمودند. رفتار وحشیانه مأموران ساواک و دستگیر نگار جوان و پرشور آن ها، کارگران را به خشم آورده و آن ها می کوشیدند با پندگیری از این تجربه صفوف خود را متشکل تر کرده و برای مبارزات بعدی آماده شوند.

۵- در چاپخانه ۲۵ شهریور (تهران شهریورماه): کارگران این چاپخانه متعلق به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی من اعتراض به کوچکگی طرح طبقه بندی مشاغل که سوابق و مهارت آن ها را در نظر نمی گیرد و نیز به خاطر افزایش دستمزدها با توجه به بالا رفتن سریع قیمت ها دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آن ها ابتکاری و سازمان یافته بود: آن ها نخست دست به کند کاری زدند و بازه کار را پائین آوردند و هنگامی که کارفرمایان و هیئتهای را برای نظارت برکنار آن ها به کارخانه فرستاد، کارگران شیوه مبارزه را تغییر داده و در مقابل چشم مأموران با سرعت کار می نمودند در حالی که کارا خراب می کردند که باز در حال کار نمی نمودند و تولید را طغ می کرد. اعتصاب طولانی و خوب سازمان یافته کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور و شرایط اختناق گزینی تراند برای سایر کارگران آموزنده باشد.

۶- در دوره های آخر پری تهران (اواخر مهرماه):

به دنبال مبارزه با اصطلاح گرانفروشی به سبک شاهانه به صاحبان کوره ها دستور داده شد که کباب های انواع آجیرا کاهش دهند و برای این که خبری متوجه آن ها نشود به آن ها توصیه شد که دستمزد کارگران خود را کاهش دهند. این تصمیم ضد کارگری رژیم سفاک شاه کارگران زحمتکش کوره ها را که در شرایطی بسیار دشوار ریزی ده دوازده ساعت کاری کنند و بدون این هم زندگی فلاکت باری داشتند به خشم آورد و چون کسی به اعتراضات آن ها توجه نکرد دست از کار کشیدند. اما اعتصاب و تظاهرات حق طلبانه آن ها با واکنش خشن ساواک روبرو شد و همراه با کوماندوهای ارتش به کارگران شریف هجوم برد و ده ها کارگر را به شدت متعجب و چند تن را دستگیر کردند که ۸ تن از آن ها هنوز در زندان هستند. اما مقاومت سرسختانه کارگران و استمرار مبارزه آن ها ساواک را زاری داشت که به آن ها قبل از صلحی در زمینه رسیدگی به خواست حق شان بپردازد.

نیست. در ضمن لازم به ذکر است که چندی پیش نیز کارمندان این شرکت به همین ترتیب در جلوی شرکت اجتماع نموده بودند که نیروهای پلیس و ساواک آن‌ها را متفرق کرده بودند.

اعتصابات و تظاهرات دانشجویان

۱- روز ۸ آبان ماه دانشجویان مدرسه مالمسی اراک طی تظاهرات صنفی وسیع و یکپارچه‌ای که به زودی رنق سیاسی به خود گرفت با تندی چند از فضای ساواکی کادر آموزشی و نیز ماموران ساواک که با لباس مدل سه حوطه مدرسه عالی آمده بودند به زد و خورد پرداختند. طی این تظاهرات وسیع که با انعکاس حمل بی رویه و تپی مفرانه ماموران ساواک به خشونت بی سابقه‌ای انجامید، هدایای از دانشجویان مروج شدند و تقریباً تمامی در و پنجره‌ها و شیشه‌های مدرسه‌های اراک خرد و شکسته شد.

دانشجویان نخست به تظاهرات آموزشی چندید و مهم که مقرری دارد هر یک از مدارس عالی غیر دولتی باید به یکی از دانشگاه‌های دولتی یا وزارتخانه‌ها وابسته باشند اجتناب داشتند. بواسطه این تصمیم تازه مدرسه عالی اراک باید تاج دانشسرای عالی تهران باشد و طبیعی است که چنین تصمیمی بیشتر به منظور کنترل بیشتر کادر آموزشی و نیز دانشجویان موسسات عالی آموزشی اتخاذ شده و نمونه دیگری از روش‌های دیکتاتورانه و فاشیستی رژیم شاه - ساواک است که می‌خواهند آموزش را در خدمت مقاصد پلید و ضد خلقی خود قرار دهند. این تصمیم تاریخی شدید کادر آموزشی مدارس عالی و نیز دانشجویان آن‌ها را سبب شده چرا که دانشجویان معتقدند این تصمیم ارزش مدرک تحصیلی آن‌ها را پائین می‌آورد و به دانشگاه آن‌ها صورت یک مرکز آموزشی تابع و وابسته و درجه دو سه می‌دهد. اما این مسئله با همه محتوی صنفی قابل توجهش، بهانه‌ها بود تا دانشجویان خشم و انزجار خود را از شرایط اختلاف پلیسی و دستاندازی‌های ساواک به تمامی شعبان اجتماعی کشور از جمله دانشگاه‌ها بیرون بیاورند و پریدن زندان‌ها را آزاد بخواهان و مبارزان خلقی و تشدید بی سابقه شیوه‌های کثیف ترور پلیسی و فاشیستی کردن حیات سیاسی کشور اعتراض نمایند.

تظاهرات دانشجویان با فریاد‌های دسته جمعی "اتحاد، مبارزه، پیروزی" زینت یافت و شعارهای سیاسی دیگر رنگ اعتراضی آن‌ها شدیدتر کرد. سرانجام برای درهم شکستن تظاهرات دانشجویان هدای از ماموران ساواک و کوماندوهای پلیس از تهران لغزاش شدند که با وحشیگری بی سابقه‌ای به جان دانشجویان افتاد

۷- در کارخانه جهان چیتز تهران ۱۰ اوت - آبان ماه: کارگران این کارخانه که در سال‌های اخیر بارها دست به مبارزه اعتصابی زده، ۶ و یک بار ۲۵ فرسای توسط اعمال رژیم شهید شدند این بار نیز به خاطر افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. اعتصاب سه روز طول کشید و با افزایش کمی معادل ۱۴ درصد به دستمزد کارگران با موفقیت پایان یافت.

۸- در سازمان آب و برق شمال (رستم): اعتصاب پرشور نزدیک به هزار تن از کارگران دستگاه مرکزی سازمان آب و برق شمال در شهر رستم نزدیک به سه ماه پیش اتفاق افتاد. کارگران نخست درخواست‌های خود را که در راس آن‌ها تقاضای ۲۰ درصد اضافه حقوق و افزایش قرارداد است با مسئولان مربوطه در میان گذاشتند و وقتی نتیجه نگرفتند بایک اعتصاب ناگهانی و یکپارچه شیوه خود را تغییر دادند. با این اعتصاب مسئولان به دست و پا افتاده و به علت حساسیت کار آنان به زودی تقاضاهای کارگران را پذیرفتند و اعتصاب با موفقیت کامل به پایان رسید.

۹- در کارخانه نوکار (بندرعباس): در این کارخانه که در سرجاده میناب - بندرعباس واقع شده بود تا بندرعباس حدود بیست کیلومتر فاصله دارد ۲۰۰ کارگر به کار مشغولند که بارها و از جمله در فروردین و اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. تازه ترین اعتصاب آن‌ها در مهر ماه اتفاق افتاد که در نتیجه آن دستمزد‌های کارگران افزایش یافت.

۱۰- در اسکله جدید بندرعباس: کارگران اسکله جدید بندرعباس در خرداد ماه گذشته برای افزایش دستمزد‌هایشان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب یک هفته طول کشید و با موفقیت پایان پذیرفت و در نتیجه آن دستمزد کارگران تا حدودی افزایش یافت.

۱۱- در شرکت شیلات جنوب (بندرعباس): چندی پیش کارگران زن این شرکت به خاطر کمی دستمزدشان دست به اعتصاب و تظاهرات خیابانی زدند.

۱۲- در شرکت برق منطقه‌ای تهران: در آبان ماه ۵۰۰ نفر از کارمندان زن و مرد این شرکت به واسطه عدم توجه به خواست‌های آن‌ها و از آن جمله افزایش حقوقشان دست به اعتصاب زدند. آن‌ها در جلوی ساختمان شرکت در میدان ژاله اجتماع نموده و به تظاهرات پرداختند. از نتیجه این اعتصاب هنوز خبری در دست



عده زیادی را مجروح کردند. سرانجام مدرسه عالی برای تعادیل گردید و عده زیادی از دانشجویان برای یک هفته یا پنج تم از ادامه تحصیل محروم شدند. گفته می شود در جریان این تظاهرات و پس از آن گروهی از دانشجویان توسط ساواک بازداشت گردیدند.

۲- در مدرسه عالی باطل دانشجویان مدرسه عالی باطل دست به اعتصاب زدند. خبرهای پراکنده ای که در این باره به دست ما رسیده حکایت از وضعیت دانشمندان تظاهرات اعتراضی دانشجویان دارد. خبرنامه مشروح تری را در این باره در شماره آینده چاپ خواهیم کرد.

۳- سیاست ضد آموزشی و ضد دانشجویی رژیم شاه در روز ایام تازه ای به خود می گیرد. اخیراً ۶۸۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران را به بهانه این که نمرات آن ها به حد نصاب لازم در هرترم نرسیده از دانشگاه اخراج کردند. در بین این دانشجویان همای سال آخر تحصیل خود را می گذرانند. اعتراضی — دانشجویان به جایی نرسیده و نه او فدی، رئیس دانشگاه اظهار داشته که از دست او کاری بر نمی آید و تصمیم از بالا (یعنی ساواک) گرفته شده است. گفته می شود که بخش مهمی از این عده را به خاطر سابقه فعالیت های سیاسی و صنفی اخراج کرده اند چون حتی نمرات آن ها به حد نصاب لازم نرسیده بود.

۴- در دانشکده کشاورزی ساری مازندران اخیراً دانشجویان این دانشکده دست به اعتصاب و تظاهرات وسیعی زدند که در تقاضای خواست های صنفی توأم بود ولی به زودی رنگ سیاسی به خود گرفت و شعارهای مبارزه جویانه و ضد رژیم نظیر "مرگ سر شاه" آن را زینت داد. این تظاهرات در نتیجه هجوم وحشیانه عمال ساواک و کوماندوهای پلیس درهم شکسته شد. در جریان این هجوم عده زیادی مجروح گردیدند که در میان آن ها دو استاد نیز بودند که در بیمارستان بستری گردیدند. در جریان این اعتصاب و تظاهرات عده ای از دانشجویان به شکنجه گاه های ساواک فرستاده شدند. گفته می شود در این اعتصاب ۳ تن از دانشجویان به دست دوغیمان شاه کشته شده اند.

دستگیری و شکنجه و محاکمه چهارتن از نمندگان  
 اکنون مدتی است که چهارتن از بهترین نویسندگان و نمندگان مردمی این سرزمین — سمید سلطانی پور و ناصر رحمانی نژاد، محمود دولت آبادی و یلفانی در دست

دوغیمان سلواک اسیرند. رژیم سیاه محض و غمناک شاهی که اکنون سالیان درازی است که سایه شوم خود را بر این سرزمین انداخته و شیخ هولناک را بر مردم زحمتکش میهن ما تحمیل کرده رژیم است که نه تنها در سرسیرگی به امپریالیسم جهانی و باز گذاشتن دست و حتی تشویق انحصارات امپریالیستی به غارت ثروت های طبیعی و انسانی میهن ما و نظامیگری افسارگسیخته و تجاوز به حقوق خلق های دیگر در زمان ما می نظیر است بلکه در عرصه فرهنگ و هنر نیز گویی سبقت را از جلال ان فاشیستی چون فرانکو در اسپانیا، پینوشه در شیلی و نیروی در سوئدان و نیز حکامان مرحومش چون تیودور و بنام جنوی و همای سلاسی در حبشه، سرمنگان یونان و سالازار — کاتلتانود ریترتغال روده است.

این رژیم که هرگونه صدای اعتراضی را در گلو خفه می کند و با سیاست ضد فرهنگی و ضد جنوی و شکستن علم و جلوگیری از تبادل اندیشه و نظر خود، پیشرفت سالم فرهنگی و هنری را در کشور ما محدود و مبتذل ترین و ارتجاعی ترین و منحل ترین نوع فرهنگ (پاشاید ضد فرهنگ) را در جامعه اشاعه می دهد و طی دوران موجودیت تنگین و سیاه خود بارها به محیط روشنفکری متمدنی ایران هجوم برده و شاعرانی چون خسرو گلسرخی را به جوبه اعدام بسته و نویسندگان ناگد و میهن دوستی چون به آذین و گلشیری، سلعدی و تنگابی و شریعتی را به زندان افکند است.

اینک بار دیگر رژیم شاه — ساواک به محیط ادبی و هنری میهن ما هجوم تازه برده و چهارتن از بهترین و پراح ترین نویسندگان و نمندگان ایران را به دست جلا دان سپرده است.

سلطانپور، دولت آبادی، یلفانی و رحمانی نژاد اکنون در زندان های شاه هستند. آن ها را ملی مدت طولانی به شدت شکنجه داده اند.

خبر می رسد که سلطانپور نویسنده، شاعر و نمایشگرین و خلقی به سال زندان دولت آبادی و استان نویسنده و به ۲ سال زندان، یلفانی به سال و رحمانی نژاد به ۱۲ سال زندان محکوم شده اند.

دستگیری و شکنجه و محکومیت این چهار نویسنده و نمندگان میهن پرست به حق خشم و نفرت همه آزاد یخراشان و نیروهای متمدنی را برانگیخته است. باید به هر وسیله گشته این خشم و نفرت را به تظاهراتی وسیع و تودنای بوعلیه رژیم چهار، ضد فرهنگی و سیاه شاه و برای رهایی این چهار نمندگان و کفین زندانیان سیاسی ایران مبدل کرد.

# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲ - تیرماه ۱۳۵۵

## پیروزی مبارزه طبقه کارگر

برای دستمزدهای عادلانه

سال سابقه خدمت دارند و از مهارت شغلی کافی برخوردار می باشند محققاً ماهانه شان از ۲۰ تومان در ماه به زحمت تجاوز می کنند. به عبارت دیگر اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

- ۱- پیروزی مبارزه طبقه کارگر ایران برای دستمزدهای عادلانه
- ۲- خلق همان بنبرود حق طلبانه خود علیه تجاوزکاران ادا می دهد
- ۳- نهضت ترقی مذی و جای آن در جنبش عمومی دموکراتیک و - صهیونیستی
- ۴- مجموع و دشمنان ساواک به ضد کشتار صافین
- ۵- اعتصاب پرچمین کارگران چیست سازی تهران
- ۶- مبارزه شاه اسلحه می خورد
- ۷- راهی به پیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۸- وضع کارگران در جنوب کرمان
- ۹- وضع اسف بار کارگران سنتی
- ۱۰- دو گزارش از شرایط زندگی و مبارزات کارگران دوب آسن اصفهان
- ۱۱- سرود بیستون مشعری از خسرو گلشنی
- ۱۲- رویدادها

دست و هم تجاوزگر شاه

از ظفار کوتاه!

## خلق عمان

به نبرد حق طلبانه خود علیه تجاوزکاران ادا می دهد

دو سال و چند ماه از تجاوز و مشیانه حکومت ایران به عمان می گذرد. مقامات ارتش ایران در مراسم یاد بود گذشته شدگان ارتش که در سال بر پای می نمودند اقرار کرده اند که شصت نفر افسران در عمان گشته شده و بنا بر روند رجاء روزنامه لوموند چاپ پاریس علاوه بر این ۱۵۰ در حدود صد و شصت نفر هم درجه دار از پای در آمده اند. بدیهی است که شماره واقعی گشته شدگان خیلی بیش از این است. حکومت ایران مدت دراز از تجاوز ارتش ایران را به عمان پنهان کرد و وقتی دید پیروزی بر زمین آزادی بخش خلق عمان به این زودی با امکان پذیر نیست و کار به درازا کشید، ناچار به دستگاه های تبلیغاتی خود اجازه داد که مدائله نظامی ایران را در عمان فاش کنند منتها به آن صورت حق به جانب بدیند. روزنامه های مزدور ادا گردند که قاپوس از ایران و استارک شده تاشتی شورشیان و شی را که می خوانند تنگ رمز را به خطر انداز سرکوب کنند و از منافع مردم ایران دفاع نمایند.

به دنبال افشای تجاوز ایران به عمان مرتباً اخبار ایان کار سرکوب شورشیان و تشرکات سدا ان قاپوس از دولت ایران صفا در روزنامه ارا بر کرد. اما میزان تازه به تازه نبردهای ارتش رسیدن ا بارنا گوار مرد افغان و سربازان به خانواده همان آن ها مسریاز بدن پاره ای از افسران بقیه در صفحه ۲

خبرهایی که از سر اسر کشور می رسد حاکی از آن است که کارگران و زحمتکشان که از ناچیز بودن حقوق و دستمزدها در مقابل هزینه کم کردن زندگی به جان آمده اند و به خاطر به دست آوردن حق مسلم و پایمال شده خویش به پا خاسته اند. اما این مبارزه عادلانه و قانونی موجب عکس العمل خشن و بی شرمانه شاه دیکتاتور گردیده و تمام دستگاه تضییق و فشار دولت و در رأس آن سازمان جنایتکار امنیت برای سرکوب جنبش کارگری به خدمت گرفته شده است البته در قانونی بودن و عادلانه بودن مبارزه کارگران هیچ گونه توجیهی نمی تواند وجود داشته باشد. نتایج مختصر به شرح ذیل است:

در نخستین روزهای فروردین ماه سال جاری شورای عالی کار و فشار کارگران بالاخره مجبوره تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و باینکه افزایش تقریباً مقطوع دو تومانی نسبت به دستمزدهای سال گذشته کوشید مسئله را خاتمه یافته جلوه دهد. اینک در مذاقات یک کشور حداقل دستمزدهای ۱۵۲ ریال و در مناطق دوبرابر ۴۱ ریال است. ضمناً بسیاری کارفرمایان سودجویانتهای وزارت کار ترمیمی داده اند که این حداقل دستمزدها تقلید تا باید به کارگزاران کار و غیر ما مرتبط گیرد. ضمناً دستمزدهای حقوق اکثریت کارگران را تشکیل می دهد. در بسیاری از کارخانه های بزرگ کشور حتی کارگرانی که چندین



شاه ایران که از درک تحویل سریع اوضاع جهان  
بمسود جنبش‌های خلقی و تغییر تناسب قوا به سود  
حلق و سوسیالیسم و دموکراسی و به زبان امپریالیسم  
عاجز است ، ما چرا می‌توانیم به پشتیبانی امپریالیسم دست  
به این گونه اقدامات تجاوزکارانه می‌زنیم . ولی تردیدی  
نیست که سرانجام این بلند پروازی ما جز شکست و ناگامی  
دیگر نخواهد بود .

شاه خیال پرور با صرف یک لپارد با دلار در آمد  
کشور در راه تسلیحات و گسترش یک ارتش تجاوز کار و سوا  
این تصور باطل که پشتیبانان امپریالیست او قادر به هر  
کاری هستند ، دست به یک سلسله ماجراها زد که از جمله  
تجاوز به مرزهای عراق تهدید به تصرف بلوچستان  
پاکستان و لغز ارتش به عمان .

در مورد اول گفتگویی به سنده خواهیم کرد . به هدف‌های  
خود نرسید . در مورد عمان هم چنین خواهد شد . ارتش  
ایران باید ذاک این کشور را ترک کند . در چه دو این کار  
تاخیر شود به زبان بیشتر مردم ایران و موجب تشدید ننگ  
و نفرتی است که هم اکنون در جامعه کشورهای عربی  
نسبت به حکومت تجاوز کار ایران وجود دارد .

نقل از روزنامه مردم ، ارگاس ،  
کمیته مرکزی حزب توده ایران ،  
شماره ۱۵۴

ایران . . . بقیه از صفحه ۱  
افزای به جنگیدن با مردمی که در خاک همین خود برای  
استقلال و آزادی خویش در شریا . بسیار دشوار نبودی  
کنند ، اسیر شدن کسانی مانند اشرفیان که گونگی  
لغز افراد ارتش را به عمان تان و افسانه بودن دروغ تا  
شاید در حکومت ایران را یعنی بر این که شستی شهرشی و منشی  
تنگه بمرز و امنیت خلیج را به خطر انداخته اند ، بهر ملا  
ساختند ؟ و سرانجام مقاصد . لیرا نخلق عمان که زبوس  
در بیری جهید خلق برای آزادی عمان مبارزه می‌کند ، و  
نبرد او علیه نیروهای تجاوز ایران و انگلستان ، اردن  
و ارتش مزدور قابوس صیدان ادامه دارد ، همه این ها  
نشان داد که تجاوز کاران خارجی تا کتون نتوانسته اند  
به هدف‌های خود برسند .

در واقع هدف‌های حکومت پیدادگر ایران سرکوب  
جنبش آزادی بخش در عمان ، تصرف عطلی این کشور ، عطف  
به بقای نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم  
انگلستان و امریکاد در عمان و کثرت دریای آن که جزئی از  
نقشه وسیع استقرار پایگاه‌های نظامی امپریالیسم امریکاد  
و به اورکلی سازمان اتلان تیک شمالی در اقیانوس هند  
و خلیج فارس است ، و نشان دادن شایستگی حکومت  
استبدادی و محدرنا شاه در ایفای نقش ژاندارم منطقه  
و داشتن مقام زبیری در خلیج بود ، هنوز هم می‌باشند

اما جریان حوادث نشان داد که رسیدن به این  
هدف‌ها کار آسانی نیست ، زیرا اولاً رزندگان عمان با  
وجود تمام مشکلات تا کتون ایستادگی دلیرانه ای کرده اند  
و نبرد را با سرسختی تمام ادامه می‌دهند ، ثانیاً تهدید  
ها و تجاوزاتی که نیروی تجاوز ایران به جمهوری -  
دموکراتیک یمن برای خود داری از یک به رزندگان عمان  
کرد نیز موثر نیافتاد ، ثالثاً بحالت مستقیم ایران در امر  
داخلی عمان ، نفرت همه خلق‌های عرب و در درجه  
اول خلق‌های عرب خلیج را علیه حکومت تجاوز ایران  
برانگیخت ، رابعاً بعضی از دولت‌های عربی منطقه  
ظاهر میانه نیز از حضور نیرو ای ایران در عمان و در نزدیکی  
مرزهای آنان ناخوشنود شده اند و قابوس رانیر فشار تراسر  
داده اند که عذر ارتش ایران را بخواهد . از جمله باید  
عربستان سعودی را نام برد که ارتش ایران در بخش  
همی از عمان تا مرزهای آن کشور پیش رفته است . عربستان  
سعودی که خود مدعی ربری در خلیج است از وضع  
موجود ناراضی است و تا کتون کوشش‌های دولت ایران برای  
مقتصد کردن این کشور به قبیل و تائید تمرکز نیروهای  
ایران در عمان بی نتیجه ماند . بدیهی است که ناخوشنودی

دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی از وجود نیروهای  
ایران در عمان نه به خاطر آنکه به جنبش آزادی بخش  
عمان است ، بلکه به علت رقابت با ایران در سلسله  
زبیری خلیج آرسویی و اعتراض خلق‌های عرب به وضع  
موجود از سوی دیگر است .

پس روز باد مبارزه لطیفه کارگر . . . بقیه از صفحه ۱  
شامل در همین ما بین ۲۰ تا ۲۵۰ تومان در ماه حقوق  
می‌گیرند . حدود نیمی از این حقوق برای کرایه اتاقی به  
نام مسکن می‌رود و بقیه باید هزینه رفت و آمد ، مخرواک و  
پوشاک و درمان و آموزش تمام خانواده را تامین کند .  
چسبیدن است که تقریباً تمام خانواده‌های کارگری با  
وضع کنونی درین بستم واقفی هستند و در حرف فقر به سر  
می‌برند ، و پایه و ستار مبارزه کارگران را برای دستمزد  
و حقوق عادلانه تر وجود این مرز غیر قابل تحمل تشکیل  
می‌دهد . اما جنبش کنونی کارگری در همین ما با دشمنی  
جنایتکار و وقیح و بی‌اهتتا به ابتدا ای ترین حقوق روبرو  
است و اگر بسته به شرایط روز با ۵۰ شماری از تمام  
امکانات خود استفاده نکند بسیار افغان خواهد داشت آن  
را سرکوب نمایند .  
نکته عمده این است که توده‌های وسیع کارگر و  
زحمتکش تا آنجا که کن است به امر دسته جمعی و متسلط  
برای تحقق خواست‌های خود مبارزه کنند . باید آن  
چنان است ای را مطرح کرد که در واقع بیان کنند  
در مشترک تمام کارگران یک کارخانه و کارگاه باشد که  
نه از جان و دل از آن پشتیبانی کنند . در شوا سیط  
موجود با حوصله و پشتکار و کار توئیحی لازم می‌توان کارگران  
این کارخانه یا آن کارگاه را برای تحقق خواست‌های  
معین و مشخص متحد کرد .



زحمتکشان و ترقی خواهان، هام از فلسفه و غیران هام از کمونیست یا مسیحی، مارکسیست یا سلطان ه - سوسیالیست یا بودایی، بصرف نظر از تفاوت های فلسفی و مسلکی خود دست برداری و همکاری می دهند . مسئله همکاری و پیوند بین مذهب و مارکسیست ها اینک دیگر در مقیاس جهانی یک مسئله روز شده و وجهه مشخصه نیروها و وحدت عمل های پرشری را تشکیل می دهد .

در نبردهای بزرگ تاریخی ضد امپریالیستی زمان ما نظیر نبرد خلق های هند و چین و خلق فلسطین و چین و مبارزات بزرگ لیگاتی نظیر آنچه در فرانسه، ایتالیا، و اسپانیا می گذرد نمونه های درخشانی از وحدت عمل میان مارکسیست ها و مذهبیون به چشم می خورد . بر قدر آنتی کمونیسم و این ایدئولوژی امپریالیستی شکست خورد به منفرد می شود و وحدت عمل بین مارکسیست ها و مذهبیون به خاطر اهداف مشترک علیه دشمن مشترک محکم تر و اصولی تر می شود . در کشورمان نیز بر قدر تبلیغات ضد توده های و اتهامات دروغین دستگاه تبلیغاتی رژیم علیه مارکسیست ها بیشتر فاش می شود و ما شاهد نزدیکی و کارو فعالیت مشترک و وسیع تر همه گردان های جنبش میهنی و ترقی خواه می شویم .

مسلمان انقلابی و مارکسیست از آن جا که هر دو - خواستار خاتمه دادن به استعمار و استبداد و مشتاق بهروزی خلق و ترقی کشور بوده و هر دو هدف آکاری و مبارزه را در راه خلق و میهن و وظیفه مقدس هریرانی می شنوند ، دارای وجوه مشترک هستند . و مهم این جا است که این وجوه مشترک نه در مسائل فرضی و گذرا، بلکه در مسائل اساسی و گرمی است . از این رو وحدت عمل ناشی از آن مستحکم ، پر قدرت و دارای دورنما و با آینده است .

واقعیت وضع چین است که اتحاد مسلمانان انقلابی و مارکسیست ها در شرایط کمونی تاریخی نه فقط ممکن بلکه ضرور است و یک مسئله مهم وحدت زمان ما است ، یک وظیفه است .

رژیم شاه هم مارکسیست را سرکوب می کند و هم مسلمانانی را که سنت مبارزه جویانه ائمه الهی را علیه جبروت مبرجسته می کنند علیه نژاد و مان می ریزند .

مجاهدین خلق در نشریه خود به حق گفته اند و ما تود ما ها ما تأیید کرده ایم که :

"مسلمان انقلابی که در برابر بیدادگری رژیم و سرافرازه کردن زنجیر های بردگی استعمار نوین قد برافراشته در همان راهی گام بومی دارد که مارکسیست - لنینیست ها واقعی پیش گرفته اند .

مجاهدین خلق به درستی گفته اند و ما تأیید کرده ایم : " یک انقلابی مارکسیست هرگز نمی تواند دشمن یک انقلابی مسلمان باشد " .

فلسفی  
برای کمونیست ها این است که از تلافیات فلسفی و نفسی با هیست مانسی بر سر راه مبارزه مشترک زحمتکشان به خاطر ضایع و آرمان های مشترک شان گردد . لنین نوشته است : " وحدت در مبارزه واقعا انقلابی طبقه زحمتکشان که برای ایجاد بهشت بر روی زمین می ریزد ، برای ما بسی بیش از وحدت عقیدتی پرولتاریا در زمینه بهشت آسمانی اهمیت دارد " .

برای ما تود ما ها که هرگز عقاید فلسفی و سیاسی و اقتصادی خود را نپوشانده و می دانیم که در یک سلسله از نظریات و تلافیات مسلکی با نیروهای انقلابی دیگر داریم ، آنچه مطرح و اساسی است این اختلاف نظر ما نیست ، بلکه وحدت عمل دراز مدت و وسیع بین مارکسیست ها و مسلمانان و همه گردان های مختلف نهضت استقلال طلب و آزادی خواه است که آن را ممکن میسازد ، حیاتی و وظیفه مهم میهنی می شمریم . اگر با واقع بینی بنگریم ، مارکسیست ها و مسلمانان دو بخش عده این نهضت اند . اگر دشمن بتواند بین این نیروی مهم انقلابی شکاف و نفاق بیاندازد ، و مانع ستیزگانه و میهن پرورانه خود را تقویت کرده است . و اگر نتواند دچار باخت میهنی شده که می تواند سرانجام برای پیش مهلک باشد . اگر انقلابی راستین هستیم ، باید برای وحدت دراز مدت انقلابی علیه رژیم ضد خلقی ضد ملی و آذکن و فاسد شاه بکوشیم . باید از سیما های تابناک مبارزان راه دین الهام گیریم تا به هدف مشترک میهنی و دموکراتیک خویش برسیم .

**اطلاعیه**

شخصی به نام کاوس صاحب ، کارمند وزارت دادگستری ، ادعای کند که به حزب توده ایران وابستگی دارد . به اطلاع می رسانیم که این فرد از کارگزاران ساواک و از همکاران نزدیک عباس شهریاری است . ما افراد مبارز از این فرد بوجهی نمی داریم .

مضمون این اطلاعیه راه همه دوستان و آشنایان را بگویند و کاوس صاحب ، کارگزار سازمان امنیت را به عموم معرفی ننمائید . دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اتحاد عمل همه رزندگان ضد رژیم شرط نخستین یک پیروکار راستین و اثر بخش است . ستیزه افکنی در میان نیروها ، به طبع عینی اقدامی است به سود رژیم .



# هجوم و حشيانه ساواک

به قلم کشتار مخالفین

در خیابان امیرآباد تهران، خیابان بوطی در نیمه شب اول خرداد ماه حادثه تان دهنده‌ای روی داد که اهالی محل را به شدت متاثر کرد و خشم مردم را علیه وحشی‌گری‌های بی‌حد و مرز ساواک برانگیخت. در نیمه شب ماه مهرازی شهرتانی و ساواک ناگهان به خیابان بوطی ریختند و خیابان را محاصره کردند. گویا آن‌ها در جست و جوی یک خانه امن چریکی بودند. بر اثر سرود ای آن‌ها بسیاری از اهالی محل بیدار شدند. یکی از عطف‌ها برای آگاهی از علت شلوغی ناگهانی محله برخاست و به سوی خیابان خم شد. مأموران به محض دیدن او، دسته جمعی به طرفش شلیک کردند. گمان می‌رود که علت هجوم سلحشوران رانسی دانست در خون خود سقوط و شد. رفقای دیگر او وحشت زده به بالین ایشان شتافتند و در حالی که به شدت زاری می‌کردند و از وحشت فریاد می‌کشیدند ساواکی‌ها آن‌ها را با مسلسل احاطه کردند و به خیال این که جمع به شرم ریخته و چریک‌هایی هستند که در صد فرارند از هر سو آتش مسلسل‌هایشان را به طرف آن‌ها گشودند. شش کارگر عطف در این بیرون شبانه گشته شدند. هنگامی که نقاب ترک چهره‌های رنج‌دیده آن‌ها را پوشاند مشخصاً وحشت زده و حیران‌شان هنوز دچار ناباوری بود.

ساواکی‌ها برای پوشاندن جنایت و وحشت‌ناک خود به نهایت خونسردی اجساد قربانیان را با خود بردند. چریک‌ها از اهالی محل که برای اطلاع از ماجرا وارد خیابان می‌شدند یا از پنجره خانه خود سرش را بیرون می‌آورد با تهدید اسلحه جلادان و وحشت زده به درون خانه پناهنده می‌شدند. اتوبوس‌های یکی از ساکنان محل بر اثر رگبارهای مسلسل مثل آب‌پاشی می‌شد.

این جنایات علی‌رغم همه کوشش‌های ساواک برای پنهان کردن آن از پرده بیرون افتاد و توفانی از خشم مردم شنوندگان و شاهدان حادثه در خیابان بوطی آفرید.

این حوادث اتفاقی و مستثنایی نیست محکایت از یک سیاست تعدی رژیم شاه برای احماء جسمانی همه مخالفان سیاسی خود می‌کند. و برای این هدف در باره سازمان امنیت به جلادان خود آزادی عمل نامحدود و آزادی جنایت و آدم‌کشی بی‌حساب داده‌اند. وقتی نخست وزیر شاه، جوید در صاحب‌های دروزارت اطلاعات به مخبرین خارجی می‌گوید که حکومت قصد دارد ریشه "توریسم تراب" بارتاب آن در عمل همین است که توریست‌های واقعی و بعضی ساواکی‌ها و مازار روزگار همه مردم برآورند.

جنایات سازمان امنیت و کشتار دسته جمعی مخالفین شبیه‌ترین رزم به خانه‌های شهروندان کردن و از بین بردن موج شدیدی از تآثر در میان وسیع‌ترین قشرهای مردم

مجموع وحشیانه و شبیه‌ترین سلحشانه سازمان امنیت به خانه‌های مردم و به قلم کشتار مخالفین و اهالی خانوادگی‌های آنان به مراتب وسیع‌تر از آن است که در روزنامه‌های مزدور تحت کنترل ضلعک می‌شود.

سازمان امنیت شاه به عمال خود دستور داده است بدون بیم از رگونه بازداشت یا بررسی و هر کسی را که دلشان خواست به نام چریک و خرابکار بکشند تا تخم حراس و وحشت‌پراکنند.

آدم‌کشی کور و بدون تعیین جهت و البته نشانی از توس خود عمال ساواک است ولی در همین حال از جمعیت رژیم دیکتاتوری مایه می‌گیرند که همه مردم ایران را بالقوه مخالف خود می‌شمرد و خون همه کس را صباح می‌داند.

در هجوم وسیع اخیر ساواک سعی شد مخالفان را بدون تامل قتل عام کنند و کسی را دستگیر ننمایند. روشی جنایتکارانه ساواک چندین فاجعه بزرگ ایجاد کرد. در یکی از حمله‌های ساواک در تهران به یکی از خانه‌ها که پدر جوانی کوشید تا شاید کودک خردسال خود را از زیر آتش دشمن نجات دهد. مأموران شاه پدر کودک را جاگشته و سپس ادعا کردند که گویا آن پدر چریکی بوده که گویا می‌خواسته کودک خردسال ناشناسی را وسیله فرار خود قرار دهد.

در قزوین به مأموران ساواک نشانی خانهای را در کوچه بحرین داده بودند. آنان شماره پلاک خانه را عوضی گرفتند و به خانه مصایبه هجوم بردند. هجوم با آتش مسلسل و گلوله باران آغاز شد. به اهالی خانه فرمان دادند که فوراً تسلیم شوند. در این خانه محسن حسینی، ناظم دبستان مجد قزوین و همراه با همسر و مادر و سرزن زندگی می‌کرد. آن‌ها بی‌خبر از همه جا دست‌را به علامت تسلیم بالا گرفتند و از خانه بیرون آمدند ولی مأموران ساواک به جای دستگیری آن‌ها رسیدگی به موضوع آن‌ها به گلوله بستند. حسینی و مادر زنش جا به جا گشته شدند. همسر حسینی زخمی شد. همه مردم قزوین از این فاجعه خبر دارند و به شدت از آن متاثرند.

بسیارند بی‌گانه‌هایی که از همه جا بی‌خبر و ناگهان مورد سوءظن قرار می‌گیرند یا آن‌ها بی‌بروناظرند و با قسط به علت آن که در محله یا کوچه‌های ساکن‌اند که عمال شاه گمانی برند که باید در آن جا مبارز می‌باشند یا خانه داشته باشند یا جا به جا گشته می‌شوند. توریست‌های دولتی و جانبازان حرفه‌ای یعنی عمال آدم‌کش رژیم شاه، مبرای پرده بی‌وفایی جنایات خود یا ادعا می‌کنند که این افراد هدف گلوله چریک‌ها قرار گرفته‌اند و مثل حادثه قزوین و میان‌ها را خود چریک قلم‌ا می‌کنند و مثل حادثه قتل پدر کودک و یا بعضی در پنهان کردن موضوع می‌نمایند. نمونه این روش‌های جنایتکارانه است که در زیر می‌خوانید:

# اعتصاب کارگران

★ دو کارخانه چیت سازی تهران ★

در برابر هجوم پلیس انضباط و نظم انتصابی خود را نشکستند و اعتصاب با نظم ادامه یافت. به کارگران محبوس در کارخان به اشکال گوناگون غذا رسانده شد. زنان و کودکان کارگران به کمک آنان آمدند و به این ترتیب جشن اول ماه کارگران چیت سازی تهران در کوره داغ مبارزه انتصابی و شرایط - دشواری پلی پرشوری برگزید.

اعتصاب کارگران چیت سازی تهران مویی از بند در می در میان سایر کارگران ایجاد کرد. کارگران نساجی کشور و از جمله کارگران کارخانه های ممتاز ری، جهان و الماس و کاشان اقدامات مؤثری برای ابراز دست زدن به عطل آوردند. کارگران کارخانه ارج و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نیز همدردی خود را اعلام داشتند. در کارخانه "ایران کاه" اعلامیه هایی پخش شد که کارگران را به همدردی و همبستگی با کارگران چیت سازی تهران دعوت می کرد. همچنین دانشجویان نیز با کارگران ابراز همدردی کرده و نیروی خود را برای کمک به آنان تجهیز نمودند.

روز چهارم اردیبهشت پلیس تدارک حمله به کارخانه را دیده. افراد پلیس در مقابل کارخانه و پاده روی خیابان آرامگاه موضع گرفتند و کوشیدند تا هرگونه تماس میان کارگران را با خارج از کارخانه قطع کنند و جلوی انتشار خبر در سای اعتصاب را بگیرند. پاسپانان با ماسک و باتوم رویه سوی کارخانه می کشیدند و بودند و اجازه نمی دادند که اعضای خانواده های کارگران که در اطراف کارخانه جمع شده بودند با کارگران انتصابی تماس بگیرند. در این میان پاسپانان کودک دوازده سیزده ساله ای را که در یک دستمال سرها گذاشته برای پدرش یا برادرش می بود دستگیر کرده و به داخل یکی از کمانکارهای پلیس بردند.

سرانجام پلیس به داخل کارخانه ریخت. از حواش درون کارخانه خبر درستی در دست نیست. ولی شاه، دین

و نیم اول سال جاری پیش از سی نفر کشته شده اند. این جنایت باور نکردنی است و جنایتی است ناشی از وحشت، نفرت و سادیسمی ضد انسانی. این جنایت به هیچ وسیله و به طریق اولی با خطر ضحک جرح جنایت قابل توجیه نیست. در پشت سر این جنایت ها عقابانت به ضافع ملی، دزدی میلیاردری اموال عمومی تلاش برای جلوگیری از تحویل و تکالیف و ابید است.

در این شرایط هر قدر حدت و فداانیت پیام اخیر کتبه مرکزی، جزیب توده ایان که همه مخالفان رژیم ترور و اختناق را به همکاری در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای پایان دادن به این وضع فراوانده است همیشه از پیش رو روشن می گردد. تبه کاری های شاه از حد گذشته و باید متحده دست خونین جلا در اقطع کرد.

در ماه های فروردین و اردیبهشت سال جاری جمعا حدود سی هزار کارگزار سی و شش واحد صنعتی در انتصابات مختلف شرکت کردند که مهم ترین آن ها اعتصاب کارگزاران چیت سازی تهران بود که به مدت بیست روز ادامه داشت. کارگران کارخانه چیت سازی تهران از روز چهارم اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. جریان اعتصاب و خواست های کارگران به شرح زیر است:

کارگران کارخانه چیت سازی تهران خواستار آن بودند که دستمزدها را متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش یابد. برای تامین مسکن آن ها اقدام شود. طبق بندی مشاغل انجام گیرد. معنی بیمه که امکان بر میزان مسرور دریافت می شود کاهش یابد. استخدام کارگران رسمی شود. آنان از حقوق مستخدمین رسمی دولت بهره مند گردند. کارگران خواست های خود را به مقامات مسئول اطلاع دادند ولی توجهی به آن ها نشد و لذا کارگران از چهارم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آن ها متشکل یک بارجه و حکم بود. همه کارگران همیشه نوبت کارخانه در این اعتصاب شرکت کردند. کارگران تصمیم گرفتند در سرکارها بر شون ولی کار نکنند. هر نوبت از کارگران ما شین همرا تا تحویل نوبت بعدی می داد تا محل کارخانه هرگز خالی نماند.

دور زنی اول اعتصاب به دستور مدیر کارخانه های ازبند سین و کارندان را پشت دستگاه های بافندگی گذاشتند ولی اعتراض شدیدی کارگران آنان را مجبور کرد که محوطه کارگاه را ترک کنند.

روز پنجشنبه در نیم اردیبهشت ماه پلیس کارخانه را محاصره کرد و از روی کل زنی که در نوبت شب در کارخانه بودند و از هر دو کارگران نوبت صبح جلوگیری نمود و بدین ترتیب کارگران نوبت شب در کارخانه محبوس ماندند. کارگران

بر آنکشته است. شاه و مدستان سازمان امنیتی او که هیچ گونه توجیه و توجیحی برای افعال جنایتکارانه خود ندارند دستور دادند در تمام روزنامه ها همزمان جنجالی در باره مردی به نام جرج چنین که یکی از همبران درجه دوم و کم نفوذ جبهه آزادی بخش فلسطین است برانگیزند و چنین وانمود سازند که گویا خطری از طرفی جنبش فلسطین کشور ما را تهدید می کند.

از چند ده سال پیش که در باره پلیس همه جنایات ضد انسانی خود را زینام مقابل باغبار ارج پنهان می کند یک روز خطره شوری یک روز از کوبا یک روز خطره ناصر یک روز خطره مران و یک روز خطره جمهری در مکزیک بین و جنبش غفار را به رخ می کشد و خطره جرج چنین از همه ضحک تر است. در چند ماه اخیر کشتار ای بدین محاکمه حتی بدین بازجویی به دست عاموران ساواک از حد گذشته و فقط در یک ماه

# وضع کارگران در جنوب کرمان

طبق مصوبات شورای عالی کار حد اقل دستمزد کارگران در استان بلوچستان و سیستان ۲۰ ریال در قبال هشت ساعت کار است. موافق قانون کار برای ساعات اضافه کاری باید ۳۵ درصد و برای روزهای جمعه ۱۳۵ درصد و بیشتر پرداخت گردد. اما در عمل دریافتی کارگران ساده هشت تومان و در دریافتی کارگران خردسال سه تومان است. کارگران ساده حد اقل ده ساعت در روز کاری کنند و اضافه کاری بعد از ده ساعت معمولی داده می شود. روزهای جمعه اگر کارکنند دستمزد معمولی و اگر کار نکنند - دستمزدی پرداخت نمی شود. برای تمطیل های استحقاقی سالانه حتی اول ماه و باز هم در بیشتر موارد روز کارگر است به کسی حقوق نمی دهند. اکثریت کارگران از هیچ گونه مزایایی برخوردار نیستند و تنها بهداندگی لباس کاری دارند. در ادوات دولتی شهرهای جنوبی کرمان مرساگلیه خدمتگزاران را به فقر می واری و دارند و اگر امتناع نمایند و آنان را به اخراج و قطع اضافه کار تهدید می کنند. در ادوات هست وضا برات کارگرانی وجود دارند که تنها ۲۰ تومان در ماه حقوق می گیرند و تازه حال هر چه مشکاکت کرده اند و نتیجاینداده است.

در بندر و راه بهار یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی ایجاد می شود که علی رغم اسم ایرانی خود یکی از حلقهات زنجیر پایگاه های نظامی امپریالیستی را در اختیار می گیرد. دریای عمان و خلیج فارس تشکیل می دهد. در ارتباط با ساختن این پایگاه در شهرهای جنوبی کرمان نیز فعالیت های در زمینه راه سازی برای ایجاد ارتباط مطمئن تر با جاه بهاره - ششم می خورد. اما وضع کارگرانی که در شهرهای جنوبی کرمان و در راه سازی با کاری کنند و نشان می دهند که در این شهر نیز مانند سایر نقاط ایران حتی قانون نافرمانی کار به شدت نقض می شود.

در شهرهای جنوبی کرمان حتی بچه های ده ساله نیز به کارگزار می شوند و حتی آنان را به کارهای خطرناک نیز وادار می کنند. مثلا در دی ماه گذشته در شرکت راه سازی کوه شست و کارگر سیزده ساله ای مامور گرس کاری زنجیرهای ماشین سه تنی بود و بدون این که ماشین را متوقف کنند. چند لحظه بعد آستین این نوجوان کارگر به زنجیر گیری کشد و دستش از بازو قطع می گردد. سپس فقط سه زارتومان به او می پردازند و اخراجش می کنند.

## باز هم شاه اسلحه میخورد!

خبر زیر از روزنامه امریکایی هرالد تریبون است که باز هم از یک معامله مشکوک اسلحه میان شاه و انحصارات امریکا خبر داده است:

بنابه نوشته روزنامه مطلع امریکایی بهای هواپیماهای بوئینگ را در ارکه به ایران تحویل می شود یک صد و هشتاد و هفت میلیون دلار تعیین شده. در حالی که همین هواپیما را وزارت دفاع امریکا در فروردین هشت میلیون دلار بهیمنی یک سوم بهایی که به ایران می فروشد به پیمان ناتو پیشنهاد کرده. ولی ناتو هنوز حاضر به خرید آن نیست.

هرالد تریبون می نویسد که در فروردین از این نوع هواپیما برای ایران سفارش داده شده که جمعاً یک میلیارد و هشتصد و هشتاد و هفت میلیون دلار قیمت خواهد داشت. اولین سفارش این هواپیماها را ایران قریب یک سال پیش داد و در آن وقت بهای هر هواپیما صد و بیست و هفت میلیون دلار اعلام شده بود.

هرالد تریبون می نویسد که ایران با خرید این هواپیماها کمک می کند که قدر تولید آن اقل شود تا شاید مقامات ناتو برای خرید تصمیم بگیرند.

برای این که تصویری از بهای این هواپیماها داشته باشیم یاد آوری می کنیم که مجموع تولید سالانه فروش کشور چه آن که صادر می شود و چه آن که در کشوری ماند و بر این نصف قیمت یک هواپیما است. و اگر همه ساختمان های دبیرستان های سراسر کشور را بفروشیم به زحمت ممکن است قیمت و فروردین از این هواپیما بدست آید.

ماجرای گفتند که با سپاه وارد اخل کارخانه به جان کارگران افتادند. عده زیادی از کارگران که شبانه از کارخانه رانده شده بودند قصد حرکت جمعی به سوی شمال شهر را داشتند و اما شلیک گلوله امان نداد. خون دهنها کارگر خایان آرامگاه را گلگون کرد. بنا بر گزارشات رسیده تا ده تن از کارگران کشته شدند. عده های مجروح گردیدند و بسیاری را نیز روانه بازداشتگاه های ساواک کردند.

خشم و انزجار همه کارگران را فراگرفت. کارگران بسیاری از کارخانه های خیابان پری و جاده شاهبهد الحظیم برای اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس و ماموران کارگران - قهرمان بهیست سازی تهران دست از کار کشیدند. پلیس در اطراف این کارخانه بنا نیز موضع گرفت و تا چند روز بعد همچنان کما قنارهای پلیس در خیابان های اطراف این کارخانه (از جمله کارخانه سپاه کارخانه سلیس) جهت سازی روی چند کارخانه دیگر) مستقر بود.

گرچه اخصاب بر شهری بیکر کارگران جهت سازی تهران را پلیس وحشی شاه جلا به خاک و خون کشید و تا ششیر آن صیق و شگرف بود. آگاهی بهیقاتی و نظم آهنین مبارزان اخصاب ستایش انگیز بود. موج وسیع اخصاب ها و سایر اقدام های مامور و مأمورین از آگاهی و بهیاری باز هم بیشتر طبقه کارگر ایران و تشکل و سازبان یافتگی به از هم بیشتر آن حکایت می کرد.



### و جمع اسفند بهار کارگران صنعتی

این واژه‌ها را از آنجا که در مورد وضع کارگران هنگامی می‌خوانیم که کشور به ظاهر قانون کار دارد عهد اقل دستمزده به طور رسمی اعلام شده و صحبت از تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری و حفاظت و امنیت کارمندان کمتر است. ساخت کار روزانه و تعطیل هفتگی و مرخصی سالانه با استفاده از حقوق و حتی صحبت از سهامدار شدن و سرمایه دار شدن کارگران در میان است. پو شاه وجود استثمار را در کشور مریحاً انکار می‌کند. ولی تریار که ساده ترین تقاضاهای قانونی کارگران مطرح می‌شود و ضمت آهنگین خود یعنی سازمان امنیت و پلیس و ژاندارمری را بر مغز آنان فرود می‌آورد.

روزنامه آیندگان در شماره چهارم اسفند ماه ۳۵۴ بخود مقاله‌ای داشت زیر عنوان: "روزگار تلخ آن سال که بسته خندان می‌کنند". این مقاله سند رسواکننده‌ای است از وضع توده‌ها و عظیم کارگران در سالیان سستی که تمام ادعاهای بی‌شمارانه شاه و ابروفاقیان بر او در مورد زندگی و کار و مشکلاتشان چنین مارد می‌کند. برای این که تصویر نشود مطالب آن نوشته تنها برای زنان و مشکلی که در کارگاه مورد بازدید کارگر می‌کرد مانند صادی است و نویسنده گزارش خود را این طور آغاز می‌کند:

"کارگران باغ شاه، چای و کارگران قالی باغی کارگران بسته و کارگران... کارگران همه کارهای سستی و بی‌مغز - مشابه هم دارند و بعضی که با بی‌پایه از فراست و هوا اقتضای روزگار ما را این نیست.

نوکس عکس بالای مقاله را نگاه کنید که نشان دهنده منظره کارگاهی است که در شرایط تیره و ستمی کارگر می‌کند. هفت بخت، واکند، اشک آلوده نویسنده، زاری را می‌فهمد و چونند هم که روزنامه تعلق به موسسه فرانکلین آمریکایی و آورداننده از پاسپورت سیا و عضو هیئت اجراییه حزب رستاخیز باشد.

نویسنده سه روز پیش ادامه می‌دهد:

"تمامی بسته استان کرمان را در شرکت سهامی ریک شرکت تعاونی مطالعه می‌کنند و این شرکت تا باپرداخت پانزدهمین رقم مقرر به کارگران کارگاه های خود مسود منتقلی را کند تنها در سال گذشته به یک میلیارد ریال رسیده است به جیب شرکتها و سهامداران خود می‌ریزند."

"هم اکنون در سالن بسته پاک کچی شرکت صادرات بسته کرمان که در دیدار نمایندگان رسانه های گروهی از تاسیسات مس سرچشمه کرمان به بازدید گذشته شد. استاد زن کارآزم و برخی از این با باجه های قدونم قد به امید تأمین بخشی از هزینه زندگی خود کاری کنند که اگر بتوانند در یک کار تمام وقت بیست کیلو بسته در سن بسته را در روز خندان کنند و فقط ۵۰۰ ریال مزد می‌گیرند. این کارگران کارشان از مبرماه آغاز می‌شود و معمولاً تا آخر سال و در سال های برابرتا تاریخ بیست ادامه پیدا می‌کند و بقیه سال را بی‌کارند."

نویسنده در پایان مقاله خود می‌نویسد:

"باین شرایط باید به حال این کارگران که بایست کارشمار روزی و اوقات فرسا مسالانه میلیون ها ریال سود کار خود را به جیب صاحبان بزند شرکت می‌ریزند فکری کرد تا آینده آنان نیز مانند روزگار تالی بافانی که سال عمل شیوه زندگی خود را به دیگر صاحبان کارگاه اریخته اند نشود."

این بود خلاصه‌ای از اعتراضات آیندگان درباره وضع کارگران.

## سرود پیوسته

شعری از بهار شهید

باید که درست بداریم یاران !  
باید که چون خیزد خورشید  
فریاد های ما اگر چه رسا نیست  
باید یکی شود

باید تپیدن قلب اینک سرود  
باید کسوفی رخسار ما اینک پرچم  
باید که قلبها

سرود پرچم ما باشد  
باید در هر سینه ای  
نزد یک ترمیم  
باید یکی شویم

اینان هر اس شان زنگانگی ماست  
باید کسر زند  
الیمه خاور

از چشم های  
باید کملوت تشنه  
میزان خیزد باشد

باید کوی فقر  
از چشم های شمالی بی نصیب نماند  
باید که دست های خسته بهاسایند  
باید که سفره های همه رنگین  
باید که خنده و آینه، جای اشک بنماید

باید بهار  
در چشم کودکان جا ده ری  
سبز و شکفته و شاداب  
باید بهار را بشناسند  
باید "جوادیه" بریل بنامشود

بله این شانه های ما  
باید که رنج را بشناسیم  
وقتی که دستت در رحمان

باید که دست بداریم یاران !  
باید که قلب ما  
سرود پرچم ما باشد.

باید که دست بداریم یاران !  
باید که قلب ما  
سرود پرچم ما باشد.

باید که دست بداریم یاران !  
باید که قلب ما  
سرود پرچم ما باشد.

## دو گزارش از شرایط زندگی و مبارزات کارگران نوب آهن اصفهان

در کارگرنی گروه کثیری از کارگران اخراجی جمع می شوند. به روسا رهنمود داده شده است که اگر کارگران سوار شوند ، دیگر نمی شود آن ها را پیاده کرد . مسئله این جا است که نباید گذاشت سوار شوند .

وحشت از طبقه کارگر به هنگام دیدار از پیرشاه از کارخان نوب آهن پیش از هر وقت دیگر آشکار می شود . روزی پیر شاه کارخانه به قرارگاه مخوف نظامی تبدیل شده بود . در تمام صیون های داخلی کارخانه گارد های بیوه و ساواکی ها و گروه های غیرت متمرکز شده بودند . گروه کثیری از کارگران راه کارخانه راه ندادند . رفت و آمدها را در تمام جاده ها اطراف متوقف کردند . کارخانه و تاسافت در دست ه در اشغال نظامی بود . به این ترتیب شاه به میان کسانی آمد که مدعی است پشتیبان اصلی رژیم او هستند ! واقعا به چشم دیدن بیگانگی شاه و کارگران در آن روز تماشا می بود

### ۲

#### مبارزه کارگران نوب آهن اصفهان در شهر فلاورجان

شهر فلاورجان میان کارخانه نوب آهن و شهر اصفهان قرار دارد و نزدیک به چهار هزار نفر از کارگران نوب آهن با خانواده های خود در آن زندگی می کنند . اکثر کارگران مزدور محلی نیستند و به خاطر گرانی اجاره بها در اصفهان و نداشتن سکن در کارخانه به زندگی در این شهر تن در داده اند . برای این انبوه عظیم کارگری تنها سه اتاق مسکونی بهین بهین شده است . از این رو است که کارگران فلاورجان پیش از دیگر همکاران خود در روز پنجشنبه ناخیر و فیت ناموجه می بردازند .

روز چهاردهم بهمن ماه سال گذشته کارگران فلاورجان تصمیم گرفتند که با این وضع تحمل ناپذیر سه مظلوم جدی بپردازند . خبر گوش به گوش گشت و صبح روز بعد تمامی کارگران فلاورجان اعتصاب کردند و سوار اتوبوس های سرویس نشدند .

شهر کوچک فلاورجان به وسیله پل کوچک واریکی به جاده اصفهان وصل می شود . لکه مرکزی شهر مقابل پل قرار دارد . کارگران ابتدا در لکه جمع شدند اما هنوز صدای اعتراضی از آن ها برخاسته و ناند ارم نامبر رسیدند . کارگران بلخون سردی خواست و مشکلات خود را با یکایسک واند ارم ها در میان گذاشتند و تاکید کردند که قصد دیگری جز تهیه وسیله نقلیه برای رفتن به محل کار خود ندارند ولی استوار واند ارم به افرادش دستور داد کارگران را متفرق کنند . کارگران با اجتماع در برابر فلاورجان راهپله شهر را با خارج تطیع کردند . همین که حمله واند ارم ها آغاز شد ، برای آن ها نیروی ککی رسید . کارگران

مجمع نوب آهن اصفهان ده ها هزار کارگر در روز یکشنبه قلاب صنعتی کشاورست و اما کارگران این مجمع با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو هستند که بویسته باید اعتراض و مبارزه آنان می شود . دستخورد کارگران کم است و کفایت های خردترین هزینه زندگی را هم نمی دهد . حتی تکسین ها و مهند سطن از کمی حقوق خود ناراضی هستند . دولت در مقابل اعتراض کارگران پشت سر هم عمل می کند ولی اجرا نمی کند .

سکن یکی دیگر از دشواری های بزرگ است که در بار آن بر دوش پیش از نوب در صد کارگران سنگینی می کند . گرانی اجاره بها و کمبود سکن در اصفهان ، به خصوص برای کارگران غیر بومی ، غیر قابل تحمل شده است . وضع خانه سازی در آریاشهر بسیار ناپسند است . کارهای ساختمانی تعطیل شده و ساختن های دوازده طبقه نه آب دارند و نه آسانسور .

وسيله رفت و آمد بلای جسمی و روحی بزرگی برای کارگران نوب آهن شده است . هر روز اجتماع عظیمی از کارگران ، خشکین در جست و جوی وسیله ای هستند که خودشان راه سر کار برسند و لصاب خود را در راه کارخانه خود بدهند و ناچار اخیر سازند پسین جرمه تاخیر نیز می بردازند . بهر ه کسی از کارگران نوب آهن ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است . به علت کمی دستمزد ، با آنان مجبورند اضافه کاری کنند واز ۵/۵ صبح تا ۶ یا ۷ بعد از ظهر گرفتار باشند و مانند جمعی می رنج به خانه بازگردند .

در قسمت های کارگری غذا خوری وجود ندارد . کارگر خانواده داری که در برابر هشت ساعت کار فقط بیست تیا بیست و پنج تومان حقوق می گیرد ، نمی تواند غذای ه توغای بخورد و نیز از انواد مان گرسنه خواهد ماند .

کارگران دیگر مدت ها است که به انگیزه این ظلم و استثمار طبقاتی بی برده اند و بهین هم بیخ می کنند : " آخر چه دستمزد این که بزرگ است و ما این زندگی سگی را داریم اما بالایی ها گروه کثیری روخت و پاش می کنند و به جیب می زنند . آخر چرا این قدر صلحه می خورند و ما خود مان فقیریم اما به کشورهای دیگر قرص می دهیم . چه قدر می زنند و بهین نفت چه می شود ؟ !"

دولت نیروی فشار قابل ملاحظه ای را در کارخانه مستقر کرده است . نگر انتظامی کارخانه ، ماموران سازمان امنیت و واند ارم ها که گروه های ترستی در نقاط مختلف کارخانه مستقر دارند ، هر روز جلوی چشم کارگران تمرین می کنند تا آنان را بترسانند . همه این ها از روی قصد به کارگران توهمین میکنند و زهر می گویند .

کارگر به کمترین بهانه ای اخراج می شود . هر روز جلوی



# رویدادها

## ۱- اعتصاب کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران

در اوایل آبان ماه سال گذشته کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران مبارزه اعتصابی پنج روزه موفقیت آمیزی را پشت سر گذاشتند. ما بر اساس این تراز بود که کارگران با توجه به شرایط دشوار کار و بی بهره گشتن بی بند و بار و فتنه‌ها در کارخانه در دست راست کردند به جای یک ماه حقوق به عنوان سود ویژه در اواخر شهریور ماه مصداقاً دو ماه حقوق به عنوان سود ویژه برای مدت شش ماه به آن‌ها پرداخت شود. بدیهی است این تقاضا با مقاومت کارفرمایان روبرو گردید و عملاً نادیده گرفته شد. کارگران کارخانه ایران سیلندر در مبارزه با کارفرمایان جماع خود تجربه تلخ و پیناهیزی داشتند. آن‌ها سال گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند ولی اعتصاب سه روزه به علت سستی اتحاد و نبود تجربه با شکست روبرو شد و نمایندگان کارگران به نام حاجیان از کارخانه اخراج گردیدند. در اعتصاب ناآرام سال قبل کارگران موفق به کسب کمترین امتیازی نشدند و حتی یکی از کارگران به عنوان اعتراضی - نوید آن به روی کارگری کارفرما نگاه‌آوردن شتیانی - مدعیان به بی دریغ رژیم بر سر بردار بود. دست به خودکشی زدند و توسط دوستانش از مصداق استیافت. شکست اعتصاب سال قبل درس

خوبی به کارگران داد و آنان با ارزیابی نقاط ضعف و قوت این اعتصاب در اوایل آبان ماه سال گذشته مبارزه جدیدی را به دست آوردند. افزایش سود ویژه تقاضا کردند. کارگران این بار در کارخانه حاضر شدند و در پشت ماشین‌ها قرار گرفتند اما کار نکردند و اگر کار کردند باز به آن قدر ناچیز بود که اصلاً به حساب نمی‌آمد. کارگران از میان خویش کسانی را مأمور کرده بودند تا گوش به زنگ باشند و هرگاه نماینده وزارت کار یا مأمورین اضتی به سراغشان آمدند و آن‌ها را مطلع کنند تا در برابر آن‌ها به کارهای خود بپردازند. در نیم روزی که اعتصاب کاملاً حساب شده کارگران ادامه داشت مبارزه کارگران کارخانه از یک دهم روزهای معمولی هم پائین‌تر آمد. این وضع برای کارفرمایان قابل تحمل نبود و اولیاء کارخانه سرانجام در برابر مبارزه متشکل و یک پارچه کارگران عقب نشینی کردند و سود ویژه یک ماهه آن‌ها را از یک ماه حقوق به یک ماه ونیم افزایش دادند و تصدیق کردند به زودی آن‌ها را تمام کارگران در ماه حقوق بالا ببرند. در کارخانه ایران سیلندر خود - کارگر کاری کنند که همه آن‌ها در اعتصاب شرکت داشتند.

## ۲- اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی

### شهناز و صنایع پشمی

کارگران کارخانه های نساجی شهناز و صنایع پشمی دست به اعتصاب زده و علی‌رغم حملات سازمان امنیت کسب موفقیت کردند. این کارخانه‌ها به عهد انیان تعلق داشت که شاه از دست او گرفت. از موثقی که اداره کارخانه‌ها به دست دربار و دولت افتاده، فشار به کارگران شدیدی شده است. بیش از یک سال بود که سود ویژه کارگران را - نمی‌پرداختند. سرانجام کارگران شهناز دست به اعتصاب زده و جلوی کارخانه اجتماع کردند که در میان همه کارگران اصفهان انعکاس وسیع یافت.

کارگران پشمی نیز به اعتصاب دست زدند. مدیریت کارخانه با پرداخت شش ماه سود ویژه موافقت کرد و اعتصاب موقتاً پایان یافت. اما سواً به بهانه های گوناگون تمدد کثیری از کارگران را دستگیر کرد. آنگاه کارگران برای آزادی رفقای خود بار دیگر دست از کار کشیدند و پس از چند روز - سارا را اجباراً عقب نشست و اکثر کارگران دستگیر شده را آزاد کرد. در جریان اعتصاب تروکت، ای به امضای «زیتوده ایران در میان کارگران منتشر شده که با استقبال گرم آنان روبرو گردید. البته کارگر اصفهان که در پایه گذاری و تحکیم حزب پیشاهنگ طبقه کارگر عزیمت کرده ایران نقش فعالی داشته امروز نیز در کار احیای سازمان های حزب و گسترش سازماندهی

نبردند به آسانی تسلیم سرنیزه و زور شوند. آن‌ها به حقانیت و استقامت خود ایمان داشتند. آتن مقاومت شعله کشید. از این رو چند تن از مقامات ذوب آهن و نیز مسئولان ساوا، خود را به جیل محاکمه رساندند. وزارت کارگر ششمین در حال نبود یافت از آن بودند. صحنه باشکوهی بود. نگاهی به وضع نشان می‌داد که بازو کاری از پیش نمی‌رود، مگر این که بنویسند چون جاری شود. از این جهت نوکران رژیم از دردیگری وارد شدند و به کارگران قول دادند که ماشین به اندازه کافی در اختیار آنان بگذارند. پیرا ز سلسله محاکمه کارگران پل را باز کردند و ده سال اتوبوس‌مینی بوس و اتوبوس سواری که در این مدت در دست و پا بود توقیف کرده و سر نشینان نشان تا در این مبارزه باشکوه کارگری بودند، امکان دادند تا به راه خود ادامه دهند.

نشان نیز پیروز شدند. وزارت کار در جریان در میان کارگران در اصفهان، شیراز و ما نیز شهر هنجار آید و نتواند دیگر بازتاب گسترده‌تری داشته باشد. به آموزی از این اندیشه‌ها باز به مصداق می‌گفتند. هنوز وقتی است. این بیروزی کارگری به بدیدی و مبارزه آن‌ها در این کد روز سندی ترین فشار های پلیسی و در شرایط استعجاب و حسیانه کارگران آن به سختی استعجاب شده داده است.



انقلابی فعالانه می‌کوشد.

بودند و برپوشید و چاره‌ای جز نرسش و مذاکره نیافت. نمایندگان کارگران خواست نمای خود را به این شرح با بخشدار در میان گذاشتند:

• ماهه جای هشت ساعت کار میروند و از ده ساعت کاری گنیم و چهار ساعت بیکاری است. برای این چهار ساعت اضافه کار اجباری دهناری به ما می‌دهند. ما باید این بیکاری قطع شود. ما باید اضافه کاری ساعتی موافق قانون کار به ما پرداخت گردد و روزهای جمعه ما مجبور به کار هستیم. این مغایر قانون کار است. کار اجباری جمعه ما باید قطع شود و دستمزد ما محدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ تومان است که هیچ اضافه حقوقی و اضافه کاری بر آن افزوده نمی‌شود. ما توجه به گرفتن روز افزون ما به احتیاج زندگی و این مبلغ فقط تکافی کرایه مسکن را می‌دهد. درباره افزایش حقوق ناچیز ما باید شرایط زندگی و سطح کنونی قیمت ما به احتیاج ما در نظر گرفته شود و هفت درصد از حقوق ناچیز ما بابت بیمه کسری شود بی آنکه کترین خدمات - - - بهمانند اشتی با درمانی در اختیار ما قرار گیرد. کارگران جدا می‌خواهند که امکان استفاده از پزشک و دارو و درمان برایشان فراهم شود و ضایل ماهه از کارخانه بسیار درست. از این جهت نظر داریم که اداری از حقوق ناچیز خود را بابت هزینه رفت و آمد بپردازیم. باید در مورد سازمان دادن سرورسی حمل و نقل رایگان از طرف کارخانه اقدام فوری شود.

بخشداری پس از صورت با رئیس ژاندارمری و در سرپرست کارخانه از کارگران چند روز فرصت خواست تا به خواست نمای آنان جامع عمل بپوشاند. کارگران سه روز مهلت دادند و اتمام جهت کردند که باید در این مدت رسیدگی کامل به خواست ما و تحقق بکایک آن تا انجام گیرد.

با توجه به خواست نمای کارگران کارخانه بدرسیر که تازه در صورت تعطیل شدن یک زندگی محروم ساختی را برایشان میسر می‌کند و می‌توان وضع توده های عظیم کارگران را در سوزن پذیرش و پرنحسیتی که به قبل آریا میسر می‌شود به دروازه تمدن بنزق رسیده و مجسم کرد.

۶- اعتصاب کارگران بخشی از مجتمع فولاد اراک  
در حدود اوایل بهمن ماه در کارگاه مجتمع کارخانه آلمانی که یک قسمت از مجتمع فولاد اراک را می‌سازد مکارگران دست به اعتصاب زدند و نسبت به حقوق خود اعتراض کردند تا جایی که با ابزار تنفر از کارفرمایان آلمانی و امریکایی فریاد می‌زدند که چرا یک آلمانی ده برابر یک شخص ایرانی پول می‌گیرد و در صورتی که همه کارها را ایرانی ها انجام می‌دهند و فقط آن‌ها اول صبح می‌آیند تا ساعت ده و فقط با مهندسان توی دفتر می‌نشینند و بعد خود را محافظت فراد.

صدای کارگران و تکتسین تا بالا گرفت و مهندسان را دستپاچه کرد. اول سعی کردند با زبان و عده و وحید کارگران را به سرکار برگردانند. اما کارگران بیشتر عصبانی شدند و

۲- اعتصاب کارگران ترانکو سازی تبریز (آذرماه ۱۳۵۴)

کارگران کارخانه ترانکو سازی تبریز برای افزایش دستمزد و سایر پشتیبانی از کارگران ادرج شده کارخانه دست به اعتصاب زدند. نوزده ماه و عده و وعده نمای اولیاء کارخانه برای تصرف کردن کارگران از بهار و بهار و از سر گرفتن کار تاکنون به نتیجه نرسید.

چندی پیش از آن کارگران کارخانه ترانکو سازی تبریز با درخواست نمای اقتصادی دست به اعتصاب زدند که مسئولان کارخانه با هیچ دوز و کلکی نتوانستند بر آن فائز آیند. اما سرانجام آن اعتصاب به لغزاج گرونی از کارگران انجامید. اینکه کارگران کارخانه ترانکو سازی با اعتصاب به حمایت از برادران لاریجی خود برخاسته و بازگشت آن راه به سرکار و استوار شدند.

۳- اعتصاب کارگران تبریز اراک

در حدود هزار کارگر کارخانه تبریز اراک از اوایل آذرماه دست به اعتصاب زدند که چندین هفته طول کشید. علت اعتصاب کارگران کارخانه تبریز امتناع مسئولان از تقسیم سود بود در بین آن‌ها بود. کارگران که مبارزه آگاهانه ای را با کارفرمای چپالگر خود آغاز کرده بودند به توجه به شرایط اختلافی ایران و دشمنی ما و وحشیگری پلیس ساواک در برخورد با خواست های کارگری و اعتصاب خود را به این نحو سازمان داده بودند که در سرکارها نمی‌شدند اما کم کاری کردند تا اشتباهات و غفلت های عادی در جریان کار رفته ایجاد می‌نمودند و محصول کار را اصلاح تا سطح زیادی پایین می‌آوردند. بیفرشاه به روزستان و دیدار او از کارخانه تبریز اراک در حالی انجام گرفت که صد کارگر در حال اعتصاب بودند.

۵- اعتصاب کارگران قد بدرسیر کرمان

شهرستان کوچک بدرسیر و نزدیک کرمان در اوایل دی ماه سال گذشته شاهد یک اعتصاب پرشور و شگفت انگیز کارگری بود. چهارصد تن از کارگران کارخانه قد بدرسیر با تقاضای متعدد در صفوفی فشرده و نظمی آهنگین از محل کارخانه به راه افتادند و شش کیلومتر فاصله کارخانه و بخشداری را پیاده پیمودند تا انتقام حجت خود را درباره تفسیر غیر انسانی و غارتگرانه کار خود در میان بگذارند. نام یک پاره و حرکت مصمم کارگران شهرستان کوچک بدرسیر تا آن داد و گروه های بزرگی از مردم را نسبت به کشیکاری و سپس به صدور ی با کارگران اعتصابی کشاند.

بخشداری بدرسیر وقتی با انبوه کارگران خشمگین و جمعیت کثیری که به واداری آن‌ها در برابر بخشداری اجتماع کرده



که شایع است روسای حزب رستاخیز تمام بودجه راه جیب زده اند .

۱۴- اجتناب کارگران سیما تهران

کارگران کارخانجات ساختمانی سیما تهران در دهه آخر اسفند به مدت سه روز برای دریافت حقوق و دستمزد اولاد که همیشه دریافت می داشته اند و ولی در سال گذشته مسئولین امروز پرداخت آن خودداری کرده بودند دست به اجتناب زده و از کار امتناع کردند . کار به بحالت ماندن افتاد . اکنون اجتناب را شکستند . کارگران این کارخانه علاوه بر آن که حقوق مورد تقاضای خود را دریافت نکردند تا مدتی حتی حقوق های دردرانیز دریافت ننموده بودند .

۱۳- اجتناب کارگران شرکت ساختمانی ایما

عیدی کارگران شرکت ساختمانی ایما و شرکت مطالعه کاری که کارهای ساختمانی مجتمع فولاد امواترا انجام می دهد پرداخت نمی شود . روز بیست و ششم اسفند کارگران صبح جمع می شوند و با سهند سرعایدی مذاکره می کنند . سهند سرعایشی می آید و کارگران نیز واکنش نشان می دهند : ژاندروری خبر می شود و ژاندرارمها سه نفر را دستگیر می کنند . روز بعد مجددا کارگران جمع می شوند . نمایندگان کارگران با نمایندگان شرکت مذاکره می کنند ولی این مذاکره به جایی نمی رسد . ژاندروری سه نفر دیگر را دستگیر می کند . قرار می شود بعد از عید عیلا را پرداخت نمایند . در این مدت شرکت شروع به اخراج کارگران می کند . تاکنون حدود یک سوم کارگران را اخراج کرده اند . از کارگران دستگیر شده سه نفر آزاد کرده اند و از سه نفر دیگر خبری نیست .

۱۴- اجتناب کارگران کارخانه گونی بافی رشت

در کارخانه گونی رشت به کارگران جمعا پنجاه روز حقوق بابت پاداش سود ویژه پرداخت نشده که کارگران به عنوان اعتراض به کمی آن و همچنین برای افزایش دستمزد یک روز اجتناب کردند .

۱۵- اجتناب کارگران صنایع پشم اصفهان

کارگران صنایع پشم اصفهان که در روز قبل از عید دست به اعتصاب زده بودند پس از عید نیز اجتناب خود را ادامه دادند . اما نیز از نتایج این اجتناب خبری نداریم .

صنایع پشم اصفهان یکی از کارخانه های مهم و معتبر کشور است . این واحد بزرگ صنعتی که از صنایع عده همیشه پارچه ایران است در تمام بیست و چهار ساعت به کار اشتغال دارد و کارگران با حقوقی که در شرایط امروز به هیچ وجه تکافی زندگی ساده آن میسر نمی آید در عده کیفیت با سه نوبت هشت ساعت به کار گرفته می شوند . شرایط

کارآنان دشوار و دستمزدشان ناگافی است . صاحبان پشم اصفهان در اواخر سال گذشته ناگهان وضع شیفت بندی کارگران را به عهدند و مقرراتی تعیین کردند که بر اساس آن مدتی شیفت شب و مدتی بر شیفت روز کار کنند . با این تصمیم بر شدت استثمار کارگران افزوده شد . کارگران می باید مدت باز هم بیشتری وقت صرف رشت و آمد کنند و شماره در خدمت کارخانه باشند . عده ای از کارگران این وضع تحمل نکرده و کارخانه را ترک کرده اند . غیبت این کارگران فشار کار را به کارگران با در کارخانه افزایش داده است . نحوی که در آخرین ماه های سال گذشته هر کارگر مجبور بود به جای یک ماشین و مسوولیت و ماشین را به عهده بگیرد . این تکلیفی شاق و تقریبا تحمل ناپذیر بود . کارگران از صاحبان کارخانه خواستند حال آ که کار آن ها برابر شده ، دستمزد های آنان را به همان ترتیب بالا ببرند . به علاوه آن ها اعلام کردند که با توجه به سود سرسام آور کارخانه در سال گذشته ، خواهان سه ماه سود ویژه و پاداش شب عید هستند . و تا هنگامی که تقاضای آن ها به طور کامل تحقق نیابد ، دست از کار خواهند کشید . اجتناب کارگران از روزی به عید مانده شروع شد . کوشش کارفرما به اشکال مختلف برای مخت کردن اجتناب به جایی نرسید . و پس از تعطیلات نوروز نیز کارگران اجتنابی از حضور در کارخانه خودداری کردند . این اجتناب در تقاضای فروردین ماه امسال ولحد عظیم صنایع پشم اصفهان را ملاحظ کرد .

۱۶- اعتراض و استعفیای جمعی از رانندگان

نوب آهین اصفهان

در نیمه اول فروردین ماه ۴۰۰ نفر از رانندگان نوب آهین اصفهان به عنوان اعتراض به کمی دستمزد و شرایط سنگین کار به طور جمعی استعفا کردند . رانندگان درجه یک نوب آهین روزانه ۳۰۰ ریال و سایر درجهات تا ۲۴۵ تا ۳۰۰ ریال دستمزد می گیرند که برای تامین هزینه کمر شکن زندگی کافی نیست . در ضمن لباس کار و سایر مزایا نیز به آن داده نمی شود که خود موجب اعتراض رانندگان است . به علاوه از رانندگان روزانه دوازده ساعت یعنی چهار ساعت اضافه کاری کنند و آنان مجبورند در جاده های خطرناک با جان خود بازی کنند .

۱۷- اجتناب کارگران کارخانه لوله

و ماشین سازی ایروان

کارگران این کارخانه از اوایل فروردین ماه دست به اجتناب زدند . اجتناب آنان مدت نوزده روز ادامه یافت و با موفقیت پایان پذیرفت . کارگران توانستند اضافه دستمزدی را که تقاضا می کردند کسب کنند .



۱۸- احتساب کارگران بی افتاد گودریج

در این کارخانه حدود ۲۴۰۰ کارگر در سه نوبت کاری می‌کنند و در سراج بالا، از آگاهی و همبستگی طبقاتی قرار دارند که نمونه آن احتساب محدودی آن‌ها با کارگران احتسابی کارخانه لوله سازی است که در جاده کرج ریزری کارخانه بی افتاد گودریج قرار دارد.

انفوز ۲۱ فروردین کارگران بی افتاد گودریج برای تقاضای خود نیز دست به احتساب زدند. تقاضای این کارگران به شرح زیر بود:

- ۱- افزایش دستمزد به میزان سی درصد
- ۲- لغو تصحیم کارفرما در اثر به افزایش سلامت کار روزانه از ۸/۵ به ۹/۵ ساعت
- ۳- لغو تصحیم کارفرما به بالا بردن واحد تولید در واحد زمان که موجب شد بد بهره کشی از کارگران است
- ۴- لغو جریمه قیمت که در برابر دستمزد سلامت پاروی قیمت است

۵- متوقف کردن جریان اخراج کارگران با سابقه و استخدام کارگران جوان و تازه کار با دستمزد کمتر. علی‌رغم حملات پلیم که منجر به دستگیری چند تن از کارگران شد کارگران تا چندین هفته به مبارزه ادامه دادند.

۱۹- احتساب کارگران کارخانه اریج

کارگران این کارخانه در اردیبهشت ماه دست از کار کشیدند. آن‌ها به کمی دستمزد، بدی غذا و غذای نوری کارخانه که پول آن از دستمزد کارگران کسر می‌شود اعتراض داشتند و استاز به بود شراب را کنار بودند.

تاسیسات اریج پیش از سه هزار کارگر دارد. وانداری محل پس از ایل از آغاز احتساب کارخانه را محاصره کرد تا جلوی تا اضرات نمایانی کارگران و با حرکت دسته جمعی آنان راهسوی تهران بگیرد. شایع بود که کارگران برای چنین حرکت دسته جمعی آباد می‌شوند تا اعتراضات خود را به وزارت کار بسانند. محاصره کارخانه با واکنش شدید کارگران روبرو می‌شود. آنان از کارخانه خارج نشدند اما بالاخره موفق گردیدند که موافقت مدیریت کارخانه را با برخی از تقاضای خود جلب کنند.

۲۰- احتساب کارگران کارخانه بوتان گاز

کارگران کارخانه بوتان گاز که اکثر آن‌ها دستمزدی بین دوازده تا پانزده تومان در روز دارند و چندین بیست دست به احتساب زدند. آنان استاز سی درصد افزایش دستمزد بودند. خوب شایع آن است که در ایران - کارخانه با تقاضای کارگران موافقت کردند اما ساواک موافقت نکرد و خواستار شدت عمل شد. ساواک دستور داد که همه کارگران احتسابی به عنوان کسانی که گویا به عمل خویش کار خود اترت کرده‌اند و اخراج شده به حساب آیند و هیچ حقی

به آن داده نشود. طبق دستور ساواک از اول خرداد ماه دفتری در کارخانه گذاشته شد که از نو کارگران احتسابی را اگر به سرکار بر فرزند به عنوان کارگر جدید الهود اسم نهی می‌کنند. دستمزد جدید کمی بالاتر از دستمزد قبلی است اما همه سوابق و مزایای کارگران از میان می‌رود.

ما مطمئنیم که کارگران ایران برای مقابله با شدت عمل ساواک اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و سازمان های پنهانی وطنی خود را بازم بیشتر تحکیم خواهند کرد و به همیشگی خود خواهند افزود. شدت عمل سازمان امنیت نمی‌تواند در محیط های کاری که در آن منافع سرمایه داران به طور مستقیم زیر خیره قرار دارد موثر باشد و با هیچ گونه شدت عملی نمی‌توان کاری را که روزانه کمتر از بیست تومان دستمزد می‌گیرد و بیاز و سبب زمین را کلیتاً بیخ تومان می‌خورد به کار اجباری وارد است.

۲۱- احتساب کارگران کارخانه چینی سازی مینا

کارگران این کارخانه واقع در شش کیلومتری قزوین به عنوان اعتراض به شرایط نا مناسب کار و این بودن دستمزد ما در اردیبهشت ماه دست به احتساب زدند و به طور دسته جمعی برای تذکره با مدیر کارخانه به جلوی ویلای او رفتند. در آن جا تظاهرات وسیعی انجام گرفت و اما مدیر کارخانه با دعوت واندان ما به جان کارگران افتاد. هم گسون ویلای مدیره اور دانی زیر محافظت مامورین گسست واندان لری قرار دارد.

۲۲- احتساب کارگران کارخانه سیمان تهران

صدها کارگر کارخانه سیمان تهران چندی پیش دست به احتساب زدند. در اسرخواست های کارگران اضافه دستمزد قرار داشت زیرا برای ودم عادی و به ویژه زحمتشان کشور با دستمزد های کثیف امکان زندگی حتی در بهترین ترین سطح توقع به سختی امکان پذیر است. قیمت ها علی‌رغم ادعای مقامات رسمی کشور با سرعت جنون آمیزی ترقی می‌کند و تمامی فشارها در حساب آخر بود و شر کارگران و زحمتشان است.

کارگران سیمان پس از آن که تمام تقاضاهایشان رد شد دست به آخرین حربه یعنی احتساب زدند و امسال در ایران که هنوز احتساب با سرنیزه رژیم و خوار ساواک روبرو است و کارگران بوسر کارخانه بر شده اند اما کم کاری کردند و آنگاه که امرار کارفرما از حد گذشت با سهیل انگاری های عادی باعث توقف تولید گردیدند. کارخانه عملاً از کار افتاد و کاملاً طغ شد و در نتیجه در میزان تقاضای مشتریان تجدید نظر شد. سرانجام کارفرمایان مجبور شدند با قسمتی از خواست های کارگران موافقت کنند. اما به قرار اصلاح عدای نیز دستگیر شدند.

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکم هیچ سلاح دیگری جز سازماندهی انقلابی ندارد. بنابراین

**۲۳- اختصاب کارگران معدن نغال سنندج تا امروز**

کارگران معدن نغال سنندج تا امروز از صبح روز شنبه به خرد ادماه اختصاب گسترده و مصمی را آغاز کردند. پیش از هزار کارگر معدن در این اختصاب شرکت جستند. کارگران خواستار برقراری مجدد اضافه کاری پیش بودند که ناگهان بدون دلیل قایل شده بود. با توجه به هزینه سرسام آور روز افزون زندگی و ناتوجه به قیمت های نامعقول - مایحتاج روزی از جمله سکن و بهداشت و غذا، حمل و نقل و نیز با توجه به سطح بسیار نازل دستمزد - کارگران این اضافه کاری برای کلیه کارگران نقض حیاتی دارد. کارگران برای برقراری مجدد اضافه دستمزد خود پیشنهاداتی به مسئولان معدن دادند اما اصرار و ابرام آنها با پاسی تفاوتی و بی اهمیتی کامل روبرو شد. چند تن از صندسان خود فروخته معدن که در واقع عمال دولت هستند در کنار پیشبرد هدف های کارگران کارشکنی می کردند. سرانجام برای کارگران معدن نغال سنندج که در سخت ترین و خطرناک ترین شرایط کار هستند چاره ای جز اختصاب باقی نماند. آنها با تشکیل یک پارچگی کم نظیری اختصاب خود را آغاز کردند. کلیه کارگران به اختصاب پیوستند. اما ماموران خود فروخته دولت با پرخاش و تهدید و کارشکنی به مقابله با کارگران اختصابی برخاستند. کارگرا پس از این برخورد به شدت صعبانی شدند و ژاندارم ها به مصیبت افراد ویژه ساواک کارگران اختصابی را زیر نظر قرار دادند. کارگران مصمانه برای تحقق خواست های حقه خود تا حد ممکن به مبارزه یک پارچه و جدی خود ادامه دادند. تمامی از نغال سنندج ذوب آهن آریامهر از معدن نغال سنندج شاهرود که نزدیکی شهر شاهرود قرار دارد تا همین می شود.

**۲۴- اختصاب کارگران کوره پزخانه های تهران**

عده ای از کارگران کوره پزخانه های تهران روز سه شنبه ۱۱ خرداد ماه دست به اختصاب زدند و با در دست داشتن پرچی در جلو از محل کوره ها به سمت سنندج حرکت کردند. خواست کارگران اضافه دستمزد بود. سال گذشته بعد از سرور صدای زیادی که پیرامون تثبیت قیمت ها برپا شده قیمت آجروا به حساب کامیون دستمزد کارگران کوره پزخانه ها پایین آوردند که ضجر به اختصاب کارگران در اواخر مهرماه شد. اختصاب با هجوم وحشیانه کوماندوهای ارتشی و مجبور شدن عده ای و بازداشت عده ای دیگر از کارگران فرونشاند شد. اکنون که قیمت آجر در نوره بالا رفته و از تزاری ۱۲۶ تومان به ۲۵۰ تزاری ۲۰۰ تومان رسیده است و کارگران در خواست می کنند که در دستمزد آن همانیز تجدید نظر شود و متناسب با افزایش قیمت آجر بالا رود. از نتیجه اختصاب هنوز خبری در دست نیست.

**پنج تن از کارگران ذوب آهن قریانی شدند**

روز ۱۸ اردیبهشت ماه پنج تن از کارگران ذوب آهن که برای انجام کاری غیر از تخصص خود در قایقی نشاند شده بودند ه فرقی شدند. این خبر در روزنامه های نیز درج شد ولی ادعا شد که گویا کارگران قصد تفریح با قایقی داشتند اما واقعیت حادثه این است که نه تن از کارگران ذوب آهن طبق دستور شیبانی و مدیر عامل ذوب آهن در یک قایق کوچک نشاند شده بودند تا دیوارهای دریاچه ای را که ایشان برای باشگاه از مابستون ساخته اند رنند کنند. قایق در حین کاربری گرد و پنج نفر از نه نفر سرشنین آن فرقی می شوند. باشگاه منور با بودجه سازمان ذوب آهن ساخته شده و قرار بود مادر فرح برای بازدید از آن بیاید. اما در همین وقت آب زاینده رود بالا آمده و کمی مضاره آن را غرق کرده بود. طبق دستور شیبانی کارگران ساختمانی و عده ای از کارگران سایر قسمت های ذوب آهن رابه محوطه باشگاه فرستند و شب روز به کارهای دارند تا برای پذیرایی مادر فرح دریا آماده باشد. در همین جریان بود که پنج تن از کارگران جان باختند. این حادثه باعث تأثر و تأسف شد و همه کارگران ذوب آهن شده و در میان کارگران امفهان موجی از غمشم برانگیخته است.

**خبری از کارخانه پارس توشیبا رشت**

این کارخانه دو هزار نفر کارگر و کارمند دارد. ۴۰ درصد سهام کارخانه صد درصد به بریت کارخانه در دست سرمایه داران ژاپنی است که حاصل زحمت کارگران ایرانی را غارت می کنند. بیش از ۶۰ درصد کارگران کارخانه رازبان تشکیل می دهند که دستمزد آنان پیرا از سه ماه کار پانزده تومان است. و کفتر زنی پیدا می شود که دستمزدش به بیست و پنج تومان برسد. وضع کارگران مرد نیز تقریبا همین طور است. تهاتمد ادکی از آنان که کارشان به تخصص و نیروی بدنی بسیار زیاد نیاز دارد ممکن است پیرا از سه چهار سال سابقه به سی و پنج تومان در روز برسد. متوسط دستمزد در کارخانه کمتر از بیست تومان است. اغلب کارگران در خارج از شهر زندگی می کنند و چون کارخانه سرویس ندارد ماهانه ۹۰ تومان کرایه رفت و آمد می دهند. کرایه اتاق به طور متوسط سیصد تومان است و به این ترتیب از دستمزد هر کارگر ماهانه دو بیست تا سیصد تومان برای تمام هزینه های دیگر باقی می ماند. در حالی که گوشت پخت زده کیلویی ۱۵ تا ۲۰ تومان و تخم مرغ کیلویی ۷ تومان و نان نامرغوب کیلویی ۱۴ ریال است. کارگران این کارخانه به هزار پیش به حقوق خویش آشناسا می شوند و روحیه مبارزه جویانه کمتری می یابد.

انتصاب مدرسه عالی سمنان

در آذرماه ۴۰ در مدرسه عالی سمنان اختتامی سازمان داده می شود. پلیمس به مدرسه عالی می رود و یادستگاری و دانشجویان می کنند اختتامی را سرکوب کند. به علاوه نرم تحصیلی را هم طوسی می کند. علت انتصاب این بوده که برخلاف بنیاده قبلی مدیریت تصمیم می گیرد که این مدرسه عالی را به وزارت آموزش و پرورش وابسته نماید و فارغ التحصیلان معلم شوند. دانشجویان زیر بار نرفته خواستارند که مدرسه عالی همچنان وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی باقی بماند.

نمونه پسران با نفوذ در پایتخت

در حومه اصفهان و در پیروی دانشگاه اصفهان منطقه نسبتاً وسیعی است که حاصل سکونت مردمی است که از سال ۱۸ پیش در آن جا تکه زمینی خریده و در آن خانه ساخته اند. کمی بالاتر از این منطقه حدود یک سال است که یک پایگاه وایی ساخته شده و اکنون نیروی هوایی به مالکان خانه های این منطقه فشار آورده که خانه های خود را به قیمت بسیار ارزان به نیروی وایی بفروشند تا در اختیار افسران پایگاه مذکور قرار داده شود. چندین هزار نفر از اهالی محل به عنوان اعتراض به این اقدام در جلوی استانداری اصفهان جمع می شوند و خواستار لغو این تصمیم نیروی وایی می گردند امامان و روحانیان پلیمس آرزوی شاه به صورتی که در این مجموع بوده و آن چهار مورد شرب و شتم تراری دارند و متفرق می نمایند.

محسن یلفانی زیر شکنجه جلا در زندان است

محسن یلفانی و نویسنده سرشناس و محبوب که مدتی است زندانی است هاینک تحت شکنجه های سخت قرار گرفته و جلا در آن بر اوضاعهای جسمی و روحی بی سابقاتی وارد می کنند. جان محسن یلفانی هاین ادیب صاحب نام ایرانی و نویسنده نامیشانه "آموزگار" که با آن همه استقبال گرم روبرو شده و در خطاوست.

جلا در آن که همه مردم ایران همه روشنفکران ایرانی نسبت به توطئه ای که رژیم مغزوشاه و تبه کاران ساواک دیدارند، نهایت خشم و اعتراض خود را بیان نمایند محسن یلفانی به همراهی نویسندگان و هنرمندان دیگری - محمود دولت آبادی، سعید سلطان پور، ناصر رحمانی نژاد - توقیف و به محبس بازگردانده بود. اینک جلا در آن قصد جان او را کرده اند. باید نوشتن شود تا دست جلا در قطع گردد.

مردم ایران باخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دوشیمان شاه مبارزه کنید!

یکزارگیسی از زندان قصر تهران

چندی پیش افراد گارد پلیس به بند ۸ ریخته و زندانیان سیاسی را به شدت مذبذب و مجروح کرده اند به طوری که عده ای از آن ها به بیمارستان انتقال یافته اند. خانواده های زندانیان سیاسی که چند روز پیش از این هجوم وحشیانه برای دیدار فرزندان خود رفتند جای زخم را بر صورت آن ها مشاهده کرده اند. بهانه این عمل در فضائات است که می گویند که مدبریت زندان طبق دستور سازمان امنیت می خواسته است - زندانیان سیاسی را مجبور کند تا در همه مواقع و حتی در موقع ملاقات با خانواده با لباس مخصوص زندانیان را بپوشند. در حالی که چنین چیزی هرگز در زندان های سیاسی رسم نبوده و شیوه پلیس آلمان فاشیستی در اردوگاه های اسیران است.

رژیم ایران شایسته کترین حقوقی برای زندانیان سیاسی قابل نیست. شاه که شخصیت زبون و روحیه خمیف کن دارد و هر وقت که دستش از همه جا کوتاه می شود می گویند تا خشم خود را با هجوم به زندانیان سیاسی که اسیر دست او هستند خاموشی کند. اما به صورت جنبش انقلابی ایران رو به اوج می رود و این گونه جنبشگاری ها نمی توان راه آنرا بست.

رادیوپیک ایران

بانک رسای طبقه کارگر ایران و وجدان همه آن نیروهای ایرانی است که در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی همین ما مبارزه میکنند. رادیوی پیک ایران همه روزه بود و صوت بر روی امواج کوتاه رادیو، ۲۶۰۲۵ و ۳۱ متر از ساعت ۷ و از ساعت ۸/۵ بعد از ظهر به زبان فارسی برنامه پخش میکند. به آن گوش کنید و شنیدن آن را به همگان توصیه نمائید.

برائند اخشن رژیم استبدادی و ضد مردمی شاه خواست مردم همه مردم ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای ضد فاشیستی و ضد دیکتاتوری دعوت میکند که برای مبارزه بر ضد رژیم گرض در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری همکاری نمایند.

اسلحه کارگران مبارزات وسیع صنفی، سیاسی و طبقاتی است



# نویسد

( وابسته حزب تود مایران )

شماره ۳ - مهرماه ۱۳۰۵

## پیام حزب توده ایران

بر دستمترکز، حزب توده ایران از همه مخالفان رژیم تود و اختلاف کتبی دولت می‌کند برای برانداختن استبداد مودر شاه لودک جبهه غد دیکتاتور می‌کاری نمایند

مهمان گرامی ۱۶ مه ما شاهد آن هستیم که نتایج شروع اقتصادی سیاسی و فرهنگی رژیم استبدادی مودر شاه روز در روز آشکارتر می‌شود. زنجیره‌های اسارتی که این استبداد مشوق به دست و پهای مردم انداخته امروز سنگین تر و خن‌الود تر می‌گردد. با کشف شدن بون از پیشتر بهره واقعی همین رژیم غارتگر و جنایت‌پیشه بسیاری قهرمان‌های کشور مترو از مردم ایران آشکار می‌شود. با شکست‌های بی‌پای سیاست‌افذ طبق رژیم استبدادی شاه که هسته اساسی و جهت‌دهنده وابسته کردن بون از پیشتر اقتصاد ایران به اقتصاد کشور است با اعلام شروع نظام ملی ما و ویژه در آنگلان نفت در راه خرید بیلبارد و دلار اسلحه از سودگران امپریالیستی و دادن وام‌های کلان به انحصارات امپریالیستی و ساختن پایگاه‌های بقید صفحه ۳

### سرمقاله

## از دام‌های ساواک بر حذر باشید!

آدم‌کشی ساواک بر تمام نواحی مردم ایران باید اراستة امروز بیشتر تشو و انزجار مردم را به خود جلب می‌کند. در سراسر جهان داغ‌اند محکومیت قاضیستی بر پیشانی انزوده شده و در ایران حتی گروه‌های از واداران روزی‌ای از امروز می‌توانند

اوضاع سیاسی ایران روز بروز گرم‌تر می‌شود. ملی‌زمین رژیم تود و بیشتراک و بر اثر تشدید تناقضات داخلی جبهه و روی از همه تشدید غارتگری، منویر سیاسی امپریالیستی و کارکنان سزاران و مدمستان ایرانی‌شان مکه گرامی طاقت نرسان می‌خوران است زحمتکشان ایران به سئوه آمده و مبارزاتی را برای به دست آوردن شرایط بهتر زندگی آغاز کرده‌اند. جوانان و در درجه اول

رژیم این واقعیت ارامی‌بیند و اساس می‌کند که همان طوری که در سراسر جهان نیروها روز به سود نیروهای خوا و ارضی آزادی موسیالیسم و پیشرفت اجتماعی و در کشور های جهان سوم به سود جنبه‌های ملی‌گرایانه زبان نیروهای ارتجاعی سیاسی امپریالیستی و کارکنان و مدمستان شان فکر نمی‌شود در ایران هم روزگفته مخالفان رژیم کتبی سنگین تر می‌گردد و خطر برای پایه‌های رژیم زیاد تر می‌شود. برای پیشگیری از همین خطر است که خاندان غارتگر بملوک و پیشکاران و نوکران و واداران خود نقد و شدت جنایات خود می‌انزایند و گروه گروه مردم آزاد مکه جانور به بی‌پیش این رژیم نیستند و زحمتکشان را که تنها برای به دست آوردن نان خالی برای خود و خانواده شان سعی می‌کنند به زنده‌ان‌ها روانه می‌کنند و به وحشیانه ترین بقید صفحه ۲

جوانان روشنفکر و دانشجوین و دانش‌آموزان که آینده آزاد و بی‌فصلی را برای مین خود خواستار روز بیشتر به میدان مبارزه علیه رژیم سیاه استبدادی قدم می‌گازند و به اشکال و بنا بر این تشخیص می‌دهند که خود را ابراز می‌دارند.

ناتوانی و نارسایی مدمستان و رانان به تصور اول بگریمت سرایت کرده است. حتی بسیاری از کسانی که می‌توانند در برابر اید و مادر آمد کافی زندگی روشنی داشته باشند همه انبوهنا خود ان می‌بینند و در راه مبارزه علیه رژیم می‌دارند. رژیم استبدادی و محطد رانان که تنها به تسلط کردن دستگاه

### در این شماره:

- ۱- از دام‌های ساواک می‌کشرد بر حذر باشید.
- ۲- پیام حزب توده ایران
- ۳- کارزار ضد کارتری رژیم
- ۴- سیاست کشاورزی رژیم شاه فد ملی و غد دیکتاتور است
- ۵- عصبه ملی بین مایریمی
- ۶- آن جاودان ( شعر )
- ۷- غم‌خورد

از دام‌هایی که ساواک . . . .

وجه شکست می‌دهند. جوانان وطن پرست و مخالف رژیم در هر گوشه شهر و ده به سلسل می‌بندند.

رژیم ماموران ساواکی خود را که از رذل‌ترین عناصر غیر انسانی برگزیده است، تا آن جا بوجان مردم مسلط ساخته که راننده فلان مامور ساواک در کوچه و خیابان می‌بهره‌آورد بی گناهی را جلوی چشم مردم به خون می‌گند تنها به جرم این‌که او از حیثیت شخصی خود دفاع کرده و اتهام ناروای دزدی را که خانم رئیس بر او وارد کرده رد کرده است.

درست است که یا به‌آراند آستن این شیوه‌های جهانی رژیم توانسته و دریافتی هم خواهد توانست در این‌جا و آن جا تریاک جدید آگانه سه‌صدایی به این و یا آن بخش از جنبش انقلابی چین ما وارد سازد و تلفات کم و بیش سنگین بسوزد. جنبش وارد آورد ولی خود توسل به این شیوه‌ها و تشدید روز افزون آن نشانه ضعف رژیم است نه نیرومندی آن. رژیم می‌بندد که طی رژیم توسل به این شیوه‌ها عجب مبارزان ضد رژیم هر روز بیشتر نیرو می‌گیرد. کارگران با وجودی که بسیاری از اعتراضاتشان مانند اعتصاب در معشان کارخانه نساجی شاهی، کارخانه پیت سازی تهران و غیره به خون کشیده شده و می‌شوند و بهترین مبارزاتشان را ساواکی‌ها می‌کشند و زندانی می‌کنند، معذالک دست از مبارزه بر نمی‌دارند. تنها در دو ماه اخیر نزدیک به سه هزار تن بزرگ کارگری اعتصاب کرده و در مواردی هم رژیم و کارگزاران را مجبور به عقب‌نشینی کرده‌اند.

رژیم می‌بندد که علی‌رغم تبلیغات موفقیانه ضد کمونیستی و ضد حزب توده ایران که دستگاه‌های رژیم و مأموران تفرقه‌انداز مافوقیست‌شان شب‌روز انجام می‌دهند و جنبش توده‌های ایران که راه راستین مبارزه انقلابی را به خلق‌ها ایران نشان می‌دهند پیوسته رشد می‌کند و هر روز بیشتر توجه مبارزان راه آزادی و استقلال، توجه زحمتکشان شهروده را به خود جلب می‌کند.

رژیم می‌بندد که علی‌رغم همه گوش‌نایب‌ها برای جدا ساختن و به جان هم انداختن گردان‌های گوناگون مبارز مردم روشن بینی در میان آن بخش از نیروهای انقلابی که در برگزیدن شیوه‌های مبارزه به تناسب شرایط روز و چارگراهی شده‌اند، هر روز بیشتر نیرو می‌آورد و همین روشن بینی - شرایط عینی را برای نزدیکی و همکاری و سمت گیری در دست گردان‌های مبارزه و بود می‌آورد. در نتیجه همین علت که رژیم این واقعیت‌انکارناپذیر را می‌بیند و تلاش‌ها برای پیشگیری از پیشرفت این روند روز افزون می‌یابد.

درست است که موازات رشد نفوذ سیاسی و سازمانی حزب توده ایران در سال‌های اخیر به نفع دیده می‌شود که فعالیت رژیم برای مغرور نگه داشتن حزب توده ایران، به

موازات تلاش همه عناصر ضد کمونیست و ضد توده‌های در گوشه و کنار، برای وارد کردن اتهامات سیاسی و سازمانی به حزب ما باشد بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. هرگز در تاریخ حزب ما تا این اندازه گروک ضد توده‌ای و نشریاتی که پشتوانه انسانی برخی از آنها از یک نفر تجاوز نمی‌کند و وجود نداشته است. همه این گروک‌ها و نشریاتشان با دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم در یک چیز هم نظراند و آن این است که: حزب توده ایران همه طوطی قاطع شکست خورده و نفوذی در میان خلق ندارد و نمی‌تواند داشته باشد!

در برابر این ارگسترو بد صدا، این پرسش پیش می‌آید که اگر به راستی چنین است پس چرا شما تا این اندازه به خود رنج می‌دهید و وقتی می‌گذارید و پول خرج می‌کنید، دروغ و ناسزا می‌گوئید و اتهام می‌زنید. پس، همه این‌ها برای چیست؟ سال‌ها است که ما این پرسش‌های کتیم و گروک‌های مدعی طرفداری از جنبش خلق به‌هنگام پاسخ آن هستیم. ولی ما به جای آن‌ها این پاسخ را می‌دهیم:

همه این‌ها برای آن است که گردانندگان این گروک‌ها از جنبش واقعی خلق، از جنبش راستین انقلابی کارگران و زحمتکشان بیشتر ترس دارند تا از ارتجاع و ساواک. و خوب می‌بینند که این جنبش راستین زیر پرچم حزب توده ایران و حزب واقعی طبقه کارگر ایران در حال گسترش و همان‌طور که در سراسر جهان جنبش راستین جهانی بخش - خلق‌ها زیر پرچم پیروز ضد سوسیالیسم علمی - هر روز پیروزی‌های تازه‌ای به دست می‌آورد و مسائل و مسائل و تزویر را از چهره زشت تفرقه‌اندازان پاره‌پاره می‌کند و تفاتی افکنان را ضربه می‌سازد. در این شرایط سازمان‌های جنبش اصیت به آنچه گفته شد اکتفا نکرده و همه سلاح‌های را که در درازدستانه خود دارد به راه می‌اندازد. از آن جمله است سازمان‌سازی، کاشتن تخم عدم اعتماد و فرستادن پیروگان‌ها به درون گردان‌های سلول‌ها استفاده از عناصر ضعیف و خود فرود ش که آماده به خیانت می‌شوند و غیره و غیره.

از خبرهایی که از همه سو به ما رسیده است برمیآید که ساواک همه این شیوه‌ها را به کار می‌بندد و هدف همه این شیوه‌ها در درجه اول جلوگیری از پیشرفت نفوذ سیاسی و سازمانی حزب توده ایران است. به ما خبر رسیده است که عناصر خود فروخت‌های که در خدمت ساواک هستند در ایران درصد در ده‌ها گروه‌های به نام حزب توده ایران به وجود آورند و مبارزان راستین را به دامیانند از بند بسیار شادمانیم که مبارزان آگاه توده‌های دست‌چینا پیکار این گونه عناصر را خوار می‌مانند.

ساواک به تقلید از روش نمونه اقدامات جنس‌پرورانه‌ای های آلمان در دوران پیش از جنگ دوم جهانی می‌کند

از دام هایی که ساراک . . . . .

باهره بوداری از سابق زمانی در باره عملیات نیافتاده شهرداری در سازمان دادن حزب توده ایران ، تخم - شک و تردید را در میان مبارزان بیافشاند و این اهرام کنگره گویا درگاه سازمان انقلابی در ایران به وجود آید و گسترش یابد ، ساراک در آن دست خراش داشت . از یک سو در سازمان همسازدی می گویند افراد انقلابی را بطلب کند و از سوی دیگری افراد انقلابی می نویسد به سازمان حزب توده ایران نیرومند تر زیرا ساراک در آن دست دارد . همین پرسش مضامینی به روشی آید که اثر این سازمان در دست ساراک است زیرا این بهر آن بیان بخش می کند که در اختیار همه قرار گیرد .

واما درباره سازمان حزب توده ایران در ایران ، ما باید یک بار دیگر با تمام روشنی به آگاهی به مبارزان انقلابی در ایران و خارج از ایران برسیم :

حزب توده ایران با زندگی از مبارزات گذشته برای کارسازانی و در ایران و غیره غیر متحرکز را برگزیده است . معنی آن این است که حزب نادر ایران شبکه واحد و متحرکز ندارد . نه تنها در سراسر ایران شبکه واحد و متحرکز وجود ندارد ، بلکه در یک شهر ، در یک واحد تولیدی و اجتماعی مانند کارخانه و دانشگاه و غیره هم یک شبکه واحد وجود ندارد . گروه های زنی که در ایران و در تمام گوناگون رگانه در گروه در یک واحد اجتماعی به وجود می آیند با هم هیچ گونه رابطه ای ندارند . اقدام چنانچه از راهی کافلا مستقل و مخصوص رتبه با مرکز حزب در ارتباط اند . همان طور که ما همواره را تمامی کرده ایم ، در آنگاه افراد انقلابی در یک گروه حزبی تنها و تنها بر پایه شناسایی کامل خود آن ، با یکدیگر و اعتماد در میان خود آن است . منبر اساس وجود ارتباط با مرکز حزب . گرفتن پیام از مرکز حزب و داشتن رابطه ، گرفتن نشریات ، هیچ گونه فحاشی برای مسائل سیاسی افراد در ایران نیست . اعتماد به صلاحیت سیاسی افراد دیگر تنها بر پایه تجربه انقلابی هر فرد و آشنایی همه جانبه به خصوص اخلاقی و طرز زندگی دوستان و همزمان و همچنین روشنی آنان در مسائل سیاسی و دیگری و باید از شان در مبارزه به دست می آید .

حزب با ندانند زور از مبارزات گذشته که در مواردی بسیار در ناک بود داده همم است که با دیگری بدون انحراف از این شیوه کار سازمانی که همین بهر آن را طرح ریزی کردیم پیروی نماید . این شیوه در دوران از اشتقاق مدید سیاسی از طرفی گردان ای پیشامت نهی کمونیستی جهان با اکامیابی آزادی شده است . با این شیوه سازمانی ممکن است ساراک بتواند در این گوشه و آن گوشه ، به این گروه و آن گروه - تنگ اندازد و از آن رانیشی بزند ، ولی نخواهد توانست به مجموعه گروه های انقلابی دست یابد .

این است یاد آوری حزب ما به هواداران حزب :

از نیرنگ های ساراک بوجدن باشید ، از دام هایی که ساراک می گسترد بپردیز نمانید ، بپرو کاسمین های جورا جو ساراک و دست های رنگارنگش را بشناسید ، با پیگیری تلاش انقلابی خود را دنبال کنید .

این است راهنمایی حزب ما به دیگر مبارزان راستین راه آزادی :

بیشم های خود را باز کنید ، در دام های گوناگون ساراک نیافتید ، به پیروی از تفرقه اندازان پایان دهید ، در راه نزدیکی و هماهنگی همه گردان های ضد رژیم استبداد محمد رضا شاه ، در راه تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری ، برای پایان دادن و برانداختن این رژیم سیاه با حزب توده ایران همکاری نمانید .

نقل از شماره ۱۶۱ روزنامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پیام حزب توده . . .

پایگاه های عظیم نظامی برای تجاوز و تسلیم بودجه کمر شکن ارتشی و غارتی بند و بار باقی مانده آن به دست گردانندگان رژیم شرایط زندگی مادی اکثریت مطلق مردم در یکی دو سال گذشته دشوارتر شده و احساسات خشنودی و اکثریت بیژگی از مرد کشوری را فرا گرفته است .

عاش دیگری که به اکثریت باز هم بیشتر ناخشنودی مردم از رژیم میدان می دهد تمولات نظامی است که با شدت روزافزون در میدان بهنادر سیاست جهان امروز در جریان است . مردم کشور ما با وجود رژیم استبدادی مطلق رژیم اختناق و با وجود تبلیغات لطیفی به میزان زیادی با همین واقعیت آشنا می شوند که در جهان امروز تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و صلح و جنبش های رهایی بخاطر طبی و به زیان امپریالیسم و رژیم های فاسد فاشیستی و شبه فاشیستی مانند رژیم ایران بودن از پیش در حال تقصیر است . آن ها مانند آن هستند که یکی پس از دیگری رژیم های تبه کار استبدادی سرنگون می گردند . مردم می بینند که در دنیا گیتی جا برای رژیم های استبدادی نظیر رژیم ایران تنگ تر می گردد . امپریالیست های نواداران هم دیگر دارای آفتوز و قدرت گذشته نیستند که بتوانند برای همیشه چنین رژیم های را بر سر کار نگه دارند .

این واقعات بر ناخشنودی مردم کشور ما از بقای رژیم استبدادی غارتگران با رژیم می افزاید و به آن ها برای کوشش به خاطر برانداختن آن نیرو امید می بخشد . همین ناخشنودی از سوی و امید از سوی دیگر قشرهای اکثریت های از مردم راه جنبش در آورده و به میدان مبارزات پیوسته . دانش اقتصادی و سیاسی گشاند فاست . اهتمامات مکرر کارگری در واحد های صنعتی و در مواردی حتی اهتمامات



پایام حزب توده . . .

کارمندان دولت و همچنین نمایندگان ای پودا و دهکده  
دانشجویان دانشگاه های ایران بهائیکر این ناخشنودی  
است . این ناخشنودی حتی در صفحات روزنامه های ساوا  
زده رسمی کشور و در مجلس فرمایشی بازتاب مخصوص یافته  
است . واقعیت این است که استبداد ناخشنودی به مراتب  
پهناتر و ژرف تر از نمایان خارجی آن است .

به موازات گسترش این ناخشنودی و ترور و اختناق -  
ساواکی بسی افزایش یافته و می یابد . ساواک ، این پاسبان  
خون آشام و بی نهایت بیسته استبداد محمدرضا شاه ، هر روز  
درنده تر می پیوسته و از بهره زنجیر کشیدن و شکنجه دادن  
و کشتار مخالفان رژیم بیشتر می رود . سیاحت اعدام های رسمی  
سیاسی و کشتارهای آشکار و پنهان مخالفان رژیم در زندان  
ها و خیابان ها و صفی نامه ای ساواک هر روز طولانی تر  
می گردد . اگر تا چندی بیشتر فشار استبداد شاه متوجه  
مبارزان انقلابی می بود ، و غیر توده ای ، مارکسیست و غیر  
مارکسیست بود ، در زمانی است که دیگر این فشار همه گیر  
شده و تنها وابستگان و تابعین کنندگان و کارگزاران رژیم از  
آن درامانند . مدت است که دیگر نه تنها انقلابیون ،  
کارگران ، دهقانان زحمتکش ، روشنفکران و جوانان مبارز  
در رژیم ، بلکه حتی آن سرمایه دارانی که در برابر غارتگری  
می بند و بار کارگزاران ساواکی رژیم کوچک توین مقاومتی نمایند ،  
سنگینی زنجیر های اسارت ساواکی را بر دست و پای خود و حتی  
چنگال های زهر آلود جلا بان ساواکی و پلیس راهبرگویی  
احساس می کنند . هر روز قشر ای تازه تری از مردم نه تنها  
از زحمتکشان شهروندی و قشر ای از طبقات متوسط ، یعنی  
از وابستگان به طبقات بالای جامعه این واقعیت را  
می پذیرند که هدف اصلی رژیم استبداد سیاه محمدرضا شاه  
ادامه غارتگری بی بند و بار ثروت ملی همین مایه دست گردانند  
رژیم ، یعنی خاندان پهلوی و دستیارانش ، به کمک  
کارگزاری این گروه ، به دست انحصار های چپاولگر  
امپریالیستی و ایجاد یک پایگاه نظامی متجاوز برای حفظ  
تسلط امپریالیستی بر ثروت های بی پایان منطقه خلیج فارس  
نگهداری تسلط امپریالیستی بر این منطقه به عنوان یکی از  
عمده ترین پایگاه ای تجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی و  
کشورهای مستقل ملی و بالخصوص عرب در گونه جنون استقلال  
البانیه و امپریالیستی در ایران و در سایر کشورهای منطقه  
خلیج فارس است .

هر روز قشر ای تازه از مردم همین ما با انگیزه های  
طبقاتی و اجتماعی گوناگون به این نتیجه می رسند که رژیم  
استبداد سیاه کنونی عمده ترین مانع بر سر راه تکامل جامعه  
به سوی هدف ای است که آنان برای پیشرفت و تکامل  
آینده همین برگزیده اند . شرایط مختلفی که در یک سال -  
گذشته از طرف گروه های گوناگون اجتماعی به طور نهان و  
آشکار ، در زمینه رژیم برانداختن استبداد سیاه کنونی پیش

شده بهائیکر این واقعیت است که به موازات مبارزان سنتی  
انقلابی سال های اخیر نیروهای تازه ای از جامعه ایران  
با انگیزه های طبقاتی و وابستگی ای اجتماعی گوناگون به  
جنبش در آمده و برای برانداختن استبداد ساواکی بصیدان  
مبارزه فعال گام گذاشته و می گذارند .

بررسی موشکافانه این پدیده نوین در زندگی سیاسی  
مهمین روشن می سازد که :

۱- رژیم استبداد سیاه محمدرضا شاه با وجود امکانات  
مالی گسترده ، با وجود دستگاه اختناق ساواک و وجود  
تسهیلات گمراه کننده هر روز عمده در درون کشور  
و چه در پهنه بین الطلی و صفر تری می شود و به روشنان  
یک رژیم فاشیستی و جنایت پیشه بر پیشانی اش ، نمایان تر  
نقش می بندد . تناقضات در درون نزدیک ترین اقشار  
اجتماعی دور و دور رژیم و حتی در مهم ترین پایگاه قدرت آن  
یعنی ارتش هر روز عیان تر می شود .

۲- جنبه مبارزان ضد رژیم استبداد ای کنونی گسترش  
بهتری می یابد .

۳- ترکیب نیروهای که هم اکنون در این مبارزه شرکت  
می کنند و بدون تردید نیروهای که در آینده آن خواهند  
بویست بسیار نامگونند . این ناخشنودی هم در زمینه انگیزه  
ملی طبقاتی و اجتماعی وهم به تمهیت از آن در هدف های  
مبارزه ای که در پیش گرفته اند ضاعده می شود .

۴- صرف نظر از این نامگونگی در انگیزه ها و هدف  
های دور تر مبارزه ، در یک هدف نزدیک و یعنی پایان دادن  
به استبداد کنونی و برانداختن پهلواکی ، همین نیروها  
باید یکدیگر مشترک هستند .

۵- شیوه های کما این نیروها برای رسیدن به همین  
نزدیک ترین هدف خود به کار می روند یکسان نیست و در این  
زمینه گوناگونی فراوان و در مواردی تناقض آشکار دیده  
می شود .

۶- با کنار گذاشتن این فترت که ممکن است در شرایط  
معینی از شدید تناقضات در درون هیئت حاکمه ایران و  
همچنین در درون اردوگاه امپریالیستی و تغییراتی در رژیم  
سیاسی کنونی ایران در جهت مخالف استبداد کنونی موجود  
آید ، باید این را بدیریم که در شرایط کنونی هیچ کدام از  
نیروهای سازمان یافته و یا پراکنده مبارزان و مخالفین  
رژیم استبداد ای کنونی توانایی آن اندارد که به تنهایی  
استبداد را براندازد . نمی توان پذیرفت که در آینده نزدیک  
هم یکی از این نیروها بتواند به چنین امکاناتی دست یابد .

۷- بین نیروهای که برای رسیدن به این نزدیک ترین  
هدف مشترک ، یعنی پایان دادن به استبداد سیاه ساواکی  
مبارزه می کنند و هنوز هیچ گونه هماهنگی وجود ندارد و در  
از همه در بسیاری از موارد اختلاف نظرهایی که در این  
دوره مبارزه شده و تعیین کننده نیستند موجب برخورد های  
کما بیش فرساینده کنونی در جنبه نیروهای ضد رژیم استبداد

پیام- حزب توده . . .  
می‌گردد .

۸- ارتجاع سیاه ر استبداد محمد رضا شاه پسا در دست داشتن یک سازمان متمرکز لختنای سیاه و امکانات عالی و فنی بی‌مرز برای اجرای این سیاست جنایت آمیز با زندگی موزیانی از این لختنای در جبهه مخالفین خود بهره نوری می‌کند و سیاست پراکنده ملزوم به جان هم انداز و سرکوب کن خود را از پیشانی برد و مخالفین خود را جدا جدا سرکوب می‌کند .  
این سیاست استبداد و لختنای از زندگی سیاسی کنونی جامعه ایران .

این واقعیت تا آنکه سو شادی آور و خوشنود کننده و از سوی دیگر دردناک اند . . . حساب شده به ما می‌آمورد که تا آنجا می‌گمان شرایط در میان زده نگا مبارزان در رژیم استبدادی به حال کنونی این باقی مانده با وجود دشمنی چنین غدار و کاکار و جنایتگاری توان امید به پیروزی داشت . اما اگر همین نیروهای موجود در هم آیند و امکانات خود را متحد سازند و از مجموع این نیروها امکانات به مراتب وسیع تری پیدا خواهند شد که می‌تواند امروز یا فردا در در حال به بخور نسبی در کوتاه ترستن فرصت رژیم استبداد را از پای در آورند و شرایط لازم برای رشد عادی جامعه ایران به وجود آورد .

پس چه باید کرد ؟ حزب توده ایران با احساس مسئولیت عمیق تاریخی که همه مبارزان راه پیشرفت اجتماعی و همه مخالفان راستین رژیم استبدادی بر دوش دارند ما هم مبارزان دعوت می‌کنیم که به سوی براندختن سد های گام بردارند که بر سر راه مبارزه متحد نیروهای ضد رژیم استبدادی قرار گرفته است .

حزب توده ایران بر آن است که با احساس مسئولیت و با کمک روشن بینی سیاسی همه مبارزان ضد رژیم سیاه استبدادی و مخالفان رژیم کنونی می‌توانند بر این دشواری ها چیره شوند و میان خود وحدت عمل به وجود آورند و جبهه ای برای براندختن رژیم استبدادی کنونی برپا سازند . برپا به حسین اعتماد مسلم است که حزب خود ایران همه مخالفان رژیم کنونی ایران را فرا می‌خواند که برای پایان دادن به استبداد سیاه ساوولکی در یک جبهه وسیع متحد دیکتاتوری گرد هم آیند .

به نظر ما برای شرکت در چنین جبهه ای تنها یک شرط ضروری و کافی است و آن عبارت است از آمادگی برای مبارزه فعال در راه براندختن رژیم استبدادی . تنها بهر پایه پذیرش این یگانه شرط است که می‌توان جبهه مشترک از ضد نیروها به وجود آورد و آبراه صوت انجمن نیروهای برای گرد هم آیی و پیوستن یگانگی نیروهای شرکت کننده در آن در آورد .

پذیرش شرط پایه ای یاد شده در بالا به عنوان یگانسه شرط و وظایف مشخص و معینی را در برابر شرکت کنندگان در چنین جبهه ای می‌گذارد . ولی مادرین حال بر آنیم که پذیرش این شرط و پیروی از آن به هیچ وجه به آن معنا نیست که شرکت کنندگان در چنین جبهه وسیع ضد دیکتاتوری حتی یک گره از مواضع اصولی و اهداف نای سیاسی در از مدت و کوتاه مدت خود را مجبور باشند از دست بدهند و یا این در از این برای اجتناب خود تجدید نظر بنمایند و یا این که بخوانند دیدگاه های سیاسی و شیوه های مبارزه خود را به دیگر شرکت کنندگان تحمیل نمایند . به نظر ما جبهه تنها به منزله چهارچوب است برای گرد آوردن متوافق نیروهای گوناگون شرکت کننده در آن و به کار انداختن متوافق این نیروها در لحظه و محل و درگیری مشخص برای به دست آوردن بالاترین نتیجه ممکن .

حزب توده ایران آماده است همه امکانات سیاسی و تبلیغاتی و انتشاراتی و فنی خود را برای یک چنین گرد هم آیی که بدون تردید دارای اهمیت تاریخی است و همه کار اندازد .

از آن جا که حزب ما به عنوان یگانسه سازمان سیاسی از میان سازمان ها و گروه های دیگر مبارزان ضد رژیم دارای مرکز فعالیت قابل دسترسی است می‌تواند هرگونه رابطه و تیری را بین از سازمان و گروه دیگری از دست بردار و در امان نگاه دارد و از همه مخالفان رژیم که خود را آماده برای شرکت در چنین گرد هم آیی می‌بینند دعوت می‌کند با سازمان مرکزی حزب رابطه بگیرند و در فراهم آوردن زمینه برای تبادل نظری خلاق و وسیع با هم همکاری کنند .



برای اخذ تماس با مرکز حزب از آدرس زیر به طور غیر مستقیم استفاده کنید :

Sweden  
10029 Stockholm 49  
P.O. Box 49034  
رایروی پست ایران



بانک رسای مردم ایران و آوای می‌بند توده زحمتکشان همین ما وجود ان بهر ار همه آن نیروهای ایرانی است که در راه استقلال و آزادی و پیشرفت ایران عزیز ما مبارزه می‌کنند .

رایروی پست ایران همه روزه در دعوت به زبان فارسی برنامه پخش می‌کند : نوبت اول از ساعت ۷ پ. د از ظهر و نوبت دوم از ساعت ۸/۵ بعد از ظهر هر روز روی امواج کوتاه رد پست ۲۶۶۲۵ و ۳۱ مترو .



# کارزار وسیع ضد کارگری رژیم

کارزار وسیع ضد کارگری که در زمان برای اندیز بر اثر مبارزه عادلانه کارگران برای افزایش دستمزدها و خواست آنان برای تغییر قانون کار به سود نموده، این زحمتکش دامنه دارتر شده و اکنون دارد شکل این مشخصه تری به خود می نهد، بدین معنای دشمنان این کارزار هر ماه و دیگر گردانندگان رژیم گرفته تا بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه داری بنویسند، روابسته ایران، آژانسهای خود را به صورت فرط های کوتاه در می آید برای گشایندن آن در قانون کار و تقی آن تا با توسل به زور سازمان امنیت شده با فعالیت می کنند. علمداران مطبوعات این کارزار کشنده ضد کارگری به طور عمده عبارتند از روزنامه تهران آگونی و نوبت "روزنامه آینده گان" و مجله "خواندنیها" که هم نوشته های ضد کارگری دولتی اولی را تجدید چاپ می کنند و هم نیز برای از خود به آن ها می افزایند.

کارزار وسیع ضد کارگری که در زمان برای اندیز بر اثر مبارزه عادلانه کارگران برای افزایش دستمزدها و خواست آنان برای تغییر قانون کار به سود نموده، این زحمتکش دامنه دارتر شده و اکنون دارد شکل این مشخصه تری به خود می نهد، بدین معنای دشمنان این کارزار هر ماه و دیگر گردانندگان رژیم گرفته تا بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه داری بنویسند، روابسته ایران، آژانسهای خود را به صورت فرط های کوتاه در می آید برای گشایندن آن در قانون کار و تقی آن تا با توسل به زور سازمان امنیت شده با فعالیت می کنند. علمداران مطبوعات این کارزار کشنده ضد کارگری به طور عمده عبارتند از روزنامه تهران آگونی و نوبت "روزنامه آینده گان" و مجله "خواندنیها" که هم نوشته های ضد کارگری دولتی اولی را تجدید چاپ می کنند و هم نیز برای از خود به آن ها می افزایند.

در مورد قانون کار ۱۳۰۰ به زبان های مختلف می گویند که قانون کار باید فقط ضایع صنایع کشور و سرمایه گذاری کشور باشد نه حافظ ضایع کارگران. نتواند نیها می نویسد: حق اجتماع مردم بر حقوق کارگر است چیزی که به نظر او اجتماع یعنی تفرقه معدودی که بر اثر فشارات دستنویج کارگر و دهقان میلیون ها میلیون تومان ثروت روی هم انباشته اند و نه زحمتکش شهرورده که بیش از نیمی درصد اجتماع را تشکیل می دهند. سرمایه داران و کارفرمایان بزرگ می خواهند که قانون کار حد اکثر سوراخ باشد اکثر باوری کار برایشان تامین کند. آنان نه تنها با دستار جبرگیر، کابل از امتزاجها و احتیاجها منعقد و بلکه می خواهند شکل های جدیدی جایزه کارگری که در شرایط تسلط نظام خونین تهرستی به کار گرفته می شود، یعنی کم کاری و بد کاری نیز مجازات شده قانونی داشته باشد.

به این کارها در شرایطی انجام می شود که کارگران و زحمتکشان ایران با وجودی که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند روزنامه یا وسیله ای برای توضیح نظریات خود و دفاع از حقوق حقه خود ندارند و در عالی که اطمینت بهره کشنده ویژه به دست فارتگران که شاه نماینده آن ها است، تمام مسائل ارتباط جمعی را در اختیار دارند و انواع اتهامات ناروایا بر کارگران وارد می سازند و محیط را برای تحقق توجیه های از ضدانه خود مساعد می کنند. به قول سعدی: "سند را بسته و دست را کشاد بدارند".

سرمایه داران و کارفرمایان در نظر ضد کارگری که دارند آزادانه اعلام می کنند و آن را در تمام روزنامه ها به چاپ می رسانند و اما زحمتکشان ایران که موقع برگزاری به اصطلاح کنگره مردم کارگران حدود ده هزار پیشنهاد تهیه کرد بودند، در همین جا نتوانستند آن را اضعف کنند. به آوری که مشاهده می کنیم در هر صه تبلیغات و خبر دنا بر ابر است. یگانه عاملی که می تواند این نابرابری را جبران کند و تشکیل و وحدت کارگران و مبارزه سازمان یافته دستنه جمعی آنان برای به کرسی نشاندن خواست های عادلانه کارگری و تحصیل دستمزدهای متناسب با هزینه زندگی است.

در کشوری که مطبوعات بزرگ سازمان شده، سازمان امنیت هستند و بسیاری از مطالب آن تا مستقیماً از سازمان امنیت به صورت مستقیم می رسد و باید گفت که بدون تردید این کارزار وسیع ضد کارگری به دستور شاه سازمان داده شده و از یک مرکز واحد رهبری می شود. آشنایان اصلی حملات مطبوعات رژیم روی چند مسئله متمرکز شده است: مذهبیت شدید با دستمزدهای عادلانه و کوشش برای معدود کردن حق اعتزاف و انتصاب و تلاش برای تشدید بهره کشی از طریق تغییر قانون کار.

شاه از وجود وابسته کردن افزایش دستمزدها به اصطلاح بهره داری از صحبت می کند بدین این که بگوید آیا صنایع دستمزدهای کمتری برای بر آوردن مهم ترین نیازهای زندگی بیاموزانواده کارگران کافی است یا نه. نیز بر کارملنا می گوید که حتی اگر از راه های دیگر دستمزدهای بیشتری به بیش از آنچه شهرای عالی کار می بیند، به کارفرانان بداند وزارت کار آن را به رسمیت نداد و عد شناخت.

"تهران آگونی و نوبت" صفاقه پشت سر مقاله می نویسد و به کارگران دشمنان می دهد بیشتر و بیشتر کار کنند و پول



# سیاست کشاورزی رژیم شاه

محمد علی  
سه دهمانی

استاد

این برای مرحله اول کار است. قرارداد یکی وزارت کشاورزی امضاء کرده گسترش تادریست و پنجاه هزار هکتار زمین به وی بگردد، بهیچوجه نیست که وزیر کشاورزی امریکا وقتی در ایران بود آن حد از نتایج مذاکرات خود پاشاه و دیگر گردانندگان رژیم ابراز خوشوقتی کرده قبول خود را تهران را از آن ترک گفت.

انحصارات سرمایه داری کشورهای دیگر که اغلب شاه چیزی از متونیل های چند طبقاتی هستند به نحوی از انحاء زیر نفوذ سرمایه های امریکایی قرار دارند، در این بیرون به سوی کشاورزی ایران سپیداند. دارو دسته شاه زمینه را برای آن ها آماده نموده و همه گونه تسهیلات را فراهم می سازد.

انحصارات معروف هلندی که هدف شرکت متخصیص در امور کشاورزی و دامپروری را در بر می گیرد، موسسه ای به نام شرکت کرفلی صنعتی ایران ایجاد نمودند و از بیست و چهار میلیون فرانک سرمایه گذاری، چهار میلیون آن را تبدیل کردند. سرمایه داران بلندی معامله آن ها بیات است.

سرمایه داران هلندی ایجاد طرح تهیه شیر به ظرفیت نه هزار لیتر در ساعت و مزرعه نمونه با ششصد رأس گاو را در تار دارند. البته از راه بند و بستی که قبلا زمینه آن مقامات دولتی ایران ریخته شده، به نام تقدیمه رایگان دانش آموزان و ادن روزی یک لیوان شیر به پول دولت مستقیما به جیب این انحصارات سرازیر می شود، صرف نظر از آنکه شیر برسد یا نه، خراب و فاسد شود یا نه و وسایل راه توسط دلالان منحرف شده و در بازار به فروش رسد یا نه.

نمونه دیگر رسوخ سرمایه های خارجی در کشاورزی ایران، انحصارات دانمارکی است که آن ها هم در دامپروری از بزرگترین تراستها در سطح جهانی هستند. در این جا هم تنها فلان سرمایه دار خصوصی با فلان انحصار دانمارکی رو بوند نکرده بلکه انحصارات فرجیح داده اند کار را چهار صخه کنند و مستقیما وزیر کشاورزی خود را به ایران فرستاده و قرارداد را به امضاء وزیر کشاورزی ایران که کسب دارد به وزیر سرمایه های به کار افتاده در کشاورزی هم از داخلی و خارجی تبدیل می شود و رساننده اند. عظمت این بیرون از رقم پنجاه تا شصت میلیارد دلار زمین و اعتبار ظرفی پانزده یا بیست سال آینده هجید است.

رقم سرمایه گذاری انحصارات دانمارکی در ایران، از همه چیز آن چنان جبریان باید که دولت شاه امید و آرزوی دارد، قرار است چهارصد میلیارد تومان در بخش کشاورزی برسد. از جمله نخستین طرح ها، چهار مجتمع دامداری

سیاست رژیم شاه که می گویند مرحله سریع تر مناسباً بهره گیری سرمایه داری را در روستای ایران انجام دهد و به قیمت ارائه غرابی و سلب مالکیت از دهقانان و از طریق لهدلای کدک، ملکی وسیع مالی و فنی به سرمایه داران و زمینداران مزرعه، به قول خود، کشاورزی سنتی به راه اندازد، سیاستی است که موجب رسوخ مرحله بیشتر سرمایه های غارتگر خارجی در دو رشته کشاورزی و دامپروری می شود. یعنی سیاستی است که طبل استقلال شکن فواسته کننده، در این جا بر روی از آرزین نمونه ای این واقفیت را باز نوی کنیم.

یکی از معدودترین سرمایه های خارجی که در کشاورزی کشور ما است سرمایه امریکایی است؛ شرکت های مختلف امریکایی که از حمایت دربار و کارگزاران منتفذ دستگا و حاکمه برخوردارند و با آن تا زود بوند دارند و هر چه بیشتر از طریق خرید و اجاره زمین های وسیع زیر سد های از طریق مشارکت در واردات های مدرن کشاورزی یا از راه تحصیل اعتبار و حتی از طریق چند اندازی بر امور شرکت های سرمایه زلفی و وارد در رشته ایاتی کشاورزی می بوند آن را زیر نظر می گیرند و از آن سود هنگفتی به جیب می زنند.

رسوخ از راه شرکت های سرمایه زلفی نوع جدیدی است که پارادینوم کشاور سرمایه ای انحصاری و هماهنگیت این شرکت ها و هدفی راه رژیم شاه از ایجاد آن تا تحقیق می کند نشان می دهد.

همین امریکاییان هستند که معروف سرمایه گذاران امریکایی ریاست فرمانده اربابالت ایداره و ریاست شرکت سرمایه گذاران این کشاورزی امریکایی به ایران آمده یکی از حسان ترین کار این دیدار از شرکت سهامی زلفی گزصار بود. انحصارات امریکایی با دادن سرمایه و اعتبار و یا تامین بذر و ارائه تکنولوژی، به عرصه طریق کسب سبب زمینی و غیره از این واحد ها، که قلعه تاهی بایستی تعاونی و در خدمت دهقانان عدو باشد، برای حاصد غارتگران خود استفاده می کنند. چندی به وزیر وزارت کشاورزی راسا خدمت به سرمایه گذاران امریکایی را به عهده گرفته و مراتع کرگان را به این عنوان که فرسودانند، به اجاره آوردی از سرمایه گذاران امریکایی و سرمایه داران ایرانی وابسته بدان داد. انحصار امریکایی که بر لاری ایران نهادند است شرکت "کالینز" نام دارد و زمین در دست تمام راهی تنهایی صاحب نموده و حجاب اختیار مالک این طرح است.

این طرحی که شامل بیست هکتار زمین و دامداری و گشتارگاه و غیره نیز می شود یک صد هزار هکتار در بر می گیرد. آری یک صد هزار هکتار از مراتع کرگان و ترازه

# توسعه طلبی چین مانوئیستی

دارد. جالب است یاد آوریم که این جزایر سابقا جز جزایر اوکیناوا بود و تحت اختیار امریکا قرار داشت و به طایفه ایگایه و موانج جنگی امریکا از آنجا استفاده می شد در آریزان چین درباره آنها چیزی نمی گفت و ادعای هیچ ندانست. ولی همین که اداره امور اوکیناوا و طحقاتش به ژاپن واگذار گردید، ریحومان چین فوراً ادعا مطرح کردند. انگیزه اصلی این ادعای مانوئیستی است تا خود را نفی است که در منطقه جزایر سین تاگو کشف شده.

درباره جزایر واقع در دریای جنوبی چین مانوئیست ها طوری را به اصطلاح مخفی کرده، بی پروا تر عمل می کنند. آن ها بسیاری از این جزایر را که به ویتنام فیلیپین، مالزی و اندونزی تعلق دارد، مال خود میدانند و حتی در وائیه سال ۱۹۷۴ جزایر پاراسل را که خاک ویتنام است تحت اشغال نامی درآوردند.

نوامبر سال ۱۹۷۵ روزنامه "ن من نیان" با اقامه به اصطلاح دلائل باستانشناسی و تاریخی طعنی شده که پیش از دست جنزیره و خرسنت زیر آب و پایداری یعنی نقاشی که امروز زیر آب قرار دارد و منگوستری به جزیره ای مبدل شود خاک چین است.

چیزی که غریزه توسعه طلبی مانوئیست را راه ویژه تحریک می کند منابع سرشار طبیعی مناطق مورد ادعا و ویژه رگ های عظیم نفت و گاز است که اخیراً در منطقه وسیعی از حوالی جنوب واپن تا مالاگا کشف شده.

سال ۱۹۵۴ هنگامی که انحرافات مانوئیستی می رفت تا به تدریج از خالصتار به درآید در جمهوری توده ای چین کتابی به نام " تاریخ و تغییر زمین ها" انتشار یافت. کتاب متن نقشه های بود که در آن چین نشان داده می شد که خاک برمه، ویتنام، کره، تایلند، مالزی و نیپال، بوتان، مسکیم، جزایر اندامان و مجمع الجزایر کویل همه جز خاک چین است و در سال های ۱۸۴۰ تا ۱۹۱۹ به اصلاح توسط امپریالیست ها اشغال آورده شد. طبع این مدعا نیز مانوئیست است که "بد نیست اگر جمهوری تودهای منولستان نیز به چین تعلق شود".

پس از تقریباً ده سال مانوئیست من ضمن گفت و گو با گروهی از سوسیالیست های ژاپن مدعی شد که بخش عظیمی از خاک شوروی، خاک چین است. یک سال بعد یعنی اوت ۱۹۶۷ مانوئیست من در جلسه بهروری سیاسی حزب کمونیست چین اعلام نمود که: "چین حتما باید آسیای جنوب خاوری را به انضمام ویتنام جنوبی، تایلند، برمه، مالزی و سنگاپور در دست داشته باشد و این ضلوع را دارای نشانه های انبوهی است و ارزش کمپنی های ما را دارد".

در آغاز سال ای ۷۰ مانوئیست ها به سوی واپن نیز دست رازی کردند و مدعی شدند که جزایر سین تاگو واقع در ۱۹۰ کیلومتری شمال شرقی تایوان به چین تعلق دارد.



سیاست کشاورزی رژیم . . . . است و سه تا با ظرفیت پانصد گاو و چهارمی با ظرفیت شصت گاو. علاوه بر داده اران کوچک ایرانی و هکتار که در مقابل رقابت خود رکننده چین مجتمعاتی فرا ناپود می شوند و چه خواهد آمد، مستعدای است که گرد اندگان وزارت کشاورزی و دریاری که از آن جا دستور تمام این معاملات صادر می شود، به کلی با آن بیگانه اند. لیا یک نمونه دیگر توف سرایه ای خارجی را استرا

که آن هم با انحصار انگلیسی و امریکایی وابسته است و عرضه می دارد. انحصار استرالیایی که گروه دارلیند و کولک نام دارد تا من داده است. موسسه تولیدی در استرالیا باشد ولی قدرت از برک را از "بانک توسعه کشاورزی ایران" که لاید بالا باید نامش را بانک توسعه کشاورزی استرالیا گذاشت تا من نماید. پنجاه درصد از سهام متعلق به استرالیا است که محصول ما را آماده زلفی و ادای را با قیمت و او اپنا به ایران صادر خواهد کرد. در واقع دولت ایران هم پول پرداخته و هم ادا داده است

این ها است چند نمونه از سرخ سرمایه های انحصاری در کشاورزی ایران طی ماه های اخیر، همه با رقم درشت، با همپار و با پول و بانک رفن ده ها و صد ها هزار هکتار، با به عبیردن میلیون ها سود سالانه. سیاست استقرار ضایعات بهره کشی سرمایه داری در کشاورزی ایران لاجاله با نفوذ استعماری سرمایه های غارتگر امپریالیستی همراه است و دولت شاه با این سیاست ماضیت زید طی کشور را در کنار تحصیل کرد تعلق و در در مقامی خویش نشان می دهد.

سیاست کشاورزی رژیم . . . . است و سه تا با ظرفیت پانصد گاو و چهارمی با ظرفیت شصت گاو. علاوه بر داده اران کوچک ایرانی و هکتار که در مقابل رقابت خود رکننده چین مجتمعاتی فرا ناپود می شوند و چه خواهد آمد، مستعدای است که گرد اندگان وزارت کشاورزی و دریاری که از آن جا دستور تمام این معاملات صادر می شود، به کلی با آن بیگانه اند. لیا یک نمونه دیگر توف سرایه ای خارجی را استرا که آن هم با انحصار انگلیسی و امریکایی وابسته است و عرضه می دارد. انحصار استرالیایی که گروه دارلیند و کولک نام دارد تا من داده است. موسسه تولیدی در استرالیا باشد ولی قدرت از برک را از "بانک توسعه کشاورزی ایران" که لاید بالا باید نامش را بانک توسعه کشاورزی استرالیا گذاشت تا من نماید. پنجاه درصد از سهام متعلق به استرالیا است که محصول ما را آماده زلفی و ادای را با قیمت و او اپنا به ایران صادر خواهد کرد. در واقع دولت ایران هم پول پرداخته و هم ادا داده است

# آن جاودان

در این عصر گریزنده  
 که کوی جزئیالی نیست ،  
 تو آن جاودان را در جهان خود پدید آور .  
 هر چیزی فراموش است  
 آن دم را زوالی نیست .  
 در آن آنی که از خود بقدری  
 فرشته خود خوادسی  
 بر آبی در فراخ روشن فردای انسانی  
 در آن آنی که دل بر ماند از سوسا سخطگی  
 روانت شعله ور گردد  
 فرو میزد پایدی را  
 بدر می دود آلودشک و نامیدی را .  
 به سیر سال ها باید تدارک دید آن آنرا  
 چه صیقل آگه باید داد از نج و تمب جان را  
 به راه خوبی پای افتد و ایمان داشت بیجان را .  
 تمام هستی انسان گروگان چنان آنی است  
 به آزمون ارزن ما طرفه میدانی است .  
 در این میدان اگر ببرد گردی  
 گویمت بودی

وگر بشستی آنجا

زود تو از بر خود مردی .

به این ترتیب رژیم مائوئیستی چین علیه قسمت اعظم  
 مصایگان ادعای ارضی دارد در این ادعا در باره چند  
 کیلومتر و یا چند صد کیلومتر نیست ، بلکه چندین میلیون  
 کیلومتر مربع شکی و دریا و خاک چندین کشور کوچک و  
 بزرگ را در بر می گیرد . آنچه همه مصایگان علیه  
 ادعای چین و سیاست توسعه البانیه مائوئیست ها  
 جدا اعتراض می نمایند ، ولی مائو در دسته این با  
 وقاحت تمام اشتباهی جهانگردی خود را دبر می کند  
 می کند .

در نخستین اجلاس هیئت جمهوری سوسیالیستی  
 ویتنام ، اولین روزی که مورد بحث و اعتراض نمایندگان  
 قرار گرفت ، اشغال جزایر پاراسل و اسپراسلی از جانب  
 چین بود . گریه و گله انگیز است ، ولی این واقعیت  
 است که خلق ویتنام پس از آن که به بهای فدکاری های  
 بی شمار خود را از جنگال کوه امپریالیسم رها کرد ، در  
 اولین روز دولت و آزادی دشت مائوئیست آزاد را مقابل  
 خود دید .

مائوئیسم اثر در آغاز دماگویی های انقلابی ترانسی  
 توانسته بود برخی افراد را بفریبد ، اکنون دیگر خیلی وقت  
 است که با اعمال هر کار خود ، خود را رسوا نموده .  
 مائوئیسم را در این چند گامه می توان خلاصه کرد :  
 دشمن انقلاب و ترقی ، حکام امپریالیسم فاشیسم ،  
 عظمت البانیه الیز

چین ، و این است که رژیم مائوئیستی چین را با  
 مرتجع ترین رژیم های جهان ، از جمله رژیم ناپلوسی  
 و نجد دموکراتیک شاه ایران ، می پرند می دود .

## دنباله : خبرها - انتصاب کارگران نیشکر ...

خواستهای حقه امرا عنوان گردیدند بشدت برانگیخت .  
 گمانت کارگران پاکستانی در بارخانه نیشکر هفت تبه بجای  
 کارگران ایرانی باعث در هم شکستن انتصاب شد اما این جنا  
 آذکار و ردیلانه انبار بارونی از خشم را در دل کلبه کارگران  
 و حتی مردم ایجاد کرده است . بدون شک این تدبیر همد  
 کاری نخواهد توانست از مبارزات کارگری و مشکل شدن  
 کارگران در راه خواستهای حقه و قانونی خود جلوگیری کند .

## ۲۶ - انتصاب کارگران کارخانه نورد انواز

در ماه گذشته ۱۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه نورد انواز  
 انتصاب یکجاچه و سازمان یافته ای را شت دست داشتند .  
 کارگران انتصابی که در میان آنها جمعی از نمایندگان مجلس  
 نیز دیده میشدند خواستار ۲۵ درصد افزایش حقوق و  
 اجرای البته بندی مشاغل و تسریع در پرداخت نوبت نامه  
 کار بودند . اگر کارگران فصلی نه مولا پس از پایان یک  
 دوره کار اخراج میشوند ، خواستار آن بودند که نسبت به

تأمین زندگی آنها و تضمین ادامه کارشان اقدام گردد .  
 در مورد افزایش ۲۵ درصد بر حقوق کارگران ، از مدت  
 پیش بر اثر تقاضای ای مکرر کارگران از طرف کارفرما قبول  
 شاهد به آنها داده شده بود . اما این قول و قرار تا چنین  
 گاهی جاهل عمل نبوده بود . کارگران وقتی از مراجعات  
 مکرر و تکرار خواستهای خود به نافرمانی نتیجه مطلوب را نگرفتند  
 انتصاب پسر گهنو را با کندی آغاز کردند . تندتاری عطا  
 آنها چند روز ادامه یافت . کوشش های مسئولان کارخانه -  
 برای متقاعد کردن کارگران انتصابی و واداشتن آنها به  
 شکستن انتصاب به نتیجه نرسید . کارگران پس از چند روز -  
 مبارزه خود را وارد مرحله جدید تری کردند و بطور کامل دست  
 از کار کشیدند . باین ترتیب بارخانه عطالنج شده ، همبستگی  
 کارگران و موقع صحتی آنان و تاکتیک نهایی نه انتخاب کرده  
 بودند سرانجام در روزی که از انتصاب کامل آنها میگذشت  
 کارفرمایان را به عقب نشینی واداشت و این ترتیب کارگران  
 مبارزه پر شور خود را با پیروزی به سرانجام رسانیدند .



# خبرها

## ۱- خبری از کارخانه چیت سازی تهران

خبرهای رسیده از کارخانه چیت سازی تهران حاکی است که ساواک به شدت فشار خود بر کارگران این کارخانه افزوده است. در موقع اجرم لیبر به کارخانه همینسی چهارشنبه پانزدهم اردیبهشت ماه هدهای از کارگران را مجروح و حدود پنجاه نفر را دستگیر کردند و اطلاعاتی به در کارخانه زدند که اعلام می کرد کسانی که حاضر باشند با شرایط جدید کار کنند برای نام نویسی مجدد مراجعه نمایند. به کارگرانی که برای استخدام مجدد مراجعه کردند و اخذی را برای اضافه داده اند که در آن گفته شده است: "اعتصاب غیر قانونی بوده و هیچ نقایصی نداریم." با این حال به دستور کارگرانی که از توبه کار پذیرفته ندهاند سریال افزوده شده است. کارگران به شدت خشمگین اند. اعتصاب متشکل آن ها به بالا رفتن آگاهی طبقاتی و وحدت حقوق آنان کمک فراوانی کرد و علی رغم فشار یوانی ساواک گرفتن التزام نامه ای کتبی دائر به غیر قانونی بودن اعتصاب و اعلان بین از زمین شان دیگری به حثانیت خود و قانونی بودن تقاضای اعتصاب شان معتقدند. مبارزه با حق و رزمین بیعی و احتیاط انقلابی ادامه دارد.

## ۲- اعتصاب کارگران کارخانه ابر سیمان

سیمان و سیمان و صنایع پیشه اصفهان

در تیرماه سال جاری کارگران کارخانه سیمان اصفهان که سابقاً متعلق به همدانیان بود اکنون دولت آن را اداره می کند و دست به اعتصاب زدند. دست کارگران اضافه دستور بود. کارگران از آمدن به کارخانه اجتناب کردند. اعتصاب چهارروز طول کشید و با موفقیت پایان یافت.

بلافاصله پس از اتمام اعتصاب کارخانه سیمان و کارگران کارخانه ریفتگی ریفتگی سیمان اصفهان اعتصاب خود را به اجرا درآوردند دستور آغاز کردند. آن ها چهارسال بود که اندک دستمزدهای دریافت نکرده بودند و توجبه به زندین برابر شدن هزینه زندگی در این مدت در واقع مصالح زندگی آن ها زندین بار پائین آمده بود. امتناع پس از روز طول کشید و کارگران مؤثر شدند اگر قرار بود افزایش دستمزدها برقرار شود و ادا شوند. پس از اعتصاب کارگران اراک اند سیمین تربیت به کارگران کارخانه های نساجی شهنار و صنایع پشم رسیده که به ترتیب اولی ۷۰۰۰ ری در ماه بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰-

کار کرد ارد که در سه نوبت ( سه نوبت ) به کار مشغولند. کارگران این دو کارخانه در ماه های آخر سال گذشته نیز به خاطر سود ویژه حقوق و بهبود شرایط کار دست اعتصاب موفقیت آمیزی زدند بودند که اخبار آن به موقع انتشار یافت. کارگران این دو کارخانه نیز چهار سال بود که اضافه دستمزدها دریافت نداشتند بودند و لذا به عنوان اعتراض به جاده ماندن دستمزدها و در شرایط بالا رفتن سریع قیمت دست از کار کشیدند و در محوطه جلوی کارخانه اجتماع کرده از رفتن به داخل کارگاه ها اجتناب کردند. پس از چهارروز وزارت کار از توس این که مبادا موج اعتصابات کارگری سراسر اصفهان را فراگیرد با افزایش چند درصد به دستور کارگران موافقت کرد. کارگران هم برای این که بهانه تمام به دست مأموران پلیس و ساواک آیدکن شاه نند بند موقت به سر کار خود بازگشتند. اما کارگران بر آنند که دریافتند به مبارزه خود تا حصول تمام خواست هایشان ادامه دهند.

## ۳- اعتصاب کارگران صنایع غذایی مینو

کارگران صنایع غذایی مینو واقع در جاده کرج ۱۰ ز روز چهارشنبه بیست و سومین دست به اعتصاب زدند. در امر خواست های کارگران اضافه دستمزدها قرار داشت کارگران اعتصابی می گفتند با توجه به فشار توم و افزایش روز افزون نرخ ها باید در دستمزدهای آنان تجدید نظر اساسی شود. آن ها خواست های خود را ابتدا با مسئولان کارخانه در میان گذاشتند و اما وقتی نتیجه نگرفتند و در سر کار خود حاضر نشدند و شت ماشین ها قرار گرفتند ولی دست به کم کاری زدند. بعد از ظهر نخستین روز اعتراض مسیروست یکی از کارگاه ها در کارخانه کارگران راه پل شنام و ملاست گرفت و اما کارگران سخت واکنش کردند. از فردای آن روز به جای کم کاری به کلی دست از کار کشیدند. آن ها بهشت ماشین اقرار گرفتند ولی اعلام کردند که تا وقتی به خواست هایشان توجبه نشود کار را از سر نخواهند گرفت.

## ۴- اعتصاب و تظاهرات دانشجوین دانشگاه شیراز

در دانشگاه شیراز نظام آموزشی آمریکاسواپا تطبیق شده است. استادان بیشتر امریکایی هستند و درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود. در نتیجه دانشجوین فرصتی برای مطالعه کتاب غیر درسی و آموختن و آشنایی با مسائل دیگر پیدا نمی کنند.

قبل از امتحانات در دانشگاه هدیه های تانکمان چند کتاب جدید در فهرست کتب آموزشی دانشگاه قرار میگیرد

دانشجویان که بدون این نیز از نظام آموزشی آمریکایی و انواع و اقسامی در دانشگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست آورده بودند و از این اقدام بی دلیل به عنوان عنوان اعتراض از کلاس های درس خارج می شوند. دانشجویان سایر دانشگاه ها نیز به حمایت از دانشجویان دانشگاه ادبیات به تظاهرات آن ها می پیوندند.

بمذاذله نیروی صلح شاه که همواره برای سرکوب دانشجویان به حال آماده با به سر می برند در اندک مدتی تظاهرات صنفی دانشجویان به تظاهرات سیاسی تبدیل می شود. در این جریان چند دانشجو مجروح می شوند و جان صلح شاه عده زیادی از دانشجویان را دستگیر می کنند که بر اثر ادامه تظاهرات دانشجویان آن ها را آزاد می نمایند. پس از این حوادث تور پلیسی در دانشگاه شیراز شدت یافت و مأموران ساواک از ادامه درس دانشجویان نیز که مجبور شده بودند آن ها را آزاد کنند و جلوگیری کردند و ایمن صوبی از خشم و انزجار در میان دانشجویان برانگیخت.

۵- اختصاب استادان و کارکنان دانشگاه آریامهر

ماه ۵۵ است که همه استادان و اعضای کادر دانشگاه صنعتی آریامهر به مبارزه آرام و یک یارچه ای در ابرویه دست آوردن اضافه حقوق و اجرای این بازمنشگی مورد تامل خویش و نیز حل مشکل مسکن خود و بر اساس روحی که از دست ها پیروز به آن ها داده شده ادامه می دهند. استادان و کارکنان دانشگاه آریامهر و استازند که حقوق های آن ها متناسب با افزایش بی رویه هزینه های زندگی بالا رود و ساختن شهرک محل سکونت آن ها در یک متری چادر گنج هرچه زودتر به مرحله اجرا در آید. ساختمان ایمن شهرک مدت ها است که به آنان خدارها شده و در حالی که از استادان و کارکنان دانشگاه صالح گفتنی برای اجرای این طرح گرفته شده است.

دانشگاهیان برای وادار شدن مسئولان برای تن در دادن به خواست ها و حقوق ضروری آن ها و سال قبل به حالت اعتراض چند شبانه روز از دانشگاه خارج نشدند و آن ها حتی شب هم در دانشگاه ماندند و تنها پس از آن که وعده قلمی به آن ها داده شد و دانشگاه ترک کردند. اما در عمل این وعده قلمی تم اجرا نشد.

دانشگاهیان چند ماه پیش باز دیگر در آمد ندارند که به ترتیب سابق و با اقامت شبانه در دانشگاه و تحمل ناپذیری شرایط مسکن و میزان حقوق خود را به استیلاص مسئولان رد باز حکامان و نیز دانشجویان برسانند. اما پس همان شب دانشگاه را محاصره کرد. سیم های تلفن قطع شد و کارهای ویژه ایمن خود را برای محله به استادان آماده کردند. دانشگاهیان با مشاهده این اوضاع از دانشگاه خارج شدند اما دست از مبارزه برنداشتند. این کادر ادارتی دانشگاه آریامهر در آمدند

در این مبارزه تا آن جا که لازم است پیش بروند. برای ایجاب نفاق بین کادر آموزشی و کادر اداری دانشگاه محسولان آن ها به پذیرش و استعای استادان شده اند و اما استادان به آن نا جواب دادند تنها در صورتی کار خود را پایان یافتند طقی می کنند که به درخواست های کادر اداری به طور کامل توجه کنند.

۶- اختصاب کارمندان شرکت مخابرات

کارمندان بخش تلکس شرکت مخابرات واقع در میدان سپه به عنوان اعتراض به افزایش ساعت کاره عدم پرداخت مزایای شغلی و اجباری کردن کارکنان در شب و در روز سی و یکم خرداد ماه دسته همجا بردمانند. با این اختصاب ارتباط تلکس ایران با خارج قطع شد. اهمیت این اختصاب که دامنه آن تمام کارمندان بخش های مربوطه را در بر گرفت به مدی بود که بلافاصله وزیر پست و تلگراف در محل اختصاب حاضر شد و برای ختم آن با کارمندان به گفت و گو نشست. این در بخش تلکس فشار توان فرسای کارمندی است که کارمند مزبور بعد از چند سال کار مداوم قلب به عارضه سنگینی گوش و نارسایی ای دیدگی دچار می شوند. در شبک شبانه حرکت از کارمندان که مایل باشند کاری کنند. و به این ترتیب اکثر کارمندان این شیفت و دانشجویان تشکیل دهند که در روز مجبور به حضور در کلاس درس و رسیدگی به امور تحصیلی خود هستند. اما ناگهان شرکت مخابرات تصمیم گرفت از خانم ها نیز در شیفت شبانه استفاده کند. به این ترتیب سوال زندگی خیلی از کارمندان راه نم می ریخت اعتراض خانم ها بلند شد که اگر ما شب کار کنیم و تکلیف حضور و فرزند انمان چه می شود. دوازده ساعت کار شاق شبانه زندگی خانوادگی ما را ضعیف می کند. از طرف دیگر انتقال کارمندان زن به پست شبانه باعث می شد که دانشجویان نتوانند به دفعه در ساعات شب کار کنند.

یکی از اعتراضات کارمندان که به اختصاب انجامید این بود که کار در شیفت شبانه اختیاری باشد نه اجباری. دلیل این اختصاب این بود که از بی ماه سال ۵۴ تا خورد این یعنی شش ماه مزایای شغلی کارمندان را پرداخته بودند. انگیزه دیگر افزایش ساعت کارمندان از شش ساعت به هشت ساعت بود. کارمندان ضمن اختصاب خود یاد آور شدند که در همه جای دنیا شغل سنگین و زیاده آمیزی که آن ها به صدها دارند بهیچ از چهارالی شش ساعت در روز آن همک در میان درل نیستند. و همین ساعات برای خواب کردن اهل و اختلا در سلامتی آنان کافی است. گفت و گو او بعد می توانست کارمندان اختصابی راه سرکارشان برگرداند لذا شرکت مخابرات از قبول تمام خواست های آنان ناچار شد.

این نکته شایان توجه است که کارمندان شرکت مخابرات از آگاهی در سطح بالا برخوردارند و این آگاهی را در شیوه مبارزه به طرز موثری به کار برده اند.



۷- انتصاب آمارگران مرکز آمار ایران

آمارگران مرکز آمار ایران که به طور بیانی در اختیار سازمان برناخته شده و ماهانه دوازده هزار ریال حقوق دریافت می کردند. چندی پیش حقوق آنان بدون دلیل و یکباره به نه هزار ریال کاهش یافت. آمارگران برای دفاع از منافع خویش دست به انتصاب زندگانی مقامات دولتی با آنان بسیار باخوشی رفتار کردند و انتصاب را شکستند و بعد مایه ارتکار - استخراج نمودند.

۸- انتصاب کارکنان بیمارستان تبریز

کارکنان بیمارستان تبریز به مدت چهار روز دست به انتصاب زدند. آن ها خواستار افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار بودند. کارکنان انتصاب کنند در جلوی بیمارستان جمع آمده و تظاهرات در محوطه بیمارستان نشینند. بیمارستان ازجا واحد از بهرین محاصره شد و زاپله کارکنان با خارج قطع گردید. مقامات پلیس از ورود و خروج کارکنان جلوگیری می کردند. انتصاب کارکنان بیمارستان تبریز چنانکه از وضع دشوار و غیر قابل تحمل شده کارکنان بیمارستان ها و درمانگاه های کشور است. در حالی که هزینه های درمان به نحو سرسام آوری بالا می رود و علیرغم این بیمارستان ها در آمد های افسانه ای به جیب می زنند کارکنان بیمارستان ها و کلبه های درون بیمارستان حقوقی قرارداد دارند. آنها را نظیر کارکنانی که در مطبوعات کشور بازر شده نشان می دهند که سرمایه داران صاحب بیمارستان می شوند و حقوق ما آنه ناچیزی به پرستاران و کارکنان بیمارستان ها پرداخت میکنند و در برابر این دستمزد ناچیز - توهمات زیاد و بازان داد دارند. کارکنان بیمارستان ها و موسسات بهداشتی حق دارند از وضع خود ناراضی باشند.

۹- هجوم ساواک به شرکت ها

تعدادی از شرکت های تولیدی و تجاری حدود سه ماه پیش مورد هجوم بی سابقه ترار گرفتند. در نتیجه از این هجوم های ظاهرا به دلیل مالیاتی و گرونی از آنها افسانن سازمان امنیت شرکت داشتند. هنوز مأموران مالیاتی ظاهر بر این ضحرف کردن توجه از دستگیری ساواک بود و زیرا مهاجمان سراغ دفترهای شرکت نمی رفتند و در حساب داری دنبال ارتام سرد زبان و انزای این محاصرات نمی نشینند بلکه آن ها تمام سراغ سینه ای شرکت را بست و جوی آوردند و همه چیز را به هم می ریختند و در این استاد و دانه را غارت می کردند و وقتی با اعتراضات مسئولان و مدیران شرکت روبرو می شدند به آن ها توهین می کردند و هیچ پاسخی برای جوی جا بردادن حمله دشمنان خود به شرکت ارائه نمی دادند.

تا آنجا که با اطلاع داریم حدود شانزده شرکت به همین ترتیب مورد حمله و غارت قرار گرفته اند. این تجاوز و تخلف بی شرمانه و بی حقوق سرمایه داران

کلی و مسایبان شرکت ها را به شدت نگران و مضطرب کرده است. آنان ناراحتی و خشم خود را به بیان می دارند و عرضشان این است که زیر سر امنیت و خشم برای مردم بی امرتین می شرمانه تهن شرایط را ایجاد کرده اند. اعمال ساواک و ضابطه در چهل گله ای گاو و گوسفند روبرو می شوند و تی آن در آن ناراحت حساب نمی آورند که درباره اعمال پلیس و ساواک قانونی خود - کمترین توجهی به دهند.

۱۰- باج خوانی دولت از شرکت ها و موسسات کوچک

مأموران مالیاتی وزارت دارایی از اوایل تیرماه هجوم بی سابقه و گسترده مایه راه شرکت ها و موسسات کوچک کشوری آغاز کرده اند. دولت قصد دارد کمبود بودجه خود را با تقارن کسبه و تجار و صاحبان صنایع کوچک جبران کند. در اولین تفرقه مأموران مالیاتی به حجره ها و موسسات و شرکت های سبزه میدان بازار تهران و تعدادی از تجمهرات مسای اتوسیل برای آن ها قبضه های مالیاتی از دست هزار تومان به بالا نوشته شده است. اعتراض مردم این است که مالیات ها باید بر اساس دفاتر رسمی شرکت و سود و زیان آن ها تعیین شود. افرادی که مورد تعدی قرار گرفته اند می گویند میزان مالیاتی که مالدیه می شود بیشتر از مجموع درآمد سالانه آنها است. در تعیین این مالیات سرسام آور برای موسسات کوچک بازرگانی و صنعتی و خدماتی هیچ شایسته و حقوقی رعایت نشده و صرفا نوعی باج و لختی است که از مردم می شود. تعدادی از تجار و کواخه تهیه کرده اند و به نخست وزیر فرستاده اند. اما این اعتراضات هنوز بدون پاسخ ماند ما مستو به نظر می رسد که دولت قصد دارد به هر ترتیب و حتی به بهای هر گسست این شرکت ها و موسسات و مالیات مورد نظر خود را وصول کند. اقدام غیرقانونی و ضد مردمی دولت خشم و بی مبایه را برانگیخته است.

۱۱- طرح خانسازی دولت برای نظامیان

دولت برای ارج خانه جهت نظامیان در دو استان کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۱۲ و ۱۵ میلیارد تومان اختصاص داده است. اجرای این طرح تا به بنزقترین شرکت های مقاطعه کاری و تملاتی نظیر شرکت فرما و فرمانان و شرکت کلات واگه ارشد است. دولت ۲۲ میلیارد تومان هزینه این طرح را به حساب اعتبار عمران منطقه ای و استان این دو استان گذاشته و بنابراین اجرای همه طرح های عمرانی را در این مناطق به ویژه در روستا ها متوقف کرده است.

۱۲- باز هم حمله وحشیانه پلیس به زندانیان سیاسی

از وضع زندانیان سیاسی زندان قصر تهران بهر میانه می رسد. از اوایل ماه مه به برابر با یکم اردیبهشت هاتمه اموز و زندانیان سیاسی این زندان بارها مورد هجوم پلیس قرار گرفته اند. به آنه حمله پلیس در روز اول ماه مه این بود که



زندانیان دسته جمعی سرودی خواندند و سرود خواندن گویا غیره انونی و جرم است. در این روز زندانیان ده‌ای از زندانیان سیاسی راه سلول های انفرادی بردند و مدتی راهی که میته بهیمنی شکنجه گاه فرستادند و مدتی را جبرگ کردند و جیره نان و پایی را از غذای همه بند ا قلمح کردند. از آن به بعد بهیمن زندین بار به بهایه های مخفی به زندانیان حمله کرده. آخرین خبری که دریافت کرده ایم حکای از آن است که روز شنبه سوم فرورد ماه از ملاقات خانواده ها با زندانیان جلوگیری شد و بعد و پولیس با باتوم و شلاق زندان تمام اعضای خانواده ناراکه به ملاقات آمده بودند و در تمام عده زندانی از زندانیان سیاسی را مجروح کرد. گفته می شود که در این روز از بند زندان قصر به بیست نفر زندانی راکه به شدت مجروح بودند به کشته فرستادند.

رفتار رژیم با زندانیان سیاسی به معنای کامل کلمه وحشیانه و غیرانسانی و جنایتکارانه است. سران رژیم زندانیان سیاسی را همواره به چشم گروگان می نگرند و در باره آن حوادث خارج از زندان و مبارزات مردان مبارک می شوند و مختم خود را به روی زندانیان خالی می کنند.

ما به این رفتار جنایتکارانه شدیدا اعتراض می کنیم و همه کسانی که داریم واقفیت زندان های ایران را در اختیار افکار عمومی مردم جهان قرار می دهیم.

۱۳- زنان زندانی زیر فشار دشمنان زندانیان قرار دارند

از زندان سیاسی قصر خبر می رسد که نه تنها مردان زندانی، بلکه به ویژه زنان زندانی به شدت تحت فشار و فشار فیزیکی و دشمنان زندانیان قرار دارند. در این زندان بیش از ۱۲۰ زن مبارز زندانی اند. نطق زندان بی نهایت خشن و غیرقابل تحمل است. زندانیان از بزرگترین اجتماع زندانیان به گردهم و بحث و صحبت میان آنان جلوگیری می کنند. در این زندان از چندین پیش حتی کتاب خواندن نیز ممنوع شده و به این ترتیب که مدیریت زندان همه کتاب های موجود در دست زندانیان راه بهانه بررسی گرفت و سپس پس نداد. حتی دستور زبان فارسی و کتاب آموزش زبان انگلیسی و نظایر آن هم به زندانیان داده نمی شود. هرگونه اعتراضات زنان مبارز با این اهلای مامورین روبرو می شود و به بسا کار به تهیه بدنی و زندان انفرادی می کنند. چند ماه پیش جلا دان شاه در یک هجوم به زندان زنان زندانی را با باتوم و لنگ به شدت کتک زدند و هنوز هم آنان را به تکرار این نوع جنایات تهدید می کنند. در چنین شرایط دشوار و غیر قابل تحمل تندرستی زنان زندانیسی به شدت به خطر افتاده و آنان از نظر جسمی تحلیل می روند

۱۴- شکراله پاکتواد را بار دیگر شکنجه گاه بردند

خبری رسید که شکراله پاکتواد را که قبلا در بند ۶ زندان قصر بوده در اواسط مرداد ماه به زندان اوین که از شکنجه گاه های سازمان امنیت است بردند و به احتمال قوی وی نیز شکنجه است. برای وارد ساختن فشار بر او برادر و خواهرش را هم دستگیر کردند. این خبر حاکی از ادامه افعال دشمنانه ای است که ساواک شاه در مورد زندانیان سیاسی انجام می دهد. رویی که انصران توده های را بعد از بیست سال زندانی بودن در محبوسه تابستان اصلا به بد آبجو و نوارین نقاط جنوب و زندان های تحمل ناپذیر آنجا فرستاده هر یکی که زندانیان سیاسی را حتی بعد از صدور حکم شکنجه می دهد و اینک شکراله پاکتواد را بار دیگر به اوین کشانید است. خطری جدی جان این مبارز زندانی را تهدید می کند. رفیق شهید ما پرویز حکمت را بعد از بیست و هشت سال دوراهی به شکنجه گاه کشته بردند و در آنجا ابراکشند. حال رژیم برای این که از زندانیان سیاسی استغفار بگیرند و به زیر آن راه تهنه وارد سازند همه حیرانی ترین وسایل متصل می شوند. همین شکراله پاکتواد است که شاه در یکی از مصاحبه هایش با خبرنگار خارجی گفت ما می توانیم او را در گوشه زندان تا آخر عمرش شکنجه به هم بدو آن که کسی باخبر شود. ولی علی رغم بند او را همه کس از جنایاتش باخبر می شود و این هم وظیفه همه کس در همه جا با همه وسایل است که از جان این مبارز و همه زندانیان سیاسی دفاع کند و دست جلا را باز دارد.

۱۵- ۱۶ تن از کارگران نفت آبادان دستگیر و باید به شدت ماند

بیش از چهار ماه است که ۱۶ تن از کارگران نفت آبادان دستگیر و سپس تپید دیده شده اند. حادثه زمانی آغاز شد که کارگران در خوردن زمان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کاملا قانونی و برای افزایش دستمزد دفاع از حقوق حقه کارگران بود. به دنبال این اعتصاب در شب ۲۵ خرداد ماه ماموران ساواک آبادان نیمه شبه منازل ۱۶ نفر از نمایندگان و جیره های بانفوذ کارگران رخنه و آن ها را دستگیر کرده به طرز خشنی با خود بردند. از آن روز خانواده ها از سرپرستان خرس خیز درستی دریافت نکردند. گفته می شود که کارگران دستگیر شده را تبعید کرده اند و اما نه محل تبعید معلوم است و نه نامهای از تبعید شدگان می رسد.

۱۶- از سر نوشت ۶ تن از کارگران دستگیر شده

چیت سازی یعنی خبری در دست نیست

بعد از اعتصاب بزرگ کارگران بیت سازی ۶ نفر از آن ها را دستگیر کرده اند که از سر نوشت آن ها هیچ خبری نیست و

اگر کارگری سه روز غیبت غیرموجه داشته باشد، اخراج شده  
 قطعی می شود. بعد از سه روز از نو برای آن ها کارت و  
 دفترچه کار صادر می کنند. به این ترتیب از همه شدن کارگران  
 که طبق قانون بعد از سه ماه کار در اوم الزامی است جلوگیری  
 می کنند و کارگران از تمام مزایایی که در قانون کار برای همه شدگان  
 در نظر گرفته شده محروم می مانند.

۱۹- انتصاب دانشجویمان آموزشگاه عالی  
پرستاری شرکت نفت آبادان

در نیمه اول شهریور ماه گذشته دانشجویمان آموزشگاه  
 عالی پرستاری شرکت نفت آبادان برای اعتراض به شرایط  
 ناسالمی که برایشان مرکز آموزشی حاکم است، به مدت دو  
 روز دست به اعتصاب زدند. اعتصاب به عنوان اعتراض به  
 بدی غذا آغاز شد و سپس به شکل اعتراض نسبت به بسیاری  
 از نارسایی ها و کمبودها در دانشکده درآمد. اعتصاب  
 و تحریم دوره غذای دانشکده موجب پیروزی دانشجویمان  
 و گردن نهادن مسئولان به خواست های حق آن ها شد.

۲۰- در جریان برگزاری کنکور اساتذ دانشگاه با مساوا  
در بسیاری از شهرها جوانان داوطلبی را که احتمال میداد  
در جهت ورود به دانشگاهها در آینده به فعالیت های  
مخالفت رژیم بپردازند، چند روز قبل از برگزاری کنکور دستگیر  
کرد و چند روز بعد از آن آزاد نمودند اما شرکت در کنکور  
راند داشته باشند. دستگیر شدگان سخت تحت فشار قرار  
گرفتند تا همکاری با ساوا را بپذیرند. ساوا در صورت  
این همکاری به آن ها وعده می داد که نه تنها آزادشان  
می کند تا در کنکور شرکت کنند، بلکه به فرصت نامشان را  
در فهرست قبول شدگان وارد می کند. به این ترتیب ساوا  
دوره در مقابل این جوانان قرار داد: یا همکاری با ساوا  
و در نتیجه ورود به دانشگاه، یعنی خیانت به مردم برای  
رسیدن به آبنان و یا عزیمت به سربازخانه ها و تهدید  
شدن به گشت دم توپ برای مقاصد پلید امپریالیستوار تاج  
شاهنشاهی. اما بی شک همه این فشارها و محرومیت ها  
جوانان را بیش از پیش به مبارزه اصولی پیگیر و راضی  
شد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق سوق خواهد داد.

۲۱- علی امیردرویشیان به ۱۱ سال زندان  
محکوم شده است

علی امیردرویشیان نویسنده پرده ر: معاصر که چند  
 پیش دستگیر شد، به ۱۱ سال زندان محکوم شد. است. جرم  
 این نویسنده این است که جامعه ایران را آن طوری که در واقع  
 هست ترسیم می کند و به زندگی توده مردم ایران و دردهای  
 آنان توجه دارد. به عبارت دیگر جرم این نویسنده این است  
 که نویسنده است و نه تهیه کننده آگهی تجارتنی برای پنهان

این خطر وجود دارد که آن ها زیر شکنجه باشند. ساواکی  
 ها به نزدیکان آن ها گفتند در باره این مطلب چیزی به  
 کسی نگویند. بعد از اعتصاب ما را اخراج کردند تا حدی  
 که کارخانه مجبور شده به جای سه شیفت (سه نوبت) به  
 کار خود وارد و سه شیفت انجام داد. ولی این رفتار و شیفت  
 سازمان اضیت شاه تائیری در رویه کارگران و حق طلب  
 آنان نداشته، برعکس آکا ی آن ها به طاعتیت رژیم بیشتر  
 شده است.

۱۷- انتصاب کارگران کارخانه الکتریکی رشت

کارگران این کارخانه حدود سه ماه پیش اعتصاب یکپارچه  
 و راسخانه ایرا برپا کردند. شرایط کار در این کارخانه  
 بسیار طاقت فرسا است، به ویژه که کارگران نه تنها باید  
 فشار سنگین کار را تحمل کنند و به شدت استنثار شوند و  
 بلکه رفتار ظالمانه و غیرانسانی مدیرعامل و مسئولان کارخانه  
 که با تفرتی جنین آمیز و اشرافی به کارگران می نگرند و از تحقیر  
 و توهین وحشی کتک زدن کارگران به شیوه قرون وسطایی  
 ابایی ندارند، نیز کار در را به استخرانشان رسانده است.  
 در اس در خواست های کارگران انتصابی اضافه دستزد  
 فرار داشت. آن ها پس از آن که طرح مکرر خواست هایشان  
 بی نتیجه ماند، دست از کار کشیدند و سرانجام کار فرما را  
 مجبور کردند به خواست هایشان تن در دهند و در  
 دستزدشان تجدید نظر کنند. اینست این پیروزی به ویژه  
 در آن است که کارگران با تجربه خویش به نیروی شگرفی که  
 در اقدام جمعی آن ها علیه شرایط غیرانسانی کار و برای  
 تامین خواست هایشان نهفته است پیش از پیش پی بردند.

۱۸- وئع کلرگران مجتمع صنعتی قزوین

در مجتمع صنعتی قزوین که تقریباً نزدیک به پنج هزار  
 کارگر دارد، یکی از شدیدترین درجات بهره کشی و یکی از  
 خشن ترین روش های نقض حقوق قانونی کارگران اعمال  
 می شود. کارگران که اغلب به روستاهای اطراف تعلق  
 دارند از همه مزایای قانونی بی بهره اند و در ازای دستزد  
 ناچیز ۱۴ تا ۲۰ تومان باید از نام تا شام به کاری  
 طاقت فرسا مشغول باشند و تازه شب را هم به کله های  
 روستایی خود برگردند چه در قزوین نیز گرایه خانه آن قدر  
 بالا است (مثلاً برای یک آپارتمان ۲-۳ لاکه حدود دو هزار  
 تومان در ماه) که حتی کارمندان و ارتشیان جزو نیز قسار  
 به پرداخت آن نیستند چه رسد به کارگران. هر روز به نا  
 انویس جوانان و مردان تادریه کار روستا را برای کار در  
 کارخانه های شهر صنعتی قزوین جمع می کنند و غروب آن ها  
 را به روستا میشان برمی گردانند. اما کارخانه داران از این  
 وضع استفاده کرده بعد از هر نود روز کار انویس را تا سه  
 روز به دنبال کارگزارانی فرستند و از آن جا که طبق قانون کار

کردن و اهمیت و رنگ آمیزی رزم موجود .

در ایران امروز زیر سایه ضحوس رزم وطن فروش و ناسد و فاشیستی محمد رضا شاه تنها کسانی حق دارند قلم روی کفزد بگذارند که وجدان انسانی خود را زیر پا نهاده باشند و بجای بیان واقعیت زندگی مردم در نظر گرفتن سمت تکامل جامعه ایرانی با تبلیغات دروغین و زشت آگین خویش جنایات ساواک را تحصیل کنند و در فریب توهمات بگویند . اما با کمال سر بلندگی باید گفت که هنوز عیج نهی شده شریف و بر قدرت ایرانی هیچ - صاحب قلمی که بتواند او را نویسنده نامید خود را نغز زده و در خدمت رزم قرار نگرفته است . روشنفکران و نویسندگان شریف ایرانی در صف تلق و علیه استبداد و کودتای محمد رضا شاهی میزنند ولو آن کار به زندان و رفتار غیر انسانی - بکنند . علی درویشیان یکی از آنان است که به ۱۱ سال زندان محکوم شده ، ولی بدون تردید چنین مدتی را در زندان نخواهد ماند .

۲۲ - حسین اسد بسیر بیروان سفر و آخرین نام در فهرست خبرنگاران در بند

دستبرد های رزم محمد فرزندکی شاه به جامعه مغرب و ادبی ما با زبانت و شکجه و زنت اتی کردن خبرنگاران و نویسندگانی که راه خلق را برگزیده اند هر روز ایدمان گسترده تری می یابد و فهرست طولانی این قهرمانان در بند تراکت و عنز اسبیل این - سر بزیر طولانی تر میند . آخرین نام در این فهرست حسین اسد بسیر بیروان ترجم سرشناس و بی شرواست که حدود دو ماه است که در چنگال رژیم گرفتار شده . رژیم سرنیزه و خفت با مغرب و ادب و فرهنگ بیبا و مترقی سر سازگاری ندارد و اوبه طولی حای دست آموز و منتزاتی مقلدی نیاز دارد که چهره تریه و جنگال خون آلود شرا با تبلیغات دروغین و سنر روسی ضغ و خود فروش بزرگ کنند . هم اکنون نمایندگان بارز فرهنگ و مغرب ملی و بی شرو در زندانها به سر میبرند . سعید سلطانپور ، شاهر و کارگردان مردمی ، تأثیر محمود دولت آبادی ، نویسنده بی شرو و نامیر رحمانی نژاد ، کارگردان منتقد و بازیگر تأثیر و محسن یلفانی ، نویسنده مهان بگرتا تر هلی اشرف درویشیان ، نویسنده - زحمتکش ، امینی شاهر جوان و بر شوری که بانا آزما شهرت دارد و اکنون شغی سال است که در بند است و فریدون غایبان ، نویسنده و مترجم بی شرو و . . . در اسارتگاه ان شاهنشاهی به سر میبرند . و نویسندگان و محققان و شاعران به نای نایر - فلا محسن ساعدی ، اهتمام زاده ( به آدین ) ، خوشفت گلشنی ، فریدون تنگابنی ، هلی شریعتی ، و شوچهر زارخانی ، سعید رحمانی ، نعمت میرزاده ( م . آزوم ) ، عالیه گرگین ( شاهره صورتی ) - عصر شهید توده ای ، خسرو گل سرخی ( هلی اکبر ترابی ) ( محقق و استاد دانشگاه ) ، در چهار ابعنی ، شهید نوایی ، رحیم رئیس زاده ، هلی اکبر اکبری ، هلی کاتبی و . . . طعم زندان و شلاق و سرنیزه را - تبعید این رزم محمد فرزندکی را چشیده اند . و نیز عده دیگری از

سرشناسان ادب و منبر مطبوعه اعلام شده و از هرگونه فعالیت ادبی و فرهنگی محروم گردیدند و در زندان نام آنها در عیج یک از روزنامه ها و نشریات مجاز جایز نیست . اساس برخی از این عده چنین است : اسماعیل خوبی ، سیاوش کسروی ، سیروس - طاعباز ، احد اشرف ، داریوش آشوری ، محمد علی سبانی ، حمید صدیق ، نعمت میرزاده ، محمد رضا باطنی ، ناصر عاکرام ، شیرازی ، سعید حسن عدنانی ، احمد علی خواندو . . . و نیز - باید از ناظره تاپیناک شهیدان ، غرضدی ، چوبی صمد بهرنگی و خسرو گل سرخی یاد کنیم که جلاد غرگز نخواهد توانست خونشان را از دست های خود بزداید .

۲۳ - انتصاب کارگران کارخانه پلوسازی فرح آباد تهران

در ۲۱ تیرماه سال جاری در کارخانه پلوسازی فرح آباد - تهران اختصای روی داد . بلافاصله پلیس کارخانه را محاصره کرد . هم از خروج کارگران از کارخانه جلوگیری کردند و هم از دادن غذا از خارج به کارگران . مردم و خانواده های - کارگران از روی دیوار برای کارگران غذا برتاب میکردند .

۲۴ - انتصاب کارگران واحد کفشد و صنعت یافت آباد عغان

در ۲۹ اردیبهشت سال جاری در یافت آباد عغان اختصای روی داد . در این انتصاب به قرار زیر است : یکی از کارگران به وسیله مهندس قربانی تک میخورد و کارگران به عنوان اعتراض - دست به انتصاب میزنند . تعداد آنها در حدود ۳۰۰ نفر - بوده است . در حد رد ۲۰۰ نفر از نخبه بانان ، کارکنان دیگری آنها طحق شدند . در این میان کارگران به وضع دستمزده خود نیز اعتراض میکنند . کارگران بعل بدوش و کتند بدست بطور - و دست جمعی بطرف دادگاه حرکت میکنند و جلوی دادگاه - اجتماع آنها به وسیله آهوان متفرق میشود . آنها سپس جلوی پاستگاه ژاندارمری اجتماع میکنند . از آنجا هم بوسیله ژاندارمها رانده میشوند . کارگران سپس بطرف شهرداری میروند . از شهرداری هم پاسخ ضغی میشوند . بعد بطرف تلگرافخانه میروند که بمقامات بالا تلگراف بزنند . در تلگرافخانه از دریافت تلگراف آنها سر باز میزنند و از آنجا هم رانده میشوند . سرانجام سه چهار نفر از ارگران توسط ساواک دستگیر و تعدادی از کار اخراج میشوند و بقیه صد تومان امانه دستمزده خود در جریان انتصاب معان کشت و صنعت به چند نفر از کارگران مراجعه کرده ، میگویند : " نجات نی گفتم دست از کار میکشید و این زرع را بیش میبردید " یکی از کارگران جواب میدهد : " آقای معان ، ما نان را کیلی می دو تومان ، گوشت را کیلی ۲۰ تومان ، سیب زمینی را کیلی شش تومان و پیاز را کیلی شش - تومان میخریم و روزی ۲ تومان مزد میگیریم " و در این موقع نان خشکیده ای از جیبش در میآورد و به مهندس نشان میدهد و میگوید : " این خالی را خودمان میخوریم و به زن و بچه هایمان



میدانیم و خجالت نمی کشیم ، اما اگر به دستورمان اعتراض بکنیم باید خجالت بکشیم ؟ تو خجالت بکش که بابت کارهای شزارتوما میگری ؟

۲۵- اختصاب کارگران کارخانه علاءالدین

کارگران کارخانه علاءالدین از ۲۷ مرداد گذشته دست به اختصاب بکنارچه و ضایعی زدند که تمام فشارهای غیرانسانی مأموران و اندامرئوساوا، نتوانست آن را در ۲۰ شکرد و درهزم کارگران خلیی وارد کند .

در کارخانه علاءالدین انواع ساو و بخاری و نظایر آنها تولید میشود . کارگران مجبورند روزانه ۲ ساعت کار ناقترسما را تحمل کنند یعنی چهار ساعت انبانه کارکنند . ایامه کاری اجباری است و در ازای آن مبلغ ناچیز بهر ساعت میشود .

خواست کارگران اختصابی ایامه دستور بود و نیز آنها طلب میکردند که ایامه کاری نه اجباری بلکه اختیاری باشد و مناسب با آن ایامه دستور برداشت نمود . هنوز چند روزی از اختصاب نگذشته بود که سرورکه ژاند ارمها پیدا شد . آنان کارخانه را محاصره کردند ، اما کارگران با موشیاری نظم منظم ، خویش را حفظ کردند و چنان رفتار کردند که بهانه به لطف بدست ندهند سرانجام مأموران ساواک به اختلال کردند و ده های از لارگران - ضحله نماینده آنها را باو داشت کرده با خود بردند . اما حتی این تشبیت وحشیانه نیز نتوانست درم راسخ لارگران راهبر اده مبارزه تا حصول خواستهای خود درم شکست . **رفقای بازرگان** خواست را هم به خواستهای پیشین خود افزودند .

از نتیجه مبارزه این کارگران هنوز اطلاعی نداریم .

۲۶- بازعم نمونه ای از سودجویی های خاندان پهلوی

شوکت حمل و نقل ایران تا آنکه که ضلحق به غلامرضا پهلوی برادر شاه است از امکانات بسیار وسیعی برخوردار است . بخش مهمی از حمل و نقل کالا های دولتی با تراهه سفینه به این شوکت واگذار میشود و شرکت های کوچک حمل و نقل در بنادر جنوب در زیر فشار این شوکت ضلحق به غلامرضا پهلوی در شرف و شکستگی هستند . غلامرضا پهلوی تمام کامیونهای شرکت ایران تا آنکه با استفاده از میمانیت گرکی وارد کرده و البته از برداشت عروگونه مالومات و عولرخی نیز معاف است . بخش مهمی از حمل و نقل بارهای ارتشی نیز با تراهه استثنایی به شوکت ایران تا آنکه واگذار میشود . چنانکه میدانید غلامرضا پهلوی در همین حال با زرس و شاه در ارتش است تا به اسم المرح جلوز دزدی و غسار را بنمرد .

۲۷- سول گشتی های حامل اسلحه در بندر شامپور

بندر شامپور به یک بندر نظامی تبدیل شد ماست . کسانی که از این بندر بازمیروند نقل میکنند که کالا های بسیاری از بازرگانان درین گشتی روی آب های خلیج فارس سرگردان است . اسلحه های بندر شامپور آنها را تخلیه نمیکنند زیرا به آنها دستور داده شده است که قبل از حرکتی باید گشتیها حامل سلا حهای خریداری شده از امریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری تخلیه نمود . حرکتی نظامی وقتی از راه می رسد بدون رعایت نوبت وارد اسلحه میشود و سفولان اسلحه با عسکری افراد ارتش گشتی را تخلیه میکنند و به پادگان ها منتقل مینمایند .

در این بندر از اولین ساعات روز بازرگانان در محوطه گروک و بندر اسلحه ها جمع میشوند ولی تمام تلاش و حتی - التماس آنها برای تخلیه بار بی جواب میماند . تا کمن محتصات بسیاری از گشتی ها که ما محتاج خوراکی مردم بوده خراب شده است . حضا باید توجه داشت که هر روز دستهای گشتی از کشور های دیگر کالا های را که دولت خرید کرده است وارد میکنند ولی روی آب های خلیج فارس میمانند و حتی برخی از آنها در - شیخ نشین های خلیج بار خود را تخلیه میکنند و بسوی کشور خود باز میگردند .

۲۸- اختصاب کارگران نهشکر هفت تبه

کارگران کارخانه نهشکر هفت تبه برای افزایش دستمزد های خود که به هیچ وجه با شرایط معیشتی گشتی متناسب نیست - دست به اختصاب زدند . در این کارخانه دو گروه کارگر کار میکنند یکی کارگران دائمی و دیگری دو م کارگران فصلی که بیشتر کرد و لر هستند . در اختصاب کارگران کارخانه نهشکر هفت تبه که درست مطابق فصل برداشت محصول نهشکر انجام گرفت ، کارگران دائمی فنی شرکت داشتند . آنها جدا به کارفرمایان دولتی خود ابرار کرده اند که تا به خواستهای آنها توجه نمیشود به سرکارهای خود باز نخواهند گفت . تلاش صولین برای فریب کارگران و به تعویق انداختن حصول تحقق خواستهای آنها به نتیجه نرسید . کارفرما سرانجام برای درم شکستن اختصاب دست به کار زد بلکه بی سابقه ای زد با این معنی که با هواپیمای سی - ۱۳۰ که یک هواپیمای باربری ارتشی است ، از پاکستان گروهی کارگر که در کارخانه نهشکر دارای تجربیاتی هستند وارد کرد ، این عمل خشم کارگران را ر که به خاطر شک های گرفته خود و خانواد هایشان بقیه در صفحه ۹

# پیش بسوی تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری

# نویسند

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۴ - دیماه ۱۳۵۵

## جبهه ضد دیکتاتوری

خواستار ملی مردم ما و نیاز مردم جنبش ماست

در این شماره:

- ۱- جبهه ضد دیکتاتوری
- ۲- تندیس روزبه در ایتالیا
- ۳- اوج جنبش دانشجویی
- ۴- در یک کشور سوسیالیستی
- ۵- سندی درباره فعالیت مراکز جاسوسی امریکادریان
- ۶- اطلاعات
- ۷- خبرها

حزب توده ایران در جبهه کار در ایران و با احساس مسئولیت کامل در برابر طبقه کارگر و زنجیره ای ایران و با درک عمیق وظایف تاکتیکی و استراتژیک جنبش انقلابی ایران و موارده اتحاد نیروهای مردمی را شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه دانسته و لذا با تمام نیرو و به واسطه خستگی ناپذیر برای تحقق این اتحاد مبارزه کرده است.

دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران از تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری گام تازه ای در این راه به شمار می رود و در شرایط کنونی همین ما دارای اهمیت ویژه ای است. تا زنگی و امید آن در چیست؟

### فشار در کتیر

به استثنای خاندان پهلوی و کلرگزاران رژیم که مجموعا کارگزاران امپریالیسم هستند هوای شوم سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه در حوضه های زندگی همه در جبهه مختلف و متکثر شده می شود.

آن سیاست اقتصادیک که ثروت های ملی ما را موقبل از همه و پیش از همه نفت مارا به فارت امپریالیست ها می دهد و بازار سرمایه و کالای مارا عرضه تاخذ و تاز فارتگرا نه امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به آنها می سازد و موجب بیکاری، تورم، ترانی و کمپانی و نایابی کالای گردد، هم کارگسور را به گرسنگی محکوم می کند و هم در تقاضای بی خانمان می سازد. هم پیشه ورا از پای در می آورد و هم سرمایه دار ملی را به ورشکستی می کشاند.

آن سیاست خارجی که ایران را در خفا نیز مانند امر امپریالیسم سرزمین فارس به نظر می کشد، سابقه تسلیم اتسی و

تجاوز به خااک همسایگان و سرکوب جنبش های آزادی بخش در منطقه می کشد. هم زنجیرشکنان را که باید بارمادی این سیاست ضد خلقی را بدون بکشند، ناراضی می سازد و هم موجب ناخشنودی سرمازان و اضران می شود که جانشان باز به این سیاست ضد ملی شده است. بقیه در صفحه ۲

### نزارشی پیرامون برد مبرد اریز

## تندیس روزبه در ایتالیا

ایرانی در مطبوعات دموکراتیک ایتالیا از جمله روزنامه اونیتا چاپ شد. آنگاه قرار بر این گردید روز ۲۳ اکتبر ۱۹۷۶ (شنبه اول آبان ۱۳۵۵) از تندیس یاد روزبه و قهرمان ملی ایران پرده برداری شود. این مراسم در همین روز باشکوه و هیجان کم نظیری در میدان شهر سیانو رومانو برگزار گردید.

در آستان گشایش مجسمه یاد پیر و خسرو روزبه در میدان شهر سیانو رومانو شهرداری این شهر سازمان محلی حزب کمونیست سیانو رومانو سایر نیروهای دموکراتیک با سه پلاکات بزرگ از مردم این شهر برای شرکت در مراسم پرده برداری دعوت کردند.

بروشور جداگانه ای، نیز که تصویر مجسمه روی آن چاپ شده بود به زبان ای ایتالیا و فرانسه با عنوان "به یاد خسرو روزبه قهرمان ملی ایران" انتشار یافت. در این جزوه پشت بانی لوفیجی لونیو رئیس حزب کمونیست ای ایتالیا بهترین رئیس حزب سوسیالیست ای ایتالیا بود و به سببی در پیر سیاسی حزب جمهوری و بقیه در صفحه ۳

رینا اولیا، نرشد ایرانی ه مجسمه ای به یاد خسرو روزبه هنر و کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران ساخته و به شهر سیانو رومانو که در سی کیلومتری رم پایتخت ایتالیا قرار گرفته است. یاد ریافت این مجسمه که از بونز ساخته شده و مردی را نشان می دهد که دست های او را از پشت بسته اند و خطوط چهره و عضلات پدید می دهد و در هم کشیده مابین رنج و مقاومت او را نشان می دهد. شهرداری سیانو رومانو تصمیم گرفت آن را در میدان مرکزی شهر میدان وستوریو امنونیل سرور بر سنگتیمان شهرداری قرار دهد.

تصمیم شهرداری سیانو رومانو مورد پشتیبانی احزاب و سازمان های دموکراتیک شهر از جمله حزب کمونیست ایتالیا، حزب سوسیالیست، حزب سوسیال دموکرات، حزب جمهوری خواه اتحادیه کارگران و سازمان جوانان کمونیست قرار گرفت. در سطح کشور نیز تمام احزاب و سازمان های دموکراتیک ایتالیا از این تصمیم حمایت کردند و همگی مجسمه ساخته رضا اولیا نرشد



شرافتند رویه افزایش است - لخبه پراکنده های که از فرار سرهازان و افسران از خدمت و باالخراج و حبس و اعدام آن ها منتشر می شود - بازتابی از این واقعیت است .

زنان و دختران جوان در نوبه دوشین مردان در کارخانه ها و موزه و دانشگاه به صحنه مبارزه می آیند و نمونه های اعجاب آوری از بیکارجهیی و مقاومت و دلیری نشان می دهند . و سرانجام صفتی عناصر و قشری ایی از طبقه حاکمه و ناخشنود از آنچه که دامن آن ها را هم می گیرد و نگران از آینده نامطمئن که رژیم در برابر آن ها قرار داده است طلب به اعتراض و مخالفت می گشایند .

همه این ها نشانه آن است که دوران فروکش نهضت پایان یافته و دوران اعتلا جنبش فرامی رسد .

فشار متمرکز و واکنش پراکنده

اگر فشار همه گیر و متمرکز است واکنش همگانی در برابر این فشار پراکنده است. محدودیت های طبقاتی ، تنگ نظری های گروهی ، کوتاه بینی های سیاسی و گمراهی ها و سر درگمی های سیاسی و ایدئولوژیک همراه با خرابکاری های عوامل دشمن در صفوف نیروهای خرد رژیم و مهم تر از همه آنتی کمونیسم ، طلحه دهه این پراکنده گی است . این پراکنده گی که غالباً با خصومت به ویژه علیه حزب توده ایران ، و نیز همراه است تاکنون لطامات سنگینی به جنبش ضد رژیم استبداد ی شاه وارد آورده است . و به همان اندازه که فشار رژیم همه گیر تر و شدید تر می شود ، به همان اندازه که واکنش در برابر فشار همگانی تری شود و جنبش درو به اعتلا می رود ، زبان چنین پراکنده گی و خصوصی آشکارتر می شود .

جبهه ضد دیکتاتوری

برای آن که پراکنده گی پایان یابد و واکنش همگانی در برابر فشار همه گیر به نتیجه برسد و حزب توده ایران تشکیل جبهه متحد ضد دیکتاتوری را پیشنهاد می کند . چرا ؟

با این که فشاری که از طرف رژیم استبدادی شامبر طبقات و اقشار گوناگون جامعه وارد می آید یکسان نیست با این که طبقات و اقشار گوناگونی که به مقابله با این فشار می پردازند ، دارای ضایع گوناگون و گاه متضاد و در نتیجه دارای عقاید سیاسی و اجتماعی گوناگون و گاه متضاد اند ، با این که شیوه های آن ها برای مقاومت و مبارزه بیکاری برند گوناگون و گاه متضاد هستند ، با این که هدف دوری گمان ها در برابر خرد قرار دادن گوناگون و متضاد است ، با این همه تمام این طبقات و اقشار ، علی رغم گونه گونی و تضاد یک دشمن مشترک نزدیک دارند و آن رژیم استبدادی شاه است و لذا یک هدف مشترک نزدیک دارند و آن سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است .

اگر درست است که واکنش پراکنده در برابر فشار متمرکز در هر دو هم با سرسختی و شجاعت توأم باشد ، قادر به غلبه بر فشار متمرکز نیست ، و اگر درست است که پراکنده گی و خصوصیت در بین نیرو های خرد رژیم زبان بخش است و فقط به سبب

جبهه ضد دیکتاتوری . . . .

هم مخالفت میهن پرستان را برمی انگیزد بلکه استقلال و حاکمیت ملی خود را پایمال سیاست امپریالیستی می بینند و هم مایه نگرانی عناصر واقع بینی می شود که مواجب خطرناک این سیاست ماجراجویانه را درک می کنند .

آن سیاست فرهنگی که در مدرسه راهب روی می آید کودکان میهن ما بسته و هزاران نفر از جوانان ضناتی تحصیل بر اینست در دانشگاه نگاه داشته است و به جای مدرسه و دانشگاه ، زندان و سربازخانه می سازد . هم جوانان روشنفکران راهب و صبیان و ایی دارد و هم نارنجایی می بینیم تا می بینیم باید روماد را موجب می گردد .

و سرانجام آن رژیم تیره و اختناتی که ایران را به زندان بزرگی مهمل ساخته و سایه شوم ساواک را بر همه جا معنی در میان خانواده ها گسترده و برای حفظ خود هر کوفت را ز ناخشنودی راه از جانب هر که باشد و به هر شکل بروز کند ، با زندان و شکنجه و گلوله باسج می دهد و نارنجایی و نگرانی حتی به قشری از طبقه حاکمه نیز سرایت می دهد . بدینسان جامعه ایران زیر فشار همه گیر رژیم استبدادی شاه به سوی یک جهنم عمومی می رود .

واکنش همگانی

فشار های همه گیر به ناچار واکنش همگانی را برمی انگیزد سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه که در عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، نظامی و فرهنگی عواقب شومی را برای طبقات و اقشار گوناگون خلق به بار آورده است ، جبهه این طبقات و اقشار را بر ایی دفاع از حقوق و ضایع خود به مقاومت و مبارزه و ایی دارد :

جنبش ارتقایی و مطالباتی طبقه کارگر ایران از نظر کمی و کیفی در سطح وسیع گسترش می یابد . احتساب بیش از ۳۰ هزار کارگر در ۲۶ کارخانه فقط در ماه اردیبهشت که با تشکل و مقاومت شایان تحسینی صورت گرفته نمونه بارزی از این واقعیت است .

دانشانان برای دفاع از آنچه در جریان اصلاح ارضی ملی مبارزه به دست آورد مانده ولی اجرا نمی شود ، برای تحقق اصلاح ارضی دموکراتیک به پای می خیزند . برخورد آن ها با مالکان و زوآند ارها فزونی می گیرد .

جوانان و دانشجویان و روشنفکران برای دموکراتیزه کردن محیط تحصیلی و فرهنگی مردانه مبارزه می کنند . استقرار رسمی پلیس در دانشگاه ها و مراکز عالی آموزشی و تعطیل دراز مدت و بی درسی آن ها و افزایش تعداد روشنفکران زندان نشانهای از گسترش این جنبش است .

روحانیون توفی خراه صاحب و مدرسه های خصوصی را به کانون مقاومت و مبارزه بر ضد رژیم استبدادی شاه مهمل کرده اند . در تهران طیفی و اقشار جدیدی از روحانیون که پیوند خود را با مردم حفظ نگرد مانده پیش از این به صحنه مبارزه می آیند . نارنجایی و مقاومت در بین بازاریان و افسران میهن پرست و



تقدیر روزی ۴۰۰۰

ایتالیا و جوزفه سارانگات و دبیر حزب سوسیال دموکرات ایتالیا زاناتوکوزتو و نقاش سرشمان این کشور و هفده ژبکونست ایتالیا و سناتور کارفرزند پرسته ایرانی رضا اولیا درج شد بود. جزیره باستان روزی ۴۰۰۰ من به اقتضای آتش که به خاطر خدمت به خلق نمای ایران در درون سینما شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزید هم نباید انجان کم که جانم و استخوانم و شوم و کوشم و پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است به زبان های فارسی و ایتالیایی ترنیم رنیده بود.

در مراسم برده برداری از مجسمه خسرو روزی شهروای شهر سیانو رومانو همچنین تصمیم گرفت از کمیته مرکزی حزب توده ایران و شهروای شهر دموکراتیک ایتالیا شخصیت های برجسته سیاسی و صندیکایی و اجتماعی و علمی و معنوی نیز دعوت نماید. این دعوت از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران با سیاسی پذیرفته شد و بیتی به ریاست رفیق ایرج اسکندری و دبیر ارل کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزی شرکت کرد. ساعت ۱۰ صبح روز شنبه هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به همراهی نمایندگان شهروای شهر سیانو رومانو وارد این شهر شد. بر سر دروازه شهر که از مدت آن حکایت می کند مروی پارچه سرخی با خط درشت به زبان های فارسی و ایتالیایی نوشته شده بود: "آزادی برای"

جبهه ضد دیکتاتوری

در ضمن تمام می شود و اگر درست است که فقط تمرکز نیروهای مردمی و وحدت عمل در مبارزه برآید. رژیم می تواند غریب نگری بر رژیم وارد سازد و آن وقت در برابر نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه و همه نثار از تمام گونه گونی ها و تضادها در منافع و در مقابل در روش ها و در اهداف های دور آن ها فقط یک راه باقی می ماند و آن تمرکز و تشکیل وحدت عمل این نیروها در یک جبهه ضد دیکتاتوری با اهداف سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است.

جبهه ضد دیکتاتوری خواست طلبی مردم چارنیز مهم جنبه ما است

حزب توده ایران بخواره کوشیده است که با تحلیل علمی و سر تکاملی جامعه ما با تعیین هدف های مشخص تاکتیکی و استراتژیک جنبه در مرحله انقلاب و با تجهیز و تشکیل و اتحاد تمام نیروهای لازم و مکن برای نیل به این هدف شاه به خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه ما پاسخ گوید و بدینسان از عهده انجام و ناپی که در برابر طبقه کارگر و همه خلق های ایران دارد برآید. پیشنهاد تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری که اینک به تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه عرضه می شود و تلاش جدید حزب توده ایران در تعیین جهت و تعیین زمینه است. تازگی و اهمیت آن نیز در همین جا است.

حزب توده ایران امیدوار است که تمام نیروهایی که صادقانه و استوار برانداختن رژیم استبدادی شاه هستند به این ندای حزب توده ایران که بازتابی از خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه ما است پاسخ مثبت گویند تا بدینسان شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه فراهم آید.

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم

استبدادی شاه مبارزه کنیم!

نقل از روزنامه مردم ارزان مرکزی حزب توده ایران

زندانیان سیاسی ایران. در این وقت مجسمه در زیر پرچم ایتالیا قرار داشت. در برابر شهرداری شعارهای یگانه به زبان فارسی به چشم می خورد: "زنده باد خاطره خسرو روزی" و کمیته مرکزی حزب توده ایران. "با ورود هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به میدان شهر دسته موزیک شهرداری شروع به نواختن مارش های انقلابی کرد. آنگاه شخصیت های که برای شرکت در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزی به سیانو رومانو آمده بودند به اینها هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران معرفی شدند. بعد از انجام این مراسم هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جلوی صفی از مردم شهر با دسته های بزرگ گله میخک به سوی جایگاه یاد بود قربانیان فاشیسم رفتند. در این جا یکی از مبارزین ضد فاشیست طی سخنرانی کوتاهی به مسئولیت مردم ایتالیا را با همین پرستان ایران تأکید کرد و پشتیبانی نیروهای دموکراتیک کشور خود را از مبارزان ایرانی اعلام داشت. سپس صف بدر حالی که موزیک در جلوی آن سرود های انقلابی می نواختند در جلوی شهرداری شهر سیانو رومانو قرار گرفت. در این هنگام شهردار شهر و رفیق ایرج اسکندری پرچم ایتالیا را از روی مجسمه یاد بود خسرو روزی برداشتند. موزیک سرود ملی ایتالیا را نواخت و جمعیت به شدت گفزد. از جانب هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران شهرداری شهر سیانو رومانو و احزاب کمونیست و سوسیالیست و سوسیال دموکرات و سازمان جوانان کمونیست ایتالیا و دریای تندپیر دسته های بزرگ گل گذاشته شد. در این وقت شهردار شهر پشت تریبون قرار گرفت و در حالی که اشک در چشم داشت از مبارزین انقلابی ایران و از زندانیان سیاسی کشورها و از حزب توده ایران دفاع کرد و آزادی خلق های رنج دیده و فاشیسم زد میهن ما را خواستار شد. بعد از شهردار نیز شهروای سیانو رومانو و رفیق ایرج اسکندری به سخن پرداخت:

اتحاد می‌ریختند. در پایان مراسم بسیاری از شرکت کنندگان دست‌های خود را به هم زدند و هیئت نمایندگان مرکزی حزب توده ایران را به علامت همبستگی با هیئت رستوران ایران تشکر کردند.

در شباهت با ۱۱ شهریورداری شهر سیانو رومانو در میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در دهانه مرد شهر سیانو رومانو و در مراسم شامی که از طرف حزب کمونیست این شهر به افتخار هیئت نمایندگان حزب توده ایران داده شده سخنرانی‌های پر شور ایراد کردید. رفیق لوتیچی لوتنو خاوره شهیدان راه آزادی ایران را گرامی داشتند. او در برابر تندیس یادبود خسرو روزبه به احترام ایستاد و پیروزی مردم ایران را بر فاشیسم حاکم سلاطینی تبریک عرض کرد.

در دهانه مرد شهر سیانو رومانو در شباهت با ۱۱ شهریورداری سخنرانی کرد. در این مراسم دوبر اول گهتته مرکزی حزب توده ایران سیاست‌ها حزب را به او تسلیم کرد.

مراسم پرده برداری از مجسمه یادبود خسرو روزبه در شهر سیانو رومانو به میتینگ بزرگ همبستگی با حزب توده ایران و مردم مبارز ایران تبدیل شد. جمعیت بسیار خواندن سرود ای انقلابی و سرود ملی خود را با آهنگ و زندانیان سیاسی ایران اعلام کرد.

سند در باره فعالیت

سراکوز جاسوسی آمریکا در ایران

دو برابر سندسوری به دست ما رسیده که در آن فعالیت وسیع دانشجویان را به ضابطه روز ۶ آذر (روز دانشجوی سالروز شهادت سه دانشجوی همین پوست به دست جمال رژیم شاه) بیض بینی کرده و به واسطه جهت ضد آمریکایی تظاهرات به آمریکاییان تخم ایران هشدار داده است. این سند نه تنها از این جهت با اهمیت است که در پشت اشغالگران آمریکایی را از اوج گیری روزافزون جنبش تودم (به ویژه دانشجویی) و از موضع گیری هر چه قاطع تر آن علیه فارتگری و اشغالگری امپریالیسم آمریکا در ایران نشان می‌دهد بلکه در ضمن به ویژه از آن جهت گماز فعالیت های سازمان های جاسوسی آمریکایی در ایران و همکاری نزدیک آن با ساواک شاه پرده برمی‌دارد.

اینک توجه من این الزامیه :  
موضوع پرازان مرکز اضنی لیکهترا ایمل وادارما سفارت ایالات متحده امریکادریافت شده است:

"الانسانی ازضایع موش ایرانی دربارہ اطمان تظاهرات دانشجویان در روز سابع ۶۷ به دست آمد.است. این تاریخ مور به با سالگرد تظاهراتی است که در گذشته تظاهرات دانشجویان جغرافیایی دانشگاه ماساچوست در وقت به عنوان تظاهرات ضد امریکایی شناخته نمی شده است. اما اسامی در صورت امریکایی که در صیابکی این تظاهرات قرار دارند اکنون در امریکا تظاهرات کنندگان قرار می‌دهند به همین دلیل به همه امریکائیان هشدار داده می‌شود."

تندیس روزبه...  
توده ایران و مردم ایران از شهرداری و شهردار و معتمد آزادی خواه شهر سیانو روزانو به مناسبت برگزاری مراسم پرده برداری از مجسمه خسرو روزبه عذر گهتته مرکزی حزب توده ایران یعنی از نام آهوتین فرزندان همین ماسودی که در مبارزه با دیکتاتوری و فاشیسم برای رایی همین خویش از یوغ امپریالیسم وارد تمام به اشغالگران سوسیالیستی ولای دموکراتیک از ایثار بیان خود در بیخ نوزده و به جوق از سوی توده های مردم ایران "قهرمان ملی" لقب یافتند این ابتکار تاریخی و با اهمیت "راستدو آن را" نه تنها از لحاظ انتخاب خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و "روزبه" بر بهایی نسبت به مبارزان ضد فاشیسم و دموکرات ایران بلکه از این جهت که تفسیر از همبستگی خلق دلاور - ایتالیا با مبارزات دموکراتیک خلق های سراسر جهان است که ایران به مثابه سطح مبارزان آن انتخاب شده است دارای اهمیت عظیم سیاسی خوانند.

رفیق اسکندری سپس گفت: " برای خلق های ایران مایه بسی افتخار و مباحث است که امروز سیمای نجیب و دلاور خسرو روزبه قهرمان ملی خود را سطح این جنبش دموکراتیک بین المللی می‌بینند و در گزین گفته او را در برابر دو خیانتش در دادگاه نظامی تهران فراموش نمی‌کنند: " مردن به روحان ناگوار است به ویژه برای کسانی که صاحب عقیده هستند و قلبشان آنگه از امید به آینده به آینه رزین و تابناک است. ولی زنده ماندن به رفیقیت و به دوستی نیز شایسته انسان نیست؛ زیرا برگزیناید راه دشمن را غنقی سازد. آرزنده ماندن ضرور به شاکه همبخت و تن دادن به پستی و گدشتن از آبرو و حیثیتان بر سر عقاید و آرمان ای اجتماعی و سیاسی باشد و مردم بار بر آن شرف دارد."

مردم ایران که اینک در شرایط تور و انتقای بی سابقه به سر می‌برند با الهام از سرشق روزبه در کار مبارزه برای سرنگ ساختن رژیم دیکتاتوری شاهمانند تردید ندارند که این مبارزه علی‌رغم تور و اختناق و شواهد دشوار و بفرسج مبارزه در پرتو اتحاد همه نیروهای ضد دیکتاتوری سرانجام پیروز خواهد شد. زیرا همان اوکسه روزبه در دادگاه نظامی گفت: " رتزل که ابر نمی‌تواند موجودیت خود را در گدش را نفی کند و پیر از لحاظ ای بر تو مستقیم خورشید به سنگی گری خواهد شد."

سپس رفیق اسکندری نامه تشکر رسمی گهتته مرکزی حزب توده ایران را به شهرداری شهر سیانو رومانو تسلیم کرد.

بعد از رفیق ایرج اسکندری، مارتین و نزارا، استانداری هم سخن گفت و بدینسان مراسم پرده برداری از مجسمه یادبود خسرو روزبه قهرمان ملی ایران به پایان یافت. در تمام جریان مراسم به ویژه نانی که رفیق ایرج اسکندری سخن می‌گفت، جمعیت در بیان کامل پرده زنی

# اوج نوین جنبش دانشجویی

علوم دست به تظاهرات زدند که با آنها هجوم پلیس و دستگیری  
هدای از دانشجویان رهبر شد.

در دانشگاه علم و صنعت واقع در نارنگ نیز تظاهرات  
دانشجویان با یورش وحشیانه گارد جمهوری روبرو شد. پان  
دانشجویان به طالبه برخاستند و در نتیجه عدای از دانشجویان  
به سختی مجروح شدند. پلیس عده کثیری را برای چند  
ساعت بازداشت کرد و به آن ها اخطار نمود که در صورت  
تکرار اعتصاب آن ها را از گاه نظامی محاکمه خواهند کرد.

در دانشگاه شهید افتخارات دانشجویی شکل فشرده  
تر و یکپارچه تری داشت. دانشجویان از رفتن به کلاس  
دای درس خود دری گردند و مصاحبه لغو همه تصدیقات  
هد دانشجویی و یکجانبه را خواستار شدند. مقاومت  
دانشجویان شهید سرانجام سفولان را به تسلیم واداشت  
و قبل دادند که به خواست های دانشجویان جدا  
توجه کنند.

میزان با این اعتصابات و تظاهرات در آموزشگاه  
عالی خدمات اجتماعی و مدرسه عالی پارس نیز اعتصابات  
صورت گرفت. در مدرسه عالی پارس پلیس با هد دانشجویان  
یورش برد و عدای را مجروح و دستگیر نمود و مدرسه عالی  
رانیز تعطیل کرد.

## دانشجویان به استقبال ۱۶ آذر رفتند

دانشجویان ایرانی روز ۱۶ آذر ۵۱ین میعادگاه  
خونین پیگرد دانشجویی، را به عنوان روز افتخار به رژیم  
مردمی و مدد مکرانیک شاه و سلطه روز افزون امپریالیست  
ها، به ویژه امپریالیسم امریکا و محوطه خفقان پلیس،  
حاکم بر کشور، و ابراز حسرتگی با مبارزات زندگیشان  
مهم و بزرگ امت خالطره شهید اجنبش آزادی بخشش  
مرد ایران و دفاع از زندانیان سیاسی برگزار می کنند.

پس از کودتای ارتجاعی و امپریالیستی ۲۸ مرداد -  
۱۳۳۲ که حکومت تهر و خفقان را بر کشور ما مسلط ساخت  
دانشگاه نیز از تعرض و هجوم وحشیانه درامان نماند.  
عده زیادی از دانشجویان دستگیر بها از دانشگاه  
اخراج شدند و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران "فیسر  
قانونی اعتراف مدد اما دانشجویان با مبارزات گسترده -  
اعتصابی و تظاهرات طلبه حکومت کودتا صفوف خود را با  
صفوف زندگیشان برچه بیشتر مردم آمیختند. هرچه  
اقدامات خیانت آمیز و تعرض رژیم کودتا طلبه دستاوردهای  
دموکراتیک و ترقی سال های گذشته جنبش مردم با  
وقامت بیشتری شدت می یافت، مقاومت مردم و از جمله  
دانشجویان نیز در برابر آن گسترش یافت.

در ۱۶ آذرماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران

امواج خروشان اعتراضات و تظاهرات همه  
دانشگاه های کشور را فرا گرفته است. اصالت بانک اعتراضی  
دانشجویان رساتر و قاطع تر از همیشه به گونی رسد.  
تقریباً همزمان با آغاز سال تحصیلی عد دانشجویان با تشکیل  
و آگاهی بیشتر به مبارزه با تظاهرات و اعمال فشارها و دست  
اندازی های رژیم به حقوق صنفی و سیاسی خود برخاستند  
و در برابر هجوم و سرکوب مکرر و وحشیانه عدان پلیس و  
آدمکشان ساواک آبی از پای نایستادند و صدای اعتراض  
خود را طلبه خیانت و بی نهایت های رژیم فاسد و خودگامه  
شاه در همه جا بلند کردند.

انگیزه دانشجویان دانشگاه های کشور در نخستین  
موج اعتراضی و اعتصاب که از اوایل مهرماه آغاز شد، تصمیم  
رژیم دایر به قطع کمک هزینه تحصیلی بود. اما در واقع  
دانشجویان نه تنها به قطع کمک هزینه خود بلکه به موضع  
عمومی کشور به سلطه روز افزون امپریالیسم امریکا و محیط  
خفقان پلیسی حاکم بر کشور مستتر بودند.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز که علاوه بر قطع  
کمک هزینه تحصیلی به محروم کردن اکثر دانشجویان از سکونت  
در کوی دانشگاه در این شرایط اسفناک و بحرانی مسکن  
که باعث شده بود که برخی از دانشجویان حتی شیرادر -  
ساجد به صبح برسانند و اعتراض داشتند با هجوم وحشیانه  
پلیس روبرو شد و عده زیادی از دانشجویان مجروح و دستگیر  
شدند.

در دانشکده کشاورزی کرج نیز تظاهرات اعتراضی  
دانشجویان با حمله پلیس شاه و گوماند وحای کارشهریانی  
روبرو شد و در نتیجه عده کثیری از دانشجویان مغروب و مجروح  
و جمع زیادی از آن ها دستگیر شدند. اما با این حال -  
دانشجویان موفقی شدند که کمترین تحصیلی را در باره به  
دست آورند و پلی به عنوان اعتراضی به دستگیری دوستانشان  
کلاسها را تحریم کردند و دانشکده تعطیل شد و از ورود  
دانشجویان به خوابگاه ها جلوگیری گردید.

در دانشگاه جندی شاپور اعتصاب و تظاهرات سلامت  
آمیز دانشجویان با حمله پلیس و گارد دانشگاه روبرو شد که  
در نتیجه عدای از دانشجویان مجروح و عدای دستگیر  
گردیدند. پلیس دانشگاه را برای یک ترم تعطیل کرد.  
در دانشگاه تهران به دنبال اعتصاب دانشجویان -  
دانشکده فنی که به حمایت از دانشجویان بازداشت شده در  
ارها صورت گرفت و پلیس به دانشگاه هجوم برد با محاصره  
دانشکده فنی و شکستن دروازه ها و مجروح کردن -  
دانشجویان عده ای را دستگیر کرد.

به دنبال این هجوم وحشیانه و انتشار اخبار آن در میان  
دانشجویان سایر دانشگاه ها و دانشجویان رشته فیزیک و



سیمای مهاجم و پرخاشجوی خود، طی رزم هجومی سرکوب و خشمناک و مستمر پلیم چندین روز ادامه یافت و منجر به تحلیل اکثر کلاس ها گردید. در جریان این تظاهرات عده زیادی از دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند.

محنت های ناآرام در مدرسه عالی پارس و دانشکده های غیرتک و اقتصاد دانشگاه تهران واقع در امیرآباد تکرار شد. در دانشکده فنی پلیس مبارزات دانشجویان را با تحلیل دانشکده خاموش کرد. در دانشکده حقوق مهاجم ادکشان شاه منجر به مرگ یک دانشجوی ضروب و بازداشت شدن عده دیگری شد.

در مدرسه عالی سلختمان به دنبال پخش تریک اعلامیه به مناسبت روز ۱۶ آذر در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر ماه دانشجویان از رفتن به کلاس خودداری کردند.

در مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجی به دنبال تظاهرات ۲ روزه دانشجویان و دانشکده برای چند روز تحلیل شد.

در مدرسه عالی صادرات در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر تظاهرات گسترده ای برپا شد که باز با هجوم پلیس مواجه شد و ۱۶ نفر از دانشجویان دستگیر شدند. عده ای از دانشجویان نیز در حین زد و خورد مجروح گردیدند.

تظاهرات دانشجویی در شهرستان ها نیز با شدت و استواری سابقه ای جریان یافت.

در تبریز دانشجویان دموکراسیون بزگی برپا کردند و به دنبال درگیری ای برانگنده با پلیس قسمت اعظم دانشکده تحلیل شد و عده زیادی از دانشجویان دستگیر شدند.

در دانشگاه اصفهان در اوایل آذرماه اعلامیه ها و مناسبت

روز دانشجویان پخش شد که در آن از خاطره شهیدان ۱۶ آذر تجلیل شد. و فلسفه برگزاری این روز و نمایش های اعتراضی آموز دانشجویان آزادی خواهان و پیکار جو علیه خودکامگی و وطن فروش رزم شاه خون آشام تشریح گردید.

در روز ۱۶ آذر دانشجویان دانشکده های پزشکی و علوم در جلوی دانشکده مناسبات اجتماع کردند و راه پاساژ دانشجویان دانشکده به تظاهرات پرداختند و شعار جاویدان اتحاد - مبارزه - پیروزی - خشم و نفرت خود را از رزم استبدادی ابراز داشتند. اما در این جا پلیس دیگر جسارت نیافت در مقابل این حرف خروشان اظهار وجود کند.

این حال دانشگاه برای مدت نامعلومی تحلیل گردید. رزم سفاهت شاه با تمام تلاشی که برای جلوگیری از

تظاهرات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر به عمل آورد نتوانست راه این تحلیل پرخاشجوی و محترمی را سد کند. لذا به کمک

گله ادکشان خود در حد سرکوب خشن و در ضلوع آن برآید. مدتها دانشجویان مبارز را مجبور کرد به پهن از زار دانشجویی مهین پرست را به شکنجه گاه و زندان فرستاد. در مدرسه دانشگاه تار و پود تاریکی کشور را تحلیل کرد. اما عده ایمن خشونت با مناسبت ماه و جشنی اورالت ناتوانسته است شعله فروزان جنبش دانشجویی را به مثابه پشمی از زنبقیت آزادی به پشمی کتلی های ایران خاموش کند.

فصدا با رزم تهران علیه تجدید روابط با حکومت امپریالیستی انگلستان و دعوت از ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا، به اعتراض برخاستند. رزم برای مقابله با تظاهرات دانشجویان نیروهای انتظامی خود را به دانشگاه فرستاد. موجی از خشم و انزجار دانشگاه را فرا گرفت. استاد و دانشجو به اعتراض پرداختند و فضا دست ناامان از دانشگاه کوتاه ۱۶ آذر گونه انجمن افکن شد. در این میان ناگهان ادکشان رزم دانشجویان بسی دفاع را به زنجار سلسل بستند. سه تن از دانشجویان مهین پرست، همدانی، بزرگنیا (تودهای) و مهدی شریعت زور (تودهای) مأمور قتلجوی (عز و بیمه ملی) به شهادت رسیدند. ده ها دانشجو به شدت مجروح و بسیاری دستگیر شدند. بعد از ظهر همان روز به عنوان اعتراض به این جنایت فجیع و تنگنای دانشگاه تحلیل گشت و احتصاب سنگینی آغاز شد. در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذرماه تظاهرات گسترده ای از طرف مردم تهران و همه دانشجویان و دانش آموزان صورت گرفت و مردم خشم و انزجار خود را از رزم سفاک و دست نشانده شاه بروز داشتند.

به مناسبت ۱۶ آذر به عنوان ماه پیکار متحد دانشجویان مهین پرست و دموکرات علیه امپریالیسم و ارتجاع تار و پود آشام در تاریخ درخشان جنبش دانشجویی ایران ثبت شد. دانشجویان روز ۱۶ آذر را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و ارسال با تحلیل از خاطره شهیدان دانشجو مزم را سخ خود را به پیکار با رزم سفاکی و دموکراتیک شاه با شعار رزمی اتحاد مبارزه - پیروزی - به ثبوت می رسانند.

اساس از اوایل آذرماه موج عظیم و گسترده تظاهرات دانشجویی دانشگاه از مدارس عالی کشور فراگرفت. در دانشکده کشاورزی به دنبال زد و خورد خونین ماه قبل بار دیگر دانشجویان مبارز با شعارهای سیاسی و باها نند اعتراضی به بازداشت گروه کثیری از دوستان خود به تظاهرات پرداختند و در نتیجه یورش گردهای مهاجم دانشکده زد و خورد شدیدی بین آنها و دانشجویان در گرفت که منجر به مجروح شدن عده ای از دانشجویان و دستگیری عده ای دیگر شد.

در دانشکده پلی تکنیک دانشجویان از صحن دانشکده بیرون آمدند و در خیابان ها با شعارهایی علیه رژیم تهروریانیت به تظاهرات پرداختند. بازه داخله پلیس و زد و خورد خونین انجامید.

دانشجویان دانشکده علم و صنعت تظاهرات گسترده ای علیه رژیم شاه و به یاد خاطره شهیدان ۱۶ آذر برپا کردند و با پلیس شاه جنگ به زد و خورد پرداختند.

در دانشگاه صنعتی آریابهر تظاهرات دانشجویی با

# در یک کشور سوسیالیستی

تنها ده درصد کار با دست صورت می‌گیرد. کوشش دولت معطوف به این است که تا زندگی روستاییان هر چه بیشتر به زندگی شهر نشینان نزدیک شود. روستاییان بلغارستان سوسیالیستی امروز نه تنها از آموزش و بهداشت رایگان بهره‌مندند بلکه همه آن‌ها از ده سال پیش بدون استثنا حق بازنشستگی می‌گیرند. توأم با مرورت و خبرنگار انگلیسی که اخیراً از بلغارستان دیدن کرده در یادداشت‌های مسافرت خود درباره این کشور سوسیالیستی می‌نویسد: "پیش از این توگز باور نمی‌کردم پاکستانی چنین آباد و مردمی مرفه و مودب شوم. رژیم سوسیالیستی بلغارستان در واقع توانسته است توانایی شگرف خویش را در تغییر سیمای شهرها و روستاهای کشور و همگام‌آنها بهبود زندگی مردنشان دهد."

بلغارستان یکی از کشورهای مادی است در جهان که در سه دهه گذشته سیمای گوناگونی خود را کاملاً تغییر داده است. سی سال بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در این کشور نود درصد خانه‌ها در روستاها از نور و آب گرم است. از خانه‌های قدیمی و بی‌ساخت تنها ده درصد باقی مانده. روستاهای امروز بلغارستان همه بدون استثنا از نیروی برق و آب لوله‌کشی استفاده می‌کنند. همه روستاها دارای مدرسه و دبیرستان و دارای قشای و حرفه‌های درمانگاه، زایشگاه، کودکانستان و شیرخوارگاه هستند. مرده برای خود دارای مرکز اداری و فرهنگی است. اکثر روستاها کلوب، سینما، تئاتر و گروه‌های مکتب هنری دارند. بی‌شماره به‌بدین کتابخانه‌هاست. به‌سواد ۲۰ سال پیش ریشه کن شده است. کشاورزی بلغارستان هم اکنون به‌طور کامل مکانیزه شده است.

## خبرنامه

از رژیم فاسد و چهارگونی آن‌ها از این کار بازمی‌دارد. حال وسایل ارتباط جمعی رژیم توجه می‌خواهند در این مورد به تبلیغات پسر محمد او عواضیریه خود ادامه دهند.

## ۱۶ سازمان قطعی در برهمن تلوزیون...

دستور داده است که در این همه کارها مهم تلوزیون کارشناسان آمریکایی و افراد تحصیلکرده آمریکا قرار گیرند تا سیستم آمریکایی تبلیغات و آموزش تلوزیونی در جهت فاسد کردن و تحقیر مردم می‌گم و کاست اجرا شود و فرهنگ، منحل و مارتین و ارتجاعی‌ترین محافل آمریکایی بر زمین مسلط گردد.

## ۱۴- داداری ارتش...

لشیرا در شاهیه گویر نیک نزدیک بر زمین تمام مراتع را که دارای پوشش گیاهی مناسب برای داداری بوده تصاحب کرده و در آن با صید و اردار کشیده و دامی محلی و دام‌هایشان را از آن مراتع بیرون رانده و حتی دام‌های داداری را که کویا، توین امتران و مواقعی از خود نشان داد مانده بکشتند.

## ۱۸- در مورد چه می‌گردد؟

اخبار به این صورت است که وزارت بازرگانی دستور داده که تمامی کوشش‌ها موجب زمین و بهار تولید داخلی را به پیش‌بینی نشین‌های تولید فارسی صادر کنند و برای صرفه‌اندازی از خارج کوشش موجب زمین و بهار وارد نمایند. زیرا تنها از این راه است که در بارهان و وابستگی به آن‌ها می‌توانند با وارد کردن کوشش بیخ زده و فاسد و سبب زمین و بهار از جیب بیرون بیاورند. این اخباری به جیب برزند. به‌ویژه که برای ازمواد توانین و آئین نامه‌های گمرکی موجود این امتیاز را بر این بارهان قابل شد که کلیه مستحبات و محصولات وارداتی متعلق به آن‌ها بدین بازمی‌دهد و برود اخت و بناری به عنوان حق گمرکی بی‌درنگ مستقیماً وارد کشور شود.

## اطلاعیه

شخصی به نام فاطمه بانو در تهران با ما به کار دهان نویسی و اخبار ارواح و نظیر آن مشغول است و در نتیجه تبلیغات عواضیریه حوامل و ایادی خود و نیز فعال رژیم شهرت زیادی به هم زده است. به‌توری که چنین شهرت شده که رکن مشکلاتی داشته باشد با مراجعه به او گمشدگی برطرف خواهد شد. لازم می‌دانیم چهره سالوسانه این شیاد و عامل رژیم را افشا کنیم. به اطلاع همگان می‌رسانیم که او از کارگزاران با نفوذ سازمان امنیت است و با دربار ارتباط می‌باشد و حتی بنا بر اخبار موثقی که دریافت داشته‌ایم هم‌راهِ نخست وزیر مینبانی به خانه او رفت و آمد می‌کند.

چه بسیار خانواده‌هایی که از فرزندان خود بی‌خبری مانند به‌شمال آن‌که فرزندان مفقود شده به این شیاد مراجعه کرده کمک می‌خواهند و او با کسب اطلاعاتی درباره فرزندان‌ها و ترفتن عکس او از خانواده‌اش و آن‌ها را در اختیار ساواک قرار می‌دهد تا او را تعقیب و اعتدال دستگیر کند.

سرنسگون کردن رژیم محلی و متحد دموکراتیک

شاه وظیفه اساسی همه نیروهای مترقی

و انقلابی همین ماست



# خبرها

## ۱- اعتصاب کارگران ساختمانی در اصفهان

دراواسا. مبرماه گذشته عدداً نفر از کارگران ساختمانی در اصفهان دست به اعتصاب می‌سازد و زدند. آن‌ها به کمی دست‌زد از دریاها با قیمت سرسام‌آلود و روزافزون مایحتاج عمومی و نداشتن شرایط ایمنی و تامین جانی در حین کار اعتراض داشتند. کارگران ساختمانی اصفهان معمولاً در محلاتی نظیر فلکه احمدآباد و میدان قدیم، معروف به میدان کهنه و فلکه پهلوی و طوقچی و چهارسوق بزرگ جمع می‌شوند و کارفرمایان برای اجتناب کردن آن‌ها به این محلات مراجعه می‌نمایند. در روز ۱۱ مهرماه کارگران از پذیرش مراجعات سرماز زدند و این وضع چند روز ادامه یافت. کارفرمایان به جای ایجاد شرایط مساعد کار و توجه به تقاضای حق کارگران بعلیه شکایت کردند و پولیس برای درم شکستن این اعتصاب خاموش و در عین حال بحال غم‌انگیز مداخله کرد. ماهران پولیس کوشیدند کمپه زیر و تم دید کارگران را به ساختمان‌های نظام و یا زمین‌های در شرق ساختمان بفرستند و اما با مقاومت جدی آن‌ها روبرو شدند و گبار به زد و خورد کشید. کارگران که خود را در صورت خطر و خشونت مأموران دیدند به مقابله پرداختند و در نتیجه کوهی از دود و گاز که اکثر آن را کارگر بودند مجبور شدند. با دستبندی و صبح کارگران و کتک زدن و مجروح کردن گروه زیادی از آنان، این اعتصاب در هم شکسته شد. اما نمایان خصوصاً در این شهر شاه‌نادر در وسیع مردم را متوجه زحمت‌کن‌ترین و بی‌نهایت‌ترین قشر کارگری کرد و کمپه میشه جوانان آنان را نسبت به روشی که جز مناطق زود و دشمنی می‌تواند دیگری نمی‌شناسد تشدید کرد.

## ۲- فاجعه در کارخانه سیمان آریای اصفهان

در ۲۳ مهرماه سیمان پوسیده یکی از سالن‌های کارخانه سیمان آریای اصفهان واقع در ۳۰ کیلو متری شهر اصفهان روی سر ۵۵ کارگری که در آن مشغول کار بودند خراب شد و موجب مرگ و تن از کارگران و مجروح شدن بقیه گردید. سالی که سیمان آن خراب شد ۷۰۰ نام دارد و کارگران از مدت‌ها پیش نگران آن بودند و بارها مأموران از کارفرما خواسته بودند آن را تعمیر کنند. اما کارفرمایان سودجو به آن توجهی نکرده بود. تا اینکه سرانجام در ۲۳ مهرماه سیمان تماماً بوسه کارگران فرود ریخت و فاجعه به بار آورد. حادثه‌ای من‌آزاد که نیز در کار اعداد و بیرون کشیدن کارگران از زیر آوار تا بیرون‌سازی شد و سرانجام اجساد و تن از کارگران از زیر خاک بیرون کشیده شد و بقیه کارگران که به سختی مجروح شده بودند به بیمارستان انتقال یافتند که سر نوشت آن‌ها چندان روشن

نیست.

با آن که معلولیت این حادثه مستقیماً متوجه کارفرمای کارخانه است و از طرف مقامات دولتی هیچ بازخواستی از او بعمل نیامده است. از رهنم دید کارگری شاه‌جیز این انتظاری نمی‌توان داشت. اتحاد و مبارزه پیگیر و هوشیارانه کارگران و اعمال فشار به سرمایه داران تنها راهی است برای حل ایمنی کار و سایر خواست‌های حق کارگران است.

## ۳- در کارخانه ایران ناسیونال

از کارخانه ایران ناسیونال خبری رسیده که از مدتی پیش ساعات کار روزانه کارگران را عملاً حدود یک ساعت افزایش داده‌اند. توضیح این که در سابق انجمن سرورس کارخانه کارگران را در آغاز و پایان کار داخل محوطه کارخانه و نزدیک محل کار بریاده و سوار می‌کرد و اما اینک در خارج از محوطه کارخانه آنان را بریاده و سوار می‌کنند و کارگران مجبورند نیز فاصله در ورودی تا محوطه اصلی را که محصل کارشان است دو بار بپیمایند و این نزدیک به یک ساعت طول می‌کشد. کارگران به تصمیم سخت معترض‌اند.

## ۴- توافق علیه کارگران

پس از اعتصاب فوج هر آژون و یکی از رذل‌ترین چهره‌های شناخته شده ساوا به وزارت کاره ۳۰۰ تن از کارفرمایان بزرگ ایران در یک جلسه محرمانه دوازده کار با او به گفتگو و تبادل نظر ( در واقع توافق علیه کارگران ) نشستند. نمایندگان سرمایه داران بزرگ ایران در این جلسه متفقین نامه‌هایی کارخانه و کارگاه‌ها را که برای جلوگیری از اعتصابات روز افزون کارگری تهیه کرده بودند در اختیار آژون قرار دادند و اجرای آن را امرانه از او خواستار شدند. در این آئین نامه دیدار کارگری موارنا را و تهیه کارگران چنین بیان شده است:

عدم توجه به دستورات مانع و بی‌اعتنایی به مافوق و ایجاد کردن مواد اولیه حکم کاری و غیبت و آسیب رساندن به ماشین آلات.

در آئین نامه تصریح شده که کارفرمایان می‌توانند در موارد تخلفات ذکر شده کارگران را اخراج کنند و یا اثر تخلف جنسی بمانند ۶ روز حقوق آن‌ها را نگیرد و در ۱۰ روز آن‌ها را از کار محقق کند. در ضمن کارفرما هرگاه که اراده کند می‌تواند کارگران را به بیمه‌نامه کم‌کاران اخراج کند.

در جلسه مذکور آژون ضمن تأیید نظریات و پیشنهاد سرمایه داران و به آن پیشنهاد کرد که در کارخانه کارهای انتظامی ویژه مستقر شوند تا اعتراضات و اعتصابات کارگری



را بی درنگ و در نافه سرآوب کنند. این پیشنهادها استقبال بزرگان نوج جدید روبرو شد. بی شک اگرگان با مبارزات متحد سازمان یافته خود این توطئه تازه و خطرناک رژیم ضد بشری شاه را خنثی خواهند کرد و با احوال خوشان مبارزات انحصاری نوج و خادماکی را از این پیرایه بزدلانند داشت.

آن نماند اند. در اواخر مردماه ۵ فرجهایان غرضتان منتهی آبادان نیز به عنوان اعتراضیه نداشتن معلم و کتاب و وضع ناپسند آموزش از شهر در کلاس ها خود راوی کردند. بدلتگنی فرجهایان فرستان تا و همچنین با دانش آموز سراسر کشور به علت کمبود معلم و نداشتن کتاب درسی همچنان ادامه دارد.

۶- انتصاب دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در اوایل مهرماه امسال دست به انتصاب متشکل زدند. این انتصاب در روز اول کتبه ها و تفتیش ایان یافت. خبری علت انتصاب بستن عدی رستوران آموزشگاه برای جلوگیری

۷- انتصاب دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی

دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی از چهارشنبه سوم آذرماه دست به انتصاب زدند. علت انتصاب اعتراضی دانشجویان این بود که شاه طی فرمانی به جسد آموزشگار و دیگرک حزب درباری رستاخیز دستوری زد که کمیته دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی باید به خدمت حزب رستاخیز درآیند و برای این حزب کارکنند. اما هنگامی که این فرمان از طریق مسئولان دانشکده به اطلاع دانشجویان رسانده می شود آن اعتراض و تهدید به انتصاب می کنند و چون رئیس دانشکده اعلامی دارد که از او کاری ساخته نیست و چون فرمان شاه است دانشجویان به عنوان اعتراض از حضور در کلاس ها خودداری می کنند. از نتیجه انتصاب خبری نداریم.

از تماس و گفتگویی دانشجویی بود. با اعلام انتصاب ستاره فرمانفرمایان که سه کاره این آموزشگاه است نخست با خواست دانشجویان مخالفت کرد ولی بعد مجبور شد بپذیرد جز دانشجویان سال چهارم پیران از غذا خوری استفاده نکنند. دانشجویان اعلام کردند که رستوران متعلق به همه دانشجویان است و نه آن ها باید از آن استفاده کنند.

فرمانفرمایان اعلام کردند که من به کمک پلیس می توانم همه ۱۴۰۰ دانشجوی آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی را انزاج کنم و به جای آن ۱۰۰۰ دانشجوی جدید بپذیرم. دانشجوها از تهدید خبرسیدند و به انتصاب ادامه دادند تا این که درای رستوران به روی همه دانشجویان باز شود.

۸- تهاجم خونین آذگشان شاه به دانشجویان دانشکده حقوق

پلیس درنده شاه در روز ۹ آذرماه در یک حمله و شمانه به دانشکده حقوق دانشگاه تهران ده ها دانشجوی آزادی خواه ایرانی را به خون کشید که در نتیجه یکی از دانشجویان کشته شد. کار دانشکده در جریان این حمله بیش از ۳۰ دانشجو که به شدت مجروح شدند و در بازود بود که از سرشت صبح یک از آن ها اطلاعی در دست نیست.

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی به علت نوع دربرورشته تحصیلی پیش که تماس با مردم زمینگش و الهیابی آند و پیش از دانشجویان سایر رشته ها تحت فشار قرار دارند. فرمانفرمایان که از وابستگان به دربار است و آموزشگاه را با شیوه ای پلیسی اداره می کند. او بعد دانشجویان حق اعتراضی در دو استادان راه بهانه های مظلوف انزاج می کند. م اکنون با ایجاد شرایط کاسلا فاشیستی و گذاردن شرایط عدل برای ادامه تحصیل و افزودن برواهد های درسی و جلوگیری از تماس میان دانشجویان سال اول با دانشجویان سال های قبل و محیط حتی برای نفس کشیدن آزادشکل شده است.

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تصمیم گرفته اند با مبارزه متده خود این وضع خفقان آمیز را تغییر دهند.

۹- تظاهرات فرجهایان فرستان منتهی تهران

روز یکشنبه ۲۵ مردماه ۵ فرجهایان فرستان منتهی تهران واقع در پاهان توام السلطانه به عنوان اعتراضی به نداشتن معلم و کتاب و بدلتگنی ناشی از آن تظاهرات وسیعی برپا کردند و تا غروب ادامه یافت. در ضمیمه تظاهرات پاهان کشیده شد و پلیس با حاصره فرستان کوشید فرجهایان را در چهارم براری فرستان زندانی کند اما فرجهایان بهانه برای بدالت ماموران پلیس به دست

حادثه از آریا آغاز شد که دانشجویان به ادار رستوران شرکت تعاونی و انجمن دانشجویان و کتابخانه توسط ساواک اعتراض داشتند و واستار واگذاری مجدد ره آن به دانشجویان بودند. رئیس دانشکده تقاضای ملاقات کردند اما هنگامی که برای گفتگو به محل رسیدن تده وارد شدند و مورد تهاجم و شمانه افراد گارد قرار گرفتند. دانشجویان به دفاع برخاستند و جدال خونینی در گرفت. دانشجویان با ترویج حمله تادی ها با شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی و مدفون خود را فشرده ترک کردند. در جریان زد و خورد شعارهای تازه ای که از رشد آگاهی دانشجویان حکایت داشت چون فرزندم به بی از فرارسیدن بطرفان در صحن دانشگاه ظنین افکند: % دانشجویان! پیشی سوی کارگران! %... روشنگران! دست های بدران کارگران را بشارید... بدین کارگران ما پیروز نخواهیم شد %...

مردمی نامبرانگیزته است. کارمندان به تدریج بی‌سوی می‌برند که جزایزه تشکیک و مجارزه به‌طور صغی و سیاسی واحد با سایر اقشار و طبقات انقلابی و دیکراتیک به ویژه طبقه کارترها و مانند توانست توسط راه‌های نوینی رژیم علیه ضایع و مصالح خود پایداری کنند.

۱- تخریب خانه ای مردم ادامه دارد

وضع صمیمت بار صکنه اجاره جهای کم‌شکن و کم‌بود فراخی فوق‌العاده زمین و خانه در محدوده شهرهای مزبور که به ویژه تهران به‌باعت شده است که حدوداً هزار نفر از زمینگشان برای راه‌های از برداری به خارج از محدوده شهر پناه می‌برند و گاه ده تا کیلومتر دور از شهر در نقاط صغی عاری از برکنه خدمات شهری و در واقع در وسط بیابان‌ها خود را خانواده‌های سرسینه‌های صغری دست‌ها کنند. اما ایادی رژیم و ماموران واند ارمری و شهرداری‌ها به بیانه‌های توانگین تأثیر خارج از محدود می‌بودند داشتند جواز -

ساختن آنها استناد دارند نبودن بناهای سرسینه اراروی سر ساکنین آن‌ها شراب می‌کنند. سال گذشته ماموران شهرداری در شهرمان نو چندین خانه را که به اصلاح غیر قانونی ساخته شده بود (اما در واقع بران از آن باجواز ساختمان می‌داشتند) روی سر ساکنین آن‌ها شراب کردند و در برابر مقاومت مردم آن‌ها راه گول می‌بستند و دوجوان را می‌کشند و بعد از آن جرح کردند. اسان نیز در دهقان و ده و حدیث‌ها که احتمالاً عدالتی خود را تکرار کردند

صبح روز ۱۳ به‌رمه ماموران شهرداری به شهرک دهقان می‌لای هجوم بردند و ده خانه را شراب کردند. در این شهرک حدود ۸۰ واحد سکونی وجود دارد که عمال رژیم قصد شراب کردن همه آن‌ها را داشتند. اما بولدوزهای شهرداری نفوذ به آن‌ها از ده خانه شراب ندره بودند که فریاد استعداد و خشم مردم مستعدیده شهرک را بر کرد. مردم به تروسپله که در آنجا تیار داشتند به دفاع از سرسینه خود برخاستند. شاجرات لختی به زودی به زد و خورد آشکار تبدیل شد. مردم محظین شهرداری که راه شدت گشک زدند و بولدوزهای شهرداری راه آن‌ها کشیدند. سرانجام با مداخله ماموران واند ارمری و سرکوب و خضیان مردم دستگیر شده‌ای از آن‌ها به‌رمان و انحصاف.

در نتیجه بیرون ده‌نشانه ماموران واند ارمری چهار نفر از اهالی به شدت مجروح و به بیمارستان اعزام گردیدند. این حوادث به هیچ وجه تصادفی نیستند و همین جنسی به‌طور رسید که ماموران واند ارمری در حصارک کرج ده‌ها خانه و سرسینه مردم صحت زده و مستعدید را روی سرشان شراب کرده‌اند. ساکنین این‌ها را کارگران و زمینگشانی هستند که از فرط لاعلاجی به در افتادترین نقاط و حتی بیابان‌های بی‌رقت افتاده پناه پذیرد مانند ماموران واند ارمری خود را روزگاری به این ضلعه هجوم می‌برند

پلیس پس از سرکوب دانشجویان و بیرون زدن جسد دانشجوی کشته شده و دانشکده را تعطیل کرد. در اهالی که کلاس‌ها در دستوران دانشکده به‌گلی در هم ریخته بود و لکه‌های خون در دیوارها می‌نشانده بود.

۱- تصور رژیم به توفیق کارمندان

به دنبال جابجایی‌های توخیران بلندگویی باوه گوی رژیم و مامون لزوم تکیه بر نیروی کار و جلوگیری از کم‌کاری و غیره مو برای جهون‌فارتوری برای امریالیست‌ها و نوکران ایرانی‌شان از نفت و سایر منابع طبیعی کشور به فرسان شاه پخش‌نامه ای کاغذ صغی به‌کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی دستور داده شده است. حداقل ۲۵ درصد از کارکنان خود بکارند به‌دین نحو که کارمندان را که به‌تاز ۲۰ سال سابقه کار دارند بازنشسته کنند و کارمندان را که سابقه کار صغری دارند به تشخیر روسا به اصلاح کم‌کاری زائد استندیدر از یک فرصت شایسته با برداشت نمی‌از توفیق بدون هیچ حقی انجام نمانند.

بنا بر اظهارات کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی به دنبال این به‌نشانه فهرست اولیه از کارکنانی که باید اخراج یا بازنشسته شوند تهیه کرده‌اند. مشغول وزارت امور اقتصاد و دارایی در این شهرست نام بی‌انزسی زار کارمندان گردیده است.

از جانب دیگر به ما شهر رسیده که دستور داده شده برای افراد مشغول تصفیه و اخراج راه رود به سلسله‌انگیز و ارتش شایسته‌ای باز باشد.

اما با اقبال کردن توفیق رهبران فشار به کارمندان به همین جا خاتمه نمی‌یابد. منتها چند سالی است که از اغافه حقوق بی‌بهری نیستند و در مواردی که حکم اغافه حقوق صادر شده بی‌سر از قدیمت سه سال نیز برداشت نشده و بلکه گش می‌کنند به بیانه آن‌ها تعلق از همین توفیق تا بی‌کارمندان نیز مالفی‌سگر کنند. مثلاً در مقابل یک دقیقه تاخیر در حضور به اداره مبادل بین‌المللی و در مقابل یک ساعت فیسیت مبادل یک روز از حقوق کارمندان کسر می‌کنند و در مقابل سینه روز غیبت کارمندان در دادگاه اداری حکم و اخراج می‌نمایند.

عمیلاً تهدید و اوعاب بر ادارات حاکم است. عمال سازمان‌انگیز در این مورد به تشبکات توانگین دست می‌زنند. مثلاً قریب به یک سال است که میر از خانه کار و خروج کارمندان از اداره کشور ای صبر کرده‌ای آن‌ها را بازرسی می‌کنند و چندی پیش آن‌ها به‌نشانه ماموران از گله‌ها امرات تراسته شده کارمندی را که کتاب و یا حتی روزنامه‌ها غیر از رستادنی‌س می‌خوانند به سازمان امنیت معرفی کنند. وای به‌نشانه محروماً دیگری روسای ادارات دولتی شدند کارمندان زنی را که ۱۵ نفر مذ می‌دارند به ساواک معرفی نمانند.

به این فشارها و تبعیضات بی‌انسانی و فاشیستی در میان کارمندان موچی از ناشنودن و شمس نسبت به رژیم شد

و اندامی و آمد و رفتی و وقفه و اندام سلامت . انسان تازه وارد خیالی می کنند زمین شهریک شهریک نهایی یا اشغال شده است . اما وقتی متوجه می شود که اکثر ساکنان شهر را کارگران تشکیل می دهند ، با در نظر گرفتن خلصت بند کارگری رژیم طستوار می باید . مانند دیگر نقاط ایران و اندام ما در زمین شهر نیز قدرت و اختیارات سیاسی دارند ، با مردم به صورت ارباب با رعیت بوده رفتار می کنند . حتی بدون حفظ احترام از مردم باج می گیرند و به آن از می گویند . اما شب بیست و یکم ماه رمضان حادثه ای رخ داد که چشم مردم را ترکانده به صوت هیچا عمومی سراسر شهر را فراگرفت . رئیس پاسگاه و اندامی به اتفاق یکی از بستگانش عسر یکی از کارگران را می زدند و با خود به آبد نزدیک شیرازی برد . سه روز بعد که بر می گردید ، در حالی زن بهت برگشته چون برنده ای گرفتار لرزان و متوجش است ، رئیس پاسگاه می خواند او را در مقابل خانه این پیاده کند . اما مردم که در کین آمده اند اربابین می کشند و کشان کشان به طرف پاسگاه می برند تا از این رسوایی صوت مجلس تهیه کنند . اما و اندام ما با دیدن رئیس خود بدین هیئت گفتگی به شوهر و بستگان زن برده شده عطف می کنند و نزاع سختی در می گیرند . اهالی به حمایت از مأمورین وارد معرکه می شوند و در سر شایسته ای به و اندام می دهند . از طرفین عده زیادی زخمی می شوند . و اندام ما با بی سیم از پاسگاه ای دیگر و به شوهر کارگران شهریت و اندامی در کارخانه دوستان یاری می طلبند و سلفی بعد کابین های سرباز و و اندام می رسد و فرماندهان آن ها بدون هیچ تحقیقی انواع فحش های رکبک را نثار مردم می کنند . باز مردم خشمگین اعتراض می کنند و درگیری شروع می شود . صدای شلیک گلوله ها با فریاد کارگران همبانی در می می آید و سرانجام مرد چترق می شوند و و اندام ما مسرین روده شده و عده ای دیگر را دستگیر می کنند و به اصفهان می فرستند . تعداد زخمی ها بسیار زیاد بوده است . بچان مرد پهلوانین ظلم شخص دیگری حد و مرزی نداشت . در حالی که دولت با اعلام حکومت نظامی مشغول به تیر و پند بود مرد چه پزده و جیران بودند که این نظام چهار و مکی به سر نیزه چه بکنند . روز بعد ساواکی ها به شهرک هجوم آوردند و عده زیادی از اهالی و کارگران را با خود بردند . اکنون با وجودی که بنده ماه از بنادشه می نذر در زمین شهر و روستای اطراف آن و همچنین و به خصوص در خود کارخانه ذوب آهن مبارزه خشمگین کارگران زمین شهر با و اندام ما و جنایات رژیم به قصد دفاع از فاسدترین عناصر به صورت کابوسی فراموش نشدنی با تفسیرهای گوناگون روز زبان ما است . وسیع ترین شهرهای کارگران به این نتیجه می رسند که ریشه المومستم بی اندازه در خود وجود رژیم کنونی است و راه نجات را در مبارزه دسته جمعی علیه آن باید جستجو کرد .

و خانه های مردم را خراب می کنند و در مقابل اعتراض مردم علنا در و است باج سهیل روشه می کنند . در همین دهقان و بیلا و بنا بر اظهار اهالی ، مأموران شهرداری از شهرک از صاحبان خانه ها بیش از ۲۰ هزار تومان اخاذی کرده اند تا دست از سر آن بردارند . اما با این حال باز هم از مزاحمت و تشویب خانه دست برنداشته اند . به ناری رسد که حال حال رژیم برای کیدن زمین مردم سوری ناید بر است .

۱۱- مشکل مسکن را رژیم دولتی

شاه نمی تواند حل کند

اقتصادی که در آماز سال ۱۳۵۱ رزی کاغذ برای ایجاد ۲۷۵ هزار واحد مسکونی بین بندی کرده بودند دوسال بعد به علت تورم شدید و ارانی غیر العاده زمین و مصالح ساختمانی به خصوص ارز آن تقلیل یافت و به ناری که کار ساختمانی در بهر خصوص تقریبا متعطل شد . از سوا دیگر با استون سیاست نه اقتصادی رژیم بیشتر مصالح ساختمانی عمومی مراکز نظامی سرانبر آوردید . این امر سبب شد در طی سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ دولت بزوانه ساختمانی به کسی ندهد . این که در مدت چهار سال که از آغاز برنامه پنجم می گذرد دولت نوز توانسته است نهی از تصد ناچیز خود را در زمینه ایجاد واحد های مسکونی اجرا کند ، یکی و فقط یکی از نتایج سیاست نه خلقی رژیم و از سمت این سیاست و نقشی است که به عنوان و اندام امپریالیسم بر این قسمت از جهان به عهده گرفته است . یک افسانه بیاندیشید ! مساللی بین از بیست میلیارد دلار تقصیر در آمد نقشی داریم . آیا با سرمایه گذاری وسیع در امر ساختن با ایجاد کارگاه ها و کارخانه های تولید مسکن ، با جلوگیری از فعالیت ، مخراب زمین خواران و شرکت ها و انحصارهای ساختمانی به دادن وام های بولبولی به زحمتگشان برای ایجاد خانه ها حمایت از مستاجران و جلوگیری از فطرت دستنویج آنانی توان مشکل مسکن را حل کرد ؟ طبیعی است این از عهده رژیم نه خلقی محمدرضا شاه خارج است . مشکل مسکن را فقط رژیم می تواند حل کند که نایبند مردم باشد .

۱۲- حکومت نهایی در زمین شهر اصفهان

طاجرای اعلام حکومت نهایی در زمین شهر اصفهان که به دنبال یک طغیان خلقی رخ داد همانند بسیاری از اخبار و رویدادهایی که حاشی از ناری و خشم همین مردم نسبت به رژیم فاسد و همال ظالم آن است به روزنامه ای دربار موجود راه نیافت و با دقت پرده بپوشی شد . زمین شهر در ۲۰ کیلومتری کارخانه ذوب آهن اصفهان واقع است در گذشته تنها یک قریه کوچک بود اما اکنون اتفاقا کارگران و حتی کارمندان مهاجری شده است که از نقاط مختلف کشور به این کارخانه روی آورده اند . آنچه که در این شهرک بین از وزیر جلیب تهیه می کند دستگاه عربی و اهل



۱۲- سه استفاده ۴۰۰ میلیون تومانی

در میان بزرگای سیاسی که ریزش به نحوی فساد و خبا و پلیدی این رژیم بود خلقی و ایمان و انصار آنرا افشای می کند و هرگز به هیچ وجه در باری راضی نباشد و به هر سو استفاده و دزدی کلان ملی سیاسی و استفاده ارسابقی شهرستان و کرمانشاه قابل توبه و تامل است.

برونده سه استفاده و سرقت ۴۰۰ میلیون تومانی ملی سیاسی به عنوان بزرگترین سه استفاده در تاریخ دادگستری ایران و مدتی است در دیوان کیفر مطرح است و خود سیاسی نیز در بازداشت به سر می برد. سیاسی همواره از کارگزاران مورد اعتماد رژیم بوده و مدت ها در پست های سیاسی چون عضویت هیات مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی، معاونت وزارت اطلاعات، استانداری کرمانشاه و سرانجام استانداری شهرستان در دسترس او بوده است.

شاه و خیانت به صالح ملت و مملکت ترک شده است. این که در میان این همه دزد و خائن و سه استفاده چی برنده این همزاد در دانه دویز و منسوب امروز رژیم به دادگستری رفته و دلیل روشنی دارد. از در غارت کلان خود از ثروت ملی و کین خون مردم شاه و اطرافیان او اسبیم نکرده

و حق و حساب از او نبرد است. و دلیل این که به بر چنین سه استفاده کلانی نیز منتشر نشده و رژیم برای تمام بیز خود و تحقیر رهبر مردم دست به چار و جنجال و تبلیغات کرکنند بر او آن نرزه است و تنها این است که در بار امید و اوست بی آن که سرودهای زیادی بخیزد و باز به فشار قرار دادن استاندار سابق سپهر و در از باری و دزدی عملیاری او دریافت دارد. در آن صورتی شاه همان اثر کم رسوم است استاندار دزد و منسوب تمام می شود و پست حساس تری در اختیار قرار می آید.

گرفتند و برای خوش خدمتی به ارباب دیوانه و جنایتکار خود در فرصتی به آزار و اذیت زندانیان سیاسی پرداختند که تا زمین نمونه آن هموز و حیثانه نگردد شهبانی و پلیس زندان دویز چهارم آبان به زندان شماره ۴ تهر است. زندانیان شاه به زندانیان سیاسی فشار آوردند که باید دویز چهارم آبان که سالروز تولد شاه است در داخل زندان جشن بگیرند. پروایح است که این پیشنهاد اهلپانسه و رز بلانده با یوزند تسخر می انداخت ای زندانیان رهبر شد. آن ها که به خا اراکوشن برای برافکندن نظامی و دیکتاتوری شاه و قطع دست این بزرگترین و تمهکاترین خان تاریخ ایران از چپ اهل و تاراج و خیانت به زندان - افتاد ماند چگونه می توانند این سالروز شوم و نکبت بار را که به حق روزهای مردم ایران است جشن بگیرند!

و حق پیشنهاد آمرانه زندانیان با سکوت ریشخند آمیز زندانیان رهبر شده و پلیس به زندان شماره ۴ قهر هجوم برد و زندانیان را با انواع وسایل زهر گهازک گرفت. هفته بعد خانواده های که مملاتقا عنیزان اسیر خود رفتند آثار ضرب و شتم و شیانه جلازان شامرا بر سر و صورت کبود و مجروح و متورم آن ها دیدند. خشم خانواده ها در این روز گهازها اشک مادران فدای غم انگیز ایجاد کرده بود. دیکتاتور دیوانه معلوم نیست از جان فرزند ان خلقی های زجر دیده ما چه می تواند. آیا این همه بی شرمی و سفاکی در دنیا جای دنیا ندارد؟ بی شک نه.

برای آزادی این بهترین آزاده ترین و اندیشمندترین فرزندان خلقی ای ایران از چنانال دوشیمان شاه متحد شوم رژیم خائن و خون آشام شامرا براندازیم.

۱۰- تبلیغ به نفع نظامیگری

قلبی مدیر عامل تلویزیون به برخی از تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی محرمانه دستور داده که هر چه بیشتر برنامه های درباره هواپیما و هواپیمایی تهیه کنند و مردم را به انگیزه حلاقتند و به صوره جوانان راه رفتن به نیروی هوایی تشویق نمایند.

سیاست بی بند و بار تبلیغاتی رژیم در انواع و ابعاد ای جنگی مدین و گسترش بی وقفه پایگاه های هوایی و غیره رژیم به نیروی انسانی روز افزونی برای کار در ارتش به ویژه نیروی هوایی نیازند می کند تا حدی که علاوه بر پل بر زده ها هزار مستشار نظامی امریکایی در امرای جز تشویق همزه بیشتر جوانان به بیوستر به ارتش دارند و صفحات مطبوعه از آن کسی استند نام در ارتش پروژانه بهترین گواه آن است.

اعمالی رژیم همه این تبلیغات بر سر مردم امروز جوانان کثیری به رفتن به ارتش و با وجود حقوق ای گزافی می دهند و قیمت نشان می دهند و این به دو دلیل است. یکی این که جوانان نمی خراشند گوشت دم توپ برای حفظ رژیم پسیده شامشادی باشند و دوم این که نفرت فراینده آن را تمهید در پیخته ۷

۱۴- هجوم تازه جلازان شاه به زندانیان سیاسی

جلازان و زندانیان شاه از این جنایتی نسبت به زندانیان سیاسی فروگذار نمی کنند. آن ها امروز همزه را بر این فرزندان قهرمان خلق که نمای جز آزادی و وای و دشمنی با وطن فروشی و خیانتند دارند و تنگ تری کنند. حدود دو سال است که به جز تعدادی انگشت شمار هیچ زندانی سیاسی که در ره محکومیت به پایان رسیده آزاد نشده. کسر خانواده و فاطمی است که یک یا چند زندانی سیاسی نداشته باشد. رژیم که تا مدت ها در روز افزون خانواده ها است و برای فریب آن ها میزند تا مردم می کند که قسازان مقدار از محکومان دادگاه های نظامی آزاد می شوند و اما در واقع این فریب نیست. رژیم با این فریب و نقل بی خراشید امید واهی خانواده ها را به آزادی فرزندان حقا کند ولی در واقع فقط زندانیان و تابعان و دزدان ضمول هوشیارانه می شوند و آزاد می گردند. اما زندانیان و قهرمان و فررومایه که عزیزترین فرزندان این آب و خاک راه اسارت

# نویسد

( وابسته به حزب توده ایران )

شماره ۵ - بهمن ۱۳۵۵

## رژیم عقب می نشیند؟

وغار تگری بی حساب ولجام کسبیه تبه  
غلاخرا آماده یک عقب نشینی حسابنده  
تاکنیکی شده است . آزادی گروه قابل  
توجهی از زندانیان سیاسی که پارامای  
از آن‌ها به حبس ابد محکوم شده بودند  
( نظیر محمود بطحایی عضو گروه فلسطین )  
شایعه رویه قوت آزادی بسیاری دیگر از  
بقیه در صفحه ۲

جلال د رانمود می کند که می خواهد  
کهوتو این صلح راه پرواز را آورد .  
رژیمی که تا آنج می باشد خون  
شریف ترین و حق جوترین فرزندان  
این سرزمین گشته است زمین را زهر  
پای خود لرزان می بیند و پسران سال ۱۸  
خود گامگی و گشتار و ترور و حشبیانه و

در این شماره :

- ۱- رژیم عقب می نشیند ؟
- ۲- درباره اعتصاب
- ۳- روز شهیدان - زب و نهضت
- ۴- گل سوزنی آه همیشه شکوفان است
- ۵- شمر بی ناپوشان (روز از سوزنی)
- ۶- خبرها

به مناسبت ۴ بهمن روز شهادت دکتر تقی ارانی

## روز شهیدان حزب و نهضت

یا نمی باید ز آزاد یزدن چون سرو لاف  
یا گره از بی بروی درد نمی باید گرفت

گیلان در زمان شاه صفی صفوی به پای  
اولیه ، رزمنان در ایران ناموری ،  
مجاهدان و فدائیان جنبش مشروطه ،  
استقلال البان و آزادی خواهان  
جنبش های شمال در سال ۵۰ ای بیست  
قرن بیستم ، شهیدان امتداد  
شاه : عشقی ، فرخی ، هارانی ، جنبش  
توده ای و صد نام شهید او ، شهیدان  
جنبش آذربایجان و کردستان ، شهیدان  
سازمان نظامی حزب توده ایران در  
اداره تلف آن ( گنبد قابوس ) جریان  
آذربایجان و کردستان ، جریان ملی کردن  
صنایع نفت ، شهیدان جنبش مایداری  
اخرید ایران ارتجاع سیاه محمدرضا  
شاهی ، مسرور روزبه ، شوشی ، تیزابی ،  
سرو گسرخ ، پرریز حکمت جو . . .  
شهرتی بسیار بسیار ناخوشایند ، کارنامه  
بسیار عظیم ، پرافتخار ، از کارنامه  
نبرد مردم ایران علیه فاسقان و تجارین  
بیگانه علیه شامان و فئودال ها و  
سرمایه داران مستتر علیه مستبدان و  
فاشیست ها و نفوذاست ها و چاکران  
بقیه در صفحه ۶

این بهتی است زیبا و ست صائب از تبار  
دوران صدوی سائب تهریزی . آری ،  
البتید ن راهی و آزاد مردم ، یحیی  
املان جفا آموگانه دشمنان نیرومندی  
که بی ثمرانه از نعمت شریف شریف و وفوری  
مردم ، برای آراستن کاخ ها و سلالت  
زندگی خود ، برای پایمان کردن سمات  
ایجاد کنندگان واقعی نعمات صادی و  
مضوی ، استفاده می کنند .  
این دشمنان ، اگرچه از لحاظ تمدن  
اندکند ، ولی با تکیه به ثروت و قدرت  
دولتی ، جهل و ذرافه و بهیچ تسی  
که ، و دیر برنده آند ، نیروی عظیم در  
اختیار دارند : نبرد با آنان نبرد پهلوان  
است با او ، ای وقت سره آشکام  
بی رحم و شوم ، نبردی مقدس و عظیم  
که تاریخ ایران از غلظه حماسه آمیز  
آن مرشاراست : به آفرید ابو صلح  
سنباد ، امتداد سیمیر ، التبح و سزدک  
سابلک ، مانبار ، زنگیان ، اسله پیلیمان ،  
قرمیلیان و مرد اوچ ، سربرداران ، رن  
نقطریان و قیام کنندگان تهریز در زمان  
شاه طهماسب صفوی ، قیام کنندگان

## و ای . لنین : درباره اعتصاب پیشگفتار :

اوج روز افزون اعتصاب ها و اعتراضها  
کارگری و خبره ای بسیاری که از مبارزات  
صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران به طور  
پراکنده و جسته و گریخته به گوش می رسد -  
رژیم با وحشت و شدت عمل می کوشد آن ها  
را محکوم نگهدارد - مرحله نوینی را در نبرد  
اساسی خلق ما و به ویژه طبقه کارگر  
نمود می دهد . اخبار شورانگیزی نظیر  
جنبش خونین کارگران کارخانجات  
نساجی در شاهی و مقاومت دلیرانه  
آن ها در برابر یورش شک ها و گرازاها ی  
وحشی شاه ، نبود و مقاومت دلیرانه  
کارگران کارخانه چیت تهران که نخست  
تهدیدی قشری ای دیگر و به ویژه  
دانشجویان و سپس حکاری مادی و مملو  
آن ها را برانگیخت ، و ده اعتصاب  
پهروز خند یا ناگامی که در راه های اخیر  
جریان و گونگی آن ها در صفحات نبرد  
ضمکن شد ، بی اختیار انسان را به یاد  
قدسه ای اندازد که لنین بر اهلما می  
که به مناسبت اعتصاب کارگران نساجی در  
روسیه پیش شد نوشت :

۷۶ و ۷۷ نوامبر باید برای همه ما  
روزهای فراموش نشدنی باشد . . . کارگران  
نساجی با مقاومت سرسختانه خود در  
بقیه در صفحه ۱۰



رژیم نقیبی نشینند؟

زندانیان سیاسی که به حبس ای طولانی و حتی ابد محکوم شده اند - در شرایطی که رژیم از دو سال پیش آزاد کردن زندانیانی که حتی مدت محکومیت آن اسرا شده بود خودداری می کرد - کانون فشار و دشمنانه چکمه پوشان و موقفیت ها بیاه در زندان دار می گنجه گاه - اگامش دانه شکمجه بر مود بازداشت شد آن ، راه یافتن دوباره گروهی از نویسندگان ممنوع القلم به جراید و روزنجات و مالی که با وجود آهکی بودن عیاق نثار آن ها از مدت ها پیش در نشریات دست آموز رژیم نامی برود و شواهد دیگر ، چه و چه از تغییراتی در روش رژیم و عقب نشینی ناگزیر آن حکایت می کنند . با چنین چشم اندازی پرسش اساسی که در برابر مبارزان قرار گرفته ، این است که این عقب نشینی ها تا چه حد واقعی و باصحتی است ؟ ضمن حقیقی آن چیست ؟ چه اهدافی را دنبال می کند ؟ از چه مسائل و عوامل نشأت می گیرد و ناظر و مریضی آن تا کجا می تواند گسترده شود ؟ وظیفه مبارزان در برابر این موج نوحه خاسته چگونه است ؟

پاسخ به این پرسش را مستلزم دریافت صحیحی از عوامل ایجاد کننده چنین وضعی است و در این گوشه باید در درجه نخست دو عامل اساسی داخلی و خارجی را در نظر بگیریم :

۱- عامل داخلی

روند جهانی در سال این اخیر با توجه انکار ناپذیر به صورت آموزی امین حقیقت بنیادی را آشکار کرده است که جای رژیم های مصلحتی و فاسد و نفاق تمه زباله دان تاریخ است . چکمه پوشان ، عماره پندان ، دشمنان زندانیانان خلق ها به غروب و در سید هاند و نوبه ها و دلالان و نوکران امپریالیسم هیچ در نهایی در برابر غوغایند آرند . این روندی است وقفه ناپذیر و بی بازگشت که امدی برای رژیم های که زانده امپریالیسم و تقاله نسوا در برستی و استعمار و استبدادند باقی نمی گذارد . تجربه بسیار گویای ویتنام ، لائوس و کامبوج ، زوال یک شبه سر همگان یونان و رژیم آندیدهای که سالار در بر پرتغال به ارت کرده بود و فروریزتن امپراتوری فلج و گشوده عوش انبوی ، از دست رفتن مستعمرات افریقایی پرتغال و تولید طست های رزمجویی در آنولا ، گینه بیسائو و موزامبیک ، زمین لرزه های سیاسی جهانی که میراث فرانکو را برایشان کرده است و ده ها شاهد و رویداد دیگر ، تنها در اوقات دو سه سال ، از شباب فزاینده این روند جهانی حکایت می کند . در این متن رژیمی که با تکیه بر استبداد فردی قرون وسطایی در حوزای رحمانه مطلقیت و ثروت ، این جوان ناپدید بر آن در بازارهای سرمایه و ایفای نقش و اندام امپریالیسم در منطقه با تکیه جان و خون جوانان و ثروت های مادی کشور و تورم و ارباب و گشت و گشتاری ، حساب دانه ای به حیات تنگن خود ادامه می دهد ، نمی تواند از آخرین نسیم و کوچک ترین طنینی که

در جهان به راه می افتد ، متوحش نشود . این طنین ونسیمی که باعث وحشت رژیم هاری از مهربان شاهان شده ، از احرا تغییرات محسوس است که از چندی پیش در منطقه در شرف تکوین است . انتقال مرکز ثقل پایگاه امپریالیسم در منطقه از تهران به ریاض ، به دنبال تحولات اخیر خاور میانه در این بررسی موضوع قابل تاملی است . عربستان سعودی به دنبال موقفیتی که به برکت دلارهای نفتی در سوق دادن رژیم مصر به سوی امپریالیسم جهانی به دست آورد و آنگاه پیروزی دیپلماتیک آن در پایان دادن به جفنه لبنان به خبر نیروهای ملی و مترقی و سپس سرعت بخشیدن به گرایش سو ریه به سوی امریکا ، از موقفیت امپراتریک قابل توجهی برخوردار گردید . این حرکات از نفوذ ممنوعی و بر قاطع دلارهای نفتی سعودی در جهت تقاضا امپریالیسم حکایت می کرد ، اما این پیروزی های نسبی با بازی خائتانه رژیم سعودی با شورش در اریک و عدم پذیرش تصمیمات جمعی آن در جهت افزایش قیمت نفت ، از یک شوک کاف بی سابقه ای در اریک به وجود آورد و از سوی دیگر نفت ارزانی را که برای اریک امریکایی نفت می توانست محل سود های سرشار جدیدی باشد در اختیار امریکا گذاشت . به این ترتیب که به کارتل نفتی امریکا امکان دادها در دست داشتن انحصار نفت اریزان ترهستان ، نفت مازاد بر احتیاج امریکا را در بازار های دیگر به فروخته بفرساند و از این راه در سود های کلان به جیب زند .

این تحول در منطقه با تغییرات کلان در رهبری امریکا پیروزی جناح معتدل ترموکرات ها در انتخابات ایالات متحده مقارن بود . جناحی که در امریکا با آغاز ریاست جمهوری کارتر قدرت راه دست گرفت ، و علاوه جناح نفتی است میمنه جناحی که کارتل های نفت در آن از نفوذ معتنایی برخوردارند و غلظت از این بنامیم چرخش جهان به ویژه پس از جنگ ویتنام و غرور ترور شدن با واقعیت اوج گیری نیروهای چپ و مترقی در ارضای غربی و شرایط نوین جهان آگاه است و اسلوب معاصر و شیوه های انعطاف پذیرتر و نگاه واقع بینانه ای را در برابر این تحولات جست وجو می کند . سخنان به ظاهر آتشین کارتر در دفاع از حقوق بشر و شیفت بشر و ملامت ضمنی او از رژیم ای که این حقوق و امین را نقض می کند و نیز هلاک آمادگی این برای تحولات سلاح ای امپراتریک و محدودیت فروش اسلحه به رژیم های بی تکیه آگاه و با درخواه میوه چنین برداشتی است .

با این تفصیل می توان پذیرفت که انتقال مرکز ثقل سیاست امپریالیسم و سکوی جهش او از تهران به ریاض که بازگرداندن عهده قوای ایران از ظفار از نخستین نتایج آشکار آن بود ، از پشتیبانی کارتر و جناح او برخوردار است . به این ترتیب رقابت و سابقه ای که از سوی پیش بین تهران و ریاض - به مثابه دو و اندام که در یک خلیج بقیه در صفحه ؟



به مناسبت سالگرد شهادت شهید گسرخ و کرامت دانشیان

## گل سرخی که همیشه شکوفان است

وقتی جلاد نهال زندگی گسرخ و کرامت دانشیان را از پای درآورد و مردم به گل سرخی روی آوردند تا از راه تشبیه نام نامی یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاهدارند و هم به آن سنگری که می‌خورد گلزار ایران را به کویر لوت بدل کند و خشم و نفرت خود را نشان دهند و مردم در ایمنی ضلوع خود موفق شوند و جلادان این نشان را فحشیدند و کاریه جایی کشید که ساواک به هر کسی که به شکلی گل سرخی با خود داشته باشد باسوسه زبان می‌نگریست!

مکن بود چنین تصادفی در تشابه نام روی ندهد. واقع همچنین تصادفاتی استثنایی است. دانشیان که همراهِ گسرخ به پای تیر اعدام رفت و حکمت جو که چون تیرایی زهر شکنجه شهید شد و آن ده ها و صدها فرزندان شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کرده اند و نام های "عادی" داشته اند. ولی مردم هر وقت امکان و فرصتی یافته اند احساس خود را در باره قهرمانان خلق با برجسته کردن یک شعور و یک ترانه و یک ناچ هر آنچه که بتواند بیانگر این احساس انسانی باشد و بروز داده اند. این سپاس خلق در برابر فرزندان قهرمان خویش در عین حال نشانه مقاومت و مبارزه است. و عین است که قهرمانان جدیدی می‌پرورند. اثر آن زندگی گسرخ و دانشیان حکمت جو عزیز و ده ها و صدها نفر دیگر از مبارزان راه خلق پریشده است و گل سرخی که مظهر شرف و آزادی و نشانه مقاومت و مبارزه است و همیشه شکوفان است و زبیرا که خلق که زاینده شرف و آزادی و مقاومت و مبارزه است جاویدان است.

رغم شاه که برای حفظ سلسله تنوم و انریضی خویش گروه گروه صیبن پرستان را به دادگاه های فرمایشی نظامی و از آن جا به زهر شکنجه و یا به پای تیر اعدام می‌کشاند و گاه "مدارک دادگاه پسند" هم برای اثبات "جرم متهمان" در اختیار دارد. ثابت می‌شود "زنا متهمان خود اقرار می‌کنند که برای سرکون ساختن رژیم شاه و برای برجیدن بساط ظلم و استبداد به پا... استمانند! ولی اتهام متهمان برای ریودن افراد خانواده سلطنت" گاه به گروه گسرخ و دانشیان وارد شد و از بهیچ زمین بی پایه بود. ساواک بسا تمام تلاش که کرد و دادستان نهائی با تمام "مبارتی" که به خرج داد و بین کدام نتوانستند کوچک ترین مدارک دلیلی برای اثبات این اتهام ارائه دهند. و دادگاه نهائی فرمایشی به صورت خبیثه شب بازی مسخره ای درآمد. با این همه گسرخ و دانشیان حکوم به اعدام شدند و شریعت شهادت

نوشیدند. چرا؟

فرمانروایان مستعمر، با وجود محدودیت فکری طبقاتی خود، این واقعه را درک می‌کنند که اثر افکار انقلابی امکان نشود بائند امکان تبدیل شدن به نیروی مادی رانیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن مبارزین است. خواهند کرد. آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه های مقاومت و شجاعتی و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیگار جو نیرو امید می‌دهد و این خطرناک بودی نظام استعمارگر و مستعمران را تشدید خواهد کرد. دستگاه جاسوسی و پیگیری زندان شکنجه و اعدامی که رژیم شاه برپا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی و از تبدیل شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند و برای آن است که ضابطه مقاومت و مبارزه مردم را باهاوار کردن به تسلیم و توبه و باپانان بودی جسمی شود کند و برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با نوسیدی مبدل سازد.

گسرخ و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند و هنر خود را در خدمت خلق گذاشتند و رنده های مستعمران آن‌ها را نفریفت و شکنجه جلادان آن‌ها را از پای در نیارود و حکم اعدام انتقاد واراده شان را مست نکرد. گسرخ در شعور فردا گفته بود:

ما همین فردا  
کاری خواهم کرد  
کاری کارستان.

گسرخ و دانشیان با اینار جان خود به راه خلق و به آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و کاری کردند کارستان! از نظر مردم همه خلقی شاه چه جری بالاتر از این ممکن است وجود داشته باشد؟

ولی فرمانروایان مستعمر وقتی خواهند با تابع و تهدید به با نیرنگ وزر و بازندان و شکنجه و اعدام "خطری" که موجودیت ننکین آن‌ها را تهدید می‌کند از بین ببرند و دیگر واقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسپرند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زروسم و ماداغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلوگیری کرد که خلق با پان خونین از شکنجه مستعمران و عادل اند و همچنین از شهادت مرزبان و ولی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت. گل سرخی که

پس از شهادت گسرخ و دانشیان بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد و بیک این فرد آزاد بود و برای آن که شهید آزادی چشمان ما را با نور روشن خود زود تروشن کند و همیش از هر چیز قبیل از هر چیز به گانگی بقیدد رصفحه

اتحادیه ها و جمعیت های کارگری محققان و ادبی و  
 دیوگرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در  
 سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند  
 کرد.

۲- عوامل داخلی

در حالی که عوامل خارجی در پیوند مستقیم با هم به يك  
 جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده و کاهش تولید  
 نفت - به دنبال خیانت هرستان چهارم - سالانه بیش  
 از ۲ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می دهد. با  
 توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن  
 در حدود ۲ میلیارد دلار درآمد نفتی بازم سه میلیارد دلار  
 کمتری موازنه داشت و تاثیرات فوق العاده این کاهش  
 ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاشی رژیم - که يك  
 اقتصاد شکن به نفت است - یعنی ۹۰ درصد آن به درآمد  
 نفت تکیه دارد - قابل دریافت است. ۵۰۰ میلیون دلار  
 قرض با شرایط ناخوشایند از بانک های اروپا می که در چند  
 هفته پیش صورت گرفت و نتوانست حتی نقش يك قهرمسکن  
 را برای رژیم ورشکسته شاه بازی کند.

بدینسان ضعف مفرط اقتصادی و در متن ورشکستگی  
 سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگانی او در میان مردم، از يك  
 سو و فشار عوامل خارجی ذکر شده از دیگر سو، رژیم را  
 در موضع بسیار ضعیفی قرار داد و او را ناگزیر به تن دادن به  
 بارهای عقب نشینی تا کرد.

تحولات یاد شده اخیر یاد کرد ضرورت و احتیاج نا پذیر  
 بودن این عقب نشینی ها انجام پذیرفت و یاد شرف انجام  
 است.



رژیم می گوید عقب نشینی خود را به عنوان يك نصف  
 لایح از دیدگاه مردم مکتوم نگاه دارد. اما مستقی بنیاد  
 و پوشالی بودن چارچوب حکومتی و عدم اعتماد نگرانی  
 عسقی که بر جلال و کارگزارانش مستولی شده و این عقب نشینی  
 را به خروج صریح قابل رویتی کشاند ناست. البته خروج -  
 نتایج زنی در نتیجه میزان این عقب نشینی و چگونگی رست  
 رژیم پس از آن و از سوی مبارزان ضد رژیم ممکن است به نتایج  
 فدا و در نتیجه ناچاهه آخیز بیانجامد. همین که می توان  
 محقق بود که رژیم تا این حد بی ریشه و پوسیده و مفتضح  
 حتی در عقب نشینی چندانی ندارد. با حفظ موازنه و  
 بنیاد این جامد و کهنه و ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و  
 اموان و انصار او می شد که مدد و ناچیز است و بیشتر به يك  
 مانور می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای متروک زبانه  
 شون انگیز باشد. رژیم می داند که عقب نشینی او را نمی توان  
 از کنترل خارج شود و از صورت يك حادثه به صورت يك  
 روند درآید و بنابراین به پیروی از خصلت گونه بینی خود سعی  
 بقیه در صفت

رژیم عقب می نشیند؟  
 ننگیند - جریان داشت و در این مرحله به نفع هرستان  
 سمودی تا تصدیق بر رفت و رفتی جدید با جهت به گرانهای  
 چاه های نفتی خود در بندر بصرای اصرار به هم پانکی نشست  
 بر ابق سیاست جدید دفاع از رژیم چون رژیم شاه  
 جلا د ایران که در کلیه برنامه های مذهبی و اجتماعی و سیاسی  
 و اقتصادی شود با شکست وین بست کامل روبرو شده است و  
 فساد در همه اشکال آن در تمام صنوع و خدمات ابرسون کرده  
 و از حد کوچک ترین و بزرگترین افتاده ترین صنایع اجتماعی تا  
 ترافیک و تاخیر شیرواز و شمار و گوشت مردم عاجز است  
 از تدارک راز مدت برای اروپایان امریکایی که در کیمیک نیبر  
 جهانی و دشوار مردم و زندگی اند و روز به روز غاضب تر است  
 توی نمود. اروپا امریکایی که نمی خواهند تولید پرحاصل و  
 صهی چون ایران را چون دیگر تولید های افریقا و  
 آسیا و دیگر نقاط جهان از دست بدهند و حامل نیست  
 که رژیم و با فساد و بی لیاقتی و سفالی های بی آینده خود و  
 هر چه بیشتر پایگاه های برادر میان مردم از دست بدهد.  
 اوبه زور و عقید بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم  
 بهمن - که در زمان تصدی آندی و قدرت همین جناح  
 از دیوگرات تا انجام گرفت - معتقد است. بنا بر این  
 فشار بر شاه برای تبدیل فشار تا انجام اصلاحات  
 محدود و بی خطر تا این درک است. و با زعم پاسخ کارتر  
 به دوربین تبریک شاه به ضامب پیروزی او در انتخابات  
 و آغاز دوران ریاست جمهوری اش از طرف عقیده بیمن  
 تهران - دانشکن را آشکار می سازد. فراموش نکنیم که  
 سناتور های دیوگرات در کنگره امریکا ایران را از انامی حقوقی  
 که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامید ماند و نسبت به  
 وجود چندین ده هزار امریکایی و انبار های عظیم تسلیحات  
 امریکایی در چنین کشوری اظهار نگرانی نمود ماند. با این  
 مقدمه می توان قبول کرده در رقابت تهران - ریاض با  
 وجود جانبداری کارتر اسلحه از ایران ریاض برنده شد.  
 اما این تدویر با یک حادثه خارجی دیگر همراه بود و آن  
 بیرون وسیع سازمان های بر حثیت جهانی علیه اشتقاق  
 در ایران و بسیج نیرو های دیوگرات و آزاد بخواه در غرب  
 سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی  
 ایران بود. در حالی که در این مبارزات سازمان عفو  
 بین المللی که یکی از بانفوذ ترین سازمان های دیوگراتیک  
 غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نری  
 و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند و یک رده  
 بود و دانشجویان ایرانی از آن که در سازمان های  
 مخالف رژیم نیز تلویحاً به این توافق رسیدند که سال  
 ۱۹۷۷ را اختصار به مبارزه با رژیم شاه و خند و بر  
 محور این کوشش ها تأثیر و اشتقاق خود را موافقت سکوت  
 بگذارند. به دنبال این موافقت بسیاری از سفید پیکار

گل سرخی که...  
آزادگان خبر است . چه زیاوجه درست گفته است گسرخ  
که :

باید در هر سه پیک الهیز

نزدیک ترشوم

باید یکی شوم

اینان هم اسنان زبگانی ماست.

در سالگرد شهادت خسرو گسرخ و کرامت دانشیان  
و با یاد همه شهیدان راه آزاد میهن من زما ایران هباردیگر  
پیمان می بندیم که برای تحقق این یگانگی از همی کوششی در پیغ  
نوریم .

رژیم عقب می نشیند ؟

می کند با حزم و احتیاط گام به عقب بردارد و طوری گام بردارد  
که با یافتن کمترین فرصت مناسب بتواند خیزهای بزرگتری به  
جلو بنماید و عقب نشینی های خود را جبران کند .

اما حتی این برداشت مانع از آن نیست که نیروهای  
ملی و شرقی در برابر او در حالی که در حال تکوین است می  
تفاوت و خنثی باقی بمانند . با شناخت دقیق خصیصت  
دشمن و شرکده های او می توان عرقم عقب نشینی او را یک  
قدم پیشروی نیروهای شرقی تبدیل کرد . مبارزه ما مبارزه

در همه جبهه ماست . از لحاظ مضمون و در حد سه  
جزئی ، در عقب نشینی و حتی در مانور - حتی اگر ابعاد آن ناچیز  
باشد - باید به فراخور مسود جست . عقب نشینی رژیم  
خشک اندیش و ضد مردمی شاه در برابر نیروی فزاینده افکار  
عمومی و مبارزات مردم و در تحت تاثیر تضاد های روز افزون  
و عمیق درونی و جهانی ، یک هباردیگر نیروی اتحاد همه  
نیروهای مردم رژیم را در یک جبهه مشترک تصریح می کند . چنین  
اتحادی می تواند شرعاً عقب نشینی های از این گونه را به  
نفع مردم و نیروهای دموکراتیک هر چه بیشتر و وسیع تر  
سازد و روند سرنگونی رژیم را تسریع نماید .

★ شهربانی نام ★

از: خسرو گسرخ

بر سینه ات نشست  
زخم صیقل کاری دشمن  
اما ،

ای سرو ایستاده نیافتادی  
این رسم توست که ایستاده بگیری .

در تو ترانه های خنجر و خون  
در تو پیرندگان مهاجر  
در تو سرود فتح  
اینگونه چشم های تو روشن

نگر نهاده است .

با خون تو ،

میدان تو خانه

در غم خلق

بیداری شود .

مردم

زان سوی تو پنهان ، بدین سوی

سربز می کنند

نان و گرسنگی ،

به تساوی تقسیم می شود

ای سرو ایستاده !

این مرد ، توست که می سازد .

دشمن دیواری کشد

این عابریان خوب و ستم پر

نام ترا ، این عابریان زنده نمی دانند

و این در پیغ هست ، اما

روزی که خلق بیدارند

در قطره خون تو صحراب می نمود .

این خلق ،

نام بزرگ ترا

در هم سرود میهنی اش

آوازی دهد

نام تو بد چم ایران

خزیده نام تو زنده است .

سپرد در راه تحقیق بر نامه حزب  
توده ایران وظیفه هر ایرانی میهن پرست  
است . حزب توده ایران ، الهامی حزب ،  
کلیه طبقات ، قشرها و عناصر ملی و شرقی  
کشور و همه خلقهای ایران را فرا می خواند  
که در زیر درفش این پر نامه که تنها راه  
ناهن آزادی و سعادت مردم ایران است  
گرد آیند و مبارزه کنند .



انقد جبرایک کام جلو برود و در طول مدت مسیر آن راست می ماند.  
 تاریخ حزب ما سرشار از جانبازی و جانبا زان است. سیمای تابناک دکتر تقی ارانی (که روز شهیدان به نام خاصی اوست و نمونه کار او الهام بخش بوده ای) است. ده ها و صد ها قهرمان در صفوف ما بر رفته است. آری رفیقان نیمه راه و مردان و خانقاه پست فطرتان و تسلیم المان نیز بوده اند و خواهند بود. آن ها جا هستند. با وجود آن ها نیست یک جریان انقلابی عظیمی نمی شود. تکامل یک حزب انقلابی بر فراز و نشیب و در ناله است. این یک واقعیت سرسخت تاریخی است که کتب تودهای پرورنده قهرمانان و قهرمانی است. منتها نوع تازه ای از قهرمان - قهرمانی که با حزب و با خلق و با جهان بینی علمی و با جنبه انقلابی جهانی پیوند سرسختی دارد و در چهارچوب تاکتیک و استراتژی و در چهارچوب سازمان حزبی و انضباط حزبی خود عمل می کند.

بآن که مادر این مسئله موضع علمی و آزموه خود را در ابرام ولی از تنه ناری و تعصب بی جایه دریم. مانع فقط در برابر شهیدان - انباز نهضت تودهای و نهضت آذربایجان و کردستان شهیدان براننده سازمان نظامی حزب توده ایران سرمتناهم فرود می آوریم. در مقابل باید ابران دلیری که در سال های اخیر - ولواز مواضع نادرست - ولی با صداقت برود و پیوسته وار پهلوی واریا با تن مردانه ایستادند و شهید شدند و امیر از تحسین و احترام می کنیم. رفتار بسیاری از آن ها در سلامت و در زین شکنجه و درد آناه نظامی و در مقابل جوخه اعدا اوجها قهرمانانه بود. ما بی سر بلندیم و از این خلق ای ما چنین در نران و جوانان به حد افسانه آمیز لا هری بیرون آمدند. ولی احساس تحسین و احترام نسبت به صداقت و ایثار و شهادت آنها حتی یک لحظه مانع جدیترین انتقاد ما نسبت به رها کردن تاکتیک و استراتژی لنینی مبارزه نیست. در این جا مسئله اصولی است و آن را با احساسات نمی توان حل کرد.

درس های تاریخ مهیب و خونین است. خاطره شهیدان ما راه اتحاد و اتحاد عمل می خواند. نیروی ما که مخالفان استبداد و استعماریم اندک نیست. اگر این نیروها به جای آن که قدرت دگرگون کننده خود را معرفی نتوانند کردن بگردند و با شی درست سیاسی - سازمانی به دشمن منفره شدن - های ایران یعنی رژیم نفوذا نیستی و مظهر شاهانه بنازد و در شرایط جهان امروز که با تغییر مستمر تناسب نیروها در عرصه جهانی به سود نیروهای صلح و دموکراسی و به نفع اجتماعات و سوسیالیست ها وضع به سود خلق و در تنه میراست و روز پیروز را به مراتب نزدیک تر ساخته است.

درود پر شور به خاطره تابناک شهیدان قهرمان  
 حزب توده ایران و جنبش رعایی بخش ایران و در  
 پیشاپیش آنها دکتر تقی ارانی رهبر و همکارانشان ایران

روز شهیدان حزب ...  
 استعمار و استعمار و فقط برای آن که تصور به دست آید  
 از این میان حتی یک نام را نباید فراموش کرد!

آن روز خواند رسید به اسم ایرانی که به نام آرمان  
 مقدس استقلال و آزادی خلق به دست مستکبران و تجاوزگران  
 به خاک و خون غدایده و یا آلوده دارند. آمده و زینت شهر ما  
 و کوی ما شود و مورد ستایش و تمکین قرار گیرد.

از این میان حتی یک نام را نباید فراموش کرد!  
 آن ها رفتند ولی آن خلق بزرگ است که سیاست گزار مصمم  
 و مستقران صدیق خود باشد. چه چیز از شهادت و ایثار  
 نفس در راه اثبات صداقت و در بالاتر؟ چگونه می توان چنین  
 دوستان شایسته خلق را از دست آورد؟ هرگز!



برای ما مارکسیست ها! شهادت به خاطر شهادت مطرح نیست. در تیرین وسیله کشیشانی که به قول مولوی ما "مرغ مرگ اندیش" بودند می گفتند: "به یاد مرگ باش!" ما مارکسیست های گوئیم: "به یاد زندگی باش!" - ما سعادت را در آن سوی زندگی نمی جوئیم. می خوریم همین جا در همین عالم ایجاد می کنیم. چه خوش سرود اقبال پاکستانی:

مقدم زنده دلان: واپ بریشانی نیست

از همین نگاه جهان دگروی ساخته تن است.

ما زندگی را دوست داریم و برای آراستن و زیباساختن می گوئیم. هدف ما "زیاد کردن" نیست. هدف ما مبارزه موثر کردن است.

در ابران گمراه سازانی پیدا شدند که "شهادت" را هدف غایی نبرد می دانند. شهادت به خاطر شهادت این این سخن ناروایی است. همین یک شمارایی آوار شهادت است یک مارکسیست لنینیست هرگاه درو باشد با سر بلند می جان خود را در راه خلق خود نثار می کند و ولی فقط هرگاه - سر بلند باشد. یک انقلابی واقعی تسلیم دشمن نمی شود و به پستی خیانت تن در نمی دهد و مرت را بر زندگی برانو ترجیح می دهد ولی با تمام قوای گوئند که زنده بماند و مبارزه کند و حشمت به زندگی و سر بلند می در مقابل مرگ شهامت است. کسانی در ایران (بسیاری از آن ها صدقانه) تئوری درست ضرورت نیرو سیاسی و سازمانی سیاسی - همکاران را "تئوری" نام نهادند! گفتند "موتور محرک گوئی" باید و در راه عیان انگذند تا "بیخ سکوت" را بشکند! این حرف ها و هنوز تکرار می شود و با آن که بعضی آن در عمل به کرات ثابت شده و انرژی - او بزرگی به عیت بر سر آن برهاد رفته است.

انقلابی عصر ما از به اشکال مبارزه اعماز صلح و غیر صلح استفاده می کند ولی به شرط آن که این مبارزه برای خلق مفهوم باشد و اثرات جهیز کند و به دشمن در دست موثر بزند و





تالین رژیم سزاست مردم ماروی خویش را نخواهند دید. مقدمه نهم رژیم شد مردمی شاه را سرنگون کنیم!

۲۶۱ و ۳ - کیهان شماره ۱۰۰۲۸ نهم بهمن.

اعتصاب درد انشگاه صنعتی آریامهر

درد انشگاه صنعتی آریامهر روز دوشنبه ۲۹ آذر و خوردند پدی بین دانشجویان و پلیس آریامهر در گرفت. ماجرا از این جا آغاز شده که دانشجویان به ادامه بازداشت عدمی از رفتای خود که در جریان تظاهرات روز ۱۶ آذر و پیش از آن دستگیر شده بودند اعتراض داشتند و به رئیس انشگاه تاروز ۲۹ آذر ماه فرستادند تا ترتیب آزاد شدن آن ها را بداند و تهدید کردند که در صورت عدم توجه به خواست شان دست به اعتصاب خواهند زد. اما رئیس انشگاه توجهی به درخواست دانشجویان نکرد و در نتیجه دانشجویان روز ۲۹ آذر اعتصاب کردند. اما اعتصاب آن ها با هجوم حشیا پلیس روبرو شد. دانشجویان تا آریامهر دفاع از خود شدند. پلیس تا آریامهری عدمی از دانشجویان و حتی عدمی از استادان آریامهر با دانشجویان مددی می کردند زخمی کردند. این رفتار رذیلانه پلیس باعث شده در فردای آن روز (۳۰ آذر ماه) استادان انشگاه نیز به اعتصاب پیوستند و به بی لیاقتی و سر سپردگی رئیس انشگاه و در دفتر تاریک با دانشجویان به شدت اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک

کارگران کارخانه پارس الکتریک ( جنب انشگاه صنعتی آریامهر) روز یکشنبه پنجم دی ماه اعتصاب کردند. کارگران به فشار و انتقام پلیس، آگم و کمی دستمزدها افزایش فزاینده، هزینه زندگی و سهامات کار زیاد و طاقت فرسا اعتراض داشتند. اعتصاب کارگران با تهاجم و حشیان پلیس و ماموران ساواک روبرو شد و کار به زد و خورد کشید. شدت برخورد به حدی بود که ساواک برای سرکوب کارگران از پلیس گارد انشگاه آریامهر نیز کمک گرفت.

دانشجویان انشگاه صنعتی که خود در روزهای گذشته با گارد انشگاه برخورد می شد پدی داشتند و بی درنگ متوجه عدم اعتراض گارد انشگاه می شوند پس از پیگیری متوجه می شوند که افراد گارد برای سرکوب کارگران انشگاه را تارک کرد ماند. این موضوع چشم دانشجویان را برمی انگیزد. آن ها با تهاجم خود راهلی و حشی گری های اعمال رژیم بلند می کنند و از این ابراز مددی و بی حسنگی با کارگران اعتصابی خواستار قطع فوری الت و تهاجم پلیس می شوند.

محیط ترور و خشونت درد انشگاه

روز چهارشنبه اول دی ماه در کتابخانه انشگاه و انشگاه تهران حادثه ای رخ می دهد که حاکی از شیوه های جدید اعمال فشار فاشیستی بود دانشجویان میهن پرست و مبارز انشگاه های ایران است. هنگامی که دانشجویان سرگرم مطالعه بودند متوجه ورود چند ناشناس به سالن کتابخانه می شوند. افراد ناشناس پس از ورود به سالن ناگهان از زیر لباس های خود باتون ها را بیرون کشیده و به جان دانشجویان می افتند و عدمی از آن ها را زخمی کرده می روند. چند لحظه بعد خبر حادثه در تمام انشگاه می پیچد و موجی از خشم و نفرت برمی انگیزد. چند صد نفر از دانشجویان به طور دسته جمعی نزد رئیس انشگاه می روند و از توضیح می خواهند و چون رئیس انشگاه اظهار بی اطلاعی می کند همگی به ابرخاش می کنند و خواستار استعفای او می شوند. سه روز بعد باز حادثه تکراری شود. این بار عده بیشتری به انشگاه قفس آمده و به دانشجویان حمله می کنند و عدمی از آن ها را ضربه می نمایند افراد ناشناس که بی شک عمال ساواک آد کش شاه بودند ضمن اعمال جنایتکارانه و عریه کشی های خود شمارهای از قبیل "مرگ بومارکسیسم" و "مرگ بروسلام" نیز می دادند. چند روز بعد (سه شنبه ۷ دی ماه) در محل کتابخانه انفجاری روی می دهد که باعث زخمی شدن عدمی از دانشجویان و مرگ کتابدار کتابخانه مکه یک دختر و قتل بیسالی بوده می شود. در روزنامه های ساواک زده علت انفجار را توکییدن لوله های گاز قه می کنند اما دانشجویان انشگاه عقیده دارند که انفجار ناشی از بمبی بوده که ماموران ساواک به منظور ایجاد محیط ترور و وحشت در کتابخانه کار گذاشته بودند.

اعتصاب دانشجویان مدرسه عالی ورزش

روز شنبه ۱۱ دی ماه دانشجویان مدرسه عالی ورزش به عنوان اعتراض به وضع بد غذا و قطع کمک هزینه تحصیلی اعتصاب می کنند و به طور دسته جمعی از محل خوابگاه به طرف دانشگاه حرکت می کنند. ضمن برپایی شمارهای حشیفی رنگ سیاسی می گیرند و به ویژه شمار "سرنگین ها" حکومت استبدادی شاه باطنینی هر چه رساتر از بیان صفوف دانشجویان به گوش می رسد. در جلوی دانشگاه المیه ماموران انتظامی راه را بر دانشجویان می بندند و زد و خورد در می گیرند. در حین زد و خورد سرخنگ فرمانده نیروهای انتظامی ضربه می شود. در حین زمان نیروهای ژاندارمری سر می رسند و تعدادی از دانشجویان را ضربه و کت پری را دستگیری نمایند. صبح روز بعد کلیه دانشجویان را همراه



با اشتهای آن ها از خوابگاه بیرون می‌کنند و بعد به آن‌ها اعلام می‌کنند که هرگز به خوابگاه دوباره از خوابگاه استفاده نکند باید ۲۵۰ تومان بابت خسارات وارد به محل خوابگاه بپردازد.

خواستنای خود تحقق بخشند.

حقایق پیرامون فعالیت‌های جاسوسی امریکادرایران

در جریان زلزله اخیر خراسان بسیاری از حقایق پیرامون فعالیت‌های جاسوسی امریکادرایران برملا شد. پایگاه ژئوفیزیک تهران که می‌بایست زلزله‌های ایران را ثبت کند، نتوانست زلزله خراسان را ثبت کند و اعلام شد که دستگاه‌های این پایگاه از کار افتاده است.

به دنبال اعلام این خبر برای آگاهی از شدت زلزله در سطح مقامات دولتی پیشنهاد شد که از پایگاه‌های ثبت تشعشعات اتمی شدت زلزله پرسیده شود اما با هشدار مقامات سطح بالا و ساواک هرگونه تماس با این پایگاه‌ها مخفی شد. در نتیجه کنجکوی تعدادی از دست‌اندرکاران که قبلاً می‌دانستند پایگاه‌های امریکایی در ایران زیر نام ثبت تشعشعات اتمی فعالیت‌های دیگری دارند، -

فهیچ‌یک از این پایگاه‌ها صرفاً مخفی است برای جاسوسی و دستگاه‌های عظیم مخابراتی و جاسوسی امریکادراین نقاط نصب شده‌است. از جمله این پایگاه‌ها که تعدادشان در حال حاضر در ایران ۷ پایگاه است می‌توان از پایگاه ساوه و پایگاه تهران که در خیابان ملاصدرا قرار دارند نام برد که کارشان کنترل جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی است و تمام کارکنانش از وزارت دفاع و امنیت امریکا به عنوان مأموریت در ایران به سر می‌برند و حقوق‌شان مستقیماً با چک از طرف وزارت دفاع امریکا به ایران فرستاده می‌شود.

تشدید فشارها بر اعزام کارگران

به دنبال تشدید فشارها بر کارگران در واحد‌های صنعتی و در راه‌های اخیر تعدادی از کارگران و کارمندان بالا پیشگاه‌های تهران و آبادان را که در مبارزات صنفی و قانونی کارگران نقشی داشتند و بابت عنوان کارگران آگاه شناخته شده‌اند از کار اعزام کرده‌اند و با آن‌ها در راه تدارک‌گزینهی قرار داده و بلا تکلیف گذاشته‌اند.

پیرامون خواست‌های کارکنان شرکت توانیر

قرار بر این بود که از آغاز سال جاری ده درصد به حقوق کارگران و کارمندان و پندسان شرکت توانیر افزوده شود اما مسئولان شرکت از اجرای این توافق سر باز زدند و با این افزایش‌ها نیز حقوق و باقیات نگذردند. کارکنان شرکت چند بار نزد مقامات مسئول رفته و خواست خود را مطرح می‌نمایند اما پاسخی صاعد نمی‌شنوند. سرانجام خواست‌های خود را ضمن نامه‌ای که به آن‌ها ارسال می‌کنند به روزنامه‌های فرستنده مطرح می‌کنند اما وقتی چاپ نامه در روزنامه‌ها از سرخستگی مسئولان در مخالفت با افزایش حقوق کارکنان نمی‌گذرد.

در اوایل آذر ماه بازنده‌های از نمایندگان کارکنان ضمن مراجعه به مسئولان مجموع اضافه حقوق معوقه و قطع پنجشنبه کاری و سایر مزایا را مطرح می‌کنند اما باز هم پاسخی مساعدی نمی‌شنوند. لذا چند روز بعد اطلاعیه‌ای از طرف کارکنان انتشار می‌یابد و در قسمت‌های مختلف نصب می‌شود که در آن ضمن برشمردن خواست‌های حق کارکنان و مراجعات آنان و پاسخ‌های صنفی مسئولان از روسا درخواست می‌کنند تا در روز هشتم دی ماه در تهران تجمعی صورت گرفته و در مورد علت مخالفت خود با خواست‌های آنان توضیح دهند. به دنبال انتشار اطلاعیه موافق ساواک و وارد انتظامی به تکلیف می‌افتند تا از تجمعی اقدام جمعی احتمالی کارکنان جلوگیری کنند. در روز موعود کارکنان در تدارک‌گیری اجتناب می‌کنند اما هیچ‌یک از مسئولان حاضر به همکاری نمی‌شوند و حتی مأموران غذا تجمعی را صادر کرده و از هر دو بیشتر کارکنان جلوگیری می‌کنند و آن‌ها را متفرق می‌نمایند.

نمونه دیگری از اقدامات ضد کارگری رژیم

از روز شنبه دوم بهمن ساعات کار کارگران کارخانه ایران ناسیونال از هشت ساعت به نه ساعت کاهش یافته است. دستمزدهای افزایش یافته. اضافه کار نیز لغو گردید. در حال حاضر کارگران در دو نوبت از ۷ تا ۱۱ ساعت و بعد از ظهر و از ۱ تا ۶ ساعت کار می‌کنند و هیچ‌کس از آنها را نیز پشت دستگاه و در حین انجام کار صرف می‌کنند. کارگران به این تصمیم ضد کارگری شدیداً اعتراض کردند و بیست و چهار نفر از آنان به خاطر رفتن به سندیکا و طرح مسئله در آن‌جا به میزان دستمزد یک روز کسر جریمه شدند و برخی شالانسان نیز لغو گردید.

اسلحه کارگران

مبارزات وسیع و متشکل صنفی و سیاسی و طبقاتی است

اکنون کارکنان شرکت توانیر می‌دانند که جز با مبارزه یکپارچه و متشکل و اعمال فشار بر کارفرمایان نمی‌توانند به

در باره اعتصاب مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در این لحظات سخت هنوز هم مردمی هستند که می توانند منافع مشترک ما را به مثابه منافع طبقه کارزده زنده نگاهدارند و که کارفرمایان محترم ما هنوز موفق نشدند مانند ما را برای همیشه تبدیل به مردم بیچاره جیب خالی بی انتهای خودشان بکنند. پس رفقها بیاید با سرسختی و هزم راسخ به پا خیزیم و مبارزه را تا به آخر برسانیم و فراموش نکنیم که فقدان از طریق کوشش مشترک و یکپارچه مان است که می توانیم شرایط خود را به کرسی بنشانیم.

در واقع هرچه جنبش کارگری بیشتر شود و اهمیت واقعی رژیم محترم را نشان می بدهد بیشتر می آید کارگردانان و توده های بیشتر و بیشتر این شمار نشین را به طور طمس حس خواهند کرد؛ تا سرسختی و هزم راسخ مبارزه را تا به آخر برسانیم. هرچه جنبش کارگری بیشتر شود کارگران اهمیت مبارزه بصحانه ترومشکل تر و چشم انداز آبروشن تر را به بیشتر و طمس تر حس خواهند کرد. در عرصه مبارزه و اعتصاب همچنان که لنین در مقاله زیر نشان داده به ما یاد می دهد: «مهمیت ایقانیتشان در جامعه و خلعت ایقانیت جامعه و تمام روینای سیاسی و قضایی آن بی خواهند بود و این نیروی مهم بالا بردن آگاهی سیاسی و ایقانتی خود و استحکام تشکیلات و کوشش مبارزه در راه راست ای صنفی و سیاسی خود و نیز در راه اتحاد جنبش انقلابی را به طور کلی بیشتر درک خواهند کرد.

جنبش کارگری ایران خود تا کنون قدم های موثری در این راستا برداشته (طرح کردن تقاضای ای متحد در مورد حقوق کردن و اشراج بدوران کارخانه ها و حتی در مورد کارخانه کفش طی و ملی کردن کارخانه ها و مطرح کردن تقاضای لیزم بیمه ای اجتمالی برای کارگران و مثل تقاضای ای که در اعتصاب کوره پزخانه صنایع شد همه نشان دادند این است که سالی آگاهی و مبارزه اقتصادی و طبقه کارگران آگاهی صنفی خیلی فراتر رفته است و در سال های اخیر شدت شکستی داشته است و لاجرم با رشد سرمایه داری و تضاد ای آن در آینده رشد بیشتری خواهد کرد.

مقاله زیر مانند بسیاری دیگر از مقالات لنین از این نظر اهمیت دارد که با تجزیه و تحلیل ظهور و روشن از وره های ولکولسی که باعث ایجاد اعتصابی شود و اثر آن را بر آگاهی طبقه کارگری و اهمیت و مرتبه اهمیت است در جنبش انقلابی طبقه کارگری که زمینه تشویک و تحلیلی برای کار و تبلیغ در میان کارگران به دست می دهد.

\* \* \*

در سال های اخیر اعتصاب ای کارگری در روسیه بی نهایت زیاد شد مانند دیگر وقتی یک منافع صنفی که در آن چندین اعتصاب روی نداده باشد وجود ندارد و در شهرهای بزرگ

اعتصاب ها هیچگاه متوقف نمی شوند. بنابراین روشن است که کارگران آگاه و سوسیالیست ها باید بیشتر و بیشتر توجه خود را به مسئله اهمیت اعتصاب ها در روشن هدایت کردن آن ها و وظائف سوسیالیست های که در آن شرکت می کنند معطوف دارند.

خراست ما این است که برخی از عقاید و نظریات مان برادر این باره به طور خلاصه بیان کنیم. در مقاله اول در نظر داریم که به اورکلی اهمیت اعتصاب ما را در جنبش کارگری بررسی کنیم و در بخش دوم مسئله قوانین اعتصاب روسیه را مطالعه خواهیم کرد و در بخش سوم به روش های که اعتصاب در روسیه هدایت شده می شوند و طرز برخوردی که یک کارگر آگاه باید به آن ها داشته باشد خواهیم پرداخت. ■

- ۱ -

نخست باید توضیحی در مورد پیدایش و کوشش اعتصاب ها پیدا کنیم. هر کسی که اعتصاب های را به از تجربیات شخصی خود و چه از گزارش های دیگران و به روزنامه ها به خاطر بیابارد می درنگ متوجه می شود که درجا که کارخانه ای بزرگ برپا شده و بر شماره شان افزوده می شوند اعتصاب های رخ داده و کوشش می باید. به ندرت ممکن است که حتی یک کارخانه بزرگ را میان کارخانه ای که صد ها (و صد ها) بروی مورد تزارها (کارگردانان پیدا کرد که در آن اعتصابی روی نداده باشد. زمانی که تعداد کارخانه ای بزرگ در روسیه کم بود تعداد اعتصاب ها نیز کم بود. ولی از زمانی که کارخانه ای بزرگ چه در محلات صنعتی می بود و چه در شهرها و آبادی جدید رویه از یاد گذشته شد تعداد اعتصاب ها هم زیاد تر شد.

به چه علت تولید یک کارخانه بزرگ همیشه منجر به اعتصاب می شود؟ به این علت که سرمایه داری ناچار باید به مبارزه کارگران علیه کارفرمایان منجر شود و وقتی تولید بصورت عده است این مبارزه به ناچار شکل اعتصاب به خود می گیرد. این را توضیح دهیم:

سرمایه داری نام آن نظام اجتماعی است که در آن زمین کارخانه ها و وسایل و غیره... منطبق به تعداد کمی از ملاکین و سرمایه داران است و در حالی که توده مردم به اصطلاح از دست ساقط هستند و دارای مایه کم بسیار کوچکی باشند و مجبورند خود را به صورت کارگر گزرا به دهند.

صاحبان زمین ها و کارخانه ها کارگران را گزرا می کنند و آن را به ساقط اجناس مختلف و از چه نوع فرقی نمی کنند و ای دارند اجناسی که همه آن اراد را بازار به فروش میرسد.

یادآوری شویم که تنها مقاله اول (یا بخش اول مقاله) که بیشتر جنبه عام دارد در این جا منتشر شده است ننویسد.

در باره اختصاص به علاوه مزدی که صاحبان کارخانه ماه کارگران می دهند به قدری است که تمام ابرام اداه یک زندگانی بخورونمیرسرای خودشان و خانواده متبار. کفایت می کند. در صورتی که آنچه که کارگران مازاد بر این عقد تولید می کنند به صورت سود به جیب کارخانه دار سرانبری شود. بنابراین در نمان سرمایه داری و توده مردم کارگران مزدور دیگران هستند و آن برای خودشان کار نمی کنند بلکه برای اوستمزد و برای کارفرما کاری کنند. همین به حق است. که کارفرمایان همیشه کوشش در کم کردن دستمزد دارند و هر چه به کارگران کسر می کنند سود خودشان بیشتر است. کارگران سعی می کنند که بیشترین دستمزد ممکن را به دست بیاورند تا بتوانند برای خانواده شان غذای کافی و سالم تهیه کنند و در خانه های خوب زندگی کنند و مثل بقیه مردم لباس بپوشند نه مانند گدایان. بنابراین اما شکش بین کارگران و کارفرما بر سر دستمزد جریان دارد کارفرما آزاد است و کارگری را که به نظورش مناسب تر بیاید اجیری کند و بنابراین دنبال ارزان ترین کارگری رود. کارگر هم در انتخاب کارفرمای خود آزاد است و بنابراین دنبال گران ترین کسی می رود و بعضی آن کسی که بیشترین مزد را بپردازد یک کاررچی در شهر کار کند و چه مردم بچه خود را به ملاک گرایه مد و چه به یک داستان شوخند و یا یک قطعه کارو یا صاحب کارخانه و همیشه با یک دارتنا طرف است و با او بر سر دستمزد دعوا دارد.

ولی آیا برای یک کارر تظلم امکان دارد که به تنهایی مبارزه کند؟ تعداد افراد آن روزی زیاد است. در حال در حال خانه خراب شدن هستند و از دهه سونی شهر و کارخانه ها شراری کنند. ملاکین و صاحبان کارخانه در حال به کار انداختن ماشین آلاتی هستند که کارگران را از شغل میانش محروم می سازد. در شهرها تعداد روز افزونی بیکار و دردهات بیش از پیش آید پیدا می شود و آن ها که گرسنه هستند باعث تغلیل بیشتر و بیشتر دستمزد می شوند. برای سرکارگردی گردا و غیر ممکن می شود که به تنهایی با کارفرما مبارز کند. اگر کارر تظلماتی دستمزد مناسبی بکند و یا به کم کردن دستمزد نهایت ندهد و کارفرما به او بگوید که بیرون برو و از خانه بخواهد کرد که دم در تعداد زیادی مرد گرسنه وجود دارند که با خوشحالی حاضرند با دستمزد کم کار کنند.

وقتی مردم تا آن حد بیچاره شده باشند که همیشه تعداد زیادی بیکار در شهرها وجود داشته باشد و جایی که صاحبان کارخانه با شورت ای کلان رزی هم انبار می کنند و خرده مالکین توسط میلیونها ازیدان به سر می شوند و یا کارر تظلم در مقابل سرمایه داران ملتازین وسی قدرت است. آن وقت برای سرمایه دار ممکن می شود که کارر را به کلی خود کند و از او زن و فرزندش هم به همچنین تا حد مرگ کار برده وار بکشد. مثلاً اگر آن به مشغلی بیاندازیم

که در آن ما کارگران موفق به جلب حمایت قانون از خودشان نشدند مانند نمی توانند در مقابل سرمایه داران مقاومت کنند مدت کاروزانه بی حساب و بیش از حد طولانی را که گاهی اوقات سره ۱۶-۱۷ ساعت می زند و خراشیم دید و کودکان ۵ تا ۶ ساله را خواشیم دید که فشار کارشان بیشتر از حد طاقت شان است و یک نسل از کارگران را اما ترسناک و احمق و ابله پند که به تدریج از گرسنگی می میرند و ملا کارگرانی که در خانه خودشان برای سرمایه داران کاری کنند. به علاوه هر کارگر می تواند تعداد زیادی از این مثال را به خاطر بیاید! حتی در رژیم نازی بوده داری و فئودالی هم هیچگاه ستم دیگری زحمتکشان به دستنالی ستم دیدگی کارگران در رژیم های سرمایه داری نبود ماست و آنگاه که کارگران نتوانند از خود مقاومت نشان دهند با از حمایت قوانینی که حاصل خود سرانه کارفرمایان را محدود کند برخوردار شوند.

بنابراین کارگران برای این که از این شدن خود تا چنین حدی جلوگیری کنند مبارزه نویسد انضامی آغاز می کنند. از آن جا که می بینند که هر کد امتنان به تنهایی در مقابل سرمایه داران کاملی قدرت هستند و ستم سرمایه تهدید به نابودیشان می کند شروع به طغیان دسته جمعی در مقابل کارفرمایان می کنند. البته ایات کارگری آغاز می شود. در ابتدا کارگران غالباً نمی دانند که چه می خواهند و چون به هدف های اعمال خودشان آگاهی ندارند. تنها ماشین را را خرد می کنند و یا کارخانه را خراب می کنند. فقط می خردند و خشم خود را به جماع کارخانه نشان دهند و نیروی دستجمعی خود را امتحان می کنند تا بلکه بتوانند از یک وضعیت غیر قابل تحمل خارج شوند و بدون این که هنوز بفهمند چرا موقعیت شان این قدر نومیدانه است و برای چه چیزی باید تلاش کنند. در تمام کشورها خشم کارگران در آغاز شکل طغیان های منفرد به خود گرفت - پلیس کارخانه داری روسیه به آن ها "شورش" می گویند. در تمام کشورها این طغیان ها منفرد از یک طرف به امتصاب های کم و بیش جماع آمیز از طرف دیگر به یک مبارزه همه جانبه طبقه کارگری برای آزادی خودشان منجر شده است.

اصطحاب ما (یا وقت در کار) برای مبارزه طبقه کارر نیست ؟ برای اینکه به این پرسش پاسخ بدیم باید نخست تصور کامل تری از امتصاب داشته باشیم. مزد کارگران همان اندازه دیدیم توسط قراردادی بین کارر و کارر تظلم تعیین می شود و از تحت شرایطی کارر تظلم در مقابل می قدرت باشد و واضح است که کارر تظلم باید برای خواست ایشان به طور دسته جمعی مبارزه کنند و برای جلوگیری از این که کارفرما مزدها را پایین بیاورد و یا برای به دست آوردن مزد بیشتر مجبورند امتصاب های را سازمان دهند. این یک واقعیت است که در هر کشور سرمایه داری امتصبات کارگری وجود دارد. همه



درباره انتصاب

جا، در تمام کشور ایروایی و در آمریکا کارگران وقتی که متحد نیستند و در آن بین احصاء می کنند و فقط به صورت دسته جمعی می توانند در مقابل کارفرما مقاومت کنند و یا با انتصاب کردن رها بمانند دیده انتصاب با تکامل سرمایه داری و باز شدن کارخانه های بزرگ و ولج بدروز افزون سرمایه داران کوچک، توسط سرمایه داران بزرگ و نیاز به مقاومت دسته جمعی کارگران بیشتر و بیشتر می شود چرا که بیکاری زیاد می شود و رقابت سرمایه داران و راه سنی می کنند اجناس را از راه نازل ترین قیمت تولید کنند و بیشتر می شود ( که به این منظوری باید به کارگران دستخیز بود و کفتری بدند ) و نوسانات صنعتی مخصوصاً تورم بهر آن طریقی منتصب توی شود . وقتی صنعت شرفان است و کارخانه داران سود های کلان می برند ولی اجناس به فکر شریک کردن کارگران در سود نمی افتند . ولی با این آمدن به در آن سنی می کنند که خبر نا را به گردن کارگران بیاندازند . در واقع اروپایی لزوم اجتناباً در جامعه سرمایه داری تا این حد توسط ترکیبی شناخته شده که قوانین این کشور تشکیل انتصابات راضع نمی کنند . فقط در روسیه است که قوانین ریشیان هر شد انتصابات ممنوز اعمال می شوند ( در فرصت دیگری از این قوانین و موارد استعمال آن با سخن دروا می آید ) .

در خصوص انتصابات انجمنی از خود اینجست جامعه سرمایه داران از آغاز مبارزه ایته کارگر بر نه این نظام اجتماعی خبر می دهند و زور بردن سرمایه داران نوزند با کارگران منفرد می بیند به نوبت بزرگی مالک کاروان . ولی وقتی این کاروان می بیند با هم متحد شدند از اج تمهیر میزند هیچ ثروتی در دنیا به درد سرمایه دارانی خود مگر این که او بتواند کارگرانی پیدا کند که حاضر باشند نیروی کار خود را بر روی وسایلی و مواد که متعلق به سرمایه دار است صرف کنند و ثروت تازه ای تولید نمایند . وقتی که کارگران ناچارند به طور انفرادی با سرمایه داران معامله کنند به سان بودگان واقعی باقی نمانده و بهرند برای به دست آوردن یک قرص نان خورم به دیگران خدمت برسانند و که باید تا به خدمتکاران گراینده زبان بسته ای باقی بمانند . ولی وقتی کارگران تقاضای این درابه صورت دسته جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر زمین انشوند و بزرگی آن با به سری آید و تبدیل به انسان می شوند و شروع می کنند به درخواست این که زحمت آن را نباید تقاسم در دست خود کنند کردن چند تن بریز باشد به باید این ایروایی را که زحمت می کنند قادر سازد که مثل انسان ایروایی زندگی کنند . کاروانی شروع به پیش کشیدن تقاضای آشنیدن می کنند . تقاضای این که زندگی آن را باید ندانند آنرا سرمایه داران و مگر کمین برای آن ادرن کارخانه اند و بلند آن کار که در شان می آید و اند باشد . بنابراین انتصابات همیشه سرمایه داران را ملو از

توس می کند . چون که انتصاب آنها از بین رفتن سروری آن است یک سرود کارگری آلدانی در مورد ایته کارگر چنین می نویسد : " تمام چرخ ها از چرخش بازی هستند ، اگر از آن نیرومند شما آنرا اراده کند " . واقعیت هم همین اوست : کارخانه ها و زمین های ملاکین و ماشین ها مخطوط راه آهن و غیره و غیره همه مانند چرخ هایی در یک ماشین عظیم هستند . ماشینی که مواد مختلفی را استخراج می کند و عمل می آورد و در تحویل مقصد ماشین می دهد . تمام این ماشین انتصاب کارگران می کنند . کارگری که زمین را شخم می زند و سینه های معدن را استخراج می کند و کالا تولید می کند و خانه کارگاه و اما آن می سازد . وقتی کارگران از کار کردن امتناع کنند خطرات از ایستادن تمام ماشین می رود . هر انتصابی به یاد سرمایه دار می اندازد که کارگران و نه آن ها آقایان واقعی هستند کارگران که دارند حقوق خود را با صدای مردم بلند تر اعلام می دارند و مطالبه می کنند . هر انتصاب به کارگران یادآوری می کند که موقعیت شان نوسیدانه نیست و آنان تم نمی کنند . بهینجه انتصابات هم بر روی خود انتصاب کنندگان و بهر روی کارگران کارخانه ایروایی در چون و چون و یا کارخانه ایروایی رفته صنعتی به تاثیر شگرفی دارد . در اوقات معمولی و ملج آمیز کارگران غرولند کار می کنند ، با کارفرما چیزی صحبت نمی کنند و در هر شرایطی از دست نمی پاشند . در موقع انتصاب ایرواست ایروایی در در ابا حمای بلند اعلام می کند و تمام سوء استفاده ارباب کارفرما را با نشان می سازد و مدعی حقوق خود می شود و او دیگر فقط کار خود میزند و خودش نیست ، بلکه در فکر تمام کارکنان است که همراه با او بازر از زمین گذاشته اند و بدون ترس از هیچ محرومیتی به خاطر آرزو کارخانه ها هستند . هر انتصاب مترادف با محرومیت های زیادی برای توده زحمتکار است و محرومیت های وحشتناکی که فقط با بدبختی های دوران جنگ قابل مقایسه هستند - خانواده ای گرسنه و از دست دادن دستمزدها - تقاضای توفیق را خواهد از شهر که شانس کارشان است . علی رقم بر مدار او دیگر به تفصیل بیشتر می نویسم بهر آن در منابع و اهمیت شان برای کارگران خواهیم بود است . در این جا صرفاً خاطر نشان می کنیم که در طی سال های اخیر امور صنعتی در روسیه خوب پیشرفته اند . منابع در حال " ترقی " بودند . لیکن اکنون ( در پایان سال ۱۹۵۹ ) دیگر نشانه روشنی وجود دارد این " ترقی " به بحران خواهد انجامید : دشواری ای که در بازار ایروایی آلا دیده می شود و روشنگری کارخانه داران خانه های مسکونی کاران خرد و یا و ویلای مسکونی برای کاروان ( بیکاری و انش دستمزدها و غیره ) .

نشان دهند و مامورین دولت و کارگران آن‌ها هم کوشش می‌کنند که کارگران الحسینان دهند که تزاروت قزاقی و همان طوری که عدالت اقتضا می‌کند همان‌ها در فکر کارفرمایان هستند که کارگران. کارگر در باره قوانین چیزی نمی‌داند و به مامورین دولت هم که تماس ندارند به خصوص با آن‌ها می‌گویند که پست‌های بالاتری دارند و در نتیجه اغلب همه آن‌ها را باور می‌کنند. بعد اعتصاب پیش می‌آید و دوستان گل و

بازرس کارخانه هلیس و غالباً نیروهای ارشد در جلوی کارخانه ظاهر می‌شوند. کارگران در می‌یابند که قانون را شکستمانند: کارفرمایان قانوناً مجازند که در هم جمع شوند و علناً در مورد راه‌های پائین آوردن دستمزدهای کارگران بحث کنند ولی کارگران اگر به یک موافقت مشترک برسند جنایتکار محسوب می‌شوند اگر کارگران از خانه‌هایشان بیرون انداخته می‌شوند و سپس دکان‌هایی را که کارگران می‌توانند از آن‌ها جنس‌نسیه بخرند می‌بندند و حتی وقتی که رفتن کارگران کاملاً مصلح آمیز است کوشش به عطف می‌آید کسب‌بازار را بر بند کارگران تحریک کنند. حتی به سرایان دستور داده می‌شود که به کارگران شلیک کنند و همان وقتی که آن‌ها می‌توانند از پشت به کارگران در حال فرار کارگران بدون اسلحه را می‌کشند و خود تزاروت‌ها در دانی خود راه می‌روند و نمای نظامی می‌فرستند (به همین ترتیب تزاراز نیروهای نظامی که کارگران در حال اعتصاب را در ارسلاط در سال ۱۸۶۵ کشته بودند تشکر کرد) بکم کم بر دیگر کارگری روشن می‌شود که دولت تزاری بدترین دشمن آن‌ها است. چرا که از سرمایه داران دفاع می‌کند و دست‌های کارگران را می‌بندد. کارگران شروع می‌کنند به فهمیدن این‌که قوانین فقط برای ضایع ثروت‌ندان ساخته شده است و که مامورین دولت از این ضایع محافظت می‌کنند و که همان توده کارگر را بسته می‌دهد او اجازه نمی‌دهند که احتیاجات خود را اعلام کند و بگوید کارگر باید برای خودش حقوقی اعتصاب کردن حق چاپ روزنامه کارگری، حق شرکت در مجمع ملی را که قوانین را تصویب می‌کند و اجرای آن‌ها نظارت می‌کند به دست می‌آورد. دولت خودش به خوبی می‌داند که اعتصاب چشم کارگران پراپاز می‌کند و به همین دلیل این چنین از اعتصاب می‌ترسد و برای این که اعتصاب هر چه زودتر تمام شود متوسل به همکاری می‌شود. بی دلیل نبود که یکی از وزرای داخلی آلمان که بدنامی و رهبر دسترس سوسیالیست‌ها و کارگران آگاه شهرت یافته بود در مقابل نمایندگان طغیان‌ها داشت: "در پشت اعتصاب از برای انقلاب می‌خواهد است." در اعتصابی این حقیقت را در کارگران تقویت می‌کند و تکامل می‌بخشد که دولت دشمن آن‌ها است و باید که کارگر باید خودش را برای حل‌وفصل دولت برای حقین مردم آماده کند. بنابراین اعتصاب به

در باره اعتصاب تمام این رنج‌ها و کارگران به آن‌هایی که همکاران خود را ترک می‌کنند تا با کارفرمایان قرارداد ببندند با دیده حقارت مینگرند. علی‌رغم همه این رنج‌هایی که با اعتصاب همراه است کارگران کارخانه‌های مجاور مشاهده این که رضایشان در مبارزه درگیرند مانند شهادت‌نویسی پیدا می‌کنند. مردانی که برای هم کردن پشت‌بند به هم می‌آیند قادر خواهند بود که قدرت تمام بورژوازی را در هم بشکنند. این گفته یکی از آموزگاران بزرگ سوسیالیسم و انگلس در مورد اعتصاب‌های کارگران انگلیسی است. غالباً کافی است که کارخانه اعتصاب کند تا این که اعتصاب فوراً در تعداد زیادی کارخانه شروع شود. چقدر اعتصاب تا بورژوازی کارگران تا تاثیر می‌گذارد و به طور آن کارگروانی را که می‌بینند رضایشان چگونه دیگر سرد نیستند و فعلاً اگر برای مدتی هم که شده به اثر و تنهایی برابر شده‌اند و تاثیر می‌سازد. هر اعتصابی اندیشه سوسیالیسم را به شدت در ذهن کارگران رسوخ می‌دهد. اندیشه مبارزه تمام باقی کارگر برای آزادی ازستم سرمایه غالباً اتفاق افتاده است که کارگران یک کارخانه‌ها یک بخش از صنعت به یک شهر قبل از وقوع یک اعتصاب بزرگ تقریباً هیچ چیز در باره سوسیالیسم نمی‌دانستند و حتی به ندرت در مورد آن فکر کرده بودند و ولی پس از اعتصاب گروه‌ها و دسته‌های مطالعه خیلی در میان آن‌ها مرسوم شده و دسته‌ها بیشتر و بیشتری از کارگران به سوسیالیسم روی آورده‌اند.

اعتصاب به کارگران می‌آموزد که بفهمند که قدرت کارفرمایان و قدرت کارگران در چه نسبتی است. به آن‌ها می‌آموزد که قدرت در باره کارفرمایان خودشان و کارگران همکار خود نشان می‌دهد و ننگند و بلاه تمام کارفرمایان تمام طبقه سرمایه دار و تمام طبقه کارگر را در نظر بگیرند. وقتی که یک کارخانه‌ها از کم‌تر شده زحمت چندین نسل از کارگران سابقین‌ها انباشت کرده است از انباشت کردن یک مبلغ جزئی بود مستمری‌ها امتناع می‌ورزد و می‌سازد حتی کوشش می‌کند که مزد را به یک سطح باز هم کمتری تنزل دهد و اگر کارگران مقاومت نشان دهند هزاران خانواده بگرسند و بمریزد و بر کارگران روشن می‌شود که طبقه سرمایه‌دار در کجاست و دشمن کل طبقه کارگران است و کارگران تنها می‌توانند روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند.

غالباً اتفاق می‌افتد که کارخانه داران حد اکثر سعی خود را می‌کنند که خود را خیرخواه نشان دهند و کارگران را فریب دهند و بهره‌کشی خود را با وده‌های دروغین زودتر رشوه‌دان پنهان کنند. اعتصاب همواره با نشان دادن این‌که "خیرخواه" آن‌ها ترقی در لباس می‌پوشد است این فریب را با یک شریعت نابودی نهد.

به علاوه اعتصاب چشم کارگران را به فقاهت مامورین سرمایه داران و بلکه به مامورین دولت و قوانین نیز بازمی‌کند. همان لحظه کارخانه داران سعی می‌کنند که خود را خیرخواه



در باره انتصاب کارگزاران می آموزند که با هم متحد شوند به آن نشان می دهند که آن منافقان و فتنه پرازان می توانند علیه سران مبارز کنند و انتصاب کارگزاران می آموزند که به مبارزه تمام ابقه کارگر علیه تمام کارکنان و کارکنان علیه دولت استبدادی فکر کنند به این دلیل است که سوسیالیست ها انتصاب را "کتب نبودن" می نامند. مکتوبه در آن کارگزاران می آموزند که باید دشمنان برای آزادی تمام مردم و تمام آن ای که زحمت می کشند و از زیر یوغ مائوین دولت سرمایه نبودن کنند.

لیکن "کتب نبودن" مورد نبود نیست. وقتی که انتصاب در میان کارگران شایع است، یعنی از کارگران (از جمله برخی از سوسیالیست ها) آنان می پرسند که ابقه کارگری می تواند در واقع به انتصاب و صندوق انتصاب، یا به این انتصاب محدود کند. گفته می شود که انتصاب تنها ابقه کارگری می تواند به بود تا به تویی و در شرایط زندگی حاصل و حتی آزادی برآوردند. وقتی که کارگران می بینند که چه قدرتی در انتصاب ابقه کارگری می تواند حتی انتصاب نامی کوچک وجود دارد و به همین خاطر می آید که کافی است که طبقه کارگری انتصاب عمومی در سراسر کشور تشکیل دهد تا این که کارگران توجه را می خواهند از سرمایه داران و دولت بگیرند. این عقیده در کشور ما نیز در دوران که جنبش ابقه کارگری در حال اریه آن بود و کارگران نیز خیلی بی تجربه بودند ابراز شد می بود. این عقیده اشتباه صحیح است. انتصاب یکی از راه های است که کارگران از آن در مبارزه برای آزادی خود استفاده می کنند و ولی تمام راه نیست. زان کارگران ناخر خود را به راه آن دیگر مبارزه نیز مد نظر نگینند هر دو روش به ابقه کارگری را تکمیل می کنند. در صورتی که کارگران انتصاب

به خود اند و موفقیت آمیز می مانند صندوق انتصاب برای تامین کارگران در اقل انتصاب لازم است. این صندوق های کارگران (صندوق صندوق های کارگران در همه جای مختلف صنعتی صنف و یا در یک کارخانه) در تمام کشور ابرقرارند و ولی این جا در روسیه و این کار به صورتی شکل دارد چون که پلیس و آن را بر می دارد و چون کارگران می آید کارگران را توقیف می کند. البته کارگزاران می توانند از لهر رینهان کنند و البته می توان این گونه

صندوق ها خیلی با ارز دارند و می توانند با هم به کارگران نصیحت کنیم که آن مبارات را از نینهند. ولی نباید تصور شود که صندوق انتصاب تا وقتی که از لحاظ قانونی مضمون است می تواند تعداد زیادی امانت داده راه و در جلب کند و تا وقتی که در دست چنین تشکیلاتی تا جزی است صندوق انتصاب خیلی مفید واقع نخواهد شد. به علاوه حتی در کشور ای که اتحادیه ای کارگری ملتی وجود دارد و مجال بخش در اختیارشان است، ابقه کارگرنی می تواند مبارزه خود را به انتصاب محدود کند. فقط لازم است که کارگرنی در اقل انتصاب پیدا نمود (یک بحران مانند آنچه که در روسیه نزدیک می نمود) تا این که کارکنان داران وقتی به آموزش و ایجاد انتصاب میکنند و چون

به نفع آن است که برای مدتی کارکنان را بکشند و در صورتی که کارگران را به آخر برسانند. بنابراین کارگران تحت همین شرایط نمی توانند خود را به عطایات انتصابی و به تملکات انتصابی محدود کنند. دوم این که انتصاب فقط وقتی می تواند موفقیت آمیز باشد که کارگران به اندازه کافی آگاهی ابقاتسی داشته باشند و وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب برای انتصاب کردن را انتخاب کنند و وقتی که آنها بتوانند تقاضای خود را مطرح کنند و وقتی که با سوسیالیست ها تماس داشته باشند و بتوانند از طریق آن ها علیه و جزوات بدست بیاورند.

نخستین تعداد چنین کارگرنی در روسیه خیلی کم است و برای زیاد کردن تعداد چنین کارگرنی و برای شناساندن آن ها به ابقه کارگری بود می ای کارگرنی را از آن با سوسیالیست ها مبارزه طبقه کارگرنی باید هر تلاشی به عمل آید. این وظیفه ای است که سوسیالیست ها و کارگران آگاه باید انجام آن را مشترکاً و با ایجاد حزب سوسیالیستی ابقه کارگرنی این فن ظهور بدهد و گیرند. سوم این که، انتصاب با همان طور که دیدیم به کارگران نشان می دهد که دولت دشمن آن ها است و مبارزه باید علیه دولت انجام شود. در واقع انتصاب ها هستند که کارگران به ابقه کارگرنی کشورها آموخته اند که برای حقوق کارگران و به هر گلی حقوق ملت علیه دولت مبارز کنند. همان طور که تفهیم و تقاضای حزب سوسیالیستی طبقه کارگری می تواند این مبارزه را با ترویج مفاهیم درست دولت و کارگران ابقه کارگری انجام دهد. در فرست دیگرنی انتصاب را به این گونه چگونه انتصاب را در روسیه رهبری می شوند و چگونه کارگران آگاه باید از آن استفاده کنند بحث خواهیم کرد. این جا فقط لازم است اشاره کنیم که انتصاب ها همان طور که تفهیم یک "کتب نبودن" هستند و خود نبودن که انتصاب فقط یک وسیله مبارزه و فقط یک جنبه جنبش طبقه کارگرنی هستند. کارگران باید از انتصاب ای تک افتاده فراتر رفته و همان طور که در تمام کشورها عمل می کنند و به مبارزه در راه تمام ابقه کارگرنی آزادی تمام کسانی که زحمت می کشند بپیوندند. هنگامی که تمام کارگران آگاه سوسیالیست شوند و به نفع کارگرنی برای این آزادی مبارزه کنند و هنگامی که آن ها در سراسر کشور برای انتشار سوسیالیسم در میان کارگران و آموختن تمام رهن آرزو مبارزه علیه دشمنان متحد شوند و هنگامی که آن ها به حزب سوسیالیستی کارگری ایجاد کنند که برای آزادی تمام مردم از دست دولت و آزادی تمام کارگران از زیر یوغ سرمایه مبارزه کنند و تمام آن ها به کارگرنی اساسی آن جنبش عظیم کارگرنی تمام کشور را بر می آورند که تمام کارگران را متحد می کند و پرچم سرخ را بر می افرازد که بر آن این کلمات نوشته شده است:

"کسارگران تمام کشور متحد شوید!"



# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۶ - اسفند ۱۳۵۵

باز هم پیرامین

## عقب نشینی های اخمور هم

رژیم دیکتاتوری شاه در تقابل آن است تا سیاسی گریه خود را بزرگ کند و آب و رنگ ظاهری بیاراید و در برابر برابری پر نفرت خلق های ایران و جهانیان موجه بلوه دهد.

تن در دادن به این تغییر ظاهر و تشری و بر اثر فشار روز افزون افکار عمومی جهان از یک سو و نیرو های ملی و مترقی در داخل کشور از سوی دیگر، و شکستنی و سرگردانی رژیم در کل فایده در پیوند تنبلی ها و معضلات او، آئینده سیاسی اجتماعی و اقتصادی مملکت صورت گرفته است. رژیمی که در میان مردم پایتختی ندارد و نیکه گاه های او نیز روز به روز تنگ تر و محدود تر می شود. رژیمی که بزرگترین حامی آن امیرالیمسم پیاو لندری و تنها حربه اش سرنیزه رشک جوی بوده است. مصداق است، مورد را مغرور و تنگ بینی و زمین را زنجیری در لرزان می بیند. از این رو علی رژیم مملکت خود می فروشد و غیر انسانی این ناچار به عقب نشینی های جزئی و اندک و در اکثر موارد موقت تن می دهد. نمونه این عقب نشینی های تاکتیکی شیو تا زهای است که در زندان اعمال میشوند. در زندان های شاه این فراموشی اندک ای قرون وسطایی که شگجه و تقیرو سنام و تصدیر و آزار شریف توین فرزندان خلق در آن ها اعمال می شود است. نا همان از ماه گذشته تخمیرات شمیری در پی آمد. در ده پیمان مخصوص بازندان این به بخش رفتاری پرداختند. در زندان تا از زندان های سیاسی تصور بیخوله های آفتاب ناگهان با تلفد دیواری و موکت های اسارتگاه را آراستند و در زندان های کیمت به طور غیر مقتدره ای صواب و حوله و تاشق و زدن به زندانیان دادند. تعداد ملاقات ها بیشتر شد و عد های از زندانیانی که ماه ها بود مودت زندان های آن ها سر آمده ولی همچنان در اسارت

نیروز باستانی و جشن بهار و رستاخیز طهرت را به همه کسانی که در آزادی فرار کردن بهار زندگی و رستاخیز اجتماعی و نیروز بهروزی هستند از صدم دل شاد باشم که نیم و امیدواریم همین استبداد زده ما نیز در سایه پیوند همه نیروهای آزاد بخواه و همین برست بزودی از شادی گلهای بهاری و آوای دلپذیر پرسندگان آزادی لبریز شود.

## نامه یک مادر

کرده و کودگانی که در نخستین سال های حیات فقط ان عم انگیزید و مادر را احساس می کنند و برای دیدن چند لحظه های آن ها کیلومترها راه آمدند و بارها و بارها بی نتیجه بازگشتند و دوباره باز آمدند و اندوخته های مادر انتظار ماند ماند. این جمع به ظاهر نامعقول برادر درشتوکی به هم پیوستند می دهد و از آن ها فامیل پنهانی می سازد که به هم اعتماد دارند و نزد هم در دل می کنند و سفره دل را بازی گشایند و به هم تسلی و نیروی دهند.

من امروز از میان این فامیل بزرگی آیمو با آن که علمم پر از زنده و حسرت است و در برابر این انبوه سوگواران غم خود را فراموش کردم.

نمی دانم در همین باره بیستین سال سی امین بار بود که برای دیدن آنها پسر و نان آورم به اوین می رفتم. دربار پس از چهارینیم ساعت انتظار و تحمل تحقیر و بد ویراه نگهبانان و دروغیانی که با آنر میبیل های رفتارند و خود می آمدند و از در برابر ما می گذشتند و چاک در نشان را باز کرد منتک بارانمان می کردند و بدین آن که پسر مرا برای یک لحظه هم که شد میبینم به باز می گشتم. پسر مرا سه سال تحمل زندان در حدود یک سال پیش آزاد شد. شاد و بدیلور در بارها برای او گرگه گمان نمیکرد بتواند پیش از مرگش یک بار دیگر گوشه ای را ببیند و در تقویش کشد و قابل توجیه است. بقیه در صفحه ۲

در یکی از بهترین و سرسبزترین نقاط شمالی تهران در ناحیه جاد معروف اتوبان در گذارده قدیمی اوین معروف ترین و بزرگترین زندان سیاسی ایران ساخته شده است. از چند کیلومتر مانده به این زندان تابلوی بزرگی که روی آن نوشته شده " منطقه نظامی " و بر دربان های فراوانی که در اطراف پراکنده اند و رونوم رفت و آمد به این ضلعه را محدود و مشروط می کند. اما با وجود محدودیت شدید که برای عبور از کنار این تابلو برسدین به در آهنگی بزرگی که در میان درختان انبوه احاطه شده و وجود دارد در اکثر روزهای هفته به ویژه در روزهای پنجشنبه این منطقه ممنوعه نظامی پایه عبارت درست تر و این اسارتگاه و شکنجه گاه نجیب ترین و شریف ترین فرزندان خلق های مستمیده ما و انباشته از زنان و مردان و کودکانی می شود که شوین فرزندان و پدران و مادران آن ها در سلول های مرمر و چشمتاک اوین زندانی اند. علی رغم کوششی که جلادان این برای جلوگیری از هجوم خانواده ای این ضلعه به بعضی می آید و منع طویل انواره زندانیان در برابر در زندان و آهنگین اوین بر پنجشنبه ایی تن می شود بعضی از پسر مردان در هم شکسته پیرزنان و نوجوانانی که اشک چهره های با شکوهشان را بیخ

ناهی ...

نیست. من در روز و شب از ناراحتی خودم نداشتیم که حتی پاییز را از خانه بیرون نماندیم و نشستم و به چهره او به این چهره زد و کشیده و در زمین و چو چو و زجر کشیده زن زد. او را بیدار و بیدار می کردی سرانجام من و این رویای زیبا که در برابر من بود و من را نصیبش را به سستی می توانستم بسازم کنم و بیره ماند و نگریستم. تو را بیا و ای ایرانوازی کردی و بعد از آمدن ابارکونه این را بوسیدم. این رویا در نیمه شب در زمین روزی که از بازگشت او می گذشت مبدن به نایب بود شد. نیمه شب در خانه باز آمدند. بسم در خواب بود. برای آن که بیدار نشود به سرعت خود را به دروازه و آنرا کشیدیم چندان تلتشن بدانم می تری و تراشیده بودند که با نریه لگد در راه پارتان کردند و بافتن و سلسل به درون خانه ریختند. در یک لحظه در برابر چشمهای بیرون شده من او را از رخت زاب بیرون کشیدند و می آن که فرصت لباس پوشیدن به او بدند و گمان گمان روی زمین کشیدند و به طرف در خانه بودند. عده دیگری شروع به واری تمام سوراخ سنبه های خانه و سوراخ کردن و پاره کردن بالین ها و لجاها و ما شکستن آشپزی ای در دیوار و موزائیک های کف زمین و واژگون ساختن پانچان و اهرای نمودن رادیو و سوراخ کردن کیسه شکر و نمک و لوبیا و واری لباس ها و چوب های من کردند. من و شست زده و میوان نریا زدم: "از جان من چه می خوانید" گفتند: به توانی نداریم عدنیال بسمرت آمده ایم. گفتیم: ولی او را نری ندره است و شست سلامت بیشتر نیست که آزادش کرده اید و در این مدت پایش را از خانه بیرون نداشتی.

یکی از آن خول های بی شاخ زدم که قیافه اش از تمام مجسمه های بی آبروی که در تمام میدان های شهر ما است بی آبروتر و گریه تر بود بسم داد کشیدیم: زن و این حرف ها به ما مربوط نیست. به ما گفته اند که اگر باز داشتیم که دلیلی بر او از زبانی ما بیرون.

التماس کردم و زاری کردم و اما فایده ای نداشت. دست آور بسم را در آغوش کشیدم. آنچه گفتم که تا وقتی من زنده ام نمی آیدم از این جا بپرید. اما آن ناپالک می به گوشهای بر تپام آوردند و بسم را که از چشم لب به دندان می گزید با خود بردند. از آن به بعد کار من شد در به در نسیان زندان بسم نشستن به به گفته زندان تصور و اداری ارتش اداره ساوا. تران در نیابان میبده توی پایان بولسار سرزدن به اداره مرکز ساوا در ریخانه رفتن و از آنجا به نتیجه رسیده به زندان این آمدن. اما اشک های من مثل جست و جویای من می باید می نداشت. من استقامت می کردم که فکرا دو کلام نوشته ام از بسم به من نشان بدهید. ولی جز سکوت و نگاه تصدع و وحشی دشنام جوابی به من ندادند. تا وقتی سرانجام به این رانده شدم. در آن

خیل عظیمی چون خودم یافتیم. پس از چند دیدار با آن ما مانوس شدیم. به زودی دریافتیم که بسیاری از اینان از من تیره روز ترند اما با همه شوریه تی خود و عجز و التماس نمی کنند و گریه نمی کنند و می نندند و در این شده کمی دانم با این جانشان آمیخته است و غرور و سرفرازی عجیب وجود دارد.

نخستین کسی که در میان این نامیل در زند تو بهم را جلب کرد مرد چاقی بود یا مونا می سپید. همه به او احترام می گذاشتند. در رفتارش متانت و حشمت غریبی بود. از یک خانم چادری آکسید پسرش در زندان بودند و ای چند هفته رفت و آمد به این با او دوست شده بودم پرسیدم: این آقا کیست؟ گفت: چطور ایشان را نمی شناسی و ایشان آقا می رنایی هستند که چهار سرویک دستش به دست دوشیمان شهید شده اند و سرویک پسر یک دختر و او از زنش هم زندانی هستند.

آقای رنایی که حرف می زد بعد از آن گرم و متکم بود و وقتی شروع به صحبت می کرد و آن قدر جدی و صبریان سخن می گفت که همه درد رایشان را فراموش می کردند. او صفت نیکی از خانواده من در اوین و نیم دیگرشان در زندان تصور هستند. حرفه باید هم قیافه گریه دوشیمان شهر یانی و نم میخواب های ساوا را تحمل کنم.

آقای رنایی می گفت: چرا مرانی گیرند. این طور ی تمام خانواده در زندان جمع می شوند. زن جوانی با چشمان درشت سیاه و جذاب در حالی که دست دختر کوچکی را در دست دارد و به ملاقات شوهر آمده است. او عصر گلشایی است که به زندان آمده محکوم شده است. تنگلی که شوهر در شکمجه آه شاه بود و در طفل او در شکم داشت. وقتی این نوزاد متولد شد با توجه به سرنوشته پدرش او را "آزاده" نام گذارند. همسر جوان گلشایی در حالی که دست دختر کوچک او را در دست دارد و به دیگران دلزاری می دهد. می گوید: سال فرزندان و شوران و پدران مادر زندان ها بپسوند. من به طم بیشتر از این ما ایمان دارم.

مادری که جادر سیاه بلند می بوسد داشته از ما صوران خواهش می کرد که به او اجازه دهند فقط از دور پسرش را ببینند. ما اطب اورسولی و شکنجه گرم و سرد و سفاکی بود که شرفش حش شهرت ابله است. او در بی شرفی و نالت و سفندی و خلق ایتشایی خداست. پوزن به رسولی می گوید: برای ما حاجاتی با بسم آمده ام. می خواهم بروم گریه پایبور سید الشهدا. شمارا هم دعا می کنم. اجازه بدید بسم را ببینم. نقطه یک نگاه.

رسولی با پوزنند و تصدع جواب می دهد: از دست امام حسین هم کاری ساخته نیست. برو بی کارت.

## سیمای زن در جامعه کنونی ایران

کشور ما دوران دردناکی از تاریخ خود را می‌گذرانند. امیرالیم برای حفظ مویخ بیانی خود در ایران مصرانه می‌کوشد و رژیم فاسدی و فاسدگرایان ایران با او همکاری می‌کند. در آمد نفت به جای این‌که برای بهبود زندگی مردم به کار رود و صرفاً در دست اربابان و عیال غریب و گران‌الوقت فرسای و کمبود کالا این نیروی از جمله نان و گوشت نقد، یاز و سبب زمین مردم را به ستوه آورده‌است. در جامعه ای با چنین ویژگی که زندگی مردم و تابلوی حزن انگیزی است که در آن ازاضیت و رفاه آسایش اثری دیده نمی‌شود، زنان و مادران ایرانی دست به گریبان مشکلات بیشتری هستند. رژیم ضدملتی ایران، بنا به نیت پیش‌اندازدهی به بهبود اساسی و واقعی زندگی زن ایرانی ندارد. رژیم زن را از خانه جدا کرده و در تولید اجتماعی شرکت داده، به‌دین مغایر که از این بیشتر مورد استثمار و حسیانسه قرار داده و مانع از آنکه شاه و اشرفه ایران چند باره اعتراض کرد مانند زنان و در تولید اجتماعی شرکت می‌دهند تا کمبود نیروی انسانی در ایران برطرف شود.

میلین تجاری رژیم درباره آزادی زنان ایران هشدار خاصی به کار می‌برد و در استان‌ها و درون پاره سینما، لاپلائی نوشته ای روزنامه را در مجلات و زن ایرانی را به صورتی غیرقابل قبول جامعه تصویر می‌نمایند. ترسیم زندگی تعداد انگشت شماری از زنان بسیار مرغ ایرانی و تحت به خاطر بی‌اعتبار کردن مقام زن ایرانی و اثبات نظریه ارتجاعی شاه است که در حقیقت به بی‌بهره‌ای و بی‌بهره‌ای روزنامه ناآرامی‌هایی چنین ابراز نمود: "... زنان استعداد و لیاقت برابری با مردان دارند."

فقط کودکان فراموشی‌کنند یا می‌خواهند فراموش کنند که در جهان زنانی چون روزالوکزامیورک، آنا زویا، اما توشکوف، اما ویدانفر از زنان برجسته وجود داشته و دارند و در مرز و بوم ایران پروین اعتصامی، آقا محترم اسکندری، آقا زند و خت، آقا ویدانفر از مبارزان نویسنده و شاعر بربرده شده‌است. به قول روزنامه "سپیل الصین" "هر یکی از او وجود ای بین‌اروی انتقالی ستارگان یا لشکریان شاه، به بین کشته شدگان انتقالی، جسد بیست زن مشروطه البدر لباس مردانه پیدا شده‌است. مدعا دارد و سرانجامی چون "اصطفا بر آقا" و "سید تیزایی" آقا نادرشایگان و "آقا و زنی" را تدبیر جامعه ایران کرده‌اند. ترسیم و شناساندن چنین تجربه ای می‌تواند به مردم در امور اجتماعی دولتی تراری می‌دهد و متعکس کردن زندگی زنان عادی ایران از وظایف مایه و دست‌آورد تبلیغاتی دولت خارج است. زن عادی ایرانی از گرسنگی و بیماری کودکان رنج می‌برد. او در

خانه و در مزرعه و کارخانه استعاری شود، او آرزوی یک شکم سیر برای کودکانش و پوشیدن یک لباس نو در شب می‌دارد. در صورتی زن ایرانی علی‌رغم تبلیغات رژیم و در تمام زمینه‌ها (سیاسی، اقتصادی، خانوادگی) در اساس تغییر نکرده است. شرکت چند نماینده زن ضد تغییر در مجلسین، به معنی آزادی سیاسی بوده و وسیع زن ایرانی نیست.

وساطت تبلیغاتی رژیم و چندین سال درباره یکی از اساسی‌ترین مواد حقوق مدنی یعنی قانون ازدواج، سرچشمه راه انداخته و با انتشار نوشته‌هایی با عناوینی از قبیل: "باز جدید قانون خانواده، بسیاری از تبعیضات ناروای خانگی را از بین می‌برد" خواستند مردم را بفریبند و سرانجام قبل لایحه حمایت خانوادگی موشی زائید و هیچ گونه تغییر اساسی در قانون حمایت خانوادگی به وجود نیامد.

هزاران زن در کارخانه‌های پنبه پاک کنسی، قالیبافی نساجی، نیروی کار خود را به بهای بسیار ارزان می‌فروشند و در همانه از آن بهره‌کشی می‌شود. همه آن‌ها در زیر پوشش بیمه اجتماعی قرار می‌گیرند و در دوران خامگی به جای حمایت از آن‌ها، از کارخانه رانده می‌شوند. زنان روستایی نیز با کار در مزرعه و در سنگین در شالیزارها، با جمع آوری چوب و شاخه برای گرم کردن خانه و کاشانه خود، صبح راه شام می‌رسانند. دست‌های استخوانی و زحمت‌کشیده آن‌ها، از کار در شوار روزانه حکایت می‌کند. درمانگاه و داروخانه‌ها وجود ندارد، زنان کودکان بیمار خود را از روستای به روستای دیگری برند، تازه در یک ناحیه ۲۰۰ هزار نفری یک درمانگاه وجود دارد و آن‌ها دکتر کشیک ندارد. زنان "گناه" (از توابع پوشش) کودکان بیمار خود را به دوش کشیده و به پوشش می‌برند و "زیرا در" گناه" درمانگاه و پزشک اصولاً وجود خارجی ندارد. به بین توتیب زنان روستایی از ابتدا این تریب وسیله رفاه و آسایش محرومند، زندگی آن‌ها با تریب و زحمت شروع می‌شود و در مزرعه می‌زایند، بچه خود را به پشت می‌بندند و کاری کنند. زنان زحمتکش دیگر کشورها، زنان روستایی و در راه دری، سنت‌ده زندگی اند و چهار آنان، هم‌انسانی و امثالش می‌تند. این زنان با درد و زحمت لقمه نانی به دست می‌آورند و آه یک یا چند کودک را بین ناخامینان به‌خود می‌بندند و سیر کنند. زندگی این موجودات که از گوسفادی به گوسفاد می‌شوند، نمونه کامل فقدان عدالت اجتماعی در جامعه کنونی ایران است.

زنان کارمند دولت نیز امروز در سخت‌ترین شرایط در اداریات بشیهد در صفحه ۴









نامه يك ...

بیزرن استخاشه می آید . جلاذ باختم ایلمی راند :

— برو پ بیزرن ، کورنه تورام می فرستم هر دست پسررت ،  
برو از امام حسین ملاقات براه .

ناظر این صحنه از چشم و بیزری لبیزند . اما چکاری شود  
کرد ؟ فعلا دور دور رذل ها و بی شرف ها است .

بیزرن در حالی که اشک بهنای صورتش بر او آب کرده ،  
بود از آن جا دور شد . بیکر شسته و چهره هم انگیزش دل به  
را ریش کرده بود . آه از میان تنق هر آراش زاری زد . بمشی  
از جاشمرا ، همراه او به آرامی اشک می ریختند . مادر همسر  
بازرگان ، مبارزی کعبه حبیب ابد محکوم شد ، است ( پسر صوی  
ناصریازگان که سه سال پیش تیرباران شد ) و الا . راپاسیاه  
پوشیده است می گوید :

— از جلاذ غیر از این چه انتظاری است !

مادر سنجری ده يك پسرش تیرباران شده و پسر دیگرش به  
زندان ابد محکوم شده لب ندمی زند . این زن مثل کوهی ماند .  
همین صیفتی نمی تواند ایضا در آورد . خنده هیچ وقت  
از لب هایش ندر نمی شود . نشاط او ، سرزندگی و روشنی پرتدلو  
چشم هایش ، از امید ی تعلق ، از ایمان به آزادی فرزند در  
بندش و به فرزند ان دریند این سرزمین حکایت می کند . درین  
باهیج زریهای نتوانسته اند روان پاک این مادر قهرمان را تپه ره  
کند . او می گوید :

— این ها دارند بادی کارند ، غرور اتوفان در رو خواهند کرد  
خانم سنجری با همه غرور می زند و خوش و پیش می کند . بیشتر  
حرف های تراجم به صاف می آید . سی و طکتی وزندانان  
سیاسی است . به قول او : بلوی زندان اوین تربیون آزاد  
است وی توان در باره همه سایل حقوق حرف زد .  
او با اعتماد جیمانه بود به خانواده ها ، تخم اعتماد  
را در دل می نارد .

او دو سال پیش که دیگر زندانیان سیاسی آزاد نمی شوند  
یهدنی آنهایی که به حکم دادگاه های فرمایشی و سفاک  
مدت اسارت طولانی و ظالمانه اند که برای آن ها رقم زده اند ،  
سپری کرده اند ، زندان در زندان نگه داشته می شوند ،  
انبوه جمعیت در بر بزندان این بیشترند . اما این انبوهی  
علت اساسی تردیداری هم دارد و آن اوج توری نهفت و جذب  
افراد قشور و طبقات جدید به مبارزها این بدترین و دشمنانه  
ترین رژیم تمام تاریخ است .

به دنبال گشتار ، نفرزانی گروه چینی — تاریخی دو  
زندانی به وسیله جلاذ ان شاه ، رژیم شهرستان او به ویژه  
از شیراز و مشهد زندانیانی ره مدت محکومیت آن ها از سال  
بیشتر است به اوین منتقل کرده اند . در آذربایجان است که امین  
افراد به جای این مآزاد شوند حضور ملاقات می شوند و هیچ  
يك از بستندان و فاقیل و خانواده آن ها امکان نمی یابد با آن ها  
ملاقات کنند . برای اکثر این افراد باردیگر برودت جدید تشکیل  
می شود و اتیام دید آن انقضی برودت است . به این ترتیب اکثر

برای تکمیل رونده بازجویی ، جوانان مدت تا عملوی در  
زندان نگه داشته می شوند .

گویا بهنها از این همه زحمت و و شیواری و غلظ اطلاع  
ندارد و تنها مردم جهان فراموش کرد ماند که در روی گنج نفت  
وس و اهرانیوم ضحاک زمان از بد بهشت ترین و محروم ترین  
ملت جهان ، هر روز تعدادی قربانی می گیرد و زندان های  
روز افزون ، و در ابا عزیزان دلبنده خلق بر می سازد . به از دو  
سه سال پیش بولد زند ما به طور شبانه روزی در اوین مشغول  
کارند . زندان های چند طبقه بتونی مثل قارچ از گوشه و  
کنا این دهکده لمستی در حان روئیدن است . بعضی از  
خانواده ها که به اور اتفاقی توانسته اند نظری به داخل  
زندان بیاندازند ، تعریف می کنند که در زیر زمین تونل های  
عمیق برای بریاد اشتن سلول های جدید زندان حفری شود .

تعداد سلول ها زیاد می شوند ، زندانی ها بیشتری می شود  
و مدقاتی ها از این درد و بیشتر . اشک ها ، ضجه ها ، التماس  
ها ، و در کنار این ها جلاذ ان بیشتر ، زندانبانان بیشتر و  
وسایل شکنجه بیشتر .

زندان اوین سرسبز و ذرم است . پدری یکی از زندانی  
ها می گوید :

این جا پارک فردای خلق است .

و سن می دادم افراسی می گوید . قلم به من اطمینان  
می دهم که این پیشکوی درستی است . بچه های سیزده —  
چهارده ساله ای که ایضا از پشت میز و پشتک های دستا  
و دبیرستان به زندان ای شاه منتقلی شوند و بر تعداد  
شان روز افزوده می شود ، بهترین دلیل این اطمینان من  
استند . من يك سال است که به رفته به اوین می آیم .  
در این مدت دوستان زیادی یافتام . مردان و زنان  
بزرگی که فرزندان و دلبندان خود را به پیشگاه عدل  
تقدیم کرده اند و با غرور و افتخار می گویند : سه پسر مد و پسر  
يك دخترم ، پنج تن از اعضای خانواده ام ، هفت تن  
از پسرهای فاقیلم در زندان اند . من درین روزها با آن ها  
و در همین حال ، و نسروری و اعتقاد و ایمانشان ، در خود موفقتان  
پسر را فراموش کرده ام .

حالا فاقیل بزرگوری یا تمام . پسرهای من به شعار تمام  
جوانانی است که در زندانند . حتی بیشتر از این و هم آتیبایی  
که جان شان را برکت گرفته اند و با این زندگی سنگی و پانیان و  
پاسداران جنایت پیشه آن در یکبارند ، دست توان و پسران  
من اند . حالا دیگر آرزیم این نیست که پیش از بزرگم مکه  
شاید زیاد در نباشد ، بار دیگر پسرها ببینم ، تنها آرزیم این  
است که واژگین شدن این بساط جبهنی و آزادی ملتسم را  
ببینم . مرت در آن لحظه دیار برویم دشوار نیست .

اعضای صفوظ





### کلا راستگین

#### بنیاد گذار روز بین الطلی زنان

کلا راستگین یکی از برجسته ترین و جوان ترین کادرهای آلمان و یکی از بنیاد گذاران اصلی جنبش بین الطلی زنان که در ۵ ژوئیه ۱۸۵۷ متولد شد و در ۲۰ ژوئن ۱۹۳۳ وفات یافت. تلمذ زندگی آگاهانه و در وقت مبارزه در راه آزاد یزدانگشان و به ویژه زنان کرد. وی با اعتقاد به این که بدون شرکت برابر حقوق و فعال زنان مانده نمی از بشریت را تشکیل می دهند نمی توان جامعه ای آزاد و پیشرفته به وجود آورد و با اعتقاد به این که فقط در جامعه سوسیالیستی است که می توان آزادی و برابری واقعی زنان را تأمین کرد. در این همکاری عادلانه و آزادی بخش شرکت داشت.

در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین الطلی زنان سوسیالیست کلا راستگین پیشنهاد کرد که روزی به عنوان روز بین الطلی زنان تعیین گردد. هدف وی آن بود که به جنبش زنان هر چه بیشتر صلت بین الطلی بدد و بدین وسیله همکاری در راه آزادی و برابری حقوق زن را تشویق و توسعه دهد.

پیشنهاد کلا راستگین از طرف کنفرانس بین الطلی زنان سوسیالیست پذیرفته شد. از آن به بعد در سال ۸ در روز ۸ مارس زنان جهان در زمین ابراز همبستگی بین الطلی متناسب با شرایط خاص خود و استادی خود زنان در کشور و مراکز دیگری برگزار می کنند.

آرزوی کلا راستگین و همه زنان مترقی جهان در کشور های سوسیالیستی تحقق پذیرفته است. به همین جهت روز ۸ مارس در کشور های سوسیالیستی روز جشن زنان است. در اتحاد شوروی این روز جشن عمومی و تعطیل است.

ولی در کشورهای سرمایه داری از جمله در همین مسای ایران، روز ۸ مارس روز همکاری زنان در راه آزادی و برابری حقوق است. تردیدی نیست که این همکاری که مورد پشتیبانی مردان زحمتکش و مترقی نیز است، سرانجام آزادی و برابری حقوق را برای زنان این کشورها نیز تأمین خواهد کرد.

"حزب شانزدهمین حزب را همبر و نمونه کمونیسم جهانی است که ره آورده بیروزی آن وقت نظرات و طرح های دیگر و فقط برای ما زنان آزادی کامل اجتماعی و انسانی بوده است."

از سئوالاتی کلا راستگین در سیزدهمین کنفرانس سوسیالیست کلا راستگین در

### چه کسی می خواند من و تو ما نشوم

بازی کردم  
توبه من می خندی  
من ممدانه و ام زد : بازیکن پنجره را  
پنجره را می بندی .  
بامن اکنون چه نشستن ها می خوانی هست  
باتو اکنون چه فراموشی هست .  
چه کسی می خواهد من و تو ما نشوم  
خانقاهش ویران باد .

من اگر ما نشوم ، تنهایی  
تو اگر ما نشوی مخوش نمای  
از کجا که من و تو شوهریک پارچگی را در شهر  
بازیها نکنیم  
از کجا که من و تو مشت رسوایان را وانکنیم  
تو اگر بخیزی من اگر بخیزم ، همه بر می خیزند  
تو اگر بنشینم ، من اگر بنشینم ،  
چه کسی بخیزد ، چه کسی با دشمن بستیزد  
چه کسی پنجه در پنجه هر روزه به در آویزد .

دست با نام تو ای گویند  
گوه ها شعور مرا می خوانند  
گوه باید شد و ماند  
رود باید شد و رفت  
دست باید شد و خواند .

در من این جلوه اندوه ز چیست  
در تو این همه پریشانی که چه  
در من این شعله عصیان نیاز  
در تو دسپردی پائیزی که چه

حرف را باید زد  
در در را باید گفت  
سخن از مهر من و جور تو نیست  
سخن از ملامت می شدن دوستی است  
وقت بودن بند آرزو و مهر  
آشنایی با شور و جدایی با درد  
و نشستن در بهت فراموشی یا غرق غم

سینما آینه های است یا فباری ارم  
توبه لبخندی از این آینه بزای غبار

آشیان تپه دست مرا  
بیخ داستان تو پر می سازد  
آه مگر ارکه داستان من آن  
اعتقاد یک به داستان تو دارد  
به فراموشی ما بسیار  
آه مگر ارکه موفان سپید دست  
دست پر مهر امرد و تپه بگد ارد .

من چه می گویم ، آه  
باتو اکنون چه فراموشی هست  
بامن اکنون چه نشستن ها می خوانی هست .  
تو صد ارکه فراموشی من هست بر همان فراموشی من .

تو اگر بنشینم ، من اگر بنشینم ، چه کسی برخیزد

چه کسی ؟

# خبرها

## عیدی شاه به کارگران

عیدی شاه به کارگران ایران توسط جاسوس معلوم‌الحال روسوای او، آزمون که در این وزارت کار قرار گرفته داده شد. آزمون در جلسه تیر کارفرمایان واحد های پسران صنعتی که در اتاق بازرگانی ایران تشکیل شد علیه کارگران به کارفرمایان طماع چوای سبزه نشان داد و متذکر شد که پرداخت سود ویژه به کارگران یک اصل حتمی و غیر قابل اجتناب نیست. سود ویژه با بهره دینی کارگران در حدی نیست که سود قابل ملاحظه ای عاید کارخانه کند. نهایتاً در دیناری بابت سود ویژه به کارگران پرداخت شود و اصولاً پرداخت سود ویژه و میزان آن وابسته به میزان بهره دینی کار است.

به دنبال این برهنه نمودن آزمون و در بسیاری از کارخانه ها اعلام شد که کارخانه به علت زیان قدری پرداخت سود ویژه نیست و در دیگر واحدهای تولیدی نیز میزان سود ویژه نسبت به سال های گذشته کاهش چشمگیری یافت. غیر از کارفرمایان در تعیین میزان سود ویژه آزادی عمل نماند و بیچارگان در این تصمیم ضد کارگری رژیم چنان همچنان و خشمی در کارگران برانگیخته که حتی "راشدی" هم در یک سبب کردن کارگران به عنوان اعتراض یاد آور شده است که سیاست جدید طباعت شهرونی و اعتصاب ضد کارفرما را در کارخانه ها برپا کند.

بی شک کارگران در برابر توطئه های نوبتی رژیم علیه منافع خود ساکت نماندند و نشست و ایستادند و خواستار مبارزات اعتراضی و اعتصابی آن در راه نمودند و خواهند شکست.

## بیکاری روز افزون کارگران

در شهر کارگری قزوین از سیه دم چند ماهی از مردم بیکار که سال ها معمر بود در کارخانه های ایران و در خدمت سرمایه داران برای لقمه نانی تلف کرده اند، مقابل اداره کارایی جمع می شوند تا مسئولین این اداره برایشان کاری پیدا کنند. تا مدتی پسران با بیان وقت اداری نیز محض کارگران بیکار در مقابل این اداره به چشم می خورد و آنکه کارگران به مسئولین کند کار این اداره اعتراض می کنند که چرا برایشان کاری نمی آورند روزی که بیکاری بدست خالی به خانه بروند از کجا باید بپزند و ماهران اداره با همکاری پلیس با توتون آن ها را متفرق می سازند تا با آمدن روزی که محض طویل تری از بیکاران تشکیل شود. هر روز از طریق این اداره که زیر نظر صد تقیم ساواک خالی نگاری کند تعدادی کارگر به کارخانه ها می آید شهر صنعتی قزوین نرسد و می شوند اما همه کسانی که بیکارند

معرفی می شوند نمی توانند امیدوار باشند که به کار مشغول می شوند زیرا کارفرمایان از میان کارگران معرفی شده کسانی که جوان تر هستند و توان جسمی بیشتری دارند و بر کارگرانی که چندین سال سابقه کار و مهارت دارند و در ضمن به تأیید ساواک و اداره کارایی سابقه شرکت در مبارزات اعتراضی و اعتصابی و سیاسی نداشته باشند و انتخابی کنند و تازه چنین کارگرانی را بدون توجه به سابقه کارشان در صورت داشتن تجربه و مهارت با روزی ۱۸/۵ تومان و بدون آن با روزی ۱۲/۵ تومان استخدام می کنند. در چنین شرایطی است که مردم از کمبود نسبی انسانی و کمبود کارگران مردم می زند و از کره، فیلیپین، پاکستان و کشورهای ارتجاعی دیگر برای کمک به مشکلات اقتصادی آن ناچار می گردند صفوف کارگران ایران بکارگر به ایران وارد می کنند و به آن ها دستمزدهای گزافی که چندین برابر دستمزدهای کارگران مشابه ایرانی است می پردازد.

## صنوع تصفیه و استخراج در کارخانه آبگینه قزوین

اخیراً کارخانه آبگینه قزوین را یک سرمایه دار جدید از سرمایه دار قبلی خریداری کرده است و به قول خودش برای سامان دادن به مدیریت آن و جلوگیری از اعتصاب و اعتراض های کارگران که سرمایه دار قبلی را فلج کرده بود، دست به یک سلسله تصفیه در واحدهای مختلف این کارخانه زده است. استخراج کارگران قدیمی و کارگرانی که به دلیل تخصص محققان از دیگران بیشتر است از سیاست های جدید مدیریت کارخانه آبگینه قزوین است. به دستور صاحب جدید و تاکنون در این کارگرد پیله که سال ها در این کارخانه کار کرده بود صورت کارگران متخصص و تحصیل کرده برآمده بودند و به دلیل این که آگاهی نسبی دارند و این آگاهی را به کارگران دیگر منتقل می کنند و همین که حقوقشان بیشتر از حقوق کارگران ساده است استخراج شده اند. استخراج این کارگران به بهانه های عجیب و دادن دواخطار کتبی به کارگران که امکان انجام آن ها را فراهم می کند صورت گرفته است. طبق قانون کار، کارفرما می تواند کارگر را در صورت داشتن دواخطار روانی کارفرما استخراج کند. این استخراج با ظاهراً به سود دینی کارخانه نیز می افزاید زیرا کارگران جدیدی که به جای استخراج شده ها استخدام می شوند حقوق بسیار کمی پرداخت می شود که حد اکثر ۱۸/۵ تومان است.

## اسلحه کارگران مبارزات متشکل و وسیع صنفی و

## سیاسی و طبقاتی است

### اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز

در نیمه اول بهمن ماه دانشجویان دانشگاه تبریز به عنوان اعتراض به بسته شدن شرکت تعاونی دانشجویان این دانشگاه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب دانشجویان با حمله گارد و ماموران ساواک به اعتصابچین همراه شد و نتیجه ده ها دستگیر و پسر دانشجوی مجروح شدند. عده ای از دانشجویان نیز دستگیر شدند که از سرنوشت آن ها اطلاعی درست نیست. دو نفر به دست ساواک پیش از بد نفر از تحصیل محروم شدند که عده ای از آن ها به سر باز زده ها فرستاده شدند. ساواک برای مخالفت با هرگونه اجتماع دانشجویان به دانشگاه های مختلف دانشگاه ها دستور داده است که شرکت های تعاونی دانشجویی و انجمن های کتاب و کوهنوردی و غیره تعطیل شود. همچنین به دست ساواک فروشگاه های تعاونی باید توسط دانشگاه و کسانی که ساواک معرفی می کند اداره شوند و در حالی که دانشجویان معتقدند این فروشگاه ها باید به شکل شرکت تعاونی اداره شوند. از ابتدای سال تحصیلی جاری در تمام دانشگاه های ایران نسبت به این عمل ساواک واکنش نشان داده شده است که از آخرین آن دانشگاه تبریز است.

### تظاهرات ابتکار در دانشجویان شیراز در روز عاشورا

اصال روز هم نام محرم (عاشورا) هنگام برگزاری مراسم عزاداری در شیراز دانشجویان دانشگاه پهلوی با استفاده از یک جمعیت خوب در جمع عزاداران شرکت کردند و با طرح شعارهای سلیک در باره مقاومت دلیوانه شهیدای کربلا در برابر جور و ستم حکام زمان توجه مردم را به لزوم مبارزه با رژیم فاسد و جبار کفونی جلب کردند. دانشجویان که در صفوف منظم به همراه دیگر دسته ای عزاداری در تظاهرات مذهبی روز عاشورا شرکت کرد، بودند ماموران انتظامی را در برابر عمل انجام شده قرار دادند. آن ها در یک فرصت مناسب شعارها را تودهای و صحنی را که قبلاً تهیه کرده روی پرچم های عزاداری نوشته بودند در میان جمعیت باز کرده و داخل صفوف عزاداران بر سرها لا می سرود گرفتند. مدت ۱۰ طول کشید تا ماموران شهربانی ساواک که با عزاداران حرکت می کردند از متن پرچم ها مطلع شوند و این زمانی بود که شعار دهندگان پرچم نارایسه دست دیگران و مخصوصاً کودکان در دست داده بودند و خود به میان جمعیت فرو رفته بودند. این ابتکار عمل در هزاران نفر از مرد شیراز تاثیر عمیقی به جای گذاشت و آنان را به پیش به مبارزه با نیروهای اومنی کفونی رژیم شاه جلا متوجه ساخت.

### مبارزات اعتراضی و تحصیلی در دانشگاه اراک

به دنبال اعتصاب های هفته های آخر نیم سال اول دانشگاه های ایران که از ۱۶ آذر شروع شده بود اکنون با آغاز ثبت نام نیم سال دوم در دانشگاه ها دانشجویان متوجه غیبت هکلاسی های خود که به چند ساواک گرفتار آمده اند و محروم شدن جدا دانشجویان به دلیل شرکت در اعتصاب شده اند.

خبر محرومیت و دستگیری های از دانشجویان در دانشگاه های مختلف دانشگاه های ایران موجب اعتراض و راهی گردیده است. از جمله در دانشگاه قمی دانشگاه تهران به دنبال امواج اعتراضی دانشجویان سال اول این دانشگاه ضلح شده است و واحدهای دانشجویان را قبول نکردند. دانشجویان باید از ثبت نام کنند و واحدهای نیم سال اول را بگذرانند.

در دانشگاه علوم دانشگاه تهران نیز دانشجویان که به هنگام ثبت نام برای نیم سال دوم متوجه دستگیری و نفر از هکلاسی های خود و محروم شدن دوازده نفر دیگر از همزادان به سر باز زده ها شده بودند شروع به اعتراض کردند. دانشجویان این دانشگاه تصمیم گرفتند تا آزادی و بازگشت دوستانشان از حضور در کلاس خطوط داری کنند.

همزمان با اعتراض های دانشجویی و محروم ساواک به دانشگاه اراک از دانشگاه تبریز نیز خبری رسید که در جریان اعتصاب های اخیر این دانشگاه که از ابتدای سال به دلیل قطع کمک هزینه تحصیلی آغاز شد و در ۱۶ آذر به اوج خود رسید عده زیادی مجروح شده و احیاناً چند نفری بر اثر هجوم پلیس به دانشگاه گشته شده اند. تعداد محترمانه و دستگیر شدگان این دانشگاه از ۱۵۰ نفر گذشته است و هنوز کلاس های نیم سال دوم این دانشگاه به دلیل اعتراض دانشجویان به دستگیری هکلاسی هایشان تشکیل نشده است و پلیس و گارد دانشگاه در دانشگاه دستگیر هستند.

همچنین از امواج خبری رسید که در جریان مبارزات آغاز سال تحصیلی دانشگاه جندی شاپور که ضربه به هجوم حشمانه پلیس به دانشگاه و دستگیری عده زیادی از دانشجویان شده است و دستگیر دانشجویان گشته شده است. در جریان هجوم ماموران شاه بهین از صد دانشجویی به شدت مجروح شدند. اعتصاب دانشگاه جندی شاپور را عواض به دنبال دستگیری یکی از دانشجویان این دانشگاه هنگام مطالعه در اتاق دکتر مهدوی، از استادان دانشگاه توسط ماموران ساواک آغاز گردید و دکتر مهدوی به عنوان اعتراض به این عمل از سمت خود استعفا داد. دکتر مهدوی در استعفای خود عنوان کرد که کتاب مورد مطالعه دانشجویی دستگیر شده از کتاب های



و خاست اوضاع در آذربایجان بعدی است که گاه حتی عناصر مورد اعتماد رژیم را نیز مجبور به اعتراف و اعتراض می‌کند. اینها دکتر فتاح موسوی رئیس انجمن شهر تبریز در جلسه انجمن استان تابلوی ننگینی از وضع فلاکت‌بار آذربایجان که به واسطه سوابق درخشان آزادخواهی مردمش و رژیم با بی‌اعتنایی خصوصاً آمیزی به سایل و مشکلات آن برخوردار می‌کند، توسعه کرد.

دکتر موسوی وضع کشاورزی و شرایط زندگی روستائیان آذربایجان را چنین توصیف کرد:

آذربایجان به یک جامعه صرفی تبدیل شده است. نبودن راه، آب و وسایل مدرن کشاورزی و سرمایه گذاری محلی کشاورزی به دلیل نبودن راه و دسترسی به بازار و عدم حمایت از کشاورزان، این خطه زیخیز را که به‌تازگی ایران شهرت داشت نابود کرده است.

فقط در منطقه شهرستان میانه ۲۸۴ روستا راه ندارند و رساندن مواد غذایی به این روستاها در طول سال به ویژه در زمستان که به واسطه برف و کولاک کوره راه آنها هم بسته می‌شوند، بسیار مشکل و گاه غیرممکن است. در تمام این روستاها به دلیل نبودن پزشک و دارو وسایل احکانات درمانی روستائیان باید بیماران خود را با پای پیاده به شهرها و مراکز بخش‌ها بفرستند و این هم به هنگام بسته شدن کوره راه ناممکن می‌گردد. فقط در شهرستان میانه در زمستان گذشته ۹۵ هزار نفر در محاصره برف قرار گرفتند.

در مورد وضع بد آموزش و کمبود معلم و مدرسه نیز دکتر موسوی اظهار داشت که در تبریز در هر مدرسه سه سرمدگاه چهارمدرسه کاری‌کننده و کمبود معلم و مدرسه به شدت محسوس است. در میانه دستانی که چهار سال پیش ساخته شده هنوز روی آموزگار را به خود ندیده است.

### رژیم کارگران را از سود ویژه محروم میکند

اخیراً به کارگران کارخانه‌های صنایع بشم و شهنواز اصفهان که دولت اداره آن‌ها را بعهده دارد اطلاع داده شد که سود ویژه اسال پرداخت نمی‌شود زیرا کارخانه پول ندارد. کارگران ضمن اعتراض به مدیر کارخانه تأکید کردند که اکنون کارخانه روزه/۵۰۰ متر افزایش یافت دارد و چگونه می‌شود که پول برای پرداخت سود ویژه وعهدی‌مانداشته باشد. این کارخانه محصولات خود را حتی برای یکسال بعد هم پیش‌فروش می‌کند.

نماینده کارگران با مدیر کارخانه و رئیس اداره کار اصفهان به مذاکره پرداخت که کار به مشاجره و دعوا کشید و منجر به مداخله ساواک گردید. فعلاً مسئله به وزارت کار (در تهران) احاله شده است. لازم به یادآوری است که تعداد کارگران صنایع بشم / ۱۲۰۰ و شهنواز / ۷۰۰ نفر است.

مجاز و متعلق به کتابخانه دانشگاه بود ما مست و وثائقی مطالعه در حضور وی در اتاق اوسورت گرفته است. انصاف دانشجویان دانشگاه جندی شاپور که یکی از خونین ترین اعصاب دهای سال تحصیلی جاری بود حتی ضحریه اعتراضی دکتر جامعی رئیس دانشگاه شد و گویا نامه‌ای طی تلگرافی از این بیرون و حشمانه به شاه شکایت برده و اعتراض کرده است.

### ناراضی در درون ارتش استوار می‌یابد

اینجا اطلاعاتی از طرف ارتش بهادر شده و به تمام واحد های صلح کشور ابلاغ گردیده که از پنهان شدن یک افسر ارشد نیروی زمینی بگریزند. این افسر ارشد درجه سرهنگ، دو بی دارد و اهل آذربایجان است. بر اساس اطلاعاتی از این افسر در آجودانی بهداری ارتش وابسته به نیروی زمینی کاری کرده است و آن طریقه اطلاعاتی می‌گوید هنگام فرار چند قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ با خود برده است.

در سال های اخیر این نخستین بار نیست که افسران و درجه داران ارتش به دلیل ناراضی از روابط حاکم بر ارتش و نقض تعهد میهنی آن یا از ارتش ریخته‌اند و بیا به دلیل مخالفت با رژیم تحت تحقیق قرار گرفته‌اند و گاه پنجمان یا آشکارا تیرباران شده‌اند.

از جمله این ارتشیان میهن پرست، علی مدعی بود که پیراز گریز از ارتش و مدت ها قبل به پنهانی در یکی از نمایان های شهر توسط ساواک تور شد و سران آجودانی مجید فرود نیا که خبر اعدام وی به بهانه بیانست روزنامه های دستوری ایران چاپ گردید. و بسیاری از افسران میهن پرست دیگری که در دادگاه های درسته ساواک - شاه مذاکره و به طور پنهانی تیرباران شده‌اند حقیقت این است که ناراضی در ارتش به خلقی ایران روزه روز این بیشتر می‌آید و افسران میهن پرست از حضور ارباب مآبانه نظامی آمریکا در ارتش ایران و وصلت نمردی و ارتجاعی ارتش به ستوه آمده‌اند.

### نصوداری از وضع اسفبار آذربایجان امروز

آذربایجان که زمانی از پیشرفته ترین مناطق ایران بود امروز با اقتصاد عقب مانده، شامپوزی رزیه بر شکست و فقر و خانه خرابی در تقنان، بی سواد و کمبود امکانات آموزشی، ستم ملی، ترور و انتقام شدیدی فرهنگی و سیاسی مشخوری شود.

# نویسد

شماره ۲ - مرداد ماه ۱۳۰۶

(وابسته به حزب توده ایران)

پیرامین سرخ

## مسائل کارگری

پس از وقفه کوتاهی که بواسطه برخی فعل و انفعالات و تصمیم‌گیری‌های محدود کارگری تازه در وزارت کار، همراه با دشمنانه‌ترین فشارهای پلیسی و اختناق بر محیط کارگری و لزوم ارزیابی شرایط تازه به منظور یافتن بهترین شیوه‌های مبارزه در جنبش توان‌گستر کارگری ایران پیش آمد، امواج تازه اعتراض و اعتصاب واحد‌های صنعتی کشور را در پی خود برد. بدینال دهها و دهها اعتصاب - بزرگ و کوچک کارگری در سال گذشته که طیفش عجم و سرکوب و حنیانه مأموران جنایتکار رژیم و برخی از آنها به بیروزی - رسید، در جمیع کارگری نمایان گردید. با گذشتن دوچهار آزمون این مأمورین شناخته شده ساواک در رأس وزارت کار و طرح یک رشته تدابیر خشن و ضد انسانی را مبنای سر توان و اوج گیر جنبش اعتصاب و مطالباتی کارگران را سد کند. از جمله این تدابیر معدوم کردن تماسات و تماس‌های کارگرها در هر واحد صنعتی تا آنجا که در برخی از کارخانه‌ها بین کارگرانی که بر روی ماشین‌های مختلف در یک سالن و در زیر یک سقف کار می‌کردند حصارطوری کشیدند و برای جلوگیری از تماس آنها مأموران ویژه گماردند و ساعات غذای کارگران بخشهای مختلف را از هم جدا کردند تا از هرگونه تماس آنها جلوگیری کنند (همچون کار در حفاظتی در هر کارخانه به منظور سرکوب فوری هر گونه حرکت اعتراضی و اعتصابی و تشدید فشار و خضوت نسبت به کارگران را میتوان نام برد.

اما تصمیمات ضد کارگری رژیم در جنبشها شوق نشد. از اواسط نیمه دوم سال گذشته جلسات متعددی از کارفرمایان در وزارت کار با حضور فوجپهرازمین برآمد تا تدابیری خشن‌تری علیه جنبش مطالباتی

بقیه در صفحه ۱۱

نویسندگان: محمد کارگری در رابطه با بحران برق

## رسوائی برق و حقایق پشت پرده

رسوائی برق که هرروز ابعاد فاجعه آمیز آن گسترده‌تر میشود، برای رژیم پرمعده و از رنگ و ریشه فاسدی که چون باد بیک خود را با باد تله‌فانت و مایوسرائی‌ها انباشته است، نه تنها یک روشکستی سیاسی بلکه فراتر از آن یک روشکستی کامل ایدئولوژیک است.

کلا چهارراه احترام بردارید. به دروازه تمدن بزرگ آریامهری رسیدیم! بقیه در صفحه ۷

## نامه‌های اعتراضی و خواسته‌های ملی

بدینال نامه‌های پرسرو صدای دیگر علی‌اصغر حاج سید جواد و دکتر مهدی بهار که سند محکومیت روشکستی رژیم ضد خلق شاه را به ملت ایران عرضه می‌داشتند، همین روزها نامه‌ها و افلاکهای بسیاری از جانب جمعیتها و افراد سرشناس و معتقدین پرخاشجو منتشر میشود. از این جمله است بنایه افشارگری که با اطمینان ۶۴ تن از قیام و وکلای دادگستری ایران منتشر شده که ضمن اعتراض به لوایح شفرموده جدید دادگستری که برخلاف اصل صریح قانون اساسی، قوه قضائیه را به زیر پرچم قوه مجریه میکند استقلال و اعتبار دوباره قوه قضائیه را خواستار شده‌اند.

شخصیت‌های معتبر قضائی ایران در این بنایه خود را برای احیاء نهاد استقلال و حرمت و اعتبار قضائی و انحلال مراجع اختصاصی نادرسی ارتش پاتاکید بسیار طرز و وضعیت جدید و وکلای آزاد بخواهاند گستری نوشته‌اند.

بقیه در صفحه ۲

هر صدای اعتراضی تازه‌ای که بگوش می‌رسد نشانه طغیان و بهتایی قشورها و گروههای جدیدی است که بدیروز اختناق مشت میکنند ناراضمان روز به روز بیشتر میشوند، پایگاههای رژیم تنگ‌تر میگردد و فریادهای صیایان اوج و تهاجم بیشتری می‌یابد. رژیم دیکتاتوری صحتی به سر نیزه و شگجه و زندان و چهارسردرگی و نگرانی شده است و در برابر موج‌های رومخیز و بیای خواسته‌های ملی که در رأس تمامی آنها مطالبه آزادیهای فردی و جمعی، احیای قانون اساسی و بازگشت شروط و بن‌تجیر انداختن گزک خون آشام ساواک، قرار دارد، تن به عقب نشینی‌هایی میدهد. ضرورت تشکیک فوجشیری و شکستن حصارهای ترس و وحشتی که سازمان جهانی امنیت شاه سالها آن را پاسداری کرده است، پیش از هر وقت دیگر احساس میشود.

در این اوضاع و احوال نامه‌های سرگشتگان اعتراضی روشنفکران و ناراضمان که اغلب بخشی از هائب ملی و تحصیل‌وستی را که بر مردم - هرود افشا میکنند، چون روزهای زردسته دست میگردد.



نام‌های اختراعی ...

"باید قوه مقننه با انجام انتخابات واقعا آزاد و فارغ از بیم و هراس از قید سلطه قوه مجریه خارج شود. . . و حقوق و آزادیهای ملت ایران به صورت آزادی بیان و علم و اجتماعات به معنی واقعی محترم شمرده شود."

و کلا ولغات دادگستری تصریح کرده اند:

"قوه مجریه باید اعمال اقتدارات خود را در حدود اصول قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند."

نهیست رادیکال ایران نیز در ای اعلامیه‌های کتب تاریخ ۳۰ تیرماه منتشر کرده، ضمن بررسی حرکات و نظایرات ملی در ماههای اخیر برای اعاده قانون و آزادی و خواستهای خود را بشرح زیر کلاسه کرده است:

۱- آزادی کامل اجتماعات و مطبوعات، لغو سانسور و تمهید حقوق اجتماعی و سیاسی ملت پرستگامهای خبری دولت از جمله رادیو و تلویزیون.

۲- انحلال مجلسین و تدارک انجام انتخابات آزاد و قانونی و انصراف از حزب واحد.

۳- تأمین استقلال قوه قضائیه بر اساس موازین قانون اساسی.

۴- آزادی زندانیان و تمهیدبهای سیاسی و اعاده حیثیت از آنها . . .

ناه‌های بسیار دیگری نیز بر این روال منتشر شده است که از این مجموعه قسمتی از ناه‌های احمد صدر، با دست‌های سابق تهران و وکیل دادگستری، دکتر سنجایی، داریوش - فروهر، دکتر بختیار (از رهبران جبهه ملی) و سرعشق‌باز - نشسته امور رحیمی و نیز ناه "سرگشاده" کاتین نویسنده‌گان ایران به اطمینان، تن از نویسندگان و شعرا و مترجمان کشور که معتبرترین نمایندگان هنر و ادب امروز ایران اند و پر صفحات ۷ تا ۷ همین شماره "نمود" چاپ شده است.

پس‌پس‌های مردم

صبح يك روز تابستانی . تاكسی پشت چراغ قرمز می ایستد  
راننده تاكسی چشمش به يك مردی زلفی و راننده آن‌كه  
يك فلبینی است می افتد :

راننده : فلان خان شده‌ها پول این ملکت را میگیرند و  
عشق میکنند و به ریشها مردم میخندند .

مسافر ۱ : چه بگویم ! ما راننده های بهایانی از دست این  
خارجی ها در عذاب هستیم . راننده های خارجی  
ماهی ۸ هزار تومان میگیرند و تازه تمام مخارج مثل  
راهم به آنها میدهند و آنها فقط رانندگی می  
کنند ، اما ما که تصدیق يك درهم ماهی هزار -  
تومان میگیریم و خرجمان پای خودمان است -  
مکانیکی ما همین هم با خودمان .

مسافر ۲ : تازه يك چیزم از ما طلبکارند . آقا من راننده  
شهر دارم . ماهیكه حقوقم را ایضا فکرمی‌ماند اما  
میهند می گرفتیس ماست ایضا حقوق من و رفقای  
مرا بالا کشیده و ما هم کاری از دستمان برنی آید  
مخصوصا میخواهند که ما هم دنبال رشوه‌کارهای  
آنچنانی برویم چون که دلشان میخواهد مردم -  
سرشان به يك کاری گرم باشد .

مسافر ۱ : آقا از این حرفها نزنید بربانیان بد میشود .

مسافر ۲ : بالا تراز میانی که رنگی نیست . روزگار ما هم که از  
سیاه سیاهتر است .

مسافر ۱ : تقصیر خودمان است . ما با هم متحد نیستیم و هر  
کاری کردند هیچی نمیگوئیم . باید دست بکاری  
بزنیم . ( و متصخر ) مگر خود ماه نگفتیم که برای گرفتن  
حقان میتوانیم امتضا بکنیم ! حالا ما هم باید -  
امتضا بکنیم ، نه اینکه فقط حرف بزنیم .

مسافر ۳ : ای آقا ! ( پاسدای آهسته ) این شرکت های حمل  
ونقل و تمام شرکت های بزرگ مال شامو برادر و  
خواهش است . هیچکس جرأت حرف زدن ندارد

مسافر ۱ : من باید ده روز در بندر توی نوبت بخوابم تا بار  
به من بدهند اما ماشینیهای شامو غلامرنگاه از  
راه میروند فورا پارگیری میکنند . عجب ملکتی  
است .

راننده : آقا به خدا تقصیر خودمان است . نباید بگذاریم  
این طور باشد !

مسافر ۲ : تقصیر همه است . باید با هم یکی باشیم و نترسیم .  
( بحث گرم است اما تاكسی به مقصد رسیده و باید بنیاد شد )

دشمن مردم حیلگر و قسی و پشتیانتان جهانی  
آن آرزند و زورمندند . تنها بازوهای ضد همه  
مخالفتان رهم میتواند چنین دشمنی را در هم  
شکند . تفرقه نیروهای مخالف رهم ارتجاعی  
بهترین "ارمغان" به این رهم است . در راه  
وحدت عمل همه نیروها و عناصر رهم  
رهم از هیچ گوشه و سرشتی دریغ نکنیم



# مرگ مشکوک یک آزادبخواه

مرگ ناظنظره دکتر علی شریعتی، جامعه شناس معروف اسلامی و مبارز آزادبخواه و استاد دانشگاه موسی از خشم و انزجار راهلیه رژیم سفاک و خون آشام شاه - ساواک برانگیخت. دکتر شریعتی حدود بیست روز قبل از مرگش با گذرنامه‌ای که تنها نام "مزینانی" (دنیالک نام فاضلش) را داشت موفق شده بود ساواک را بفریبد و از کشور خارج شود. وقتی ساواک به این امر پی برد به شدت خشمگین شد و یکی دو هفته بعد که عصر و دختران شریعتی میخواستند به شوهر و بدر خود بیروندند از خروج عصر او از کشور جلوگیری کرد. این امر خود با توجه به مفارقت و همکاری پلیس درنده شاه با پلیس انگلیس شایعه دست داشتن ساواک را در مرگ ناظنظره - دکتر شریعتی دامن زده است، بهره که دکتر شریعتی یکی از مخالفان فعال رژیم استبدادی شاه بود و در میان مسلمانان شرقی و روشنفکران آزادبخواه عواد اران بسیار داشت و همین چندی پیش پس از تنها اسارت در شکنجهگاههای شاه آزاد شده بود.

بدنیال انتشار خیر شهادت علی شریعتی موجب از - تطامرات گسترده و خشن و زد و خورد های شدید دانشگاه های ملی و آریامهر و تهران را فرا گرفت. در دانشگاه تهران دانشجویان همین دادن شعارهای ضد رژیم با مأموران خود گاه و سفاک و جنایتکار شاه به زد و خورد پرداختند.

بعد از ظهر سه شنبه ۳۱ خرداد در مجلس ختمی برای پدر شیخ مجید معادی خواه در مسجد ارک تهران ترتیب یافته بود. مهندسین بازرگان در روزنامه‌ها مجلس ترحیم را اعلام کرده بود و صدها نفر با آشنایی که با شیخ مجید معادی خواه که از روحانیین آزادبخواه و مبارز است و سالها عمر خود را در زندان شاه سپری کرده است، در مسجد ارک جمع شدند. درست در همین روز در روزنامه‌ها اعلام شد که دکتر علی شریعتی ظاهراً بر اثر سکنه قلبی در لندن در گذشته است. با پخش این خبر در مسجد غوغایی برپا شد و اکثر کسانی که در مسجد ارک اجتماع کرده بودند یکصد شعار علیه رژیم پلیسی شاه - ساواک را شروع کردند. ضمن همین شعارها چندین نفر با صدای بلند اعلام داشتند که ساواک بدستور و توطئه شاه علی شریعتی را همانند جلال آل احمد و صد بهرنگی کشته است. این تطامرات به خیابان ارک کشید و همزمان با آن در آنها - پلیس ماسک دار به مسجد و تظاهرات کنندگان حمله ور شدند و ضمن مجروح کردن جمع زیادی، بعد و صد نفر را دستگیر کردند و با کامیون های مخصوص بردند که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. رژیم بار و پرو شدن با این خشم مردم و در جهان وسیع قشرهای مذهبی، روز بعد اعلام داشت که مجلس ختم دکتر شریعتی که تاریخ آن در روزنامه‌ها روز پنجشنبه دوم تیر

ماه اعلام شده بود به تعمیق افتاده است. اما در بسیاری از شهرهای ایران مردم علیرغم مخالفت ساواک مجلس ختم دکتر علی شریعتی را برگزار کردند. در شیراز دانشجویان در یکی از مساجد در افتاده مجلس ختم گرفتند و همین بخش اعلامیه و دادن شعار، مجلس ختم را به اجتماع ضد رژیم ترور و خفقان تبدیل کردند. در این ماجرا مأموران شهرتانی و ساواک تعدادی از شرکت کنندگان مجلس ختم را دستگیر کردند.

در مشهد نیز مجلس یادبودی در محاصره کامل یک نیروی بزرگ و مسلح به شهرهای مخصوص، سلسل و بی سیم تشکیل شد که سرانجام آن به زد و خورد مردم خشمگین بانویروما - انتظامی کشید. تمام خیابانهای محلات اطراف مجلس یاد بود بوسیله پلیس مسلح قرق شده بود.

علاوه بر اینها از جانب دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده معروف، اعلامیه‌ای در سوگ مرگ دکتر علی شریعتی منتشر شد که از جمله در آن چنین آمده است:

برادر گرامی من دکتر علی شریعتی به شهادت رسید و او به پیروی از شریعت حق اسلامی در سالهای شگوفایی عمر کوتاه خود و در همه دقائق و لحظاتی که نیش زندگی او در دوران حیات پر پرکتش از شهید زمان خود بود شهادت به تعبیر اسلام و در ادراک بی کرانه و فیاض علی شریعتی نه در اینار جان و مرگ در میدان نبرد بلکه در حذر و در زندگی زمانه و رنج و محنت است که از - رهگذر استبداد و ستم ظالمان و سالوس پاناکاران وزارت زباندوزان بر مردم بینوا میسرند. . . . او در زمینه این جهان انسانی تبلور زنده یک امت بود، زبان و نظم او در چرخش بیدارگی و ظلم و ستم نظام استبداد تیغی بران والامسی درخشان و حجتی قاطع بود. . . . راه او راه جاویدان حق و حقیقت و جهاد بر علیه ظلم و ستمگری بود. . . . من به خانواده او تلمیحت نمی گویم بلکه برای فرزندان او و همه فرزندان بافتنیلت وطن خود آرزو میکنم که همچین دکتر شریعتی پیوسته شاد زنده و شهید جاوید زمان خود باشند.

هزارها نفر در زندانهای شاه در مراکز کشور در بندند، در شکنجهگاههای "کمیته" و "اوین" و - "اطاقهای تشیت" مراکز ساواک بوخشیانه ترین شکنجی عذاب میبینند و تحقیر میشوند. برای چه؟ برای - خواست عدالت اجتماعی، دموکراسی و استقلال کشور ما. وظیفه ماست که از این مبارزان خلق دفاع کنیم

# نامه‌های اعتراضی

۱

بنفع آن جمعیت حرف زده بود مانند و از آن بهمد هیچ وکیل مدافع نظامی جرات نمیکند که بنفع موکل خود بیان و دفاعی بکند .

... در همین موضوع شکجه زندانیان و بد رفتاری با آنان که نهانزد خاص، وعام شده و کلیه خانواده‌های زندانیان به علت سوء رفتار و عمل مأمورین با خود آنها و با زندانیانشان ناراحت و معترض هستند اگر روند آنها در اختیار دادگستری بود و دادستان میتواند بوظایف قانونی خود عمل کند - چنین مسائلی پیش نیاید یعنی اصلا اگر دادگستری قدرت و استقلال داشت از وضع و تصویب قانون تشکیل محاکم نظامی و انجام محاکمات سیاسی در آن دادگاهها ممانعت میکرد و از جریان این همه محاکمات خانمان بهادره و مطر و مهلك برای مردم بیچاره ایران جلوگیری مینمود .

... تبلیغات فریبنده و وعده‌های اغفال کننده و دلخوشی‌های اساسی که بصورت نشر آگاند بیخبر و ضحوف کننده جامعه درآمده است جرئت قابل تمقیب میباشد ، سالهاست که مردم را با همین وعده‌های پوشالی و ادعاهای سرپا خلا و دروغ سرگرم کرده‌اند . يك روز برای فرهنگیان خانه میسازند روز دیگر بیکارگران نوبت مسکن میدهند روز سوم قراه و قه پات کشور را با آخرین وسائل راحت زندگانی مجهز میکنند و حتی پشت تریبون مجلس رسماً میگویند کشور ایران تا ده سال دیگر بهشت خواهد شد و از این نوع ادعاهای دروغ و فریبنده - اضال و شواهد بقرری است که میتوان کتابها از آن تدوین کرد .

... در ختام عرایض خود در صورتیکه اهل بحضرت سؤال کنند که علاج این همه درد و گرفتاریها در مملکت ما چیست عرض می‌نماید استقرار تجدید حیات قانون اساسی کشور با انحلال مجلسین و تشکیل مجالس منتخب مردم و تفکیک و جدایی و استقلال کامل قوه قضاویه از قوه مجریه و انتخاب وزیر عدلیه و سایر مقامات قضایی از بین قضات بنا بر انتخاب خود آنان و لغو کلیه قوانین ناقض اصول مشروطیت چاره ضحهوری بفرود بردنای کشور است و آن نیز مقدور نخواهد بود مگر اینکه فرمان انحلال سازمان اضیت و اطلاعات کشور را قبل از عراقد ای صادر فرمایند تا انتخابات و انتصابات صحیح و بدون اعمال غرض و نظر انجام گیرد .

اغیرا احد صدر دادستان سابق تهران و وکیل دادگستری ، نامه سرگشاده‌ای بمشاه نوشته که در زیر بخش‌هایی از آن را میخوانید :

در سالی که پیش از چند روز از آن سپری نشد دستگای قضایی کشور دو دفعه شاهد حمله اهل بحضرت بهاتندگسنگ بود ماست که در آخرین دفعه حتی آنجا را بهشت جنايتكاران نامیدند . قهات و کارکنان دادگستری از این تعبیر ناراحت شده و از خود سؤال میکردند که کدام جنايتكار واقعی بدستگای قضایی معرفی شده و از آن پاك و فخره خارج شده است - بعلاوه مگر دستگاه دادگستری چیزی از اجزاء این کشور نیست؟ چگونگی میتوان در گوشه‌های از استخری که مطو از آب آلوده و سیاه زنگ است آب پاکیزه و زلالی حقتانمود؟ بادر خطمای از گسری که خورشید آزادی و عدالت در آن فرو میگردد و ظلمت خفتان بر آن سایه گسترده است چگونه انتظار - روشنایی سعادت و خوشبختی و تابش نور عدل و داد میتوان داشت؟

... قوه قضائیه کشور مدالهی قانون اساسی ایران مستقل است و نهایستی بهیچ يك از دو قوه مجریه و مقننه بستگی داشته باشد و این یکی از پایه‌ها و اساس مشروطیت ما است که سه اصل ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ ضم قانون اساسی قوای سه‌گانه مملکت را ناشی از ملت و ممتاز و مفصل از یکدیگر تعریف کرده است . در اینجا این سؤال پیش می‌آید که ند امیک از این اصول فعلا مجری است و ملت در انتخاب یا انتصاب کدام قوه از قوای ثلاثه کشور خالت یا حتی نظارت دارد؟

... سالهاست که در کشور ایران دشمنی آشقی ناپذیر و مبارزه بیگبری با اساس شخصیت و انسانیت بوجود آمده است و از طریق ارباب یا اغفال یا تطمیع بی حد و حصر و بهر صورتی از صوکه شده است سعی میشود موازین و حواظ به آدیت و شرف مردم و اساس اعتقاد و حیثیت انسانی و شخصی از بین برود بهلت این مبارزه بسیار روشن و واضح است چه بسیار مولود متفکر آفریقایی میگوید : "بدرست و نوگرایی شخصیت وفادارتر و فرمانبردارتر میشود..."

... میگویند در کشور ما حقوق بشر نقض نشده است صرفاً نثار از امثله و شواهد فراوانی که در نقض حقوق انسانی در دست است موردی بسیار واضح و آشکاره در بهشت فدهای به اتهام ایجاد جمعیت سیاسی در دادگاههای نظامی تحت محاکمه و تمقیب قرار گرفته و محکوم شدند و بلائنامله وکلای مدافع آنها را گرفته و آنها را نیز به یکسال زندان محکوم کردند و عنوان متحک اتهام هم این بود که این وکلای - مدافع در دادگاه آن عده همین دفاع از آنها تبلیغ کرده و

در راه برانند اختن رهم استبدادی شاه

متحد شوم!

۲

آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره سلطنت بداند.

و در زیر بخشهایی از نامه سرگشاده به شاه با امضای دکتر سنجابی، دکتر شاپور بختیار و داریوش فروهر را میخوانیم:

فزاینده‌گی تنگنا و نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان درونمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داد که اظهار کنندگان زیر بنا بر واپسینه‌های ملی و دینی، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و مأموریتی غیر از بیروی از "ضیبات ملوکانه" داشته باشد نپوشانیم و در حالیکه تمام امور مملکت از طریق مبدور فرمانها انجام میشود و انتخاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب درک اعتبار شخص اهلید میرت قرار دارد که همه اختیارات و افتخارها و پاس‌ها و بنا بر این مسئولیت‌ها را محضراً متوجه به خود فرموده‌اند، این مشروحه را علیه‌رم خطرات سنگین تقدیم حضور می‌نمائیم.

۳

و اینکه بخشهایی از نامه سرگشاده سرهنگ بازنشسته عزیز الله امیر رحیمی به شرح پهلوی:

... اکثریت کارندان و کارگران و حتی افسران شریف ارتش در آرزوی جلوه‌یک اطاق محقر و عده‌های فارتگر سسی میلیون تومان خرج گچ کاری قصرهای افسانه‌ای خود میکنند با تحقیق و تحقیق حقوق یک مدیر دبیرستان که در بالاترین سطح در کادر فرهنگیان میباشد دو هزار تومان است یعنی یک مدیر دبیرستان پس از سه سال تمام اگر تمام حقوق اش را جمع کند میتواند یک متر زمین بخرد و حقوق تمام ایام خدمت سی ساله او قیمت ده متر زمین است که در آن دفنش کنند. و یک کارمند که ۲۰ ریال اضافه حقوق دریافت نموده پس از ۱۲۵ سال با این اضافه - فوق یک متر زمین میتواند خریداری کند. آنوقت دولت از جوانان تحصیل کرده ما در خارج میخواهد تا بولن برگردند. یک مهندس که بولن بازگشته شاید پس از یک قرن اگر تمام حقوقش را صرفه جویی کند قادر به خرید یک آپارتمان سه اتاق باشد با این وضع تنها محصلین مادر خارج نمیتوانند بجهن خود بازگردند بلکه مفرضهای متفکر - افراد شریف ترك وطن میکنند و مادر وطن را برای آقایان رضائی و نیک پور و خبای و خرم و لاجوردی و نظایر آنها باقی میگذازند.

در زمانی صادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از نظر طرف در لبه برنگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن‌بست کشیده و نیازمندیهای عمومی بخصوص خواروار و مسکن با تمتهای تصادف بی نظیر دچار ناپایی گشته، کد آموزشی و اداری رهنیستی گذارده، صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در بحران و - تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و ناهر ابری صادرات و واردات و حقت آور گردیده، نفت این میراث گرانبهای خدادادی پشت تپذیر شده، بر نامه‌های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر ناپدید گزشتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت‌های - پلیسی به حد اکثر رسیده و رواج فساد و فحشا و تطلق - - فدیلت بشوی و اخلاق ملی را به تباهی گشانده است.

هم اکنون عده‌های در جنوب شهر چون انسان اولیه در غارها زندگی میکنند که اینجانب حانوم علیاحضرت را با این غارما را خنثائی کم و مشتی غارتگر در شمال شهر قسردای ۱۴۰ میلیون تومانی میسازند. تبت زمین در مجاورت گشتار گاه تهران از زمین کاخ رئیس جمهر آمیگا و ملکه انگلستان به مراتب گرانتراست. خرید منزل در بهترین خیابانهای نیویورک لندن، پاریس از بدترین محلات تهران به مراتب سهل تراست. این وضع ممکن نیست بتواند ادامه یابد.

حاصل تمام این اوزام، توأم با عده‌ها و اعدای با یان ناپذیر و گزافه‌گویی‌ها و تبلیقات و تحمیل جشنها و نظامرات نارضائی قویدی عمومی و ترك وطن و فروج سرمایه‌ها و صمیمان نسل جوان شده که عاشقانه در اولب زندان و شکجه و سرگ میگردند و دست بکارهای میزندند دستگاه حاکم آنها خراب‌بارگی و خیانت و خود آنها فد آگاری و شرافت می‌نماید.

نزه. او پیشگاه علیاحضرت استدعا دارم چند دقیقه تصور کنید که خانوادہ سلطنتی خانوادہ یک کارمند و یا یک کارگراست علیاحضرت - ایونی نه کارمند دولت و سرپرست خانوادہ اند برای اجازه اطاقی به هنگامهای معاملات ملکی مختلف سرزده و ناگام برگشته‌اند و منتظر فشار بیشتر صاحب‌خانه برای تخلیه اطاق - اجاره‌ای خود میباشند. علیاحضرت (زن کارمند) برای برگردن داشتن تنها فرزند درسی که زیر پا داشته‌اند بهبانک

این همه ناخنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر بایسد مربوط به آروز مدیریت مملکت دانست و مدیریت که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاعشنامی پیدا کرده است.

... بنابراین تنها راه بازگشت و رشد ایمان و شخصیت فردی و خداری ملی و خلاصی از تنگنا و دشواریهایی که آینده ایران را تهدید میکند ترك حکومت استبدادی، تکلیف مطلق به اصول مشروطیت و احیاء حقوق ملت، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد و



کارگشایی مراجعه کردند که متأسفانه بانک هم طبق اطلاق که هم اکنون نموده تا هشت ماه دیگر از قبول گروگان معذور است زیرا انبارهای بانک پر شده .

والاحقرت فرحناز مریدی ز بدین دارم آمده . در چنین شرایط والا حضرت ولیعهد فرزند ارشد خانواده که شامه درماندگی پدر ناراحتی مادر و ناله خواهر کوچک خود میباشد و هیچ راهی برای نجات خانواده خود پیدا نمیکنند چه ... حالتی دارند؟ و آیا این خانواده هم وضع کشور خود را شکوفا و ترقیات آنرا محیرالمقول میدانند؟ و هنگامیکه فرزند جوان و حساس آنها در روزنامهها میخواند که عدوهای غارتگر در ... ساختمانها ۱۴۰ میلیون تومانی به هیتز و عورت مشغولند و عدوهای با اسناد مالکیتی که باز دارند با شتمانیاد در گذشته بدست آورده اند میلیاردها تومان بجهت زدودن درارها و آمریکا خود و فرزندانشان به هیاضی مشغولند چه تصمیمی میگیرند؟ اگر از شدت مصیبت به اعمال افراطی دست بزنند تا نظام پوسیده اقتصادی دولت آقای مهدی را در هم بکشد اروامیتوان ... گناهکار دانست؟ آیا از جوانی که تمام روزها بگری او خانواده اش بیسته شده باید انتظار داشت که ظلم عظیم دولت آقای ... مهدی را تحمل کند و ساکت شامه مرگ خانواده خود باشد؟ این غیر ممکن است . این نظام اقتصادی که عدوهای غارتکنند و غارت عدوها مجبور باشند سکوت نمایند و سیاستگذار دولتی که چنین وضعی را بوجود آورده باشند قابل دوام نیست . کشور ایران امروز بهشت جنایتکاران شده و آنهاییکه هنوز بای بند شرف و تقوی و مذهب هستند خود را در جهنمی سوزان احساس میکنند .

... علیاحقرنا اگر در ایران آزادی بود و احزاب به معنای واقعی وجود داشتند اگر در ایران انتخابات مجلسین حقیقی بود و روزنامه ها مانند تمام دنیا ناشر افکار عمومی و مدافع حقوق مردم بودند مسلماً ناراحتی های جامعه و اختلاف سطح طبقاتی باین حد نبود . قطعاً علیاحقرت تاریخ را مطالعه و توجه داشته اند که قبل از هر فاجعه در کشورها بی انتقادی بقانگن و اختلافی شدید طبقاتی بوجود آمده که مصیبت عمومی را در پی داشته است . این برای همگان روشن است که امروز ... قانون اساسی و حقوق بشر به بدترین وضع با تشکیلات حکومت یک حزبی که مخالف قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است در مصیبت ما نقش شده و انتخابات مجلسین کم توسط دولت آقای مهدی بعمل آمده هیچگاه مورد قبول مردم نبود است و این نقش قانون علت و ریشه تمام ناراحتیهای همین ما است . ... علیاحقرنا ملت ما لزوماً داشتن آزادی و نوج سپرد و فریاد مردم کم خواستار برکناری دولت آقای مهدی او انحلال ... حزب خلق اللانیه رستاخیز و انتخابات واقعی هستند از هر گوشه و کنار بگوش می رسد . مردم خواستار آنند که بحساب دارایی و نفع و وکیل ، تیمسار و سرمایه داران بزرگ رسیدگی شود .

عموم مردم هم اورو حاتی و بازاری و جوانان هم بانی - دانشگاهی همه یک کله را میگردانند : آزادی ، آزادی ، آزادی . شعار تمام مردم ایران امروز یکی است یا مرگ یا آزادی که بحق در این راه همدس با نهایت جسارت فدائیکاری میکنند . ملت ما آزادی میخواهد و دولت مخالفین را میباید کمونیست و پامارکسیست اسلامی معرفی میکند و مشتی کارهای ساختمان را بنام پیشرفت محیرالمقول به جامعه ارائه میدهد ولی مردم معتقدند که کسی که آزادی ندارد هیچ چیز ندارد . آزادی را نمیتوان با اسفالت خیابان ، پل هوایی و از این قبیل کارها تعویض نمود . اطاق زندان را هرگز تزئین کنند باز هم زندان است و قابل زندگی نیست چون در آن آزادی وجود ندارد . وقتی تمام حقوق جامعه از طرف دولتها پایمال شد مصیبتانها حتی است و این اصل را همگان قبول دارند .

## ۴

اخیراً نامه سرگشادهای از سوی گانین نویسندگان ایران با امضاء چهل تن از سرشناس ترین نویسندگان و شاعران و مترجمان کشور بخطاطیبه مهدی ، نخست وزیر منتشر شده که در زیر بخشهایی از آن میآید :

... نظر کتاب و به بدترین نوع آثار فکری و هنری بخشی از سائله وسیعتری است که فرهنگ ملی نامیده میشود و چارهجویی درباره این سائله هم ناچار وابسته به اقدام و مشارکت فعالانه کشتی است که در نار خلافت - فرهنگ و آفرینش فکری و هنری در صف مقدم قرار دارند و از ارزشهای قوی یا ملی فرهنگ جامعه را با آثار خفیه رزنده میدارند . تلگر و چارهجویی درباره اینکه چرا چنین مشارکت فعالانه و دربرگیرندگی وجود ندارد ، ما را برانگیخت تا چنین نامه ای به حضور آنجناب بنویسیم .

... فرهنگ و خلافت فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی بهجرات می توان گفت که نشانه های بسیار نگران کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیدا است که ابعاد آن هر روز گسترده تر می شود . به عقیده ما این وضع ناشی از عوامل پیشرفته افتاده فنی و مالی در زمینه نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می شود ، بلکه در درجه اول بسته به محدود بودن شدید شرایط تفکر خلاق و آزادانه برای نویسندگان ، شاعران ، اندیشمندان و کلیه کسانی است که در عرصه فکر و هنر صلاحیتی بالفعل یا بالقوه دارند . سپس مربوط به ظوابط شدید سانسور است که دستگاہهای مختلف دولتی اعمال میکنند و سومین سائله در زمینه مشکل کتاب ناشی از محدودیتهای شدیدی است که در جهت مطالعه کتاب برای مردم اهل مطالعه ، بخصوص -

جوانان و دانشجویان همجود آمده است .

محدودیتها ، فشارها و عوامل باورآزندهای که در برابر خلافت فکری و فکری وجود دارد نفعها ناشی از مقررات و ضوابط قانونی و دموکراتیک نیست ، بلکه «التماس دعا» - دستگامها و اشخاص مختلف و ناشی از بی اهتتایی آنها به قوانین رسمی و آزادیهای انسانی است . با توجه به قانون اساسی که مصروف نظام دموکراسی و مشروطه کشور است رنگامی به وضع موجود به جرأت می توان ادعا کرد که از مدتها پیش کلیه مواجیب از قانون اساسی که نیامن حیانت و تقویت ریشه های اصلی انگیزهها و محرکهای فکری و خلاقیت فکری و رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است ، القاء به وسیله دولت و سازمانهای تابعه آن به حال تعلیق و تعطیل درآمده است . نویسندگان و روشنفکران و اعدا اندیشه از هرگونه تأمین حقوقی و قضایی و سیاسی و اجتماعی محرومند و در برخورد با قهر عوامل دولتی و سانسور ، هیچ مرجع و تکیه گاه رسمی ندارند . چه بسا کسانی را میتوان نام برد که به جرم تألیف یا ترجمه و یا حتی خواندن کتاب سالها در زندان بسربرد هاند و می برند . عوامل اساسی خلاقیت فرهنگی و فکری ، وجود خطنتهای سیاسی و اجتماعی و فکری برای آزادی فکری و اندیشه ، و آزادی صادله افکار و تشکیل اجتماعات و چاپ و انتشار کتب و مجلات و مطبوعات جدی است که در قانون اساسی صا و متمم آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر به وضع بیش بینی شده است .

... متأسفانه آثار و علائم انحطاط و رکود فکری و فزائش علمی و بی رونقی و وجود فکری به روشنی در جامعه امروز همیدا شده است و هر ایرانی علاقتند به سرنوشت ملی و قومی خویش را این انحطاط و عقب تآخیر در وضع اجتماعی کشور نگران کرده است . اگر بنا باشد که ما به عنوان ملی آزاد و سر بلند و متکی بفرهنگ خویش در جهان باقی بمانیم ، و میراث ملی و فرهنگی گذشته خویش را که در جهان درخششی کم نظیر دارد باسد انری کنیم ، ناچاریم که قدم پیش نهمیم و - محدودیتهای موجود را بر دهریم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروههای اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم . برای رسیدن به این هدف در چارچوب قانون اساسی کشور حدود و ضمه اعلامیه حقوق بشر ، ماده ۱۱ کنندگان این نامه تقاضا داریم :

- ۱- کانون نویسندگان ایران که رونوشت اسامنامه آن به بیوست تقدیم میشود و تقاضای ثبت رسمی آن شد مویر جواب مانده است ، به عنوان مرجع برای تماد افکار و روشنفکران ایران امکان فعالیت رسمی بیاید .
- ۲- هرگونه طمنی در راه تأسیس محل یا باشگاهی برای اجتماع اهتای کانون در تهران و شهرستانها رفع شود .
- ۳- برای انتشار نشریه های جهت کانون و توزیع پلامان آن در سراسر کشور تسهیلات قانونی فراهم گردند .

رسوایی برق و ...

تا آنجا که با احوال دست آموز و بلندگویی همزه در او شایزه خبر میدهند ، اختلالات برق و خاموشی نای گد و کنترل ناشدنی تاکنون به ۹۰۰ کارخانه و مجتمع صنعتی کشور - ره عای فلج کننده ملی وارد آورده است . تنها در تهران ۱۸۰ کارخانه بزرگ بتدریج به بهانه تعطیلات تابستانی ، کار را متوقف کرده و میکنند . صنایع کلیدی کشور در حال نیمه تعطیل اند ، درسا واحد صنعتی در رشته های گوناگون به ویژه رشته های ذوب فلز ، شیمیایی و حرارتی بر اثر هرج و مرج در انرژی الکتریکی ( خاموشیهای وقت و به وقت و تغییر ولتاژ برق ) خراب شده و خسارت دیده هاند . میزان خامیحات تنها در عرصه صنعتی کشور مایلردها توان تخمین زده میشود .

مرفد اربها ، تولید کنندگان لبنیات ، سردخانه های مواد غذایی تولید کنندگان دارو ، بیمارستانها و مراکز درمانی ( از جمله مراکز نگهداری خون و اندامها و لخته زخمیر ) ، کارخانه های - سیمان و هالچ ساختمانی و تأسیسات بسیار دیگر زیر ضربات و خسارات مادی و فنی ( و نیروی کار عدر رفته ) کمر خورده هاند و بعضی از آنها در آستانه زعم پاشیدگی اند .

افتضاح کمبود برق و خاموشیهای طولانی ، اغلب با قطع آب در محلات مختلف شهر ، به ویژه نواحی جنوبی تهران و مراکز تجمع و تراکم زحمتکشان شهرها ( چون گلی کبه سبزه آراسته شود ) کامل میگردد .

در گرمای طاقت فرسای تابستانی ، بیشترین فشار و ناراحتی را تود معای زحمتکش و مردم عادی - بیو حق و مسند و پارتی - تحمل میکنند . در این زمینه هم مانند زمینه های دیگر قانون رایج پارتی تبهیض ، طولانی ترین ساعات خاموشی و - مینه های آن را نصیب اکثریت زحمتکش و طبقات تهیدست تر میکند !

در این احوال ، شاه شاهان و خانواده نازک تراز گلش ( لابد از غم ملت ! ) به کاخهای بیلابلی و صفای عمال بنه برده هاند تا با قایقرانی و اسب سواری و هلیکوپترانی و شنا و قمار و ... ناراحتیهای مردم را فراموش کنند ! و نخست وزیر نهرچشمی دوران " انقلاب شاه علیه ملت " برای چارچوبی این بفرنجی که کمتر نظیری برای آن در سالهای اخیر تصور است ، به جزایر بهشتی و خوش آب و هوای اروپا تشریف فرما شده هاند ! این هم یکی دیگر از ضامع بیوند بسیار بسیار عمیق شاه ولطنت ! با بحران به سبب برق ، ناعش تولید در سطح انواع - فرآورده ها ، بخصوص کالاهای مصرفی روز و مواد غذایی ، حدود نگران کنند های یافته است . این کاهش از ۲۰ درصد کل تولید کارخانه ها آغاز میشود و بقول ظاهر نیائی رئیس اطاق بازرگانی تا ۴۰ درصد و به گفته وزیر صنایع و معادن تا ۶۰ درصد - میرسد و این در حالی است که ما حتی در مطلوب ترین موقعیت تولیدی خود وارد کننده بسیاری از فرآورده های مصرفی روزانه



**نیروگاههای آبی برای کشوری بی آب**

این از عوارض و آفات بدیهی رهنمای مطلق است که تصمیمات دولتی و ملی حکومتی و سیاست های اداری و تابع سلوکی افراد و در حوزه نظرات خلقی ساده و افکار تنگ و محدود اعمال کنندگان قدرت باشد. نمونه بارز چنین - تحجر و آفتی را در سیاست انرژی دولت به روشنی می بینیم. سالهاست که کارشناسان و اهل فن فریاد می زنند که تکیه روی نیروگاههای آبی در کشوری که در تمام طول تاریخش از کمبود آب رنج برداست نه یک اشتباه بلکه خیانت است. برای کشوری که در امرای عظیمترین منابع نفت و گاز است، مظهرش از نیروگاههای حرارتی تصور نیست. در امری او آمریکا با وجود وجود بارندگی و وجود منابع عظیم آب (و نه به منابع نفتی) از نیروگاههای آبی تنها به عنوان ذخیره استفاده می کند. اما طراحان و نقشه ریزان ماکه جلوتراز بینی خود را نمیتوانند ببینند و اسیر بند و بستهای خارجی و منابع شرکت ها و انحصارات امریالیستی هستند نه به اقتضای صالح ملی، بل به اصرار کارشناسان شرکتها لری ائی و آمریکائی نیروگاههای آبی را برای تأمین برق کشور تجهیز کردند و با این خیانت سخیف و زندگی مردم و گردش چرخهای مملکتی را به بارندگی های غیر قابل پیش بینی و بالا آمدن احتمالی آب در پشت سد ها مشروط نمودند. بهین دلیل است که اینک با کاهش سطح آب در پشت سد رضا شاه (با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات) و سد دز و سد محمد رضا شاه ایماح فاجعه انرژی گسترده تر شده است.

نیروگاههای ارضائی و آمریکائی از دولتی سر نفت ایران ما، حرارتی هستند، اما نیروگاههای کشور نفت خیز ما در شرایط خشکسالی معمولی سنواتی، نیاز ضد قطرات آبی اند که ابرهای و الهوس باید ببلندند.

چنین است معنای سیاست مستقل ملی به سبک شاهانه تازه رهنم خائن و جنایتکار شاه به معنای هم بسنده نکرده است و نیروگاههای آبی را با آن مخارج افسانه ای در جهت اهدافی باید سیاسی - نظامی خود اما به حساب شورش ملی بر پا کرد که او انیم مورد نیاز آنها را باید از کشورهای امریالیستی، با تمام وابستگی های سیاسی نظامی ناشی از آن، تأمین کرد. تازه انرژی حاصل از این نیروگاهها ۳ بار گران تر از انرژی حاصل از نفتو گاز برای ملت ما تمام خواهد شد.

شاهشاهان که برای تحصیل سیاست انرژی خود به نفع شرکت های خارجی و به طمع حقی دلان و رشوه های کلان در این معاملات سنگین و مرتکب جنایاتی به مقامات تمامی کشور شده اند، باید مسئولیت تمامی خطرات مادی و معنوی و جان های بی شماری که در بیمارستانها و درمانگاهها بخاطر هرج و مرج برق فد شده اند، به عهد بگیرد و حساب این همه زالت و وطن فروشی و قانون شکنی را بسپرد.

از خارج هستیم. واقفیات درونمای تیره ماههای آینده را از هم اکنون در برابر چشم ما تصویر میکند. طی یکی و دو ماه آینده با ته کشیدن ذخایر آنها را و فروشگاهها، ساله کمبود و بازار سیاه بسیاری از محصولات که در مواقع عادی نیز با آن درگیریم ایماح و خیم تری می باید و باز مانند همیشه بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و - افزایش نرخ تورم و گرانی زندگی سوت و کور و بی زمین و بی کفشان، بهره کارگران و اکثریت کارندان، بیش از پیش در معرض تحمیل و فشار جدید و انواع محرومیت ها قرار بگیرد. سالهاست کدر آزادی صرفی بهره، ثروت نفتی و افواج - کامیونتها و تریلی ها، هواپیماهای عظیم حمل و نقل، کشتی های باری و واگن های قطار، انواع محصولات را از تخم مرغ و گوشت و روغن و کره و گندم و برنج و میاز و سبب زمین و غیره گرفته تا انواع وسائل نقلی و صنعتی از کشورهای مختلف، به ایران می آورند. ( هفته هاست که تنها برای تأمین تخم مرغ در طی روزانه کشور هر روز با هواپیما ۸۰۰ تن تخم مرغ از اسرائیل وارد میکنند و باز با کمبود وسیع تخم مرغ روبرو هستیم) ساله کمبود و کاهش تولید داخلی، در چنین متن و فزاینی است که با سایه روشن شوخی تکوین می باید، چرا که - اسلکه ها و گمرکات و انقلاب و سائل حمل و نقل زمینی و هوایی ما ظرفیتی بیش از این ندارند (باید بیاوریم که تنها در سال گذشته مادر حدود ۹۰۰ میلیون دلار، بلکه ۹۰۰ میلیون - دلار، هزینه سورعاریز کشتی های منتظر رادر اسلکه های ایران برداختیم) به این ترتیب کاهش عظیم تولید داخلی که باید با حجم غول آسای واردات خارجی جبران شود، معلوم نیست چگونه تأمین خواهد شد. ( باید خود همین بود و - میلیارد کسری برداخت خارجی سال گذشته دولت رانده گرفت! از معجزات آمریامبری نباید غافل بود! )

ساله قطعی برق صرف نظر از همه جوانب صهیبت بارو در همین حال افشاگرانه اش، به روز ما این دیدگاه قابل تأمل بیشتر است که بصورت مرکز تقاطع همه معایب و فاسد احتمالی و کهنگی و پوسیدگی وسائل و شیوه های حکومتی و عوارض اختناز و سیاست های ضد خلقی و ایران بر باد ده رهنم آمریامبری در مقابل با واقفیات و مقتضیات جهانی و جامعه امروز ایران در آمده - است.

بیش از آنکه ماجراهای ننگین و انگیزشهای واقعی بحران ناگهانی برق را که رهنم به خاطر جنبه های شدید افشاگرانه اش در گمان آن می کوشد، بر ملا کنیم و بیش از آنکه جوانب گوناگون عوارض داشته دار این حادثه را در زندگی مردم، به ویژه طبقه کلرگر ایران بررسی نمائیم، ز نیروی است کیمه شرایط نا عجز جاری که تراوی برز، و تمامی صائب و بلاهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ما ناشی از آنست به اشاره و بطور گذرا نظر کنیم :



رژیم کهنه و نامعاصر

واقعیت این است که کشور ما به تنهایی در راه رشد سریع مناسبات سرمایه داری گام نهاده است. و این امر را با آنگونه شتابناکی می بینیم. سرمایه داری ایران که با تکیه بر ضایع عظیم درآمد نفت توانسته است در باره ای او رفته تا حد انحصاری و نیمه انحصارات رشد کند و با درختم جوشی و پیوند سرمایه بانکی و صنعتی و قلب های مالی بر قدرتی ایجاد نماید و صرف نظر از مسائل و عوارض رنگارنگی برای کشور ما به ارمان آورده و در مجموع سبب شده تا روابط و نظامات اجتماعی - اجتماعی ما گسترده، متنوع و متنوع شود. رژیم سرمایه داران بزرگ و مالکان عده ارضی (که در پیوندی با سرمایه داری جهانی یعنی - امپریالیسم است) چون از های عفت سری همه شئون و امرهای حیاتی جامعه را در میان چهره های خود گرفته است و دربار پهلوی به مثابه عفت سر این از های پراشتها و سیری نابذیر عمل میکند. با اینحال نظر به پیچیدگی روند تکاملی - جامعه در شرایط سرمایه داری معاصر، شیوه های حکومتی غربی و دیکتاتوری شاه و خاصان و حاجبان و اعیان و انصار او و دست نگامهای پلیسی و اناری و خوابگاه قیامی و محمل های مقلع آن پشتت با اوضاع و احوال امروز (هم در ایران و هم در جهان) ناساز و نامعاصر شده است. این شیوه تئنگ و محدود حکومتی رفته رفته بصورت سد و مانع اصولی در جهت پیشرفت و تحویق و گسترش مناسبات سرمایه داری در کشور ما درآمده، از این رو محتوای روند سرمایه دار ایران با شیوه سیاسی حاکم بر آن پشتت در تضاد قرار گرفته است. رژیم در حالیکه از یکسو به کارگزاران و متخصص و گسترش شبکه دانشگاهی کشور برای تربیت کارور - و سوس مهندسان و تکنسین ها و مدیران و بوروکرات های کمباید چرخهای او را بگردش در آورند و املره کنند نیازمند است، بخاطر خلصت عمدید ارتجالی و خد ملی خود و از این بیشتر به افتد ای حکومت دیکتاتوری خود گامه فردی نمیخواهد و نمیتواند به دیگران اجازه دخالت و شرکت در امر مختلف اجتماعی و - اقتصادی و سیاسی را بدد. سانسور و اختناق و ترور دولتی و گسترش شبکه های زندان و تکیه بر سرنیزه، هایمال کردن قانون اساسی و غیره، به تبعیت از خلصت دیکتاتوری فردی، شیوه معمولی حکومت سیده و این شیوه آنگار با توسعه دانشگاهها شبکه های درمانی و بهداشتی (چراکه سرمایه داری به نیروی کار احتیاج دارد و کارگرسالم و تند درست بهتر و بیشتر میتواند نیروی کار خود را به شمن بخش بفرشد)، توزیع اختیارات و مسئولیتها جایگزینی روابط بجای روابط ایجاد بنیاد و تاسیساتی که هر حرکت های اجتماعی - اقتصادی نظارت داشته باشد و از هایمال شدن ضایع طبقه و رژیم آن بخاطر و ضایع افرادی از آن طبقه و رژیم جلوگیری کند، فراهم آوردن موقعیتی که شکات بین دولت و مردم تا حد مکن ریوشی شود و مردم در احساس کاذب - مشارکت در امر ملکی و نیروی کار بیشتری بنفع رژیم صرف -

نمایند و در تضاد و تناقض قرار گرفته است.

در چنین شرایطی است که رشوه و ارتشا و فساد و دزدی و حیف و میل کردن ثروت ها و دارایی های عمومی و فرار از کار و مسئولیت و شیوع روحیه نااضی و دروغی و مجیزگی و هنرگرنش کردن بمسند عا و صاحبان مسند و حرف زدن به جای عمل کردن و غلای ناشی از عمل نکردن راهتلیفات و جادو جنجالهای کاذب و بی پشتوانه پر کردن روحیه مسلط جامعه میفود.

در ارتش دزدی میشود، در وزارت بهداشت دزدی می شود، تنها در یک معامله شکر در وزارت بازرگانی ۲۰۰ - میلیون دلار در جیب های عیق و پرنشده نی فرو میرو و کم می شود، میلیون ها دلار بر سر روزمرترین و طبیعی ترین معاملات ملکی بلعیده میشود. کارگر به آگاه کار میکند، کارمند به دلسردی و نومیدی میگراید و به این جریان عظیم فساد - اجتماعی بیاعتاد میکند یا تمکین مینماید و با آن می آمیزد و قس علیهذا . . . .

بله، دیکتاتوری که هیارها به جیب میزند، تارک و رشوه فاسد است و خود بزرگترین قانون شکن و بزرگترین دروغ گو است، نمیتواند بخواهد (و البته نمیخواهد چون در انصورت شرایط صلح برای ادا ز نیست او از بین می رود) و انتظار داشته باشد تا دیگران دزدی نکنند، با فساد مبارزه کنند و هستی خود را وقف رژیم نمایند.

خلاصه کنیم: گسترش مناسبات اقتصادی اجتماعی جامعه باحدت و وحدت باشکل حکومت فردی و دیکتاتوری شبهفاشیستی آن دچار ناسازگاری عیق شده است. تگانهای ناشی از این تناقض و تضاد گاه و بیگاه به شکل گنبدگی ها و رسوائی های در این سو و آن سورخنه میکند و در نهایت چوب لای چرخ پیشرفت نیروهای مولده میگارد. وقتی کار به آنجا می رسد که هر اثر سوء سیاست و دزدی و رشوه خواری نوکران و نمایندگان رژیم، برق مملکت دچار اختلالات عظیم میشود و دیگر نه تنها سرمایه دار ملی، نه تنها سرمایه دار وابسته به امپریالیسم (کمبرادر)، نه تنها سرمایه دار کلان، بلکه حتی سرمایه نگاران خارجی هم که مستقیما به خوان بیضای ایران آریامبر زده - دعوت شده اند، دچار زبانه های سنگت و خشم آور میشوند و نیروت تغییر و تحول در این مناسبات تنگ و محقر سیاسی را که این نوع بیماریها و عفونت عانت نتیجه ناگزیر آن است بوضوح در می یابند.

گاهی آش آنقدر شور میشود که آغیزبازی هم نتیجه میشود!

حقایق پشت پرده ماجرای برقی

ریشه های بحران گونی برقی از سوء استفاده های صهیونستگنده و دزدی و رشوه خواری دربار و حقایق وزارت نیرو در زمان وزارت روحانی آب میخورد. در جریان ایجاد شبکه سراسری برقی

توسط روحانی ( این عضو فعال شبکه نیروی ضد بعثت ایران ) علاوه بر حیف و میل و زدی‌های کلان و رشوه گرفتن‌های دوار انگیز و بی‌شمرانه، بجای وسائل و تجهیزات از آزمون گذشته و مدرن، در بسیاری از موارد وسائل و زئراتوهای خریداری شده که نمونه‌های آن از دور خارج شده بود، بدیهی است این زئراتوها که به بهای ارزان خریداری شده و با حساب سازی‌های و قبحانه به قیمت‌های گزاف به دولت قالب گردیده از همان روزهای اول قادر نبودند در حد اکثر ظرفیت خود نیازهای برقی سلکت را تأمین کنند. فی‌الصل از ۲۰ نیروگاه‌های و حرارتی کشور که حد اکثر ظرفیت آنها ۲۳۰۰ مگاوات است ما هرگز نتوانسته‌ایم ۲۲۰۰ مگاوات برقی مورد نیاز کشور را بدست آوریم. این واقعیت را حقیر روزنامه دولت‌گهیان در گزارشی که در روز اول مردادماه جاری به چاپ رسانده تأکید کرد: «کارشناسان برقی اظهار نظر میکنند که از ۱۸ سال پیش قدرت تولید برقی نیروگاههای ایجاد شده از میزان صرف بیشتر بوده، با این وجود در تمام این مدت پاکبورد نیروی برقی روبرو بوده‌ایم».

طبیعی بود که وسائل و زئراتوهای از دور خارج شده‌های که توسط دلالان شاه از جمله روحانی خریداری شده، خیلی زود دچار اختلال شود. این حادثه مضمونی بود که از روز اول پیش بینی میشد. وقتی باره ای از تأسیسات از جمله زئراتوها از کار افتادند بیه وسایل یدکی احتیاج پیدا کردند و یافتن ابزار یدکی آنها بصر نبود، چرا که این زئراتوها دیگر در کشورهای تولیدکننده آن مورد استفاده قرار نمیگرفت و از دور خارج شده بود. از این رو ساختن وسائل یدکی برای شرکت‌های سازنده مقرون به صرفه نبود. برای ساختن اختصاصی وسائل یدکی مورد نیاز دولت ایران تقابلی ۵۰۰ میلیون دلار بول شده رقم سرسام آوری بود. کاره چانه زدن و کتس و واکنش انجامید و با خارج شدن زئراتوها از شبکه سراسری و از کار افتادن هر نیروگاه و فشار شدیدتری بر دیگر نیروگاهها وارد آمد که خود سبب فرسودگی و سرانجام اختلال وسیعتر در شبکه سراسری برق شد.

در حالیکه این جریان در شرف انجام بود کمیته‌های سازنده نیروگاههای ایران که علاوه بر سودهای هنگفت ناشی از فروشهای عظیم خود به دولت ایران، هزار کارشناس و تکنسین خود را با حقوقهای گزاف (تا ۴ هزار تومان در ماه) به دولت ایران تحویل کردند، دست به خرابکاریهای همدی در بعضی نیروگاههای ایران زدند تا ادامه حضور کارشناسان بی‌کار، خود را توجیه کنند و نیز وسائل جدید را با قیمت‌های سنگین تر بجای وسائل آسیب دیده به ایران بفرستند. در این مورد به عنوان ضمیمه نمونه خروار به چند مورد اشاره می‌کنیم. نیروگاه شمیران که ظرفیت آن بیش از ۶۰۰ مگاوات است یکبار به علت ورود اسید به یکی از دیگهای نیروگاه دچار

خسارات سنگین شد. کارشناسان این حادثه را عجیب و بی‌سابقه و عمدی اعلام کردند، اما ماجرا پرده پوشی شد. در نیروگاه ضعیف که با دور واحد خود در حدود ۲۵۰ مگاوات به شبکه سراسری برقی همدی، چندی پیش یکی از نیرومندان به علت ایجاد ترکیباتی در لوله انتقال بخار از فشار قوی بیشتر توسط از کار افتاد. کارشناسان این حادثه را نتیجه یک اشتباه خطرناک تشخیص دادند که بر اثر آن در برهما رسوب و در لوله ترک خوردگی ایجاد شده است.

کارشناسان خارجی نیروگاه در بخش‌هایی مسئول مستقیم حادثه اعلام شدند اما با وجود خسارات سنگین و ماجرا ماست مالی شد! در نیروگاههای دیگر کشور از جمله فرح آباد و طرشت نیز حوادثی از این قبیل که تخصصین و بازرسان ایرانی وزارت نیرو در گزارشهای خود آنها را خرابکاری یا سهو مقرون به خرابکاری تشخیص داده‌اند، نظایر زیادی داد که بخاطر تعاریف فنی آن از ذکر بکافی آنها میگذریم. فقط به این نمونه بارز خرابکاری در نیروگاه طرشت اشاره میکنیم که به علت آن خسارات سنگینی به نیروگاه وارد آمد و پس از تحقیق معلوم شد که مقدار زیادی آهن در صافی‌های بخار نیرومندان ریخته‌اند. در این نیروگاه چند لوله و دیگ بخار فضاخیز شد. دلائل این انفجارها و نیز نواقص دیگر این نیروگاه نیز هرگز افشاء نشد و پرونده آنها با بگانی گردید. و اینک نصبت نیروگاه رخا شاه است. آب‌رویزی کرامت انگیزی به مقیاس سه خاوشیها و تانکی‌های وسیع کشور....



خیانت به ضایع و صالح طی هر روز مرزهای وسیع تر و کیفیت بی‌بهره‌گراقتوری پیدا میکند. برای رهایی که سرسپردگی به امپریالیسم و شرکت‌ها و انحصارات و سرمایه‌های خارجی را با همان شدت و اعتدالی دنبال میکند که مبین پرستان و آزاد بخوان را به زندان و شکنجه‌گاه مفرستند و درخواست و آرزوی شریف و انسانی و هر مطالبه تودم‌های را با خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین اسلوب و وسائل سرکوب مینمایند، پایان کار فراهم‌رشد. او باید در باطلاتی هستی گنبدیده خوش و در تلاطم تنگ‌های سبکین و تناقضات روشی که خود آفریده فرق نمود و هم‌زمانه دان تاریخ بپفتد تا بحران برقی و حاضر شوم آور آن به اشکال و در زمینهای دیگر تکرار نشود.

تحقیق این ضرورت تاریخی و طی درست هم‌وازی با شطرنج حزب سوسیالیست ایران است که تمامی طبقات و اقشار حاضر مبین برست و خردزمین مطلق استبداد راه وحدت عمل در یک جبهه گسترده شد و یکپارچگی فرا میخواند.

بحران برقی و بی‌آمدگی‌های ایمنه خیز آن بار دیگر حقیقت و صبر بودن وظایفی را که در پانگ این شعار موج میزند - تاگمید میکنند....

توسط نهادهای ضد کارگری

در رابطه با بحران برق

بیش از آنکه سؤال رسوایی برق پیش بیاید رژیم ضد ملی و ضد کارگری تدابیری را در جهت تعدیل و استثمار کارگران توسط سرمایه داران بزرگ و صاحبان انحصارات زمین چینیسی بکند که اهم آن در مقررات انظباطی کار مشتمل است. در رأس تدابیر جدید دلیل تراشی نما و بهانه گیری های بی ضابطی بود تا بتدریج سود ویژه کارگران را که حاصل مهارزات مستمر و بیگانه این زحمتکش ترین و بی نصیب ترین طبقه کفای بود - باهمال کنند. از این رو پرداخت سود ویژه موکول به بازدهی کار و میزان سود مادی واحد تولیدی شد (که طبیعتاً است با حساب سازبهای سرمایه داران و گسترش وسائل و شبکه های تولیدی آنها به حساب مخارج ضروری تولید دیگر محلی برای پرداخت سود ویژه باقی نمی ماند). سؤال خاموشی های برق و کاهش تولید واحد های صنعتی کشور، اینک بهترین بهانه را در اختیار رژیم قرار داده است تا توسط نهادهای ضد کارگری خود را با قیافه حزبی جانی به مرحله اجرا درآورد. در ماجرای برق و خسارات و زیانیات و آثار نامعی از آن همانند آنچه که قبلاً شرح دادیم بیشترین فشار بر زحمتکشان و به ویژه کارگران وارد خواهد آمد و به این ترتیب کارگران در معرض فشار و ولای های قرار میگیرند که یکی از آنها ناشی از سوء سیاست و فساد رژیم و دیگری ناشی از اتمتهای سرمایه داران برای غارت و استثمار بیشتر است. زمزمه خود داری از پرداخت سود ویژه از هم اکنون آغاز شده است و علاوه بر آن هیچ چه، دیگری هم در گرفته است. ساعات کار کارگران در پاره ای از واحدهای بزرگ تولیدی از روز به شب منتقل شود. از آنجا که متوسط ساعات کار در شب ۳۵ درصد بیشتر از روز است، نمایندگان دولت و تخطی های او کارفرمایان بوم خود این ضرورت را پیش کشیده اند که در شرایط اضطراری باید ۳۵ درصد اضافی کارمب حذف شود طبقه کارگر ایران باید از هم اکنون خود را برای مقابله با این نوع وسیعها آماده سازد. رژیم سرمایه داران داخلی و خارجی از کارگران بردگان کار ساخته است و اینک در تدارک آنست تا این بردگان را به بیگاری بیشتر و محرومیت جانگانه تر و دستمزدهای کمتری دعوت کند. تنها تشنگ و مهارزه اصولی بر موازین تجربیاتی که طبقه کارگر ایران طی سالهای مضامی کار و بیگاری و خسته است میتواند انواع توسط نهادهای رژیم و دست برداردگان و همپالکی های آن را نقش بر آب سازد. رژیم برای جبران خسارات سرمایه داران عده در جریان بحران برق، بررسی طرح ها و تدابیری را آغاز کرده است (کمیته های مخصوصی از طرف دولت و بازرسی شاهنشاهی برای ارزیابی و برآورد زبانه های کارخانه های بزرگ تشکیل شده ولیست بزرگی تاکنون تهیه نکرده اند). بهالکاری مالی ایران و سرمایه داران

بیرامین برخی مسائل کارگری

کارگران اتخاذ شود نتیجه کار آئین نامه انظباطی کارگران بود که اخیراً به شکل نهایی خود اعلام و منتشر گردید و دست سرمایه داران را از جهت برای اعمال فشار بر کارگران و تشدید بهره منگی از آنها باز گذاشت. قرار است در نخستین مرحله این آئیننامه به مدت دو سال در مورد ۱۲۰ واحد بزرگ صنعتی کشوری بهیتر از یک میلیون کارگر به اجرا درآید. این آئیننامه تماماً به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران است و هرگونه عکس العمل و فعالیت اعتراضی و انتصابی کارگران را با توبیخ و تنبیه و کسر کردن دستمزدها و اخراج و البته سرکوب و زندان پاسخ میدهد. کسب رسیدگی که برای حل و فصل موارد اجرا بلام اقدام این مواد - پیش بینی گردیده نیز خود گویای ماهیت ضد کارگری این آئیننامه است. در این کمیته معرفی شده نماینده مستقیم کارفرما (مدیر میزند کارگزینی، نماینده نام الاختیار کارفرما و مدیر قرض کارگاه) و دو نماینده غیر مستقیم (از نماینده کارگران؟ نماینده سندیکا - چرا که این دو نیز معمولاً تحت نفوذ و نظر کارفرما انتخاب میشوند) شرکت دارند و در نتیجه همه تصمیمات آن بی شک علیه کارگران خواهد بود. (مطالعه شماره های آینده مجله "به بررسی تفصیلی این آئیننامه" ضد کارگری خواهیم پرداخت).

سخن بر سر انتصابهای کارگری سال گذشته بود که یکی از خواسته های مشترک همه آنها افزایش دستمزدها بود که به رشد سریع و بی بند و بار هزینه های زندگی و کاهش سطح زندگی کارگران و خانواده آنها بود. وزارت کار بر اثر فشار جنبش انتصابی کارگران مجبور به تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و پس از یک رشته محاسبات من درآوردی و خروج (تا کارگران از آن سردر نمیآیند!) آن را به ۱۵۰ ریال رسانید که با هیچ اعتراضی کارگران روبرو شد و در نتیجه وزارت کار در اواخر سال گذشته رسماً اعلام داشت که در میزان رسمی حداقل دستمزدهای تجدید نظر خواهد کرد. با این عده کارگران سیاست صبر و انتظار پیشه کردند تا اینکه اخیراً وزارت کار حداقل دستمزدها را ۱۸ تومان اعلام کرد که خشم کارگران را برانگیخت. چرا که در شرایط کنونی قیمت ها، گذران زندگی (هر چند محروم و فقرا آمیز) با مانی ۴۰ تومان برای یک خانواده حداقل چهار نفر بزرگاری همه هیچ وجه امکان پذیر نیست و این خانواده ها در واقع در معرض گرسنگی، بیماری بی سنگی و فقر و حرمان دائمی هستند. در چنین شرایطی و در برابر یک چنین رژیم بی مسئولیت و ضد مردمی کارگران چاره ای جز تشنگ و مبارزه سنجیده و محکم انگه صنعتی و سندیکائی و سرانجام سیاسی برای استیفاء حقوق حقه و قانونی خود و در نهایت برانداختن رژیم ضد کارگری موجود ندارند.

بزرگ به حساب ملت و از خزانه او کسک میشود، اما بجای - جبران خسارات زحمتکشان و کارگران و حقوق ناچیز آنها را میدهد و برای باهمال کردن مزایای اندک آنها توسط هیچکسند این بی شومانی ترین نوع تبعیض و استثمار و ظلمتگری است زالوما و اهلا اشتباهی همیسی دارند!



# جنبش‌ها و مسائل کارگری

## تسهیل دایمی کارگران مبارز

تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت نفت آبادان که سال گذشته موفق به یک اعتصاب سازمان یافته شده بودند و خواسته های خود را به شرکت نفت و ساواک قبولانده بودند هنوز در تبعید به سر می بردند و اخیراً با آن که مدت محض آن ها برای ورود به آبادان تمام شده است به خانسوادیه آن ها اطلاع داده اند که اگر می خواهند آن ها را ببینند می توانند آدرس شان را از ساواک بپایند و برای همیشه نزد آن ها بروند چون دیگر به آن ها اجازه ورود به آبادان داده نشده است. انتشار این خبر بین کارگران شرکت نفت موجب از خشم را سبب شد باست و هزاران کارگر استشار شده شرکت نفت این روزها به امید دیدار رفتاری آزاده و هاشمها متخورد و با کنشهای فراوان نشدن نسبت به ساواک و کارفرما به سرکاری روند.

در کارخانه از مردم دعوت کرده بودند که برای شرکت در جشن روز کارگر (اول ماه مه) به داخل کارخانه بیایند. در جریان این جشن ها کارگران طی سخنرانی هایی واقعه تاریخی اول ماه مه را برای شرکت کنندگان تشریح کردند و لزوم افشای همه کارگران را برای دفاع از حقوق خود یاد آور شدند. از نکات جالب جشن های این روزها در دقایق بود که در بیشتر کارخانه ها کارگران تنظیم کرده بودند تا بلند گویا به دست عواملی از کارفرمایان نیفتد تا با شعارهای عوامفریبانه و احمیانا تبلیغ برای شاه و دارودسته او به خواست وحدت کارگر که تا کنگره بر لزوم مبارزه طبقه کارگر برای از پس گرفتن حقوقی شان استخفیات کنند.

## اعتصاب کارگران کارخانه زاگروس

کارگران کارخانه زاگروس واقع در جاده کرج از روز یازدهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزد در حد افزایش سرحد هزینه زندگی بود. کارخانه زاگروس پیش از ۸۰ کارگر دارد که در شفت های مختلف در روز شب به کار می پردازند. در این واحد صنعتی بیخچال های بهترین و سردخانه ساخته می شود و از آن جا که انواع بیخچال های بهترین این کارخانه که تمامی رستوران ها و رستورانهای این واحد های گوناگون صنعتی به آن نیاز دارند قیمت اعظم بازار کشور را تأمین می کند و تقریباً نسوخی انحصار به وجود می آورد مسود زاگروس سرمایه آواست. و این امری است که کارگران نیز به آن حقوق کامل دارند. در شرایطی که کازر ۱۵ ساله زاگروس حداکثر ۱۷۰۰ تومان در ماه عاید می دارد و کاور تازه وارد روزانه بیشتر از ۲۰۰ ریال دریافت نمی دارد، بر اساس محاسبه کارگران سود خالص کارخانه در سال میلین تومان است. اسامی بر اینها و... های: در این کارگران یعنی بر ضرورت اساسی ارتقا دستمزد تا مسئولان کارخانه به طور متوسل در دستوری ریال به دستمزد کارگران افزودند. اما کارگران نیز بر فتنه و با توجه دادن مسئولان به سود کلان کارخانه و هزینه های سرمایه آوری در دست و دست توهم اساسی دستمزد های خود را کردند. در پیشنهاد کارگران باعث اعتصاب شد. کارگران با لباس کار در کارخانه حاضر می شدند اما از کارساز می رفتند.

## اعتصاب کارگران گروه پزنیانه های تبریز

چند ی پزنیانه در تبریز سه هزار تن از کارگران گروه های اجرایی و کارگران حمل و نقل آجیر در تبریز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب وسیع در مناسب ترین فصل ساختمان باهت رکود ناگهانی کارهای ساختمانی در تبریز و شهرهای اطراف آن شد. کارگران اعتصابی خواستار ارائه دستمزد بودند. آن ها می گفتند با این شند و تازیانه به عنوان مزد به آن ها پرداخت می شود حتی از سیر کردن شکم های خود و خانواده شان با نان خالی و تهیه یک سریناه برای خانواده عاجزند. از نتیجه اعتصاب خبری نداریم.

## کارگران اول ماه مه را جشن گرفتند

در روز اول ماه مه در حالی که ساواک با دعوت از عوامل خود و ترتیب دادن مراسم و جشن های مروج تبلیغاتی و تحسین کننده سعی داشت واقعه پزنیانه چوبانه و الهام انگیز این روز تاریخی را لوستر کند در ده ها کارخانه واقع در جاده کرج کارگران در پشت درهای بسته و در محوطه غفطان زده کارخانه ها با سخنرانی های خود و یادآوری جانپازی کارگران شیگانو جشن اول ماه مه را برگزار کردند. در بسیاری از کارخانه ها کارگران با نصب یک اعلان بزرگ روی

آن روز به حساب او غیبت منظور خواهد شد و چنین کاروری باید برای آن روزه خانه اش برگردد. این جناب سرانجام مستبد و پادشاه در روز این که کارگران به عنوان اعتراض یکم کاری می کردند، با بی احترامی و دشنام یکی از کارگران اعتراضی را به باد کتک گرفت و به شدت مذبذب کرد. این رفتار و حیسانه دشمن کارگران را برانگیخت و آن ها مقابلاً عکس العمل شدید تری نشان دادند و حتی از همه در پای ماشین ها سر باز زدند. کارگران در حال حاضر که در اعتصاب و اعتراض خود یکپارچه و هم بودند، به پیش از تبدیل حالت نیمه اعتصابی به اعتصاب کامل و یکساز مهندسان اعتصاب شکن را که برای جلب نظر کارفرما در روز اعتصاب در سرکار حاضر شده بود تنبیه کردند بودند. آن ها هم بودند تا تحقق خواست های شان که اینک اخراج رئیس حفاظت کارخانه نیز به آن اضافه شده بود به سطرزه خوبان ما شدند. از سرانجام این اعتصاب اطلاعی نداریم.

این جریان یک هفته ادامه یافت تا به تحریک مسئولان کارخانه پلیس رواندارم به کارخانه حضور آورد و برای شکستن اعتصاب حقه کارگران ضمن مذبذب کردن تعدادی از آن ها، متناسبی چند از کارگران را بازداشت کرد. از این پس اعتصاب کارگران وارد مرحله تازه ای شد و برآه علاوه بر خواست قبلی آزادی کارگران بازداشت شده نیز به فریبست تانک های کارگران اضافه شد. یکبار دیگر صف کارگران محزون و غمگین آن ها برای ادامه مبارزه تا پیروزی در دست است.

**اعتصاب رانندگان**

در اردیبهشت ماه رانندگان کامیون های شرکت تراپسری متعلق به ماسپهر قلا مرزا در شیراز اعتصاب کردند. اطلاعاً زیادی در باره این اعتصاب تاکنون نرسیده است. همین قدر می دانیم که افزایش دستمزدهای آن ها خواست اصلی کارگران اعتصابی بوده است. کارگران رانندگان تراپسری ناچار کاره وضع بد زندگی و افزایش سرسام آور و غیر منطقی قیمت ها و عدم توازن دستمزدها با هزینه زندگی به ستوه آمدند.

**اعتصاب در کارخانه های کفش فردوسی و فلزکار**

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه کارگران در کارخانه کفش فردوسی و فلزکار که در جاده کرج قرار دارند به عنوان اعتراض به بدی غذا و نداشتن سرویس حمل و نقل و کمی دستمزدها دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. کارگران در خواسته های خود که تسلیم ناپذیرند کارفرما نمودند گواهی غیر قابل تصحیح مایحتاج عمومی در سال جدید را ضمن مطالبه با حقوق و مزد ناچیزی که دریافت می دارند تشریح کردند. طبق اطلاع رسیده این اعتصاب در روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه با توافق و قول مساعد کارفرمایان پایان یافته است. این موفقیت روحیه تحریک مساعی و مبارزانه را در کارگران به نوع چشمگیری تقویت کرده است.

**اعتصاب کارگران سمنران موشوز**

کارگران کارخانه سمنران موشوز واقع در جاده کسری که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی است از روز ۲۴ اردیبهشت ماه گذشته اعتراضی را که از بدتی بهر آغاز کرده بودند و از مرحله تازه ای کردند. آن مدت ها بود که برای افزایش دستمزدهای خود دست به یک کم کاری عده ای آشکار زدند و به این ترتیب که در کارخانه در پای ماشین ها حاضر می شدند اما وقت تلف می کردند و به اندازه تلف محصول کار را با همین می آوردند. کارگران می گفتند در شرایطی که قیمت ها روز به روز سیر صعودی پیدا می کند و هزینه مصرف زندگی با آنقدر غیر منطقی و بیرون آوری بالا می رود دستمزدهای ناچیز اما قادر به تامین مایحتاج اولیه زندگی خانواده ایمان نیست. کارگران تقاضای ۱۰ درصد افزایش دستمزدها داشتند. اما آنچه باعث شد که از روز ۲۴ اردیبهشت ماه کارگران حالت نیمه اعتصابی خود را تبدیل به یک اعتصاب کامل و تمام عیار کنند و حتی از ایستادن در این ماشین ها سر باز زدند و رفتاری بود که رئیس کارخانه تا آن زمان نسبت به یکی از کارگران اعتصابی پیش گرفت. رئیس کارخانه جنرال موشوز یک سرگرد ارتش است. او به اشکال مختلف کارگران را می آزارد. مثلاً به یکی از کارگران به شماره ۱۰۰ کارگران اعتصاب کرده کارگری که چند دقیقه دیرتر از وقت حضور در سرکار خود حاضر شود تمام

**اعتصاب کارگران کشتارگاه تهران**

در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۰ نفر از کارگران کشتارگاه تهران که در قسمت ناوکنی کشتارگاه کاری کنند دست از کار کشیدند و اعلام داشتند تا به وضع حقوقی آن ها رسیدگی نشود کشتارگاه را ترک کرد. کارگران اعلام داشتند که تعداد زیادی از آن ها با آن که بهر از ۱۰۰ ساعت کار در کشتارگاه تهران دارند دستمزدها ۳۰ تومان حقوق می گیرند و هیچ گونه محاسنی ندارند و در نتیجه اثر دیگر نتوانند کار کنند و با مرگ به سراغ شان بیاورد و زن و بچه شان را تا سرگردان می شوند و باید از گرسنگی بگریزند. بسیاری از این کارگران در قسمت باغی و پوست کنی کاری کنند. هنوز نتیجه اعتصاب این کارگران اطلاعی



در دست نیست، ولی این اعتراض آن‌ها با کمپاب شدن کونست گاو در شهردارها ا. سار، شد و اکثر مشتری ناکه در مفازه های کونست گاو فروشی با پاسخ منفی روبرو می شدند پس از بروز و جو از تصاب ها از با جریان اعتصاب کارگران کمینار گاه مطلع می شدند.

**اعتصاب کارگران چاپخانه مجله تاشا**

در نیمه اول خرداد ماه کارگران و کارمندان چاپخانه و مجله تاشا ( وابسته به تلویزیون ) دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب شریک شدن کارها با این بودن دستمزدها و بیمه نبودن کارگران بود. آن‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب یکسره کار می‌کنند و دستمزدها بسیار اندک است و کفاف مخارج زندگی آن‌ها را نمی‌دهد و تا زمان دستمزدها اندک نیز به موقع به آن‌ها پرداخت نمی‌شود. اعتصاب چند روز طول کشید و با پیروزی اعتصاب‌کنندگان پایان یافت. کارگران موفق شدند ۵۰ درصد اضافه حقوق به دست آورند و زمان کار را تا حدی کاهش دهند و از بابت زمان کار انسانی اضافه حقوق دریافت دارند.

**اعتراض نمایندگان کارگران**

جلسه ماهانه هیأت سندی کارگران و اتحادیه های کارگری تهران با حضور مسئولان سازمان کارگران ایران ووشنبه دوم خرداد ماه تشکیل شده بود تا به مشکلات کارگران رسیدگی شود. این جلسه به جلسه شاخه کارگران سازمان کارگران و به اصطلاح نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی بر سر دستمزدها و افزایش رسمی حداقل آن تبدیل شد. در این جلسه کارگران ضمن اعتراض به به اصطلاح نمایندگان شان در مجلس شورای ملی اظهار داشتند که بر اساس اساسنامه دستمزدها اخیرا اعلام شده است حد اکثر پولی که به کارگران تعلق می‌گیرد اگر آن ۵۰ هزار تومان در ماه بگیرند، ۱۰ تومان است و از هزار تومان به بالا ۳۰ تومان نصیب آن‌ها می‌شود. در حالی که همه می‌دانند افزایش قیمت ابتدایی ترین مایحتاج عمومی در ماه های اخیر به مراتب بیشتر از این مبلغ است. کارگران اعتراض با اشاره به این آنکه با دستمزدها و افزایش این‌ها درگز نمی‌توانند یک ماه زندگی خود را بگذرانند و آن‌ها که به عنوان نماینده کارگران به مجلس راه یافته اند درگز و مع کارگران را در مجلس مایه و تشریح نمی‌کنند و دفاع از حقوق کارگران را فراموش کرده اند و وضع رت انگیز و مخرومیت اکثریت کارگران را تشریح کردند. در حالی که این جلسه می‌رفت تا کاملا متشنج شود رئیس سازمان کارگران ایران پشت میکروفون رفت و اعلام داشت که من و نمایندگان مجلس زیر نظر شاهنشاه انتخاب شدیم. در این لحظه چند نفر از کارگران زبان به اعتراض آشودند که به این ترتیب کارگران در انتخاب نماینده نبودیم. نقشی داشته اند یا باید داشته باشند؟ این جوابی به این سوال داده نشد و جلسه در حالی که گاه متشنج و آشوب زده بود و نمایندگان اتحادیه ها و سندیکا با یکدیگر بر سر مشکلات ناشی از کمپابش بیخ از بیخ وزارت کار و بند از روزگار آمدن آرزین ساواک به طرف کارفرمایان بجهت می‌کردند. ادانه گفتند که به جلسه بعد موقوف شد. تعدادی از نمایندگان اتحادیه ها و سندیکا که علاوه بر سازمان و اتحادیه های کارفرمایان کاری‌کنند و نقشی دوگانه دارند اما فشار زندگی در سال های اخیر باعث شده است تا از بیگانگی از اینان نیز لبه شکوه بکشایند و زمزمه اعتراض بر سر دارند.

**اعتصاب و تظاهرات کارگران شهرداری رضول**

در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران و رفقا در شهرداری رضول در نیمه خرداد ماه به عنوان اعتراض به تاخیر پرداخت اضافه حقوق و مزایای خود و نیز توجه دادن اولیای امور به وضع ناسالم و رقت انگیز زندگی خود دست به تظاهرات زدند. آن‌ها در مقابل شهرداری اعتراض کردند و فریاد زنان از شریک شدن آنها با این‌ها در برابر دستمزدها و تحویل شده آگلایه و ابرازی زاری کردند. اما این اجتماع صالحت جویانه با دخالت پلیس متشنج شد و پلیس با خشونت همیشگی خویش کارگران و رفقا را براه جزا نجا برد و با وسایل خود گنا دیگری داشتند متفرق کرد. در جریان این تظاهرات تعدادی از شیشه های ساختمان شهرداری شکست. رفقا و کارگران از این حادثه آموختند که اظهار مسالمت آمیز وسایل درمندان و زحمتکشان در جامعه ای که اختناق آریا شهری بر آن حاکم است پاسخی جز سر نیزه ندارد.

**کارگران برای دریافت سود ویژه مبارزه می‌کنند**

به گزارش روز دوشنبه ۳۰ خرداد برای رسیدگی به وضع کارگران چاپخانه های تهران جلسه ای با شرکت نمایندگان ۱۲ هزار کارگر چاپخانه نمایندگان سازمان کارگران همیشه طرفدار حقوق کارفرمایان است و به اصطلاح نمایندگان کارگران ایران در مجلس شورای ملی تشکیل شد. این جلسه به سرعت تبدیل به تریبون برای بیان شرایط دشوار کار در چاپخانه ها شد و سرانجام گفتگوها به قرارداد سود ویژه کشید که تا کارفرمایان به استناد گفته های شاه که اصلاح



گذشته فرماد سود و سود را نرفته اید در حالی که سود و سود کارگران این کارخانه بین ۴ تا ۸ هزار تومان در سال است. خیلیه دپاری که کارگران را تخمین کرده این است که کارفرما در لیست حقوقی کارگران بالای ۶۰ و ۷۰ تومان نوشته بود سود ویژه و کارگران با توجه این خیلیه نشده اند و یا خیلیه کرده اند که این بیون علی الحساب پرداخت می شود. این احتساب کم کاری همچنان ادامه دارد.

**اعتصاب کارگران کارخانه پلا سکو کار**

اعتصاب کارگران کارخانه پلا سکو کار نیز با موفقیت پایان یافت این اعتصاب ۱۰ روز ادامه داشت و کارگران در سخت ترین شرایط اعتصاب را ننگستند. در اولیای روز اعتصاب به کمی حقوق زد و پرداخت سود ویژه و سرمنشی که مسئول حفاظت کارخانه است کارگران را تهدید به اخراج کرد و اعلام داشت که کارگران معتز به ساوات معرفی می شوند. کارگران که از شرایط ناخوشایند و شوارزندگی صفر زد و زن و بچه هایشان دست غشنگین بودند به این سردهنت حمله ور شد و هر ایز از زن کتک فاضلی از در کارخانه بیرون انداختند و امدای بلند اعلام داشتند کارخانه جای نمی است که باز هم بر او به کار گرفته است نه درجه و قدرت بلیدی این را. کارگران در کارخانه را بستند و دست ایزر کشیدند. بلافاصله کارخانه به محاصره درآمد و کارگران از نیم دستگیر شدن از کارخانه بیرون نیامدند. این اعتصاب ۱۰ روز ادامه یافت و در تمام این مدت زن و بچه کارگران که سختگران وضع آن بودند اطراف کارخانه جمع شده و نان و پنیر و حلوا را که همراه آورده بودند لای نان پیچیده به داخل کارخانه پرت می کردند تا پدر و شوهر و فرزندشان به این وسیله سد جوع کنند. این شرایط دشوار را کارگران به طور یکپارچه تحمل کردند تا سرانجام نمایندگان کارگران با کارفرما ملاقات کرد و پس از توافق بر سر افزایش دستمزدها سالانه اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و کارگران در حالی که در این اعتصاب بلند شد بود و همرفتشان از آفتاب سوخته بود از در کارخانه بیرون آمدند و به آغوش زن و فرزند و مادرشان که بیرون کارخانه انتظارشان را می کشیدند بازگشتند.

**اعتصاب کارگران پتروشیمی شیراز**

از اوایل خرداد ماه کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی و کارگری ایران است دست به اعتصاب زدند. در نتیجه کارخانه به حال نیمه تعطیل درآمد به امری گناه خندی به شش عدد به تعیین آمونیاک مورد نیاز کارخانه شایخ سازی کشور نیست. ظاهراً قصد پیکار بین کارخانه به نوبت در فروردین ۱۳۵۶

در امتداد است و از اوایل خرداد ماه اعتصاب نمودند نباید سود ویژه پرداخت کنند نمی توانستند این دستمزدها را به کارگران بدهند. تا کنون در پیوند واد و بزرگترین مقدار پول به عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت شده است اما قرارداد قانونی آن اضافه نشده و این هم در دربار کارگران آینه این انتظار بود پرداخت نشود. کارگران تنها راه مبارزه با دستاورد رژیم ضد کارگری شاه را در مبارزه با او و متشکل یافته اند. مثلاً بنده صد کارگر با اینانه بنده رژیم هم ریز از مدت ها پیش به دلیل بسته شدن قرارداد سود ویژه نوی اعتصاب را سازمان داده اند و با کم کاری کارگران را اجز کرده اند. کارگران هم علی رضا تمیذی و ت و ت بیبی این کارفرمایان تا وصول به موفقیت کامل. بنابرین اعتصاب اعتصاب آمیز ادامه دهند.

**اعتصاب پیروز زند کارگران روزنامه انزلی**

به دنبال جلسه ای که دوشنبه خرداد ماه برگزار شد کمی به وضع کارگران چاپخانه های تهران تشکیل شده بود کارگران روزنامه انزلی که در آنجا در حدود ۱۰۰ نفر است بهر طرف و سلامت کم کاری کردند تا کارفرما را قوی تر است نمایش کنند. خواست کارگران اضافه دستمزدها سالانه بود که کارفرما از زیر پا آن شانه خالی می کرد و به انبوه چاقی پرداخت آن را به تعویق می انداخت. به دنبال این کم کاری قسور شد صبح روز ۱۳ خرداد این جلسه اجرا هم برگزار نمایند کارگران و کارفرما تشکیل شود اما این جلسه هم به نتیجه نرسید و در نتیجه کارگران برای مدتی دست از کار کشیدند. به دنبال این اعتصاب در حالی که چاپ روزنامه ای انزلی ۱۰ ساعت و ۱۰ چاپ روزنامه نیز بند ساعتی به تأخیر افتاده بود نمایندگان سازمان کار نمایندگان کارگران با کارفرما جلسه مشترک تشکیل دادند و کارفرما به ناچار به خواسته کارگران کردن قرارداد و نمایندگانی کارگران در شش ماه و پیروز مزد اضافه حقوق رایسه دادند و بعد از آن کارفرما و این زمانگی در کمتر از ۱۰ راتسیت گفتند. اکنون در این روزنامه صحبت بر ت تعیین حد اقل حقوقی بر مبنای ۱۲۰ تومان است.

**اعتصاب در کارخانجات پتروشیمیها**

کارگران ناراضان پتروشیمیات ران برای اعتصاب به هم پرداخت سود ویژه سالانه نمودن و اعتصاب کم کاری را سازمان داده اند که مدت است ادامه دارد. کارگران این کارخانه در سال گذشته رفاه ۶۰ تا ۷۰ تومان در لیست حقوقی کارگران ظاهر کرده و پرداخته است و الا که کارگران در خواست پرداخت سود ویژه سالانه خود را دارند اعلام داشته استمال

# در دانشگاه‌ها چه میگذرد؟

اعتصاب در دانشگاه شیراز

در هفته سوم اسفند ماه گذشته دانشجویان دانشگاه کشاورزی شیراز دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. انگیزه اصلی اعتصاب دستگیری پندتن از دانشجویان همین دانشگاه توسط اعیان ساواک بوده است. به دنبال اعتصاب ساواک مددای از دانشجویان را بازداشت کرد. در ضمن اعتصاب تراکت‌های افشاگرانه در میان دانشجویان پخش شده بود.

تهاجم پلیس به دانشجویان

روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه گذشته پلیس به ناگهانی به خوابگاه دانشجوی شیراز حمله برد و پس از اخراج دستوران مدرسه را بنگاه دانشگاه تبدیل کردید. این یورش ناگهانی مفول آسا که مانند عصبه با توپن و اعلال و تاجت آمیز و شونت همراه بود به دنبال اعتراض و اعتصاب دانشجویان ادبیات در پشنیانی از دانشجویان دیگر به ویژه دانشجویان کشاورزی که از مدت‌ها پیش در حال اعتصاب بودند صورت گرفت. دانشگاه کشاورزی در پی تظاهرات و اعتراضات دانشجویان منحل شد و است و اینک دانشجویان بلا تکلیف و استار گشایش دانشگاه خود هستند. اعلال سردسره پلیس شاه و ساواک در تعقیب و بازداشت دانشجویان و تساهیل دانشگاه تا خوشنویزها شدید دانشجویان را برانگیخته است.

دانشجویان علیه رژیم اعتراضی می‌کنند

در نخستین روز از اردیبهشت ماه دانشجویان دانشگاه فنی و دانشگاه زنگی دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به شرایط زندان آهر ایران و رفتار پلیس، آکرم بر دانشگاه تهران و همچنین اعتراض به معاهده از پیش‌سازهای برای عوام‌فرو، به اذلال به اهر طرفی ترتیب داده بودند دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و با دادن شمارهای مبینی از دانشگاه بهرون رفتند. این اعتصاب و اعتراض‌ها

توجه به تجربیات گذشته دانشجویان از اعتصاب‌ها همیشه با حمله گارد دانشگاه و دستگیری و مرگ‌عده‌ای از دانشجویان همراه است. به صورت پراکنده و در زمانی کوتاه انجام شد و دانشجویان معتقد به سرعت در اطراف دانشگاه حرکت کردند و پس از دادن شعارهای مدروم دانشگاه را ترک کردند. در همین روزها دانشجویان پلی تکنیک تهران نیز با همین روش نسبت به شرایط خفقان آهر در ایران اعتراض کردند.

آوازهای حماسی عاشقی‌های آذربایجانی

مردم از موسسه‌ای برای ابراز ناراحتی خود و افشای این رژیم بسوی ده دیکتاتوری و غارتگر و دعوت یکدیگر به اتحاد و مبارزه استفاده می‌کنند. این وسایل چه طنی باشد مچه مخفی یا نیمه مخفی فرقی نمی‌کند. مردم صدای دل و آمال خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهند. یکی از این جلوه‌ها برنامه عاشقی‌های آذربایجانی است که در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ خرداد ماه در دانشگاه علم و صنعت برنامه‌ای اجرا کردند و استقبال شدید و هیجان انگیزی روبرو شدند. برنامه‌ای که توسط آنان اجرا شد آهنگ‌هایی بود که مضمون انقلابی داشت و مردم را به مبارزه دعوت می‌کرد. این برنامه شامل قسمت‌هایی از اپرای کوراولی و اشعاری از صد هرفون شاعر بزرگ آذربایجانی بود. در این برنامه د و خیراننده و نوازنده به نام عاشقی پاشایی و عاشقی عبدالمسی نوری شرکت داشتند که عاشقی نوری در حین اجرای برنامه شعارهایی از این قبیل که با عهد یکر باشد و اتحاد داشته باشد عاشقی با خلق خود زنده است و با ترانه‌هایی را برای خاطر دوستانی که در میان مانیتند و به خاطر دست‌های پینه بسته گلرگون اجرا کرد. عاشقی مذکور در ترانه‌ای به نام ارس گفت: من حرف‌های زرم و هراسی از مرگ ندارم... و با ارس تو ندانستی که رفیق مارا کشتی ( اشاره به مرگ صمد بهرنگی ) یا عمر دشمن سرچه کوتاهتر شود. یاران به پا خیزید... این عاشقی‌ها در روزهای ۱۸ و ۱۹ خرداد ماه نیز در دانشگاه صنعتی آریا مهر برنامه اجرا کردند. در هر روز اجرای برنامه در حدود ۱۰۰۰ نفر تماشاگر در سالن حضور داشتند و در روز پنجشنبه ۱۹ خرداد به علت کثرت تماشاگران برنامه در فضای آزاد دانشگاه علم و صنعت برای بیش از ۲۰۰۰ نفر اجرا کردید. جوانان و دانشگاهیان با آوازهای حماسی و دعوت به مبارزه عاشقی‌ها شور مبین پرستی و انزجار خود را از شرایط ایران شاه زده به و نوح نشان دادند.

مردم ایران!

بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دشمنان شاه

مبارزه کنید!





از گوشه و کنار کشور

# حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

## اعتصاب کارمندان دارایی

در اوایل اردیبهشت ماه همین ادارات دارایی وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان اعتراض به کمی حقین خودتسلی از کار کشیدند. اعتصاب ابتدا از حوزه های مالیاتی غرب تهران شروع شد و پس از چند ساعت تمام حوزه های مالیاتی تهران را فراگرفت. این کارمندان معتقد بودند که افزایش غیر قابل تصور مالیات ۱۵۰ درصد به ما بدین شده اند و گمان می کنند که احتمالاً ما این پول را به جیب می رژیم مدرن حالی که با این گرانی ناگهانی و بی سابقه ما روز به روز بدتر می شود. اعتصاب حدود ۲۸ روز طول کشید و بدین نحو بود که آن ها در محل کار خود حاضر می شدند اما کار نمی کردند و به مراجع می گفتند که مادر حال اعتصاب هستیم. ما هوام ساواک مدتی از کارمندان را انتشار کرده مورد تهدید قرار دادند و حتی عده زیادی از کارمندان را دستگیر کردند. کارمندان اعتصابی می گفتند که تنها ما نیستیم ما تا همین سکن و پراکندگی مانده است. به دنبال سیاست ارتاب و بازداشت به نتیجه نرسید و وزیر اقتصاد و دارایی ( انصاری) قول مساعد داد که به خواست ما آن ها توجه شود و در نتیجه اعتصاب در چهارم خرداد پایان یافت.

افزایش یافته که کم آن ها را زیر بار خود خم کرده است. تقاضای افزایش حقوق کردند و چون با مخالفت روبرو شدند دست از کار کشیدند. شرکت و بانک بیمه ایران که با سرمایه خصوصی اداره می شود همسال ماهین نما توان سود به جیب سرمایه گذاران آن می ریزد و از حمایت کامل دولت برخوردار است و همین مسئله یکی از دلایل کارکنان و کارمندان اعتصابی برای افزایش حقوق بود است. زیرا همواره شاهد سود سرسام آور و افزایش سرمایه گردانندگان بانک و شرکت بیمه ایران هستند. حقوق اکثریت کارکنان و کارمندان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران بین ۱۷۵۰ تا دو هزار تومان است. در اولین ساعات اعتصاب کارکنان و کارمندان شرکت و بانک بیمه ایران صد ها متقاضی که برای انجام کارهای خود به این دو محل مراجعه کردند متوجه اعتصاب شدند و ضمن سردردی با اعتصابیون افزایش سرسام آور هزینه زندگی را تاقید کردند. شدتلی مراجعین با کارکنان و کارمندان اعتصابی آن چنان وسیع بوده که به دستور ساواک و گردانندگان وسایط ترابری بزرگ شرکت و بانک از داخل شدن مراجعین به ساختمان های بانک در خیابان سعدی و شرکت بیمه در خیابان ایرانشهره امیرج و شعبه مرکزی و مخبرالدوله جلوگیری کردند تا از گسترش اعتراضات و پخش اخبار مربوط به آن جلوگیری شود. سرانجام مسئولین مجبور به کنار آمدن با اعتصابکنندگان می شوند همان روز دستور پرداخت ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان به عنوان علی الحساب به کارمندان صادر می شود و قول داده می شود که حقوق ها تا حد قابل توجهی بالا رود. کامیابی این اعتصاب به واسطه سازماندهی خوب آن به دست آمد و روحیه مبارزه جوانان کارمندان را تقویت کرد.

## اعتصاب کارکنان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران

بیمه از سه هزار نفر از کارمندان و کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران و بانک بیمه ایران از ساعت ۸ صبح دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه به عنوان اعتراض به حقوق کم خود و افزایش سرسام آور هزینه زندگی دست از کار کشیدند و به اعتصاب نشستند در ادارات مختلف این شرکت و بانک دست زدند. کارمندان و کارکنان اعتصابی از قبل از بد تقاضای افزایش حقوق کرده بودند اما شرکت و بانک بیمه ایران چراغ زنده نمانده و سرنگم آوردن آن ها در اردیبهشت ماه اعلام داشتند با ۱۴ درصد افزایش حقوق و با تقاضای شده است که پس از تصویب در هیات مدیره پرداخت می شود. کارمندان و کارکنان بانک و شرکت بیمه ایران با اعلام این واقعه که هزینه زندگی فقط در پانزده و نه درصد از سال جدید می گردد آن نماند.

## اعتصاب غذا به خاطر آب

چندی پیش چندین نفر از سرکنندگان کردستان مشاهده اعتصاب غذای تعدادی از اعضای شرکت تعاونی سکن وزارت بهداشت بود. این عده به عنوان اعتراض به گرانی تصاعدی قیمت آب آشامیدنی که پرداخت آن خارج از توان مردم فقیر و ده بی سکن این منطقه است دست به اعتصاب غذا زدند. از سر نوشت آن ها اطلاعی در دست نیست. ساواک به شدت می کوشد تا اخبار مربوط به این اعتصاب در شهر پخش نشود.

مسائل روان‌پزشکی

فاز تحصیل دانشگاه آذربایجان است. از هم به تذکر است که خرید آلمان عقاری که از روحانیین مبارز و ترقی خواه است. همچنین از این بازداشت شده و وقتلا در زندان ساواک به سر می برد.

ساواک فعالیت خود را تشدید می کند

لیبر سیاسی ایران برای خود بیشتر در تمامی سطوح و شئون جامعه و تحکیم زیربنای اقتصادی آنرا برنامه ریزی را به مرحله اجرا در آورده است. از جمله این برنامه ها افزایش فنون الحاد و تعداد اتومبیل های آخرین سیستم برای این هدف است. تلفات زیاد ماهوار شهروانی و سایر در بر خورد با آذوقه های بی رنگی که کمتر به روزنامه ها را میسازد و حتی یک دهن آن ها منتشر نمی شود اما مردم در گوشه و کنار شهر هر روز خبر گرفته می اند آن هستند و افزایش شدت فعالیت ها گردان های انقلابی ایران را میسر واداشته است تا کلیه افراد خود را حتی پاسپان های راه نظای حرا با بی سیم مجهز کند و آخرین رسایی و تکنیک را به کار گیرد. فاصله بین پلیس و شش رژیم با مردم روز به روز بیشتر می شود. این مردم به چشم دشمن به نگاه می کنند و در همین حال این مردم از مردم گریف ای ساواک و انبیا با فضا و کمیته را رامیدارند که با احساس کمترین کار در به اصلاح برخورد می صلحانه و مصایبه قانونی را که ببینند همه شایسته ای کنند. با وجود اصرار شهروانی به جلب افسران به کمیته مکتور افسری است که به این کار رغبت نشان دهد. این آگرا و انزیا با ملنی افسران کار را به آن جا کشانده که شهروانی بسیاری انتقال افسران کرد به کمیته امتیازات و حقوق و ضمانتی قابل شود. از جمله ده هزار ریال به حقوق با آنه آن انا فیه می شود و از امتیازات بی سابقه دیگری نیز برای ارتقا درجه و امکانات عالی برخوردار می شوند. اراضی با درجه دارو که در مبارزه با سازمان ای سیاسی و افراد مبارز کمترین موفقیتی به دست آورد و ادای آن کلان می گیرد. با این همه کمیته برای افسران و درجه داران یک مدل تکلیفی است که همه از آن رو گردانند. نق و انتقال افسران و ماهوار شهروانی از شهرن ا به تهران و نقاط دیگر در شرایط معمولی بسیار دشوار است و اما از آنرا با ماهوری و دست در کمیته ساواک را باید بود باز فاجعه به محس مورد تقاضای انتقال می باید و در بخش انبیا آن با مشغول کاری شود. این شدت نیاز ساواک و شهروانی را به افراد جدید می رساند و این نشان می دهد که کمتر افسر یا ماهوری در شرایط دشواری با در به شدت باید پیش رفتی در سازمان و کمیته می شود.

روز دوشنبه تیم اردیبهشت ماه در حدود ۱۰ نفر از مادران زندانیان سیاسی ایران به عنوان اعتراض به ستاکی و بی عدالتی ای که در مورد فرزندان زندانی آن ساواک می شود در برابر اداره دادرسی ارتش (واتسج در نیابان کهرزنجیر) اجتماع کردند. تجمع این انبوه زندان زندیده که اکثر آن سالن بوده و پوشیده در یکادرسگاه چهره غمزده سردار همراه با مسئولان افشا گروگان دهنده شان برای رسوایی رژیم و نظام از سران در تهران دلبر و درین روز به بار رفته بودند. مسئولان دادرسی ارتش را واداشته تا به صورت یقه سبز محضیب ارتش را برای بیوس و جود و تحقیق درباره او است ای آن الحزام دارند و در راضی و است. مادران زندانیان و فرزندان قهری زندانیان قهری داشتند که از آن آدر در دو سال است که مدت حکومتشان به پایان رسیده و هنوز آزاد نشده اند.

دیگر خواست مادران مبارز بود از هم بود شرایط ملاقات زندانیان و دادن اجازه ملاقات به نوازان و برادران زندانیان که بدتی قریب به بیست سال در زندان های شهروانی قانع شده است و تجدید نظر اساسی در مدت محکومیت ای بی رویه از آن تا رسیدن آگاه از شاه مشعل نق و نیات بر سر روز شریف ترین فرزندان این سرزمین ریخته اند و بی بود تحقیقات زندانیان و مسائل دیدن در این زمینه ...

سروکد ارتش و روزه ارتش کرد تا مادران را متفق کند و به امر آن یقه سبز آن آشیره به والد و دنبال نشود سپاه بدرستند و موفق نشد. انبیا این انبوه با دست زخمه ای دید آیزی به گوش می رسیده که دم به دم اوج می گرفت.

سرانجام از آن دادستانی ارتش به مادران حق داده شد که نسبت به تمامی درخواست آن آن تا توبه دقیق شود و جز آزادی زندانیان. در این مورد گفته شد که تکلیف مدت محکومیت زندانیان را دادگاه ها تعیین کرده اند. مادران گفتند کدام دادگاه دادگاه ای که انگاشان پنهانیش به آن ادب کشنده است افسر شامیلا انداخته و نیاتانید بر آورده کردن دیگر واداشته از مادران آن دارا روانه کرد.

دستگیری و روانپزشکی فرزندان آزادیخواه

انبیا سر آفرینان و فرزندان مبارز و عقاری باج در ناپایان تهران نوبت از ان ساواک دستگیر شده است او



**تسریر مخالفان ادامه دارد**

اخیرا یکی از اضران شهرمانی که جانر تشده است به طرف جوانی که ظانرا فعالیت های بیبرگی داشته تسیر اندازی کند مسخت مورد تعقیب قرار گرفته است. این افسر پس از تعقیب "چریک" مورد نادر خود راه از رسانده صقه اش رای گیرد و سپرد دیگر ماموران سر می رسند راهرا که سلا عسی همراه نداشته دستگیر می کنند. اکنون افسر مزبور به ایمن دلیل تسخت تعقیب است که چرا به "چریک" نزدیک شده و او را قبل از آن که به هم برسند با کوله نوزده است. ظانرا قبل از شناختن در این مورد ابلاغ شده است که هر فرد مشکوکسی را با تیر بزنند حتی اگر صلح نباشد تا بعدا در مورد تحقیق شود. از جمله دلایلی که برای این عمل عنوان گرد مانده این است که اگر احیانا "چریک" تیر اندازی کند و افسری بچوری گویند شهرمانی متعقیب است و علیه ماموران تبلیغ می شود و همین آن که لزومی ندارد "چریک" تیر اندازی از آنجا افزود شود مخصوصا حالا که تحت فشار عوامل داخلی و خارجی میگذرد و محکمه محکوم شده و ششدر دستگیر شده است و نیست حالا عاشر را فاش کند.

جهانی بهایران برای دیدار از زندان های ایران وقت وگوسا زندانیان رژیم دست به هیله زدیلانه و کثیفی می زند. قبلا - زندانیان زندان های مختلف قصر را آگاه می کنند که هیات صلیب سرخ به زندان قصر خواهد آمد و به زندانیان توصیه می نمایند که برای حفظ آبروی ایران از واقعات مربوط به شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و مقرراتی از این قبیل با این هیات سخن نگویند. چند روز بعد یک هیات خارجی وارد زندان تصری شو و به عنوان نمایندگان صلیب سرخ جهانی با زندانیان گفت و گوی کند. زندانیان تصریر نیز عرچه از فبایع و جنایات رژیم می دانستند و شاهد آن بودند برای این هیات بازگویی کنند. دوسه روز پس از دیدار هیات کذایی ماموران شهرمانی مساواک به زندان ها می ریزند و زندانیانی را که واقعات زندان را برای هیات خارجی فاش کرده بودند اخراج می کنند و به آن های گویند هیات مزبور نمایندگان صلیب سرخ نبودند بلکه کار آن ها بودند و برای این که میزان "صداقت" و "مهربانستی" آن ها را روشن کنند با قیافه های مبدل به دیدار آن ها آمده و با آن ها صحبت کردند. آنگاه تمام آن های را که واقعات شوم و جنایت آمیز رفتار رژیم را با هیات کذایی در میان گذاشته بودند به یاد کتک فضل می گیرند و عذای از آن ها را نیز به زندان های افراد منتقل می سازند. این نیزنگ بازی بی سابقه رژیم زندانیان را سخت متحیر و ششکین کرد.

اما بدرغم این تشبیهات تنگن سواواک چه در تصریر و چه در سزا زندان ها از جمله زندان این زندانیان واقعات جاری زندان ها و شکنجه گاه های فعال شارها با هیات واقعی صلیب سرخ جهانی در میان گذاشتند.

**اعتصاب غذا در زندان تصریر**

در نیمه دوم خرداد ماه در زندان های سیاسی شماره ۳ و ۴ قصر اعتصاب غذا در مظانر، مهدانه ای شروع شد که چند روزه اول انجامید. زندانیان سیاسی پس از تذکرات متعدد که برای بهبود روح غذا و زندان آنه دیگر قابل تحمل نبود به مسئولان دادند و عوارهای اعتصاب ندیدند. آن ها از اعتصاب غذا به عنوان آخرین حربه برای واداشتن زندانیان به توجه به خرابست هایشان استفاده کردند و همین این خواست مطرح کردند که باید در گروان طاقت نرسای تابستان به آن ها اجازه دهند از پخیال استفاده کنند. زندانیان همچنین خواستار رفتار و سلوک مناسب تری از جانب زندانیان بودند. زندانیان با توجه به دیدارهایی که اخیرا نمایندگان مراجع بین الطلی کردند که از زندان های سیاسی به عمل می آورند و نیز یکپارگی و بیبهری اعتصاب کنندگان راهی جز عقب نشینی نیافتند و به بدیرون در خرابست زندانیان سیاسی تن در دادند. به این ترتیب اعتصاب با پیروزی به پایان رسید.

**چه هجوم و حشمانه ای!**

چندی پیش کودتای شمال خیابان غار را خراب کردند و به عذای ظلمی از ساکنان این گودها با کوس و ترنا و چار و جنجال و تلهفیات زیاد از آن آبارتان های توطئی کهریتی معروف کردند. اما بقیه کروی ویرانه های آلونک های خود هنوز در چادر سه سر می بوند.

از چندی پیش مچند شرکت بزرگ خانه سازی که بزرگترین آن ها وابسته به شاهپور قلا مرزا است در نقاط مختلف شهر دست به ساختن آبارتان زده اند. حالا تهر آبارتان گرم است و کرسه ها انکار بوی خون شنیدمانند! چه هجوم و حشمانه ای! این شرکت ها که تریک به نوبی به دربار و کوسه های بزرگ و سیری ناپذیر مربوط اند زمین ها و خانه های زمینکنان و افراد کم در آمد و تهی دست را از آن های گیرند و ظانرا عنوان می کنند که این اراضی را می خرند اما این معامله از نوع معاملات آن نانی است که هم به زیر سر باز و سر نیز انجام می شود و هم قیمت ها یک طرفه از سوی شرکت ها تحمیل می گردد.

**صحنه سازی های مساواک و تداوم مبارزان در بند**

همزمان با آمدن هیاتی از جانب سازمان صلیب سرخ



**بازمخترب سرپناه آلونک نشینان**

در اوایل خرداد ماه جاری مأموران شهرداری زنجان ۱۵۰ آلونک را در منطقه "زورآباد" که در شمال شهر واقع است هیران کردند. آلونک نشینان با قیافه های اندوهناک و خشم و انزجار ناظر تخریب سرپناه های محقر خود به وسیله مأموران رزم بودند. اکثر آلونک نشینان روستائیان هستند که به شهرها رانده شده اند و در شهرها هیولای تحمل ناپذیر با به نام هزینه سکن روبرو شده اند. این آلونک ها در واقع سند نکبت های لیاقتی وی آبرویی رزمی است که ثروت های عظیم نفتی این کشور را جنایتکارانه آتش می زند. می آن که آن را در راه نیازهای واقعی ملک و ملت به کار بیاورند. بعضی از آلونک نشینان زنجان که می دانستند با از دست دادن سرپناه خود دیگر در تمام این سرزمین پهنای سقایی روی سر آن ها و همسر و فرزندان شان وجود نخواهد داشت و در برابر یورش مأموران مقاومت کردند. زن ها گریستند و استغاثه کردند مگر در کمان شمع سرد شدند و اما این خیمه های رقت انگیز قایده ای نه آفت آلونک نشینان بازورانده شدند و زمین هایی که گفتنی بود به اوقاف تعلق دارد و از آن ها بهره گرفته شد. در حدود هزار ساکن آلونک های هیران شده اینک در شهر زنجان سرگردان وی خانمانند.

**نفع جوی در بارسان حدومرزی نی شناسند**

بهرچند از شهرهای حاشیه کزیراست و سال ها است ۷ هزار جمعیت آن را علم وزیر دربار در حال مرگ شاه خاکسپار ( علم سرطان خون دارد و خبر موثق حاکی است که بیشتر از چند ماه دیگر زنده نخواهد ماند ) تشنگان داشته و آبراهی رویشان بستاناست. ماجرا با انتقال سرپنازه بزرگی به بزرگوار آغاز شد. هدف از انتقال این سرپنازه خانه کعبه دستور طرح وزیر دربار صورت گرفت و آمد پدر و مادر سرپنازه و او بود خانواده افسران درجه داران به بزرگوار تا قیمت املاک و وزیر دربار بالا برود. با انتقال این سرپنازه به بزرگوار آب شهر که بسیار کم بود به داخل این سرپنازه منتقل شد و سالها است که مردم این شهر از سلامت و صحت تا نیمه های شب آب ندارند برای ترفتن یک سطل آب باید مقابل سرپنازه خانه جمع شوند و به گروهیان با التماس کنند. توطئه علم برای فروش زمین این در بزرگوار به زمین جبا خا ته نیافت. به دستور او یکی از باغ های شهر را غلامراه به دانشگاه اختصاص داده اند. از این دانشگاه تنها ناشر بر جا است و کویک تونین شهر و از آن نیست. زلی زمین نام و اختصاص یافتن باغ به دانشگاه خیالی چند صد تومان به قیمت زمین های علم افزوده است.

یک نمونه عالی از این نوع مناسله مد در حد " عادلانه " ( ! ) در کود خیابان فارغ داد.

به احوالی کودکان شمال خیابان غار انداز کردند که خانه هایشان را تخلیه کنند و ۱۵۰۰ تومان به بانک بدهند. تا شرکت آبارتانی در دولت آباد در اختیارشان قرار دهد. شراب خرید آبارتانی و فرزندان بچاری خانه های احوالی و آن ها را به مقاومت واداشت. یعنی آن هایی که خانه داشتند می بایستی قبایلی خانه می خوردند و در شرکت بودند و بعد از پرداخت ۱۵۰۰ تومان عده های بایست ما ۱۵۰۰ تومان به شرکت بپردازند و بقیه قیمت آبارتانی را ما آنه شمسد تومان بدهند. دیگر این که پول خانه ها را فروخت شرکت ما بخوانند به احوالی بپردازند. ابتدا احوالی مقاومت کردند و خواستار آن شدند که شرکت ما خانه ها را بخرند و پولش را بپردازند تا این خانیز آبارتانی را با پول خانه بخرند. شرکت های ساتانی این راه حل عادلانه را قبول نکردند و برای تخلیه خانه ها از نیروهای تاسی کتک خواستند. صد ها نظامی صلح به کود خا رفتند و تهدیدکنان احوالی را مجبور به تخلیه خانه هایشان کردند. حتی بولد و زردا فرستی به احوالی ندادند که اسباب و اثاثی منزلشان را آنگاه بپردازند. خانه ها را در هم گویند و اثاثی احوالی به مقدار زیاد زیر خاک ماند. در این میان تا آن جایی که محصولات و کودها زیر آزار ماندند. از تلفات جانی دیگر بزرگوار نیست. این یورش وحشیانه که در چند نقطه به جنگ تمام عیاری بین احوالی و مأموران کشید و نمره بسیاری دارد. یک نمونه بارز هجوم شبانه مأموران به شهرک شمیران نواست که خبر آن زمین تودر نوید چاپ شد و وطنی جنگ و جدال آن عده زیادی کشته و مجروح شدند. و سبب هجوم های دیگری به زلزله های اطراف میدان شهید و بالای تهران و بالا ( حاشیه تویان )

بسیاری از این برانده شده های تهیه دست اینک در لانه های - واقمالاته - که در حاشیه جاده قدیم شهر ری برپا کرد ماند و مثل کرم و جانور در شرم ببولند. منظره این لانه ها در پایتخت شاهنشاهی و در کشوری که می خواهد به تمدن بزرگ برسد و به انگلیس و آمریکا وام می دهد و واقمالاته شامی است. صد تا آلونک در سه ستوری با مقوا و چوبی بویایی برپا شده و درست مثل قوطی های بزرگ فلزی و هروی سفت و دیوارهای آن برای جلوگیری از نفوذ آب و سرما با نایلین های تکه پارچه پوشیده شده است. در این لانه های بد تو از لانه هزاران زن و مرد و کودک در هم می لولند و نه برقی و نه آبی و نه بهداشتی و نه صد رسماً و نه هیچ چیز دیگری که یک انسان بچیعه تمدن - نه تمدن - به آن احتیاج دارد. این است که می تمدن بزرگ شاهانه!

**سرنگون کردن رزم استبدادی شاه  
وظیفه همگرم مردم ایران است**

کرنا و وقاحت دم از ضرورت مبارزه با فساد و انقلاب اخلاقی  
و متمدنی در جامعه می زند.

### زندانی پوشهر و تعمیر افسانه‌های شاه

در بندر پوشهر ساواک سرآرم ساختمان یک زندان عظیم است که با بتون بالا می رود. در زمان با ساختن این زندان که طعمه آن جز شریف ترین فرزندان اعیان حمای ما نخراند داشت شاه در پوشهر یک کاخ افسانه‌ای برای خود میسازد. نقشه این کاخ را مهندسی سردار افغانی پسر خاله فرج پهلوی طراحی کرده و ناظران ساختمانی آن اسرائیلی هستند. با این که در سال از آغاز عملیات ساختمانی این کاخ عظیم می گذرد و محمدا شروز ساختمان در مراحل اولیه آن است. به قول یکی از مهندسان دست اندر کار هاین کاخ آن قدر مجهز و مدرن و بزرگ است که پایتخت ساختمانی شاید به عمر شاه نرسد. در اطراف کاخ ساختمان‌های مجلی برای رجال درباری نزدیک پناهگاه و اقوام شاهنشاهی پیش بینی شده است. ساختن این قصرهای افسانه‌ای و پر تبطل در شرایطی که بحران سکن و کمبود مصالح ساختمانی در بزرگ قشرها و گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه به ویژه زحمتکشان است به بیگانگی و بی اعتمادی کامل شاه خود پسند و خود پرست راز صابین مردم آشکارتر نشان می دهد.

### فروش سیمان در اندام شاهان و فلا مریا

قیمت رسمی هر کیسه سیمان ۱۲۵ ریال است اما سیمان کیسه‌ای ۵۰۰ ریال هم به سستی به دست می آید. شاه پیر فلا مریا و ایادی او و نیز تنی چند از رجال بانفوذ با استفاده از این سیاه بازار سیمان مشروع به دوشیدن مردم و سوء استفاده های گوناگون می پردازند. به این ترتیب که دلالان شاه پیر فلا مریا که بازر دیگر در حفظ ظاهر هم نمی گوشند به ای پروایی وقتانیت به دستا تن از کسانی که ساختمان‌ها و تاسیسات آن‌ها به نال آورده سیمان و دیگر مصالح ساختمانی در نیمه آرزو می مانده مجوز تحویل سیمان از کارخانجات سیمان را می فروشند. آن‌ها هر کیسه سیمان ۱۲۵ ریالی را ۳۰۰ تا ۴۰۰ ریال می فروشند و به خریداری گویند از کارخانه در زمانه کمپو که بخواهد می تواند سیمان مورد نیاز خود را تحویل بگیرد. بدینسان کارخانجات شاه سیمان را به تن دولتی یعنی ۱۲۵ ریال بد مردم بفروشند و در برلی نماندند تا عزا کنند چرا که مردم از روی لاجورد به دلالان شاه پیر ترا مراجعه می کنند و به حقیقتی که آن‌ها پیشتر ادعا می کنند سیمان مورد نیاز خود را خریداری می کنند. و سوازی این سوء استفاده نادیده بر هیچ کس پوشیده نیست. اما شاه و وزیران همچنان با کوس و

### ظاهر فریبی های مضحک

افلب سفرهایی که از طرف دربار انجام می شود مانند سفر فرج هزن شاه به شهرهای مختلف با نفرت و تصخر مردم رو برو می آید. اگر مردم در باره این سفرها تم می تفاوت باشند کسانی که همراه مثلا شهبانورا می یافتند و ظاهرها محلی هستند به دلیل سابقه نفرت انگیز که در محل دارند باعث خشم مردم می شود. برای نمونه در سفر عصر شاه به فومن و ماسوله چند نفر از فوضی‌ها و ماسوله‌ای‌هایی که سال‌هاست این دو شهر را ترک کرده‌اند و به دزدی و سرشوه خواری و خرد مردمی و بیاد بازی شهرت دارند هایشان را دوش به دوش همراهی می کردند و به عنوان اعمالی فومن خرفش آمد می گفتند و به اصطلاح را افسانه‌ای می کردند. این در حالی بود که به دستور شهربانی محل ساکنین شهر حق نداشتند از خانه هایشان بیرون بیایند مگر آن‌ها که با اجازت ساواک در کنار خیابان باید برای شهبانودست می زدند. ظاهر فریبی آن قدر زیاد است که گاه همه را به بندگی می اندازد. مثلا در رشت و فومن دو دختر چاهی که از تهران آورده بودند به عنوان اعمالی رشت و فومن به زن شاه دستگیر دادند و در ماسوله زنی را که ۵۰ سال به ش فومن را ترک کرده است به عنوان زن نمونه فومن به او معرفی کردند. همراه زن شاه لاشخیزدایی که مردم سایه آن‌ها را با تیر می زنند دوش به دوش همراه می رفتند و مردم زندان خشم برنم می نشوند. در شهر رشت کنترل مردم توسط ساواک آن چنان وقیحانه و سرسختانه بود که حتی وکلای رشت و فومن و ماسوله هم به حریمی کساواک اطراف زن شاه کشیده بود راه نداشتند و نمایندگان فراق (لباس مخصوص پاد م بلند) به تن در خیابان های اطراف میدان بزرگ شهر این طرف و آن طرف می دویدند تا بلکه راجی به میدان داشته باشند و خود را به عصر عواقریب شاه نشان بدهند. ولسی راه نایی که به این میدان ختم می شد توسط ساواک بسته شده بود و نمایندگان مانند موشی که دنبال راه گریز باشد در کوچه پس کوچه ها و شایبان های اطراف میدان این طرف و آن طرف می رفتند و مردم برایشان سوت می کشیدند و هوشانی می کردند و خرابای آن‌ها می رسید مردم فریاد می زدند: "وکلای دم داریا به بازی نمی گیرند".

در راه برانند اخسفن راه مستبد ادی شاه متحد شهیم!

تازه در آن چاه علت کمبود وسایل نبودن پزشک ۹۹ درصد آن ها جان می سپارند . چنین است معنای بهداشت برای گان در عصر رستاخیز آریا مهری .

دعوت شاه چگونه میان مردم می رود

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه فرج و عصر مواظب شاه هاز مدرسه مذکور ایستادگی ها در ایران بازگشت کرد و در جشن پایان سال این مدرسه نیز شرکت کرد . با این که خبر این بازدید و شرکت در مراسم پایان سال تحصیلی یکی مدرسه امریکایی در ایران در روزنامه های درباری انعکاس نیافت اما ساکنین منطقه ای که مدرسه در آن قرار دارد از این بازدید مطلع شدند . ما بر این قرار بود که چند روز قبل از بازدید هم آمیزان ساواک برای به اصطلاح پاکسازی محیط ده ها خانه اطراف مدرسه همراهی از خیابان های فرعی خیابان فخرآباد تهران واقع است زیر هر گردند و در راه تمام ساکنین آن ها و خانواده شان تحقیق به عمل آوردند . در همین روزها بر تعداد مأموران ساواک در این خیابان افزودند و چندین تلیکوترا با ارتفاع بسیار کم بر فراز منطقه پرواز کرده و عکسبرداری کردند . سرانجام روز بازدید فرارسید و از اولین ساعات روز تعداد زیادی از مأموران ساواک در خانه های مردم را زده و بدون اجازه به پشت بام خانه ها رفتند و مقدار زیادی بونه با خود به پشت بام ها بردند تا زیر آن ها پنهان شوند . حضور آن آروزی بام خانه های مردم تا بعد از بازدید ادامه یافت و در تمام مدت بازدید به ساکنین اجازه خروج از خانه ها داده نشد . برای بسیاری از ساکنین منطقه که همبسته از طریق رادیو و تلویزیون شنیده بودند که شاه امیرا دعوت شاه بی ریا میان مردم می رود و دیدن چنین صحنه هایی واقعا تعجب آور بود و برای اولین بار دیدند که دعوت شاه چگونه به میان مردم می رود .

تدریس فارسی با روش امریکایی

اخیرا تلویزیون آموزشی گروسی امریکایی را استخدام کرده و به غیریک ماهانه درجه دصصت وزارت توبان به انجاف کلیه مضارح زندگی پرداخت می کند . بنا به گفته فرهاد صبا مدرس تلویزیون آموزشی این عده را آورده اند تا زبان فارسی را با روش امریکایی از طریق تلویزیون به دانش آموزان ایرانی آموزش دهند ! گویه روش ما واحداتی که در تلویزیون آموزشی انجام می شود باید زیر نظر این امریکاییان باشد . در حالی که عم اکنون در تلویزیون آموزشی ۳۸ تهیه کننده برنامه با درجات تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس و دکترای رشته های مختلف به کار مانده اند و در خرداد ماه گذشته ۴ نفر از کارکنان تلویزیون آموزشی همراه با ۷۳۰ نفر از کارکنان واحد تولید کاتال ۷ پس از بی نتیجه ماندن مدت ها اعتراض و حتمی اقتدا بشان به واسطه کمی حقوقی ( حداکثر ۲۱۰۰ تومان ) و دیگر شرایط ناانگار کار استعفاء دادند .

فاجعه تهروتون

روز دوشنبه ۲۰ تیرماه تهروتون شهید - تهران در ایستگاه بهرام در ۲۳ کیلومتری تهران از قبل خارج شد و آتش گرفت . روزنامه های فرمایشی گویندند مسئله را بی اهمیت بی خطر جلوه دهند در حالی که اخبار رسیده حاکی از آن است که ناهای واگن های قطار سوخته و تنها واگن آخر نیم سوخته مانده و حتی یکی از شاهان همین جسد نفاش شده لگوموتور آن برآب چشم دیده است . مسئولان دولتی گناه را به گردن سوزنیان و تصدی ایستگاه انداخته اند اما بنا به نظر کارشناسان است این حادثه دلخراش که زمین آن بیش از صد نفر کشته شده مانده و متوجه دولت روزیر راه و توابری آن فرح بخشیمان است که بدین توجه به نظر کارشناسان در مورد پوشیدگی ریل ها و لزوم تعارض آن ها و به رغم انتظار آن ها در مورد ایگان بروز سانحه قطار های جدید را بر روی همان ریل های پوشیده به کار انداختند . فاجعه تهروتون تهران شهید بار دیگر سیمای گریه و غم مردمی زمامداران جا برون فاسد کشور را نشان داد .

معنای بهداشت برای گان

درفصل گونا به ویژه روزی ای تحلیل که عده زیادی از مردم برای استراحت و استفاده از دریا به شمال می روند و هر روز عده های در دریا قربانی می شوند . مثلا فقط در نوشهر روزی حداقل ۱۰ نفر غرق می شوند در حالی که نه از نجات خریقی خبری هست و نه از آمبولانس و سایر وسایل امدادی . و سبب آن است که ارتش به نجات غریق میبندد برای پذیرفتن اختصاصی خوبا حقوق و مزایا بیشتر جذب می کند و روز بهداشتی و بهداشتی نیز که در زمین روز این به اتفاق امرایا برای استراحت به نوشهر می آید تمام اتوبوسها و وسایل امدادی جدید بهداشتی نوشهر را در دست اختصاصی خود و همراستایش قرار می دهد و مردم را به غرق شدن با سانحه دیدگان را با وزارت جمت خود به بیمارستان چالوس برسانند که

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری

شروط اساسی براننداختن رژیم استبدادی شاهانست



سقوط واپسای نظامی در یک ماه

۱- در نخستین هفته تیرماه یک هواپیمای زانی (احتی فانتوم) در ۱۰ کیلومتری مذاق کوه های جهان نما از توابع کردکوی سقوط کرد و سر نشینان آن کشته شدند.

۲- روز چهارشنبه ۸ تیرماه یک هواپیمای فانتوم برفر از پادگان جی در اطراف تهران سقوط کرد و نهبان و کشته شد. آن کشته شدند و هواپیمای به زمین بنزین و مهمات اصابت کرد و انفجار شدیدی را باعث شد که موجب هلاکت دهه زیادی گردید.

۳- یک هواپیمای گرانبهار نظامی ( اف ۱۴ ) چندی پیش در اطراف اصفهان سقوط کرد که مانند هواپیمای قبلی خبر آن منتشر نشد. سرنشینان این هواپیمانیز کشته شدند.

سقوط واپسای نظامی در یک ماه صرف نظر از همه عوامل فنی و غیر فنی محاکمی از گسترش بی سابقه نظامی و فضا کسب کرده ریزی است که ثروت های هنگفتی کشور را با خریدن و انبار کردن انواع و اقسام سلاح ها بر باد می دهد و ایران را به انبار غنایم و خطرناک اسلحه تبدیل می کند تا بهتر بتواند نقش ژاندارم امپریالیسم را در خلیج فارس و در جهت حفاظت از منافع غارتگران خود و حاکمان اینها کند.

ثروت های ملی ایران بوسیله امپریالیسم بیدریغ غارت میشود و به جای آن اسلحه و کالا های رنگارنگ به بهیچانی دهه دم گران تر در کشور انبار میگردد و اینستکی اقتصادی جانی برای استقلال سیاسی باقی نگذاشته است. غول امپریالیسم ایران را - پیش از پیش فرو میبرد. در این شرایط خاموشی با همسین برستی سازگار نیست.

برای رهایی همسین مبارزه کنیم!

برای سرنگین کردن رژیم دیکتاتوری شاه

مقاومت کنیم!

خبرهایی از نیروگاههای اتمی بوشهر

دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی اتمی که در ۱۲ کیلومتری بوشهر و در ساحل خلیج بریا میشود طبق قرار دادی که ایران با شرکت آلمانی کراکتورک اونیون بسته است در سال ۱۹۸۰-۱۹۸۱ به مرحله بهره برداری میرسد. قرارداد این نیروگاه را شرکت آلمانی مذکور در سال ۱۹۷۶ با دولت ایران بسته است و سرخ بر میگردد به شرکت آلمانی کراکتورک که شاه یکی از سهامداران آن است. ظاهرا هدف از احداث این نیروگاه تأمین برق برای کشور است اما با توجه به اینکه ایران دارای منابع عظیم و سرشار نفت و گاز برای تأمین برق ارزان قیمت است میتوان دریا که هدف از احداث نیروگاه مورد بحث دست باین رژیم شاه به صلاح اتمی است. راکتورهای این نیروگاه ۱۹۳ مجتمع سوخت هسته ای دارند که ۱۰۲ تن اورانیوم غنی شده را در خود جا میدهند. از جمع حدود ۷۲۰۰ نفری که در نیروگاه کار میکنند ۹۰۰ نفر آلمانی هستند که حکم کارفرما را دارند و حضورشان در شهر کوچک بوشهر بخیس احساس میشود. اتموسفاتی که با زبان آلمانی روی آنها شماره گذاری نوشته شده و چند روزی آنها در شهر بازار بوشهر. حالا دیگر همه در بوشهر میدانند که نیروگاه اتمی در ۱۲ کیلومتری شهرستان احداثی شود و جسته و گریخته چیزهایی پیرامین خطرات احتمالی آن شنیده اند. همه با نگرانی درباره آن صحبت میکنند اما کترکشی از کم و کیف آن خبر دارد چرا که کوشش زیادی برای پردر بوشهر و جلوگیری از انتشار در گونه خبری به عمل می آید بطوری که حتی خود کارگرانی که در نیروگاه کار میکنند در این زمینه چیز زیادی نمی دانند. از قرار معلوم برای ایامات سوخته شده نیروگاه هنوز هیچ برناهای وجود ندارد و قرارداد تمام اورانیوم سوخته شده راکتور می تواند تا کیلومترها محیط اطراف را آلوده کند و زندگی مردم را بخطر اندازد تا ده سال انبار کنند تا بعد درباره اش تصمیم بگیرند. فعلا تمام برناه روی تأسیس نیروگاه و دست یابی به نیروی اتمی متمرکز شده است و اندیشه حفظ محیط زیست و جان مردم را در آن جایی نیست.

درباره مقدار پولی که برای تأسیس این نیروگاهها به آلمان فری پرداخت شده و میشود بندرت حرف زد میشود ولی گاهی از زبان مهندسان ایرانی شنیده میشود که ۴ میلیارد دلار خرج تأسیس این نیروگاهها میشود تازه شرکت مورد قرارداد میتواند با توجه به تورم جهانی درخواست پول اضافی هم بکند.

پیش بسوی ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری

# نویسند

( وابسته به حزب توده ایران )

شماره ۸ - شهریور ماه ۱۳۵۶

## کودتا در ارتش

بنابر اطلاعات به دست آمده اخیراً طرح يك کودتای نظامی در ارتش با شکست روبرو شده است. درحالی که رژیم پهلوی کوششهای خود را از انقضاء و انتقار اخبار مربوط به این کودتا به هر وسیله جلوگیری کند، اخبار به دست آمد محاکمی است که در حال حاضر در برخی از سادگان های تهران از جمله پادگان تهران واقع در پایانه سوم اسفند عده ای از امرای ارتش که در کودتا دست داشته اند زندانی هستند. آنان همگی ممنوع الطاقند. تعداد آنان ها بیش از ده نفر است و برخی از آن ها در مراکز واحد های ارتش در شهرستان ها پراکنده اند. شایع است که لاقط دو تنسار با درجه بالا که احتمالاً رعیوی کودتار در دست داشته اند مخفیانه اعدام شده اند.

خبر کودتا بار دیگر وجود ناراضی و مخالفت با رژیم پهلوی و استبدادی شاه را در ارتش نمایان میکند. افسران شریف و میهن پرست ارتش ایران حاضر نیستند شاهد بی تفاوتی شاه های شاه در جهت تبدیل ارتش ایران به ارتش دست نشانده و محافظه منافع غارتگرانه ابرو پهلوی و محافظت و منطقه باشند و نتنگ شرکت در جنایت ها و خیانت های رژیم شاه را بپذیرند. در سال های اخیر شاه به اشاره اربابان ابرو پهلوی خود سیاست نژاد پرستی پی بند و باری را بر میهن ما تحمیل نمود و با خرید تازه ترین جنگ افزارهای پیچیده و مدرن تهاجی ( تنها در عرض ۴ سال اخیر رژیم شاه ۱۰ میلیارد دلار از امریکا اسلحه خریده است) به حساب در آمد های ایران بریاد دادن پول نفت ( با به جیب زدن پول های کلان از طریق گرفتن حق العطل و حق دالسی

بقیه در صفحه ۲

## مبارزه

### علیه رژیم استبدادی شاه اوج می گیرد

هر چه در ایران شورشی و غروشان وارد شده است. فریاد های اعتراض علیه رژیم استبداد و اختناق هر روز اشد بیشتر و توان نیرومند تری می یابد. پایگاه اجتماعی رژیم دیکتاتوری شاه بیوسته تنگ تر می شود. قشر های اجتماعی تازه ای به عرصه مبارزه علیه رژیم خودکام و جبار کوشی پای می گذارند. ناخشنودی از رژیم نامعاصر شاه چنان ابعاد گسترده ای یافته که جز قشر محدود وابستگان به دربار انگلواره های بقیه در صفحه ۲

## وباد را ایران گشتار می کند

بیش از ۵۰ نفر در اثرها جان سپردند و صد ها نفر در بیمارستان بستری گردیدند. اکثر مبتلایان در بخش های "رنج" و "قروه" همان زندگانی می کرده اند. مقامات بیمارستانی هدا می گویند "اجازه انتشار اخبار متوسطه را به مانده اند. ما از نظر دارو و خدمات پزشکی در مزیت هستیم و خدماتی که اکنون به بیمارستان مبتلایان داده می شود بسیار ناخوشایند است. باید واکنشهای عمومی علیه ما در منطقه شروع شود، اما کار به سمتی و سهل انگاری و برده بوشی برگزاری شود.

در خود شهر همان تعداد مرداد ماه بیش از ۷ تن در اثر وارد شدند و بیش از ۲۰ نفر در بیمارستان های همان بستری گردیدند. این ارقام اکنون بسیار بالاتر رفته است

به محض شیوع هوا در همان تمام غرب ایران داروهای کلوپامین و سرخه های نایاب شد و گردانندگان بازار سیاه آن را به قیمت های گزافی به مردم فروختند.

در تهران نیز هاترینان بسیار بقیه در صفحه ۶

با آن که از اوایل تیرماه بیماری خطرناک وباد را ایران به ویژه در غرب کشور شیوع بسیار یافته گردانندگان رژیم خود خلقی شاه همچنان سعی در پنهان کردن آن دارند و اکنون کعبه واسطه شیوع زیاد داده وسیع مرگ و میر ناشی از آن بوعشتی که از این رهگذر در میان مردم افتاده، مجبور شده اند به وجود این بیماری در کشور اعتراف کنند، باز هم می کوشند مرگ و میر وسیع ناشی از آن را کتمان کنند و حتی نام بیماری را "تبیه ها" گذاشته اند، درحالی که طبعاً دست آموز رژیم از وجود "وبا" در کشورهای خارجه میانه. هر روزه سخن می رانند. بی شک مسئولیت گسترده و افزون این بیماری و تلفات ناشی از آن به عهده رژیم خود مردمی شاه است که نه تنها می کوشند تا حد ممکن مردم را در بیماری محصور نگذارند، بلکه در مورد مقابله با این بیماری و بهار کردن آن نیز هیچ اقدام تاهاجی انجام ندادند و تنها به تبلیغات توانایی و باوه سرایی های پیچیده اکتفا کرده است. خبرهای رسید از انتشار روز افزون این بیماری خطرناک خبر می دهد.

در منطقه همان در ناصله يك ماه



مبارزه علیه رژیم . . .

اجتماعی دیگر هر کس از هر قشر و طبقه اجتماعی بی مهابا علیه آن سخن می گوید. دیوارهای ترس و وحشتی که سازمان جنایتکار امنیت ملی سال ها در برابر هوکونه نظامی و نمود ناخشنودی و اعتراضات سرزنی برپا داشته بوده به تدریج فرو می ریزد. بحران سیاسی و اجتماعی رژیم را فراموشی و رژیم زد خلقی سرانجام به عقب نشینی مای تن در می دهد. پاره ای از زندانیان سیاسی را آزاد می کند، مهابا شتاب شکنجه گاه ها را با کفشدیواری و مکت و . . . آرایش می دهد و میگذرد جنایات خود را از انظار پنهان کند. و در همین حال در برابر مقاومت و افشاکاری مای مبارزان در بند چنگ و دندان نشان می دهد. در حالی که ناتوانی خود را در حل مهم ترین مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر فتنه، مسکن، بهداشت، ترافیک، آب، برق و غیره به ثبوت رسانده و ایران را به جهنمی غیر قابل زیست بدل کرده است باز هم لحظه ای دست از تبلیغات عواضریانه و دروغ پردازی های شوم آور درباره "رفاه" و "بشریت" و "تمدن بزرگ" دست بر نمی دارد، اما تنگنای که کار به رسوایی کشید و امواج ناخشنودی و اعتراض مردم مایه های فرتوت کاخ استبداد پشورا به لوزه در آورد، تن به عقب نشینی های عجولانه می دهد. به دنبال رسوایی بوق و بحران اقتصاد و اجتماعی عمیق ناشی از آن مهره های کهنه را جابه جا می کند و بیست فطرت رسوایی چون جشید آموزشکار، امین دلال انحصاری نفتی را به جای بیست فطرت دیگری چون امیر عباس، ویسنا، که کارخانه سیاه دولت سیزده ساله اثر از بیانات و جنایات آکنده است، می نشاند. اما این گونه مانورهای عیان کسی را نمی فریبد. مگر نه این است که آموزشکار نیز مانند همپدا خود را در ۳ جرایم صحیح و دقیق نجات شاه "متصدی دانند؟! شاه می گوید با وارد کردن چند نماینده بزرگ سرمایه داران بخش خصوصی نظیر کاظم خسروشاهی و چند تنگو کرات نظیر محمد رضا امین در دولت بایگاه اجتماعی تنگ شده خود را بازتر کند اما سیاست شاه تغییر نیکرده است سرمایه داران همچنان رژیم او را سدی در برابر رشد عادی سرمایه داری در ایران می یابند.

شاه بر اصول "انقلاب" کذایی فرمایشی خود می افزاید اما کیمت که نداند همه این ها "مباحی بسیار برای تمسج" است و این اصول فاه موعن واقعی است و تنها به قصد عواضری و مانور در برابر فطیان ناخشنودی و موی طواغی شده است.

در حالی که قیمت زمین در تهران و سایر شهرهای بزرگ طی ۱۰ سال گذشته ۱۶ برابر شده است، شاه از تثبیت نسبی بهای زمین و ساختمان و تأمین مسکن مردم می زند و در همان حال دستور می دهد که خانه ها و آپارتمانی ای توده های زحمتکشی را که با فروش تمام دار و ندار خود در خارج از محدوده سرزمینی برای خانواده مستعدیده خود برپا کرده اند بوسرشان خراب کنند و آنگاه که با طغیان خشم آکین و حماسه مقاومت

### منظوم دموکراسی ها مانده

شاه در سخنان خود به مناسبت سالروز جنبش مشروطیت ایران ادعا کرد:

"دموکراسی فقط با آن ظهوری که امروز در ایران برپا می تواند برای کشور و ملت ما سازنده و مضر بخش باشد زیرا که تنها این دموکراسی است که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی جامعه ایرانی و عیانگ با ارزشها و موازین فرهنگی و مدنی آن است."

. . . و ظهوری که دموکراسی ادعایی شاه در ایران دارد چیزی نیست جز زورگویی و ظردی و چاکر نشی، سرنیزه و زند و شکنجه و اعدام، کاربرد شیوه های ترس و خوفناک پلیسی علیه آزاد بخوانان و معین پرستان و آزادگان، شکستن قلمها، سد کردن راه هرگونه خلافت فکری و مغزی و تسلط سازمان جنایتکاران حرفه ای به اصطلاح امنیتی بر کلیه شعب کشور، تمرکز تمام قدرت و اختیارات کشور در دست محبت حاکمه و در رأس آن شاه جهاری که به قول خودش امر مملکت را به اشعار چشم و ایرو اداره می کند، هرروز فرمان های توخالی و هواخربا صادر می کند و همه چاکران و مداحان و ائند ازان رئیس را به ستایش و کرنش فرامی خواند، به روی تمامی ثروت های ملی چنگ می اندازد و همراه با خانواده و لهوان و انصار و عم بالکسی همیش، و صد البته و در رأس همه، اربابان امریالیستی افش و ثروت های طبیعی و دسترنج زحمتکشان را به غارت می برد و با بی شرمی بی خطای این همه راه عنوان "انقلاب" و "بشریت" و "رفاه" می زند. معنی مدعی است که این نه تنها بهترین شکل دموکراسی برای کشور ماست بلکه اشکال دیگر دموکراسی "برای هیچ جامعه دیگری نیز نمی تواند نتیجه مطلوبی به بار آورد". به عقیده شاه کشورهای دیگر هم باید از دموکراسی شانسانه سرمشی بگیرند. حال تصور کنید اگر کشورهای دیگر واقعا این کار را می کردند آنوقت تمامی دنیا به چه جهنم سوزان و زیست ناپذیری بدل می شد!

و باید آری این مردم دلیر و مستعدیده که حاضرند تا پای جان از خانه و کاشانه محقر خود دفاع کنند رهرو می شود، چهارمادی جز تسلون می بیند و در برابری از شورانگیزترین مبارزات تودمادی سال های اخیر عجولانه عقب می نشیند.

در برابر امواج خروشان مبارزات مطالباتی و اقتصادی طبقه کارتر، به وحشیانه ترین اقدامات دست می زند و نمیداند میگوید با توسل به "آئین نامه انتخاباتی" و نظام سربازخانه او را این جهلوان به پا خاسته را به سوی خوشید آزادی و مهابی انسان زحمتکش از قید استبداد و استثمار سد کند اما بیلهوان ایران با کام شای استوار به پیش می نازد و سد های پوخالسی رژیم در برابر مبارزات پشور و فزاینده اش یکی پس از دیگری بقیه در صفحه ۷



# ”آئین نامه انطباطی سند بردگی کارگران

د شواری شاوناسانی های اقتصادی و زیانست نزیانده وضع زندگی مردم تشدید مبارزات مطالباتی و اقتصادی کارگران نمی توانست عناصر تازه ای را در سیاست کارگری رژیم به همراه نیابرد. به ویژه که طبقه کارگر ایران اکنون به یک نیروی پرتوان اجتماعی تبدیل شده و اعتدای سلاح آگاهی طبقاتی و گرایش هرچه بیشتر آن به سوی تشکل و اتحاد و مبارزه برای تحقق خواست های اقتصادی و اجتماعی خود، رژیم را نسبت به عواقب سیاسی تکامل آن نگران ساخته است. اکنون در کشوری که به ادعای شاه در آن همه چیز به کارگران داده شده، اختصایات کارگری به امری عادی تبدیل شده است. شامیوسته به اصل ”انقلاب“ گذایی خودی افزایش و فریاد بری دارد که پیشرفته ترین و مترقی ترین قوانین کار را در دنیا داریم. اما طبقه کارگری برای دفاع از ابتدایی ترین حقوق خویش، علی رغم اختناق حاکمو وحشیانه ترین پورش های پلیسی و سرنیزه و گلوله زدن، به با می خیزد. رژیم شاه از می های بیکار گسترده، باجقاتی کارگران و زحمتکشان سخت نگران است وی کوشد با وارد کردن عناصر اختناق و خفد انسانی تازه ای به سیاست کارگری خویش و توسل به برخی تدابیر مشخص، از شدت فشار جنبش کارگری بکاهد. اگر در گذشته شاه با طرح ”دو اصل“ سهم شدن در سود ویژه و ”فروختن سهام کارخانه ها“ کوشید کارگران را بفریبد و شرایط را برای تشدید استثمار آن ها فراهم کند و با توسل به یک مانور وسیع تبلیغاتی کارگر و کارفرما را در یک صف قرار دهد و بین آن ها به اصطلاح ”صلح طبقاتی“ برقرار کند و چنین وانمود نماید که ”تویک شدن“ کارگران در سود و سهام کارخانه ها امتیازا طبقاتی در ایران برافزاده است، دیگر چندی است که رژیم او نقاب عواضی را از چهره زشت و خمد کارگری خود برداشته و آشکارا از لزوم تشدید بهره کشی از کارگران و زحمتکشان سخن می گوید.

شامسال گذشته به وزیر کار چنین دستور داد: ”بهره بری کارگران باید افزایش یابد و ارتقاء سطح دستمزدها با همی در ارتباط مستقیم با این افزایش مورد توجه قرار گیرد.“ معنی واقعی این سخنان تشدید بهره کشی از کارگران، به دین سرمایه گذاری ادنی و تنها به حساب صرف نیروی جسمی و روحی بیشتر از طریق کارگران بود. به دنبال سخنان شاه کارزار تبلیغاتی گسترده ای علیه ”افزایش بی رویه دستمزدها“ آغاز شد. نمایندگان سرمایه داران بزرگ و استار تعدیل و تثبیت دستمزدها شدند، دستمزدهایی که در سطح کمیونی اش به هیچ وجه با سطحی هزینه های کم شکن زندگی نیست و با افزایش مراسم آور هزینه های خوراک و پوشاک و مسکن و درمان و غیره دیگر قادر نیست از

از سطرط نارگران و زحمتکشان و خانواده آن ها به وسط فقر و تنگدستی و ترسنگی دائمی و مزمن جلوگیری کند. اما فشار و تضییقات علیه کارگران به همین جا نایتم نیافت در اوایل زمستان سال گذشته کارفرمایان و بازرگانان کشور در اتاق بازرگانیها حضور وزیر کار سابق، ضو چهارمین جلسه ”سیا“ و عامل چهره باخته ”ساواک“ به توطئه نشستند و جهت تنبیه و مجازات کارگران آئین نامه ای تهیه کردند که متن کامل آن اخیرا در روزنامه ”دنا“ منتشر گردید.

روح شد انسانی و تد کارگری بر تمامی این آئین نامه حاکم است، تهدید و خشونت در آن موج می زند و در بیشتر ماده آن دندان خشم کارفرمایان راهی توان دید.

قرارست در نخستین مرحله این آئین نامه به مدت دو سال در مورد ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی با بیش از یک میلیون کارگر به مورد اجرا گذاشته شود. در این آئین نامه به اصطلاح ”انطباطی“ دست کارفرمایان برای اعمال فشار خود سرانه و تشدید بهره کشی بی رحمانه از کارگران کاملا بازگذاشته شده است. آئین نامه از دو بخش تدابیر تشویقی و ”تدابیر انطباطی“ تشکیل شده و در ماده اول هدف از تهیه آن ”افزایش سطح بهره بری کار و بهبود کنی و کیفی تولید“ یعنی تشدید بهره کشی از کارگران به منظور افزایش تولید، ”ای-ان-ظم“ دلخواه کارفرمایان در نارگاه، و ”بالا نره جلوگیری از هرگونه کم کاری و بطالت بی نظمی در کارگاه“ یعنی تبدیل کارگران به بردگان فرمانبردار، ذکر گردیده است. تدابیر تشویقی از تشویقی شفاهی و کنی ”تا“ اعطای مدال و نشان ”رادر بری گرد و، در مقابل رعایت نظم دلخواه کارفرما و اجرای کامل و دقیق دستورات و ”ارائه بالاترین سطح کارائی بهره بری“ (یعنی تن در دادن به بالاترین نرخ بهره کشی) و بالا نره شرکت زرد بره های آموزشی طی، سیاسی، اجتماعی و صهنی و ایفای نقش سازنده در کانون های حزبی و در برنامه های مسیح و مراسم کارتری“ (که چیزی جز بیهوشی چین و چوای حاکمیت سرمایه داران و رژیم فاسد و جنایتکار شاه و حزب شاه فرموده رستاخیز و بازی نقش صیاهی لشکر در مراسم استقبال و بدرقه مهمانان شاه و جشن ای-کد ای محاک زمان نیست) پیش بینی می شود. دی از آن فریب کارگران بی تجربه و ایجاد شکاف در صفوف کارگران است.

اما مهم ترین بخش این آئین نامه به موارد تخلف و مجازات های مربوط به آن اختصاص دارد. مهم ترین موارد تخلف در این بقیه در صفحه ۴

آئین نامه انضباطی . . .

آئین نامه عبارتند از: تاخیر ورود وغیبت، افشاء اخبار محرمانه کارگاه، خوابیدن در محل کار، بی حرمتی به مافوق و سرریجی از انجام وظایف و مسئولیت های محوله، کم کاری بخلت در انجام وظایف محوله که منجر به تخریب یا خسارت اموال و اشیاء و ابزار کارگاه و کاهش تولید و افزایش ایامات شود، بی نظمی در کارگاه، عدم استفاده بموقع از وسایل ایمنی، ترک محل کار بدون اجازه، سرپرست مربوطه، سرریجی از دستورها، مسئولان انتظامی و حفاظتی.

موارد تخلف را بهر سی کنیم:

۱- تاخیر ورود و غیبت: برای همه روشن است که در ایران و در شرایطی که بیکاری آشکار و نهان دانه گسترده ای دارد و برای پیدا کردن کار تلاش فراوان باید کرد، هیچ کارگری بدون عذر موجه غیبت نمی کند و معاش خود را به خطر نمی اندازد. ولی با در نظر گرفتن موج و بلندی که سرمایه مستگنا اداری کشور را فرا گرفته است چگونگی کارگران می توانند اسناد لازم را برای اثبات "موجه بودن" غیبت های خود تهیه کنند و در حالی که اغلب مشاهده می شود که کارفرمایان حتی وقتگواهی استراحت بزرگ بیمه را هم در مورد کارگر بهار نپذیرفتند و را اخراج می کنند. و اما در مورد تاخیر ورود: در آئین نامه از سرریجی حمل و نقل کارگران عمیق سخنی به میان نمی آید. حال با توجه به فاصله زیاد محل زندگی کارگران تا کارخانه ها و موقع نامساوی ترافیک شهری و نبودن سرویس ها در صورت دیر رسیدن آن می توان کارگر را در مورد تاخیر ورود محض شناخت و از مزینا چیزش کم کرد و یا با اخراج نمود؟ در این زمینه با آن که مدت زیادی از اجرای این آئین نامه نمی گذرد، خبرهای زیادی رسیده که آخرین آن ها مربوط به اخراج چند تن از کارگران چاپخانه بزنگ ۲۵ شهریور متعلق به سازمان شایعشائی بنده مات اجتماعی است. کارگران اخراجی تنها ۱۰ تا ۱۵ دقیقه تاخیر ورود داشته اند.

۲- افشاء اخبار محرمانه کارگاه: در سال های اخیر امواج خروشان و فزاینده احتساب و اعتراض کارگری واحد های صنعتی کشور را فرا گرفته و هم شد کارگری شاه راند و وحشت مرگ فرورود و رژیم به وزه از آن بیم دارد که اخبار مربوط به این مبارزات به میان سایر کارگران و زحمتکش راه یابد و اشتیاق و آگاهی بیخ لزم تشدید مبارزه و تشکل و دهگای طبقاتی را در آن بنا تقو و وجدان طبقاتی آن ها را به پیش برده ارنک. از این رو است که در مقابل افشاء چنین اخباری از سوی کارگران این چنین چنگ و دندان نشان می دهد.

۳- خوابیدن در محل کار: اگر دستمزدها کارگران کفاف هزینه های زندگی خود و خانواده شان را می داد و در روزی در مقابل افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج عمومی دستمزدها کارگران را ضعیف نمی کرد و هم نوع افزایش آن را به تشدید بهره کشی از کارگر ان (به اصطلاح افزایش بهره گیری کار) موکل نمی نمود و اگر جنبش مطالباتی را امتداد می کارگران راه خاک و خون نمی کشید

و خواست افزایش دستمزدها کارگران را با گلوله زندان و شکنجه پاسخ نمی داد، کارگران مجبور نبودند برای حداقل تأمین خانواده خود سلامت ها امانت کار کنند و یا علاوه بر کار روزانه شبها در واحد های تولیدی دیگر به کار مشغول شوند و سه بی خوابی و عوارض ناشی از آن تن در دهند و احیاناً در اثر فشار خستگی بی خوابی غفلت در محیط کار خواب بر آن ها چیره شود و در نتیجه در معرض تهدید و تنبیه و اخراج کارفرمایان قرار گیرند.

۴- بی حرمتی به مافوق و سرریجی از انجام وظایف و مسئولیت های محوله: این اصطلاحات احتمالاً از آئین نامه سرپازخانه ها برداشته شده است. در کارخانه و کارگاه هر کس طبق قرارداد کار وظیفه شخصی دارد و هر کارگری برای انجام کارش تابع رعایت نای استادکاران و مهندسان مربوطه عمل می کند و خارج از این رعایت ها هیچ دستوری را از هیچ کس نباید بپذیرد.

۵- کم کاری: کدام سرمایه داری یا دولت سرمایه داری است که کارگران را به کم کاری متهم نمی سازد؟ شاه کار را به جای رسانده که در این باره زیاده اران کشورهای سرمایه داری غرب را به ملت سهل انگاری آن ها در قبال کم کاری کارگران مورد سرزنش قرار می دهد. شگفت آن که اتهام کم کاری به کارگران از طرفی کسانی زده می شود که به جز بهره کشی از زحمتکشان و ظلمت ستیز آن ها کار دیگری ندارند. هیئت حاکمه و کارفرمایان می خواهند عیبه های ناشی از ندانم کاری های خود و موج سیتم سرمایه داری را با تهدید بهره کشی از کارگران جبران کنند. اتهام کم کاری به کارگران که گردانندگان اصلی چرخ های اقتصاد و تولید کنندگان اصلی نعم مادی و ثروت های کشور هستند از سوی بهره کشی که انگل و اشعرات کار و زحمت آن ها را به غارت می برند اتهام بی شرمانه و سالیسانه ای بیش نیست. در واقع این تخطی از ندرت و کارفرمایان و دولت های آن ها همواره آن را تکثیر می کنند. تلاش کارفرمایان این است که با تشدید فشار، ابتدایی ترین حقوق انسانی کارگران را باطل ساخته، آنان را به بردگان بی حق و حقوق خویش محول سازند.

۶- غفلت در انجام وظایف محوله که منجر به تخریب یا خسارت اموال و اشیاء و ابزار کارگاه و کاهش تولید و افزایش ایامات شود: گنجاندن این ماده در آئین نامه اولاً به کارفرمایان حق می دهد که گاه ضعف تکنولوژی و یا احتمالاً ناقصی دستگاه ها را که می توانند به تخریب یا خسارت اموال و اشیاء و ابزار کارگاه و کاهش تولید و افزایش ایامات منجر به کردن کارگران بپردازند. ثانیاً در بسیاری از موارد خسارت دستگاه ها و در نتیجه کاهش تولید و افزایش ایامات ناشی از اصطلاح "خلت" کارگران بلکه نتیجه بی سوادی کم سوادی اکثریت کارگرانی است که با وسایل و ابزارها و دستگاه های مدرن که نیازمند مهارت و آموزش قبلی است مستخدم کار دارند. ثالثاً این ماده می تواند به مثابه چماقی در دست کارفرمایان علیه بقیه در صفحه ۹

۶- غفلت در انجام وظایف محوله که منجر به تخریب یا خسارت اموال و اشیاء و ابزار کارگاه و کاهش تولید و افزایش ایامات شود: گنجاندن این ماده در آئین نامه اولاً به کارفرمایان حق می دهد که گاه ضعف تکنولوژی و یا احتمالاً ناقصی دستگاه ها را که می توانند به تخریب یا خسارت اموال و اشیاء و ابزار کارگاه و کاهش تولید و افزایش ایامات منجر به کردن کارگران بپردازند. ثانیاً در بسیاری از موارد خسارت دستگاه ها و در نتیجه کاهش تولید و افزایش ایامات ناشی از اصطلاح "خلت" کارگران بلکه نتیجه بی سوادی کم سوادی اکثریت کارگرانی است که با وسایل و ابزارها و دستگاه های مدرن که نیازمند مهارت و آموزش قبلی است مستخدم کار دارند. ثالثاً این ماده می تواند به مثابه چماقی در دست کارفرمایان علیه بقیه در صفحه ۹

## در جزیره کوش چه می‌گذرد؟

از طریق بانک عمران ( که متعلق به شاه است ) جزیره کوش را به یک کازینوی بزرگ و جهانی تبدیل کرده اند و در حالی که صدها بر نامه عمرانی مملکت به قول خود گردانندگان بر زمین آریا مهری به دلیل نداشتن ول و اعتبار متوقف شده است و مردم را برای وصول مالیات به شدت زیر فشار قرار داده اند ، میلیارد ها ریال بولط را در جزیره کوش تبدیل به قمارخانه و فاحشه خانه وزمین گلف می کنند . به زودی کازینوی کوش با سرمایه بانک عمران ، ملی و صادرات موضوع به کار خواهد گورد . جزیره کوش به ۱۲ کانال رنگی تلویزیون مجهز خواهد شد که بی وقته برنامه خشخشا خواهند کرد . جزیره سه هتل خواهد داشت که هر کدام مجهز به یک کازینو برای قمار بازی هستند . در هر یک از این کازینوها ۱۵۰ نفر می توانند قمار کنند . یعنی ۴۵۰ نفر در هر لحظه . شاه تصمیم دارد با ساختن کوش کازینوهای گلزابلانکا ، لاس وگاس و جزایر قاری را ازسکیمیانداژ و حالا که خودش از وحشت تا امرات بین الطلی علیه حمام زنی که در ایران جاری کرده نمی تواند از صند و در جزایر ایلی ایران خارج شود ، نمونه قمارخانه ها و فاحشه خانه های بین الطلی را در ایران ، در جزیره کوش ، متمرکز کند . تمام ساختمان های جزیره مانند هتل ، ویلا و بازار کازینو ها فاحشه خانه ها سه سبک مورد علاقه همسر شاه ساخته می شود و در اصل اوجوشی رنگ اتاقی ها و معماری فاحشه خانه ها را انتخاب می کند . در جزیره کوش که از مدت های پیش ساکنان زحمتش اش را بیرون کرده اند و با لنج و قایق به جزایر دیگر فرستاده اند و آواره کرده اند ، بنا بر خواست وزیر نظر فرح بهلولی ۲۵ هزاره در بازار ساخته شده که آخرین پدیده های مدرن جهان را به نمایش گذاشته و در معرض فروش قرار می دهند . در این مغازه ها اجناس لوکس مزون های لندن ، پاریس و نیویورک فروخته خواهد شد . سال ها ست می خواهند برای تهران یک فرودگاه بسازند اما هنوز دست به کار نشده اند و این در شرایطی است که فرودگاه مهرآباد تهران به ایستگاه اتوبوس بیشتر شبیه است تا یک فرودگاه بین الطلی و بمنور سقف فرودگاه فرودگاه که منجر به کشته شدن ده ها مسافر می گناه شدنوسازی نشده است ، اما در جزیره کوش فرودگاهی با هزینه ۱۰ میلیون تومان ساخته شده است . معماری و تزئینات این فرودگاه نیز با تائید و مساعدت همسر تاج دار عراق زمان صورت گرفته است . در این فرودگاه می توان بدون کمک جنس خرید . این فرودگاه در زمین های باز که قرار است از اول ژانویه ۵۰ هزاره آن صورت گیرد و لابد شاهنشاهی اسلام بناه ژانویه را در این فاحشه خانه اشرافی به سر خواهند برد . در کنار دریا دو هزار ویلا ساخته شده است . علاوه بر

بقیه در صفحه ۶

## ما از مواضع اصولی کانون نویسندگان ایران حمایت می کنیم

کانون نویسندگان ایران دومین و سومین نامه های سرگشاده خود را به دعوت آموزگار ، نخستوزیران وقت انتشار داد که اعضا نزدیک به صد تن از سرشناس ترین و ممتازترین نویسندگان و شعران و هنرمندان و مترجمان کشور که در واقع نمایندگان حقیقی ادب و هنر امروز ایرانند در زیر خود داشتند کانون نویسندگان ایران نامه ها ، ضمن اعتراضه " تمهیدات گوناگونی که ... غرار افعالیت های فکری و فرهنگی کشور ما نهاده شده " خواستار شده که " با بر مساحت شناختن کانون نویسندگان ایران و برداشتن آن دشواری ها ، در جهت تحقق بخشیدن به اصول آزادی صرح در قانون اساسی و ضم آن و اعلامیه حقوق بشر گامی برداشته شود " . ضمنا کانون نویسندگان ایران طی اعلامیه ای مواضع کانون را به شرح زیر اعلام داشت :

۱- آزادی اندیشه و بیان و ظهور نتیجه آزادی چاپ و انتشار آثار فکری ، بدون هیچگونه متری ( سانسور ) قبلی . این آزادی ها عام است و شامل همه افراد مردم می شود و هیچ حصر و استثنایی ندارد .

۲- کانون نویسندگان ایران مطلقا جمعیتی صنفی است و از هیچ نظریه و عقیده خاصی ، خواه علمی و فلسفی و هنری و خواه سیاسی یا دینی جانبداری نمی کند ، بلکه از حق خدشه ناپذیر عامه مردم ایران برای بیان و نشوونمات و عقاید خود قویا پشتیبانی و دفاع می نماید .

۳- کانون نویسندگان ایران از همه سازمان های سیاسی موجود یا آنچه در آینده به وجود خواهند آمد مستقل بوده موظف به حفظ این استقلال است . اما از آنجا که آزادی های اندیشه و بیان و قلم از مجموعه آزادی های اجتماعی و سیاسی جدایی ناپذیر است و جز در صورت استقرار رژیم دموکراسی نمی تواند به حصول پیبوند ، کانون در عین حفظ استقلال خود موظف به پشتیبانی ، نسبی و احیانا عطفی از همه سازمان ها و احزاب دموکراتیکی است که از آزادی های نامبرده دفاع کرده در راه استقرار و شمول آن به همه افراد مردم ایران می کوشند .

۴- کانون نویسندگان ایران سانسور را به هیچ شکل و هیچ عنوان ، خواه کلا و خواه جزا نمی پذیرد و لغو سانسور و انحلال همه سازمان ها و ادارات علنی یا غیر علنی را که برخلاف مفاد قانون اساسی ایران و ضمآن و برخلاف اعلامیه حقوق بشر به این کار مبادرت می کنند طلب می نماید .

بقیه در صفحه ۶



در جزیره کیش ...

آن که هر هتل برای خود یک کازینوی اختصاصی دارد کیش یک کازینوی بزرگ و مهمی دارد که ۶۰۰ نفر می توانند در آن واحد در آن قمار کنند و در آمد نفت و حاصل زحمت مردم را بر باد دهند. کارکنان فرانسوی این کازینو را اداره خواهند کرد، اما در آمد اکثر قمارخانه ها متعلق به دربار است و شاه بزرگ قمارخانه دار جزیره خواهد بود. آن ها که هیله های کیش را می خردند بی شک از "هزار فاهل" ایران خواهند خرید. اما بزرگ سرمایه دارانی که مدعی اند واحد های تولیدی شان سود نمی دهد تا به کارگران سود ویژه بدهند و دستمزدشان وزارت کار آئین نامه ظالمانه و خمد کارگرو "انظباطی" را تصویب کرده است. آن ها هر لحظه که اراده کنند می توانند به کیش بروند و یک مهربان هم همراه ببرند و این در شرایطی است که برای یک میرواز داخلی در ایران باید با رشوه و پارتی بلیط تهیه کرد. کسانی که مایل به قمار بازی یا شغولگی با فاحشه های بین المللی هستند ولی در کیش میل ندارند، باید هنوز "کیش کلوب" باشند که لازمه اش برداختن ۱۰۰ هزار تومان (بله صد هزار تومان!) حق عضویت به حساب مربوطه در بانک شهریار است که بزرگترین سهامدارش اشرف خواهر شاه، صاحب در آمد قمار بزرگ بلیط های بخت آزمایی، بزرگ ترین قاچاقچی مواد مخدر و ... است. اگر آب ویرن و تلفن هنوز جزو بزرگترین مشکلات و معضلات اجتماعی مردم است چه باک (!) در قمارخانه بین المللی شاه چنین مشکلاتی مطلقا وجود ندارد. در تما شبانه روز در جزیره کیش با ۶۰۰ خط تلفن خارجی می توان با تمام دنیا تماس گرفت. دستگاه های بزرگ تبدیل آب شور به شیرین شهرین کردن روزانه ۳۰ هزار متر مکعب آب دریا را دارند و در نیروگاه بزرگ برق جزیره ۳۰ هزار کیلووات برق تولید خواهد شد. بندر جدیدی در کیش ساخته شده است که ظرفیتش بیش کشتی های سه هزار تنی را خواهد داشت. در حالی که در بندر های تجاری ایران کشتی هایی که بارشان کالا های مورد نیاز مردم است را مانند در اروپا و اتحادیه باید مدت ها منتظر بمانند که گاه به ناچار بارشان را در شمشخ نشین های خلیج تخلیه می کنند و یا به دریا می ریزند و بیرون کردند. ۲۵ کیلومتر از راه های جزیره نیز آسفالت شده است. خلاصه همه وسایل عیش و عشرت برای مشتریان ثروتمند داخلی و خارجی از شیوخ عرب گرفته تا عالی منصبان اروپایی و آمریکایی و قماربازان حرفه ای بین المللی، از درباریان و اعیان و اشراف آن، اگرفته تا بزرگ سرمایه داران داخلی فراغت است. کارانتا اما جزیره نیز به عهده بیس آمریکایی فرانسوی و آند از گردیده و رواندارن های ایرانی را از جزیره قاره کرده اند تا در ریزبان و مشرفین آن خیالشان از خرجت آسود باشد. در ضمن شاه و خانواده و زوال صفتش در جزیره چند قصر آسایش ای بر اثر مانده در آن از ترحم ترین و غنچه وارترین باد شاهان و سواران کشور ما نظیر ملک حسین باد شاه اردن می ریاید برای خوابند کردن و سایر اربابان خارجی شان برای غارت با زعم بیشتر درآمد های نفتی و تولد مینی علیه صنایع نطفه های ایران و رضا تقی مند و مست و ...

ما از مواضع اصولی ...

رابطه کانون با احزاب و جمعیت ها

کانون نویسندگان ایران در عین حفظ استقلال خود می تواند با جمعیت ها و احزابی که خواهان آزادی های اجتماعی و سیاسی بوده، در راه استقرار موکراسی در ایران مبارزه می کنند، در پی تفاهم و جلب پشتیبانی متقابل برآیند. تاکید بر این است که همواره خواسته شود تا جمعیت ها و احزاب ناامیده برای رسیدن به هدف مشترک، یعنی آزادی مردم ایران و استقلال کشور، اتحاد همه نیروهای موکراتیک را شعار خود قرار دهد در قول و عمل در پی تحقق آن باشند.

ماب پشتیبانی خود را از خواست های حقانی و مشروع کانون نویسندگان ایران اعلام می داریم و آماده ایم در حد امکانات خود با این کانون اصل فرغ و ادب بیشتر و امروز ایران همکاری نمائیم.

کود تار ارتش ...

و حساب سازی و غیره و وزیر کردن آن ها به حساب های پنهانی نبود در بانک های سوئیس و آمریکا و غیره (گوشید های ارتش ایران را، در جهت مقصد تهاجمی و ضد خلقی خود در نقش زاندم منطقه ای امیرالیهسم جهانی، به ماجرا های خطرناکی، نظیر تجاوزه عمان و سرکوب مبارزات قهرمانانه خلق آن، بکشاند. همه این اقدامات ضد ملی و ضد مردمی همواره با سلب کردن بیش از ۲۴ هزار مستشار نظامی امریکایی بر ارتش ایران نمی توانست و نمی تواند سبب ناخشنودی و مخالفت و انزجار افسران و درجه داران مهربان پرست ارتش ایران که به عرصت خود از درون اقتدار زحمتکش جامعه بیرون آمده اند و با آن ها پیوندی دیر پا هستند نشود. بر کلیه افسران و درجه داران شریف و مهربان پرست ارتش است که متحدا به پا خیزند و در کنار خلق غایب محروم و ستمدیده مهربان ما برای سرنگونی رژیم استبدادی، ضد ملی و ضد موکراتیک شاه به وظایف مهربانی و انسانی خود عمل نمایند.

ویا در ایران ...

تورفته و می گیرد. اخبار رسیده از کارخانه صاهاکی است که این بیماری خارناک به پاره ای از واحد های تولیدی از جمله ایران ناسیونال و جنرال تایر نیز راه یافته و جمعی از کارگران زحمتکش را به بستر مرگ انداخته است. در شهریورماه چند راننده کره ای که در خوابگاه رانندگان شرکت ایران تانکر واقع در جسد آباد تهران می خوابند به علت ابتلا به ویا به بیمارستان منتقل شدند. در این خوابگاه بیش از ۳۰۰ راننده زحمتکش شینهای خوابنده

**وبادریان . . .**

در بیمارستان فیروز آبادی تهران تنها تا نیمه شهریور ماه ۲۸ تن از ویامردند .

در بیمارستان شهنواز زنجان در فاصله از ۱۸ مرد تا ۲۶ شهریور جمعا ۴۰۵ بیمار ویامی، بستری شده اند که از این عده جمعا ۳۱ نفر در گذشته اند . تنها در روز ۲۶ شهریور ۱۳ ماه ۱۳ نفر در اثر این بیماری در همین بیمارستان جان سپردند .

از بیمارستان بروجرد نیز خبر می رسد که در اوایل شهریور ماه ۳ بیمار ویامی که از " درود " به این شهر منتقل شده بودند درگذشته اند . در شهر " بروجرد " و " درود " و باسخت شیوع یافته است .

اخبار دیگری از سایر شهرها به ویژه از بهبهان به ما رسیده که حاکی از گسترش سریع ویامرگ و مروجیحناشی از آن است .

در چنین شرایطی است که وزارت بهداشتی رژیم آریامهری اعلام می کند که در ایران هیچکس از ویامرگ نمرده است و رسماً به مردم دروغ می گوید . البته در روگویی در ذات رژیم ضد خلقی شاه است اما در اینجا مسئله جان هزاران نفر از مردم زحمتکش که در مقابل حملات مرگبار این بیماری بی دفاع ماندند مطرح است .

در چنین اوضاع و احوالی امروز اخبار غولتاگری از شیوع و گسترش ویامرگ به ما می رسد . تعداد مردگان ناشی از ویامرگ که به گورستان بهشت زهرا فرستاده می شوند هر روز بیشتر می شود . اخیراً دستورالعملی به اشاره سارک از سوی وزارت بهداشتی به پزشکی قانونی و مسئولان بهشت زهرا ابرام گردیده که بنابر آن اجساد بیماران ویامی را از بیمارستان ها در کیسه های در بسته پلاستیکی ، مستقیماً به بهشت زهرا فرستند ، همراه با برقی ای که روی آن کلمات "رمز" ، "یکسره" نوشته شده است که منظر از آن این است که جسد بیمار ویامی است و باید بدون باز شدن و تنها با افزودن مقدار زیادی آسک مستقیماً و بدون تشریفات مذهبی و سنتی ( نظیر شستشو و کفن و نماز گذاردن وغیره ) دفن شود . همه این اقدامات نشانه وحشت رژیم متزلزل شاه از آگاه شدن مردم از ابعاد شیوع این بیماری است .

صرف مراجعین برای تزریق واکسن ویامرگ در جلوی مراکز معدوم تلقیح هر روز طویل تر می شود و این در حالی است که واکسن ویامرگ در کشور بسیار کمیاب است و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم می کوشند با اقامه دلایل کاذب و ایراد عدم لزوم واکسیناسیون و کم اثری آن مردم را از مراجعه به این مراکز منصرف کنند .

این حوادث بار دیگر بی باطنی و کذب ادعای عوامفریبانه رژیم فاسد و غمخوردی شاه را در مورد بهداشت و درمان رایگان ثابت می کند . در حالی که ویامرگ بیماری قرون وسطایی که در تمام کشورهای متقدم روی زمین ریشه کن شده است ، در ایران جانمردمان را از مردم - تعدیده و زحمتکش را می گیرد ، تا

**مبارزه علیه رژیم . . .**

فرو می ریزد . در نیهاول سال جاری ایران ما شاهد حرکت سر و سامانی این گام های پهلوانی بوده است : اعتصاب کارگران کوره پزخانه های تبریز ، اعتصاب پیروز ضد کارگران کارخانه زاگرس ، اعتصاب رانندگان شرکت حمل و نقل شامپو و خلا مرضا در شیراز ، اعتصاب کارگران جنرال موتورز ، اعتصاب پیروز ضد چاپخانه تماشا ، اعتصاب و تظاهرات کارگران شهر اری در زفول ، اعتصاب پیروز ضد کارگران روزنامه اطلاعات ، اعتصاب طولانی کارگران کارخانه مارس نوشیا ، اعتصاب پیروز ضد کارگران پلاسکن کار ، اعتصاب کارگران پتروشیمی شیراز ، اعتصاب پیروز در فنکاران و کارگران آتش نشانی رشت ، اعتصاب پیروز ضد کارگران کوره پزخانه های تهران و . . .

در دانشگاه هانیز رژیم در سال تحصیلی گذشته با اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات گسترده صنفی و سیاسی دانشجویان و مبارزه آن ها علیه رژیم استبدادی و غمخوردی و محمد موکراتیک گمونی روبرو بود و علی رغم تهاجم بی دریغ ماموران پلیس و جانان ساواک علیه دانشجویان مبارز و بازداشت و شکنجه آن ها ، این روند بانیری روز افزون ادامه یافت . در آستانه سال تحصیلی جدید نیز دانشجویان خود را برای مبارزه ای متشکل تر ، همگانی تر و پیگیرانه تر ، با شعارهای مختلف صنفی و سیاسی ، از اخراج پلیس از دانشگاه ها و به رسمیت شناخته شدن استقلال دانشگاه ها و واگذاری امور دانشگاه ها به خود دانشگاهیان گرفته تا استقرار نظام نوین علمی و مرفعی آموزشی در دانشگاه ها ، و از آزادی کلیه زندانیان سیاسی گرفته تا مبارزه در راه ایجاد جبهه مردمی دیکتاتوری آماده می کنند .

در عرصه مبارزات سیاسی نیز رژیم هر روز فشار و ضربات شدیدتری را بر پیکر فاسد و پوسیده خویش احساس می کند . از یک سو افراد و جمعیت های ناسیونالیست وابسته به رژیم از ملی ، از جناح راست آن ( بقایای مبارزان و فرورومر . . . ) گرفته تا جناح چپ ( سید جوانی ) ، هر چه هنوز به طور پراکنده بقیه در صفحه ۸

و سایر گردانندگان رژیم به عیش و عشرت در کاخ ها و ویلاهای مجلل و افسانه ای خود مشغولند و جزایوه سرایبی های بر طحطرات و تو خالی در باره رفاه و پیشرفت خیالی چیزی برای آفت ندارند و مردم سرزمین استبداد زده ما در پای دروازه های خیالی " تمدن بزرگ " شاهانه نه تنها با فارتگری ها و جنایت های بی شمار رژیم استبدادی روی سر و بستند ، بلکه در مقابل انواع حوادث و فجایع طبیعی نظیر سیل و زلزله و بیماری های واگیر بی دفاع بی سلاح به خود واگذاشته شده اند .

راه چاره و درمان همه این هائب اجتماعی تنها با سرنگونی رژیم سیاه استبدادی گمونی نموداری شود . برای نیل به این هدف متحد شویم !



مبارزه علیه رژیم...

و سازمان نیافته و در رقابت و احیانا برخورد با هم، باناه، با  
و الهامه های اعتراضی خود به دیوارهای استبداد  
ضت می گویند و ضمن اعتراض به باطل شدن  
اساسی و آزادی ای فردی و اجتماعی در ایران- خواهان بازگشت  
قانون اساسی و رعایت الهامه جهانی حقوق بشر و مسأله موکراسی  
بهروزی هستند و بیگترین عناصر آن، مادراه سرنگونی رژیم-  
استبدادی و انجام تحولات ملی و موکراتیک در حد استطلعت  
خود مبارزه می کنند. اما مسافانه خط مشترک سیاسی که در  
اکثر این جریان های ناسیونالیستی بهروزی به چشم می خورد  
هدیت با اردوگاه سوسیالیسم و حزب تودهایران به مثابه حزب  
طراز نهم طبقه کارگر ایران است. این هدیت از یک سوناشی  
از ناسیونالیسم تنگ نظرانه بهروزی و بازتاب عراس آن از اوج  
گیری فزاینده مبارزات رزنده ترین و بیگترین طبقه انقلابی  
نمای تاریخ یعنی طبقه کارگر و حزب پیششان آن، حزب توده  
ایران، است که سرانجام طومار زندگی هر نوع بهروزی را در هم  
خواهد پیچید و افق سرخ فام جامعه ای فارغ از هرگونه بهره کشی  
انسان از انسان را در برابر دیدگان زحمتکشان خواهد گشود،  
و از سوی دیگر مقصود ناسیونالیست ها از این حملات بی بند و بار  
علیه کمونیسم و حزب توده ایران این است که به رژیم ضد خلقی شاه  
و اربابان خارجی اش اطمینان دهند که حساب آن ها از حساب  
کمونیست ها جداست و آن ها خود نیز ضد کمونیست های دواشته  
هستند. اما در شرایط کمونی که اتحاد همه نیروهای مخالف  
استبداد در یک جبهه ضد دیکتاتوری برای سرنگون کردن رژیم  
استبدادی شاه یک ضرورت مهم و حیاتی جامعه ماست، این گونه  
حملات ارتجاعی و غیر مسئول به نفع چیست؟ آیا کسانی که در  
شرایط کمونی دشمن اصلی را فراموش کرده و خود را به مقابله  
با کمونیست ها، این بیگترین مبارزان ضد استبداد، متعهد  
می کنند در واقع با این اقدام خود تنها آب به آسیاب رژیم مطلق  
شاه نمی ریزند؟

در اینجا باید به این نکته نیز اشاره کنیم که به موازات گسترش  
جنبش ضد استبدادی رژیم می گویند هر چه بیشتر در صفوف مبارزان  
ضد دیکتاتوری تفرقه بیاندازد و از سلاح مذهب برای این نیست  
بلید خود به وسعت بهره می جوید. رژیم ضد خلقی تلاش میکند  
با تبلیغات و فعالیت های مذهبی خود از مواضع ارتجاعی و به کتک  
روحانی نمایان وابسته به خود، زحمتکشان را برای معتقدات  
مذهبی راد مقابل کمونیست ها، یعنی در واقع در برابر  
نمایندگان آگاه خود، قرار دهد. بدین منظور رژیم ناسد رضائی  
شاه مبلغان روحانی نمای معلوم الحال وابسته به ساراک را  
به کارخانه ۱۰۰ و به میان کارگران می فرستد تا با تیر و تریسب  
در پوشش مذهبی کارگران را از مبارزه در راه حقوق صنفی و سیاسی  
خود بازدارند و آن ها را نسبت به کمونیست ها بدبین سازند.  
مادر اینجا یکبار دیگر به روشنی اعلام می داریم که ما کمونیست  
ها نه انگور و نه درآینده به هیچ وجه با معتقدات مذهبی  
توده ها مخالفی نداشته، به آن احترام می گذاریم. ما برای

آن چنان جامعه ای مبارزه می کنیم که در آن انسان های  
آزاد و فارغ از هرگونه ظلم و ستم ملی و طبقاتی و فرهنگی و مذهبی  
آزادانه بیندیشند و هر کس بتواند معتقدات مذهبی یا غیر مذهبی  
خود را داشته و بدان پای بند باشد. امروزه در کشورهای  
سوسیالیستی همه این اصول آگیدا رعایت می شود. ما هر  
کارگران هستند اری در هم که مراقب دسایس ضد کارگری رژیم که  
لغافه ارتجاعی ترین خرافات مذهبی اصلاح می شود باشند  
و فریب جلوه های دروغین و باکارا نه مذهبی نمایان وابسته  
به رژیم ضد کارگری شاه را نخورند.

اما اقدامات فریبکارانه رژیم در جهت سوء استفاده از مذهب  
به معنی جاختم نمی شود. رژیم می گویند مبارزان مذهبی را در  
مقابل کمونیست ها قرار دهد و به همین جهت فعالیت ها را  
می دهد در برابر فعالیت های ربه افزایش عناصر مذهبی  
در ارای وجهه ملی ظاهرا چشمپند و این فعالیت ها را در رخفا  
در جهت هدیت با کمونیست ها و دشمنی با آن ها سوق دهد و  
بدین ترتیب توجه آن ها را از هدف اصلی یعنی سرنگونی رژیم  
استبدادی منحرف سازد و از تفرقه موجود برای تحکیم پایه های  
حکومت متزلزل خود استفاده نماید.

از سوی دیگر در میان نیروهای چپ که خود را پیروان پیشه  
های مارکسیستی - لنینیستی معرفی می کنند تحولات بسیار  
شبهت و نوبد بخشی بهروزی است. بخش بزرگی از سازمان  
چریک های فدایی خلق زبان بخشی شیوه های مبارزه گذشته  
نمودی برده و به مواضع مبارزه راستین - رولتری راه یافته اند  
و طی الهامه ای متین و اصولی به حمایت و مبارزه در راه ایجاد  
جبهه واحد ضد دیکتاتوری برخاسته و صداقت انقلابی خود را با  
بلوغ ایدئولوژیک تکمیل کرده اند. ما به این مبارزان صدیقی و  
دلاره راه رولتار یاد روری فرستیم و کامیابی آن ها را آرزو شدیم  
حزب توده ایران بر آن است که از آنجا که رژیم دیکتاتوری  
شاه با دستگاه و حشمتناک تر و اختناق خود به صورت عمده ترین  
سد در مقابل گسترش جنبش رهایی بخش ملی ایران در آمده  
است، برانداختن آن نخستین و مهم ترین گام روری است.  
بیشرف به سوی انقلاب ملی و موکراتیک ایران است. حزب ما  
از همه نیروهای کبه هوصلتی طرفدار برکناری رژیم دیکتاتوری  
گوشی هستند، صرف نظر از این که پس از این برکناری چه راعی را  
در پیش خواهند گرفت، دعوت می کنند در یک جبهه واحد ضد  
دیکتاتوری گرد هم آیند و متفقا علیه رژیم استبدادی شاه مبارزه  
کنند. برناه این جبهه واحد تنها یک ماده است و آن  
برانداختن رژیم دیکتاتوری مطلق شاه و برچیدن سلسله  
استتاق سیاه بایسی آن. باید همه امکانات را برای  
رسیدن به چنین هدفی تجهیز کرد. چنین است  
مهم ترین وظیفه کلیه نیروهای مهن پیروست و  
آزاد پیخواه ایران و در پیشاپیش همه، طبقه کارگر و حزب  
آن، حزب توده ایران.



آوردن لقمه نانی از دست می دهند؟

۹- ترك محل كاريد بين اجازت سرپرست مربوطه : هدف از اين ماده نيز محدود كردن پيش از پيش كارگران و جلوگیری از تماس بين آن ها در محيط كار است كه وحشت كارفرمایان را از حد لسی و مضطربى و تشكك كارگران می رساند . گذشته از اين ، از آنجا كه اجتناب نيز نوعی " ترك محل كاريد بين اجازت " به حساب می آید ، اين ماده خصلت ضد اجتنابی نيز دارد و پيش از پيش دست كارفرمایان را در مجازات و اخراج كارگران مجاز اجتنابی باز می گذارد .

۱۰- سرچینی از دستهای مسئولان انتظامی و حفاظتی :

در سالهای اخير در اكثر واحد های كم و بیش بزرگ صنعتی بخشی به نام " اداره حفاظت " به وجود آمده كه در واقع شعبه ای از ساواك است و رفتار و كردار كارگران را زیر نظر دارد و به محض كوچكترین سوء ظنی آن ها را تحت پیگرد قرار داد و به شكبه گاه می فرستد . " گارد انتظامی " نیز چیزی جز پلیس مستقر در كارخانه نیست كه هدفش سركوب فوری هرگونه تظاهر ناخشنودی و اعتراض و اجتناب كارگران است . كارفرمایان روزم های آن ها به این وسایل می كوشند هرگونه جنبش كارگری را در نطفه خفه كنند كه البته گستردگی روزافزون جنبش مطالباتی و اجتنابی كارگران در واحد های مختلف كار در سراسر كشور نشانه روشكستگی این سیاست ضد كارگری است .

رسیدگی به تخلفات و تعیین مجازاتها : مجازات های

كه در آئين نامه برای كارگران در نظر گرفته شده عبارتست از : اخطار شفاهی ، اخطار كتبی ، توبیخ كتبی ، كسر حد اكثر ، روز دستزد و بالاخره اخراج . ( البته ضرب و شتم كارگران و بازداشت آن ها توسط ماموران خونخوار ساواك كه در عمل رایج است در آئين نامه ذكر نشده است . ) " كميته رسیدگی " مأمور تعیین تخلف های پیش بینی شده و پيش بینی نشده در آئين نامه و مجازات های مربوطه به آن ها است .

در این كميته ه نفری " نماینده تام اختیار كارفرما " مدیر كارگزی ، مدیر فنی كارگاه ، نماینده سندیکا و نماینده كارگران شركت دارند .

در آئين نامه آمده است كه :

" تصمیم های كميته كه طی صورتجلسه ای تنظیم و به اعضاء اعزاء خواهد رسید با اكثریت آراء قابل اجراست . "

نخست باید در نظر گرفت كه رسیدگی به تخلف و تعیین مجازات امری است حقوقی و باید به وسیله دادگاه انجام گیرد . اصل ۷۴ مضمون اساسی چنین تصریح می كند : " هیچ محكمه ممكن نیست ضعیف گردد مگر به حكم قانون " و اصل ۷۳ مضمون اساسی اشعاری دارد : " تعیین محاكم عرضه ضوابط به حكم قانون است و کسی نمی تواند به هیچ اسبوسم محكمه

رضی كه برای تنبیه و اخراج كارگران چنین اختیارات وسیعی به كارفرمایان و مسئولان امری دهد ، كارگران را به اعلا ترك و اوظلبانه محل كار سابق و استخدا م در محل كار جدید مضموعی دارد . رژیم شاه كارفرمایان را از " ربودن و تالیفین " كارگران پند بگردد . به قدر صفحه ۱۰

آئين نامه انتظامی . . .

مجازات مطالباتی و اجتنابی كارگران به كارود . چرا كه در سال های اخير كارگران به واسطه فشار و اختناق حاكمی پيوشن مدام ماموران لمیس و ساواك به كارگران اجتنابی ، اغلب از شیوه كم كاری و كاهش تولید به منظور احوال فشاریه كارفرمایان برای تحقق خواست های حقه خود استفاده کرده اند .

۷- بی نظمی در كارگاه : هر كارگری می داند كه انجا م هر كار جمعی وجود نفاذات تعیینی را ایجاب می كند و معاملات این نظامات تا حدودی كه مربوط به انجام كار است ضرورت دارد ، ولی كارگران مجبور نیستند و نباید به نظاماتی كه به دلخواه كارفرما هر روز به نفع خود به شكلی در می آید و به هنگام عقد قرارداد كار به اطلاع آنان نرسیده است تن در دهند . ما هنوز شاهد آن هستیم كه در بسیاری از واحد های كار كارفرمایان به كوچكترین بهانه ای به كارگران توهین و فحاشی می كنند و در برخی موارد آنان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند . آیا كارگران باید ناظر بی طرف این رفتار ضد انسانی بی شرمانه قرون وسطایی باشند و اگر واكشن نشان دهند و لب به اعتراض بگشایند می توان آن ها را به بهانه " اختلال در نظم كارگاه " مورد مجازات قرار داد و با اخراج نمود ؟

۸- عدم استفاده به موقع از وسایل ایمنی : روزی نیست كه سوانح كار موجب كشتار ویا معلولیت صد ها كارگر در نقاط مختلف كشور نشود . از بیماری های ناشی از كار كه در نتیجه عدم مراعات بهداشت كار نبودن وسایل بهداشت در اكثر كارگاه ها در انگیز كارگران می شود سخن نه گوئیم . عمده ترین علت بروز سوانح كار در ایران نبودن وسایل حفاظتی ایمنی در كارگاه ها است . برای كارفرمایان حریص و سود جو تند رستی و جان كارگران اهمیتی ندارد . علت دیگر سوانح عدم اطلاع كارگران از خطراتی است كه در كارخانه ها و كارگاه ها آن ها را تهدید می كند . البته در بسیاری ای موارد كارفرمایان از ترس واكشن كارگران تعدد آتان را از خطرات احتمالی بی اطلاع نگاه می دارند ، اما این بی اطلاعی عمدتاً از آن جانشینی می شود كه اكثر كارگران بی سوادند و یا سواد كافی ندارند . دوره كارآموزی كوتاه می را گذرانده اند و یا اصلاً فرصت كارآموزی نداشته اند . این قبیل كارگران در كارخانه های ماشینی در معرض خطرات گوناگون قرار می گیرند . به كاربردن وسایل معاصر تولید نیازمند مهارت و اطلاعات بیشتری است . داشتن سواد و طی آموزشگاه های فنی و كلاس های كارآموزی حرفه ای شرط ضروری كار در كارخانه های معاصر است . حال این سوال پیش می آید كه كتابسرو قو سوانح حوادث در كارگاه ها موضوع كیست ؟ كارفرمایان بی نیامی توجهی به رعایت بهداشت و ترو ترو فراموش آوردن وسایل ایمنی و یا بی اطلاع نگه داشتن كارگران از خطرات احتمالی و کوتاهی در ایجاد دوره های آموزشی فنی و حرفه ای با جان كارگران بازی می كند و رژیمي كه همه این نقایص و كمبود های حیاتی را به سود كارفرمایان نادیده می گیرد و با كارگزی كه محكوم به كار كردن در چنین شرایطی هستند و چه بسا جان خود را در راه به دست

آئین نامه انتظامی ...

برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید. طبق ماده ده ضمیمه جهانی حقوق بشر نیز "هوکس یا ساوات کامل حق دارد که به عوایش به وسیله دادگاه مستقیم طرف ضیقانه و ملتزیسیک شود و چنین دادگاهی دربار محقق و الزامات و بیایرانها م جزای که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم نماید." این سوال مطرح می شود که "کمیته ای که باید به تخلفات کارگران رسیدگی کند طبق کدام از این اصول تشکیل می شود؟ مسلم است که اطلاق نام "کمیته" به مرجع رسیدگی به تخلفات است آنرا تغییر نمی دهد و نامگیی کدام مرجع است که در آن مدعی که یک طرف دعواست امر تفاوت را بتواند به عهد بگیرد در جایی که مدعی و دستیارانش به عنوان قاضی نشسته باشند رسیدگی بی طرفانه چگونه می تواند انجام گیرد؟

ثانیاً بر واضح است که کمیته رسیدگی "صواره جانب کارفرما را خواهد گرفت و علیه کارگران برای خواهد داد و چرا که از ه عضو آن سه نفر) نمایند نام اختیار کارفرما، مدیر کارگزینی و مدیر فنی کارگاه) به مناسبت موقعیت شغلی و اختیارات خاص آن در واقع نمایندگان و مدافعان منافع کارفرما هستند و صواره اکثریت آراء را در دست دارند و عضو دیگر "کمیته" (نمایند مسندیکا و نماینده کارگران) از آنجا که معمولاً با اعمال نفوذ کارفرما وزیر نظر و ادایت سازمان به اصطلاح کارگران (وابسته به حزب درباری رستاخیز) و سازمان جنبانیکاراضیت انتخاب می شوند و اغلب جیره خوار کارفرما هستند، اغلب اوقات از منافع کارگران بلکه از منافع کارفرما حمایت خواهند کرد. تازه اگر در شرایط تور و اختناق گونی کارگران بر اثر مبارزات مستمر و آگاهانه خود موفق شوند سند یکای خود را زیر نفوذ و تسلط پلیسی رژیم بعثیالکی هایش بیرون بکشند و آن را به ابزار مبارزات مشکل خود تبدیل کنند و اگر بتوانند نماینده واقعی خود را به "کمیته رسیدگی" وارد کنند، تازه بازم به واسطه در اقلیت بودن نخواهند توانست در تصمیمات ضد کارگری آن تجدید نظری به سود خود وارد کنند.

\* \* \*

نظری به جریانات کارگری سالهای اخیر واقعات مثبتی حاکی از آن جمله تصویب مقررات مفتح "آئین نامه انتظامی کارگران" نشان دهند که تجدید چشمگیر مبارزه طبقه کارگر و (زیر نویس از صفحه قبل) بر حذر می دارد و استخدام کارتری را که در نتیجه دشواری شرایط نادر، کسی دستمزدها اجحافات دیگری که به وی می شود، نمی خواهد در محل کار سابق خود کار کند، "غیر قانونی" اعلام می دارد. رژیم کبکوس و کرنا-ایلا همچند که فتود الیسم را در روستا برانداخته و مدعی است که با نفوذ الیسم شهری مبارزه می کند، در عمل نفوذ الیسم را در زمینه جبهه وجود می آورد که در هیچ جامعه سرمایه دار سابقه نداشته است. این عمل رژیم به معنای وابسته کردن کارگران به واحد تولیدی همین، یعنی جانشین کردن اجبار غیر اقتصادی به اجبار اقتصادی در شرایط سرمایه داری است.

زحمتکشان علیه سیاست خمیطی و ضد دموکراتیک رژیم است. تصویب این قبیل آئین نامه ها نشان می دهد که تبلیغات عواضریانه گردانندگان رژیم نتوانسته است طبقه کارگر را بفریبد. هنگامی که استثمارگران به انکاه سر نیزه و ارماب بهره کشی بی رحمانه را تشدید می کنند و در صورت مقاومت کارگران آنان را به کوچ می ریزند یا به گلوله می بندند و زنان و فرزندان آنان را به کرسنکی و مرگ محکوم می نمایند، ماهیت ضد کارگری خود را افشا و نیزنگ های عواضریانه خود را باطل می گرداند. وزارت کار از تهیه و اجرای آئین نامه های مانند آئین نامه بیمه بیکاری که تهیه نشد و آئین نامه درجه بندی مشاغل که سال هاست تهیه شده و در صورت اجرای صحیح می توانست سودی برای کارگران داشته باشد، خود داری می روز دینی در عوض آئین نامه غیر قانونی و ضد کارگری انتظامی را که سند بردگی کارگران است به اجرا می گذارد.

تردیدی نیست که طبقه کارگر ایران تسلیم زوگی هسای کارفرمایان و رژیم مدافع آنان نخواهد شد و برای لغو آئین نامه انتظامی و عقیم گذاشتن دیگر اقدامات ضد کارگری رژیم برسیده و ضد خلقی شاه و کسب حقوق و آزادی های صنفی و سیاسی خود، بر بنیان سنت های درخشان و طولانی بیکار های طبقاتی گذرند و با به کارگیری شیوه ها و اشکال متناسب مبارزه در شرایط تور و اختناق گونی بیکار حرامه آفرین خود را تشدید خواهد کرد و نقش انقلابی و درگونساز و تکامل آئین خود را در عرصه تاریخ مهین مان به عهده خواهد گرفت.

دشمن مردم حمله گر و قوی و پختیبا نان جهانی آن آزمند و زورمندند. تنها بازوهای متحد همه مخالفان رژیم میتوانند چنین دشمنی را درهم شکند. تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی بهترین - "ارمغان" به این رژیم است. در راه وحدت عمل همه نیروها و عناصر ضد رژیم از هیچ کوشش و نرمشی دریغ نکنیم. با کوشش مشترک در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری رژیم سیاه استبدادی - شاه را که مد راه پیشرفت و تکامل مهین ما است از سر راه برداریم!

\_\_\_\_\_ مردم ایران! \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ در راه آزادی کلیه زندانیان سیاسی \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ مبارزه کنید! \_\_\_\_\_



اعتصاب کارگران کارخانه زاگروس به بیروزی

رسید

# جنبش‌ها و مسائل کارگری

حطه وحشیانه ماموران ژاندارمری با تارک شدن هوا و انتقال مجروحین به بیمارستان مازند ( درحوالی روان) پایان یافت. اما صبح روز بعد صد ها کارگر بازن و فرزندشان و قچه‌هایی که اثاث خود را در آن پیچیده بودند در کنار جاده خراسان صف کشیدند تا با هر وسیله‌ای که می‌رسد به روستاهای خود در مسیر جاده خراسان بروند. این اقدام دسته جمعی کارگران کارفرمایان و صاحبان کوره ها را ساخت متوحش کرد و بلافاصله نمایندگان کارفرمایان با نمایندگان کارگران وارد مذاکره شد و با ۶۰ تومان مزد برای هر ۱۰۰۰ آجر موافقت کردند.

در جریان این اعتصاب و مخصوصاً حرکت کارگران برای ترک محل، صاحبان کوره پزخانه های دیگر تهران به صاحبان کوره یزخانه های در حال اعتصاب فشار می‌آوردند که به هر ترتیب جلو عزیمت کارگران را بگیرند، زیرا این عمل به کوره های دیگر سرایت می‌کند. از نکات جالب این اعتصاب سازماندهی منظم آن بود. برای هماهنگی کارگران کوره های پراکنده چند نفر از کارگران در تمام مدت اعتصاب با موتورسیکلت بین کوره ها رفت و آمد می‌کردند و کارگران را از تصمیمات جمعی مطلع می‌ساختند. تهران بیش از ۲۰۰ کوره آجریزی دارد که در مجموع حدود ۸ هزار نفر در آن ها و خدمات جنسی مربوط به آجر پزی و حمل و نقل آن کاری کنند.

اعتصاب بیروز ضد رفتگران و کارگران

آتش‌نشانی رشت

۳۰۰ رنگر برونهای ه گانه شهرداری رشت از بعد از ظهر یکشنبه سوم مرداد ماه به عنوان اعتراض به عدم پرداخت اضافه حقوق سالانه، ترفیع پایه و ضرب‌ریالی دست از کار کشیدند و در محوطه برون ۲ رشت اجتماع کردند تا صدای خشم و اعتراض خود را که بازها مسئولان از این گوش شنیده و از آن گوش به در کرد می‌بودند، به گوش ما برسانند. این زحمتکش شهرداری با وجود کار طاقت فرسا ی روزانه خود در بدترین شرایط زندگی و در محرومیت نسبی نصیبی و فقر به سر می‌برند و حتی آن قدر حقوق نمی‌گیرند که پاسخگوی نیازهای مهم وادی زندگی شان از قبیل خورد و خوراک و پوشاک و مدرسه بچه ها باشند.

کارگران کارخانه زاگروس واقع در جاده کرج در اوایل خرداد ماه اعتصاب گسترده و یکارچه ای را آغاز کردند. این اعتصاب به دنبال شکست اعتصاب چند هفته قبل آن ها بود که با هجوم ماموران پلیس و ژاندارم درهم شکسته شده بود. یکی از دلایل شکست اعتصاب قبلی عدم قطعیت و یکپارچگی کارگران بود. این بار کارگران با اتکاء به تجربیاتی که از اعتصاب قبلی به دست آورده بودند، اعتصاب متحد و یکارچه ای را با همان خواست ها که در اس آن افزایش دستمزدها آغاز کردند.

کارفرما که از هر کوششی برای درهم شکستن اعتصاب و نفاذی افکنی بین کارگران اعتصابی سرانجام مأیوس شده بود، مجبور شد به دستمزدهای کارگران ۸۰ ریال اضافه کند. کارگران اعتصابی در نتیجه تشک و بیگیری خود در مبارزه سرانجام به این بیروزی دست یافتند.

اعتصاب بیروز ضد کارگران

کوره پزخانه های تهران

۱۵۰۰ نفر از کارگران کوره پزخانه های تهران در نیمه اول تهر ماه به یک اعتصاب سازمان یافته دست زدند. این کارگران در کوره های آجر بزی جاده خراسان کار می‌کنند و اعتصابشان کمی دستمزدها و شرایط دشوار محیط کاری بود. کارگران تقاضا داشتند که برای هر هزار آجر ۶۰ تومان به آن ها داده شود ولی کارفرمایان و دلال های که به عنوان واسطه سعی دارند ارتباط کارفرما و کارگران باشند با این تقاضا مخالف بودند. اعتصاب که در روزهای اول خیلی آرام ادامه داشت با دخالت ماموران ژاندارمری به یک برخورد خونین تبدیل شد. کارفرمایان کوره ها با ۵۰ تومان موافقت کرده بودند ولی کارگران از تقاضای خود (۶۰ تومان) با این نیامدند و در نتیجه به تقاضای کارفرمایان، ماموران ژاندارمری دخالت کردند. ماموران با چماق های مخصوصی که ژاندارمری در اختیار آن ها گذاشته بود به کوره ها حمله کردند و کارگران نیز مقابل با بیل و چوب به مقابله و دفاع پرداختند. در جریان برخورد که در آنجا زهی به جای گذاشت، زن و فرزند کارگران کوره ها که اغلب در کنار آن ها کاری کنند و یا در کلبه های گلی کنار کوره ها زندگی می‌کنند با هر چه در دسترس داشتند از شوهران و مردان و برادران خود در مقابل ماموران رژیم دفاع می‌کردند. ایمن



جنبش‌ها و مسائل ...

مقارن ظاهر روز بعد ۱۰۰ نفر از کارگران آتش‌نشانی و شهرداری رشت نیز در محل کار خود دست اِزار کشیدند و رفقرا معترض شدند. منوچهر امیر عطایی رئیس سازمان کارگران رشت در این مورد گفت:

"کارگران شهرداری ۱۶ ماه حداقل اضافه دستمزد خود را از شهرداری رشت طلبکارند و به همین جهت انتظار نمی‌رود تا رسیدگی نهایی به مشکلاتشان، آن‌ها به سر کار خود بازگردند." شهرداری رشت در پاسخ اعلام کرد که شهرداری بودجه ندارد و نمی‌تواند چنین مبلغی را بفرستد و کارگران بپروازند. اما کارگران که می‌دیدند چگونه جلیهارد‌ها را از بودجه کشور صرف خرید سلاح‌های غیر ضروری می‌شود و پناه گاو صندوقی انحصارهای بزرگ خارجی و جیب سرمایه‌داران بزرگ داخلی سرزیر می‌شود و با صرف ساختن کاخ‌ها و پله‌راه انداختن جشن‌های گدایی می‌گردند و با توسط درباریان در قارخانه‌های اروپا بریاد می‌رود و با دربانک‌های خارجی به حساب شاه و هوادان و انصارش سرزیر می‌شود، نمی‌توانستند این استدلال ضحك مقامات شهرداری را بپذیرند و مصمانه روی خواست حقه و قانونی خود پافشاری کردند. اختصابیسیون ه شبانه روز در محل سندیکا ماندند و شب‌ها در همان جا خوابیدند تا سرانجام مقامات مسئول را وادار به پذیرش خواست‌های خود نمودند. در آخرین جلسه انجمن شهر رشت که با حضور استانداری گیلان برپا شد، تصمیم گرفته شد با اختصاص ۴۰ میلیون ریال اعتبار مطالبات کارگران شهرداری رشت پرداخت گردد.

**نظام سرمایه‌داری در کارخانه‌ها**

شاه در سخنرانی خود به هنگام معرفی دولت جدید اعلام کرد که "از این به بعد اگر هر دستگامی يك كك فوق‌العاده لازم دارد ماهه ارتش دستوری می‌دهیم كه با تمام قوا این كك را در اختیار آن دستگام بگذارد... و در دستگام دیگری كه احتیاج داشته باشد به افراد در سطح بالا ارتش آن عارابه زیر پرچم احضار خواهد کرد و به آن دستگام عا ما مه خواهد کرد." بی شك منظور شاه این بود كه دخالت ارتش در دستگام‌های اداری و واحدهای تولیدی کشور بسط دهد و به ویژه نظام سرمایه‌داری خود را بیش از پیش بر محیطه و اندک‌ای کارگری سلطت گرداند.

اکنون از کارخانه نیروی هوازم، به رهایی مستعز متعصب شاه تعلق دارد، خبری رسد كه از ابتدای سال تاکنون شیوه مورد نظر شاه در این کارخانه به کار گرفته شده و چند صد سرباز در واحدهای مختلف نیروی هوازم کار روی دستگام‌های مختلف را آموخته‌اند. این سربازان به دستور صاحب کارخانه و با برنامه

ویژه‌ای كه برایشان تنظیم کرده‌اند هر چند روز در يك قسمت مشخص کارخانه کاری کنند تا با کار تمام دستگام‌ها آشنا شوند. البته از گروه‌های مختلف سربازان استفاده می‌شود و هر چند گاه آن‌ها را با سربازان جدید عوض می‌کنند. اما به هر صورت در هر زمان حداقل ۵۰۰ سرباز در کارخانه به کار مشغولند. این سربازان با لباس ارتش در کارخانه حاضر می‌شوند و به آن‌ها همرانه دستور داده شده كه تمام اخبار، روابط، گفتگوها و تصمیمات کارگران را در اختیار مقامات کارخانه و با فرماندهان نظامی خود قرار دهند.

در کارخانه نیروی هوازم حدود سه هزار کارگر در شرایطی طاقت‌فرسا و حداقل دستمزد به کار مشغولند و در سال‌های گذشته همواره برای تحقق خواست‌های حقه خود با اعتراضات و اعتصابات همگانی و تشكیل کمیته‌ها در کارخانه راحت قنار گذاشته‌اند و حتی در آخرین سفر شاه به هوازم باز پیداو از کارخانه، کارگران در حال اعتصاب كامل به سر می‌بردند و جای خالی آن‌ها را صرف نمایندگان سربازان و مهندسان و کارمندان اداری در لباس کار پر کرده بود.

سخنران اخیر شاه در مورد اعزام سربازان به کارخانه‌ها و اخباری كه در مورد اجرای آن می‌رسد نشان می‌دهد كه رژیم ضد کارگری شاه می‌نواهد از يك سو با ایجاد نظام سربازخانه‌های وسیع تری و خفقان باز هم شدیدتر در واحدهای بزرگ کارگری جلوی امواج خروشان مبارزات و اعتصابات روز افزون کارگری را سد کند و برای درهم شكستن آن عا سربازان را به جای کارگران به کار و با اعزام سربازان به کارخانه‌ها كه کیفیت تركیب کارگری این واحدها را کاهش دهد و احتمالاً كك‌گران و سربازان را در برابر هم قرار دهد و از سوی دیگر دست سرمایه‌داران بزرگ را برای تشدید بهره‌کشی از کارگران و استفاده از نیروی کار مجانی و بهره‌وار سربازان (كه از طبقات تحت‌كشش به ویژه کارگران و دهقانان هستند) بازگارد.

اما برخلاف انتظار شاه این سكه روی دیگری هم دارد و آن چشم‌انداز آتی همکاری و همگامی و برابری بین کارمندان و سربازان علیه سرمایه‌داران كلان رژیم ضد انسانی حاصی آن ناست.

**تشدید بهره‌کشی و اخراج کارگران**

واحدتهای بزرگ صنعتی کشور به تدریج استفاده از دستگام‌های اتوماتیک (خودكار) را آغاز می‌کنند. این امر به روشنی از آثار آن را در مقایسه با سابقه تشدید خواهد کرد. در ماه‌های اخیر در چندین قسمت مجتمع نفت آبادان كه در هر يك بیش از ۸۰ تا ۱۰۰ كارتر كار می‌کردند، دستگام‌های اتوماتیک نصب شده است و اكثر كارگران بیکار شده‌اند. ملاحظه در قضی

جنبش با وسائل ...

که سابقاً ۸۵ کارگردان داشته، اکنون با نصب این دستگامها تنها ۵ کارگر به کار ادامه می دهند و بقیه را اخراج کرده اند. کارگران اخراجی پس از سالها کار در واحد های مربوطه اکنون بدون هیچ حق و عتقی سرگردان مانده اند و به صفت روزافزون کارگران بیگار جنوب کشور پیوسته اند و این درد السی است که مسئولان رژیم جابر و فاسد شاه بی درسی از کمبود تازار ماهر سخن می گویند و از کشور های دیگر با حق و عتقی و عزیاسای گزاف کارگر وارد می کنند.

**اعتصاب کارگران گونی بافی رشت**

در هفته سوم شهریورماه کارگران کارخانه گونی بافی رشت دست به اعتصاب زدند. کارگران به این بودن دستمزدها با توجه به رشد سریع قیمت کالا های ضروری اعتراض داشتند. از نتیجه این اعتصاب اطلاعی نداریم.

**اعتصاب کارگران کاشی سازی سعدی**

در نیمه دوم شهریور ماه کارگران کارخانه کاشی سازی سعدی دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران افزایش دستمزدها بود. از نتیجه اعتصاب خبری نداریم.

**اخراج غیرقانونی کارگران**

مؤثر بزدانی سرمایه داران روی انبوا اقدامه خرید کارخانه های مهدی در مازندران و قسمتی از خراسان نموده است. از این جملہ است کارخانه قد در خراسان و چند کارخانه دیگر در مازندران. بزدانی پس از خرید هر کارخانه به عنوان نخستین اقدام بیشتر کارگران آن را برون کرد و هیچ گونه توجهی به سابقه کار آن ها نکرد. قاسمیه صاحب کارخانه روغن کشی فارس در علی آباد کرگان با بزدانی تباری نموده و به بهانه این که کارخانه را به بزدانی فروخته است ۸۰ نفر از کارگران با سابقه خود را که سالها در این کارخانه مشغول کار بودند اخراج نمود. این اقدامات نوسرانه و سناکانه که اینک مدتی است رژیم با اغنان و زحمتی بانداری آشوبه آن ها می نگرند، چشم مردم زحمتکش محل و کارگران محروم را به شدت برانگیخته است.

**نامه افساگرانه احمد شاملو**

**به روشنفکران جهان**

احمد شاملو مشاعر نویسنده و پژوهنده گرانقدر ایران که پس از تحط سالها افکارا ختلافی و معجزه بریم اکنون در خارج از کشور به سر میبرد و با سخن و قلم رسواگر خود در وسیاه استبداد حاکم بر ایران را میکوبد. انبیرا در آمریکا طی نامه سرگشاده ای خطاب به نویسندگان و روشنفکران جهان، به پشتیبانی از خواستهای قانونی کانون نویسندگان ایران برخاسته و ضمن پرمشورن جنایت های کثیف و حیوانی رژیم شاه - ساواک، از اهدام خسرو روزبه "یکی از درخشان ترین چهره های انقلابی ایران" که "من دفاعیات او ... یکی از محکو کمندترین دادخواست های است که ملت ایران می تواند در برابر جنایات خواندنی پهلوی به هر دادگاه طی ارلئه دهد" تا عبادت خسرو گسرخ مشاعر و روزنامه نگار (که) پس از دلفی جانانه از معتقدات خویش همراه دوست همزمش دانشیان اهدا شد، روشنفکران جهان را به پشتیبانی از "روشنفکران خلاق ایرانی" در برابر توطئه گریها و تفتیقات رژیم ضد دموکراتیک شاه فرا میخواند.

در این میان پیامهای متعددی از جانب جمعی از نویسندگان و روشنفکران جهان در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۷، ناشران آمریکا و "کمیته برای آزادی انتشار" در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۷ و نیز از سوی سازمان جهانی قلم (پن) به پشتیبانی از خواستهای حقوقی کانون نویسندگان ایران انتشار یافته است.

**اعتصاب رفتگسگران رشت**

در هفته دوم شهریورماه رفتگران شهر رشت به عنوان اعتراض بعد هر دخت اخراج محقوق و سایر مزایایشان که از سال پیش به تصویب رسیده و نوزبه آنان برداخت نشده بود دست به اعتصاب زدند و تجمع آوری زبانه در سطح شهر خود داری کردند که در نتیجه نمایان ها و کوچی های شهر از زبانه و کفایت انباشته شد در نتیجه توجه نطقان به مسائل و نواست نسای حقه این تشو زحمتکشوی نصیب جلب گردید. اعتصاب حدود یک هفته طول کشید و سر از آن که ستامات شمرداری رشت قول دادند که نواست نای رفتگران را بطی سازند آنان به سر کار خود باز نشنند.

☆ در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!



از گوهر کتار کشید

# حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

جمعیتگی صایداری روستائیان فشنندک

در برابر دستگیری های عمال رژیم

تابستان ویژه استراحت کارکنان شرکت نفت است. در کنار این اردوگاه به تازگی شهرک های پناهنده که دست دربار و شاهپوزهای زمین خوار در آن فعال است. اخیراً شرکت نفت برای این که تاسیسات استراحتگاه کارکنان خود را گسترش دهد صد ها هکتار زمین های مرغوب اطراف آن را به زور و به یاری سرنیزه و نندارم هاز دهقانان به قرضی ۶ تومان خریداری نمود در حالی که زمین هایی که در مجاورت آن در تصاحب زمین خواران است به مبلغ گزافی کنگاه صد برابر مبلغی است که به دهقانان پرداخت شده خرید و فروش می شود.

انحلال انجمن های دانشجویی از سوی ساواک

با نزدیک شدن مهرداد و زمان گشایش دانشگاهها ساواک هجوم وسیعی را برای تعطیل کردن انجمن های دانشجویی آغاز کرد و در چند دانشگاه دانشگاه تهران با چسباندن اعلامیه های مختلف در تابلوی اعلانات انحلال انجمن های نظیر انجمن کوشش و انجمن کتاب را رسماً اعلام نمود. در من ساواک تشکیل هرگونه کتابخانه دانشجویی را در سال تحصیلی جدید ممنوع اعلام کرده است. این تصمیمات از هم اکنون با مخالفت و انزجار دانشجویان روبرو شده است.

ساواک علیه مخالفان اعلامیه پخش می کند

اخیراً ساواک اعلامیه ای علیه سه تن از همبران جبهه ملی ( فروغی - سنجابی - بختیار ) که بیش تر نامه سرگشاده آنان در سطحی وسیع پخش شده بود، به وسعت در شهر پخش کرده است. و در آن کوشیده است چهره ای صخ شده و همدردی و حکار رژیم از آن نامساعد و آن نارازند مردمی انتبار سازد. این اعلامیه بیشتر برای ادارات و موسسات شرکت ها و افراد دارای سابقه فعالیت سیاسی فرستاده شده است. در ضمن در قم نیز اخیراً یکی از روحانی نمایان مامور ساواک طی اعلامیه ای علیه دکتر علی شریعتی ابراهیمی و دین و کسی که در تخریب مانی اسلام کوشش داشته است معرفی کرده است. شواهد فوق نشان می دهد که ساواک می کوشد با توسل به چنین اعلامیه های گدای، شخصیت های دارای وجهه

در اوایل شهریورماه در روستای " فشنندک " ۳ توابع باالقان بین مردم و ماموران و نندارمری بر خورد شدیدی روی داد. حادثه از آنجا آغاز شد که یکی از مالکین بزرگ منطقه بنام مهدی نرگانی در صد دچنگ اندازی مقطعه زمین بیوه زنی از اهالی روستای مذکور آمد و مدعی مالکیت آن شد. بیوه زن شکایت بعد از گاه برد امام ادگاه از او و نه از مدعی است. محلی خواست. نرگانی تصویب کرد با افعال نفوذ و زیر خراهد خواهد توانست روستائیان را از پشتیبانی بیوه زن باز دارد اما عده ای از جوانان ده استشهادر اضا کردند و این سبب شد که مهران نرگانی که از قش ها و لسن های معروفند شانه با قه به جان روستائیان بوفتند. روستائیان به مقابله برخاستند و ماموران پاسگاه و نندارمری محل طبق معمول به پشتیبانی از نرگانی و مهران به روستائیان حمله بردند و عده ای را دستگیر کردند و با خود به پاسگاه بردند. در میان دستگیر شدگان یک روحانی آزاد پیخواه کسابتا دوباره علت فعالیت های ندر رژیم استبدادی به زندان افتاده بود به چشم می خورد. روستائیان در برابر اسگاه اجتماع کرده بودند تا از نتیجه کار باخبر شوند که ناگهان صدای فریاد دستگیر شدگان در فضا پیچید و معلوم شد که ماموران سفال رژیم بم نرب و شتم روستائیان دستگیر شده برداخته اند. روستائیان که این همه ظلم و سبی عدالتی به خشم آمده بودند به پاسگاه حمله کردند و رئیس پاسگاه و ماموران را به شدت کتک زدند. ماموران از زندان رومی و ساواک کرج خواستند و آماده تیراندازی به روستائیان دلاور شدند. اعلی رزم عده این مامور روستائیان دست از اعتراض و مقاومت برنداشتند و ماموران رژیم نردردی شاه را به عقب نشینی و پذیرش خواستهای و در اد اشتند و حادثه با آزادی دستگیر شدگان و پذیرش استهاده اثنی پ ایان گرفت.

زمین های دهقانان را به زور از آن های کپسوند

دره کیلومتری محمود آباد ( به طرف شهرستان نور ) در کنار دریا تاسیسات اردوگاه نفت قرار دارد. این اردوگاه در فصل



**حوادثی که رهم...**

طبی وجود احترام مردم و مخالف رهم استبداد و پادشاهان را چلین مال کند .

**گرگ در لباس موش**

هزبان پادید لره‌های اخیر نمایندگان انجمن‌ها و موسسات جهانی از جمله صلیب سرخ بین‌المللی از زندان‌های ایران ماوراء ساواک به تلاش افتادند تا با دلجویی از زندانیان آن‌ها را وادار کنند تا کمتر از شکنجه و مصائب زندان روحشگیری‌ها و زالت‌های ماوراء رهم حرفی بزنند . اخبار رسیده از زندان ۸ زندان قصر حاکیست که چندی پیش ماوراء ساواک یک مصلحتی ناها را برای زندانیان ضرر ترتیب دادند اما زندانیان این مصلحتی را تحریم کردند و حاضر نشدند با دلجویان خود برسریک سفره بنشینند . گرگ در لباس موش خنده در تروپ‌هاست . عکس‌المطل زندانیان به ماوراء آبروخته و دلجویان آریامهری نشان داد که این فرزندان شریف خلق‌های ما از جنس آن‌ها نیستند و برای حشمت و جاه‌نقد جان‌راهه کف نگرفته‌اند تا با یک ناها را با دشمنان مردم آشتی کنند ، در این بند زندان قصر ۲۸۰ زندانی سیاسی به سر می‌برند .

**نیرنگ رن‌یلا نه علیه مبارزان در بند**

اخبار رسیده از زندان‌ها حاکی است که ساواک در اوایل ورود هیئت‌های صلیب سرخ برای بازدید از زندان‌ها دست به عمل گتیف و رن‌یلا نه دیگری نیز زده بود و آن این که قبل از ورود هیئت مذکور به محوطه زندان ، به زندانیان نرهمی آبیول تزییق کرده بودند که برای چند ساعت در آن‌ها ایجاد نوعی سوگیجه ، بی‌حسی و بی‌توانی زدگی کرد ، به طوری که قادر به اظهار حقایق زندان‌های شاه نبوده‌اند . اما بعد از مقامات هیئت صلیب سرخ متوجه این نیرنگ ساواک شدند و در مقامات بعد سرزده به بازدید زندان‌ها آمده بودند .

**ساواک شایعه‌سازی می‌کند**

در اداره مرکزی ساواک واقع در خرابخانه بخش بزرگ‌نوسینا مستحق وجود دارد که کارش شایعه‌سازی و شایعه پراکنی است . این اداره با سفارتخانه‌های امریکا و انگلیس در تماس دائمی است و زیر نظر شخص شاه کاری‌کند و بسته به شرایط و اوضاع واحوال و به اشاره سفارتخانه‌های مذکور در موارد مختلف شایعه‌سازی می‌کند و هر روز طی بخشنامه‌های کاطلا معرمانه شایعه‌هایی را که باید در میان مردم پخش شود به شعبه‌های کوچک خود که در گوشه و کنار شهر مخفیانه کاری‌کنند ابلاغ

می‌کند و این شعبه از طریق عمال خود شایعه‌های ارسالی را در میان مردم پخش می‌کنند و پس از مدت‌ها تقریباً تمام گوش‌های آن را در میان مردم گزارش می‌دهند . مجموع این گزارشات به اداره مرکزی ارسال می‌شود و پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برای دربار و سفارتخانه‌های امریکا و انگلیس فرستاده می‌شود تا در تصمیم‌گیری‌های جاری مورد استفاده قرار گیرد . از جمله شایعاتی که اخیراً از جانب این اداره ساواک در میان مردم پخش گردید یکی شایعه دستگیری نیک بی بود با این هدف که نظر مردم و نیز احیاناً میزان نفرت آن‌ها از شهردار سابق روشن شود . از دیگر شایعاتی که اخیراً ساواک در میان مردم پراکنده می‌توان شایعه مربوط به نخست‌وزیر شدن انصاری و در آخرین روزهای دولت مومدا ویا شایعه مربوط به فرار پرویز نیک خواه ، این خاکن پست فطرت و مشاور عالی ساواک ، به اروپا و پیراهن چاکه این ا و افشاء حقایق مربوط به شکنجه در زندان‌های شاه را نام برد . قصد ساواک از انتشار شایعه اخیر این بود که با توجه به نفرت مردم از نیک خواه میزان باور مردم از چنین حادثه ای سنجیده شود و در صورت باور کردن مردم ، ساواک واقعا چنین حادثه ای را بیافزیند و پس از آن که جبار و جنجال‌های ویرانگینته شد ، آنگاه بیکباره اعلام کند که اقدام نیک خواه به دستور خود رهم بوده و بدین ترتیب در مردم ذهنی ناها را در مردم اطمینان نسبت به نیرهمی واقعا مخالف رهم ایجاد کند . که البته در این مورد یخشان نگرفت و مردم با آشنایی که با سوابق این مرتد رسوا داشتند شایعه مذکور را باور نکردند .

ما همه همین پرستان و آزادخواهان ایران را به هوشیاری در برابر دسایس رن‌یلا نه و نفاق افکنانه سازمان جنایتکار ساواک دعوت می‌کنیم !

**برای آزادی یکپاره زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم !**

تحت فشار مبارزات مردم برای آزادی بهترین فرزندان در خوش‌نویز و انگش افشاکاری‌های وسیعی که در خارج از کشور علیه پدید آمدن‌های شکنجه‌گران شاه به عمل آمده و می‌آید ، مردم شاه مجبور به یاره ای عقب‌نشینی‌ها در این زمینه شده و تاکنون عده ای از زندانیان سیاسی ایران را آزاد کرده و در نظر دارند عده دیگری را نیز برای روز چهارم آبان از زندان آزاد کند . در این روزها ساواک گروه گروه زندانیان سیاسی را از زندان‌های این قصر و ... به زندان کیمته منتقل می‌کند . دلجویان می‌گویند این مبارزان در بند راحتت فشار قرار دهند تا قبل از آزادی طلب هتو کنند و یا تمهید بسپارند .

برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی ، این فرزندان شایسته و دلیر خلق‌های ایران مبارزه خود را تشدید کنیم !

نواره ترین و مغفوف ترین شکجه گاه  
در دست ساختمان است

ناپاکشیه خون شریف ترین فرزند ان مردم واجطه صد بهرنگی  
و جلا آل احمد و... بالاخره علی شریعتی آلوده است بخش  
شد. این هیجان سیاسی به تظاهرات در خیابان ها  
انجامیده زد و خورد جمعیت خشمگین با ماموران پلیس کشید.  
ماموران برای ضفری کردن مردم تیراندازی هوایی کردند و ساواک  
جمع زیادی از شرکت کنندگان در مجلس ختم و تظاهرات  
خیابانی را دستگیر کرد که از سر نوشت آن ها اطلاعی در دست  
نیست.

رهپناه جلا د همچنان در تدارک ساختن زندانها و ی  
شکجه گاههای هولناک در اطراف تهران و محاصره از شهرها  
ایران است. از مدت ها قبل ساختمان زندانی با استفاده از  
طرح های اسرائیلی در باخستان کرج در جاده طالقان شروع  
شده است و تقریبا قسمت اصلی آن که سلول های انفرادی است  
بایان یافته است. در این شکجه گاه جدید که مخفیانه  
ساخته می شود هزار سلول انفرادیها ابعاد ۷۰ × ۱۲۰ -  
سانتیتر ( طول و عرض) در زیر زمین ساخته شده که سقف  
آن ها تنها ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر از سطح زمین بالاتر است و فرد  
زندانی در آن قادر نیست به حالت دراز کشی خوابد. در بند  
های مختلف این سلول ها توالت و دستشویی کارگذاشته شده که  
تنهای توان در آن ایستاد و امکان نشستن نیست مگر با شواری  
زیاد. در اطراف این سلول ها پلرشته زندانیهای عمومی بنا شده  
است. تمام سلول ها سپهانی است. در حال حاضر ساختمان  
شکجه گاه ها و اتاق زندانیان و استراحتگاه شکجه گران  
در دست ساختمان است. محوطه ای که زندان در آن ساخته  
می شود بسیار وسیع است و اطراف آن را دیوار کشی کرده اند.  
مجموعی طرح مهندسی است به نام "معدی" و گویا سفارش دیگری  
برای ساختن زندانی مشابه زندان باخستان کرج از جانب ساواک  
به او داده شده. از محل زندان اخیر اطلاعی در دست نیست  
قرار است تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را که رژیم می خواهد  
آن هارا در ازانظار سال های سال زنده به گور کند به این  
زندان منتقل کند. باید از عم اکنون در جهت افشا این  
اردوگاه مرگ مخفی وجدید رژیم و توطئه هایی که رژیم خونریزشاه  
علیه مبارزان خلق تدارک می بیند در مقیاس جهانی کوشید و دست  
دوخم را کوتاه کرد.

رهم زندانیان را انکند بگرجه ای کد

رهم جبار شاه باز دست به جد کردن زندانیان سیاسی  
انکند بگر زده است. از سوی زندانیان مذمبی را انخیزد همی  
جد ای کند و از سوی دیگر زندانیان را بر اساس سال های  
محکومیت تفکیک می نمایند. احتمال می رود که از زندان جدید  
واقع در جاده کرج نیز استفاده شود. جداسازی زندانیان  
سیاسی به منظور جلوگیری از تماس تبادل اندیشه و تشکل  
مبارزه جبهانه آن ها صورت می گیرد.

شیوع بیماری مالاریا

پس از چند سال بارد بگر بیماری مالاریا در شمال و جنوب  
کشور شایع شده است. رهم طبق معمول حائمه به اکثر ای  
نیست. ولی منابع موثق شیوع این بیماری را تایید می کنند. به  
این ترتیب در حالی که هنوز میا به کشتار خود ادامه می دهد و  
رهم نیز پس از قریب سه ماه مجبور به اعتراف شده است، شیوع  
بیماری مالاریا بارد بگر همی صفره و توحالی رهم بخد خلقی  
شاه در مورد بهد اشد رایگان خط بطلان می کشد و نشان میدهد  
که تا این رژیم بر سرگراست وضع بهد اشد مردم به صورت فلاکت  
بارگونی باقی خواهد ماند.

واکش های مرگ دکتر علی شریعتی

به دنبال مرگ مشکوک دکتر علی شریعتی، جامعه شناس  
اسلامی و مبارز آزادیخواه، هیجانان و تظاهرات گسترده ای  
گوشه و کنار کشور فراگرفت و به ویژه محافظ و مراجع اسلامی و  
دانشجویی را تکان داد. علی رغم مخالفت و مقاومتی که ساواک در  
برگزاری مجالس ترحیم دکتر شریعتی به خرج داد، در بسیاری از  
شهرهای ایران از جمله شیراز مجلس ترحیم برگزار شد. در این  
شهر دانشجویان روحانیون آزادیخواه بعد از آن که ساواک از  
برگزاری مجلس ختم دکتر شریعتی به طور غلنی جلوگیری کرد، در  
روز ۱۲ تیرماه در مسجد نور، مجلس ترحیم برگزار کردند. جمع  
زحادی از دانشجویان در این مجلس شرکت کرده بودند و مقداری از  
اعلامیه علیه حفقان موجود رژیم خونریزشاه - ساواک که دستی

سازمان امنیت و اطلاعات کشور ( ساواک )  
که عمده ترین وسیله سرکوب خلق از طرف  
ارتجاع و امپریالیسم است باید منحل  
شود و عمال جنایکار آن مجازات گردند  
دیو سیاه استبداد سلطنتی جلوگیری  
یوند جنبش و به طرقت مهن ماست  
این دیو سیاه را با کوشش مفترک از  
سرواه برداریم

**حوادثی که رژیم . . . .**

در اصفهان نیز روزگشتمه ۹ مرداد ماه، روز پیش از نیمه شعبان، در بازار اهلایه ای به مناسبت درگذشت دکتر شریعتی پخش شد.

کانون نویسندگان ایران نیز به همین مناسبت اطلاعیه ای در تیرماه انتشار داد که در آن از جمله می خوانیم:

"نویسنده آزاده، دکتر علی شریعتی، سرانجام در روند تحقق آرزوهای انسانیش این جهان را بدرود گفت. کشور ما ایران در تاریخ فرهنگ خود، از این گونه مجاهدان فضیلت بسیار پرورده است. دکتر شریعتی در زندگی کوتاه اما پرثمرش نشان داد که حیات را جز در مفهوم عقیده و مجاهدت در راه آن نمی شناسد. کارنامه فرهنگی و اجتماعی او در این معنی گواه انگاری ناپذیر است. حماسه زندگی اجتماعی و فرهنگی او از سال ها نوجوانی آغاز شد و تا اوپسین روز که به اوج خود رسید بی وقفه ادامه یافت، و در این سودا سختی ها و خشونت های بسیار از جمله معروفیت از استاد ی دانشگاه و زندانهای مکرر، راجه جان پذیرفت . . ."

تنظیم و مثال هایی از کتاب " یادداشت های شهر سلوغ " که باعث شده بود او را به زندان اندازند، در آن گنجانده شده بود. از جمله عبارات طنزی که تنگانی در سخنرانی خود به کار برد، عبارات " بار و باره ده راه نمی دادندی گفت من قدرت منطقه ام " یا " یکی می مرد ز دردی نوایی، یکی می گفت راگتواتی می خواهی " سخت به دل مردم نشست و حضار را خنده های بلند خود آن را تابد کردند.

**" جشن هنر " و شکسته**

جشن هنر اصیل با شکست کامل روبرو شده است. هیچ يك از گروه های هنری معروف و نامحتمی که دعوت شده بودند این دعوت را نپذیرفتند. از جمله يك گروه تاتری از اسپانیا که دعوت شده بودند نماینده ای شد فاشیستی را که به مسائل جهان سوم می پرداخت به گفته جشن هنر فرستاد و اهلا مکرر که تنها در صورت گنجاندن آن در برنامه جشنواره بدون هرگونه تغییر و یا حذف هر بخش آن حاضر به شرکت در جشن هنر شیراز است که البته مسئولان جشنواره کدابی آن را نپذیرفتند و گروه هنر نیز در این جشن شرکت نکرد. تنها برخی گروه های درجه چندم موسیقی از کشورهای نظیر هندوستان و پاکستان در جشنواره شرکت کردند. خلاصه آن که آن قدر برنامه اصیل جشنواره خالی و بی اهمیت بود که گردانندگان رژیم برخلاف سال های قبل ترجیح دادند به دور از تبلیغات و جار و جنجال و سرود آن را به نحوی برگز آر کنند.

**شمار مرگ برشاه در بازار اصفهان**

در روز ۱۰ مرداد صاف با ۱۵ شعبان در بازار اصفهان بنا بر رسوم سنتی و مذهبی جشن و جویانی برپا بود و ما موران پلیس مراقب اوضاع بودند. در ساعت ۱۰ صبح ناگهان جمعیتی بیش از پنجاه نفر با فریاد و سرود ا وارد بازار می شوند و عصبانیت مردم را متوجه خود می کنند. این عده با شعار " مرگ برشاه، زندگیا حکومت قانون " به سمت در خروجی بازار حرکت می کنند. در طول مسیر ده ها نفر از مردم به آنها می پیوندند. عمل این عده چنان منظم و سریع و فافلگیر کننده بود که ما موران پلیس، چه افسر و چه پاسبان، وحشت زده به داخل چند مغازه پناه می برند و در مغازه ها راجه روی خود می بندند. حرکت جمعی و دادن شعار تا انتهای بازار ادامه می یابد و در آن جا جمعیت اولیه ناگهانی و به سرعت متفرق می شوند.

**مظاهرات و تظاهرات نخست وزیری**

روز سه شنبه ۲۹ شهریورماه صد ها نفر از اهالی زحمتکش و بی سکن مناطق جوادیه تهران پارس و نارنگ که اجازه ساختن در زمین های خارج از محدوده آن ها داده نمی شود برای روشن شدن تکلیف شان در مقابل کاخ نخست وزیری اجتماع و تظاهر کردند اما پلیس رژیم ضد خلقی شاه به سرعت آن ها را متفرق کرد. روز بعد، چهارشنبه ۳۰ شهریور، حدود هزار نفر از فرهنگیان بی سکن تهران برای روشن شدن تکلیف شان در برابر کاخ نخست وزیری اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت شان شدند. این عده هشت سال پیش سید هزار ریال برای تأمین سبک شغول به شرکت تعاونی سکن فرهنگیان برداشته بودند و قرار بود شرکت ۵۰۰ آپارتمان و ۱۵۰۰ خانه در اراک طرشت برای اینان بسازد ولی هنوز این وعده عملی نشده و پول فرهنگیان نیز کمها هزار زحمت و کمر کردن نان و لپاس فرزندانشان در طی سال ها پس انداز شده بود، به آن ها باز

**سخنرانی تنگانی**

بعد از ظهر چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه فریدون تنگانی نویسنده نامدار ایران که چندی پیش از زندان آزاد شده در سالن سخنرانی دانشگاه شیمی دانشگاه آریامهر، بیرون " طنز " سخنرانی کرد. این سخنرانی با آنکه تاریخ برگزاری آن اعلام نشده بود با استقبال پر شور جوانان و دانشجویان روبرو شد. چند تن از نویسندگان و شاعران مردمی از جمله سیاوش کسرایسی و سعید سلطانپور ( که به تازگی از زندان آزاد شده ) حضور داشتند. سخنرانی تنگانی با بهره گیری از آثار لونا چارسکی



نخواهد شد و هیچ دردی از درد نای آن‌ها تسکین نخواهد یافت. چراکه این رژیم راه هرگونه پیشرفت جامعه را مسدود کرده است.

شاهپورفلاصرما ارامنی جنگلی را  
به زور تصاحب می‌کنند

در ده‌هزار بار بابل شاهپور فلاصرها صدها هکتار جنگل را از بین برد و زمین‌های آن را تصاحب کرده است. بعد از آن که دیناری بابت این ارامنی غصب کرده بود از دولت حتی به دهقانان اجازه دادند که از عیزهای خشک جنگلی استفاده کنند. شاهپور فلاصرها در صد دست در این زمین‌ها گاوداری تاسیس کند. البته این دخل و تصرف شاهپور مختص ده‌هزار نیست. ارامنی وسیعی در کرگانه فرح آباد ساری، و اصر تا کتون توسط این شاهزاده زمین‌خوار و طماع بلعید شد و دهقانان و ساکنان مستعبد و زحمتکش که روی این زمین‌ها کارهای اجوری ارتزاقی کردند، برانگشته شدند.

بازعم خبری پیرامون کاخ سازی در باریان

شاه و سایر اعیان خانواد سلطنتی و درباریان هر چند گاه در خوش آب و هوای نیاک، کشور کاخ‌های مجلل و افسانه‌ای با هزینه‌های سرسام‌آور، به حساب‌فارت و چپاولی بند و بار در آمد‌های ملی، برای خود برپا می‌کنند و این در حالی است که فقر و درمان و سرگردانی بی‌سنگی انبوه مردم راه ستوده آورد و مشکل مسکن به یک معضل بزرگ عمومی در محاسن تمام کشور تبدیل شده است.

در آخرین شماره "نویس" از کاخ افسانه‌ای شاه در نوشهر که در دست ساختمان است خبر داده بودیم و اینکه خبری رسد که در جوار بارک جنگلی نهرین شهرستان نور رستم رود در استان مازندران در کنار دریا و لیک عرصه ده هکتاری در ارامنی جنگلی کاخ مجلل و پرشکوهی در دست ساختمان است که به اشرف‌پهلوی خواهر توامان شاه و سردار معاملات قاچاق مواد مخدر ایران، تعلق دارد. کاخ شامل سالن‌های پذیرایی و اتاق‌های متعدد است و در کنار آن یک دریاچه هنری نیز ایجاد میشود که به دریا متصل خواهد شد.

این کاخ را شرکت ساختمانی فرامین با همکاری مهندسان فرانسوی برای اشرف می‌سازند. لازمه تذکر است که در زمین‌های مشرف به دریا اجازه ساختمان داده نمی‌شود و فقط خاندان سلطنتی و درباریان و وابستگان به آن‌ها از این امر مستثنی هستند.

حوادثی که رژیم . . . .

پرداخت نگردیده است. فرهنگیان در تظاهرات غریب شعاری دادند که برای خانه‌دار شدن باید مانند ساکنین قهرمان خارج از محدودیه مبارزه کرد و ده‌ای داد. حقی گرفتاری است و دولت و مسئولان امور هرگز آن را دوستی تقدیم مانی کنند. ما اگر با این سی هزار تومان هشت سال پیش اقدام به خرید خانه کرده بودیم حالا صاحب خانه بودیم در حالی که اکنون، با توجه به تورم شدید سال‌های اخیر، از ارزش واقعی آن بسیار کاسته شده است.

سرانجام رژیم در مقابل اعتراضات پرشور فرهنگیان، این زحمتکش‌ترین و بی‌نصیب‌ترین قشر روشنفکران مجبور به عقب نشینی شد و نخست وزیر جان‌نذر شد نمایندگان آن‌ها را برای ملاقات و شنیدن خواست‌هایشان به درون کاخ نخست‌وزیری بپذیرد و آن‌ها قول مساعد دهد.

خاموشی‌های برق

به دنبال خاموشی‌های بی‌امان برق که زندگی مردم را فلج کرد و آگاهی مردم را از رسوایی و دروغ‌پردازی‌های سالهای اخیر رژیم شامبلند پرواز درجه بیشتر نمود، بعد از ظهر یکشنبه ۲۴ تیرماه عده زیادی از ساکنین محلات تهران که به جان آمده بودند به ساختمان مرکز حوادث برق تهران حمله کردند. مأموران انتظامی ساختمان سعی کردند چیزی آن‌ها را بگیرند اما مردم زحمتکش با مسئولانک به جان مأموران افتادند و آن‌ها را به شدت تک‌زدند. کار این نزاع به کلانتری منطقه کشید اما مأموران کلانتری اهل‌لام داشتند که در این مورد بخصوص هیچگونه دخالتی نمی‌کنند. بر اساس گفته یکی از کسانی که به این مرکز حمله کرده بودند و سپس در کلانتری به مردم گفته است: "بزرگ‌ترین مردم را خواهد مأموران برق را بزنید. زندگی مردم را تپاه کرده‌اند." در غوزستان نیز این ماجرا به تکرار شد. در اهواز مأموران در بسیاری از نقاط بازو و کتک‌ها کردند و مأموران را مجبور کردند مفازه‌های خود را تعطیل کنند تا صرف برق در اوایل شب بماند. بهران برق چون زلزله ایران را تکان داد و خشم مردم را علیه رژیم مطلق شاه که قادر نیست حتی ابتدایی‌ترین و عادی‌ترین مسایل جاری کشور را حل کند و تنها هنرش فارتگری و خیانت و جنایت است، برانگیخت. هیچ عامل دیگری نمی‌توانست این آتش به یکباره مردم راه همچنان بی‌آورد و به ناخیاختی وارد مسئولان رژیم علی‌رغم تمام چارو جنجال آلوده و زورمند نتوانستند بهران برق را مهار کنند. حتی تصویب دستور نخست‌وزیر و کابینه که به یک نمایش‌نده انتظاری مافت نتوانسته است مردم را ولو اندکی آرام کند و مردم همه جا از آن‌ها تصدیق آنگذ و از خشم پادی کنند. مردم به حق معتقدند که گستاخ‌هایی که رژیم دیکتاتوری شاه باقی است هیچ‌گرمی در کار کشور گشود

اتفاق افتاد و خلبان و کتک خلبان آن توانستند خود را نجات دهند، شامبه ستاد بزرگ ارتش تاران دستور داد که از این پس این چهار مربوط به سقوط هواپیماهای نظامی کلا بدوین برده ووشی در اختیار جراید قرار گیرد تا به اطلاع مردم برسد و در این باره ظاهراً موانع قبلی از بین رفته است. این دستور به دنبال شایعات گوناگونی که پس از سقوط هواپیماها و مرگ سرنشینان نظامی آن صادر شده بود صادر شد. گفته می شود به دنبال سقوط دو هواپیماهای نظامی فانتوم (یکی در حوالی گرگان و دیگری در پادگان جی) و کشته شدن کلبه سرنشینان این دو هواپیما و مرگ در حدود ۵۰ دانشجوی خلبانی که در کارفرودگاه آسایشگاه داشته اند و سپس برده ووشی و خفا کاری مسئولان، اعتراضات مختلفی در میان نیروهای مسلح و به ویژه واحد های عوامی مربوطه گشته شدگان بلند شده و انتقاداتی ضمنی و علنی از این گونه پنهانکاری عوام فراموشی ناپخته شدگان و دفن کردن بی سروصدا ی آن ماه به عمل آمده است. در محافل نظامی از عیان می شود که مشاوران شاه و احتمالاً مستشاران نظامی آمریکا به اوتویه کرده اند که بهتر است برای جلوگیری از این گونه نارنجی ها و نیز با توجه به این که اخبار منور سرانجام و به تدریج به گوش مردم و نمایان می رسد، اخبار مربوط به سقوط هواپیماهای نظامی را سا از سوی مسئولان مربوطه و از طریق ستاد بزرگ ارتش تاران در اختیار جراید قرار گیرد.

**اشرف در جنوب فرانسه چه می کرد؟**

بنابر اطلاعات موثق به دست آمده، "اشرف" خواهر توانان شاه و دلاله و قاجاقچی و قاریاز و... حرفه های بین الطلی در شب حادثه ترور در فرانسه، از گزینوی "بیس" در ساحل کان باز می گشته و شب قبل از آن نیز در همین گزینوی بوده است و در این دو شب روپیم پیش از ۳ میلیون فرانک فرانسه در قاریاخته است. دوم در همراه اشرف در هنگام حادثه یکی به نام "اعتدالی" معشوق یا شهبانه اشرف بود و دیگری به نام "بیجاری" معشوق "خواجه نهری" ندیده اشرف و متول حادثه. اشرف هنگام حادثه در صندلی جلوی اتوبیل در کنار معشوق خود نشسته بود و به همین جهت جان سالم به در برده است. به قرار اطلاع اشرف در جنوب فرانسه سرگرم معاملات قاجاقی مواد مخدر نیز بوده و در میانزگان همراه او در واقع اندازان و واسطه های او در این معاملات نیز بوده اند و احتمالاً حادثه ترور اشرف و همراهانش کاریکی از شبکه های بین الطلی قاجاق مواد مخدر بوده که گویا بر سر معطلات مواد چندین اشرف اختلاف پیدا کرده بودند.

با توجه به چنین حقایقی است که ننگی که اشرف به شاه باس این جان به در بردن و در واقع به قتل عوام فراموشی بهزیارت حضرت رضا و خانه ندای می رود مردم منتقدان سیمای از چهره کریمه موجود سرا با فاسدی را می بینند که از بد حادثه زندگی انگل وارش همچنان در اوجی باید بلکه به محق حمله گری ها و دروغ پردازی های رژیم که او برادر تاجدار و خونخوارش سیاهترین نمایندگان آن هستند می برند.

**نافرمانی در صفوف نمایندگان**

طی دو ماه حداقل ۳ نفر از ماموران پلیس پاسپان و سر پاسپان) در مراسم کثرت به علت کیفیت پوش از حد و زد و خورد با مأمور و سرپوشی از دست و روی انطباطی مکرر اخراج شده اند. این روندی است که مدت ها است آغاز شده و در ارتش نیز خروج از سازمان نظامی رژیم را به صورت آرزو خواست جدی درجه داران و افسران جز و افراد آورده است. افسران و درجه داران شرافت مند و مین پرست ارتش و شهرتانی نمی خواهند بیش از این آلت دست رژیم مستبد و فاسد و وطن فروش و جنایتکار باشند و در قیامت ها و جنایت های او شریک شوند.

**در مورد سقوط بی دربی هواپیماهای نظامی رژیم مجبور به اعتراف شده است**

تا این رژیم هر نوع خرابی و حادثه ای را در داخل نیروهای مسلح خود به شدت مکتوم نگاه میداشته است. در حالی که تبلیغات شدید و سرسام انگیز برای جلب جوانان به نیروهای هوایی و دریایی اوج می گیرد، خبر سقوط هواپیماهای نیروی هوایی که در آبدلی کشور برای خرید آن عمارت جهت هدفی های نظامی رژیم شاه به هدیه رود باز گوشه و کنار به گوش می رسد.

**رسمی و فساد در شهرتانی**

اخیرا پرده از روی سو استفاده های کلان رشوه گیری ها مستمر افسران و افسران و رانندگی مازندران از جمله رئیس راه نظامی و رانندگی رئیس شهرتانی این استان (سر هنگ زند) برداشته شد. از مدت ها پیش در شهرهای مازندران، به به ویژه ساری، شایع بود که با پرداخت هزار تومان رشوه به راحتی می توان گواهی نامه رانندگی گرفت. افسران منور از طریق

به دنبال سقوط بی دربی هواپیماهای نظامی در نقاط مختلف کشور که در بسیاری از موارد خنجره گشته شدن سرنشینان آن ها گردید و حتی در برخی موارد موجب خسارات مالی و جانی وسیعی شد که آخرین نمونه آن سقوط جت فانتوم اف ۷ متعلق به پایگاه شاهرخی همدان بود که در نزدیکی زنجان



حوادثی که رژیم از ...

واسطه های پنهان و آشکار نودبه گرفتن حق و حساب ورشو بهادرت می کردند. در این بین شبکه رشوه خواران رژیم را غنای و اتندی و رئیس شهربانی استان قرار داشتند. جای آن که رئیس شهربانی مزبور که اکنون بر کار شده، در شهربانی خود راه عنوان فردی متدین و شاعر مسلک جا زده بود و جزواتی حاوی مداخله ای خود از شاه و دستگاه شهربانی به چاپ رسانده بود. به محضوت به دنبال افشای شبکه رشوه خواران در شهربانی و اختطای و اتندی استان مازندران، ۲۷ افسر به اتهام رشوه گیری و سهل انگاری در صدور گواهینامه رانندگی به تهران فرا خوانده شدند و سرورنده عمیک تحت بررسی قرار گرفت و بعدنی از آن با منتظر خدمت، بازنشسته، جریبه، بازداشت و بنا به نقاط در افتاده منتقل شدند. در ضمن برای خوابانید سرودهای این رسوایی به جای سرهنگ زندی، سرتیپ - خطیبی رئیس سابق خدمات اطلاعات شهربانی کل کشور، به سمت رئیس شهربانی مازندران منصوب کردند. علی رغم تلاش شهربانی برای جلوگیری از انتشار اخبار این رسوایی تازه مأموران رژیم، خبر مربوطه در سراسر استان انعکاس یافت.

اسرائیل کادر ثابت دستگاه جهانی ساواک را تشکیل می دهند و این در شرایطی است که در سال صد هفتم و ماسواک برای دیدن دوره های جاسوسی و شکنجه گیری راهی اسرائیل می شوند. آخرین پیوند رژیم شاه با دایر کردن خط مستقیم تلفنی بین تهران و کرج با اسرائیل برقرار کرده است و اما در نتیجه اقدام از بلندگوهای تبلیغاتی روزنامه های تحت کنترل و زیر سانسور ایران خبری از برقراری این ارتباط تلفنی منتشر نشده است. این شیوه دیدینه رژیم خدمتی و نمود مکرراتیک شاه است که مردم را از آنچه در پشت پرده و علیه ضایع خلقی های ایران و منطقه انجام می دهد و شاه خونخوار در همه آن ها نذارت مستقیم دارد بی اطلاع نگه دارد و در ظاهر شمارهای مردم فریب دهد.

قضات سر فدا دگستری

به پایمال شدن استقلال و اعتبار قوه قضائیه

اعتراضی کنند

به دنبال بیانیه ۶۴ تن از وکلای دادگستری، اخبار ۴۰ تن از قضات دادگستری تهران طی نامه سرگشاده ای به دیوانعالی کشور به پایمال شدن استقلال قوه قضائیه و تصحیحات رژیم استداری در جهت محدود کردن هرچه بیشتر اختیارات این قوه اعتراضی کرده و نوشته اند "قوه قضائیه وظیفه خطو خود را که حفظ حقوق فردی و جمعی است زمانی می تواند انجام دهد که به حکم قانون اساسی قوه مجریه از دخالت در امور قضایی باز داشته شود". قضات شریف دادگستری در پایان نامه خواست های عاجل خود را به شرح زیر اعلام کرده اند:

- ۱- لغاده صلاحیت عام قوه قضایی با اتدلال مراجع اختصاصی.
- ۲- اصلاح قانون اصول تشکیلات دادگستری و تحدید اختیارات وزیر دادگستری به حداقل ممکن و تفویض آن به دیوان عالی کشور با توجه به اصل تشکیک قوا و روح قانون اساسی.
- ۳- تامین استقلال قضات دادگاه ها و ادسراسا و تمهین شرایطی برای تغییر یا ارتقاء شغلی قضات زیر نظر دیوانعالی کشور.
- ۴- ایجاد شرایطی که قوه قضایی بتواند آزادی های مخرج در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را آن چنان که در مورد یک ملت مستقل و آزاد است تامین و تضمین نماید.

فساد و هسوج و مسوج در شهربانی

در تیرماه گذشته ۲۴ تن از امسراج و درجه داران شهربانی به اتهامات گوناگون به دادرسی ارتش فرستاده شدند و به مجازات های مختلف از برداختن پنج تا پنجاه هزار ریال جریمه و از ۶۱ روز تا ۹ سال زندان محکوم گردیدند. تنها ۲۶ نفر از افراد مذکور به اتهام فرار از خدمت محکوم شدند. بالاترین مجازات ها برای دو ساسان به اتهام راهزنی ( ۲۷۰ سال ) تعیین شد. سایر اتهامات عبارتند از: گزارش خلاف واقع، اهانت به مافوق، ایراد محسوب به افراد به مافوق، فرار از خدمت سرتت، شروع همسرتت، راهزنی، کلاهبرداری، خوابیدن سر بیست و سهل انگاری حین انجام وظیفه، رشوه گیری، رشوه دینی، مزاحمت برای بانوان و لغو دستورات مستهلالاته قاجاق مواد مخدر.

از شهربانی رژیم تا مفز استخوان فاسد و جنایتکاروند مردمی جز این عاچه انتظاری می توان داشت؟

سرقسرهاری ارتضباط تلفنی با اسرائیل

رژیم خدمت خلقی شاه در حالی که تمام اعزاز می دارد از حقوق از دست رفته ملت فلسطینی پشتیبانی می کند در پنهان نزدیک ترین رابطه با صهیونیسم بین المللی رژیم فاشیستی حاکم بر سرزمین فلسطین دارد. صد ها کارشناس اسرائیلی ارتش ایران را تعلیم می دهند و جمع زیادی از کارشناسان امنیتی

اعتصاب کارکنان دانشگاه تهران

در اولین روزهای سال تحصیلی جاری کارکنان دانشگاه برای اعتراض به قطع مزایایی که سالهاست محو روند دست از کار کشیدند. دستور قطع این مزایا از طرف رئیس جدید دانشگاه تهران فاسد معضدی صادر شده بود. سرانجام در برابر اعتصاب یکپارچه کارکنان دانشگاه این دستور غفایا لغو گردید.



# آخرین خبرها

خبرهای زیر در لحظاتی که نوبت زبر چاپ بود به ما رسید

اجتماع بزرگ انجمن کارکنان بانک - ما  
در - م را به عقب نشینی واداشت

شد و معاون وزارت کار شخصا به اجتماع کنندگان تهرانی که در آنجا در ظرف ۲۰ روزخواست های آنان عطف شود. روزنامه هانیز وعده وزارت کار را باتیتر درشت چاپ کردند البته بی آن که از انتصاب و اجتماع کارکنان بانک هاسخنی به میان آورند.

انتصاب یکپارچه کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور

کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور ازوفه مبرماه دست به انتصاب غذا زدند. آن هابه شرایط جدید پرداخت سود ویژه معترض و همگی خواستار برکناری صحیح مدیر عامل چاپخانه بودند. این چاپخانه متعلق به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است و حدود ۵۰۰ کارگر دارد. کارگران این چاپخانه در چند سال اخیرچندین انتصاب مشکل وگاهی طولانی را سازمان داده اند. در روزهای انتصاب کارگران انتصابی در داخل چاپخانه به سر می بردند و درهای چاپخانه بسته شد بود. در دومین روز انتصاب جمعی از کارگران این چاپخانه نیز به کارگران پیوستند. در چهارمین روزانتصاب مسئولان چاپخانه به کارگران اعلام کردند کهخواست های آنان رای پذیرند و برای عطف کردن این خواست ها ۱۰ روز مهلت خواستند. بدین ترتیب کارگران از چاپخانه خارج شدند. اما به دنبال خروج کارگران درهای چاپخانه بسته شد و اعلام گردید که چاپخانه تا ۵ روز یک بسته خواهد بود. در واقع مسئولان کارخانه به سفارش ساواک کارگران را فریب دادند. آخرین خبر رسیده حاکی است که گویا ساواک نمایندگان کارگران انتصابی را بازداشت کرده است. گسزای رضی مروج و نتیجه حادثه را در شماره آینده نوبت منتشر خواهیم کرد.

دانشجویان علیه تجاوز رژیم  
به حقوق خود به سازماندهی می خیزند

از صبح روز یکشنبه ۱۰ مهرماه در تعدادی از دانشگاه ها دانشکده تهران کلاس ها به عنوان اعتراض به بستن کتابخانه های دانشجویی و موضوع شدن مصفاکلیت های دانشجویی تعطیل شد. از جمله این دانشگاه ها دانشگاه علوم اجتماعی بود که پلیس با اختصار دانشجویان معترض را از کلاس بیرون کرد. دانشجویان اعلام داشتند که خواستار آزادی فعالیت شرکت تعاونی کتاب و کتابخانه های دانشجویی هستند.

رئیس دانشگاه به دانشجویان اعلام کرد که به طور فردیه او طر جمع کنند اما دانشجویان نپذیرفتند. در ضمن در دانشگاه حقوق تهران دانشجویان یک

اتحادیه سندیکا های کارکنان بانک های خصوصی کشور ( یعنی نماندگان ها غیر از چهار بانک دولتی ) اعلام کرد که حدود ۱۷ هزارتن از کارکنان این بانک ها در سلامت بهمد از ظهر روز چهارشنبه ۶ مهرماه در جلوی ساختمان وزارت کار ( واقع در خیابان آریزنهاور ) اجتماع خواهند کرد تا برخواست های قانونی خود در زمینه افزایش حقوق و طبقه بندی مشاغل و دیگر خواست های حق خود که اجرای طرح صوبه آن گرا را به تصویب افتاده، پافشاری و اصرار برزند.

برنامه این اجتماع از سوی اتحادیه به مذکور رسیده اطلاع وزارت کار، هیات مدیره بانک های خصوصی کشور، شهرتانی و ساواک و مطبوعات رسید. اتحادیه اعلام کرد کهخواست های برحق مادر زمان وزارت ۴۰۰۰۰۰۰۰ " به تأیید و تصویب کارفرمایان و وزارت کار رسیده، اما پس از تغییرات اخیر کابینه از نو مورد تجدید نظر قرار گرفته و اجرای آن به تصویب افتاده است. از آنجا که اتحادیه به سالهاست در جهت تحقق این خواست ها تلاش می کند و می داند که وعده های پایه مقامات هرگز بصورت اجرا در نخواهد آمد، اکنون تصمیم گرفته شده که با اجتماع همگانی در جلوی وزارت کار به طفره رفتن ها و تامل در اجرای این خواست های قانونی اعتراض شود. اتحادیه اعلام داشت که کارکنان زحمتکش بانک ها از بسیاری جهات سخت درضیقند و حتی نسبت به کارکنان بانک های دولتی از مزایای کتبی برخوردارند. ساعات کار بسیاری از این بانک ها زیاد و ناسازگار و حجم کار بسیار فشرده و طاقت فرساست به طوری که کارکنان این بانک ها تمام وقت و انرژی خود را صرف امور بانکی می کنند و با این حال از سطح زندگی نازل برخوردار هستند و با توجه به بالا رفتن قیمت ها هر روز بر مشکلات زندگی آنان افزود می شود.

گفته می شود عامل وعده کارشکنی در اجرای طرح های رفاهی و حقوقی تصویب شده در مورد کارکنان بانک ها، در همانک ارمعه یعنی علی رفاهی ( بانک شهریار ) و نیکپور ( بانک پارس ) هستند که بنهانی با وزیر جدید کار ( معینی ) علیه اجرای طرح تصویبی توطئه کرده اند.

اجتماع کارکنان بانک ها در مورد مقر و شرکت پیش از اینچ هزار نفر در برابر وزارت کار برگزار شد. در اسهات ۳ تمام شعبات بانک های خصوصی تعطیل گردید. یکپارچگی کارکنان بانک ها شاید تا حدی محتمل بود. درخواص صوبه عقب نشینی

آخرین خبرها

اطلاعه بزرگ دیواری را در از دسترس پلیس نصب کردند که در آن به بسته شدن کتابخانه های دانشجویی و هجوم ربه مراکز فرهنگی دانشجویی و تعطیل انجمن های دانشجویی میان و تاراج کتابها از کتابخانه ها و حتی کندن در چند کتابخانه ورود کتابها به وسیله چند گامین ارتشی که یاد آور هجوم وحشیانه مغولان است و در سال های اخیر بی سابقه بوده ، اعتراض کردند .

تظاهرات پرشور علیه رژیم استبدادی شاه

در شبانگاه ۱۱ مهر شهر آمل شاهد تظاهرات پرشوری با سابقه در ده ها جوان دانش آموز بود . جوانان با استفاده از تاریکی شب و در یک حالت غافلگیرانه دسته جمعی وارد خیابان مهدیه آمل شدند و در حالی که علیه رژیم و دشمنی های آن شعار های تند و قهرا آمیزی دادند ، مشت های خود را در همرا تکان می دادند . همچنان این صحنه تکان دهنده صد ها رنگر و کسبه ای را که در مسیر این تظاهرات نا منتظره بودند ، به شدت تحت تاثیر قرار داد . پلیس وقتی به محل تظاهرات رسید که مدت ها از پدید شدن تظاهر کنندگان خشکین جوان می گذشت . پلیس ناگزیر عده ای از تماشاگران و رنگران مظنون را بازداشت کرد ، اما این اقدام نیز خشم و انزجار مردمی را که از سفاکی ای رژیم و کارگزاران و چکمه پوشان آن به ستوه آمده اند و در هر لحظه مقتضی این نفرت رابه شکلی نشان می دهند ، بیشتر برانگیخت . حادثه خیابان مهدیه آمل ناچند روز موضوع بحث های داغ در کارخانه ها ، مدارس و محافل شهر بود . تعداد تظاهر کنندگان چنان زیاد و نحوه عمل آنان چنان سریع و حساب شده و موثر بود که به نظری رسید این حرکت اعتراضی از مدتی قبل تدارک دیده شده بود .

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اوج می گیرد

بر اساس اطلاعاتی که به ما رسیده قرار است عصر روز جمعه ۱۵ مهر ماه احتمالی برای اعتراض به زندانی کردن هزاران تن از شایسته ترین فرزندان خلق از بیخوله و شکجه گانه های شاه و ساواک در صحن حیاط شاه عبدالعظیم ، در شهر ری تشکیل شود . مشروع گزارش مربوط به چگونگی این اجتماع در شماره آینده نویسنده منتشر خواهد شد .

همکاری کلیه نیروهای ضد دیکتاتوری  
در یک جبهه واحد تحت شعار سرنگونی  
رژیم استبداد و تهر و اجتناب و تعدید -  
اشکال مختلف و ترمیمی مبارزه انقلابی  
شرط پیشرفت و پیروزی جنبش ضد استبدادی  
میهن ما است .

به مناسبت سی و ششمین سالروز تأسیس حزب توده ایران

نهضت میات تحریر - نویسنده  
به کمیته مرکزی حزب توده ایران  
با گرمترین درودها . . .

شملی دیگر در کار سی و پنج شعله گلگون و جاویدان افروخته شد . حزب توده ایران در سی و ششمین سالگرد تولد خود امید های بیشتر و پذیر های حاصلخیز تری در شت دارد . بهارهای بی تردید آینده از این پذیرها و پیروزی های پر از رنج و رزم خلقهای ایران - در این امید ها خواهنند روئند . این ایمن ماست .

ما سال برو شرایطی سالروز تولد حزب توده ای خوب را جشن می گیریم که جنبش خلقی و مبارزات طبقاتی در راه خیز و تلاطم تاز مای بیافتناست . توفان بند از پای خود کشاید . رژیم سرنیزه واضع و اختناق به شدت سرعت مضروی میشود . راهها از بیراهه مگر از ایمن و انقلاب از آثار شایسته مارکسیسم از ابتلا تا خرد میرو و پای و مبارزات ماجراجوش و سفسطگری و شعبه بازی ها شناخته میشود و آن کس که در مرکز این فرطاب و حادثه ایستاد ماست و با صدای توانا و حقیقت و آرمان خود وظلمت و دروغ را لگ مال میکند راه میگذاید و دهان مردم ترانه و سرود میخواند و هزاران دست میوزد و با هزاران تن زخم برودارد و باز با هزاران گام به پیش میآورد ، حزب توده ای ماست .

صدای او گلپانگ ارانی است . چراغ او نبوغ مارکس و چشمهای او در نمود های لنین کبیر ماراده او پرولتاریای - آفرینشگر و نیروی او خلق است . او به مدد این معجزات زمینی و بشری ، شماره پایه گار و ادامه دهنده اصیل ترین سنت های انقلابی و مردمی بود ماست . از ضعف های گذرا و شکست ها و ناگامی های آتی بگذریم . اصل روند ماست .

حزب توده ایران در روند موجودیت خود هرگز هستی خویش شماره حزب پرولتاریای رزمجوی ایران و مکن تو بین حرکت متعالی بوده است .  
مادر دلمان او ایملی حیات بخش مارکسیسم در انماز را آموختیم ، در پشت سر او از پر تگانه های مارکسیسم لفلگار و نقابدار گذشتیم و دست در دست او از - جادوی انواع نظرات خرد به بر توانی و ماجراجویانه مصون ماندیم و به جبهه ها و رنقها و آهنگ های رومانیتسم آثار شستی پیچ خند زدیم .  
نسل نو مبارز با اقبال روز افزون و پر حرارت و گاه حتی شتابکار خود از تشها حزب مارکسیستی - لنینیستی ایران اینک غبار و عرق خستگی را از پیشانی بلند پهلوان خود پاک می کنند .

خون شهدای حزب به شکوفه نمشسته . جلگی از دست های سر سبز و جوان بسوی شما دراز شد ماست . مشت ملبهوش حزب توده ای ما با این شاخه ها و انگشت های پر نیرو و مملک میگرد . این آن پیک عظیم و پویانگر و سازنده ای است که تاریخ آنرا وثیقه قاطع رستگاری اعلام کرد ماست .

با ایمان به پیروزی نهایی  
عیلیت تحریریه نویسنده

# نویسید

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۹ - آبان ماه ۱۳۵۶

## سرلشگر مقربی تیرباران شد

بنابر خبرهایی که از ارتش به ما رسیده، سرلشگر مقربی، یکی از افسران سرشناس نیروی زمینی به طور پنهانی به جوخه احمد ام سپرد شده است. خبرها و نشانه‌های دیگری که وجود دارد طبعاً یک پرده است. ام سوری در ارتش است. اکثر تیرباران‌شدگان را افسران و کادرهای پائین ارتش تشکیل می‌دهند. رژیم می‌کوشد تا انتشار این خبرهای تلکان دهند که افشار بحران و بی‌قراری در مهم‌ترین پایگاه‌ها، ارتش، استجلو بخیرد. آنچه در این میان حائز اهمیت زیادی است این است که تضاد های روزافزون رژیم و روشکستی شاه و بحران حاد اجتماعی ایران که پایه های رژیم را می‌لرزاند و مملکت را به تلاطم و آشوبی در آورده در ارتش ایران نیز انعکاس یافته است و رژیم ضحاک صفت آریامهری به تنها شیوه خود یعنی احمد ام و خشونت و شکنجه در زیر هاله ای از سکوت جنایت‌آرانه با آن روبرو می‌شود.

### در این شماره:

- هشدار به مبارزان
- سرلشگر مقربی تیرباران شد
- سیاست نظامی رژیم شاه
- معامله گشای در واشنگتن
- صدای شکستن آزادی
- زینتن
- بی‌انگاری رژیم و محفل سکون
- وقتی کرازهای شاه هجوم می‌برند
- دست‌های خونریز رژیم...
- دست داشتن
- جنبش‌ها و مسائل کلاری
- در دانشگاه‌ها چه می‌گذرد؟
- حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

## هشدار به مبارزان درباره

# توطئه‌های نفاق افکنانه رژیم

رژیم رسوای آریامهری تلوتلو می‌خورد. فساد و گندیدگی تامنر استخوانش نفوذ کرده است. مقاومت در برابر این رژیم نالایق که به دلیل خصلت ضد خلقی و هم‌پیوندی همه جانبه اش با امپریالیسم جهانی، از حل ساده‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی عاجز مانده است، اینک به مبارزه و هجوم کم سابقه ای علیه آن جدل شده است. هر روز قترها و گروههای تازه ای به ضرورت حیاتی سرنگونی درودسته استبدادی، که جز جنایات ساواک و زندانها و شکنجه گاهها خودتکیه گاهی ندارد، می‌میروند.

بقیه در صفحه ۸

## سیاست نظامی رژیم شاه در خدمت امپریالیسم است

ایران به سود آمریکا است. او گفت "استحکام و قدرت نظامی ایران یکی از عوامل مهم در تامین ثبات در این قسمت از جهان است و به همین دلیل کک به ایران کک به ایالات متحده است و افزایش قدرت آمریکا است." چرا؟ زیرا رژیم شاه که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بر مبنای مصلحت شده، دست نشانده امپریالیسم آمریکا است و در واقع همان طور که خود شاه در گذشته اذیت کرده است، نقش‌واند ارم امپریالیسم آمریکا را به عهد دارد تا ثبات خلیج فارس را برای اداسه جریان نفت به کشورهای امپریالیستی و جلوگیری از روی کار آمدن دولت‌های مترقی و ضد امپریالیستی در منطقه حفظ کند.

رژیم ضد ملی و خیانت پیشه شاه که جز غارت و سرکوب مردم ایران و خدمت به اربابان امپریالیست خود (به ویژه آمریکا و انگلیس) کار دیگری از دستش ساخته نیست، امروز بیشتر ایران را به انحصارات تسلیحاتی امپریالیستی وابسته می‌کند و درآمد عظیم نفت را که می‌توانست صرف پیشرفت و رفاه میهن‌مان شود به تاراج می‌دهد و در مقابل ایران را به انبار مدرن ترین سلاح های جنگی بدل کرده و بابه هبده گرفتن نقش‌واند ارم امپریالیسم در منطقه ایران را به ماحراهای خطرناک پیش‌بینی نشده می‌کشد.

و به خاطر همین نقش رژیم شاه به عنوان حافظ ضافع امپریالیسم در ایران و منطقه است که امپریالیست‌ها سیاست نظامی افسارگسیخته و سابقه تسلیحاتی بزرگ و بی‌بندوباری را به ایران تحمیل کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۰

اخیراً معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه و جنوب آسیا در کنفرانس و نمایش مسخره ای که زیر عنوان "ایران در سال ۱۹۸۰" در واشنگتن برپا شده بود بی‌شرمانه اعلام کرد که خرید تسلیحات آمریکایی توسط ایران جزو لایتنج‌زای روابط ایران و آمریکا است.

نلسون راکفلر، معاون رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، در پایان سفر هفت روزه اخیر خود به ایران اعلام داشت که تحویل هواپیماهای مجهز به رادار (آواکس) به



## معامله کثیف شاه درواشنگتن

یوقه را ازگننه ها شنایک وکنند .  
 همر شاه این مظاهرمیسارسیار خوش سابقه (!) بسه  
 اصطلاح خودش به طنز به کارتر گفت :  
 برای اولین بارمزه گاز اشک آور راهم چشیدم . انگسار  
 زیاد بی مزه نیست . . .

ودراین لحظسات گروهی از ایرانیان به عنوان اعتراض بسه  
 همدستی رئیس جمهوری که مدعی دفاع از حقوق بشر  
 است و دست در دست بزرگترین جانی قرن دارد ، خود را از مجسمه  
 آزادی آویخته بودند و مدها ایرانی در ایتالیا یک راه پیمایی  
 تاوانی رابه سوی رم آغاز کرده بودند .

شاه در میان نفرت وارد امریکاشد . در معاملات پشت پرده  
 سهم بیشتری از نفت ایران را به اربابان فروخت و بابت رقه ای  
 که از زخم کینه و خشم و انزجار همین پرستان ایران و جهان پرتو  
 گرفته بود ، خاتمه امید خود ، کاخ سفید را ترک گفت . . .  
 به دنبال سفر شاه به امریکا پاره ای از وسایل ارتباط جمعی  
 در غرب ، پرده از معامله ننکین شاه با کارتر برداشتند . جرابید  
 غریب اعلام کردند شاه پذیرفت سیاست نفتی امریکارا در اوینک  
 اعمال کند .

و در توضیح بیشتر این خیانت ، این جملات شاه را خطاب بسه  
 کارتر درج کردند :

من بی طرفی نسبت به مسئله قیمت نفت وارد امریکا ندیم ، اما بیسی  
 از مذاکره با پرزیدنت کارتر متقاعد شدم که باید با هرگونه افزایش  
 قیمت نفت توسط اوینک مقابله کنم :

بله ، شاه نقش خود را به عنوان ستون پنجم امپریالیسم در اوینک  
 با چاکر منشی رضایت آمیزی تاکید کرد ، به نفع امپریالیسم و به زیان  
 خلق های ایران و کشورهای اوینک پذیرفت که جلوی افزایش حقه  
 بهای نفت را بگیرد و دلارهای نفتی راهچنان به سوی انحصارات  
 جهانخوار امریکایی سرازیر کند .

مفسران غربی پیش بینی کرده اند که شاید توصیه امپریالیسم  
 امریکاسیاست جدیدی برای انهدام اوینک از درون ، پیش خواهد  
 گرفت .

درقبال این خیانت بزرگ شاه فقط یک تقاضا داشت : ادامه  
 حمایت امپریالیسم از تاج و تخت خون آلودی که روز به روز متزلزل تر  
 می شود .

مه اطه کثیف خوبی بود ! آقای محافظان حقوق بشر با  
 لینند رضایت این معامله یکجانبه را که لابد به خاطر دفاع از  
 حقوق بشر لازم بود ، پذیرفت!



شاه در میان یکی از شدیدترین و پرزانشجویانه ترین  
 تظاهرات دانشجویان و ایرانیان مقیم امریکا وارد واشنگتن شد .  
 بیش از ۱۰ هزار ایرانی با شمارهای مرگ ، بوشاه ، تنگ بوجله . . .  
 شاه آدمکشان . . . از صفوفترین رهبرجهان استقبال کردند .  
 ساواک که از قبل می دانست در امریکاجه صحنه های در انتظار  
 جلا د ایران است ، دست به اقدامات پیشگیرانه مذ بودخانه ای  
 زد که آوسوسوایی آن خیلی زود بوسر زبانها افتاد و به روزنامه ها  
 راه یافت . دوسه هزار نفر از ماموران ساواک از چند هفته قبل  
 به تدریج از ایران وشهره اوکشورهای مختلف اروپا راهی امریکا  
 شدند . در ضمن سفارت خانه های ایران در اروپا از این لانه های  
 توطئه های ساواک ( نیز بیکار نشدند و با مراجعه به جمعی از  
 دانشجویان ایرانی و ایرانیان مقیم اروپا به آنها پیشنهاد کردند  
 درازای دریافت بلیط رفت و برگشت به امریکا و پول توجیبی مناسب  
 ( از ۱۰۰ تا ۵۰۰ دلار) در تظاهراتی که قرار است هنگام ورود  
 شاه به واشنگتن برگزار شود به نفع وی شعار دهند . البته این دسیسه  
 ناشیانه خیلی زود در روزنامه های اروپا فاش شد و بزرگی بسر  
 کتاب قطره رسامی نو آروسی رژیم دغل و جبار آرمیامهر افزوده  
 شد . اما مضحک ترین قسمت کار ، شاهکاری بدل سفارت ایران در  
 امریکا بود . ایادی سفارت با بخش پول های هنگفت ( ثروت نفتی  
 مردم فقیر ما) بین امریکائیان ، یک عده ولگرد و پرزه و بیکاره را  
 با پلاکارت هایی که شماره ای به نفع شاه بر آنها نوشته شده بود ،  
 جلوی کاخ سفید واشنگتن جمع کردند . در بجهت تظاهرات ایرانیان  
 همین پرست بر علیه بزرگترین همین فروش قرن ، این مزدوران کج و  
 سنگ هم بالهجه غلیظ امریکایی فریاد می زدند :

— شه . . . شه . . .

تظاهرات همین پرستانه ایرانیان بر ضد شاه به حدی وسیع و  
 نیرومند بود که انعکاس آن سرورمدای نطق های روسی درون کاخ  
 سفید راتحت الشعاع قرار داد . در این جا بود که پلیس امریکا  
 یورش خود را به ایرانیان همین پرست آغاز کرد . گازهای اشک آبر  
 فضا را لغشت و پلیس با خشونت و وحشیگری شروع به تارومار کردن  
 همین پرستانی که می خواستند ما بیت این شاه تحصیل شده و آزادی  
 کشور به جهانیان بشناسانند ، نمود . در بجهت این یورش و هجوم  
 در دشانه که خود به نحوی تفسیر دعوی دروغین حمایت از حقوق  
 بشر آقای کارتر و درودسته مزور او بود ، بیش از ۱۲۰ نفر مجروح  
 شدند ، بسیاری دست و پا و سر و سینه شکست و گروهی از همین  
 پرستان ایرانی نیز دستگیر شدند .

شدت و تراکم گازهای اشک آور به حدی بود که فضای کاخ سفید  
 نیز آلوده شد و بینندگان تلویزیون ایران که شاهد پخش مستقیم  
 جریان سفر شاه به واشنگتن بودند بانهایت تعجب مشاهده کردند  
 که شاه و کارتر و مفسران آنان در همین نطق های روسی مراسم  
 استقبال مدام با دستمال چشم های خود دراپاک می کنند! اشک

## صدای شکفتن آزادی

در شعر تملی و تسکین یافته است، شعر و هنر، هرگز نمی تواند از مفهوم زنده جوشان زندگی روز برونکار باشد. این همان رمزی است که شب های شعر را به جیتنگ انقلابی و تظاهرات پر شور با مفهوم صحنی سیاسی بدل کرد و نیاز و عشق به آزادی را با رساترین غلغله در شب اهریمن و جلا د و آریامهر فریاد کرد. شب های شعر و سخنرانی کانون نویسندگان ایران علاوه بر این، اثبات نیرو و صلابتی بود که در وحدت نظر و اتحاد عمل نهفته است. يك اجتماع ده هزار نفری چیزی بیشتر از مجموع اجزاء خویش است. و حتی استبداد زبانها را می بندد، ظمها را می شکند و هر فریاد و اعتراض ضرفرود و جدا گانه ای را به خون می کشد، تنهارا می که باقی می ماند، اتحاد عمل و پیوستگی همه آنها را است که این طلسمون سیاسی، آسیب می بینند. شب های شعر، جلوه ای از شکوه اتحاد بود، اتحادی که صرف نظر از منشی ها، نظرگاهها، نگرش ها و سلیقه ها و عقیده های متفاوت، تنها بر محور ضروری آن نیاز مشترک می تواند شکل بگیرد. این تفسیر نهایی همان دعوتی است که حزب توده ایران در شعار روز خود: "وحدت همه نیرو" های ضد دیکتاتوری " مطرح کرده است. در ده های مشترک، علاج یگانگی ای دارد. بر نسخه شفا بخش خلق های ما در این لحظه های تیره و حساس، تنها يك کلمه می تواند و باید نقر بنماید: آزادی ...

شب های کانون نویسندگان ایران يك بار دیگر حقایقیت این دعوت را به اثبات رساند.



بهترین هنرمندان ما حربه معجزه نمون شعر را به افزار بیداری خلق افشای سنگر بران یختن موج جنبش بدل کرده اند و رنجهای این عهد و مسئولیت بزرگ و انسانی را با قلبی فروزان پذیرفته اند. درود آنهن ما به این یاران صدیق و خردمند مردم!



شب های شاعران و نویسندگان ایران که به همت کانون نویسندگان برگزار شد، از صورت يك عرصه ادبی و هنری به يك تظاهرات عظیم سیاسی و اعتراضی بدل شد. در این ده شب که هنروران ایران با فریادهای عاصی و خشمگین خود آزادی را صدا زدند، هزاران به ستوه آمده و خسته، هزاران زندانی اختناق و سکوت، با غریب و خروش خود، به این صدای محزون و بلند نیرو بخشیدند. در باره ای از این شب های به ظاهرا شاعرانه، علی رغم باران شدید، تعداد جمعیت در مرز ۱۰ هزار نفر موج می زد. و اگر فضای باغ معدود باشگاه انجمن فرهنگی ایران و آلمان محال می داد این موج باز هم بالاتر می رفت. این شب های تظاهرات آرام، در هنر کجی عبرت انگیزی به حزب سازان درباری، به شمعه بازان یاره گوی آریامهری و نمایشات کشیده و شبه هنری رسمی، به دلک ها، معرکه گیران و ضولیان امامزاده ها رسوا و بی آبروی رژیم بود. هنر با مردم اگر در پیوند واقعی باشد، نیروی هنرمندان آفریننده می کشد. مردم معجزه هنرمند و هنری که از این محوزه خالی باشد، حتی طبل میان تپ می نیست. قارقارک گوش خراش باید بدک فریبنده ای است که فقط برای پر کردن ساعات بازیگوشی و دلتنگی کودکان سرگردان به کاری آید. در هنر واقعی مردم نفس می کشند. شادی می کنند، پای گویند، لب بند می زنند، می گریند، قهر می کنند، عشق می ورزند و گاه حتی دشنام می دهند. این همان حقیقت زنده ای بود که در شب های شاعران و نویسندگان ایران جلوه های گونه گون آن را دیدیم. و دیدیم که هنری که آرزو او دل ها و غصه های مردم رویشد اگر از آید به خنجر و تازیانه و مشت تبدیل می شود. هنر روزگار سازسکو و خفقان و شکنجه گاه و سرنیزه باروت و بیداری است. هنرمندان واقعی خلق این نیاز طری را می یابند و با موازین هنری می برونند و ضحکس می سازند. هنرمندان واقعی می رانند که هنرنوی ایلو لوژی است و در جهانی که در آن تنها ستارگان می طرفند، آن ایدئولوژی که ادعای بی طرفی داشته باشد، کرک در لباس میس است.

هنگامی که خلق های مادری سبکترین نبودند، آن شخصیری که در نیام بماند، در نهایت ظلم موجود رانایید می کند و به حیانت گذشته می شود. هنر ضحیر برنده ای است. در شب های شاعران و نویسندگان برقی این تیغ خلقی شواره زد. مردمی که برای آزادی له می زنند، در این شماره بیدار نفس کشیدند، آواز خواندند و مشت های خود را به سوی بارگاه نمحاك گرفتند. حطه به سانسور، حطه به بیدار، حطه به زندانبان، حطه به دژخیم، حطه به دیوار، ای که جریان زلال چشمه های هنری را بسته است، حطه به ابتدال، حطه به پوسیدگی و دروغ هم می تواند يك شعر باشد. هم يك مقاومت در شکنجه گاه و هم جان بازی در يك حزب انقلابی. برای ملت شعردوستی که قرن است با شعر خود جنگیده، در شعر خود فلسفه گفته، در شعر صفر کرده، در شعر عشق و آرمان را شناخته، در شعر ضا جات کرده







انتظار می توان داشت!

موافق سرشماری اخیر جمعیت ایران بیش از ۳۳ میلیون نفر است که چهار میلیون و چهارصد هزار نفر آن ساکن تهران هستند. بر اساس آمارهای رسمی که درستی آن مورد تردید است در سراسر کشور تنها چهار میلیون واحد سکونی وجود دارد ، ۱/۳ میلیون در شهرها و بقیه در روستاها . از این واحدهای سکونی ۳۴۰۰۰ هزار آخری ، ۳۹۴۰۰۰۰ خشتی آجری ، ۱۲۸۳۶۵۰۰ خشتی و قیقه سنگی و گلی و چادری و چوبی و حصیری است . عده زیادی هم در زلفه ها ، دخمه ها ، سوراخ ها ، آلو نث ها ، گپها و بیخوله ها به سر می برند که باز در حساب واحدهای سکونی وارد شده است . اگر تعداد افراد یک خانواده را بر پایه سرشماری اخیر ۵ نفر حساب کنیم در ایران ۶/۶ میلیون خانوار وجود دارد ، که با در نظر گرفتن ۴ میلیون واحد سکونی موجود ، در هر واحد سکونی ۱/۶ خانوار یا ۸ نفر زندگی می کنند . اما اگر از زلفه ها و بیخوله ها بگذریم ، باز موافق آمار رسمی ، تنها در تهران ۴ درصد واحدهای سکونی یک اتاقی است و در شهرستانها وضع از این هم بدتر است .

صالح ساختمانی تولید داخلی و با وارداتی را انحصاراً در ساختمان پایگاه ها و تاسیسات نظامی و یادشهرک سازی های درباریان و بزرگان سرمایه داران داخلی و شرکت های انحصاری خارجی به صرف و رسا و بازار را بکبود شد بد صالح ساختمانی مواجه می سازد و آن وقت خود درباریان ، مثلاً شاهپور غلامرضا در مورد سیمان ، با ایجاد بازار سیاه ، صالح ساختمانی را به قیمت های انحصاری دها بر او قیمت واقعی به مردم می فروشند .

۳- وجود انواع محدودیت های اداری که خود رژیم از طریق شهرداریها به وجود می آورد : ایجاد این محدودیت ها نیز جز برای تأمین ضایع غارتگران در اردو سته حاکم نیست . ایجاد محدودیت شهری و جلوگیری از خانه سازی در خارج . از این محدودیت ها از سوی به بورس بازان و زمین خواران و معاطله گران سودجوی ساختمانی امکان می دهد از طریق بالا بردن سریع قیمت زمین و سکن سود های هنگفت به جیب بزنند ، و بازار شهرک سازان را که عداوت شاه و درباریان و شرکت های بزرگ ساختمانی داخلی و خارجی همسند پر رونق میکند و از سوی دیگر خیال رژیم را از لزوم توسعه خدمات شهری ، که هم اکنون نیز دچار تنگناها و کمبود های حاد است ، راحت می کند .

تازه کیفیت اکثر این خانه ها ، اگر از قصرهای محلل و افسانه ای شاه و درباریان و کاخ های باشکوه ثروتمندان و ساکن برخی از اقشار مرفه بگذریم ، دارای کیفیتی نازل است و اگر خانه های آجری و خشتی آجری را استثنا کنیم ، بیش از سه میلیون واحد سکونی خشتی ، گلی ، حصیری و غیره اکثریت قریب به اتفاق مردم زحمتکشان را در خود جای می دهند و این در حالی است که همراه بارشده سرمایه داری در ایران ، مسئله حاشیه نشینی هر روز گسترده تر می شود و در کنار شهرک های که دولت و سرمایه داران بزرگ ایجاد می کنند ، محلات کارگرنشین فقیرانه در حاشیه شهرها فراوان تر می شود . بحران سکن در همین ماروزبه روز ایجاد گسترده تری می یابد . اینک نه تنها کارگران و زحمتکشان ، بلکه حتی آن قشرهایی که حقوق ها چند هزار تومانی دریافت می کنند در تنگنای نوسید کننده سکن گرفتار شده اند .

۴- هزینه های غیر تولیدی به ویژه نظامی که مانع اصلی در راه سرمایه گذاری ضروری در امر خانه سازی است : رژیم ضد خلقی شاه تمام در آمد کشور را صرف خرید تسلیحات و نظامیگری افسار کشیده و وارد کردن کالای صرفی از خارج می کند ، گویی خود به خوبی میداند که از عرش چند صباهی پیش نمانده است ، و هیچ برنامه واقسی - ونه تبلیغاتی - برای کمک به حل بحران سکن ، همانند عرصه های دیگر اجتماعی و اقتصادی ندارد .

### راه حل مشکل سکن

آیا رژیم شاه که بیانگر ضایع سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم است می تواند ضایع غارتگران طبقاتی خود را نادیده بگیرد و برای حل مشکل سکن به تدابیر اساسی دست بزند ؟

پاسخ این سوال منفی است ، چرا که در دیگر کشورهای سرمایه داری که دارای موازین دموکراسی بورژوازی نیز هستند مشکل سکن همچنان به صورت یک معضل اجتماعی برای زحمتکشان باقی مانده است . چه رسد به رژیم سرمایه دار فاسد و خائن شاه که حتی از حل کوچکترین و عادی ترین مسایل جاری کشور عاجز است . در واقع تا وقتی زمین وسیله سوداگری و سرمایه گذاری در امر سکن به خاطر سود باشد حل قطعی مسئله سکن نخواهد بود . پس مشکل سکن را تنها با پیش گرفتن راهشده غیر سرمایه داری با سمت گیری سوسیالیستی می توان حل کرد . بدین معنی که زمین های بایر شهری ملی شود و در امر خانه سازی ، به شاه امری اجتماعی و رفاهی ونه انتفاعی ، سرمایه گذاری وسیع دولتی انجام گیرد و این خانه ها با اجاره بیای بسیاری نازل در اختیار زحمتکشان گذاشته شود . در عین حال با دادن کمک های مالی و فنی به قشرهای متوسط و کارگرانی که در آمد بیشتری دارند باید به آنها امکان داد که برای خود خانه های شخصی بسازند . این کار را به طور عمده باید تعاونی های کارگری سازمان دهند . مثلاً در کشوری بقیه در صفحه ۶

### حلال کمبود و گرانسی مسکن

۱- بورس بازی زمین : یکی از مهم ترین علل گرانی سکن ، قیمت سرسام آور و روز افزون زمین است . به طوری که طی ده سال گذشته قیمت زمین در شهرهای بزرگ لا اقل ۱۶ برابر شده است . در تهران زمین هایی وجود دارد که تا تفریحی ۳۷ هزار تومان فروخته می شود . و این در حالی است که دولت در سراسر کشور ۲۱ میلیارد تفریح و تنها در تهران و در داخل محدوداً ۵ ساله و ۲۵ ساله حدود ۵۰ میلیون تفریح زمین در اختیار دارد . اگر این زمین ها برای خانسازی در اختیار مردم قرار می گرفت مشکل سکن تا حدودی برطرف می شد ، اما شاه و اربابان و هم پالگی های شان شرایط موجود را به نفع خود می بینند و از طریق بورس بازی زمین - در داخل غارت مردم - ثروت های هنگفت به جیب می زنند .

۲- گرانی و کمبود صالح ساختمانی : رژیم از سوی از سرمایه گذاری نای لازم در زمینه تولید صالح ساختمانی خودداری می کند و از سوی دیگر

## وقتی گرازهای شاه هجوم می‌برند

جشم‌های زن دوکاسه خون بود. صدایی شمیبه ناله از تنه گلپوش در می‌آمد. به قاصه یک قدم پیرزنی که به موهای حنای بسته اش چنگ می‌زد زیر بغل زن را گرفته بود. از در عقب اتوبوس سوار شدند. به صدای ناله و ضجه زن همسرشان را برگردانند. کنج‌گاو شده بودند. آن‌ها که مثل گوشت به میله وسط اتوبوس آویزان شده بودند خودشان را کنار کشیدند و دو مردی که از خستگی کار روزانه روی صندلی رها شده بودند جابه جاشدند. نگاه به زن جوان که صدای حق‌گویی اثریک دم قطع نمی‌شد انداختند. از جایشان بلند شدند. زن جوان زودتر از بصر زن روی صندلی ولو شد.

\* \* \*

اتوبوس دو دکان به طرف مجیدیه حرکت کرد. همه مسافران خسته و تنگدسته داخل اتوبوس از پشت سر هم سرک می‌کشیدند تا دو زن بیرو جوان را ببینند.

راننده از توی آئینه آخل اتوبوس سر برآورد از کرد. روی صندلی جابه جاشد و خطاب به مسافران گفت:

— دو رو بر شو نو خلوت کنین. بدارین هوا بخورن. بنده خداها از صبح تا حالا ضجه می‌زنن.

و ندنه راعوض کرد، بلند گفت:

— برواعت و بانئ اثر لعنت. به ناموس زهرا دیگه به خرخره مردم رسیده ...

مسافرها از پشت هم سرک کشیدند تا راننده را ببینند. شاگرد راننده که گوشه‌ش را تیر دهن پیروز پیش برده بود ناگهان کمرش را راست کرد و در حالی که صدایش از بغض دروگه شده بود خطاب به راننده گفت:

— آقا، بچه اش بالا خور، مرد.

و آن وقت زل زد توی چشم مسافران که حالا سرشان را به طرف عقب اتوبوس برگردانده بودند.

روی صندلی وارفتم و سر مرا که مثل بقیه مسافران بایاز شدن دهن راننده و کمک راننده جلو عقب اتوبوس را به هم می‌دوخت پائین انداختم. صحنه‌های سراسر وحشتی که صبح دیده بودم پیرای چندی

بار جلوی چشمانم ظاهر شد: می‌رفتم تا خودم را برای سربازی معرفی کنم. رستی اگر سرباز می‌شدم حق مادرم را از کجا می‌توانستم بدهم؟ تمام حواسم در اطراف بازگشت به کارخانه و سربازی و خرج

مادرم دوری زد که یک مونتور سوار فریادکنان سر رسید. با سرعت از میان گل و آفتابان رد می‌شد. مردم را خبر می‌کرد که: ماورا آمدن، ماورا آمدن.

دلم ریختن پائین. هم‌بیز را فراموش کردم. صورت وحشت‌زده مادرم را در اتاق تازه سازوگی موقع سر رسیدن ماورا پیش چشمانم محسوس کردم.

چنان می‌دیدم که نمکری کردم گرد باد هم به پایم نمی‌رسد اما کاشیون‌های ژاندارمری خیلی زود مرا پشت سرگذاشتند. پادایم

سست شده بود. اگر خانه را روی سر مادرم خواب می‌کردند! اگر مادرم زیر آزار می‌مرد! اگر ...  
از راننده لودری که از کاشیون‌های شهرداری و ژاندارمری عقب مانده بود با القاص پرسیدم: کجا میرین؟  
گفت: شخص آباد.

بند نلم پاره شد. بغض لکوپر را گرفت. باید یک کاری می‌کردم. باید جلوشان را می‌گرفتم. باید به‌شان ثابت می‌کردم که سرسیاه زستان نباید سرینه مردم را خراب کنند. سرعت را بیشتر کردم اما می‌دانستم دیر می‌رسم.

سر کوچیک صدای مادرم توی گوشم پیچید: کجا، رضا؟

میخکوب شدم. ناخن به گونه فرو رفته اش می‌کشید. گفتم دارن

می‌آن. می‌خوان خونه‌ها را خراب کنن.

گفت: رفتن محله بالا.

\* \* \*

شاگرد راننده پاره‌ای بلند اعلام کرد:

— تاشخص آباد دیگه ایستگاه نداریم.

روی صندلی جابه‌جا شدم. از پنجره اتوبوس بیرون را نگاه کردم. آسمان گرفته بود. باران هنوز بند نیامده بود. پشت سرم روی صندلی

ردیف آخر اتوبوس زن و پیروز را دوره کرده بودند. هر کس سوالی می‌کرد زن جوان بی‌وقفه علی‌اصغر را صدای می‌کرد. از نفس افتاده بود. من هم اگر از صبح تا حالا تیریه کرده بودم از نفس افتاده بودم.

صورت وحشت‌زده اش از وقتی که مهاجمین شهرداری و ژاندارمری بچه‌اش را سردست بلند کرده بودند تا حالا شاید ده سال پیر شده بود.

صبح وقتی من و مادرم سر رسیدیم لودر هانی از خانه را تیران کرده بودند و یکی از ماوران علی‌اصغر را وسط حیاط خانم سردست بلند کرده بود.

بچه تیریه می‌کرد و آستین‌کات ماورا مهاجم را به چنگ گرفته بود و مادرش یای ماورا را بغل کرده بود. اجازه نمی‌داد یک قدم بردارد. نعره می‌کشید:

— بی‌مرونا مگه ننگتین آزاده؟ مگه همین انضیسه‌ها نیومدن و گفتن بوین جشن بگیرین، شاه‌گفته خونه‌بمازین؟ چرا از اول دروغ گفتین سر سیاه زستان کجا بریم؟

مهاجم‌امان‌نداد. بالگد کوبید توی دهن زن جوان. خون از نو لوله دماغ زن توی صورتش پاشید. پای مرد را هاکرد. چند بار خون توی دهانش را تف کرد و باز شروع کرد:

— تو رو به لب تشنه علی‌اصغر قسم! به دست بریده ابوالقاسل! به سر بریده حسمین بی‌علی! بچه رو بد از زمین! دست از سر بوی بردار! خونمون خراب نکن!

اما گوشه‌هیچکدامشان بد هکار نبود. ماوری که بچه را سردست بلند کرده بود مدام زن را تهدید می‌کرد:

— یا از خونه برو و بیرون بذار خراب کنیم یا بچتو می‌کنم!

مردش را آن طوفان طناب پیچ کرده بودند و باقدانی تفتند. تسوی سروکله‌اش می‌زدند. مرد به همه‌شان ناسزای گفت و به مردی که بچه‌ها

مادرم را در اتاق تازه سازوگی موقع سر رسیدن ماورا پیش چشمانم محسوس کردم.

چنان می‌دیدم که نمکری کردم گرد باد هم به پایم نمی‌رسد اما کاشیون‌های ژاندارمری خیلی زود مرا پشت سرگذاشتند. پادایم

## دستهای خونریز رژیم از قنات شریف و آزاده دادگستری کوتاه!

به دنبال نامه سرکشاده، هفت تن از قنات شریف و شجاع دادگستری به دیوان عالی کشور و اعتراض آنان به پایمال شدن استقلال قوه قضائیه و درخواست آنان به اعاده حیثیت و اعتبار قوه قضائیه با انحلال مراجع اختصاصی و اصلاح قوانین دادگستری در جهت تقویت دیوان عالی کشور و همچنین استقلال قنات دادگاهها و دادسراها و ایجاد شرایطی که قوه قضائیه بتواند آزادیهای مدنی در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را آنچنان که در خود یک ملت مستقل و آزاد است تامین و تضمین نماید، در تاریخ یازدهم مهرماه هفت تن قنات دلیل دادگستری زنجان یعنی کلیه کارکنان قضایی آن شهرستان، با ارسال تلگرافی برای رئیس دیوان عالی کشور، پشتیبانی خود را از قضات آزاد و شریف، تیران اعلام داشتند. اما به دنبال ارسال این تلگراف، وزیر دادگستری رژیم و ساوا، قنات شجاع زنجان را زیر فشار قرار دادند و رئیس دادگستری زنجان را از کار برکنار کردند. خبرهای رسیده حاکی است که قنات آزاده شهران نیز که زیر نامه مذکور را امضاء کرده بودند تحت فشار و تهدید دائمی عمال جنایت پیش رژیم اختلافی شاه قرار دارند.

ما ضمن اعتراض شدید به رفتار غیرقانونی و فاشیستی رژیم، پشتیبانی کامل خود را از خواسته های حقانی و دموکراتیک قنات شریف و آزاده دادگستری اعلام می داریم.

کانون نویسندگان ایران نیز طی بیانه ای "با اظهار صراحت از اقدام شجاعانه قنات عالیقدری که نامه سرکشاده مذکور را امضاء کرده یا با تلگرام خود به تأیید آن برخاسته اند، اظهارنامه مذکور را قویاً تأیید کرده" و اجرای کامل و فوری درخواست های اعلام شده را که ضمن استقلال قوه قضائیه است و به تامین و حفظ آزادی های احتمالی و اتحاد همرا خواستار شده است.

علی اصغر حاج سید جواد نیز در نامه ای به رئیس دیوان عالی کشور به پشتیبانی از "تقاضای ای مشروع و منطقی قضات جوان و شریف در احیای حیثیت دادگستری و استقلال قوه قضائیه پرداخته نوشته است: "سرنوشت قنات امضاء کننده نامه میباید چه آنهایی که اکنون زیر فشار و تهدید مستقیم وزیر دادگستری و سازمان اضیغ قرار دارند و چه سایر قضاتی که بعد از آن تعقیب آن ها قرار خواهد گرفت با سرنوشت آزادی عقیده و بیان در کشور ما پیوند خورده است و نیروهای روشنفکر و فزونی جامعه در برابر این سرنوشت به هیچ وجه در هیچ حال بی تفاوت نخواهند نشست و در موقع مقتضی نتیجه این بودالتی و تجاوز آشکار قوه مجریه رابه قوه قضائیه به عرصه داری افکندار و عمومی ملت ایران و مردم جهان خواهند رساند."



را سردست بلند کرده بود بیشتر از بقیه. اگر طناب را از دست بیاوریم باز می کردند شاید حریف همه شان می شد و بچه ها را از چنگ مهاجمین بیرون می کشید. ژاندارم ها جلوی جمعیت را گرفته بودند. تمام با صدای بلند اعلام می کردند که ماورینند و دستور از بالا داده شده است. مردای غرور بیختن سقف خانه ها در صدای عقب و جلو رفتن لو درهای مجید و از هر گوشه فریاد و ناله کسانی که خانها ن خراب می شد بلند بود. خاک امان نمی داد چشم چشم راهبند. می دانستیم همه آنها که آجور روی آخر چیده اند مثل من و مادرم همه هستی شان را فروخته اند و حالا با خراب شدن خانه همه چیز را از دست می دهند.

می خواستیم خود را به مامورین مهاجمی که علی اصغر را سردست بلند کرده بودند بوسانیم اما بایک ضربه قناتی تفنگ ژاندارمی که جلو جمعیت ایستاده بود دو متر عقب تو پرت شد. زن جوان همچنان جیغ می کشید و التماس می کرد. تهدید می کرد، قسم می داد، ناسزا می گفت و سرورش همچنان می فریاد می زد. می کرد طناب ها را باز کند. بچه جمعیت روی دست مامور مهاجم کوبیده می کرد. چشم هایش وحشت زده جمعیت را می طلبید. ناگهان برای چند لحظه همه هیاهو ها قطع شد. مامور مهاجم بچه را با تمام قدرتی که داشت از بالای سر به زمین کوبید. بچه دست و پایش را چاند بار باز بسته کرد و بعد بی حرکت نقش زمین شد. زن جوان خود را انداخت روی بچه. مامور شهرداری از هر دو عثمان فاصله گرفت. جمعیت بیچ و پاج را شروع کرد. بچه روگشت...

بچه روگشت.

یکی از میان جمعیت فریاد کشید:

ندارین فرار کن، حسابشونو باید همین جا کت دست شون گذاشت!

و دیگران فریاد کشیدند:

این بی ناموسها فرار! ارون! از بالای ها دستور گرفتن!

بچه روگشت!

سرلودرها به طرف خیابان کج شدند و از خانه ها فاصله گرفتند. جمعیت جدا در آمدند. ماموران شهرداری یکی به د از دیگری سوار کامیونهای شهرداری شدند و به دنبالشان ماموران ژاندارمی که تفنگشان رابه طرف جمعیت نشاندند گرفته بودند سوار کامیونهایشان شدند. با گوش خود شنیدیم که رئیس شان گفت:

مواجبه، باید رفت!

جمعیت به طرف ماشین ها حرکت کرد اما همان ماموری که گفته بود مواجبه، با صدای بلند گفت:

آه جلو بیا این می گم همه تونو به گلوله بیندن!

آن وقت جمعیت میخکوب شد. ماشین ها رفتند. زن جوان صورتش پر خورشید رابه صورتش حرکت آورد و دکش می مالید و وضه می زد. درست مثل موقعی که از در عقب سوار اتوبوس شد. و دنباله ماشین های شهرداری می دید. شوهرش هنوز داخل بی از بقیه در صفحه ۱۱



هند داریه مبارزان . . .

سرنوشتی . . . و خیمان و کوند تاگران ۲۸ مرداد و خون ترانیک  
خندان انگیز شهرهای ایران ، در همه راه ها و سیرها به بن بست  
کشیده است . حتی دیگر چمان ساواک و جوخه های رسمی و غیر  
رسمی اعدام برای حفظ رژیم که قابل قانون اساسی و اصل اول  
مشروطیت و موازین بالنده علمی و انسانی است و در لحظه با  
حسان نامعاصر ترویج شود ، بی اثری می گراید . در این متن اساس  
احتمالی حرکت های اعتراضی ، نفی و سیاسی پایه کارگزاران رژیم  
جنبش را به مرحله کیفیتی جدیدی اعلام می دارد .

رژیم شاه - ساواک - لقمه لقای رابرگردن خود احساس می کند  
که با مبارزان دست عریضی رنمایی کشیده می شود . در این اوضاع  
و احوال ، از فعال تراز همیشه می گویند تا به نفاق و ناسازگاری و  
تصومت بین مخالفان خود دامن بزند و با انواع دسیسه و حیل ،  
بذر بدبینی ، سوء ظن و تردید در میان آنان بپراکند . متأسفانه  
این دشمن غدار و شهید گرد در باره ای از این تلاش ها بی نصیب  
نیست و کم چربی و سادگی مبارزان که گاه با شور و برالتیابی  
آمیزته و گاه فدویت و تصاحب لغافه و ابرو آن بیچیده است ، به او این  
مجال را می دهد تا در توره ای خود ماهی های بزرگی میدکند .

گماشتگان و دلالان و پانده ازهای رژیم از آنچه نزد مردم گرامی  
است و برای آنها ارزش و جذبه دارد ، با شیطانیت و تیرین وسایل و  
حیل سوء استفاده می کنند . نمونه زنده اثبات این نظر ، سرنوشت  
مبارزان آزاده دکتور علی شریعتی است . او صدام راه اتحاد و  
رستگاری مردم و عبادی سرنوشتی خاک زمانه برد و به جرم این  
گناه مقدس به زندان و شکنجه راه افتاد ، تحقیرش کردند ، تهدیدش  
کردند ، جسم و روحش را آزاد اند و سرانجام نولخته مرگش را  
چیدند . و آنگاه بر جنازه اش تظاهراتی عزاداری کردند تا نسام او  
را با لجن وجود خود لکه دار کنند . . . و باز چون خرفی نیستند ،  
دست به شاهکار زدند ، دیگری زندان آثار شریعتی را که او جان  
ارزشمند خود را بر سر آن ها نهاده بود ، با سلاخی و - شیانده - با  
تحریف آثار ، با قلم و قمع جملات و کلمات بسیار منتشر کردند . آن  
ها در این دست و پوزات مآبانه نیت چند گانه ای را تعقیب می کنند ،  
هم می خواهند به آزادی ناداشته و لگدمال شده وین ، خاک و خون  
کشیده در میهن شاه زده مانده امر کنند ، همه روی سنایاتی که  
در حق شریعتی تسلیم ناپذیر و راداشتند برده باشند و هم آراک او  
و افکار او که چون تیغ خنجر بر چشم آنان بود ، در عرضی مخالف  
منظوری بهره برداری نمایند ، یعنی به جان آنان عدل و نزدیکتی  
تغامم میان همه مخالفان رژیم و شیفتگان حقیقت و عدالت که میوه  
انسانی و دامنایه توریج و تبلیغ آرایی شریعتی بود ، بین محضوف  
مخالفان خاک زمانه و مبارزان ضد استبداد نفاق بیندازند . و  
متأسفانه تا حدی در این عرصه گرامت انگیز به موفقیت نایل شده اند  
رژیمی که قابل آتاه سهیل و انسانی و صدامت جانباز  
شیخ حسین عسکری است ، رژیمی که مرد ، سلطان واقعی و مبارز  
انسانی را بدست آورد ، رژیم کشیده ، رژیمی که آیت اله العالی رضوانی  
مترجم در بند آورد ، رژیمی که در پیبه از اندر ساجد رامانگس  
مذنی بسیار ، را بدست ربابو آبان ماموران آبرویانست نمود .

گمارده است و این دو ای مذمب مبارزان را به غامبانه ترین وجهی  
تصریح کرده ، ناگهان با چهره حق به جانب ، در دفاع از اسلام  
و سلمان شروع به تظاهر کرده است . چه وقاحتی !  
مرجع تقلید شیعیان جهان ، آیت اله خمینی ، در تبعید شاه ،  
است ، امام داریار به سیاق کره شد عابد و مسلمان ، بجاس از شیعی  
بروایی دارند تا در پشت منبر و قرآن خود را پنهان کند و دست  
انورین خویش را با پرچم سبز اسلام بپوشاند . در به نفاق بیندازد و  
حکومت کن ، برای رژیم این چنین رسوا و منزوی ولرزان می آیند  
یک حرب کم نه و منسوخ نیست ، مدت پاست به این سلاح زند زو  
التفات بیشتری می شود .

و حتی شعار جدایی د ختمان و پسران دانشجو از یکدیگر  
به عنوان یک اصل لازم که دیگر اصول بنیادی جامعه را تحتالشعاع  
خود قرار دهد و جنجال کاذبی را برای فرو پوشاندن تضادهای  
حاد رسائل می شمار جامعه بومی انگیز و حقیقت بین پای د م  
شهید زن و جان پاک صدها زن آزاده را که در زندانهای پرستند  
ندیده داری سازد ، هیچ غیر شرفه ای می کشد ، باید با اندوه  
بسیار کمتر دان بد رهای زمر آفریس جانبان سارا ، اعتراف  
کرد .

و حتی دانشجویان مذهبی دانشکده ، علم و میند ، سالس  
کتابفروشی دانشجویان را با برده ای به در قسمت مذهبی و غیر  
مذهبی تقسیم می کنند و با این برده کشید عمل وجود شکاف و  
فاصله بین نمود و دیگر دانشجویان را تصدیق می نمایند ، باید در  
اندیشه شد .

و حتی در باره ای از مجالس و محافل مذهبی ( و گاه حتی از زبان  
برخی شخصیت های قابل احترام مذهب ) به - ای عربیان کردن  
بهره مند مردمی و حقیقت شکن ارواح خبیثه دربار ، مبارزان  
مارکسیست و پرچمداران نبود ضد دیکتاتوری ، عدالت و خنجر و افترا  
و دشنام و انتقادات ناروا قرار می گیرند ، باید بدبخت که دشمن  
اصلی در شانگامی فحیح است و تلا شر او بدین بهر و پنهانده است .  
رژیم شاه به خنجر آگاه است و در هر حرکتی تا آه را جملگی به  
رضوخ می بیند که مبارزات برانگنده و کشیده فردی را محفل در روند  
تضادهای جامعه ، به حکم منطق مبارزه و تجربیات زنده ، روزی که به  
بهای خون و جانی و زندگی و آزادی و آرزو های برده شده ، هزاران  
تن از شریف ترین فرزندان و آزادگان - لایق - ای پایه دست آمده  
است ، به خود اتحاد همه نیروها از یکپارچگی سوری نماید و گروه ها  
و توره های باقیات تفاوت اجتماعی با کثرت و پوست راست و توان بود  
ناهناری دیکتاتوری نوری ، زغارت و جباریل می رحمانه کند و را  
توسط دارد دست ، ربار و اربابان و هم دست آن ها ، و تریب حقوق  
انسانی را بدین مارگردن قانون اساسی و ازین بودن مزروعیت  
حکومت مزدور و راه - لایق - خروج آزادی و هنیای و رنلایب  
می : دارد دیگر را حصر می کنند ، زهم آواز شد ، یکی تمدن ، حکاک  
کردن ، به تفرقه غایت آوردن ، به یکدیگر تکیه دادن رابه عسکران  
تنم از راز رز رستگاری علی و پایان دان به سبب انورین  
استبداد شناخته اند . با این دریافت واقعی شدت بیلیرنی - لایق - ها  
با با سنگینی بی تری برای فرود آمدن بوسه ادا مباران بالا می رود .

نگهدارند یا از گونه جلوه دهند و وظایف او پیش در راه زدند طبقه کارگر و اتحاد عمل هم همین پرستان و آزاد بخوانان را به شایسته ترین وظایف احداث کرده اند. ما با احساس مسئولیت شدید در دفاع از دین و اتحاد نیروهای ضد استبداد که کلید فتح ملت ما در آن نهاده شده، به مبارزان مذکور و عناصر آگاه و مسئول و تمامی همین خواهان زیاوران حقیقی مردم، هشدار می دهیم که در سینه های نفاق افکنانه شاه... اراک را با کوشش و مجاهدت درستی اتحاد تمامی نیروهای مبارز نقش بر آب کنیم! نقاب از چهره نفاق افکنان برداریم! در دستگیر شدیم، صدای ابلهسواران سوا کنیم!

اتحاد... اتحاد... اتحاد...

این همه آن چیزی است که مطلق مبارزه و وجدان ملی از ما

می طلبد... و شمار با همیم...

## زیستن

گر به راه رزم، جان بسود حق  
نفرسودهای،  
آندم که رفتی زین جهان مطلق  
تو "زینستهای"، تنبأ "بودهای"

جانوران راست غافل غشودن  
قهرمانان راست راهی کشودن  
این یک زینست آن دگر بودن

با بیکر خود راه ستم را بی باک ببندید!  
زیرا زندگی گرنه سوختن است  
خود گندیده است

وانگس که سوخت بناچار گندید.

هستی نبود است در کوره آن  
فلز جان را باید که آختن  
ویژه انسان باشد در جهان  
شادی "ساختن".

ویرانگری رژیم شامو...

سوسیالیستی از ده تاملد خانواده با همکاری تنگنیل می دهند و ایجاد یک ساختمان بزرگ چند طبقه را با گرفتن زمین و وام و کمک فنی از دولت آغاز می کنند و از پیش معلوم است که کدام آپارتمان در کدام طبقه بکار آمد خانواده تعلق دارد.

به طور کلی معضل مسکن را فقط یک دولت ملی رد موقتیک می تواند حل کند. در برنامه حزب توده ایران وظایف این دولت در مورد مسکن چنین تعیین شده است: احداث و تامین مسکن به روشی واحد و ترازان برای زحمتکشان شهر و ده با کمک دولت و نیز کمک موسساتی که این زحمتکشان در آنها به کار، مشغولند و تحلیل اجاره بهای مسکن و تنگنیل و اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستاهای ایران به منظور تامین رفاه و زندگی بافرهنگ همگانی.

دارو دسته شاه و تکیه گاه آن ساواک و زلولوهای همجنس آن ها به عیان می بینند که هر روز حجم آن توده های که به اجتناب ناپذیری ایجاد چشمه وادارند و دیکتاتوری متشکل از همه نیروها - علی رغم اختلافات مسلکی و عقیدتی و گرایش های فکری و مذهبی - برای سرنگونی سلطنت مطلقه ایمان آورده اند، تناورتر می شود. آن ها با وحشت می بینند که گروه هایی از چریک های فدایی خلق که تا دیروز تنبأ و تنبها با تفنگ خود سخن می گفتند و در نهایت عملاً ضرورت اتحاد و وحدت توده ای و تشکیل درجه به ضد دیکتاتوری و جبهه خلقی را نادیده می انگاشتنند، با اعلانیه و آثار دیگری در صورت وحدت همه نیروهای ضد دیکتاتوری تکیه می کنند و هر کس را در هر لباس و با هر دعوت و سابقه و درین راه هر پنهان و دستاویز که بتواند به نحوی در راه تحقق این شعار ضروری و حیاتی و گرامی ملت ماست، ببندد از دست حکوم می نمایند... در چنین لحظه حساسی که شرایط عینی و ذهنی اتحاد بهتر از همیشه فراهم آمده است، راهها از پیرواها اتحادی باز شناخته شده، و المسم ساواک و دیوان آرماتور در برابر سنگ حقیقت خود گشته، تمام جبهه ساواک و همه نیروی استبداد و ارتجاع لوزان و متوحش شده اند، به همزدن این اختلاف و اتحاد برخه کردن در آن تنها امید و بالا اهل یکی از بزرگترین امیدهای دار دستجلا د است.

در این معرکه سوزان، کوشش بر آن است تا از مذهب و نیروی عظیمی در آن نهفته است برای کوبیدن و واورناتوان کردن عناصر و سازمانهای مخالف دیگر و در برابر آنها مارکسیست ها و حزب توده ایران یاری گرفته شود.

باید همشمار بود. همیاری و دیعه دانش و روشه پیروزی است. در لحظه کنونی هم نیروها چپ و هم قدرت مذهب راستین که پشتیبان مردم ستندیده است در یگانگی آرمانهای نهایی خود به طور طبیعی در یک صف قرار دارند. هر دو با ظلم و بی عدالتی و استثمار و امپریالیسم می جنگند، هر دو می خواهند طناب های دار را بچینند، زندانها و شکنجهگاهها را حذف کنند و تن را به سفره های سوت و کور و خالی دعوت نمایند.

صدای ما، صدای غریبه نیست. ما از دیدگاه علمی مارکسیسم

سخن می گوئیم. و در این سخن تمامی رنجبران و میهن پرستان واقعی را علیه هر گونه بیداد و استثمار و بی عدالتی می خوانیم. ما، حزب پرولتاریای ایران هستیم به عنوان بخش خود مند پیش این طبقه می دانیم که اقتدار و گروههای زیادی در میان کارگران و زحمتکشان تملیلات مذهبی دارند. و برعکس در میان رجاله ها کنتارما، استثمارکنندگان، عجمه پو شان، شکنجه گران، مصلحان و حقیقت پو شان نیز به بسیاری کسانی که دعوی مذهب دارند، مابه طبقه ز توده ها، علی رغم تمایلات و گرایش های مذهبی آنان، تنها از زاویه منشاء و موقعیت طبقاتی و نقش سیاسی و اقتصادی آنان می نگریم و در این عرصه سیاسی بازاری بسیاری از کارگران و زحمتکشان مذهبی را در کنار بازرهای خود می باهیم. با این افتقادات روشن کمتبهکاران و هرزگان و لعینگان رژیم نمی توانند واقعیت آن را به زور شایعه و تحریف و اتهام و دروغ و دغل حکوم

بیافزائیم (در سال گذشته ایران ۲۲ میلیارد دلار کالای غیرنظامی از آمریکا وارد کرد در حالی که صادرات غیرنفتی ایران به آمریکا در ۹ ماه سال فقط ۲۴ میلیون دلار بود یعنی کسری موازنه بازرگانی ایران با آمریکا بیش از ۲۱ میلیارد و ۶۶۶ میلیون دلار بوده است) آن وقت نقش امپریالیسم آمریکا در غارت و چپاول ثروت های مبین ما و میزان خیانتند ارز دسته شاه به منافع و مصالح ملی روشن می شود.

### ❖ دوست داشتن ❖

ماشقای کوهستانهای وطنان را دوست داریم  
و هر که را  
که تاب این آتش رطبان را  
در سینه دارد.

ماشقای هارادوست داریم  
وروشیدن و بالید نشان را  
و به شباهنگامی چنین  
پاسداریان را  
کرد آمده ایم.

ما گلپارادوست داریم  
و نه تنها  
گلپهای گلخانه را  
که گلپهای مثنی خوشبو را هم  
و آرای کفنی کلام مطراکین دوست داشتن را.

هر که گسی پسند  
و هر که گیاهی  
و هر که ریض جاودانه جان را  
باوردارد  
با ما دین برخاستن یگانه است

و ما برخاسته ایم

تا  
بیگانهگی را باطل کنیم

با تراهه مهر  
و در برابر آنکه چیدن گلپها را، داس درو بدست دارد  
با کینه مادران.

جدانی راهمچنان  
سنگ بر سنگ می نهند  
و اینک دیو ریست  
بگذار بر این دیوار  
مرغ من بنشینند  
و دست تو

اوا که طمانه دانه بخشد  
و دیوار  
پله ای باشد  
بر آمدن مار.

چه در بالا

پک آستان

بچشان مانگه میکند

و در پائین

پک زمین

که پاره و کهر ماست

که بر آن

همواره شقای سوزان میرهد.

سیاست نظامیگری رژیم شاه . . .  
در حالی که در مبین ما مردم در رنج و غذایی جانگانه به سر می برند و باه زاران شکل از جمله خوراک و پوشاک و بهداشت و درمان و مسکن و ترفیق و بوق و . . . دست به گریبانند، رژیم شاه یک چهارم بودجه کشور را صرف امور نظامی می کند و ایران را بدسته انباز مردن ترین سلاخهای آمریکایی و انگلیسی و آلمانی و . . . مبتلا کرده است. تنها از سال ۱۹۷۲ تا کنون شاه بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار فقط از آمریکا اسلحه خوریده است و قرار است تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۱۵ میلیارد دلار دیگر نیز از انحصارات صنایع نظامی آمریکا اسلحه خریداری نماید. تنها در سال جاری مالی قرار است آمریکا ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به ایران اسلحه بفروشد. قیمت هر یک از ۷ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ که با سیستم آواکس مجهز است و آمریکا اخیراً فروخته آن به ایران موافقت کرده است ۱۷۰ میلیون دلار است. با این پول می شد یک تا دو صد بزرگ بسا نیروگاه برق آبی یا ۳۰ تا ۴۰ بیمارستان مجهز و یا ۵۰ تا ۷۰ - بیمارستان بزرگ، مجهز به تمام وسایل آموزشی ساخت. یک فروند هواپیمای فانتوم اف ۱۶ بیش از ۲۲ میلیون دلار قیمت دارد و بسا پول آن می توان حداقل ۵ بیمارستان مجهز و مدرن ساخت. رژیم ایران تا کنون ۱۶۰ فروند از این هواپیما از آمریکا خوریده و تصدیق دارد. ۱۴۰ فروند دیگر نیز خریداری نماید. تازه انحصارات تسلیحاتی هر روز تحدا بر قیمت فروشن این هواپیماها به ایران می افزایند. اما این افزایش قیمت تنها به هواپیماها محدود نمی شود. به عنوان مثال قیمت ناوشکن های "پروین" که ایران مدتی پیش به آمریکا سفارش داده است تا کنون ۴۳ درصد افزایش یافته است و در مورد فروش سایر انواع تسلیحات آمریکایی به ایران نیز وضع بر همین ضوال است. روزنامه امریکایی "کریسیس ساینس مونیتر" می نویسد: "ادرا" اسلحه به ایران برای انحصارات مجتمع نظامی ایالات متحده امریکا یک بازرگانی عمالقا سو دوار است زیرا از این طریق سیل دلارهای نفتی به امریکا سرازیر می شود.

وابسته کردن ارتش ایران به سلاحهای امریکایی این ارتش را به صورت ارتش دست نشانده امریکا در ایران در آورده است و با حفره ۲۴ هزار کارشناس و مستشار نظامی آمریکا در ارتش ایران، ایمن ارتش بیشتر به یک ارتش امریکایی و اشغالگر شباهت دارد تا یک ارتش ملی.

اما سیاست وابسته کردن ایران به انحصارات نظامی و شبیهتگام امپریالیسم آمریکا ابعاد بازهتازه تری می یابد. روزنامه کیهان در شماره پنجشنبه ۲۰ مرداد ماه سال جاری خوب خبر داد که ایران ۸ نیروگاه آتی از امریکا به بهای تقریبی ۱۰ میلیارد دلاری خریداری می کند. خرید این نیروگاهها به منظور تامین برق مورد نیاز کشور نیست چرا که این برق در هم بارگرا نتر از برق حاصل از نیروگاههای حرارتی و آبی تمامی شود، بلکه نیروگاههای آتی نیز به مقاصد تولید نظامی و تجارز کارانه امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده آن در ایران خدمت خواهد کرد.

اگر وابستگی، تسلیمجانی و نظامی رژیم شاه به امپریالیسم آمریکا از مضرات و خطرات ناشی از آن، وابستگی اقتصادی و بازرگانی را نیز



# جنبش‌ها و مسائل کارگری

## همبستگی کارگران چاپخانه‌ها بامبارزات پرشور کارگران ۲۵ شهریور

همچنان که جنبش اعتصابی و مطالباتی کارگران اوج می‌گیرد و در روند تشکل کارگران منحصراً در خاشانی از همبستگی طبقاتی رفیقانه بر تاریخ این طبقه آینده ساز و انقلابی می‌نشینند، رژیم چهارم ضد مردمی فساد، به انواع حیل و بانوسل به وحشیانه ترین شیوه ۱۵۰۰۰ سرکوب و اختناق، مذبوحانه می‌کوشد تا شاید چند صباحی پیش‌حلولی این سیل خروشان و دگرگون ساز را بگیرد تا شاید باز هم چندی پیش‌به حیات انگلوار و غارتگرانه خود ادامه دهد.

به دنبال اعتصاب غذای کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور، ساواک بانوسل به حیل و رذیله‌ای چاپخانه را تعطیل کرد. کارگران این چاپخانه به عنوان اعتراض به رفتار، شونت باری که با آنها می‌شود و نیز کمی دستمزدها و عدم پرداخت سود ویژه و مجری داشتن آیین نامه ضد کارگری "انتباطی" از ۸ مهرماه در محل چاپخانه دست به اعتصاب غذا زده بودند. ساواک پس از دو شبانه روزه از این اعتصاب می‌گذشت به نمایندگان کارگران وعده داد که در ظرف ۱۰ روزه تمام خواست‌های آنان برسدگی خواهد شد. به دنبال این وعده کارگران با تعیین ۱۰ روز مهلت به اعتصاب غذای خود پایان داده و محل چاپخانه را ترک کردند، اما ساواک بلافاصله بانصب اعلانیه‌ای پوسر در چاپخانه، آن را به مدت ۵ روز تعطیل اعلام کرد. سوتن از این کارگران اعتصابی را به بهانه به عهده داشتن نقشی حساس در جریا اعتصاب از کار اخراج کرد و اعلام داشت که اعتبارنامه‌های ۸ تن عضو هیات مدیره سندیکا لغو شده است (لغو اعتبارنامه‌ها برای فراهم آوردن زمینه اخراج آنها بود چرا که قبل از این اقدام کارفرما قانوناً حق ندارد کارگران عضو هیئت مدیره سندیکارا اخراج کند).

به دنبال این اقدامات ضد کارگری، کارگران روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه در برابر "سازمان کارگران" واقع در خیابان پهلوی اجتماع و تظاهرات کردند. این اجتماع با یورش مأموران رژیم در هم شکست. اصلاً کارگران که به هیچ وجه حاضر نبودند دست از مبارزه بردارند و به ویژه به اخراج رفقای خود می‌توانستند، اعلام کردند که حاضر نیستند پس از باز شدن چاپخانه برای ادامه کار خود، آن طور که ساواک مقرر داشته، تعهد بیاورند. کارگران روز شنبه ۱۶ مهرماه در مقابل "خانه سازمان کارگران" واقع در خیابان ابوریحان اجتماع کردند. در این اجتماع کارگران تصمیم گرفتند پس از باز شدن چاپخانه سرکار نروند تا تمهید اعتبارنامه اعضای هیات مدیره سندیکا تعطیل شود و

کارگران اخراجی به سرکارشان بازگردند. در هفته اعتصاب کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور مجله تماشای (ارگان رادیو تلویزیون دولتی) که در این چاپخانه چاپ می‌شود، منتشر نشد.

سرانجام اقدامات اعتراضی بیش از ۷۰۰ تن کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور، که متعلق به سازمان شاهنشاهی به اصطلاح خدمات اجتماعی است که در راس آن اشرف پهلوی، قاچاقچی بزرگ بین‌المللی قرار دارد، به جایی نرسید و پس از پنج روز که چاپخانه در آغاز به کار کرد، مسئولان طی یک سخنرانی تهدید آمیز اعلام داشتند که شاه و اهراف از مبارزات اعتراضی و مطالباتی کارگران سخت عصبانی هستند و دستور تنبیه آنها را صادر کرده اند و برای کارگران بیش از پیش روشن شده که دشمن اصلی آنها رژیم استبدادی شاه است که حافظ ضایع غارتگرانه سرمایه داران بزرگ می‌باشد.

به دنبال سرکوب اعتصاب کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور، جنبش عظیم همبستگی با کارگران اخراجی، چاپخانه‌های کشور را فرا گرفت و "اتحادیه کارگران صنعت چاپ" تصمیم گرفت برای کمک به کارگران بیکار شد، چاپخانه‌ها به ویژه ۳۰ نفر از کارگران اخراجی بیکار شده، چاپخانه ۲۵ شهریور که مدت ۴۰ روز است حقوقی دریافت نکرده اند و از نظر مخارج هزینه زندگی در شرایط سختی به سر می‌برند، صندوقی تشکیل دهد. "اتحادیه ضمن اطلاعیه‌ای از کلیه کارگران چاپخانه‌ها دعوت کرد در حد استطاعت خود به این صندوق کمک کند.

کارگران چاپخانه‌ها همبستگی طبقاتی خود را با پرده‌پوشان و بیزار صد هزار تومان به صندوق مذکور نشان دادند. این همبستگی پرشور روحیه مبارزه جویانه کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور را بالا برده و آنان پس از بازگشت به کار به عنوان اعتراض به تجاوزات غیرقانونی رژیم به حقوق خود کف‌کاری کنند و در تدارک اعتصابی دیگر هستند. مبارزات پرشور کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور همبستگی رفیقانه کارگران دیگر چاپخانه با آنان، اوج تازه و نوید بخشی را در روند آگاهی و تشکل طبقاتی کارگران ایران نشان می‌دهد.

مضمن پشتیبانی از خواست‌های حقوقی کارگران ۲۵ شهریور، بازگشت کارگران اخراجی را به سرکار خود با پرده‌پوشان کامل دستمزده روزهای ته‌لیق خواستاریم و تشکل و همبستگی رفیقانه کارگران چاپخانه‌ها را با کارگران مبارز چاپخانه ۲۵ شهریور می‌ستاییم و این بلوغ تبلیغ آگاهی طبقاتی را به آنان تهنیت می‌گوئیم. راز همه کارگران ایران دعوت می‌کنیم که از راه‌ها که می‌توانند به پشتیبانی از پرده‌پوشان طبقاتی خود بشتابند.

## اعتصاب کارگران کارخانه بنز خاورد

در نیمه آبان ماه کارگران کارخانه بنز خاورد به خاطر افزایش دستمزدها و دریافت وام مسکن دست به اعتصاب یکپارچه ای زدند. کارفرما که از صف ضد کارگران به وحشت افتاده بود از کارگران خواست که نماینده خود را برای مذاکره درباره خواست‌های خود به نژاد فرستند و خود به سرکار بازگردند. کارگران پذیرفتند و نماینده خود را فرستادند اما کارفرما نماینده کارگران را با تهدید و اجبار در پشت میز کار نشاند نشانده گفت: تواز این به بعد کارمندی و حقوقت هم فلان عمر خواهد بود. و هر چه کارگر نماینده اصرار کرد که نزد رفقای خود

کارگران و پایمال کردن حقوق کارگران توسط رژیم جبارحامی — سرمایه داران می یابند .

### اجتماع بزرگ کارگران و کارمندان راه آهن

روز شنبه ۱۶ مهرماه بیش از چهارهزار کارگر و کارمندان راه آهن دولتی ایران در زمین ورزشی راه آهن اجتماع کردند . در این اجتماع که به بهانه مجمع عمومی شرکت تعاونی صکن کارکنان راه آهن تشکیل شده بود ، نمایندگان کارگران از دزدی ها و حیف و میل مقامات مسئول دولتی از مندوق شرکت تعاونی سخن راندند و اعلام داشتند که اکثر کارگران برای پیش برداخت نامه های عده داده شده فروش زیر پای خود افزوده و جای آن روزنامه پهن کرده اند و یاداروندار خود را فروخته اند و با این که چندین سال از پرداخت وجوه مذکور می گذرد هنوز نه از اسناد مالکیت زمین ۱۴۰۰ جری هست و نه از خانه سازی . کارگران و کارمندان راه آهن در این اجتماع اعلام داشتند که دیگر عده های توخالی و دروغ ران تحمل نخواهند کرد و اگر به وضع صکن آن ها رسیدگی نشود به زودی دست به تظاهرات جمعی خواهند زد .

### اعتصاب در کارخانه های

#### چیت جهان ایران فلز و ایرانا

در نیمه اول آبان ماه کارگران کارخانه های چیت جهان ، ایرانا فلز و ایرانا به اعتصاب سازمان یافته ای دست زدند . این اعتصاب ها برای اعتراض به توطئه جدید رژیم در نپرداختن سود ویژه کارگران و به کمی دستمزدها و شرایط دشوار کار صورت گرفته است . از نتایج این اعتصاب ها خبری نداریم .

### وخت رژیم از آگاهی کارگران

رژیم قصد دارد ۳ تن از نمایندگان کارگران ایران را که اخیراً به یوگسلاوی رفته بودند محاکمه کند . این سه تن به دعوت دولت یوگسلاوی بنا بر توافق خود رژیم اعزام شده بودند اما در یوگسلاوی حاضر نشده بودند دستور سفیر ایران را مبنی بر بخش گذرانی و شرکت کردن در جلسات کنفرانس نمایندگان کارگران بپذیرند . در این کنفرانس نمایندگان کارگران ایران که در داخل کشور تبلیغات ضد کمونیستی گوش آن ها را کرده بود ، از نزدیک با زندگی کارگران کشوره ای — سوسیالیستی آشنا شدند . در همین کنفرانس عنکابا پاز میاز کارخانه ها ، آمارهایی ارائه شده برای نمایندگان کارگران ایران شگفتی آور بود . در یکی از کارخانه ها که مانند تمام کارخانه ها این دیگرمیسرو مسئولان برای کارگران انتخاب می شوند ، حقوق آن ها از دستمزدها کارکرد بزرگ کارخانه کتر بود . ظاهراً سفیر ایران در یوگسلاوی و تبعه ساواک سفارت ایران به ساواک مرکزی اطلاع دادند که این

بازگرد و اظهار داشت که نمی تواند کاوند بشود ، نتیجه اینند ادواو راباتیدید تا آخر وقت اداری پشت عیز کارمندان نگه داشتند . اما کارگران که از نیرونگ بریای کارفرما باخبر شده بودند روز بعد در سالن غذای انجمنی کارخانه اجتماع کردند و ضمن اعتراض به حقه بازی کارفرما اعلام داشتند که تازمانی که نماینده ما را به ما بازنگویانید و خواست های ما را نپذیرید از این جا بیرون نخواهیم رفت . اعتصاب و تجمع کارگران در نهار خوری تا بعد از ظهر طول کشید و کارگران نوشت دوم نیز که به کارخانه وارد شدند به کارگران نوبت اول پیوستند و بانگ ، «قانونی اعتراض خود را با صدای رسا توبه گوش کارفرما رسانند . در نتیجه یکپارچگی و پیگیری کارگران ، سرانجام کارفرما مجبوره تسلیم شد و اجازه داد نماینده کارگران نزدیک رفقای خود بازگردد . کارگر نماینده به محض ورود خطاب به کارگران توضیح داد که با او چه کرده اند و اعلام داشت که او خود یک کارگری داد و به آن افتخاری کند و هرگز حاضر نیست به رفقای خود پشت کند و ضمن برشمردن خواست های کارگران روه کارفرما گفت تا وقتی خواست های ما را نپذیرید از این جا خارج نخواهیم شد . کارفرما که خود را در برابر منطف نشود ، و هم کارگران عاجز می دید به ناچار سه پذیرش خواست های آنان تن در داد و نماینده کارگران در سخنرانی پایانی خود خطاب به کارگران گفت : این پیروزی تنها در سایه تشکیک و اتحاد شما با ادران به دست آمد . فراموش نکنید که تا وقتی متحد باشید کسی را برای تقویت در برابر شما نیست . پس قدر این اتحاد را بداند و آن را گرامی بداند !

و کارگران شاد کام در حالی که با چ و بیخ و خند پیروزی خود را جشن گرفتند و از اتحاد رفیقانه خود احساس غروری کردند ، سالن نهار خوری را ترک نمودند .

### اعتصاب کارگران کارخانه کفش جم

در نیمه اول مهرماه . . . ۳ تن از کارگران گروه «نه تی بلا» کفش جم به عنوان اعتراض به توطئه چینی کارفرما برای نپرداختن سود ویژه است از کار کشیدند . اما هنوز چند ساعت از اعتصاب نگذشته بود که در ساعت ۱۱ صبح ژاندارمها با مسلسل سبک وارد کارخانه شدند و کارگاهی را که کارگران دست به اعتصاب زده بودند محاصره کردند و کارگران را با مسلسل تهدید نمودند . کارگران به ناچار بادای برافروشم و کینه به کار برداشتند اما مبارزه خود را با کنگدکاری و خراب کردن محصولات ادامه دادند . کارگران زحمتکش و مبارز در برابر این توطئه بی رحمانه و وحشیانه عقب نشین نداشتند اما با بهره گیری رژیم مدافع سرمایه داران بیشتر آشناسا شدند و از آن پس کارخانه را اسارتگاه نام گذاشتند . حد اکثر دستمزدها کارگران این کارخانه ۲۳۵ ریال است و کارگران و خانواده ها و نانوایان شاه در فقری جانگناه می بری بودند . کارگران به درستی اطمینان دارند که از تولید که کم شده و قیمت محصولات هم که در بازار بالا رفته پس به چه دلیل کارفرما از پرداخت سود ویژه طافره می رود ؟ و پاسخ خود را در سود جویی انگلوار کارفرما به حساب زحمت

# در دانشگاه ها چه میگذرد؟

دانشجویان به پایمال شدن حقوق خود اعتراض می کنند

همان طور که انتظار می رفت از آغاز سال تحصیلی جاری امواج اعتراضی و اعتصاب دانشگاهها را فرا گرفت. دانشجویان پیشرو می گویند در مرحله کنونی تمام دانشجویان را بهرامین شمارها و خواست های صنفی و دانشجویی گرد آورده و متشکل سازند و اتحاد امکان از دست زدن به اقداماتی که موجب هجوم نیروهای گارد و پلیس به دانشگاه می شوند جلوگیری کنند. در بسیاری از دانشگاهها جلسات دانشجویان با حضور مقامات دانشگاهها با برنامه ریزی اصولی و منطقی و با ارائه خواست های صنفی و دانشجویی تشکیل شد. در دانشگاه فنی دانشگاه تهران این جلسه با پیروزی دانشجویان خاتمه یافت. در این جلسه که حضور رئیس دانشگاه یکی از معاونان دانشگاه تشکیل شده بود ۶ تن از دانشجویان خواست های صنفی و قانونی دانشجویان را با استدلالات معقولانه و عاری از چپ روی تشریح کردند. از جمله این خواست ها احیاء انجمن ها و کتابخانه های دانشجویی انجمن کوهنوردی، کمیته پژوهشی و غیره بود. دانشجویان سخنران در این جلسه برای حضار بادلیل و مدرک و آمار ثابت کردند که ساواک و پلیس نقش ضد علمی و ضد دانشگاهی هستند. پس از پایان سخنران دانشجویان رئیس دانشگاه فنی اعلام داشت که تمام خواست های اعلام شده دانشجویان برحق است و باید برای فعالیت های دانشجویی تسهیلات لازم فراهم آید. رئیس دانشگاه اعلام داشت که اگر دانشگاه این خواست های حق را نپذیرد او بی درنگ استعفا خواهد داد. اما تا سافانه صبح روز بعد چند شیفته دانشگاه، احتیاطاً به تحریک مأموران ساواک شکسته شد و به گارد دانشگاه برای تهاجم بیبانه لازم رابه دست داد. به دنبال این حادثه نیروهای گارد دانشگاه فنی را محاصره کردند و از ورود دانشجویان به دانشگاه جلوگیری به عمل آوردند و در نتیجه دانشگاه فنی عملاً به حال تعطیل درآمد.

به دنبال جلسه عمومی دانشجویان دانشگاه فنی، دانشجویان دانشگاه، حقوق دانشگاه تهران نیز مجمع عمومی خود را در حضور رئیس دانشگاه تشکیل دادند. در این جلسه دانشجویان ضمن تشریح مقام علمی دانشگاه و فقر علمی کنونی آن، به صحنه سازی نمایشی اول مهرماه در برابر شاه اعتراض کردند و اعلام داشتند که ما آن دانشجویان را نمی شناسیم و نماینده خود نمی دانیم. در ضمن دانشجویان اعلام داشتند که به اصطلاح "اتحادیه دانشجویان" که دست پخت ساواک است مطلقاً با دانشجویان ارتباطی ندارد. دانشجویان متذکر شدند که گارد دانشگاه حضور خود را با شکسته شدن چند شیفته که حتی ممکن است از روی سهل انگاری و سهواً روی دهد توجیه می کند و آن را به "خرابکاران" نسبت می دهد. مادر پاسخ

لیستی کارگران چون بازندگی و شرایط کار کارگران در کشورهای سوسیالیست آشنا شده اند عناصر خطرناکی به حساب می آیند.

## بیم ضد کارگری ها چگونه کارگران را صاحب خانه می کند

تنگابور از جاده دماوند به فاصله کمی از بیمارستان سرخه حصار در قسمت شمالی جاده واگن هایی که به تریلی بسته می شوند به چشم می خورد که در چند ردیف کنار یکدیگر قرار داده شده اند. بیننده ابتدا تعجب می کند که چرا این همه واگن در این گوشه بیابان این طور با نظم و ترتیب در کنار هم چیده شده اند. این ها خانه هایی هستند که از طرف کارخانه اتوبوس سازی پارس لوکس که متعلق به ارتش است برای سکونت کارگران این کارخانه در این محل نصب شده است. حتی چراغ راه نما و لوله های بازو بسته کردن درب واگن ها از جاده به وضوح دیده می شود. این خانه کارگرانی است که رژیم ادعا می کند صاحب سهام کارخانه ها هستند ولی معلوم نیست که چرا این صاحبان کارخانه ها مجبور شده اند در واگن هایی به ابعاد ۸ در ۲ متر که زمستان همانند یخچال و تابستان مثل تنور نانوا می است زندگی کنند!

## اعتصاب کارگران گروه صنعتی بهشهر

از روز پنجشنبه ۲۶ آبان ماه کارگران بخش تولید پودر صابون غیره از مجتمع کارخانه های گروه صنعتی بهشهر واقع در جاده کرج در محوطه کارخانه دست به اعتصاب نهشته بکپارچه ای زدند.

مجتمع صنعتی بهشهر از سه کارخانه کارتین سازی، تولید پودر صابونهای مختلف و روشن نباتی (شاهپسند) تشکیل شده و در حدود ۳۵۰۰ کارگر دارد که در سه نوبت کار می کنند. خواستهای کارگران افزایش دستمزد، تأمین یک وعده غذای رایگان، افزایش حق اضافه تولید و پرداخت وام مسکن و نیز اعتراض به توطئه های اخیر برای نپرداختن سود ویژه بودامست. سپس کارگران در ساعت یک بعد از ظهر (یکساعت زودتر از پایان روز کار) کارخانه را ترک کرده و خود را برای ادامه اعتصاب در هفته آینده آماده می کنند و از روز شنبه کارگران هرسه نوبت بنحوی هماهنگ و یکپارچه به اعتصاب نهشته خود ادامه می دهند و در برابر وعده های توخالی کارفرما و نماینده انتصابی او برای کارگران و نیز نماینده بیمه که همه سعی در فریب کارگران داشتند، با قاطعیت می ایستند و می گویند ما دیگر فریب وعده های دروغین شما را نخواهیم خورد. سرانجام پس از سه روز که از اعتصاب کارگران رزمنده میگذشت کارفرما در برابر صفوف فزنده و پیکوری کارگران مجبور به پذیرش خواستهای آنان میشود و کارگران در حالیکه ثمره یکپارچگی و ایستادگی خود را جشن گرفته اند به سرکار کار خود باز میگردند.



این سوال را مطرح میکنیم: کسانی که در غیاب دانشجویان به خانه آن‌ها می‌روند، دانشگاه یورش می‌برند و در کتابخانه‌ها را می‌شکنند و کتابها را به تاراج می‌برند و حتی در کتابخانه‌ها را از جا کنده و با خود می‌برند. خرابکارند یا دانشجویان که هدف تهاجمات دانشی پلیس قرار دارند؟

در پایان این جلسه رئیس دانشکده حقوق ضمن اعلام پشتیبانی از خواست‌های منطقی دانشجویان از آنها کسب تکلیف کرد. دانشجویان یکصد اعلام داشتند "استعفا" و رئیس دانشکده نیز با ذکر این که به تصمیم جمع احترام می‌گذارد بی‌دو شک استعفا می‌خورد و نوشت:

در دانشکده علوم دانشگاه تهران، دانشجویان مجمع عمومی خود را در غیاب رئیس و استادان دانشکده، که مدت‌ها پیش برای شرکت در جلسه از آنها رسماً دعوت شده بود، تشکیل دادند. دانشجویان در این جلسه از عدم شرکت رئیس دانشکده انتقاد کردند و بر خواسته‌های خود مبنی بر احیاء کتابخانه دانشجویان و آزادی فعالیت‌های دانشجویی تأکید ورزیدند.

به دنبال اعتراضات و جلسات فوق، دانشجویان دانشگاه تهران با جاسپاندن اعلامیه‌های بزرگ دیواری در سراسر دانشگاه از صبح روز شنبه ۲۳ مهرماه یک هفته اعتصاب عمومی اعلام کردند تا مسئولان دانشگاه راه‌پیمایی‌های خواسته‌های صنفی دانشجویی خود وادار سازند.

### اخراج گارد از دانشگاه و محوطه کوی خواست دانشجویان است

پس از توطئه در پلانه‌ای که ساواک برای توجیه حضور گارد در دانشگاه و خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران ترتیب داد و آن را به حساب "دانشجویان نقابدار" گذاشت، دانشجویان کوی دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به این توطئه کثیف و همچنین نقشه‌ای که ساواک برای جدایی دانشجویان دختر و پسر در کوی کشیده بود، بایک برنامه هماهنگ و جمعی افراد گارد کوی دانشگاه را از محوطه کوی اخراج کردند. اخراج افراد گارد از محوطه کوی درست در شب همان روزی صورت گرفت که ساواک برنامه "اعتراضی" به اصطلاح "اتحادیه دانشجویان" و "سازمان زنان ایران" را ترتیب داده بود. در جریان این نمایش تعدادی دانشجویان ساواکی که در سازمان ساواک ساخته "اتحادیه دانشجویان" فعالیت می‌کنند به اتفاق تعدادی از اعضاء "سازمان زنان" (دانشجویان دختر) مدرسه مددکاری وابسته به سازمان زنان که به اجبار به این مأموریت فرستاده شده بودند) به کوی دانشگاه تهران رفتند و بودند تا از دختران دانشجو که گویا به گفته ساواک، از طرف دانشجویان پسر مذهبی‌تأین جانی ندارند، به اصطلاح دلجویی کنند. جالب آن که این دلجویی‌کنندگان "بای اعتنایی مطلق" دختران دانشجو را و بیرون می‌راندند.

اخراج گارد از کوی دانشگاه بیش از چند ساعت طول نیاورد و به دنبال آن گارد با کمک نیروهای امدادی پلیس بار دیگر به کوی حمله

مهرمان با یورش مأموران ساواک به کتابخانه‌های دانشجویی دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی واقع در نزدیکی میدان بهارستان نیز بسته شد. در ضمن رئیس دانشکده به دستور ساواک از ثبت نام ۱۳ تن از دانشجویان به علت شرکت فعال آن‌ها در مبارزات صنفی و اعتصابی دانشجویان خودداری کرد. از اوایل سال تحصیلی جدید، دانشجویان بارها به رئیس دانشکده مراجعه کرده و از او درباره اقدامات ضد دانشجویی فوق توضیح خواستند اما نتیجه‌ای به دست نیامد تا این که روز شنبه ۲۳ مهرماه دانشجویان در یک اعلامیه دیواری از رئیس دانشکده خواستند که روزیکشنبه ۲۴ مهرماه در جمع دانشجویان شرکت کرده و به پرسش‌های آنها درباره تعطیل کتابخانه و نیز دانشجویانی که از ثبت نامشان خودداری شده پاسخ گوید. روزیکشنبه تمام دانشجویان که حدود ۵۰ نفری شدند در سالن سخنرانی اجتماع کردند اما رئیس دانشکده از حضور در جلسه خودداری کرد. دانشجویان پس از گفتگو بایکدیگر به این نتیجه رسیدند که بهتر است به دانشگاه تهران رفته و با رئیس دانشگاه گفتگو کنند و در عین حال از پشتیبانی سایر دانشجویان دانشگاه نیز بهره‌گیرند. در نتیجه به طور دسته جمعی پیاده به سوی دانشگاه تهران روان شدند. گارد دانشکده در برابر حرکت جمعی دانشجویان خود را عاجز دید و مدخله نکرد. دانشجویان در صفوف منظم و آرام و زیرنگاه کنجکاو مردم کوچه و خیابان از خیابانهای صفی‌علیشاه و هدایت گذشته و وارد خیابان شاهرخا شدند. در آنجا تعداد کثیری از مردم در اطراف جمع شده و با کنجکاو به دانشجویان می‌نگریستند و زیر لب کلمه "اعتصاب" را زمزمه می‌کردند. در این موقع ناگهان کوه ماند و های پلیس سر رسیدند و به صفوف دانشجویان که می‌کوشیدند آرام بمانند و از برخورد پرهیز کنند حمله کردند و عده‌ای را کشتن کشتاب به درون ماشین‌های پلیس انداختند و در میان فریاد متحد دانشجویان که می‌گفتند "دستان ما آزاد کنید"، بارقاری خشن و وحشیانه دانشجویان را پراکنده کردند. گرچه دانشجویان در نیمه راه متوقف شدند و به دانشگاه تهران نرسیدند اما آخرین حرکت جمعی آنها در شهر پیچید و سایر دانشجویان از آن باخبر شدند. دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی به درستی معتقدند که با برنامه ریزی دقیق و حساب شده نمی‌توانستند در مبارزه خود به نتایج بهتری دست یابند.

### تظاهرات دانشجویان مدرسه عالی پارس

روز سه شنبه ۱۷ آبان ماه دانشجویان مدرسه عالی پارس در نهارخوری دانشکده به عنوان اعتراض به فشارها و تضییقات رژیم علیه دانشجویان دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات تمام دانشجویان شرکت داشتند. پلیس بلافاصله به دانشجویان حمله

کرد و به شیوه حیوانی همیشگی آنها را تصرف نمود.

## اعتصاب دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان با هدف بستگی استادان به پیروزی رسیدن

در نیمه اول آبان ماه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان به عنوان اعتراض به شرایط آموزشی و کمبودهای موجود از جمله کمبود استاد و نیز غذا و مسکن از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند. خواستهای صنفی و حقه دانشجویان با پشتیبانی استادان این دانشگاه رویرو شد تا جایی که استادان پس از مدتی مذکره با رئیس دانشگاه به دانشجویان قول دادند به خواستهای آن ها عمل شود. اما رئیس دانشگاه ناگهان فهرستی از دانشجویان به اصطلاح ناراحت تهیه کرده و اعلام داشت که آنها را از دانشگاه اخراج می کند. این تصمیم خشم دانشجویان را برانگیخت و دانشجویان بار دیگر مذکره را با استادان خود شروع کردند و اما رئیس دانشگاه ناگهان دستور داد خوابگاه دانشجویان را تخلیه کند و رستوران دانشگاه را نیز تعطیل کرد. دانشجویان که از این تصمیمات ناگهانی و دیکتاتورانه ضحانه و خشمگین شده بودند بار دیگر در محوطه دانشگاه اجتماع کردند اما این بار دانشگاه را در محاصره زاندا رها یافتند. به دستور رئیس دانشگاه زاندا ارمها پس از اخطاری کوتاه برای بیرون کردن دانشجویان از محوطه دانشگاه، بعد از دانشجویان حمله بردند و به جان دانشجویان افتادند. اما دانشجویان کوشیدند آرایش خود را حفظ کنند و در حالی که یکی از دانشجویان را که زیر ضربات مشت و لگد زاندا رما به شدت مجروح شده بود روی بلند کرده بودند با شعار "مرسی آقای دکتر!" ( که منظور رئیس فاشیست سلك دانشگاه بود ) محوطه دانشگاه را ترك کردند. به دنبال این حادثه استادان دانشگاه به عنوان اعتراض به این اعمال وحشیانه دانشگاه را ترك نمودند و رئیس دانشگاه را تهدید به استعفا کردند و جمعی از استادان که افسر وظیفه هستند و در آن سریازی خود را در این دانشگاه کاری کنند، بانوشتن ناه ای به مقامات ارتش از آنها خواستند که به سر باز خانه بازگردند زیرا آنجا که زاندا ارم حاکم است جای علم و دانش نیست.

سرانجام رئیس دانشگاه در برابر همبستگی دانشجویان و استاد به عقب نشینی و پذیرش خواست های حقه دانشجویان مجبور گردید.

روز بعد دانشجویان با شادگویی از این پیروزی که محصول همبستگی دانشجویان و استادان بود به محوطه دانشگاه بازگشتند و در کنار استادان خود همچون برادران جدانشدنی این پیروزی را جشن گرفتند.

## اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه تبریز

از یکشنبه ۲۲ آبان ماه دانشجویان دانشگاه تبریز به عنوان اعتراض به خفقان موجود در این دانشگاه و مخالفت ساواک و مقامات

دانشگاهی با هر نوع فعالیت صنفی دست به اعتصاب غذا زدند. دانشجویان همچنین خبرهای منتشر شده در روزنامه های ساواک زد. مبنی بر گفتگوی وزیر علوم و آموزش و پرورش و راهب دانشجویان قضا تکذیب کرده، این اخبار را نیز از جمله خبرهای جعلی و سرپا در روزی که به طور شهبانه روز در روزنامه ها و رادیو تلویزیون دولتی پخش می شود اعلام داشتند. هنوز از سر نوشت این اعتصاب که در محاصره گارد دانشگاه و ماموران ساواک ادامه دارد خبری نداریم.

## اعتصاب دانشجویان دانشگاه بازرگانی

دانشجویان دانشگاه بازرگانی تهران نیز همزمان با بسیاری دیگر از دانشگاهها و دانشگاه های ایران به عنوان اعتراض به مخالفت ساواک و پلیس با فعالیت های صنفی دانشجویان دست به يك اعتصاب همگانی زدند که هنوز ادامه دارد.

## نامه دانشجویان به رئیس دانشگاه تهران

ریاست دانشگاه تهران

ما دانشجویان دانشگاه تهران لازم می دانیم نظرات خود را نسبت به وضعی که بر ایمان پیش آورده اید صریح بیان کنیم. چند سالی است که ما برای رفع نیازهای مشترک خود نهاد های مختلفی به وجود آورده ایم تا به کمک هم در يك محیط فرهنگی سالم خود را با پیشرفته ترین دانش های تخصصی آشنا سازیم، ورزش کنیم و جسم خود را بهر روزیم. و با انخرص کوششیم تا خود را با فرهنگ انسانی آشنا سازیم و با صداقت و صمیمیت کوشیده ایم آنچه را که ضامن پیشرفت کارمان بوده است فراهم آوریم.

ما برای رفع سوء تفاهم در مورد نهاد های دانشجویی همواره حاضر بوده ایم که نکات مبهم کار خود را - اگر کسی مدعی باشد - روشن سازیم و حتی حاضر بوده ایم که متقابلاً با اعضای هیئت علمی در این زمینه همکاری داشته باشیم.

این مزاحمت و صداقت دانشجویی همواره با بدبینی مقامات دانشگاه توأم بوده است و این خود ناشی از وحشتی است که مقامات دانشگاه از هرگونه رشد و تکامل نهاد های دانشجویی داشته اند. این وحشت آقای رئیس در وجود شما متبلور شده است و شما آن چنان دچار خیالات شده اید که فراموش کرده اید يك مقام علمی هستید و در حالی که جاهه استادی دانشگاه راه تفکر دارید مرتکب چنین اعمال شنیع شده اید. شمار مقام رئیس مهم ترین حوزه علمی و فرهنگی کشور آن چنان ضد علمی و ضد فرهنگی رفتار کرده اید که یقین داریم اگر به گوش هر مقام علمی در ارضی نقاط جهان برسند شدیداً عجل ضد علمی شمارا محکوم می کند. آخر در کجای دنیا اتفاق افتاده است که يك مقام علمی شبانه انبار وسایل ورزشی دانشجویان و یا کتابفروشی و

## بیانیه کانون نویسندگان به پشتیبانی از خواستهای عادلانه دانشجویان

اخیرا دانشگاه تهران کتابخانه های دانشجویی را در همه دانشکده ها تعطیل نموده و با این اقدام سدی فرارامندرسر تحصیل و نشر آثار و افکار نهاده است. از آنجا که کتاب پایه نشر و ارتباط میان استاد و دانشجو و وسیله گفتگوی علمی است تعطیل کتابخانه به تعطیل تحصیل و تدریس و گفتگوی علمی منتهی می انجامد. کتابخانه های دانشجویی بدین سبب تشکیل یافتند که کتابخانه های عمومی دانشکده های بسیاری از کتب را بر دسترس دانشجویان قرار نمی دادند و عکس برداری از کتب درسی را منع کرده بودند. در نتیجه دانشجویان عملا کتابهای درسی و کتب درسی، پلی کنی درس و آثار مولفان و نویسندگان را به هزینه خود پایه صورت اهدای در این کتابخانه ها گرد آوردند. در واقع کتابخانه های دانشجویی امر تدریس استادان را نیز تسهیل می نمود، بدین معنی که استادان کار تدریس خود را به یک کتاب و یا یک جزوه چند صفحه ای محدود نمی ساختند بلکه می توانستند بدون در نظر گرفتن محظورات مالی دانشجویان مطالعه کتب متعدد در این کتابخانه را توصیه کنند.

بسته شدن کتابخانه، به هر عذر و بهانه که باشد بمنتهی راه دانش اندوزی و گفتگوی علمی است.

آیا اولیای دانشگاه کتاب و کتابخانه های دانشجویی را بدین سبب تحریم نمی کنند که در حقیقت از حرکت و شنودی می هراسند و نشر افکار را به بیان اعتراض تعبیر می کنند؟

دانشجویان دانشگاه تهران در اوائل سال تحصیلی جاری ضمن انتشار بیانیه ای نسبت به عمل مسئولان دانشگاه تهران در سرچین کتابخانه های دانشجویی اعتراض کردند و دلایل علاقه خود را به ادامه فعالیت این کتابخانه ها با استدلالی قوی و روشن نشان دادند. چند تن از استادان دانشگاه تهران نیز ضمن نامه ای به کانون نویسندگان ایران اعتراض خود را نسبت به برجیده شدن کتابخانه های دانشجویی اعلام کرده اند.

از آنجا که هر نوع مخالفت با انتشار افکار و ایجاد مانع در راه مطالعه کتاب به ویژه برای نسل جوان اقدامی ضد فرهنگی و مخالف با آزادی های صرح در قانون اساسی ایران است، کانون نویسندگان ایران ضمن اعتراض شدید نسبت به اقدام مسئولان دانشگاه تهران در برجیدن کتابخانه های دانشجویی که خود نوعی تحریک و بوهم زدن نظم در محیط تحصیلی و دانشگاهی است، امیدوار است خواست های برحق و عادلانه دانشجویان دانشگاه تهران در این زمینه هر چه زودتر تحقق یابد.

کانون نویسندگان ایران

و کتابخانه ای را که حاوی کتابهای تأیید شده از طرف دستگاه سانسور کشور بوده است غارت کنند و کتابخانه را به زباله دانی یا حیوانا دستشویی تبدیل نماید.

ما عقیده داریم که این کار شما مغایر با تمام موازین دموکراسی در جهان است. چرا که کارهای صنفی حق هر صنف از جمله صنف دانشجویان می باشد. (باتوجه به این که اساس کارهای صنفی دقیقاً منطبق بر اصول بیست و بیست و یکم متم قانون اساسی ایران است که شما ادعای اجرای مفاد آن را دارید)

آقای رئیس

ما هم هستیم ابتدا می ترین حقوق خود را پس بگیریم و در این راه گفتنی ها را تاکنون گفته ایم. اینک سرا می خواهیم که هر چه زودتر امکانات دانشجویی ما را بازگردانید و رسماً به خاطر توهینی که شده است از دانشجو یان دانشگاه تهران پوزش بخواهید. تنها با تحقق چنین شرایطی است که می توانید جلوی وخامت بیشتر اوضاع را بگیرید. در غیر این صورت ادامه وضع موجود غیر ممکن است و مسئولیت وقایع بعدی در صورت عدم تحقق این شرایط به عهده مقامات دانشگاه خواهد بود.

ما عین این نامه را برای تمامی وسائل ارتباط جمعی داخلی و خارجی می فرستیم تا تمامی مردم شریف ایران و سایر کشورهای بیابند که علی رغم ادعاهای شما و دیگر مقامات مملکتی مبنی بر استقرار دموکراسی و گسترش دانش و فرهنگ در ایران چگونه به وضوح تمام اصول دموکراسی از جمله اصول بیست و بیست و یکم متم قانون اساسی ایران را زیر پا لگد مال می کنید و از گسترش دانش و فرهنگ حتی در دانشگاه یعنی مکان دانش و تحقیقات رشد فرهنگی جلوگیری به عمل می آورید.

دانشجویان دانشگاه تهران

### وقتی گرازهای شاه ...

کامین نما با ما موران کلنجار می رفت تا بلکه خلاص شود. پیروزی

که موخایش خنابسته بودن جوان را صدای زد:

— زینت، اول باید بچه رو رسوند به درمونگاه.

\* \* \*

... و حالا از در مانگاه آمده بودند.

این ماجرا که تنها صحنه ای از هزاران صحنه جنایات آشکار و پنهان رژیم سفاک آریا مهر است، در روز یکشنبه ۱۵ آبان در شهر آباد محیدیه تهران اتفاق افتاد.

در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!



از گوشه و کنار کبود

# حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

## تفتیش خانه ها از سر گرفته شد

مجوم های گاه و بیگاه ساواک با استفاده وسیع از نیروهای ارتشی و شهربانی به محلات مختلف شهر که مدتی دچار وقه شده بود، با آهنگ کندی از سر گرفته شده است. به طوری که خبرنگاران نوید اطلاع داده اند طی یک ماه ونیم اخیر خانه های قسمتی از مناطق حوادیه، یاخو آباد، سه راه آندری و خانی آباد مورد هجوم ناگهانی ماموران قرار گرفته و مفتشان رژیم در پی فتن مبارزان و جای پای آن ها نیمشب خانه های اهالی محلات مورد هجوم رانزور و کرده اند. رژیم وحشت زده و خونخوار که از فرط استهسال در برابر جریان اوج گیرنده مقاومت و مبارزات مردم به جان آمده، تیر به تاریکی پرتاب می کند. همزمان با این اقدامات، تفت های پلیس در کوچه ها و خیابان ها افزایش یافته است. اتومبیل ها و افرادی که به نظر مظنون آیند توسط گروه های گشت پلیس بازرسی بدن می شوند و از آن ها باید وقت بازرسی می شود و گاه خانه های آن ها تفتیش می گردد.

رژیم اختناق علی رغم تظاهرات دروغین خود، جز ادا مسه شیوه های کهنه ورنیلانه پلیسی و سرکوب و هجوم، راهی در برابر خود نمی بیند.

## اعتصاب و اعتراض در زندان قصر

در زندان قصر زندانیان سیاسی، این شریفترین فرزندان دریند خلق های ایران، به عنوان اعتراض به شرایط ناسالم زندان (غذای بد، بند های سرد...) دست به نوعی اعتصاب زده اند. اکثر زندانیان غذای زندان را نمی کورند و با پول خود غذا تهیه می کنند. زندانیان همچنین اعلام داشته اند که باید اجازه داده شود از خارج ارزندان اقوامشان برایشان کتاب بیاورند زیرا کتابهایی که در زندان وجود دارد اغلب قابل استفاده نیست. لازم به یاد آوری است که بیشتر کتابهای زندان از روزی فهرست کتابهای محاز ساواک انتخاب شده است. خروهای رسیده از زندان قصر همچنین حاکی است که زندانیان طی نامه ای به نادرسی ارتش، به شرایط دشوار و غیر انسانی در زندان و محانمت ماموران زندان از ورود کتاب به داخل زندان، اعتراض کرده اند. فضلا کلبه زندانیان برای آن که اقوامشان از شرایط دشوار زندان در زندان مطلع گردند، ملاقات حاضر به دیدار اقوامشان نمی شوند. این نوعی شیوه باخبر کردن ملاقات کنندگان از وضع زندانیان است زیرا هنگام ملاقات با توجه به این که همیشه دو تاسه ماسور زندان بالای سر زندانیان و یا میان زندانیان و ملاقات کنندگان

می ایستند، هیچ زندانی نمی تواند و به دلیل عواقبی که بعدا گرفتار آن می شود، صلاح می داند که اخبار زندان و از جمله شرایط بد آن را به اطلاع ملاقات کنندگان برساند. برای آزادی کلبه زندانیان سیاسی، این مبارزان جانبار خلق، مبارزه خود را تشدید کنیم!

## تظاهرات یخاطر آزادی زندانیان سیاسی

دعوت روحانیون آزاد پیخواه از مردم برای اجتماع در صحن حضرت عبد العظیم به منظور پشتیبانی از آیت اله خینی و آزادی آیت اله طالقانی و دیگر زندانیان سیاسی با استقبال رو پرورش و بعد از ظهر جمعه ۱۵ مهرماه، علی رغم آن که پلیس از چند ساعت قبل راههای منتهی به شاه عبد العظیم را بسته بود و از حرکت مردم به شهرری جلوگیری می کرد، صد ها نفر که جمع زیاد از آن ها را دانشجویان مذهبی، علمای شهرری و علمای قم تشکیل می دادند در محوطه صحن اجتماع کردند. در این اجتماع مهندس بازرگان طی نطق کوتاهی به تبعید آیت اله خینی به شدت اعتراض کرد و به دنبال آن عده زیادی به تظاهرات پرداختند و با شمارهای ضد رژیم از زندانیان سیاسی پشتیبانی کردند. در این میان پلیس ضربتی که از پیش در محوطه صحن موضع گرفته بوده تا اهر کنندگان حمله برد و آن ها را متفرق کرد. اما دانشمندان اعتراضات، علی رغم برخورد و زد و خورد مردم با ماموران پلیس که ضمن آن حمصی مجروح و روانه بیمارستان ها شدند، به خیابانهای اطراف و حتی به امام زاده عبد اله و این بابویه کشید و کنترل آن از توان پلیس خارج شد. در این میان ماموران راهنمایی و رانندگی نیز برای تسهیل کار پلیس ضربتی اتومبیل های پارک شده در خیابان های ناحیه را با جبر ثقیل به بیابانهای اطراف منتقل کردند.

## خونسری و بی شرمی

در سپیده ۲۵ مهرماه محمد رضا آخوندی عضو سازبان محاهدین خلق که چندی قبل دستگیر شد و بودا و خیر آن نیز در روزنامه ها منتشر گردید. تا اینجا حادثه تازه ای رخ نداده بود، زیرا کشتار مبارزان ضد رژیم کار عادی و روزانه رژیم جنایت آرا شاه است. اما این بار رژیم خونخوار بی شرم شاه - ساواک دست به عمل سنگین ورنیلانه تازه ای زد و به خانواده این مبارز شهید اطلاع داد که می توانند جسد فرزندشان را تحویل بگیرند به شرط آن که در برابر رنگوله ای که در ضخیمان در بدن او جای داده اند، دو تومان و در ازاه کلوله آخر (کلوله خلاص) ۱۵۰ تومان به ساواک بپردازند.

### نظارات علیه رژیم دیکتاتوری شاه

### رژیم تنها به فکر ثروتمندان است

روز چهارشنبه ۱۹ آبان عده‌ای دانشجویان در بازار تهران تجمع نموده و تظاهراتی علیه رژیم حبارو خودکام شاه به راه می‌اندازند. بازاریان از این تظاهرات حمایت نموده و عده‌ای از آنها با دانشجویان هم‌صدا می‌شوند. در این هنگام مأموران پلیس آریامهری به تظاهرات کنندگان حمله می‌کنند و آنها را پراکنده می‌سازند. گفته می‌شود در گوشه‌هایی پلیس را به دام انداخته و کتک زده‌اند.

در شمال توپین نقطه تهران و در کنار زندان مخوف اوین طرحی با نقشه ساواک پیاده شده است تا که هنوردی در ارتفاعات شهران را که سالهاست بین دانشجویان و جوانان طرفداران بی‌شماری دارد از سکه ببندازد. طبق این طرح تله‌کابینی برپا شده است که از ولنجک و اوین می‌توان با آن تا قلعه توچال رفت و در این قسمت یعنی قلعه توچال نیز به زودی چندین کاباره و کازینو برپا خواهد شد تا ثروت‌مندان خوشگذران تهران بتوانند شب‌ها بر فراز بلندترین نقطه تهران و در شرایطی که همه شهر را زیر پا دارند به تفریح بپردازند. این طرح ۳۵ میلیون تومان خرج برداشته است. و این پول در شرایطی خرج چنین طرح ساواک زده می‌شود که در صدها محله تهران مردم آرزوی چند متر اسفالت و یک لوله آب را دارند تا از شر گل‌ولای زستان و گرد و خاک تابستان و تشنگی بی‌آبی دائمی نجات پیدا کنند.

در قم نیز تظاهرات مشابهی صورت می‌گیرد که تا دو روز ادامه می‌یابد. در این تظاهرات شعارهایی علیه رژیم بورژوازی پارچه‌نویس و در خیابان نصب کرده بودند که تا چند روز بعد از تظاهرات همچنان در خیابان مانده بود.

### تظاهر ناخشنودی مردم

در جریان سفر شیخ زاید امیر امارات متحده عربی و نیز انور سادات رئیس‌جمهور مصر به تهران از یک سواناق اصفی پایتخت به کسبه تهران دستور داد در روز ورود آنها برای استقبال در دو طرف خیابان آیزنهاور و شاهرضا جمع شوند و هو را بکشند. بسیاری از کسبه که مجبور به این کار شدند به واسطه بستن مغازه هایشان دچار ضرر شدند و جمع دیگری نیز شیر و ماست و کره سه‌ماهه روزانه شان که مورد مصرف اهالی محله هاست پشت در مغازه هایشان خراب شد. کسبه تهران در حالی که اخبار را در صف مستقبلین می‌مانان شاه ایستاده بودند در دل و گاه بزوزبان به دستور دهندگان و میهمان دعوت‌کننده‌ها فحش می‌دادند و لعنت می‌فرستادند.

هزارها نفر در زندانهای شاه در سراسر کشور دربندند. در شکنجه‌گاههای "کمپته" و "اوین" و "اطاقهای تمشیت" مراکز ساواک بو حشیانه ترین شکنجه‌ها می‌بینند و تحقیر میشوند. برای چه؟ برای خواست عدالت اجتماعی دموکراسی و استقلال کشور ما. وظیفه ما است که به این سربازان راه‌رنمایی خلق ببندیم و از راه راه که میتوانیم به یاری آنان بشتابیم و با آنها هم‌ردی و هم‌بستگی نشان دهیم.

از سوی دیگر به دستور شاه در روزهای مذکور خیابان‌های آیزنهاور و شاه‌رضا و درمها خیابان اطراف آنها را مأموران ساواک و پلیس راه‌نمایی سلطنتی بر روی پیاده و سواره بسته بودند تا هم خیابانها خلوت باشد و مهمانان شاه با ترفیع جنبشی تهران مواجه نشوند و هم به اصطلاح امنیت رژیم شاه در قبال تظاهرات احتمالی ناخشنودی شدید مردم حفظ شود. در هر دو روز هزاران راننده که سلطنتی در این زمان کور کرده بودند راه پیرو پیشرفت داشتند درست در لحظاتی که شاه و مهمانانش از خیابان‌ها عبور می‌کردند و مأموران رژیم مردم را در صدها متر دورتر و پشت چهارراهها، در کوچه‌ها و خیابانها، معطل نگه داشته بودند. دستها را روی بوق اتومبیل‌هایشان گذاشتند و بیش از یک ربع ساعت بوق زدند. در این لحظات مأموران پلیس راه‌نمایی که هیچ کاری نمی‌توانستند بکنند، به ناچار به گوشه خیابان‌ها و کوچه‌ها پناه برده، گوشه‌های خود را گرفته بودند. بدین ترتیب مردم ناخشنودی و اعتراض خود را علیه رژیم ضد مردمی و عوام‌فریب شاه نشان می‌دادند.







و گارد نظامی ارتش و شهرهای و سارک با لباس میل توسط ۹ جت بوئینگ به واشنگتن منتقل شدند تا اجتماع دانشجویان وطن پرست ایرانی را که به افشای حقیقت دوشیم خلقهای ایران برخاسته بودند ، بهم بریزند . اما کوس این رسوایی نیز بر جرایم و وسایل ارتباط جمعی اروپا و آمریکا زده شد و جهانیان پرده دیگری از ریا و فریب دلفنی را که در جاده جنایت به دروازه های تمدن بزرگی رسیده و دریافتند .

دار و دسته ای که تمامی نیروهای حکومتی را برای تقلب و نیرنگ و قلب حقایق بکار میگیرد و پرچمی و دشنه اوباشان و پست فطرتان مزدور تکیه میکند ، با این سیاست راهزنانه هم هراس خود را از آگاهی توده ها به گمراهی و اطمینان نشان میدهد و هم بی ثباتی پایه ها و ضعف و نزلت درونی خود را در برابر حتی یک نسیم کوچک که از فراز یک اجتماع چند صد نفری میگذرد . مویانی در برابر هوای آزاد متلاطم میشود . برای رژیم اختلافی شاه هر اندیشه آزاد ، هر طبع مخالف بر دگر ، هر احساس وطن پرستی ، هر جلوه حقیقت و حقانیت ، هر صدائی که از حلقوم پیش از دوزخ خارج شود ، هر نوع اعتراض یا تظاهر جمعی ، به مثابه هوای تازه ای است که جسم پوسیده و گرم خورده و فاسد آنرا تهید میکند . و شکفتا کمابین بوزنیگان غاصب حکومت شریفترین و صدیق ترین میهن پرستان را بنام قانون و نظمو وطن که خود سلاح واقعی آن هستند ، به سیاه چالها ، میسازند همه جوخه های اعدای می بنندند ، در کوجه ها و خیابانها قتل عام میکنند ، در محکمه های در بسته و شکنجه گاههای مخوف زیرزمینی زیر پا نشانه میگویند و انگه که در دستشان از همه این وسایل صمیمیت کوتاه شد ، با برچسب وطن فروشی هو میکنند .

اما کیست که خائن و فرومایه واقعی را نشناسد . او همان شریوری است که برای جلب رنجایت و حمایت ارباب و اشنگین نشین خود رفت ما را میخشد ، نه با کمترین ضرورتی حتی با مجلسی فرمایشی و غلامان و چاکران گم بتفاکی که احاطه اش کرده اند ، بلکه سرخورد و مستبدانه . . . و به این چاکری امپریالیسم جهانخوار میبازد و با در کوه میاندازد که برای صدور و یا غرب - غرب امپریالیست - حاضر است سیاست نفی بیفکارانه آمریکا را در ارباب اعمال کند و اگر لازم اقتد ارباب را از هم بپاشد .

خائن آن تاجدار نیست مغز و داور دستهای بر باد دمی است که ۲۴ هزار مستشار نظامی و هزاران کارشناس و جاسوس آمریکائی را با افتخاری ترین حقوق و مزایا به ایران آورده و عملاً ایران را به اشغال پنهان و ویرانگر امپریالیسم سپرده است . خائن آن انفسی های زهر آگین هستند که کشاورزی ما را به بیرونی از سیاست اقتصادی سلطه جوی یانگیها و صهیونیست ها و - سرمایه داران و سیاست بازان غرب به روشنگری کامل سوق داده اند و در روی گنج های طلای سیاه و مسو لوهرانیوم و ژال سنگ و دیگر مصادن و نصطت سرشار و بیشمار هسی و پنج میلیون گرسنه و نیمه گرسنه ، بیخانمان ، دهان بسته و رنج دیده ، بر جای نهاده اند . آنها که فکر و درگشان افزون بر تعداد زندانیهاست ، اما در دانشگاهها را می بنندند ، آن گانگسترهای -

بین الطلی که سر نخ بزرگترین شبکه های قاچاق مواد مخدر و قمارخانه ها و گازینوهای ایران و جهان بنوی به سرانگشت های آنان پیوسته است ، آنها که با صهیونیسم و امپریالیسم علیه خلقهای کشورهای دیگر دسیسه می چینهند و برای حراست ضائق امپریالیسم با خون جوانان ما و ثروت های ملی ما خلی آزادی خواه ظفار را در خون غرق میسازند ، آنها که بهترین فرصتهای تاریخی را با غارت دلارهای نفتی و حیث و میل و حاتم بخشی آن به صدر داد ماند و با خرید خورواها این پاره و تالک و توب و هواپها و رادار و سیستمهای اساسی الکترونیک ، که هیچ ضرورتی برای ضائق ملی ما ندارد ، به جیب های کشاد امپریالیسم ریخته اند ، آنها که مجلسی و مشروطه و قانون را به خیمه شب بازی استبداد بدل کردند و آزادی و اندیشه و قلم را در

گکسترو و باروت دفن کرده اند . . . آری مخائین واقعی را همه میشناسند ، اگر چه تمام دستکهای تبلیغاتی جهان امپریالیسم و همه قلم به مزد عا و رجا له ها و مشاطه گران داخلی بخوانند ، سیاسی کبره او را بزرگ کنند و بیاریند . اما در صحناتی که بر اثر بهم خوردن موازنه قدیمی قدرت و پیشروی طلایه داران صلح و عدالت و آزادی و سوسیالیسم ، حتی امپریالیستهای یک تاز دیروز بیکر خفقان افتاده اند ، عروسکهای پوشالی و لمببتگان آنها درونشانی ندارند . جنایت کاران سراسر سنگی و قنایع اخیر رژیم در دانشگاهها رقم تازهای بر شمار شهدای راه آزادی و استقلال ایران افزوده است ، آخرین شکردها و تشنجات جنون آمیز و عکس المصطهای عصبی و بیمارگونه آریامبری است . آن لحظهای که رژیم با ابزارهای کهنه خود قادر به ادامه حکومت نباشد و حکومت شوندگان ادامه این وضع ناهنجار و خیانت بار و ضد مردمی را فعالانه نخواهند ، بسرعت فرامیرسد . گراز تهر خورده میخواهد و انمود کند که چونان سالکیان روزخی اقتدار خود بر آریکه قدرت جبروتی نشسته و کنترل اوضاع را در دست دارد . اما حقیقت جز این است:

سد استبداد و خودکاملی ترک خورده و رژیم در برابر امواج بیپای و اوج گیر تظاهرات و اعتراضات و مقاومتها و مبارزات صنف ها و گروهها و قشرها و طبقات مختلف ملی بخود میلرزد . در این شرایط حساس و خطیر ، برای ساقط کردن بختگی که بروی میهن ما افتاده و هر تحول و پیشرفت و بهبود و رونق ملی و میهنی در گرو محو است و تنها یک راه ، و فقط یک راه در برابر توده ها و مبارزان وجود دارد : اتحاد همه نیروهای مخالف استبداد در یک جبهه واحد و همه گیر ضد استبدادی .

تمام شرایط نیرو و عینی چنین اتحادی میبایست . عناصر وطن دوست و آزاد بخواه باید با درک عمیق مسئولیت خود برای ایجاد این جبهه واحد و طرد هرگونه کارشکنی ، نفاق افکنی و بهانه جوئیهای زیان بخش از حریم و حوزه آن با تمام نیرو بکوشند . چنین اتحادی صرف نظر از اختلاف نظرهای مسلکی ، عقیدتی ، سیاسی ، مذمعی و برداشتهای متفاوت ، تنها بر محور اشتراک مساعی برای واژگونی دار و دسته دیکتاتوری میتوان شکل بگیرد و تاسر شود و سازمان بیاید . جز تشکل در یک جبهه سیاسی گسترده که ، از حمایت فعال و انرژی و تحرك و مقدرات برانگنده کلیه نیروها و عناصر ملی و میهنی بطور یکجا برخوردار باشد ، برانداختن دار و

دسته ای چنین قدر و محیله گر و قسی که از همه امکانات حکومتی و سازمانهای پلیسی و سیاسی و نظامی وسیع و حمایت بیدریغ امپریالیسم جهانی برضد است ، میسر نیست . درک کنه این واقعیت و پاسخ عطفی به آن کلید پیروزی ماست . . .

## پیش بسوی جبهه ضد دیکتاتوری

"سید" و دیگر نشریات حزب توده ایران را بدست آورید بخوانید و به پسران ما

یاری رسانید

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق ...

## خون شهدای ۱۶ آذر پیام اتحاد ماست



مصطفی بزرگ نیا



ناصر قدحی



شریعت رضوی

ایران و امیرالایم پشتیبان وی را برانگیخته است. کوه دتای ۲۸ مرداد ۳۲ فرصت مناسبی بود تا ارتجاع گام گسیخته و امیرالایم کینه ور و بیضاک از دانشجویان مبارز ایران انتقام بگیرند و آرزوی دیرینه خود را با سرکوب جنبش دانشجویان عملی سازند. به خون کشیدن تشاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۳۲ - نخستین ضربه برای نیل به این هدف بود. بدیهی است که رژیم ضد خلقی کودتایه این ضربحنایات آیز انتقام نگیرد. هجوم و تیرله در سالهای بعد با انواع توطئه تکمیل شد. دانشگاه های ایران همه تحت نظارت سازمان امنیت قرار گرفت. به اشغال نظامی درآمد، کتابخانه های آن غارت شد و انجمن های دانشجویی منحل گردید. خلق دانشجو و معرفت های خود را با تحم سرنیزه عور کرد.

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق، روز دانشگاه و شهید دانشجو، امسال در شرایطی بزرگوار می شود که میهن ما به دوران سوسیالیستی و پرتلاطم گام نهاده است. ۱۶ آذر ایستادگی خاطره دور دست رزم و خون نیست، معاد روز و لحظه است. ستی است که هر روز جوان تری شود و آگاه تر و دلیرتر به مبارزه های رود تا تبدیل به عزم و نیرو شود و در آرمانهای خلقی بشکند. بیست و چهار سال پیش در جنس روز خون دو دانشجوی مبارز توده ای ( مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی ) با خون شریف یک آزادخواه طو ( احمد قدحی ) در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. در ایستادن پیوند رمز و کتابت بود که به تمامی مبارزان یانگی زد. حلاله در یک آنش و در یک سنگرید، یگی شوید، از تن های بی شمار و حد از هم خود تن ستیو یگانه ای بسازید. پیروزی شمارد - یگانگی شماست.

و این صدای بواز رنج و عزم بی از ۲۴ سال نبود یوانکند ما با حقانیت بیشتر و ضرورت مقتدرتری در بهنای میهن ما طنین انداز است:

" دشمن ما در میان ماست. او حادای ماست."

در این ۲۴ سال به مکتب رژیم استبداد و سرنیزه خون دهها دانشجوی آزادخواه در پای همان نهالی که از شیره جان بزرگ نیا و رضوی و قدحی نوشید، ربحته شد. نهال ۱۶ آذر اینک درخت تنابری است با شاخساران انبوه که بر شاخه آن دامن دامن شکوفه های خونین سرور می خوانند. به جای تحمیل نقای از ناخبره این جانهای شوریده و سوزان که در رزیای خلقی خود پیرو شدند به ارثیه معنوی آنان چشم بدوزیم و از آن بیاموزیم. همه بیست تجربیات این سالهای خون و حماسه و بهاره به تنها راستی تبدیل شده که دلیلی است به گرد ما بیامیخی است به ندای غرور تو. به میدان مبارجه ای نبودیم خلقی ما آن را آرزو خوانند ...

### جنبش دانشجویی در راه تکامل

صفت شد امیرالایستی و دموکراتیک جنبش دانشجویی ایران و سهم موثری که این جنبش در نهضت عمومی شد امیرالایستی و دموکراتیک مردم ایران داراست. شماره چشم و هجوم ارتجاع

دانشجویان دسته دسته اخراج شدند، زندانها و شکنجه گاهها رای کردند، شویازخانه ها تجمید گشتند، بارها دانشگاهها و دانشکده ها تعدیل شدند، حتوا استادان شریک از این تحقیرهاو یورتر با صون نماندند. مردان امر صیبن بیستی با عقوبتی سخت پاسخ داده شد. دوزخیمان سیظه روزخی خود را بر دانشگاهها کمزورند ... ولی ایستادگی از ۲۴ سال با قاطعیت می توان وقت که رژیم برور و اختیای در سر و پ دانشجویان و در توطئه های رنارت، خود برای جلب یقویب ریاحتی بی طرف نگاهداشتن آن ها با شکستی موحشی روبرو شده است. جنبش بر توان والهام بخش دانشجویی نه تنها در میان شکنجه گاهها و در طنین لوله های سحرالمان اهدام محو نشد، نه تنها عبار شعیده نوبیا و دغل بازی ها، نهاده روشن و نایب آن را تیره نکرد، بلکه هم در سطح وهم در نمونه گزاینده کستو شریافت.

شکست و جنبش در راه تکامل و توان در تعدد و توان پیروی امیرالایستی ایران، دانشجویان به شایسته های خنجره و در



### پیوند مبارزات صنفی و سیاسی

پیوند مبارزات صنفی و سیاسی بگو از فوجی های عرجنیش توده ای است. جنبش دانشجویان ایرانی نیز با این فوجی ها مواجه بوده و هست. اثر توجه داشته باشیم که جنبش دانشجویی، به گونه هر جنبش توده ای دیگر، از افرادی با درجات مختلف از آگاهی سیاسی و اجتماعی و وابستگی های متفاوت سیاسی واید و تونیزك تشکیل شده، آنگاه مسئله اصلی در این پیوند آن است که چگونه می توان اکثریت هر چه وسیع تری از دانشجویان را نه فقط به مبارزه در راه تحقق خواست های مشترك صنفی بلکه در عین حال به مبارزه در راه خواست های مشترك سیاسی جلب کرد. به دیگر سخن، چگونه می توان همان خصلت توده ای را که هر مبارزه صنفی در راست - و باید در آن باشد - در مبارزه سیاسی نیز حفظ کرد. و این البته کار ساده ای نیست.

حل درست و موفقیت آمیز این مسئله قبل از همه به سطح و درجه رشد مجموعه جنبش و به آگاهی، اردانی و نیروی پیشاهنگ جنبش وابسته است. به همین جهت در این زمینه امکان بروز دو انحراف وجود دارد:

۱- انحراف راست از جانب کسانی که مبارزه صنفی را مطلق می کنند و می خواهند جنبش دانشجویی را به مبارزه در راه خواست های صنفی محدود سازند.

۲- انحراف چپ از جانب کسانی که مبارزه سیاسی را مطلق میکنند و می خواهند از جنبش دانشجویی حزب خاصی یا ایدئولوژی خاصی بسازند.

در این جا البته صحبت بر سر بروز اشتباه در این هر دو زمینه نیست، که ممکن است در این با آن مورد معین از جانب مبارزان دانشجویی و حتی پیشاهنگ نیز روی دهد. مسئله بر سر برخورد اصولی به مائیت، حاصلت و و ایف جنبش دانشجویی است که ازین سیستم فوری سرچشمه می آید. بر این شالوده است که مظهر انحراف راست معمولاً عناصر سازشکار یا وابستانان به رژیم اند و مظهر انحراف چپ، عناصر زورهای تندرو و چپ نما.

تا همین گذشته نزدیک، چه روی در جنبش دانشجویان ایرانی انحراف عمده بود. این انحراف، به طور عمده، به صورت نفی مبارزه صنفی و نفی استفاده از اصانات علنی و طرح آن شعارهای سیاسی که یا فقط پیشاهنگ را جلب می کرد و یا در لحظه و مورد معین، اصولاً نامناسب و نادرست بود، روزی کرد. نتیجه این بود که اقدام محدودی مانند، پیروزی زینسی، به دست نمی آمد، تلفات بیشتر از اندازه لازم می شد و نگاه به رژیم برای سرکوب خشونت آمیز جنبش بیبانه می داد. . . . ولی از جندی بیشتر با منفرد شدن ضابطان عناصر منحرف، با تصحیح اشتباه عناصر اشتیبار کارولی صادق و با حسن نیت، با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، توجه به مبارزه

کنشانه شد و قشرهای وسیع تری از دانشجویان به مبارزه در همگانی شدن بیکار در تمامی دانشگاهها و تظاهرات گسترش در عمق را می توان از رشد آگاهی قشرهای هر چه انبوهتری از دانشجویان، در شورای خصلت ضد امپریالیستی و دموکراتیک مجموعه جنبش، در پختگی شعارها، شیوه ها و اقدام ها دریافت. و این غنا و باروری انقلابی در شرایطی است که شدت و دامنه ترور و اختناق و توحشر رژیم شاه - ساواک ایجاد می سابقه ای به خود گرفته است. بررسی علل این تکامل است که می تواند جنبش دانشجویی را با زهم به سطح عالی تری ارتقاء دهد.

### رشد آگاهی دانشجویان

آگاهی دانشجویان نسبت به گذشته افزایش یافته و همچنان روبه افزایش است. این واقعیت را در سه زمینه می توان مشاهده کرد:

۱- رژیم، ترور پلیسی را با عوام غریبی و حتی اقدامات معین رژیمستی در آمیخته است. در رژیم آن است که از یک سو با تهدید و ارباب و از سوی با تحبیب و تطمیع، دانشجویان را با به سوی خود جلب کند و با اقل به سکوت وادارد. ولی رژیم در هر دو زمینه با شکست قلمی روبرو شده است. ترور پلیسی با وجود تلفات و قربانی های فراوانی که به بار آورده، نتوانسته است مقاومت دانشجویان را در هم نشاند و جنبش دانشجویی را سرنگ کند. ناپاوری به امراضات آنگی شاهانه در میان قشر ای هر چه وسیع تری از دانشجویان گسترش می یابد و دانشجویان سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک و ایران بر باد، رژیم بیشتر از پیش می بیوند و برای مبارزه با این سیاست هر روز آمادگی بیشتری نشان می دهند.

۲- جنبش دانشجویی در ایران بر انحرافات و کجروی ها و اشتباهات درونی خود غلبه می کند. تا این زمان رشد از جمله در توجه به مبارزه صنفی و گزینش شعارهای مناسب صنفی، در پیوند دادن مبارزات صنفی و سیاسی، در انتخاب شعارهای مناسب سیاسی، در تلفیق مبارزات صنفی و سیاسی، در گسترش پیوند با توده های مردم در تظاهرات و متحد ساختن نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری می توان مشاهده کرد.

۳- آرایش به اندیشه ای سوسیالیستی و افزایش آشنایی این زایش راه در سطح و هم در عمق می توان دریافت. در سطح به این معنی که سوسیالیسم به عنوان تهناره زانمی برای نیل به تحول بنیادی جامعه به سود رزحمتکشان، برای ساختن جامعه ای آزاد و مستقر و فارغ از استثمار، فقر و جهل از طرف قشر ها پرده های هر چه انبوه تری از دانشجویان پذیرفته می شود.



استفاده از امکانات قانونی و علنی و شرکت در سازمان های موجود ساخته بابت کنترل رژیم به عنوان این که کوبا این روش انقلابی نسبت به مردم می شد، ولی با علیه بوجوبی ها، اینک به تدریج توجه به دوره گیری از امکانات قانونی و علنی و تلفیق مبارزه پنهانی و آشکار، افزایش می یابد. توجه به این مسئله امکانات جدیدی را برای گسترش جنبش دانشجویی به وجود آورده می آورد.

### پهوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق

جنبش دانشجویی، بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران است. در این واقعیت تردیدی نیست. ولی با تصدیق و تکرار این واقعیت، مسئله حل نمی شود. جنبش دانشجویی فقط زمانی واقعا بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلقی های ایران است که با مبارزه صنفی و سیاسی خود به تقویت و پیشرفت این نیرو خلقی یاری رساند. در این تنها هنگامی میسر است که مبارزه صنفی و سیاسی جنبش دانشجویی با ضافع و مصالح پیکار ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران منطبق باشد، که جنبش دانشجویی از خواست ها و مبارزات سایر طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و دموکراتیک را از خواست ها و مبارزات خود جلب نماید. به دیگر سخن فقط حفظ و تحکیم پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی است که می تواند هم برای حفظ و تعمیق خصلت پیکار حویانه و انقلابی جنبش دانشجویی و هم برای پیروزی مبارزه صنفی و سیاسی آن، تضمین جدی و واقعی باشد. علاوه بر این اگر در دست است که تا من رهبری طبقه کارگر در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک، پشتوانه ظفر نهایی و قطعی جنبش و تعیین کننده تکامل آن است. جنبش به سوی سوسیالیسم است، آنگاه جنبش دانشجویی نیز به عنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باید رهبری طبقه کارگر را بپذیرد و برای تحکیم پیوند با جنبش کارگری بکوشد.

در گذشته ضمن این که در لزوم پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی ابراز تردید نمی شد، بروز برخی پدیده های انحرافی صنفی و ناسالم و عطلا این پیوند را در خطر سستی و کسختی قرار می داد. طرح شعارها و دست زدن به اقداماتی که نتوانست پشتیبانی خلقی را جلب کند و اصولا عدم توجه کافی به جلب حمایت مادی و معنوی خلق از جنبش دانشجویی، عدم توجه کافی به پشتیبانی صنفی از مبارزات طبقات و قشرهای مختلف مردم انراق در رسانت تاریخی، عدم برداشتن جنبش تا حد نفی نقش رهبری طبقه کارگر، از جمله نمودهای عوامل بروز این خطری بود. اما نیرو و روشهای تجربه، اثرات شگفتی انگیزی پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی را نشان داد. بهترین جلوه این واقعیت اعتراضات و نظارهات چند روزه در شهران به سال ۱۳۴۸، علیه گرانی بلیت اتوبوس، و در هفته های اخیر حمایت توده ای از شعارها و مبارزات دانشجویی و پیوستن مردم

گاهی توده های دانشجو، به کشاندن آن ها به مبارزات احتمالی و به شکل آنها کمک می کند. آنها در پیوند کسبه چگونه مبارزه صنفی در شرایط تورم و اختناق می توانند به سرعت به مبارزه سیاسی تبدیل شوند و تبدیل هم می شود. آن ها پیش از پیشتر لحظه مناسب را برای طرح شعارهای سیاسی مناسب و تلفیق آن با شعارها صنفی، مناسب می گیرند و از آن با مهارت بهره می گیرند. پیوند دادن اعتراض به خرید اسلحه از آمریکا بند و بست با کنسرسیوم غارتگر، با خواست لغو حق ثبت نام در کنکور های عمومی و اختصاصی، اعتراض به شهریه های سرسام آور و تورم عاثن سازمان امنیت و گارد از ساخت دانشگاه در سال های پیش، و اعتراض به انحلال انجمن ها و تعاونی ها و تشابهات های دانشجویی و آمیختن آن با خواست های توده ای آزادی، علم، دو اجتماعات و محکومیت خود کاهکی است. در آزاد و پدید آمدن سیاسی در سال جاری انعکاس از این واقعیت است.

درستی و نادرستی چنین روشی را در گسترش جنبش دانشجویی در مبارزه به خاطر خود استیابند این می توان مشاهده کرد.

### تلفیق مبارزات صنفی و سیاسی

در شرایط تورم و اختناق ضرورت وجود سازمانهای صنفی، حتی است. بدون سازمان صنفی هیچ مبارزه ای از پیش نمی رود. در همان حال استفاده از امکانات قانونی و علنی برای پیشبرد مبارزه، نیز تردیدناپذیر است، چرا که بی این بهره گیری، امکان تأثیرات توده ها، امکان تجهیز و تشکل و به مبارزه کشاندن توده ها به حداقل تقلیل می یابد. و این گسترش مبارزه است. نکته دیگر این که در شرایط تورم و اختناق، سازمان های صنفی علی الاصول سازمان های سیاسی هستند. برهان این امر، در تلفیق مبارزات صنفی این سازمانهاست. اما سازمان های توده ای باید علنی باشند، چرا که در غیر این صورت گستره و خصلت توده ای خود را از دست می دهند. آزمون های بی شمار به اثبات رسانده است که رژیم تورم و اختناق حتی فعالیت صنفی سازمان های توده ای، در صورتیکه راکه لبه های تیر آن ساقیده شده، متعلق نمی کند. چه سال که این رژیم سیه و ترسان، هرگز فعالیت صنفی را مشروع و کند، مانند سالهای پهلوی کودتای ۲۸ مرداد، و در اوضاع و احوالی که مجبور می شود، فقط به سازمان های توده ای ساخته خود بابت کنترل خود اجازه فعالیت صنفی می دهد (مانند وضع کنونی). در چنین شرایطی وظیفه سازمانهای سیاسی صنفی و مبارزان انقلابی است که در عین مبارزه برای تشکیل سازمانهای توده ای صنفی، در سازمان های موجود، و لو آن که ساخته رژیم و بابت کنترل آن باشند، فعالیت شرکت کنند و از تمامی امکانات این سازمانها برای دفاع از منافع توده ها، برای آگاه ساختن آن ها، برای تجهیز و تشکل آنها و برای جلب آنان به فعالیت انقلابی استفاده کنند.

در جنبش دانشجویی ایران در گذشته ای نه چندان دوره

با ترور پلیسی، برای افشاء عواضی بی‌های رژیم، برای غلبه بر موانع عینود هنی، برای از میان برداشتن تمامی آثار، پدیده‌ها، افکار و اعمال منفی در درون جنبش دانشجویی، هنوز نیاز به تلاش فراوان است، ولی آنچه در این مرحله امید انگیز و نیروبخش است، این که جنبش دانشجویی ایران، در پیج و خم مبارزه، راه خود را به پیش می‌کشد، هر روز توان بیشتری می‌گیرد و به سطح عالی تری ارتقا می‌یابد.



بزرگ تیا در تظاهرات ۱۵ آذر، یکروز قبل از شهادتش.

دانشجویان در روند گسترده تظاهرات و اعتراضات خیابانی بود. این که تظاهرات اعتراضی علیه کراتی بلیت اتوبوس علی رغم ترور پلیسی پیروز شد و این که تظاهرات هفته‌های اخیر دانشگاه در پیوند با کوجه و بازار و در پر تو شمارهای ضروی و مناسب‌روز، که دانشه بی سابقه و شورانگیزی یافته است، دلیل محکم بر تأیید این واقعیت است که در برابر جنبش همگانی و متحد خلق، هیچ نیرویی قادر به مقاومت نیست. بر بنیاد همین آزمون‌ها و غلبه بر پدیده‌های منفی است که پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق بیش از پیش تحکیم می‌یابد و در رنمای ستیزه و قیام‌های همه‌گیر و انقلابی خلق نزدیک تر و روشن تر می‌شود...

### اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و همدیگاتوری

نشئت فکری و تفرقه‌سازمانی بین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، در جنبش دانشجویی نیز بازتاب یافته است. وجز این گزیر و گویزی نیست. چه بسا - به دلایلی معین - این نشئت و نفاق در جنبش دانشجویی آشکارتر و شدیدتر عیان می‌شود. آن عواطفی که در بروز این نشئت و پراکندگی و حفظ آن دخالت دارند، یعنی ضعف عمومی جنبش، ضعف عمومی حزب طبقه کارگر، ضعف عمومی سازمانهای اپوزیسیون غیر پرولتری، فقدان آزادی‌های دموکراتیک، فعالیت نفاق افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم و ارتجاع، آنتی کمونیسم و غیره، در جنبش دانشجویی هم درست‌اند و کاربرد.

این که این تفرقه و فاصله و ناسازگاری تاجه حد برای جنبش دانشجویی زیان بخش است - و تاکنون چه لطماتی به آن زده است - و این که شرط اساسی هر موفقیت و پیشرفت واقعی، تاهین اتحاد تمامی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش دانشجویی است، نیازی به تأکید ندارد. در برخورد با این واقعیت است که تلا شرا میدبخشی ارجانب مبارزان صدیق و آگاه دانشجویی برای تاهین اتحاد در داخل نهضت دانشجویی صورت می‌گیرد. و اگر درست است که پدیده مثبت و منفی در یک بخش از جنبش می‌تواند به بخش‌های دیگر جنبش نیز منتقل شود، آن وقت تلا ش برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در داخل جنبش دانشجویی و موفقیت در این زمینه می‌تواند منشا آثار مثبت و حاصلخیز در سایر بخش‌ها و در مجموعه جنبش خلقهای ایران گردد.

دشمن مردم حيله گر و قسى و پهنیبانان آن آزمند و زور مندند. تنها بازوهای متحد همه مخالفان رژیم می‌تواند چنین دشمنی را درهم شکند. تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی بهترین «ارمغان» به این رژیم است. در راه وحدت عمل همه نیروها و عناصر ضد رژیم از هیچ کوشش و نرمشی دریغ نکنیم!

همکاری همه نیروهای ضد دیکتاتوری در یک جبهه واحد تحت شعار سرنگونی استبداد و رژیم ترور و اختناق تعدد اشکال مؤلف و تمر بخش مبارزه انقلابی چنین است مقدمات ضروری برای پیشرفت و پیروزی جنبش ضد استبدادی در موهن ما.

### جنبش دانشجویی راه خود را می‌کشد

بر شالوده این بررسی اختصاری، می‌توان به بازگویی این نتیجه پرداخت که جنبش دانشجویی ایران به رغم ترور پلیسی و عواضی بی‌های رژیم شاه - ساواک، و با وجود مشکلات عینی و ذهنی که در برابر خود داشته و دارد، گسترش می‌یابد و وارد مرحله کیفی نوینی می‌شود. روشن است که برای مقابله





# نویسد

(وابسته به حزب دوده ایران) شماره ۱۲ - شنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۱

## فضای سیاسی ایران در حال باز شدن است؟

مفایر نص صریح و نهی اساسی و نیز خودکامی و بی پروایی عله و اگره رژیم در همه بیع حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی اعتراض کرده اند و هجوم گزافهای شاه به اجتماع سلامت آمیز مردم در روز جشن عید قربان در کاروانسرا سنگی و هوش چماق به دست ها و جاف کشتار و در عینان حکومت با لباس مدل به دانشجویان و استادان دانشگاهها و ضرب و شتم آنان و تاختن به اجتماعات و تظاهرات و تهمی که رنک اعتراض دارد و به راه انداختن تظاهرات قلابی از ماموران و سرسپردگان و کاسه لیسان رژیم بسا بقیه در صفحه ۲

آیا رژیم آماده باز کردن فضای سیاسی ایران می شود؟ سوال روز این است.

در حقیقت تظاهر می کند که می خواهد کبوترهای صلح و آشتی را به پرواز در آورد. چار و جنجال و کوس و کرنای کماشکنان و قلم به مزد ها و مشاطه کران و جناح داران حزب بی سیاه شاه و به این توهم دامن زده است. زود باوران باشوق و شمع در تدارک حشمت دموکراسی اند. و در این آشفته بازار رژیم یکی به نعل می زند و یکی به میخ و بادست پس میزند و با پا پیش می کشد و یک بار چماق نشان می دهد و روز دیگر گلچین می زند و بر عظمت وعده های شیرین خود می افزاید.

در این فضای اندک بفرخ است که حوادث و وسایل به هم تاب خورده روزهای اخیر ایران در خور تحلیل و بررسی و نتیجه گیری است.

اگر وعده های کارگزاران رژیم در باره دموکراسی بی مایه و بوج و صرفا حائز اعتبار تبلیغاتی است، پس حرکات های خفیف اما به هرحال قابل توجهی که در زمینه محول کردن پاره ای از امور مربوط به اتهامات سیاسی که تا کنون فقط در حوزه اختیارات محاکم نظامی بود، به دادگستری، محدود شدن شکنجه و سلاخی بی بند و بار در عینان شاه در بیخوله های اوین و کیمته، امتناع از هجوم عینی و فیزیکی به جمعیت ها و گروهها و انجمن ها و سازمان های صنفی و سیاسی که بی رسم حزب در مبارزی اعلام موجودیت کرده اند، بر عیز از آزادی و تعقیب و تروور نویسندگان و انتشار دهندگان انواع اعلامیه ها و بیانیه های ایشاکر و مخالف و پرخاشجو که این روزها دست به دست می کردند، و حرکات و رکنه های نامرئی تری بر این روال را چگونه می توان توجیه کرد؟

و اگر این عوامل و عناصر را به عنوان نسیم تازه نمی تلقی کنیم و برای این حرکات های کهرنگ، محتوایی قابل شویب و در این صورت بسیاری از حوادث روزهای اخیر به شکل یک علامت سوال و در برابر ما باقی خواهد ماند: حوادثی که جوهر خالص تروریسم در آن می جوشد، اما نحوه و ظاهر آن نگاه عرض شده است.

قانون جدید دادگستری که قوه مجریه را عطا به صورت یکی از بازوهای قوه اجرائی در می آورد و استقلال آن را نقض می کند، ته قیب و آزار و یونکاری قضات دادگستری که به این رویه

### جنبش دموکراتیک ۲۱ آذر

صفحه ای در نشان در تاریخ نهفت انقلابی ایران

در تاریخ نهفت رهنائی بخش معاصر مین ما ایران که سرشار از رویداد های فراموش نشدنی است، جنبش ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ در آذربایجان مقام ویژه ای دارد. بهمین دلیل ۲۲ سال است که نیروهای مترقی خلق آذربایجان و دیگر خلق های ایران با شهر و علاقه از این نهفت یاد میکنند و آن را جشن می آورند. باز بهمین دلیل می و یک سال است که دستگاه ساکده ارتجاعی ایران در سالنگرد مرکوب این جنبش و آذربایجان، گوشخراش تو معرکه میگستراند.

بقیه در صفحه ۳



صحنه ای از تظاهرات زحمتکشان آذربایجان در دوران یکساله حکومت خلق در آذربایجان.



فضای سیاسی ایران ...

نام کارگران، اولیای دانشجویان، اصناف و غیره در زیر چتر حمایت جماعت داران و کماندها... و از این همه بارزتر، رویه فاشیستی تعطیل دانشکده ها و کلاس های دانشگاه ها و انحلال ترم و تهدید به تعطیل دائمی با طولانی آن دسته از مدارس عالی که کانون حوش و مقاومت علیه اردوستانه استبدادی است، همه و همه اجزاء سیاست قدیمی سرنیزه و اختناق و توروندگی از دیدگاه محتوای عمده رژیم شاه - ساواک را تشکیل داده و میدهند طرح این دو جنبه خصلت و ماهیت رژیم که هر دو با دلایل ملموسی تأیید می شوند، اگر با روشن بینی همراه نباشد، هیتواند به دو برداشت نادرست بیانجامد.

۱- رژیمه راستی خواهان دادن آزادی به مردم است و پس از سالها حکومت مستنده که خشن ترین شیوه تور و شکنجه و حذف و احیاء مخالفان، عادی ترین سلوک آن بوده است، متقاعد شده که باید در نتیجه را باز کند، تا هوای تازه بپاید.

۲- هیچ يك از عقب نشینی ها و تغییر شیوه های رژیم محتوا و معنی واقعی ندارد و عالماً و عامداً انجام شده، این مانورها و تظاهرات تنها شکرهای تازه ای برای فریب مردم است، چیزی که آب از آب تکان نخورده، عناصر تور و خشونت و ارباب و بیوروش و سانسور و قانون شکنی، در سر جای خویش است و درگاه لا زم آید به کار می افتد. تنها بعضی شیوه ها جای خود را بیهوده های دیگری داده اند.

هم آن برداشت نخستین و هم این نظر بد بینانه دوم، دارای عناصر و اجزاء حقیقی زیادی هستند، اما هر دو در نهایتاً تحرافی و ناگزیر گمراه کننده اند.

اگر نظر اول را درست بپذیریم، دچار این توهم شده ایم که سیاست تور و دولتی و جماعت وزندان و جنگ و دندان که جانمایه رژیم شاه است، نه از خصلت و سرشت آن، بلکه از سلیقه و خواست مهره های اصلی رژیم ناشی می شود. یعنی این افرادند که تا کجا خواب نما شده اند که تغییر قیافه بد دهند و به جای ماسک صیغضب نقاب آزادیخواهی به چهره بزنند. در حالی که ما می دانیم سیاست و عملکرد و آئین های حکومتی رژیم، بازتاب مستقیم ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک آن است. قشرهای هیات حاکمه ایران به سبب پیوند های عمیق و همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی، فساد پر دانه ناشی از استبداد سلطنتی و فاصله روز افزون با مردم، در ورطه جنسان تضاد های عمیقی افتاده اند که برای حفظ موجودیت خود چاره ای جز توسل به مضموح ترین و در عین حال غریبان ترین و پوی دروغها توین شیوه های خشونت و زور ندارند. و «رجه پایگاه های رژیم تنگ تر می شود، این خصلت و ذات ضد توده ای، عمیق تر و فساد و تباهی درونی آن بیشتر و سرسپردگی و تسلیم در برابر امپریالیسم مشهود تر می پرواتر می شود. محال است رژیم که تا این حد وابسته و ضعیف و عقب مانده است بتواند و بیاخواهد تا حدی این مابیت و سیاست، به میل خود حرکت هایی در جهت

گسترش فضای سیاسی و احیای حقوق مردم و کم رنگ کردن فضای اختناق کشور داشته باشد. از قدیم گفته اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست». در این پیام حکیمانه، رابطه دیالکتیکی فرم و محتوی، رابطه شیوه ها با مضمون و عناصر درونی هر پدیده و پروسه، به وضوح بیان شده است.

اما اگر به برداشت دوم بپردازیم و هر نوع حرکت و تغییر شیوه رژیم را به کلی فاقد مضمون و جوهر حقیقی ارزیابی کنیم، باز هم به بیراهه می افتیم. با چنین استنباطی مای آن که خود بخواییم از رژیم یک قدر قدرت، یک غول ابدی می سازیم که هیچ حربه ای به تن او کارگر نیست و هرفشار و نیرویی را به آسانی خنثی می کند. بدینسان مردم و نیروی اراده و کوشش آن ها پیشاپیش در برابر سد سنگین رژیم هیچ روزنه ای به موفقیت نمی تواند بکشد.

اشتباه فاحش چنین فرضی در خود آنست، یعنی رژیمی که در بن بست تضاد های درونی و بیرونی اش، پویشان و سردرگم شده، رژیمی که فساد، ارتشاء، نالایی، خیانت و قساوت و ترس و بند بند وجود آن را تشکیل می دهد، رژیمی که نه در خدمت ضرورت های ملی و نیازهای واقعی اجتماعی، بلکه غلام و ارباب آستانه امپریالیسم جهانخوار پیشانی می ساید و همه امکانات سرشار مادی و فرصت های تکرار نشدنی ما را زیر پای این ارباب ندار و سیری ناپذیر قربانی می کند، نمی تواند ابر قدرت و قسوی شوکت و شکستناپذیری باشد. چنین مخلوق بی تکیه گاهی، تو خالی و متوسک صفت است، پهلوان پنبه ای است که ضعف و فقر خود را در لابلای ادعاهای بزرگ و در پرده ظاهرسازی های رذیلانه می پیچد.

با رد دو نظر فوق، ما پا در «واریاتی نمی مانیم، بلکه تازه به مرکز منطقی استفتاح و استدلال خود می رسم و مرزها و میزان واقعیت حرکات و دعاوی رژیم را می شناسیم.

این نظر که رژیم به میل و اعتقاد خود در باغ سبز نشان می دهد و آزادی را بایه ها و وریده و چار و جنجال، برای سلطنت ضروری شمارد و وانمود می کند که قدم به قدم آن را به طاعت ارزانی می دارد، در رقی است به دانه زشتی و پلیدی خود رژیم. اما این ندکه هم درست است که رژیم به ناچار از مواضع خاصی چشم پوشیده و به گذشت های انرجه ناچیز، کم رنگ و کم محتوا، تن داده است. این گذشت به خاطر احسان یا تمایل کارگزاران رژیم نیست، بلکه عقب نشینی لاعلاجی است در برابر فشار فزاینده ای که بر او وارد می آید و هر روز تحمل آن دشوار تر می شود. عقب نشینی در برابر شکست های متوالی که در عرصه های داخلی و خارجی نصیب رژیم و تکیه گاه عمده آن امپریالیسم جهانی می شود. و گونه از قدیم گفته اند: «توبه کز کرم است» توبه دیکتاتور هم فقط سست لحد است.



در باره ای از محافل و حتی در ذهن برخی از عناصر ملی و ضد دیکتاتوری این تصور وجود دارد که «تپ نشینی نسبی رژیم

بر اثر فشار عوامل خارجی و مشخصا اشاره سیاستمداران کاخ سفید و واشنگتن است. اینان به ادعاها و شایعات و تبلیغات استی که اخیرا کاخ سفید نشینان یانکی درباره حقوق بشر ساز کرده اند، دلخوش گردانده و از آن نتیجه می گیرند که گویا "گره شده عاید و صلحمانا" و امپریالیسم دشمن خلق ها که از این آینه دگر سیاستها و شیوه های نامعاصر و ضسوخ سرنیزه و زور متوحش شده، به سه پاران و همراهان و گماشتگان خود تغییر این روشها و شیوهها را توصیه می کند حتی آن ها را برای این تغییر و تحول زیر فشار می گذارد.

جزء کم رنگی از واقعیت که در این برداشت وجود دارد، در زیر انبوه عناصر انحرافی و غیر واقعی آن کم و یاسخ شده است. نخست باید این اصل را دریابیم که عامل اساسی تغییر و تحول در جامعه ما نیروها و عوامل خارجی نیست. سیر طبیعی تکامل جامعه ایران تاثیر گذاری بسیاری از اسلوبها و سیاستهای قدیمی را از بین برده است. در جامعه امروز ما طبقه کارگر - این موتور محرک تحولات ژرف اجتماعی - مدتهاست که از مرز ه میلیون نفر گذشته است. وجود بیش از ۱۰ میلیون حاصل و ۲۰۰ هزار دانشجو در رابطه با کمیت و کیفیت مناسبات تولیدی جامعه هر وقت آن، اثبات این واقعیت است که شرایط مادی و بالقوه سلعدی برای هرگونه تحول عمقی فراهم است. در چنین اوضاع و احوالی، حکومت مطلقه فردی که لازمه اش محو تمام دست آوردهای دموکراتیک و سرکوب اراده و نظارت ملی بر حیات مادی و معنوی جامعه است، به صورت یک پدیده تصنیفی، تحمیلی و سد کننده هرنوع پیش و پیشرفت درمی آید. عناصر ترقی و فرهنگ و رشد و شکوفایی، با فشار کج کننده ای می خواهند پوسته استبدادی را که با مضمون واقعی و درونی جامعه هر وقت طبیعی جهان هماهنگ و هم جنس نیست، بشکافند. زلزله های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، به این ترتیب نیروگاه خود را می یابند. در متن چنین شرایط سلعدی است که جهان نیز گرفتار زلزله های شدید تری شده است. توازن قدیمی قدرت به هنجورده، نیروهای صلح و سوسیالیسم در پیوند با جنبش های آزادی بخش ملی و احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای سرمایه داری، به صورت نیروی تعیین کننده جهان معاصر در آمده اند. پیروزی درخشان در ویتنام و لائوس و آنگولا و یک مجموعه دگرگونی و تحول در کامبوج، اتیوپی، کینه بیسائو، موزامبیک، کنگوی برازایل، پرتغال، سالازار، اسپانیای فرانکو و یونان سرهنگان و غیره در مدتی کوتاه، امپریالیسم را دچار خفقان کرده، به تغییر شیوه های قدیمی واداشته است. مسیّت بر ادعای دفاع از حقوق بشر کارتر، گوشه ای از این تلاش سه خاطر نوکران، قابل قبول کردن، برگرداندن آب رفته اعتبار امپریالیسم به جوی و دفاع و تهاجم جدید علیه نیروهای پیشرونده صلح و ترقی و آزادی است. به این ترتیب آن عامل نهایی که در سطح جهانی علیه حکومت های نظیر رژیم شاه عمل می کند و آن ها را به تغییر شیوه و حتی عقب نشینی وامی دارد، نه بشمر



دوستی به سبک آفای کارتر، بلکه شرایط نوین جهانی تحت تاثیر دست آورد های پرغنائی انقلابی جنبه متحد سه نیروی پیشتاز عصر ما، ارد و گاه سوسیالیسم، جنبش های آزادی بخش ملی و جنبش های کارگری و کمونیستی کشورهای سرمایه داری است. و چنین روندی است که در رابطه با عامل بنیادی تر، یعنی تحولات درونی جامعه ایران، هر روز ضرورت پر توان تحول و تغییر را مانند چماق بر فرق رژیم ارتجاعی رو به زوال شاه می گوید.

با این بررسی اختصاری نباید متقاعد شویم که در شرایط سلعد داخلی و خارجی، روند تحول در جامعه ما به گشایش تدریجی درجه های سیاسی و محدود شدن لحظه به لحظه فضای اختناق می انجامد. چنین یقینی می تواند خطرناک باشد و ما را از احتمال یورش ناگهانی رژیم غافل نگهدارد. جمع بندی تجربیات گذشته و حال نشان می دهد که رژیم به همان نسبت که در تنگنا می افتد و فشار بیشتری را تحمل می کند، از روش های موزیانه تر و از توطئه ها و دغلها و مانورها و صحنه سازی های گمراه کننده تری بهره می گیرد:

فرباد دادن نیروهای مبارز از راه ضحرف ساختن آنان از هدف اساسی مبارزه و متوجه ساختن آنها به برخی تغییرات سطحی و بدون ریشه، برانگیختن عناصر یا برخی از نیروهای هوادار آزادی علیه عناصر و نیروهای دیگر جنبه خلقی، تضاد گفتار با کردار (در گفتار خواستار آزادی و در کردار جلا دآن)، هجوم به برخی جنبه ها و مواضع ویا پاره ای از شخصیت های ملی و مبارز برای ارباب و باحد اقل ارزبایی و اکتش تمام جنبه مخالف و آمادگی هوشنگی برای یک هجوم گسترده، در صورتی که مواضع اساسی رژیم به خطر جدی افتد، همواره باید در مد نظر مبارزان و **اگاهی** شالوده ای در محاسبات آن ها باشد.

رژیم شاه می داند که هرگاه عقب نشینی او هر قدر هم کسه محتوای آن ناچیز باشد - تهدیدی جدی برای کل موجودیتش را تدارک می بیند. رژیمی که خود سد هرنوع حرکت و پیشرفت است و در ضحلاب فساد، دزدی، غارتگری بی حساب، بنده و بست، قاچاقچیکری، دلالی امپریالیسم غوطه می خورد، میدانند که هر زره آزادی و به رسمیت شناختن "هرجز" از حقوق پایمال شده مردم، کمکی است به افشای بیشتر جنایات و وطن فروشیها و دروغ و دغل های شاخدار و سیاست ایران بر بادده و سرانجام رسوایی و بی آبرویی آن. هوای تازه موسیو هارا فرو می ریزد، آزادی رژیم های استبدادی و مطلقه را، رژیم شاه نه توان و نه ظرفیت آن را دارد که به گسترش و تعمیق آزادی واقعی در ایران یاری رساند. هوآرمان دموکراسی و هرنوع جنبش واقعی بسا و باز کردن فضای سیاسی ایران و پاکیزه کردن آن، پیوند اجتن ناپذیری با ساقط کردن دار و دسته دیکتاتور تاجدار دارد. تا وقتی این بخت که خود ضایع کننده و غارتگر آزادی مردم است، به روی میهن ما افتاده، هر صحنی از آزادی و پیشرفت واقعی، **باقیه در صفحه ۸**







## اعتصاب کارگران بنز خاور

# جنبش‌ها ومسائل کارگری

بیش از ۲۵۰۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند صنایع بنز خاور (واقع در جاده کرخ) از روز پنجم آذرماه جاری اعتصاب یکپارچه‌ای را آغاز کردند. کارگران در نخستین روز اعتصاب در کارخانه حاضر شدند، اما کارنکردند. اما در روز دوم به دستور کارفرما و یانسانی ساواک درهای کارخانه را به روی آن‌ها بستند. کارگران اعتصابی به کوی دستمزدها، عدم پرداخت سود ویژه و عدم اجرای طرح طبقه بندی مثلثی اعتراض دارند. آن‌ها می‌گویند مجموعه درآمدهای که در قبایل کار شاق می‌وقه بیش از سلامت به آنها پرداخت می‌شود، حتی برای سیر کردن شکم آنان و خانواده‌هایشان و تامین ارزانه‌ترین پوشاک و بیغوله‌ای که پناهگاه و مسکن شان باشد کافی نیست. آنها به کارفرمایان خود اعلام کردند، اندکی، فقط اندکی، از سود سرشاری را که از قبیل استثمار ما می‌برید، به خودمان برگردانید.

شعله اعتصاب نخست در نیمه آذرماه گذشته در کارخانه بنز خاور (سازنده مینی بوس و کامیون و اتومبیل‌های مختلف) شعله‌ور شد، اما کارفرمایان با انواع حیل و تزویر کارگران را به از سر گرفتن کار و شکستن مقاومت اعتصابی شان واداشتند و به آن‌ها قول آئید دادند که درخواست‌هایشان را حداکثر تا ۲۰ روز بعد اجابت خواهند کرد. اما پس از سر رسید مهلت، با نهایت بی‌پروایی و بی‌شرمی به کارگران اعلام داشتند که به هیچ یک از خواست‌های حقه آن‌ها تن نمی‌دهند و برای آن‌ها راهی جز بازگشت معقول به سر کارشان باز نیست.

کارگران اعتراض کردند. مسئولان به تهدید متوسل شدند و سرانجام اعتصاب به عنوان آخرین جاره در برابر اجحای مسلم و برخاستن و تهاجم توهین آمیز و وقیحانه کارفرمایان در گرفت. روز شنبه دوازدهم آذرماه واند اره‌هایی که کارخانه را محاصره کرد، و مانع ورود کارگران به داخل کارخانه بودند، برای ارباب اعتصاب‌کنندگان و به اصطلاح زهر چشم گرفتن از آنها، تعدادی از کارگران را در برابر چشم دیگران به باد کتک گرفتند و به شدت ضروب کردند. افسروان درمی که در نقش دروخیم به جان کارگران افتاد، می‌خواست برای بقیه درس عبرتی بسازد. پس از آن اعلام شد که کلیه ناربران کارخانجات بنز خاور مستعفی شناخته شده‌اند و کارخانه برای دوره جدید کار خود از کارگران جدید نام نویسی می‌کند. شرط اولیه نام نویسی امضای ورقه‌ای بود که به منزله تعهد کتبی کارگران برای چشم پوشی از افزایش حقوق و سود ویژه و دیگر خواست‌های حقه صنفی شان بود. اقدام اشتراک و ردیلا نه مسئولان کارخانه و ماموران شاه علیه کارگران، این واقعه را که محرک صنفی و حق طلبانه، هر دو خواست اصولی و مطالباتی با جماع حکومت مواجه خواهد شد، به طور عریبان به کارگران نشان داد. عده‌ای از کارگران می‌نفتند:

— ما که علیه حکومت شور و خیز کرده ایم.

و گروهی به اینان پاسخ می‌دادند:

— همه شان سر رفته یک کرباسند. حکومت پشتیبان سرمایه دارها و زورفردان است...

این چچه چچه‌های پراکنده، به اشکال مختلف در تمام روزهای اعتصاب بین کارگران شنیده می‌شد. اعتراض صنفی و مطالباتی کارگران که در روز اول با امید به احسان و بیاری رژیم همواره عواضریبانه و ریاکارانه خود را حای کارگران و کارگران رهاشتیبان خود قلمداد می‌کند، چشم دوخته بود، به تدریج با این واقعیت برخورد کرد که در شرایط اختناق و استبداد و استیلا سرمایه، هر اعتراضی علیه کارفرما، اعتراضی علیه رژیم است و برای مقابله با رژیم چنین حیار و نزد کارگری تنها سلاح کارگران تشکل و سازماندهی مبارزات صنفی و سیاسی است.

### اعتصاب کارگران کارخانه ایسم تبریز

در اوایل ماه گذشته کارزان کارخانه ایسم تبریز دست به اعتصاب زدند. خواست کارزان افزایش دستمزدها و ناچیزشان به میزان ۱۵ تا ۲۰ درصد بود. کارزان با این اقدام جمعی و یکپارچه خود موفق شدند کارفرما را وادار به پذیرش خواست حقاتی خود کنند.

### اعتصاب در کارخانه سپان دماوند

کارگران این کارخانه روز چهارشنبه ۱۸ آبان ماه به خاطر عقب افتادن پرداخت دستمزدها و ناچیزشان دست از کار کشیدند و کارفرما که خود را در برابر صفت یکپارچه و عزم حقاتی کارزان ناتوان می‌دید پس از چند ساعت مجبور به پرداخت دستمزدها و عقب‌انداختن کارگران گردید.

کارگری می‌گفت:

— همین! وقتی ما با هم هستیم می‌توانیم حقان را بگیریم و این نشان می‌دهد که نیروی ما تنها در تشکل ماست و تنها با نیروی جمع می‌توانیم به خواستمان برسیم.

## بازداشت به آذین و هجوم به اعضای کانون نویسندگان

توربسم دولتی در لیبرتازمه هرچند گاه در گوشه‌ای از جامعه رخ می‌نماید. جلوه و قبحانه این نوربسم رسمی این بار در یورش ما موران شاه به خانه محمود افتخارزاده (به آذین) نماینده برجسته فرهنگ پیشرو ایران و نویسنده و مترجم سرشناس و ضرب و شتم در منشانه هما ناطق استاد دانشگاه و آزادیخواه معترض رژیم و نیز نعمت میوزازاده شاعر معروف که هرسه از اعضای کانون نویسندگان ایران هستند، بروز کرد. بازداشت به آذین ظاهراً انتقام ساواک از کانون نویسندگان و زهر چشم گرفتن از فعالین آن بود. نویسنده آزادیخواه ایران همراه پسرش بی هیچ دلیل موجهی بازداشت شد؛ ماموران باغچه خانه او را شخم زدند، خانه اش را زیر محو کردند و از کار آتشیز خانه، سیخ کباب و جوب‌های ایل در ختان باغچه به منظور یت پرورنده سازی سخیف عکسبرداری کردند تا این ادعای مضحک را که به آذین محرک تظاهرات اعتراضی اخیر خیابان‌های تهران بوده است، به پیشانی او بچسبانند. اما بر اثر فشار نیروها و عناصر ملی و سپین پوست در داخل و خارج کشور و محافل فرهنگی و هنری سرانجام رژیم ناکزیر به آزاد کردن به آذین و فرزند او شد. رژیم رسوا می‌دانست اگر به آذین در حکمه ای که او ترتیب داده، حاضر شود، دادگاه تبدیل به تریبون برای افشای جنایات و رد ادبای و قانون شکنی‌های خود رژیم خواهد شد. از این رو به آزادی او تن داد، اما روز آزادی راهبر و ز به بهانه دستاویزی مضحک عقب انداخت و سرانجام برای آزادی عضو هیات رئیس کانون نویسندگان و پسرش یک و شقیه ۱ میلیون تومانی خواست. این وثیقه کم سابقه در دادستری اگر چه سنگ بزرگی بود، اما به همت جمعی اعضای کانون به سه ساعت از پیش‌پا برداشته شد و به آذین ساعت هفت و سی دقیقه بعد از ظهر چهارشنبه ۱۶ آذر ماه از زندان محض راهی خانه خود شد. از این بازداشت مقتضی عقب‌گرد ناکزیری که در پی آن بود، رژیم جز رسوایی بیشتر و زخم راسخ تر و شنفتن و هتس میدان ایران در راه ارجحندی که در پیش گرفته اند، نتوانست نیورد.

امافه احت رویه تجاوز کارانه ماموران رسمی رژیم در ماجرای هما ناطق و نعمت میوزازاده ابعاد ننگین نوری داشت. جصاق به دست‌های ساواک است این دو چهره فرهنگی را در برابر دانش‌آه آریامهر مضروب کردند و وقتی کار شکایت آن‌ها به کانتوری کشید، ماموران کانتوری، شبانه آنان را به بیابان‌های دربان نیز بردند و مورد ضرب و شتم و تحشیانه و خداشی و نامزد نوری قرار دادند. وانز مردم محل سرنرسیده بودند، محک و نیوده این استاد دانش‌آه و این شاعر معترض از ضربات همان ماموران به نوری‌ها به در می‌دیدند.

## احیای جنبه ملی با شعار اتحاد همه نیروها...

جنبه ملی ایران دوره جدید فعالیت خود را در داخل کشور با انتشار اعلامیه ای که در آن هم‌منیروها و سازمانهای سیاسی خواستار آزادی و استقلال ملی ایران به همکاری و اتحاد در یک جنبه وسیع توده ای دعوت شده اند، اعلام کرد. این اعلامیه با امضای احزاب "جامعه سوسیالیست های نهفت ملی ایران"، "حزب ملت ایران" و "حزب ایران" انتشار یافته و در آن تاکید شده است که "این سه حزب و جمعیت سیاسی که همگام باید یکدیگر در دوره شکوفایی مبارزه میهنی از سازندگان جنبه ملی ایران بوده اند، باید یکدیگر احیای این جنبه را به گونه سازمان داده کننده نهفت ملی ایران ضروری دانسته و اتحاد خود را زیر این نام اعلام می‌دارند".

اعلامیه اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران در افشای ماهیت رژیم غدار و ضد خلقی شاه - ساواک تصریح کرده است که "در این ۲۴ سال، کردارهای نادرستی که زائیده سرشت دست‌نماها ستبداری می‌باشد، جز در هم ریختگی ساخت جامعه ما ره آوردی نداشته و برنامه های انقلاب ادعایی پس از پانزده سال ائتلاف وقت به فزونی تنگ‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور و در نتیجه به سلطه بیگانه در همه زمینه های حیات ملی انجامیده است." جنبه ملی ایران آرمان های مبارزاتی خود را در پرتو این شعارها تفسیر کرده است:

"مابرای رهایی ایران از هرگونه سلطه بیگانه و دستیابی به استقلال کامل کشور و زنده داشت حقوق ملت و بازگرداندن آزادی های فردی و اجتماعی مردم از راه اجرای تفکیک ناپذیر اصول قانون اساسی و متمم آن و احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر، دوران جدیدی از مبارزه را آغاز می‌کنیم."

حزب توده ایران که از مدت ها پیش ضرورت حیاتی اتحاد همه نیروهای مخالف استبداد را در یک جنبه واحد دیدگاتوری به عنوان مهم ترین وظیفه نیروهای سپین پوست و آزادیخواه مورد تاکید قرار داده است، احیای جنبه ملی ایران در دوره نوین مبارزات سیاسی آن را به عنوان یک موفقیت ملی و شرف بخش، با تحسین و تأیید می‌نگرد. شعار وحدت طلبانه نیروهای جنبه ملی ایران که بر شالوده شناخت ضرورت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن ما استوار است، نشانه و نوید دوره کیفیتا جدیدی از مبارزات و مجاهدات خلق های ماست که می‌تواند تضمین رستگاری ملی باشد.

توربسم دولتی شنگه‌گا همای دوزخی خود را از بیفوله ای امین و کمیته به نمیا بانها منتقل کرده است. این رفتار وحشیانه یو آبرو نشانه بر شکستی کامل رژیم آریامهری و تروس و تزلزل وضع دوزخ افزون و -اره ناپذیر آن است.



## تظاهرات ضد رژیم در شهرها

تظاهرات اعتراضی و سیاسی مردم علیه رژیم اختناق و ترور ابعاد کم سابقه و خروش فزاینده ای یافته است. خبرهایی که به "نویس" می رسد حاکی از آن است که امواج این تظاهرات طی هفته های اخیر نمتنها بسیاری از محلات و خیابانهای تهران را فراگرفت، بلکه در بسیاری از شهرها نیز به درگیری با مأموران و داروغه های حکومتی انجامید. آنچه وجه مشترک اکثر این غلیان های توده ای و اعتراضات خیابانی بود، شعار های تند و کوبنده ای بود که چون بیگانگان، قلب جلا در تاجدار ایران، او را بشان او و اربابان امپریالیست و صهیونیست او را نشانه می گرفت. مردم تمامی خشم و انزجار خود را اقرارترتیران و دروغپیمان خویش بر شعارها و حرکت های اعتراضی خود نمایش می دهند.

خبرهای رسیده از مشهد حاکی است که امواج گستردگی ای از مردم در خیابان خسروی دست به تظاهرات زدند. در میان تظاهرکنندگان افرادی از قشرها و طبقات مختلف اجتماعی دیده می شدند. آن ها تعدادی از پلاکات هایی را که بر روی آنها عکس شاه و کارتر نصب شده بود، آتش زدند، با فریاد و مزه مزه های شهر را از عطر قیام آکنده ساختن و سرانجام وقتی پلیس سر رسید، با او در آویختند.

در اراک تظاهرات مردم با حرکت تهمیحی دانشجویان آغاز شد. آن ها علیه سیاست های ضد دانشجویی و ضد ملی رژیم و نوکرانش شعار دادند و وقتی با حمله گوییل های ساوا و مأموران پلیس در پیرو شدند به خیابانها ریختند. در خیابان مردم به دانشجویان ملحق شدند و امواج تظاهرات گسترش می یافت. به علت این گستردگی و حضور کارگران، مهندسیین، تکسین های شوروی و هلند که در اراک زندگی می کنند، پلیس هجوم به جمعیت را صلاح ندانست.

تظاهرات دانشجویان در تبریز به دنبال یک اعتصاب غذای طولانی، در خیابانها با هجوم سکا های درنده رژیم مواجه شد، در روند اعتراض مردم در تظاهرات نشسته آنها تعلق کرد، در بابل، ساری، شیراز، قم، یزد، اصفهان، اهواز، هابله و بسیاری دیگر از شهرها تظاهرات مشابهی انجام گرفت که مگر آنها با حضور و جوهر اعتراضی رژیم دیدگانه شاه همراه بود. شدت و دامنه وسیع تظاهرات توده ای در روند فزاینده آن نشانه بن بست است که رژیم نالایق و ایران پرست، ده شاه گرفتار آن شده و شروع فصل تازه ای از نهفتگی ملی و مومرتیک و پیکارجویانه خلق های به ستوه آمده ایران را گواهی می دهد. گسترش تظاهرات شهرهای مختلف ایران در حفران سطح وحدی بود که رژیم موفق به کتمان آن نشد و ناگزیر تصاویر رز، باخته، تحریف شده، به دروغ آلوده و کوچک کرده ای از بعضی از این مبارزات خیابانی را در روزنامه های نرمانی خود منتشر کرد.

## توطئه جدید ساواک علیه قوه قضائیه و قضات و وکلای دادگستری

رژیم آریا مهربی هجوم تازه ای را به دستگاه قضایی کشور آغاز کرده است تا آخرین بقایای استقلال قوه قضائیه را در زیر پایشه آهنین و مستبدانه قوه مجریه ضمه کند. به دنبال اعلامیه اعتراضی آمیز ۴۵ تن از قضات که لوایح اخیر دادگستری و منکوب شدن قوه قضائیه توسط قوه مجریه را مغایر قانون اساسی و اصل تفکیک قوا دانسته و محکوم کرده بودند، نماینده، وزیر ساواکی دادگستری، به اشاره سازمان امنیت و دربار، قضات آزاده و شریف رازی فشار گذاشت و به آن ها اخطار کرد که علاوه بر دیگری امضای خود را در پای اعلامیه قضات آزاد نخواهد شریف تکذیب کنند. تنی چند از قضات زیر فشار و تهدید، پای خود را پس کشیدند، اما بقیه حاضر به تن دادن به حقیقت که به آنها دیکته شده بود، نشدند. از گروهی از این قضات مبارز سلب هویت شد و سپس آنها را تحویل دادگاه دادند، اما عده ای دیگر به عنوان اعتراض به این شرایط فاشیستی که بر عدلیه ایران حاکم است، از مقام خود استعفا دادند.

همزمان با این همکار پنهانی، ساواک هجوم رزیدانهای رانیز علیه ۶۶ تن وکیل دادگستری که همچون قضات بیگانه اعتراض علیه یک تازی های ساواک و انقباد دستگاه قضایی توسط کاشتگان و حاکران شاه برخاسته بودند، آغاز کرد. به ادارات و سازمانهای دولتی که عده ای از وکلای معترض در پست های در آن ها هستند، دستور داده شد در اسرع وقت عذر این دستداران عدالت و آزادی را بخواهند. اما توطئه به همین جا خاتمه نیافت. رژیم ساواکی شاه زیر فشار امواج نیرومند اعتراضی و مبارزاتی در داخل و خارج کشور مجبور شده است حدود فعالیت های دادگاههای غیر قانونی نظامی را ظاهراً محدود سازد و اجرای قانون را در پاره ای امور سنگین و توده ای به محاکم دادگستری بسپارد ( نظیر تعقیب دستگیر شدگان تظاهرات خیابانی اخیر توسط دادسرای تهران) اما رژیم در قبال این عقب نشینی، پورش جنایتکارانه ای را تدارک می بیند، به این ترتیب که تظاهری کند برای تامین کادرهای قضایی، لیسانسهای حقوق را با گذراندن دوره های ویژه ۶ ماهه استخدام می کند. قصد این است که جانبازان و میر غضب های حرفه ای و عمال ساواک از شکنجه گاههای شاه و پست های بازجویی ساواک، به دادگستری منتقل شوند تا علی رغم تغییرات ظاهری، باز قضایی و قانون اصلی دادگاههای سیاسی، ساواک بلید و خون آشام باشد. این دسیسه های مومرتیک تنها انزجار شخصیت های حقوقی و قضایی، بلکه خشم و اعتراض بر دامنه همه آزادیخواهان و چهره های شریف و دستداران اصولیت و قانون را برانگیخته است. اما این توطئه ها روزالت ها، همچنان که تجربه بارها به اثبات رسانده نمیشد قادر نیست بر آتش خشم و مبارزه توده ها و طغیان های منفی و سیاسی آب بپاشد، بلکه بر دامنه و شدت آن خواهد افزود.



## پیروزی زندانیان اعمصابی قصر

اعتصاب زندانیان بند های ۷ و ۸ و نیز زنان مبارز در بند زندان قصر، سرانجام به پیروزی انجاصید و زندانیان شاه ناکزیر به خواست های مبارزان اسیر، متن در دادند. اعتصاب زندانیان از نیمه های ماه گذشته به عنوان اعتراض به بدی های نداشتن دستشویی، بسته شدن درهای داخلی، بند ها، و رویه گرفته شرایط ناھنجار زندان و سلوک نامناسب مسئولان و زندانیان آغاز شد. زندانیان از پذیرفتن غذای زندان سرباز زدند و ملاقات خانواده های خود را نپذیرفتند. هدف آنها این بود که خانواده آن ها از شرایط ناصالحه و غیر انسانی که در زندان های شاه - ساواک حاکم است آگاه شوند و در اعتراض فرزندانشان مجبور و در بند خود شرکت کنند. اعتصاب کنندگان طی نامه ای که به دادرسی ارتش نوشتند، علاوه بر محتوم کسورن شرایط نامناسب زندان ها، به ممانعت ماموران از ورود کتاب به زندان و تحمیل کتابهای محدود ساواک فرموده اعتراض کردند. خانواده زندانیان با شرکت فعال در مبارزه عزیزان خود صدای آنان را رساتر و نیروی آن را بیشتر کردند. آنها تاپاسی از شب در محوطه باغ زندان قصر اجتماع کردند و سرانجام تصمیم گرفتند با نامه و تظاهرات، صدای فرزندانشان خود را به گوش مسئولان دادرسی ارتش برسانند.

سرانجام در زیر فشار همه جانبه و محققه زندانیان، رژیم ناکزیر به پذیرش خواست های آنان شد. علاوه بر تحقق خواست های بارشده زندانیان، سرگرد در صفتی که ریاست بند های اعمصابی با او بود رفتار و قبحانه اش یکی از دلایل اعتصاب و اعتراض بود، عوض شد. به این ترتیب کوشش و محاضرات جمعی زندانیان و خانواده آن ها به پیروزی انجاصید ...

### فضای سیاسی ایران ...

توهمات پوچ و خورتن، کنی، بیشتر نیست. و اتفاقا درست چشم افشاند رژیم خود نگاه شاه و ضعیف ترین حلقه آن در همین جاست: خواست احبای قانون اساسی و دموکراسی در این لحظه از مبارزات خلق های ما شعار بر جذبه و بونده ای است که چون تیغ مردم می تواند بر فرق رژیم نکهت داشته شود و او را قدم به قدم به ترک مواضع خود وادارد. این خواست و کوشش را باید مرحله بیشتر در میان توده ها و صنوف و اقشار گونه گون مردم انتشار داد و قدرت و پهنای سباهی که در مطالبه آزادی یا کابوس استبداد در افتاده، افزود. چنین جنبشی می تواند و باید محور استواری برای همه عناصر و نیروی های ضد رژیم مطلق باشد و مانور های بی محتوای آن را، به حرکت های ناکزیر و واقعی بدل کند. با توجه به این که تمامی عناصر و عواملی که عقب نشینی ها و هول و واهمه رژیم را باعث آمده اند - هم در عرصه جهانی و هم در بیطن جامعه ما - در حال رشد و زرقه اند، دور نمای نبودن عناصری که آغاز شده، در صورت روش پهنی و آمادگی و تحریک و انعطاف های ضروری مبارزان و پیشقراولان جنبه ضد دیکتاتوری درخشان و نوید بخش است ...



## خیمه شب بازی ساواک در دانشگاهها

محنت سازی ساواک در روز ۱۶ آذر ماه - روز شهیدان دانشگاه - در صحن دانشگاه تهران و صنعتی، جز پوز خند تسخر مردم، انزجار بیشتر دانشجویان و افزون بونی بود فتر قطور رسوایی ها و عوامفریبی های بی اثر رژیم هر نکسته شاه، حاصلی به بار نیامورد. ساواک در این روز جمعی از مستخدمین و کارکنان دخانیات تهران و اعضای سازمان ساواک و زنان را واداشت به اتفاق نرود از جماعت داران و ماموران رسمی آن در لباس مبدل، به دانشگاهها برونند و به اصطلاح علیه دانشجویان مبین پرست که به متبزی با دستگاه استبداد و تئور و ربر خواسته اند اعتراض کنند. حماق داران آماده بودند تا دانشجویان واقعی را با منظره سینما رژیم، یعنی منظره حماق صجاب کنند و پدر را و مادران را، بی دانشجویان نیز با همان کلمات و عباراتی که روز و شب از دستگاه های تبلیغاتی رژیم نظیر روزنامه های نریشی، تلویزیون، رادیو، دولتی و خطیبان کلیسهای گوترها راگزین کنند، در باره پیشرفت های آنچنانی مملکتی دانشمندان دادند و دانشجویان شریف و مبین پرست و مبارز را مشتو فریب خورده تاراجی خواندند. مامورم ایران با این خیمه شب بازی های رسوا آشناست. مردم می دانند آن اولیایی که در صحن دانشگاهها علیه دانشجویان شعار های ساواکی دادند از قضا بر به اصطلاح همان حماق داران وحشی هستند که زیر نام شریف کار کرده اجتماع سلامت آمیز مردم در جشن عید قربان در کاروانسرا سنگی حمله کردند و با دانشجویان را در برابر دانشگاهها به خاک و خون کشیدند. مردم کزیم را در تبلیغاتی می شناسند، اگر چه کوسر و کونا و شیوه های تبلیغاتی بخواهند، از این کزیم های بی آرم، در برابر انظار عمومی کوسفند های موصومی بسازند.

تدش و تقلا بیهوده رژیم برای واژگون نشان دادن حقیقت تنها تف سربالایی است که به ریش ضحوسر ساواک فرود می آید، حرکه کوسری آبرویی و دروغویی شیدان و شادلاتان های حاکمیتی عدالت است بر بام همه مردم کشور ما به عداد آمده است و این حنا دیکر رنگ ندارد.









# پیام احمد شاملو به همه نیروهای مبارز ملی

بنامت سفر شاه به آمریکا، احمد شاملو در ۱۲ دیماه پیام  
نیرا منتشر کرد.

### مخاطبان!

شاه ایران - دیوانه - خونخواری که گذرگاه حکومتی است  
توده های از پنجاه هزار جنازه در سراسر کشور نشانه گذاری  
شده است و مغزترین جهره نی است که در تمام تاریخ این  
کشور توانسته است ظهور کند - با یاد برگرد  
آمریکا می آید -

طبیعی است که روزی نامه های ایران  
چنین را بنویسد می کند که " حضرت رئیس  
جمهوری آمریکا به دلیل اعتدالی که بسنه  
شخصیت جهانی شاهنشاه دارند از ذات  
مارک د سوت کرده اند تا برای تبادل نظر  
وبهره جویی از رهنمود های دماهان ایشان  
در حل مشکلات بین المللی به آمریکا سفر  
کند " - اما برای ما که بیشتر از یک نیمه قرن  
شوهرند بعد از آن را در کاخ سفید می بینیم  
بختک سیاسی با وهن و ابتذال و تحقیر و  
حفاظت دست و پاییان بود بامهر زهرکسی میدانی که " رهنمود -



ما بهترین  
هرکسی می دانیم که از نکت وجود این " داهی " برکشور ما  
که می تواند آزاد و آباد و سرفراز و سزناز باشد چه می گذرد ،  
بر روستا های پیرانه و تروک کشور ما که هفت قرن پیش با وجود  
کمبود آب و فقدان راه ها و وسائل ارتباطی و تکنیکی امروز  
می توانست از طریق شیوه های ابدی خود در کشاورزی و  
آبپاری و دادداری ، شهرهائی با بیش از یک میلیون نفر سکنه  
را تمدن به کند چه می گذرد ، و بر فرهنگ و جامعه و اقتصاد ما  
چه می گذرد - ما بهتر از هرکسی می دانیم که سرنسخته " فارت -  
گران ایران برای چه منظوری به آمریکا می آید و حسان او و  
دستگاه رهبری سیاسی آمریکا و آقای کاتر که با تاریخ تطبیقی  
" حقوق اساسی " این سرسراین میز قلم می کند " تبادل نظر "  
در چه زمینه هائی صورت می گیرد .

ما ایرانی ها این حقایق را بهتر از هرکسی درک می کنیم و  
میدانیم که دیدار مسدود شده پهلوی و آقای کاتر ، فقط و فقط  
سرمسی است که طی آن می باید باطل احکامات شیوه حکومت  
جابرانه و غیرشرعی شاه با شکار " دفاع از حقوق بشر " آقای  
کاتر ، حضوراً گرسنگاری بشود تا خیمه سیاسی جدید رهبران  
آمریکا ( که با دفاع از رژیم ادمهای دسته جمعی و زدنهای  
لاا حال شاه بکسر می حصار خواهد شد ) آسپان کند نفوذ  
که در میدان اصلی مبارزه نیز کاربرد خود را به کلی از دست  
بدهد - زیرا تکسین های دستگاه رهبری  
آمریکا که خوب آگاهند که " حرکت راهزنی  
خانواده " پهلوی و انگلها وابسته " در هیچ  
شرایطی نخواهد توانست در توانمی که از  
تاریخ کونکای سیهود زامدی و شمشیر  
سرخ و سیا تا به امروز به جنگ آورده است  
این سر مو شب بخشنده - آنها می دانند که  
یک رژیم پر تکلیت تنها از طریق با گذاختن  
بر همه اصول انسانی و اختناق سیاسی مطلق  
و فشار روز افزون قدرت های پلیسی و نظامی  
است که تا به امروز توانسته بدین هیچ  
پایه نی ، و در حالت تعلیق کامل ، همچنان  
بر قدرت " حلقه " حاکم باشد و ناگزیر ، تجهیز روشهای مایخ  
لیبرالی چون آزادی قلم و آزادی اجتماعات و برچیدن نمایش  
پهلوان کجیل " حزب فراگیر " و برپا داشتن حکومت لائسین و  
قبول " حدود لابل بدین تری از اصلاح و دالست " در  
دادگاه های درستنه " نظامی - حتی اگر فقط روی کاغذ و بسنه  
سرفا د و تنبها برای حفظ ظاهر هم صورت بگیرد - دانویسی  
است که این بیمار بیحیولت ضحیترا ندارد و بی درنگ او را  
روانه جهنم خواهد کرد - لاجرم ، با جانان تافته جدا بافته  
سیاست آقای کاتر باید نقش آن را چنان طراحی کند که هم  
خبرس رژیم موجود ایران را طعم ذم درازد در دامن پسر  
محبت خود نگذارد و هم قسم حضرت عباس حمایت از حقوق  
انسانی آنها به قوت خود باقی باشد تا ابودرت آمریکا  
همچنان بتواند در حاشیه درازان شاره باشد و در عین حال با  
دزدانگان نیز همدلان همدردی نشان دهد .

فرزاه وطن  
چه ها که نگردیم ؛  
گروهی گشته شدیم  
و گروهی سخن گفتیم !

اینها نکاتی است که بر همه " ما آشکار است و به همین  
جهت تصور می کنیم سخن گفتن بیش از این در این باب ننگر است  
مطورات خواهد بود .  
اما نکته ای که در این بومیت خاص می باید به طور قطع  
مورد بررسی دقیق و نتیجه گیری فوری قرار گیرد جمع بندی  
طن الحلی است که ما ایرانی های سالک آمریکا می توانیم در  
برابر این سفری که هدف های آن کاملاً آشکار است و به طور  
کلی در مواجهه با حوادثی از این دست نشان بد هم .  
امروز بیش از هر روز و بیش از هر وقت دیگری می توان  
احساس کرد که لزوم تشکیل کمیته ای از نمایندگان همه گروه -  
های اپوزیسیون برای یکپارچه کردن مبارزه در راه هدف مشترک  
برداشتن حکومت پارت و آش و خون در ایران تا چه حد  
فیتت دارد .

آنچه مسلم است روز افزون بودن تعداد ایرانیانی است که  
در سراسر اروپا و آمریکا ، چه مغرب و چه مشرق ، به تلاش  
در راه آزادی و افشای ما حیت ضد ملی و چپاولگرانه و نیکو ماب  
رغم ایران می گویند .  
طبیعی است که سازان ما و گروه های زینده نیس توانند  
در داخل طوفان خود از برخورد های فوری و طغیان و گرایش  
های اجدالی و افراطی و در نهایت امر از انحصارات و محس  
در پاره ای موارد از برخورد های بسیار خصمانه مان جناح ما  
صحنه بنامند و اصولاً مرگزده انتظاری غیر از این نشانه نیس -  
بهره ماندن از واقع بنی است - اما خطرناک ترین بنی نیس -  
بهرگی از واقع بنی است که ما به عنوان افرادی گشته  
بر اساس بنی بود های مستقم و منطقی فکری و محسطن های مستقی  
اعتقادی در این با آن گروه گرد هم آمده ایم حساب خود را  
با دیگران بدهیم ، در مبارزه با رژیم موجود برای گروه های  
دیگر هیچ گونه حقی لائق نشیم ، و با خوارهای غیر قابل  
قبولی " هر که از ما نیست بر ماست " و " ما می و لا غیر " مبارز نیس  
را که در شرایط حاضر جز در فضائی د مکرزانه تر و جز بسا  
بهره گرفتن از محسونه اعلانات و مظهرات ملی بنی نیس  
رابط به محسونه های پرکنده نی تبدیل کنیم که ناچار از تقسیم  
نیروی نهایی خرید کنده نی به وجود آمده است و هر کسی  
حصاری از تصحبات خود براه داشته است و سهم خود را از  
تجهاز و بیرونی طاقنها صرف دفاع از خود یا سنگاندازن  
به استحقاقات تدافعی گروه دیگر می کند ؛ و بدین مبارزه اجازه  
دهیم که در این میان ، آنچه فدا می شود ، ناگزیر ، خسب  
آسب بدینر بر وجهه صوری باشد !

بدین شک میبه افرادی که پایگاه ایده و تئوریک شخص  
ندارند اما خفان قاعصیتی موجود در ایران را غیر قابل  
دور از شان انسانی می دانند ، و همه افرادی که گروه های  
جاری اپوزیسیون را با مسلکها و مباحثات فکری متفاوتی شکل  
دادند اما اشتقاق حق دارند ، می توانند ، و با پیوستن  
توانند ، در نظر طهراتی بسیار وسیع ، نخرت توده ایرانی را از  
مظهر فقر و ابتذال و وابس ماندگی و اعتناق سیاسی و اجطامی  
جامعه خود نشان دهند و خشم خود را از عوامل تروپله کسی  
که یکبار دیگر و آن هم به طور طس نیست به حق حاکمیت طی ما  
صورت می گیرد در شکلی گسترده به نمایش بگذارند .  
می دانیم که این جنبه نمایشی می تواند ایماذ فوق العاده  
و انکاسی سخت هشدار دهنده داشته باشد . می دانیم که  
اگر همه افراد مستقل و همه گروه های سیاسی ( صرف نظر از  
شیوه ها و سلیقه ها و معتقدات ملکن خود ) نیروهای خود را  
برای چنین نمایشی یک کند کنند نفرت و احترام خود را  
این بار با انفجاری تند روار در سراسر جهان انکاس خواهند  
داد - قائل انکار نیست که تنها اگر تعدادی از دم دست به  
ترین امکانات گروه های منصف اپوزیسیون در این امر همکاری  
کنند این نظامرات سیاسی می تواند در آن واحد در سراسر  
آمریکا به اشکال مختلف متجلی شود ، افکار عوس آمریکا لیسان  
و جهانیان را به محاطه کنس که شاه و هیات حاکمه آمریکا بسا  
حیات سیاسی و اقتصادی ما می کنند بیشتر توجه دهد و در  
داخل کشور بیوکی بیدار کنند تر داشته باشد .

مبارزه در شرایط مختلف می تواند اشکال مختلف به شود  
بگیرد ، تمویز بنشانه نی " فقط فلان یا همان شکل مبارزه "  
نشانه " متأسفانه فراگیری است ؛ همچنین تن زدن از شوکت  
در تقارنات و نمایش های همگانی ، که ناگزیر می تواند به  
و محتب از ترک گفتن " موضعی دفاعی " غیر توده ای " محسول  
شود . تصور می کنیم قبول این قیده چندا دشوار نباشد که  
به مراحل ، نیروهای اپوزیسیون را ( بر هر سنای فکری که قرار  
داشته باشد ) برادران و خواهرانی شکل می دهند که محسویت  
و خفان طس را با هر سلول خود حشیده اند ، نه دشمنانی  
که به قصد تحصیل فکر یا انحصار حقوق ضحیم به روی یکد پسر  
کشیده باشند ، رژیم ناگزیر است برای استقامت مواضع خود  
هر از جندی یکی از نمایندگان نیز و درشت و چاق و لا فر خود  
را به این دیار و آن دیار بفرستد - یعنی هر از جندی فرصتی  
مطلوب پیش می آید که ما بتوانیم با قدرت تمام و تنکلی قاطع  
ما حیت ضد ملی این حکومت دست نشانده را با نمایش طبیعی  
ابراز کنیم ، و متأسفانه هر بار فرصتی دیگر را از کف می دهیم .  
حتی برای آن ده از ما که ممکن است ایلخانه به انتظار ظهور  
محجزه نی نقسبه بنام نیز لزوم به یکجا گرد آمدن و به ایجاد  
دست به دست برداشتن و با دعوت عام به مسلا رفغن منطقی  
نیسود !

برای صیبت قاطع تر تشکیل کمیته انتضالی مبارزه مستعد  
ناگزیر است!  
از جنبه جلال و مناقشه به حل یکپارچه روی آمیم !

آه اگر آزادی سرودی می خواند  
کوچک  
همچون گلوگاه برنده ای ،  
هیچ کجا د بوری فروریخته برجای نمی ماند .  
سالیان بسیار نمی بایست  
در یافتن را  
که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است  
که حضور انسان  
آبادانی است .  
همچون زخمی  
هسته صبر  
خوابه چکنده  
همچون زخمی  
هسته صبر  
به دردی خشک تنیده ،  
به نعره ای چشم بر جهان کشوده  
به نقرتی از خود شونده ، -  
غیاب بزرگه چنین بود  
سرگذشت ویرانه چنین بود .  
آه اگر آزادی سرودی می خواند  
کوچک  
کوچکتر حتی از گلوگاه یکی برنده !  
احمد شاملو  
۱۳۲۷/۱/۲۱

# در دانشگاه‌ها چه میگذرد؟

## نامهٔ اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به نخست وزیر

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران کمال احترام ایما زه و خواهند که با توجه به حوادث و سوانحی که در سنوات اخیر و خاصه ماه جامرد انگر محیط آموزشی شده و نتایج حاصل از آن سرانجام به واقعه شامگاه روز دوشنبه ۳۰ آبان ماه گذشته انجامیده است و خاطر آن جناب برابه وضع محاس محیط زندگی علمی و وضع رفاه بار پیشه محلی جلب کرده اند و نکاتی را از سر وظیفه و برهه ادنی و آموزشی با آن مقام ضمیمه در میان گذارند . . . .

روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته طبعی برناه ای که قبل از طرف دانشمویان دانشگاه صنعتی آریامهر باوقفت مقامات آن دانشگاه اطلاع داده بود، قرار بود که مجلس سخنرانی روزتار ورزش دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شود. امصحب ریز دوشنبه سی ام آبان ماه اعلام کرد پدگه سخنرانی به تعویق افتاد است و برگزارکنندگان مجلس سخنرانی چنین صلاح دیدند که از چند تن از دستندگان و استادان نقضا کنند با حضور خود در

مطلب در ورودی دانشگاه آریامهر طلب راه اطلاع ترکست کنندگان برسانند. به این حساب در عصر روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته سرکارخانم دکتر هماناطق در اختیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران همراه یکی از دوستان خود آقای نعمت هیززاده به اتفاق دیگران در مقابل دانشگاه آریامهر واقع در خیابان آریانهوار و حضور بی بانه و تخمیر برناه راه اطلاع حاضران می رسانند و آنجا بی خواهند که شرفی شوند و آن روز با تومیل خویش حاضر رفتن به منزل راداشند که در مراجعت در کابین مایران انتظامی راه راه وسیله نایه ایشان بی بند و جسی از کابین ها پایین ریخته ضمن نشان دادن ایشان به یکدیگر و اعلام همت و نخلشان، مشارالیها و آقای هیززاده را از تومیل بیرون کشیده و به شدت به تکرار تمام ضرب و میانند و سپس خانم ناطق را همراه آقای هیززاده و چند دانشمویسی که دستگیر کرده بودند در پشت تومیل جیبی قرار داده و به کلا نوری ۱۵ واقع در خیابان تاج در میان نوبی آوردند. در

میان راه مایران ضمن توهین و فحاشی فراوان نسبت به دستگیر شدگان خطاب به دانشمویان می گویند که این استادان همان ها هستند که شمارای آرزند. این گونه گفتگوهای ناشایست و دروازد بر سر باسی جسارت و فحاشی توأم می کنند تا آنجا که دانشمویان دستگیر شده در مقام محذرت و عرض شروا بد نسبت به خانم دکتر ما ناطق بر می آیند. در کلا نوری ۱۵ نیز پس از گذشتن بی که توسط مایوران کلا نوری به عملی آید. به خانم ناطق آقای هیززاده و اجازه رسمی می دهند، منتها تکلیفی می کنند که مایورانگی برای بردنشان به منزل فراهم کرده اند. در میان اثنا آقای دکتر پاکد این حصر خانم ناطق را تلفنی که مقامات کلا نوری اجازه داده بودند که خانم ناطق از

کلا نوری به منزل بزنند و حضور خود را در کلا نوری اطلاع بدهد و برای ملاقات خانم خود به کلا نوری می آیند و سراغ خانم خود را می گیرند. افسر مربوط اظهار می دارد که مشارالیها باید در مقابل دانشگاه آریامهر خواهند بود تا بتوانند با تومیل سخنرانی آقای هیززاده به به منزل مراجعت کنند بنا بر این ایشان راه آنجا می برند و اضافه می کنند که شما حالا برید و اینجاسی توفیق ند لریه.

به محفل آن که مقابل در کلا نوری و در حضور مایوران کلا نوری خانم دکتر هماناطق و آقای نعمت هیززاده در تانگی سفارسی کلا نوری می نشینند و ناگسی زبور پس از سخنمویسی در وقتند از کلا نوری از سر اصلی خارج شده و در حراه ای واقع در مایران نوشتاری خیابان دوازدهم در سمت غربی شامین می ایستند و گروهی که در حراه ایستاد بودند و از جمله یکی از کسانی که در میان مایوران کلا نوری دیده شده بود، بهمان خانم دکتر در سا ناطق و آقای نعمت هیززاده می افتند و ایشان راه شدت ضروب و حدود می نطقند. در این حال در یکی از زبانه های مقابل حراهی خفتی با فرهاد این که این زن رانجات دهد، دیگر هسایگان راه نومه آنچه در در حراه اتفاق می افتد. هسایگری ساز و با فریاد کله خانم دکتر ناطق از خانه بیرون می ریزند. در این اثنا شما و زین می گریزند یکی از همسایگان به ندای استغی و

اخلاقی که هنوز آثار و بقایای زیادی در این سلطه در لرد به کله خصوص نومه بهیو شری آید و ایشان راه مایران خانه می برند و به سمت هاری آقای دکتر باقر ساروخانی استاد دانشگاه که در آن حوالی خانه دارند طلبه را به منزل خانم دکتر ناطق میسر می دهند. آقای دکتر پاکد این به آنجا مراجعه می کند و از طرفی به مایوران آبان و آریا لاسی که بیمارستان نیرو می فرستد طرفین راه به مایوران می رسانند.

این است ماجرای تأسف آوری که نه لفظ برای هیئتخان این سرزمین دلبره آراست، بلکه برای سر نوشت هکی افراد سلط ایران خطرناک و ترس انگیز است. خاصه اگر این حادثه را با مختصم به سرکار خانم دکتر هماناطق در اختیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ندانیم چه اطلاع آن جناب برسانیم که این حادثه به شکلی دیگر برای چند تن دیگر از استادان دانشگاه تهران و آن هم در داخل محیط دانشگاه، پیش آمده است و در واقع این نوع در گیری نه فقط به چند تن محدود می شود بلکه تمامی واحد دانشگاه را در معرض تهدید و ضرب و شتم قرار می دهد. حال آن که بهر خود لری از امنیت فردی و حیاطت عزت انسانی شرط لازم و مطلق زندگی مدنی است آنچه در دانشگاه اتفاق می افتد امنیت فردی و جمعی تمامی دانشگاهیان راه مخاطره انگیزه است. . . .

از آنجا که فضای هیئت علمی دانشگاه تهران این واقعه و واقع مشابه رانتهای یک حادثه گذران می شناسند، بلکه آن راهبه منزله زندگ خطری در فضای ایران شگس می باند، وظیفه خود می دانند تا بطریق اصل نعل شتم قانون اساسی که می گوید افراد از حیث جان مال و سکن و شرف محفوظ و حقن از فرزند تعرض مستند و شعور عمدی نمی توان شد مگر به حکم و تفریق که قوانین سلطه تعیین می نماید. واصل دوازدهم همان قانون که اظهار می دارد "حکومای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون" منتهی این اساس و رفتار می باشند و از آن بالاتر هتله حرمت محمل را در حد جسارتی به علم و فرهنگ زند این سرزمین می دانند. زیوروشن است که با اوضاع فعلی نه بجالی برای مری و نهمی و گفتار و شو حکت و صرفت می مانده اند می به بسط زند و کسب سعادت اجتماعی می توان داشت. . . .

آنها نه به خاطر همین ماجرا هاست که اکنون سالیانست لغت دانشگاهی به صورت واقعی عمل تعطیل شده و آران و مضرهان همه مریندان خود را برای تحصیل به خارج از کشور کسبیل می درازند و غالب مردم با بازن و فرزند و کسان خود به کنه سالک بگانه می روند؟ آیا چنین وضع و حالی شایسته کشور باستانی هاست و آیا حق است همین است؟ در حال که همه اهتمام ما باید با حفظ و با تقویت صرف نگاهداری حیثیت ایران و مردم ایران و تاریخ و ادب و فرهنگ ایران باشد. . . . زندگی فرهنگی وضعی باید بر احترام و آراش و شانت استوار باشد و محیط علم و اندیشه صورت گاتی مده می در آید. به تدبیر می فرمائید که آلوده ساختن محیط دانشگاهها با افعال خشنونت با قوانین فرهنگی مورد حفظ جوامع هدفن و مناسبات نام در آرد. . . .

فضای هیئت علمی دانشگاه تهران رنگهای خطر را بسا رویدادهای که در محیط آموزشی ایران پیش آمده است و بهصما در می آورند. زندگی دانشگاهی مثل است و حرمت محلم که مانند استقلال سلطه محمل بهت و گنگوگر دارد در خطر است و بهر چه فرزند چنین مواردی و ایجاد چنین بلوای انسانی کسی که به طور قطع ضیق آراتی به بین شناخت و مسئولیتند و نشانت و اطمینانست بر این که راه را کرده ایم و به براهه می روم. . . .

محیطی را پایان کردیم. البته بر آن جناب است که حلف نومه گشت تا آشکار شود که سرود دانشگاهیان کشور چه می آید و آنها چه روزگار سپاه و نهایی دارند. شاید از همین طریق راهی برای متکلم بهمان آموزشی سلطه که اظهار می شناسد است باید تا بلکه بتوانید آرا را بهیاد و نجات دهید. هیئت علمی دانشگاه در انتظار اقدام حوزر و پاسخ عاجل شما میند.

## نامهٔ اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران به نخست وزیر

از آنجایی که جامعه دانشگاه صنعتی آریامهر در سالهای اخیر و خاصه در هفته های گذشته لطامت بسیاری دیده است و این محیط فعال و اخلاقی و آموزشی کشور به ملت ندانشتن ازبنت شغلی و همجین به سبب هتک حرمت محمل در چارنومه می فرورونده است و در وسط احتمال تحصیلی افتاده است و ما اطلاع کنندگان زیر فضای هیئت علمی این دانشگاه با توجه به اصحت بریدارهای اخیر، خاصه واقعه روز دوشنبه ۳۰ آبان برآرد شده ایم که برابر وظیفه شغلی و ملی خویش نکات زیر را به اطلاع آن جناب برسانیم.

۱- خانم ناه ایضا، هیئت علمی دانشگاه تهران مورخ ۱۳۱۹/۹ که به عنوان آن جناب نوشته شده است و نسخه ای از آن به بهوست تقدیم می کرد و متوجه شد که مایر باشد. خاصه آن قسمت از نامه که مربوط به بوز واقعه ناگوار بر رویهات و دیگر هماناطق در اختیار دانشگاه تهران در شامگاه ۳۰ آبان می شود. بوز این واقعه نتیجه مستقیم نایده گرفتن نومه های هیئت علمی این دانشگاه در مورد ارااه برگزاری سخنرانی هابود و نسبت به این مسئله شدیداً اعتراض می فرمضم.

۲- ضرب و جرح افراد یکی در کلا نوری به آریامهر در این زمان فردای جامعه مشمولند محصر به واقعه روز ۳۰ آبان نبوده و در جریان سالهای اخیر نیز به دفعات برای دهه گسی و محیطه چند تن از اعضا، هیئت علمی این دانشگاه رخ داده است. انجام ابرحطی آموزشی بر سلطه جنای توهین به شری انسانی و تلفیق سنت ها و حرمت فرهنگی این عزیز قوم که عمل رکود و توفیق حرکت های زنده و سازنده علمی و آموزشی را سبب کرده است به هیچ وجه نمی تواند با برناه های صنعتی کردن کشور بسط زند و کسرتن فرهنگ ملی تطبیق یافده.

۳- همچنان که پیش از این نیزه کرات اعلام کرده ایم و هسفال هرگز تهر و جرح نسبت به افراد و هتک حرمت محلم می یافده و گرفتن آزادیهای دانشگاهی را شیده ای محکوم می کنیم بهیچترتسه خواستار رعایت می کم کاست اصول قانون اساسی می باشیم.

## اعتصاب نهمه ۸۰۰ دانشجوی در کرمان

بخش از ۸۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه کرمان از روز ۲۶ آذرماه به عنوان اعتراض به بازداشت ۱۵ تن از دوستان خود توسط ساواک اعتصاب یکپارچه و وطنی و انقلابی کردند. دانشگاه هیززاده دانشگاه می آمدند و در ضمن دانشگاه می نشستند و هیچ گفت و گو و نظاره اعتصاب نشسته خود راه گرفته نویس همدردی با دوستان زندانی خود به مسئولان دانشگاه و اولیای دولتی گوشه می کردند. آنها در ضمن برگزاری یک دین از فضای ساواکی کادر آموزشی را که سازمان دهنده و تنظیمکننده برناه های علمی در دانشگاه هستند، خواستار بودند. سرانجام پس از روز در برابر ارااه جمعی واستوار دانشجویان متضرر ایران بنده برنشین دانشگاه کرمان با اعتصاب کنندگان ملاقات کرد و به آنها تعهد سیرد که خواست هایشان را با نظر و اولیای مورد بررسی قرار دهد. با این قبل و نشین اعتصاب دو روز به برهیجان دانشگاه کرمان مویا پایان پذیرفت.

\*\*\*\*\*  
برای مبارزه در راه آزادی زنده انان میا می متحد شویم!  
\*\*\*\*\*





## جنبش مسلمانان ایران

همه نیروهای ضد دیکتاتوری را به اتحاد فرا می خوانند

جنبش مسلمانان ایران اخیراً اعلامیه‌های منتشر کرده که در آن ضمن تشریح نتایج خیانت بار سفر شاه به آمریکا و برسر بردن موارد خیانت‌ها و جنایت‌های بی‌شمار رژیم شاه و افشا و محکوم کردن توطئه‌های اخیر رژیم و سیاست چماقی آن « همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری » را به اتحاد دعوت میکند . در زیر خلاصه ای از این اعلامیه را که ناپسندگرایشهای دموکراتیک و ترقی خواهانه و نیز درک ضرورت اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم در جنبش مسلمانان مبارز و پیشرو ایران است میخوانند :

### هموطنان عزیز

سیاست رژیم پس از پایان سفر مفتضحانه و سراسر ننگ و خیانت و رسوائی شاه به آمریکا اینک وارد مرحله تازه‌ای شده است . شاه در حقیقت شکست خورده و مفتضح و رسوائی از پیش از این سفر باز گشت . اقدامات مذبحخانه ساواک و سفارت برای بسیج مزدوران شعار بدست به عنوان دانشجویان طرفدار شاه نه فقط آبروش برای رژیم تأمین نکرد که بیشتر باعث رسوائی و آبروریزی سردمداران رژیم و شاه هم گشت . . . . .

برادران و خواهران ! شامیض از هر موقع دیگر رژیم خود را در تزلزل و تنگنا میبیند هلد اگینتویز تراز گشته علیه مردم عمل میکند . روشمستی اقتصادی و سقوط دائمی و سریع تولیدات داخلی و نارضایتی روزافزون همه طبقات تحت استعمار و فشار و رسوائی بیش از پیش رژیم نزد افکار عمومی جهان و رشد مقاصد سیاسی داخلی و پایداری مبارزین و مجاهدین خلق پایه های تخت افرارویز به روز مست توهینکد و بیشتر صابرزاند . در مقابل این وضعیت دشوار مردم وحشی توو محیل تو میشود . بنا بر این مبارزین خلق ایران باید با هوشیاری و دقت بیشتر ی عمل کنند و تاکتیک های مبارزه خود را برپیش صحیح و آگاهی از روشهای خدعآمیز دشمن استوار سازند و با مقاومت و پایداری و نشاط آن قدرت متحد ملی تلاشهای مذبحخانه رژیم را این اثر سازند . . . . . نباید اجازه دهیم رژیم قبل از اینکه اعتراض ملت و مبارزه عمومی مردم به مراحل پیشرفته تری برسد باز منحصاری و بکک تهنونک های خائنانه و با ایجاد اغتشاشهای مصنوعی و بیک سرکوب قبل از موقع دست بازاز و نهان یک بیرون وسیع به نیروهای مبارز افرادم سازد . . . . . اتحاد ر همبستگی - همه نیروهای مبارز اصیل و خداستند ای ، ضرورت پیروزی در این مرحله از پیکار است . . . . . ما در این مرحله بار دیگر بروی ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری شاه و طالب آزادی تاکید کرده از روشهاییکه به تجزیه و تفرقه نیروها منجر میشود باید شدیداً پرهیز شود . زیرا تجزیه و تفرقه نیروهای خداستند ای جز تضعیف جبهه مردم در برابر استبداد - نداشته و به رژیم کک میکند تا با استفاده از این تفرقه نیروهای مبارز را به انزواکشاند و یک یک سرکوب کند . . . . . ما همچنین موضع بی تفاوتی و سکوت آن دسته از - محافظ روحانی را که مدعی مبارزه با رژیم بود فاند شایسته نمی دانیم . در شرایط حاضر وظیفه همه نیروها و عناصر آزاد بخواه و سلطان است که مسئولیت خود را درک کنند و بخصوص بر رهبران مذهبی و روحانیین و مراجع است که مسئولیت حماس خود را در قبال عقیده و ایمان و ملت درک کنند و سهم خود را در تقویت جبهه مبارزه حق - طلبانه مردم ایران بعهده بگیرند و موضع شایسته خود را در این حرکت اشغال - نمایند . . . . .



### نظارات خد رژیم در شهرها

به دنبال ابواب خروشان نظارات خد رژیم استبداد و شاه که در هفته های اخیر بسیاری از شهرهای ایران را در خود دیده و اینک گزارشگران محمد " از گسترش مبارزه بیشتر این نظارات خد می دهند .

در آستانه ۱۶ آذرماه ( روز حماسه دانشگاه ) در منطقه نارنگ نهران ابواب گسترده ای از مردم بعنوان اعتراض به وحشیگری های رژیم نسبت به دانشمندان آزاد بخواه به راه پهنایی آرام راهپیکار کردند . در حوالی میدان هفت حوضها محسن گارد شهرهای محترمن را محاصره و کنند اما حاکمات و آراش مردم بهانه نجات به گزافهائی دهد و امکان اد اجکرام نظارات فراهم می آید و چندین از مبارزه پهنایی به ترتیب طی سخنانی به سخنانی ها و بهت ها و رژیم علیه جوانان و دانشمندان محسوس است اعتراض می کنند .

شب ۱۷ آذرماه مدعیان روحانان ساری به عنوان اعتراض به اقدامات اختیاتی رژیم علیه جنبش دانشمندی به شایسته ترف و دانشجو ( ۱۶ آذر ) در دانشگاههای ساری به راه می افتند علیه رژیم دیکتاتوری شعاری دهند . تظاهرات پرشور جوانان سا محسوم ماوران پهنایی ساواک و دستگیری عده ای از آنها روی و می شود . از سرنوشت دستگیر شدگان اطلاعی در دست نیست . شب ۲۶ آذر نیز در همدان از صحن پرستان در دزفول به راه می افتند علیه رژیم اختیاتی و سیاسی خد ملی و خد مردم آن شعار می دهند و بکده آزادی صحن را از تهنه جباران وطن فروتن خواستار می شوند و پیش از آن که ماوران پهنایی آکسان مدخله و بهتنام بهایند به خلق برانگنده می شوند .

### توطئه رژیم برای

بازداشت و تبعید روحانیین آزاد بخوا

رژیم هر روز بر افه سیاست بهتنام و ارماب سرکوب می افزاید و قرار تبعید ۱۲ تن از روحانیین آزاد بخواه که در هفته ها و ماههای اخیر به طریق مخالفت خود را با رژیم تو رو و اختیاتی اعلام کرده و بیانگ اعتراض خود را در مجامع و محافل مذبحی بلند کرده اند ، نمونه ای از مظاهر این سیاست است . جنبشهای رسیده حالی است که رژیم تاکنون تنها موفق به دستگیری آیتالله خلعتانی در قم شده است و مردم دیگر روحانیین مبارز را از دسترس پهنایی رسیده شاه دور کرده اند .

### اعتاب فرهنگیان تهنونک

روز دوشنبه ۱۳ آذر فرهنگیان تهنونک در مقابل ساختمان وزارت آموزش پرورش اعتراض کرده و خواستار افزایش حقوق و سایر مزایای خود شدند که رئیس آموزش و پرورش تهنونک را از نامه در محل حاضر و با فرهنگیان درباره خواسته های آنان مذاکره کرد و در پایان گفت شمسار کار خود برود ما خواست های شما را برآورده می کنیم .

# نویسد

( وابسته به حزب سوده ایران )

شماره ۱۴ - غنچه ۱۷ دیماه ۱۳۵۱

## تحلیلی از آشوب‌های اخیر و محرک‌ها و هدف‌های آن ...

### چه کسی سنگ می اندازد؟

درینده های شبه شبه ششم دیماه سستی وارد خوابگاه دختران دانشجو شود . جیرجیرها را روشن می کند و با سر جدا و های و هوی مد و مد خنجر را از خواب بیدار می کند . هوش چشم آن‌ها در هزار با نگی می کوبد ، شیشه پاره ها را می شکند ، میزها را واژگی می سازد ، شمارهای نده سیاسی و رهنده دفتر خوابگاه راه می رود و آنگاه به انتظار می ایستد . . . در فاتی بعد ماموران گارد دانشگاه روان روان سر می رنند ، میامح نامشانرا در کستان کستان با خود می برند و بر این حال اوراندر بسازان دشنام و تکرر انواع تهدید می گیرند . دانشجویمان خواب آنود با محرمات ناظر این صحنه می سابقه اند . چندتن از دختران دانشجو از سر کجکلی می رسند دنبال ماموران میامح دستگیر شده می روند . در محوطه نارنگ حلوی خوابگاه ماموران به خیال این که کسی مطالب آینهانیت ، دست از گریبان میامح بر می دارند ، همه باهم شروع به خنده می کنند . یکی از گردهاها از جوان می پرسد :

درباره های شبه شبه ششم دیماه سستی وارد خوابگاه دختران دانشجو شود . جیرجیرها را روشن می کند و با سر جدا و های و هوی مد و مد خنجر را از خواب بیدار می کند . هوش چشم آن‌ها در هزار با نگی می کوبد ، شیشه پاره ها را می شکند ، میزها را واژگی می سازد ، شمارهای نده سیاسی و رهنده دفتر خوابگاه راه می رود و آنگاه به انتظار می ایستد . . . در فاتی بعد ماموران گارد دانشگاه روان روان سر می رنند ، میامح نامشانرا در کستان کستان با خود می برند و بر این حال اوراندر بسازان دشنام و تکرر انواع تهدید می گیرند . دانشجویمان خواب آنود با محرمات ناظر این صحنه می سابقه اند . چندتن از دختران دانشجو از سر کجکلی می رسند دنبال ماموران میامح دستگیر شده می روند . در محوطه نارنگ حلوی خوابگاه ماموران به خیال این که کسی مطالب آینهانیت ، دست از گریبان میامح بر می دارند ، همه باهم شروع به خنده می کنند . یکی از گردهاها از جوان می پرسد :

— خوب همه چیز را به هم میخنی؟  
— جوان به حالت تصدیق سر تکان می دهد . یکی دیگر از گردهاها با لحن دوستانه ای پیشنهاد می کند :  
— برویم دفتر یکه جای باهم بخوریم ...

حادثه فقی که جزئیات آن از طرف چند شاهد عینی نقل شده در چهار روزنامه صبح و عصر کشور ، بهایه انشاء ولید ، هینا چنین منگمی شد :

در وقت ۲ باحد ۱۶ / ۱۶ / ۳۶ یکی از دانشجویمان دانشگاه علوم ساکن کنی دانشگاه بانگشکن شیشه در ورود یکی از خوابگاههای دختران واقع راحر آباد وارد خوابگاه شد و می از طبق سیم تلفن و آهین ، چند جام از شیشه های خوابگاه را شکست و سپهر بدستور سیرستی کنی بر اجمه و در حال شکستن میامیل موجود در دفتر ، توسط ماموران گارد دانشگاه دستگیر چون هنگام شکستن شیشه ها زلفی شده بود ، در بیمارستان بستری گردید .

این حادثه چه معنی می دهد ؟ واضح است : رژیم آشوب صنوی به راه می اندازد ، حادثه آفرینی می کند ، زینام دانشجو شیشه ها را پاره می کند ، سهاود دانشنده ها را می شکند ، به پاشیا و بیوسامات محسوس و محسوس میوز میسورد ، ماموران ناقد از طرف واحد اورد نادر شاهراه امیر اتو بیسبل شانور و راهشای کنی دانشگاه تهران را شوقشکن اورا راه می کند میگویند و گفته در روزنامه های دست است آتش میامیرانسته میگی می کند که میامحان منواری شده ، دانشجویمان بوده اند . . .

و محیب این که همه این صحنه سابقها و طعمانی می دستور در روزنامه های ساکن رنده که از طرف سانسور خفای سانسور گرفته اند ما آپ و تاب نالی می شود ! ( البته در همه روزنامه ها بایک انشاء و یله من گیشته ای ! )

آیا چاپ این همه خبر و درشت از حوادثی که ناچانه می میگویند سونه ای ! آن به همراهی به به خودی خود شکست انگیز نیست ؟ فایده به رحمت جلا در نامه از شیخ سانسور



دنیاله در صفحه ۲

## تهران ، پایتخت توطئه جهانی

در لایه ی خورواها نطق و ستایش و برکوی های دیلمانیله میخند شده بود ، بهاتوجه به راجعه هر یکه از این سیمان سرشناسیها بهران ها میسائل خلقهای وحشیانه ، می توان به اعدای وحصل مذکرات چند جانبه تهران می برد . مذکرات سری " زیاد پاره " با شاه پس از آمدن کاکتر رگت و کوههای خصوصی روسی چند سفینه اور ، به طور غیر مستقیم در صامحه طبعیاتی شاه میخندید . شاه در این صامحه علنا به دولت انقلابی ایچی می کرد در کر یکه جنگ وسیع تد ایمنی استاضطرار کرد : " ما نمی توانیم نسبت به سه تجاوزه به نوزهای سوسیالی بی تفاوت بنشینیم . " در این جمله کوتاه صافه نامی حتم کس ارتجاع و طوطه او از سیمه ای که ارتجاع خلق تا میکنار میامیرانیم بانکی برای دردم نکشکن مقاومت خلق میاز میسوس چه باست ، نمایان شد . آنجور ، به شامبت موضوع مهم استراحتین آن در ارتجاع و کنترل طبیعی اش بر آبراه دیهای سرح ، در بر توطئه انقلابی ، دیوکرتا و صد امیرالمنشی ، به صورت خرابی در چشم امیرالمنشی جهانی ارتجاع سلسله ، به یوه ارتجاع حرب در آمده است . از امیرالمنشی امیرالمنشی ، تاچین ماو زده ، صبر و سواد و برهنگان سمودی و بین نشانی و سوسیالی وازیندی پیششاه ایران ، برای محسوشه های این انقلاب یکه عدمتا به نیروی دهقانان آزاده شده ، کارگران و زمینگان شهر و روشنگران تکیه دارد ، دست در دست میچینهاده اند . در حالی که سبازان سوادانی و ارتش سوسیالی طنا و مستضیا در داخل خانه انحصی ( ایچی در لایه و دیوی در صوامیلو گادان ) سرگرم می جنگ اند اضطرار شاه ایران به دولت انقلابی ایچی که هیچ اعتلا

تفسیری پیرامون سفر زیاد پاره  
طک حسین مکارتر و نیز مسافرت  
پنهانی موشه دیان به تهران ...

تهران در هفته گذشته پایتخت توطئه های جهانی و نقطه کوه سیاست های امیرالمنشی و ارتجاعی در منطقه بود . سفرها " هیران " زیاد پاره ، رئیس جمهور روسیای ، طک حسین ، پادشا اردن ، صو کاکتر و رئیس جمهوری امریکوسنخسور میسورد ای موشه دیان و ملاقات سری او با شاه که در نهایتا منتفا صورت گرفت ، و سپهر سفر نوزال ضیاالحق بر هر یک در تا حیان مرتجع پاکستان ، ازین لایه توطئه ها و توتنی های ناما تم و سوسو تخن انگیزی غیر می دهد . در حالی که سفر موشه دیان که وارد میسو لندن در گفتار شب ۲ دیماه از آریوه برداشت ، باسکوت کامل و سخنمانتی محافظ روسی ایران رویوروشه ، در باره انگیزه هالو نتایج : ایمنی سفر دیگر همبران میامح نیز جز تعارفات رسمی و به به وجهه های بر وضعت و در انشاءهای روسی طلبیب زیاد می سنتر نشد . از جلا ل حسین رگه ما موضوعات دیگری که

دنیاله در صفحه ۳







### تهران - پایتخت توطئه جهانی

مناطق تضاد و برخوردی در مردم ایران ندارد و تنها به دفاع حده از مرزهای حدود بر برابر تجاوزات خارجی پرداخته است و جز زینه چینی برای شدت بخشیدن و گسترش رفته این تجاوز و محض روشنی بیشتر وطنی تر ابروان در این نهانگشایی چه معنی می دهد ؟

"زبان باره" برای حلقه های بیشتر نظامی و پالی ایران به زبانت حلال خلق های ایران که سعی سیاست مستقل ملی است آمده بود. رئیس جمهوری به اصطلاح "تدافع حقوق خردمندان" که و داد پس از شکست های رسواکننده و طاقت فرسای هندوچین امریکادگر درت ایط جدید تناسب نیروها در جهان قادر به شوکت مستقیم درت جنگ بزرگ تاویزگانه است. برای دوره خود بهیچن آریامهر کم بسته امپریالیسم جوامع سوز روشن کرد. چه بهتر که باحقن حوامان ایرانی و باپول و امکانات این مردم که باید صرف رفاه و ترفی بیهود آن شود و قرام ها و انتخابات خد امپریالیستی دردم گوینده شود. تجربه شمار به دهسان امپریالیسم مزه کرده است. سیاست نظامی اصرارگرفته با نظردرزی خود چاره ای جز حفر گرز ها و روزگرمی های نظامی خدیده که البته در حدت استواری سیاسی امپریالیسم دشمن خلق هاست و ندارد. ده شرایط بالقوه و همین یک نیاز جدید از جانب

امپریالیسم به صورت فروری حامی و پالی بر آمده است. با همه اختلافات و مسائل سطحی ترحام کرد تا اینکه فزاینده انقلاب و جهیزات مسلحی منبکی و جنبش های دانش در دگرگانه پیشگرمی نمود. برشالوده این دریافت است که نیروهای ارتشلی هرچه سردمداری انورسات و پایشیاتی فعال امپریالیسم جهانی سرمد و ادباج حبیبه شدی از کشورهای ارتشلی منطقه وصل وصال فری بحران به هر قرضی که شده و برآمده اند. شاه ایران در این میان نقر دلال و پانده از رازی می کند. و دهده های تلمیحی امپریالیسم از جنبه فراب خلیج میستان سعودی و شاه ایران که دلایلی نقی رانه در خدمت مصالح ملی های خود بلکه در سر ضایع امپریالیسم و ارتجاع به کار گرفته اند و در این سرهم بندی فری و حون یکطرفه بحران خایرمانه تقریبی دراز. اما این تلا شها با همه گستردگی و عدت آن در حله گانین خضبت باکت وضاحت روبرونده است. و دلگرات سه مانده تهران که با مصور تشخیص شده استوار ابراهیل انکارگرفت محضویه کنشایرین بست مبارزینان به سیاست ضعیف و تسلیم ظلمانه انورسات که در شرن ناگرمی روزگرمی ناچار است.

سفر قریب الوقوع شاه به هورک تاریخ آریا را بر روی می می. سی و سی و کلن رفق دوشنبه ۱۹ دیماه اعلام کرد مانده و دلگراتی گسه قرار است حان شاه و سادات و پلگه حسین و طگه حسن ( پادشاه



کاربرد "حقوق بشر" کارتر در ایران:

اول نه چیزی می شود !! نه چیزی می بیند !! نه چیزی می گوید !!

مراکت) و جعفر تهری ( جلا در مردم سدان ) انجام شود از مرحله تاوانی و در گسترش توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه خمیرمه ده.

\*\*\*

آخرین برده بازی که شاید در قیل و قال های کاذب در برهان ذلگرات شاه و کارتر پوشیده مانده مسئله نفت بود. شاه قیلا به نصیحت از لراده کاخ سفید نشینان بانگی و باد تاوی میستان سعودی و امارات شمه عربی از افزایش قیمت نفت برای مدت شش ماه در کفران نفی اینک در کار انار حلگرمی کرد. این خیانت عظیم به منافع آشکار مردم ایران چال ابعاد گسترده ای داشت که خونگاران امریکایی و انگلیسی با صوت و ناپاوری از شاه پرسیدند:

در برابر این احساسی که به غرب گردیده چه انتظاری از امریکا دارید؟

و شاه با پستی به چاکر طلق و ظلام حلقه به کوشش پاسخ داد:

... هیچ ... خدمت فقط که به اهدام برتری شایده.

از جبهه مردم فقیر ایران به امپریالیسم فلترنگر لسان کردن توت های ملی رله زنیهای دشمنان واقعی خلق های ملیخین و این معیج انتظاری وطنی البته از دیدگاه نقش طبعی و سیاست آیز شاه قابل درک است. اما آنچه قابل توجه است این که شاه پس از رفتن کثرت تر تهران پهنای خیانت خود را بر مرکز او در حاصبه ای که راد بر سکر می. سی. سی. لندن فرستاد امریکایی ۱۰۱. سی هرله به نسوی بخش های از آن را خشک کرد نه و ظلام کرد.

... ما قیبت نفت را برای مدت سال ششگرمه ام...

این جمله کوتاه که در طنین هر فریاد شاه نسبت به امپریالیسم گنبد نشان آست که محاصره کنی دگر می در تهران بن شاه و کثرت انجام شده و شاه به جانیه جانیه تقبل کرده است در اجزای سیاست انرژی کثرت در ذلگرات آینده ای که نیز از انفرسیس بهای نفت جلگرمی کند. و اضا که سیاست مستقل ملی "شاه از این بهتر نمی شود!!

ایران میبایست. این سازماندهی پیش گامزنده رنانه بارها به صراحت تاکید کرده است که مایه سوالی السحه سیک و کت مالی و در این می در هم. اما توطئه جدیدی خواهد بود این تجاوز و ارتجاع بلکه در کرمی مستقیم گستراند. منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه چنین حکم می کند و شاه ایران خردمند است به این سیاست های ضد بشری و ضد خلقی می نباید داشته باشد؟ اما شاه و اربابان امپریالیسم می در اندک انیس و ظلمت. این امری و عظیم را که با دست خلق آزاردهنده می باشد و خلقی سر ابا عظیم و اراده از آن حرمت می کند و می توان با دست و پا زد لرم ها و نوجه های چین نسوری و شاه ایران و ایدارات و نهاد بار خاوش کرد. خلق انیس در پیگر آزادی بخوشی امپریالیستی خود تنها نیست و از لرم فقط حلیت انتخابی ارتجاعی و فرقی جهان از این سنگر انقلابی و ده میزان دشمنان و همجرت ارتجاعی امپریالیسم به آن راهماد وسیع تر و فعالیت می خواهد گرفت. این حقیقتی است که حتی شاه سیکه منتر ایران با همه با می که به سر دارد، از آن آگاه است. اما این آگاهی برای ماجراجویی حلقه یه شاه و سلطنت او در بازی کردن با آتش کالی نیست. انیلهای منظر و خیل آسای ملاحهای امریکایی که با پلغ نفت انباشته قد بنده با بد خالی عینده امپریالیسم هم به خین هم به شروت و هم به سه ده انگری نگران خود بهیض از هیته انتخابی در لرم. این واقعیت در رابطه با اشعارها را می منی اینگران کننده شاه به انیس انقلابی و روشنی تیره اندر برابر چشم های ما می کشاید.

\*\*\*

ظلمت ها و ذلگرات فرسوده با کثرت و طگه حسین پوشیده در ایام بحرف نظر از جنبه های گرمی کن دگر و در وسط فلسفی داشت: نفت تهران خاور میانه.

ارتجاع به سرده ملی انورسات و مستورین امپریالیسم در خاور میانه بحران خیز و در تلا شگرگانه با همجرت تمام گرو امپریالیسم جهانخور است. این رفیغ ضایع و مسل اختلاف و با این کرمی روجه و منشر شد امپریالیستی و دیگراتیه در کثرت های عربی و منصرف انقلابی نسلین که بر لکن در اشکرمی آگاهی و شورملرزه و شوکت های انفرگانه آن برای دولت های ارتجاعی عرب همان هر خطرناکه است که برای صحنه

و کثرت و سکونت بازارهای اصلی و منجمل تر های دولتخواه به این بازار برده و رفق جای بر رویه تر و نوسیده ایلی روسم سوزمه لا نس می گردند. اما این روند و صاید و نواوری های را نیز به همراه آورده است. تراکم تدریجی قدرت و ثروت در دست فشر حوزوای بزرگ بوروکرات که در راس آن حاندان پهلوی قرار دارد و سلطه اختیار بر این قشر بر هم ترین صاحب وسو انورس ناسیجات و مراکز اقتصادی و پالی و صاحب سهم هرچه بیشتری از درآمد هنگفت نفت نیسط این قشر و در دیکر اقتدار گروه های طبقات حاکمه نرالی های وابسته است. به صده که پاره ها خصصری از قشر بخلانی لیرال که از مستحق های اصلی ریاست و در عین بهره گیری از شرایط اقتصادی و به خاطر رواج دیوانه و فر و لگا گسسته فساد زبانی و سیاست های بحران زای رفیغ حلقه فری مرشد نظام های اجنبی و گسترش رفته نرالی ها و رفاهات در تمامی شقین انحصاری - حتی در پایگاه قدرت رفیغ یعنی ارتش - نسبت به آینه مابین وضع به تدریج افتاد مانده. در چنین اوضاع و احوالی است که اوضاع انفرات و نظاهرات نودامی و حطلات نیروهای ملی به استقلال مختلف رفیغ در درنگ قرار داده است. رفیغ برای پایله با بحران های صیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که به نحوی بازتاب و رنگشکی رنجهای او هسته و وجو گرمی از شکر می فرزانده انفرات و نظاهرات مخالف ها که در شرایط منی سده کنی

نیروهای مخالف راه سهی جبهه واحدی سوق می دهند و به سه وحدت و فشرنگی اقتدار و قزای حوامان خود نیازمند است. او درک کرده که باید حلقه های ضعیف خود را سخت کند و بر خضبه صوفی خضرت رابو شاند و نرالی های مرد در برابر سر حلال گرو و به حمایت برینج و فعال از خود را در لرم. در اجرای این سیاست است که حزب شه فروده ناگهان در شک دولت بوروکرات های فارتگره سوزگرمی آیز زگار فری رود و سوا و با سه راه انداختن نظاهرات لالی و صله به پاره ای جو سوات و سگانه های صنعتی و پالی و ده صده بانکیا بخاضر ناخوشود و بود در از جنبش نودامی و شکست شدن نظم تحمیلی فعلی می ترسانند و به نیز چتر منشی می کنند. آشوبهای روزهای اخیر و انتشار خبرهای تفریغ شده از هجوم خشم و انجملرگرمه مردم و ترسک خضی برای هراساندن کلا خهای بر است. رفیغ در شرایطی که زمین زدن با شری لرم به این شوکت نیاز حیاتی دارد.

### چه باید کرد؟

در برابر سیاست جهانی و سیاست آتجهایی کاذب چه باید کرد؟ همان حورک که در مرحله شماره گذشته نوبد تاکید کردیم تنها انزار و نگری ترین حربه ما در شرایط موجود انقلابی های هم فاشگاری این دغلمگی ها و خضبه شیب بازی ها است. به هر وسیله و بانای امکان باید دسیسه های تازه شاه - سواک را در محافل و مجالس و کانن ها جرمه های داخلی و خارجی افشا کنیم. باید نقش زنیور را به یک سو بزم و دست سواک را در صحنه حرکت با ملو و تبلیغ و همایوری در زمین بروگرم - با همه این آخرین گزهای دفاع و هجوم سواک را از انورسپه بسا گسترش هر چه بیشتر و نیرومندتر افشاری های سیاسی و مجالس های انورسپه و درباری را بیشتر از پیش به انزار و سواکی بکشایم. باید در پیگر فعال و بیحرار تلمیحی و توضیحی بخاضر و گروهی می که آگاه و آسان ریب و احساساتی را از دام های بنس بر حفر درام و از خضبه شدن آلی و باز به چه فسور لرم کرنش شان نیسط نیاید از حلقوی حلگرمی کنیم. افشاری در این حربه علم مردم آینه بر خوی پندارنده و تنها دفاع نیست و نهجاست مانع و همجرت مانع. رهنمود گرانرولنن کبر و بزرگرمی آیز زگار انقلابی جهان و انیزاد نیوم که:

"نه امروزه در هیچ زبان دیکر هیچ کاری را نمی توان جلگرمی تبلیغات سیاسی و سازماندهی کار افشاکرمی های سیاسی کرد... ما باید در حان تمام کشورهای کم پیش آگاه مردم و شوروشوق افشا گرمی های سیاسی را برانگیزیم..."

در باره ضرورت افشاری و جنگی میوایب و صدی هسانی آن با هم سن خواهیم گفت.



# برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

## صفر قهرمانی

### مبارزی که در زندان تاریخ می سازد



سال ۱۳۷۷ که سال زندانیان سیاسی جهان گلابنده بود به پایان رسید، اما هدی ترین زندانی سیاسی دنیا با اتهامی واضح هنوز در زندان شاه است. صفر قهرمانی به شاه پستور مقاومت پهلوانی خلق های ایران ۳۱ سال است که محبوس و محرم و شرایط طاقت فرسای اسارت زندان را در برابر رژیم اجناسی خود به سخره گرفته است. این فرزند خورشید آذربایجان، بارها گفته است:

"ماندن من در اینجا نوعی مبارزه است"

بید راستی این پایداری حماسی و نیروی یله تنه و اسما شد و رانگیز، انبام بخش افشاگر و پر نبوت. صفر قهرمانی ظهیر زنده و رسوای رژیم است که باغی خبیث را در زندان ها و ننگه گاهای جنین و روز افزون خود می حید. او فرسای ایران به بند افتاده، روح و تنبیه آتش ناپذیر طوق است که به حرم مشق به آزادی و زینر پاشنه جلا دان و جبهان شوران انسانه باره پاره شده، هزاران زخم برداشته، به غل و زنجیر کشیده شده و بردها ترقل آویخته و ماتنلم شده است. او نفسی شکست ما وراثت ادا نه نیروی است که جز با پروری نو نرسا نه پاهای دیگری داشته باشد. دکتر هونگکنز برای شهید نام آور خلق ما و قهرمان بوده ای در خاطرات خود از زندان - که به زودی منتشر خواهد شد - صفر قهرمان را "مردی که از بیگسی، فقط با خود ترفا بی مطالعه است" نامیده است. دکتر نیز ساسی گفته است:

و غلبان شادی ولیند هم هست. او از نظر تفریحی شاید زیاد نداند، اما کفر نشورسین و پهلوسو نم هنرنگ است که زندگی را در فضای تنور و نرات ساجی اش به حساسیت او درک کرده باشد. تفریح های جنسی او که جوی قلب ساد فیز و مانده خود زندگی لیسبل و رقص است، هرگز اشتباه نمی کند. ایبه حد این دانش عظیم تجربی - و شایه بزوان گفت حال دیکرنا حسی فیزی - تکلیف خود نود دیکران را در برابر همه ساسبل و بخرنی ها و عادات زندان و حتی اموری که سالهاست از آن جدانده، به محنت شکنی آوری میروشن می کند.

- با آن لجه آوری شورسین، نگاه صای و قامت افزاشته سینه فراخ، پاهای که ستن های سنگی تخت نشینده را به ساد می آورد و صوت اندن کوشا لود و پیس و شیار خورده ای کصفا و صافی روستای آذربایجان در آن می درخشند، گلای که طعم صبی "رضق" در آن موج می زند... این غل خلاصه شده در بیخوله ها و تپنده گاهها زندانها و تنگه گاهها، در پیس رابه دور می کند که سرانجام به برقه فتح افزاشته گردیده.
- پیش به دنبال نظا هرات و مکررات مآبانه بین محتوای رژیم و تنی چند از نمایندگان ساراک و زندانیان نزد او رفتند: رژیم شایه ساراک به سمت خطری که در وجود این زندانی سالیسان طولانی، او را تهدید می کند، به قدرت رسوا گزانه حفر این مایه زوال ناپذیر می برد است. نمایندگان رژیمه صفر خان گفته:
- چرا چیزی نمی نویسی و خودت را اخلاص نمی کنی؟
- قهرمان تویی ای شایه بالاند اخت که:
- من حرفی برای نوشتن ندارم.
- تقاضای مطرف کن.
- صفر خان به تعلق لیختن زند؟
- صفر برای چه؟
- می خواهی ادا ای قهرمان هارا در بیاوری؟
- این شایه که از من قهرمان می ساینه. من به یک لوتکی گنام، در ملک روستای این سلطت بودم. ششام هر ابرسر زینتا انداختند.
- تهدید می کردند؟
- باشکیده گاه هم در رژیم.
- می دانم.
- می توانم هر آدمی که شقی را بر سر مثل بیاورم.
- اشتباه کنی... می فایده است.

آنها می دانستند که هرگز نمی برای به زانو در آوردن این مردی که قلبش در سینه جباب می تپد، می فایده است. صفر خان ۳۱ سال صبر کرده است. او می گوید:

- بازم صبر می کنم... آنگاه می مانم تا فرزندان واقعی ایران درهای زندان من و همه زندانبها و کشورها باز کنند...

"زندانبها می که به نیرو و مکررات نیاز دارند، به او اوجامه می کند. او در این مورد آنگه ترشوند است که می تواند به همه زندانبها جباب چیزی بدهد. هر جا مفسر خسان هست می شک زندان می، شوق زندگی و مطول"

"دانشجویی خواهم. دانشگاه تهران اسامی دانشجویی مخصوصا دانشجوی علوم اجتماعی می خواهم کار بهیا به دانشجویان می گفتند:

"... همه شطرابه سراسری می فرستند و بار دیگر دانشجوی انتخابی می کنند."

رژیم ضد فرهنگ از هفته پیش با ستمت از تشکیل کلاسها محلا دانشگاه علوم اجتماعی را ضل کرد ماست.

### اخراج دانشجویان مدرسه

### عالی پرستاری

به دنبال اعتراض ها و دانشجویی مدرسه عالی پرستاری وابسته به دانشگاه پزشکی رازی به رفتار غیر اصولی و غیره دانشجویی مدرسه این مدرسه، ترم تحصیلی ۷۰ دانشجویی ضل شد. ۱۰ دختر دانشجویی به اتهامات غواشی اخراج شدند. اعتراض دانشجویان کلا جنبه صنی داشت. آنها به شرایط محیط تحصیلی و طوفان دگر ناپذیر دانشکده ه (که کوبا از اعتراضات بیرونی تانی تویس شهر سواوات است) از ابراهام فراد را می رسی که با دانشجویان گفته بودند، به پاسخ خطی از دانشکده اما با ستمت و جسته ها به رو شدند و به اصلاح حیات علمی این مدرسه عالی زیر فشار رژیم دانشگاه تهران و روشی صس مدرسه عالی اقدام به تعطیل ترم و اخراج غیر قانونی ۱۰ دانشجویی سخن کردند. دانشجویان که در ریز پنجمیدها ه برای گفت و گوها با مقامات مدرسه عالی رفته بودند، به پاسخ خطی از صسی سولان رهبر شدند و مدتی بعد چندین مستخدم گرفتند گفت و گوها و به دستور مقامات به دانشجویان ضل برودند تا تحویل و تاسرا ونگه آنها را از محیط مدرسه عالی برین رانند.

و تهدید و نصیحت کرد و بالاخره کارشان را بر داد. هنوز گروهی از دانشجویان چون شده اند کلا تر خود را پس بگیرند. گزارش های رسیده از دانشگاه صنعتی حاکی است که کلا تر هده ای از دانشجویان دانشگاه صنعتی که در شب سخنرانی میکی از فضای کاتبی نویسنده گان که به انتصاب نشده و آرام حاضران انجمنیه، پشت تریبون رفته و سخن گفته اند، از آن ها گرفته شده و هنوز پس داده نشده است. خبرهای دیگر حاکی از این است که میران هنوز به استادان دانشگاه صنعتی اجازه تشکیل "شورای دانشگاه" را برای رسیدگی به مسائل و حوادث اخیر که در حوزه اشیا و ارتباطی آنهاست نداده است.

### بیرون راندن دانشجویان از دانشگاه های تهران و ملی

صبر در رشته دراز هم دیده جاری افراد گردد دانشگاه ملی به دانشجویان این دانشگاه حمله کردند تا آنها را از دانشگاه بیرون کنند. مقاومت دانشجویان سبب زد و خورد شد و سرانجام حال رژیم با خفتن و محوم همه دانشجویان از محیطه دانشگاه بیرون کردند. صبح سه شنبه سوز هم دیده گزارش های شایه برای اسراف کرد به دانشگاه تهران ریختند. دانشجویان را از کلاس ها بیرون کشیدند و به وضع مقاومت آنها، از محیطه دانشگاه بیرون کردند. هده ای از دانشجویان که طقت برش رژیم را در روز های گزارش دانشگاه که هیچ گونه حرکت اعتراضی و اعتراضی مشهود نیست، همچنانده بودند، جواب شنیدند که:

# درد دانشگاهها چه میگردد؟

## سیاست ضد دانشجویی رژیم در دانشگاه صنعتی تهران

رژیم و همچنان با دست عمال و بهره های خود به سیاست ضد دانشجویی ادامه می دهد. در هفته گذشته طی رها میران رژیم دانشگاه صنعتی برای اعمال فشار هر چه بیشتر بر دانشجویان سالز این دانشگاه شیوه جدیدی راه اجسرو گذاشت اولیست بلندی از اسامی دانشجویان مبارز را به کلا تر دانشگاه داد و آنها هم محکم بود. دانشجویان با کنترل آنها، کارت دانشجویی کسانی را که نشان در لیست بود گرفتند. هنگامی که دانشجویان برای باز پس گرفتن کارت خود اقدام کردند، آن ها نیز بر زور سواراکی و جناب نظر رها میران فرستادند. میران تنه تنه دانشجویان را به بیوفت و بعد از مدتی نصیحت و تهدید به آن ها راه مرکز کارر فرستاد و کلا تر کارکنان از رهس کارر بگیرد. رئیس کارر هم مدتی دانشجویان را نصیحت و تهدید کرد و آنها را برای گرفتن کارت دوباره به میران پاس داد. این بار هم از دانشجویان خواست برای گرفتن کارت بدرنا راه دانشگاه بیاورند. بعد از حضور اولی ساسی دانشجویان در دانشگاه بازم میران سلسی دانشجویان

# ارانی

# در ارتش ایران چه میگذرد

در زیر کاجهای بلند پیله و رنگ  
بر سگویی «سایه» دیوار آجری  
مردی نشسته بود.  
چشمان خیره خرا بیسی طاق آسمان  
(کاتبیا نماز زندان نگسترده بود. بال)  
خاخیر در بسته  
روز های بی خبری غریب زندان گسته بود.

در فکر آنکه چنین برسد ریز در ادا که  
بهر دو نام خصوصی حق هر دم کند  
در غم خیره خرا  
آنکه که با دروغ م از اتهام رو.  
با حجت موهن خود ختم کند.

در جنگ در ششان قوی پنجه مملوهای  
اند پشیمان نبود که جانش نفا خود  
گویی شتاب داشت:  
دل را به یک پیله و خنین بدل کند  
در وضع زمان  
بهر نجات خود بی زحمت لفا شود.

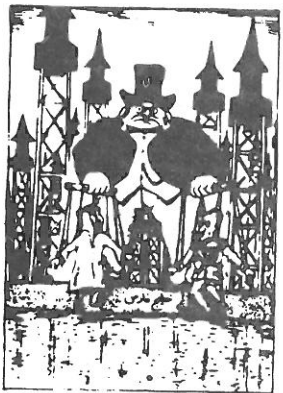
وقت فروب چمن نو خورشید شاگاه  
دیوار را طلالی و گلرنگ کرده بود.  
برخاست  
وان سایه های نویسی شکر  
سپاهی به حرلات او را  
با نقیصای خیره روز آنگ کرده بود.

تاریخ جنبش انقلابی کجایی کرانه های برسانند.  
ارتش ایران با ریشه های کوبان با خلق پیوسته دارد. افراد  
آن تقریباً همگی از فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار  
زحمتکش جامعه ریستا میباشند و اکثریت سنگین کادر انحصاری آن از  
اقتدار خطوط و بی چیز جامعه برخواستند. درست است که  
اشیاء و تکنیک و سطح پایین رشد آگاهی معنای از این افراد  
و اوضاع می کند و آنان راه صورت کارگران را بی فکر هیت حاکمه  
در جوار بی املی این جوار هرگز نتوانند ریشه های پیوسته ارتش  
را با خلق پاره کنند. بهر آنکه در جوار بسیار مهم دیگر بطور  
واقعی جهت نگه ای این پیوسته اثر می گذارد. یکی فساد  
بی بند و بار دستگاه حاکمه و بهر حال شاه و دیگری حاکمیت  
نفرت انگیز اربابان آمریکایی که به نام «مستشار» و «کنترل» در  
ارتش ایران فرستاده می آید. افسران پاک امن و سپهبدان  
بی پیوند که عدضین ملاک برای ارتش درجه و رسیدن بسه  
مقامات ارتشی سه چیز است: اول این که بر دیوار فرمان بردار و  
عهد ستور چلایت با بی راهگروانه اجرا کن مردم اینکه از چپ  
و راست دوری کن و سهم بالاترها را بدین کر و کاست برسان  
و دوم اینکه بهر گروهان نالیق آمریکایی گزین کن و تله بگر.  
با اطمینان در اینم که اکثر سپهبدان بی پیوسته و عدضت به خلق که  
با دست کفل مصدق خانی «سایه ها» روزها روشن شده  
هرگز خاخیر نخواهند شد. «هراند از هم که بدم سیاه استبداد  
مصدق را نشانده بخواند روی آترا با خاکستر و گل و لای بپوشاند.  
این آنگر بالاخره همراه با جبهه جبهه جبهه برستانه و آزادی -  
خواهان مردم ایران نخله خواهد کشید و با آن بجای ارتش  
کوتی پایهای ارتش طی و دیگر تیات ایران که استمفواهند  
شد.

سبل ناخشنودی جامعه ایران که در نهایت از چهار چوب  
طیبات زحمتکش «ممن» آمده و وسیعترین شهرهای خطوط حاکم  
نزارفته است «بالاخره به آخرین سنگر مردم استبداد شاه»  
یعنی کادر فرماندهی ارتش نیز تراه یافته است.  
اخبار رسیده حساسی است که در چند هفته پیش  
بگوشی پیوسته داشته داری در کادر فرماندهی ارتش نیز تراه  
بیش از ۱۰ نفر از فرماندهان عالی ولید های ارتش در  
شهرستانها بازداشت و عدضین سوره با زندان در آن در  
تهران انتقال داده شد. این افراد ختم هستند ککلی  
اند بهر لزوم تخمیراتی را در وضع کتور کشور در آن خود طرح  
ساخته بودند. از اخبار رسیده اینطور بر می آید که در پیوسته با  
این جریان در نظر از افسران بالاتر تراه تا کنون اقدام شده است.  
واقعت این بریده از هر چه باشد «اصحیت او را آن از این  
حجت است که طوطی هم کوششهای رژیم در ایچا را که ارتش  
گزین آمریکا شاه و کارگران امپریالیسم آمریکا طوطی اینکه همه  
افسران برای رسیدن به مقامات بالاتر صد بار دستچسب  
می شوند و از درها غریب و صافی «خقی» میگذرند و در هر ارس  
نظامی آمریکا با هیچ خدمتگزار و خدمتگزار «آید به «بیشند»  
طوطی اینکه بدم می کشند با در آن امتیازات فراوان «ارتش را از  
خلق جدا سازد و در این راه بهر دست دوری و غارتگری بی بند  
ببار افسران بالای ارتش را بازگذاشته است. در این سایه ها  
املی مجیزه شتاب نیز تراه پیدا شده است.  
تاریخ ارتشها در بسیاری از کشورهای جهان از آنجمله در  
کشورمانند است که طوطی همه این تلاشهای ارتجاعی  
هواره در ارتش و حقی در کادر بالای آن عناصر سپهبدان  
پیدا می شوند و همین عناصرند که می توانند در لحظات حساس

گویی تلوی است به چشمانم  
افراخته تر است از این کاجهای پیر  
با دست خیره لاس طاق آسمان  
در زیر پای او  
هر سوخته چمن حشراتی زحیم  
انبوه در نشان!

هر که که مرد جلوی تاریخ صبرا  
در آنگوشی دل تجده بکند  
خود را که خرد و بخار و سپنج است آن زمان  
گردی شکر و هم در و جابه جابه  
روزه به روح زمان محرم بشار  
آید و بگذرند  
کی با قیلبلی که ارانی است زمان شکر  
اینان بپایند!



# فاجعه زلزله کرمان

و ناله و هوا پیا پیا و کد تاباری سرکوب هر جنبش خلقی سر  
داخل کشورها منظره دیگری در سطح آماد به مانند به عنوان  
نیز گوشه فرمان امپریالیسم در هر منطقه ای که او اشاره کند وارو  
کارزار شود در حالی که با بول هر یک از او پیا پیا می که شاه می خود  
می توان خندید و دهگه و آید و نوسازی کرد.  
شاه در قسمت دیگری از این صاحب گت: «ایده و ولم بوقع هر چه  
که روستاهای ایران نوسازی نمود. این کلام شاهانه هم نیاز به  
تفسیر ندارد. امروزش هم می داند که چنین روزی سرانجام خواهد  
رسید اما در آن روز مردم حاکم بر سز نوسازی خویش خواهند بود  
نه شتی رحاله و فاجعه، فقرخانه در این وطن. در چشمان  
روزی است که اگر زلزله باشدتی بیشتر از آنچه کرمان را لرزاند و  
ایران را بلرزاند امتثال و میزان خسارات بسیار بسیار کم خواهد  
بود و دیگر همه که «بهر حفر خشت و گتی سز زحمتکش روستا  
ها و روستا نخواهند شد چرا که دیگر جنبش کبای وجود نخواهد  
داشت. شدت لیزه ای که کرمان را لرزاند فقط ۶/۴ اینتر  
بود در حالی که حد هفته قبل از آن زلزله ای باشدت ۷/۵  
ایشتر فراقتان شهری را لرزاند و کمترین خسارتی به بلزبان  
حقیقت این است که حنان روزی که شاه و پدی و مدد سرانجام  
فرا خواهد رسید و خلق های پیوسته و بصرم ایران پسران که  
سلطه در زحیم حجاز و سترگان و زادهای استعالی را  
اند احسنه «بانوی شکر خیشنه حان سازندگی دست  
خواهند زد که نسبتاً در عرصه اجتماعی بلکه در برابر سوره های  
گور طبیعت نیز آید خواهد گشت و... روزی که قهر طبیعت  
(آن حنان کمر فراقتان امروز شوروی بنیم) دست نخواهد  
نواست مردم پیوسته امیز و بیرون زند فردای ایران را زین تراه  
های خشم خود گیرد.

زلزله یک بار دیگر در قسمتی از ایران کبای های مفرخت و  
گویی را بر سر هزاران روستا و محله کشید و در مناطق سنگینی به  
پار آورد. طبق آمار که تهیه کرد آن های رژیم حلام کرده اند  
۲۱ نفر در جریان زلزله کرمان جان باخته اند و حد هایشه  
اصطلاح خانه و بارش کبای گویی ویران شده است اما شیه  
اجداد فاجعه کشنده تر از آن است که فاش شده است. این پیش  
مستعمل روستا است: بی اطلاع نگه داشتن مردم از حقایق و کجبه  
جلوه دادن فاجعه ها.  
به دنبال وقوع زلزله شاه ایران بریاد و همسر حوام فریبش  
به اصطلاح از منطقه زلزله زده باز میگردید به کته و نوشتند  
زاد بیو و تلخیص و در وقت ناه های درباری او امری هم برایشه  
سازی ویزانها صادر کردند!!  
شاه با لباس نخلی که کبای همیشه برای نوساندن مردم آید  
به تن می کند. پسر از به اصطلاح باز می آید از روستا ها و گت و گت  
با مردم گرسه بی حاشان در مقابل سگوش خیرنگار اید  
تلخیص بی بی شوی گت: «ما روستای بزرگ را دیدیم که تصام  
خانه های بیرون شده بود و تنها ساختمان سالم دهگه به  
درسه او نخلی داشت که امرا با مصالح ساختمانی جدید به مثل  
آمر ساخته شده بود!!  
هیچ تفسیری بر این فقراتی شاهانه لازم نیست. بر سر مردم  
سندیده این روستا هشتی خشت و گت غریبته بود و در تمام  
دهگه فقط یک ساختمان آجری وجود داشت. این روستا و  
صد ها همزادها روستای دیگر مانند آن در کشوری قرار دارند  
که ثروت سرشار آن به تاراج می رود و شاه نفت آن راه حل  
خود برای طلب حمایت دریده زمین سرمایه داران - روستایی  
نماند آن بهتر آگاهی کارتری می کند و بطل آن را نیز صرف خرید



# درسهای گرانهای

## اعتصاب گارگران بنزخاور

# جنبش‌ها ومسائل کارگری

در جریان اعتصاب ۲۰۰ کارگر کارخانجات بنزخاور که باطله در دوشنبه کارخانه پیرم حاجی سرایه دران و غارتگر ریه‌روشد، در ماه‌های قایتیمه روی داده برای کارگران ایران و تنهایی زحمتکشان نیز بوی اشتغال و دیکتوری درس‌های گرانهای دور دارد.

در حال حراست‌های کارگران که بالا قید و ستولان کارخانه ریه‌روشد، در دیوانت حق سگک حای پیرمای داشت. کارگران باناکنده بر سطح نازل دست‌نورد‌های خود و توتائی سرمام آور روزترین سگن را با ره سبکه که مستعظم در آمد تا میز آنها را می بنمده، پرداخت وحشی به عنوان حق سگک را از کارفرمایان خواسته بودند. ستولان کارخانه زیر بار نرفته. آنها تصریح کردند که جنبش حق در هم کما به کارگران پرداخت نمی‌شود. اما کارگران کمست حق سگک کارگران ایران ناسیونالیست روی می آنها نهادند. این محاربه به مبارزه انضباطی کارگران جبهه‌پیکر داد و ستولان بنز خاور می بردند که بین کارگران انضباطی سا کارگران ایران ناسیونالیست رابطه و تناسپنهائی وجود دارد. این موضوع پای ستولان کارخانجات ایران ناسیونالیست را نیز به صحنه صاف از سبک‌های کارخانه بنز خاور باز کرد. محمودهای بدیسر هایل بیکی از سبک‌های اران عهد ایران ناسیونالیست به صاحب کارخانه بنز خاور نتیجه گرفت که به هیچ وجه زیر بار تقاضاهای کارگرسون انضباطی نرود. ازگت:

«کارگران در برابر آنها عقب‌نشینیم و چیزی بهمان بد هم برود از حیز دینی خواهند خواست. نادیسر ننده باید آنها را سرچایشان نشانند».

و برای واداشتن ستولان بنز خاور به بدیورت خواست خود، پیشنهاد کرد که نمای ضروری زبان کارخانه را در دست انضباط تخب خواهد کرد. حسیه گوی شترنگ و کارفرمای بزرگ که بسا ناشد کاف‌سازا همراه بود، بافت سخت تر نش وضع ستولان بنز خاور در برابر کارگران معتزتر شد و به ناخشن زانده های شاه به انضباطی، سازد انشگره‌های آزمان و اخراج دسته حسی کارگران انضباطی. پلیس و سرمایه دران جی‌اولو بران بودند. شاه حسیه بنی زحمتکشان محروم و ماموم و سازد موسوی ایران نشا بد مند. کارخانه بنز خاور بر اساس نوشته رفته به نفع اسلام داشت که آراء است دوباره از کارگران نام نسو کند و اما در استفاده مجدد آنان، سبانه کار برزایان تانیو آمان ضلوع نبراه‌دهند. ضامنه فقر و دشمنان توده کارگر که محمول دستم شرايط کارخانه طبقاتی و اشند و انجمله و اشتغال روی از دوری کاراست، سبب ندمبارز از کارگران انضباطی از چند روز با طوع و نفع گرسنگی خاموده خود و در برافروشنی در زمجال کارخانه داره عقب‌نشینی می‌ورازند اما در این

این جای است که به تجربه دریافته شده و کارگران ایران با پیروی آن شامل توده گشته. و موده صدق پنهانی که با وجود وجود کارگران به وجود آید، نه تنها دلگرمی و ناسی که حساسی‌سازان و امری با نژادها برای کارگران فراهم‌ساختی و کارگاه بو کارخانه است. شناخت نقطه ضعف اولین گام در راه درمان است.

یولنارهای ایران به پنهان در گروه مبارزات محضرت آید بسنده می شود و درجه به نقش سیاسی و حسی خود و ضرورت حصاد پیوند نیروی مبارزاتی در طبقه‌میش می‌برد. این درس کوچکی نیست. حتی آموختن چند کلام از این درس و بعضی عدم موفقیت‌های کارگران بنز خاور را به پیروزی آنها بدل‌سازد.

### اخراج ۲۰ کارگر کارخانه ایرناک

طی دیماه اخراج ۲۰ نفر از کارگران کارخانجات ایرناک ( واقع در تبریز ) به بهانه‌های واهی اخراج شده‌اند. کارخانه ایرناک از پرداخت مزایای قانونی و حق کارگران انضباطی به اشخاص مختلف سرانزده، گروهی را با نشت ناچیز و بسیاری را به هیچ حقوقی از کار برانده است. در برابر اعتراض کارگران که علت انضباطی بکمانه و خصومت آمیز می‌باشد، و اولیای کارخانه گفته اند: « دولت بما تعهد می‌دهد که تمامی از تولیدات کارخانه ایرناک را خریداری کند. از آنجا که دولت به تعهد خود عمل نکرده، ما هم در مقابل شما هیچ تعهدی نداریم. کارخانه ایرناک با ۱۰۰ میلیون تومان سرمایه اولیه توسط سرمایه داران ایرانی و انگلرکی و آلمان خودی در تبریز راه‌ساز شده و سبانه ضلعات پیش‌ساخته ساختمانی است.

کارگران انضباطی خواستار پرداخت مزایای واقعی خود هستند. کارگران فعلی کارخانه نیز که از سر نوشت رفقای خود بدچار شکتی شده‌اند، تا بهین بهترین برای آراء کارخیزی می‌خواهند. در برابر اقدام خود سرانه کارفرمایان، روزبه‌روز از سرمایه و سرمایه دار کمترین کم‌المصلحتی به نفع کارگران نیرومظلم فرار گرفته‌اند. و با سبکست خود امانت‌های حاسه و عهد کارگری ستولان کارخانه ایرناک را که می‌خواهند با انضباطی کارگران قدیمی، کارگران جدیدی را با مصلحتی و مزایای کسور استفاده کنند، تا قید کرده است.

« اگر یک صدوز حسیه داشتیم که تا حدی در روزهای بیگاری از نظر مالی شرا مناسی می‌گردد، تا خود را کسور به پشت‌گرمی می‌سازد به مبارزه آراء می‌داریم».

در این اشبار ستر سریش و تجربه برپایا نهفته است.

## دو نوع تظاهرات هنگام ورود کازتر به تهران

بود: انشراقی به آن مسافران امریکایی که خشونت و شدت دیکتاتوری شاه را برای شایع دراز مدت ابراجیم و ارتجاع غفرتانی دانفتند در راه در صحنه تهنیتی بود و دستوری بودن این تظاهرات با دلایل انگاری بود. در این راه که یکی از خبرنگاران نوشته به طور حقیق آن را تبیین کرده است:

«سوزش‌های کازتر به تبریز و محمود محضربان و معان سازمان داد و بخوبی ایران و مدونیت کمیته انشراکت‌کننده (سواک) در این محفل خصوصی گفته بود:

«تبریز جمهوری امریکایی تهران اصیل مظهره‌ای ریوی می‌شود که شاهنشاه دروازشش با آرزوی و ندهند».

آنها صفت اظهار نظرگونه و خضع برای شان در این صفت آن تظاهراتی که سواکه به راه انداخته بود، نگاشته می‌نویسد؟

که از سر نوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

انشراکت‌کننده دیگر تظاهراتی در سواکه و عمله واکره ایپود که عهد تا در برابر محفلت امریکایی و سازمان گت و صنعت ایران و امریکایی روی در صحنه‌های صحنه و رسوایی آفرید. اینسب تظاهرات دستوری که از فرط تعصب به ابتدال کامل‌کننده بود، دو شمار بیشتر نداشت: « هر که بر امریکایی‌ها » کازتر بهشتا برگردد... بر روی بی. بی. سی ( لندن ) در کفر فارسی خود به جنبه شخصی این تظاهرات سواکی اشرا طرز آفریده است.

بی. بی. سی که خود به بلند گوی تبلیغ امپریالیست است، گفته شد: « باید منظور از این صحنه ما آن بود که تظاهرات شده‌اند امریکایی در واشنگتن هنگام ورود شاه خواب‌داران مشهور و زارمنتر شاه از خود دراز قاطان امریکایی در پیشانی و سوز کردن این تظاهرات نشان داده شود».

امای شک در این جنبه تا سباز سواکه و عهدی‌های دیگری هم

در روز ورود کازتر به ایران و دو نوع تظاهرات گیتا ضلالت در نقاط مختلف تهران روی داد. در نوجی از این تظاهرات مردم به بهر زحمتکشان و دانشمندان در خیابان‌های پانچهره و حافظ و طالب دانشگاه به سرعت احتیاطات کوچک شهرکی تشکیل دادند و با انضباطی: « هر که بر این کمیته‌های تهنیتی » اشیداد بند ادبی کرد: « زندانیان سیاسی و آزاد کردید » از نیش حسیه مدعی دفاع از حقوق بشر ( البته به سبک امریکایی آن ) استقبال کردند. در این شمارهای انشراکتی بی محتوایی حلومنیسجال‌های کرده‌گام: سبب نهمندان بانکر در باره دفاع از حقوق بشر و آزادی می‌های شهرنندگان جهان در کار شرايط اختفاتی و ماهیت حکومت دوشمنانه شاه به وضوح گمانده و برپا شده بود. این تظاهرات گنگان به حرم فریاد کردن حقیقت و آزادی، توسط پلیس حور بوروش‌مشن و در دشمنانه فرار گرفته. ده‌ها تن به شدت خسرو و صحنه گودیدند پس ۲۰۰ نفر بازداشت شدند









# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۵ چهارشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۶

## تیرباران وحشیانه مردم قم

گلوله باران کردن وحشیانه مردم در خیابانهای قم و تیرباری با قاطعیت و روشنی نشان داد که بنیاد رژیم گانگستری "شاه ساواک" و خلقهای ایران در بیانی از خون فاصله است. این جنایت هولناک و داغ ننگ تازه ای بر پیشانی حکومت غاصبی زد که با کودتای یانکی های امپریالیست بر زمین مائتصل شده و ادامه هر روز از حیات پر ادبار خود را با سلاحی کردن آزادی و حقیقت و عبور از زندانها و شکنجه گاهها و از روی جنازه گرامی ترین فرزندان و شهدای خلق تأمین میکند.

فاجعه قم مانند تمامی رویدادهای دیگر با تحریف بیشمارانه و در هیأتی آمیخته به کذب و دریا بدر روزنامه های ساواک زده کوفتگی مضحک شد. اما خون شهدا را نمی توان با لای و لجن پوشاند. صدای شهید صدای حق و ایمان است و این صدا حتی از روی کوه و اعناق مرگه وطنین میاندازد و به مبارزان و مجاهدان زنده حق و باطل و نیرو و الهام می بخشد.

قیام به خون کشیده قم از روز ۱۷ دیماه آغاز شد. تظاهرات گسترده مردم، بانگ اعتراض به رژیم اختناق و نقش کثیف شاه به عنوان نوجوه امپریالیسم آمریکا و دلال اسرائیل صهیونیست و در سرهم بندی کردن بحران خاورمیانه به زبان خلقهای عرب و فلسطین بود. این ناپیش خشمگین و محکوم کننده، به برخورد های پراکنده ای با گروهها و داروهای شاه انجامید.

رژیم به جای پاشیدن آب بر حریق که افروخته بود، باروت در آن ریخت. در حالیکه شاه از طرف امپریالیسم آمریکا به تأیید صریح میرفت تا به نیرو و وسوسه دلارهای نفتی ایران، "توطئه" "سادات" - "بگین" را علیه رژیم مقاومت و مخالفت خلقهای عرب و حتی حاقان واقع بین صوره از بن بست برهاند، روزنامه فرمایشی اطلاعات به اشاره ساواک طی مقاله متعصبی از کوششهای استعمار علیه ایران سخن گفت و در پاره های خود، مرجع مبارز شیعیان جهان آیت الله خمینی را به باد تهمت و استهزا گرفت. این دشمن کسی به مردم آزاد، های بود که از فشار خیانت و تبه کاری و فساد و جپاول و نیرنگ رژیم راهزنان و هماربندان بسه جان آمد مانند و جهان را با صدای اعتراض خود پر کرد مانند.

فردای آن روز افواج خشمگین مردم در اطراف حرم و میدان آستانه گرد آمدند. آنها علیه "بینه زمانه" و تبهید آیت الله خمینی شعار میدادند. مشت ها گره کرده بود، چهره ها دردم و قلب ها، نارنجک های آماده انفجار ...

هجوم پلیس اجتماع مردم را موقتاً بهم زد، اما ساعتی بعد - اجتماع بزرگتری در برابر در شرق حرم حضرت معصومه بوجود آمد. گروهی بسوی خانه آیت الله شریعتی تهری و گروه دیگر به طرف منزل آیت الله گلبانگانی به راه افتادند. این موج های انسانی تا شبانگاه خیابانهای قم را درنوردیدند. پس از نماز عشا در مسجد اعظم، تظاهرات گسترده تر شد. بسیاری از زنان نیز به این سپاه به ستوه آمده پیوستند. در صحن مسجد، تلی از روزنامه بولتنی اطلاعات انباشته و مردم در آن آتش انداختند. مردم با این کنایه دروغ را میسوزاندند.

صبح روز ۱۹ دیماه تظاهرات با اعتصاب وسیعی همراه شد. بازار قم و حجره ها و فروشگاههای واقع در خیابان بسته شد. حوزه علمیه تعطیل شد و جمعیت روه فزونی، چون رودخانه ای در - بستر کوچک ها و خیابانها، به حرکت در آمد. داوالتبلیغ اسلامی نیز اعلام تعطیل کرد و تمامی طلبه ها به تظاهر کنندگان پیوستند هر چه بر حجم قیام کنندگان افزود، میشد، هر چه تفنگ ها و مسلسل های بیشتری در صیور مردم به چشم میخورد. از غروب، هجوم گرازا شروع شد.

در خیابان بهار، پشت مدرسه حجتیه و چهار راه بیمارستان بهارانی از گلوله به روی مردم باریدن گرفت. ناپیش اعتراضی در خون غرق شد و اما خون مبارزان، بر حریق خلقی دامن زد. تظاهر کنندگان با مشت های گره کرده به کسین گاه مسلسل ها و تفنگ ها حمله بردند. بیش از دو ساعت مشت ها با تفنگ ها جنگیدند. و وقتی سکوت تاریکی شبانه بر شهر سلطه سازه انداخت - انبوهی شهید در خون خود می تپیدند و بیش از صد مجروح در روی آسفالت خیابانها بر جای مانده بودند.

آمار شهدای حادثه قم را شاهان عینی بیش از ۲۰ نفر ذکر کرده اند اما از سرنوشت درهما بازداشت شده، اطلاعی در دست نیست. (رادوی بی بی سی. سی. لندن آمار بازداشت شدگان حادثه قم را ۷۰ نفر ذکر کرده است.)

در جریان زد و خورد های خونین قم، مردم عصبانی دکه های - روزنامه، اطلاعات، مراکز نادای حکومت فاشیستی و محل حزب شه فرموده، رستاخیز را در هم کوبیدند.

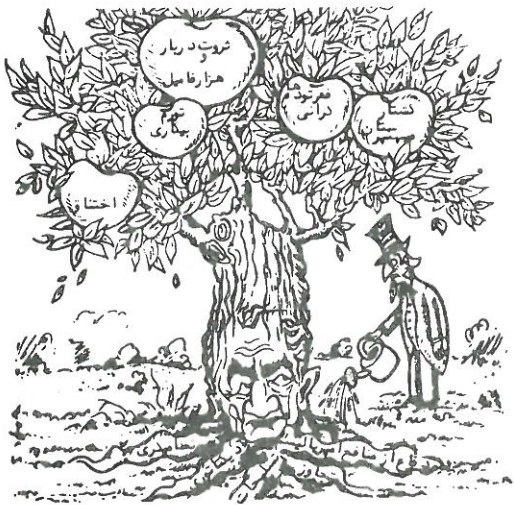
\*\*\*

دروغ ۲۰ دیماه، شهر زخم خورده، قم عزای عمومی اعلام کرد. سراسر شهر تعطیل شد و علی رغم بوش سببانه در خیابان و تفنگ

بعید دارند؟ عجیب که تمامی روزنامه‌های جد از مردم و بلندگوها بر هیاهو و برید ماز حقیقت، حادثه خونین قم را با يك اطلاق و يك انشاء واحد و گلشنهای منمکس کرده‌اند! آیا متن این آگهی و سخننامه ساواکی با همان دست‌نویشته نشده که ماشه اسلحه را بروی مردان و زنان و کودکان بی‌گناه قم هفتصد ماست؟ حکومتی که با مردم تنها از لوله تفنگ‌ها سخن می‌گوید، حق حیات ندارد. جنایت فجیع قم و يك بار دیگر حقانیت شمار روز حزب تودما ایران را که همه مبارزان و مخالفان رژیم دیکتاتوری را در يك جبهه متحد فراخواند، تأیید میکند. در شرایطی که مبارز توده‌ای می‌چریک فدائی و آزادیخواه مذہبی زیر يك ضربه و شریک يك شکجه‌گاه و يك زندان‌اند و پاتازها و تحقیر و گلوله و هجوم و احدی روبرو میشوند و پایه خاک و خون می‌غلغند، تفرقه و جدائی ما مجز شادگان دشمن و ادامه این سیاست اهریضی، شری ندارد.

هم مپنهان! مبارزان! آزادپخواهان!

بهای هر روز ادامه حیات ننگین را در دست دیکتاتوری برای خلق‌های ما قربانیان بیشتر و تاراج دانشدارتر منابع و ثروتها و امکانات ملی ماست. فرصت‌های طلائی و تکرارناپذیر وطن ما برای نوسازی و جبران عقب‌ماندگی قرون و اعصاری که به برکت رژیم خود کاه آریا شهری تعمیق شده، بهیچر می‌رود. ما بر تاریخ و مپنهان خود مسئولیم. به این مسئولیت تنها با کوشش در یگانگی، فائق آمدن بر معضلات و سایل اتحاد نیروهای ملی و استبدادستیز و طرد عناصر ویرانگر و تفرقه‌انداز از درون جنبش، می‌توانیم پاسخ دهیم. تا روزی که در یگانگی خویش توانانشوم، خون‌های پالی که در قلم به خاک ریخت، پهنای بیشتری از مپنهان ما را رنگین خواهد کرد...



درختی که وی را تلخ است سرخشت

اران شاه بهتظاهرات مردم و جنبش اعتراضی در دانشای - کسند متره اوج بر حرارتی گرفت.

در قم از دو روز پیش حکومت نظامی برقرار است. پانزده - کامیون گارها و رنجروهای شهربانی را از تهران برای کمک بعصر غضب‌ها و سگهای هار شاه به قم منتقل کرده‌اند. قم به صورت يك شهر اشغال شده در آمده است. عبور و مرور در شهر قسم توسط گشتی و پلیس که در همه مراکز و مناطق شهر مستقر شده است، به شدت کنترل میشود. حرکت بعضی از اتوموبیل‌های مسافربری از تهران و دیگر شهرها به قم لغو شده و مسافرائی که به هر وسیله دیگر وارد شهر میشوند، با دقت مورد بازرسی و تفتیش قرار می‌گیرند. بازرسی از مردم و رهگذران در خیابانها و بازید بدنی آنها در ابعاد بیسابقه‌ای اجرا میشوند.

اما حتی گاموس سلسل‌ها و تفنگ‌ها نتوانسته قتلوری در عزم مبارزه وارد آورد. مشت‌ها گره کرده و قلب‌ها پراز کین و شحار ه آماده انفجار است. مردم را با گلوله و باروت میتوان به خون کشید، اما تاریخ شهادت میدهد که خلق‌ها تسلیم ناپذیرند!

\*\*\*

رژیم تبهکار، برای توجیه جنایت ننگینی که مرتکب شده، به عادت‌ها به بزدلان و خائقان به دروغ متوسل شده است. روزی نامه‌های زیر کنترل و دست‌آموز با نهایت بی‌شرمی ادا کرده‌اند که گویا تظار کنندگان می‌خواستند کلاتوری يك قم را تسخیر کنند و مأموران از روی اجبار به روی آنها آتش گریه‌اند. اما کیست که بیشکستهرین و وقیح‌ترین دروغگوها مپنهان ما را نشانسد؟ اگر این ادعای جبین آمیز صحت داشت، هپس چگونه است که تیرانداز پلیس به مردم بی سلاح در چند نقطه متفاوت شهر رخ داده و خیابانهای بی‌ک با خون شهیدان رنگین شده‌اند با کلاتوری فاصله -

جنایت بیشرمانه و دشمنان شاه را در قم هر چه وسیع‌تر در برابر مردم انشاء کنیم. عدای اعتراض خود را علیه رژیم سفاک و درنده‌ناب که هر حرکت اعتراضی و مخالف را به خون غرق می‌کنسد، بگوش جهانیان برسانیم. رسوا کردن شاه آدرکشان، موجب ناتوانی و انزویای بیشتر است...

در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!